



انتشارات دانشگاه تهران

۱۰۵۸/۳

جلد سوم

جلد سوم

خوش نویسیان

نستعلیق نویسیان

تألیف



انتشارات دانشگاه تهران

شماره ۳/۱۰۵۸

گنجینه تحقیقات ایرانی

شماره ۲-۴۳



تهران ۱۳۴۸

چهارم

خوش نویسیان



نستعلیق نویسیان

جلد سوم

تألیف



135898

«

شماره مسلسل ۱۴۰۱

چاپ و صحافی این کتاب در یکهزار و دوویست نسخه در خرداد ماه ۱۳۴۸

در چاپخانه دانشگاه تهران خاتمه پذیرفت

حق طبع این کتاب تا سه سال در انحصار دانشگاه تهران

و مسئولیت صحت مطالب آن با مؤلف است

بها: ۱۰۰ ریال

توضیح

سومین مجلد آثار و احوال خوشنویسان تألیف دکتر مهدی بیانی، زمانی انتشار می‌یابد که مؤلف دانشمند آن روی درنقاب خاک کشیده است.

مرحوم مهدی بیانی که خود خطی خوش و به اسلوب داشت از شیفته‌گان آثار خوشنویسان بود و در طول سالهای متمادی همواره در تجسس بود که خطوط خوش از هر قلم را جمع آورد و هر مطلب و مضمونی که در باب خوشنویسان و آثار آنان در کتب و مراجع بدست می‌آید یادداشت کند. او درین زمینه کتابی پرداخت که بنا بر گفته خودش در شش هفت جلد احتمال اتمام داشت.

قسمت مهمتر و آماده‌آن، بخش نستعلیق نویسان یعنی مربوط به خطی بود که ایرانیان واضع و مبتکر آن بودند و این کتاب در سه مجلد به طبع رسید. دو مجلد آن را خود آن مرحوم متصدی طبع بود و در زمان حیاتش نشر شد و از مجلد سوم سی صفحه‌ای چاپ شده بود که بیماری سخت چنگ در جسم آن استاد زد و او را از کار بینداخت و چنانکه سنت روزگارست عاقبت او را از ما دور ساخت و کتاب نیمه کار بماند.

چون دریغ بود که این اثر عالمانه و پرفایده ناتمام بماند بازمانده مسوده کتاب که منقح بود از خانواده آن مرحوم گرفته شد و از همکار صمیمی و دانشمند آقای حسین محبوبی اردکانی که خود از دوستان اران و صاحب خط شیرین و خوش است و در کارهای علمی پایدور و با کوشش، خواستار شدیم که دنباله کار را بگیرد و کتاب را به اتمام برساند. خوشبختانه اینک آخرین مجلد از قسمت نستعلیق نویسان از چاپ خارج می‌شود. خانم منیژه بیانی دختر مؤلف نیز در غلط‌گیری اول قسمتی از کتاب معاضدت کرده است.

مرحوم بیانی سی خواست که مجلد چهارم کتاب را به نقل تصویر خطوط خوش که از مجموعه های مختلف عکس تهیه و یا خود عین خطوط را در طول سالهای دراز جمع کرده بود اختصاص دهد. اما اجل مهلتی بر او باز نگذارد، و فرصت نشد از ذوق و سلیقه او که شاخصیتی درین امر داشت استفاده شود و آنها را که او پسند می کند به چاپ برسانیم. قسمتی از مجموعه شخصی او در زمان حیاتش عکس برداری شد و امیدست در جلد چهارم با شرح هر عکس چاپ شود.

مرحوم بیانی مجموعه بسیار ارزنده و نفیسی از خطوط داشت. خوشبختانه وزارت فرهنگ و هنر آن مجموعه را خرید و اینک در سوزه هنرهای تزئینی نگارهایی می شود.

برای این سه جلد فهرستی فراهم گردید که معرف کتب و رسائلی است که به خطوط استادان کتابت و درین کتاب محل نگهداری و یا ملکیت هر یک معین شده است و این فهرست را آقای علی اصغر حسن تبار عمران از همکاران ارجمند اداره انتشارات دانشگاه تنظیم کرده است.

۴۴

* * *

گفتیم که مرحوم بیانی خود از خوشنویسان معاصر به شمار میرفت و مخصوصاً خط نستعلیق را خوش و شیرین می نوشت. نمونه آن اسم کتاب حاضرست که خود نوشته است. چون این کتاب در شرح حال نستعلیق نویسان است شرح حالی از آن مرحوم در ابتدا به چاپ می رسد و برای روان پرفتوحش طلب غفران خداوندی میشود. امید آنکه توفیق یار شود و یادداشتهای آن فقید درباره خوشنویسان اقلام دیگر به لطف بازماندگان ارجمندش به دست افتد و به چاپ برسد و دوره این اثر جاودانی و پرارزش صورت کمال پذیرد.



دکتر مهدی بیانی

شرح حال مؤلف

بقلم حسین محبوبی اردکانی

تقدیر چنین بود که نام دکتر بیانی - مؤلف کتاب - هم در ردیف خوشنویسان در گذشته درآید و بر صفحه تاریخ ثبت گردد. خوشنویس بود و خط‌شناس و در احوال خوشنویسان و شناختن خطوط آنان بصیر و آگاه. هر جا نشانی از خوشنویسی می‌یافت ثبت میکرد تا سرانجام بتاریخی چنین توفیق یافت. افسوس که خیلی زود نام خود او هم در شمار نامداران تاریخش درآمد و ایکاش زنده بود و به سلیقه مستقیم خود، این کار را پایان میداد.

دکتر مهدی بیانی از خاندانی از مستوفیان فراهان، در سال ۱۳۲۶ هجری قمری، در همدان متولد گردید. مادر و پدر و برادر و نیاگانش را بقول خودش، بعضی، میتوان جزو خوشنویسان آورد، و بنا بر این هنر خط و کتابت در خاندان او ارثی بوده است. در کودکی از مهرپداری محروم و با خانواده خود از همدان بطهران منتقل گشت. انتخاب نام خانوادگی او ظاهراً بمناسبت انتساب به سیرزا سلمان بیان السلطنه از منشیان و مستوفیان و مقربان ابوالقاسم خان ناصرالملک همدانی نایب السلطنه است که او خود در فنون ادب و استیفاء و هنر خط و انشاء از استادان بوده است.

در طهران بمدرسه گذارده شد و دوره دبستان را در مدرسه «اقدسیه» و «اشراف» و دوره دبیرستان را در دارالفنون گذرانید. معلم خط او در دوره دبستان مرحوم کاتب - الخاقان بود (ص ۶۳ ج ۱) و سید محمد شمس‌الکتاب (ص ۱۵۳ ج ۲) وی پس از گرفتن گواهی نامه دبیرستان وارد دارالمعلمین عالی (بعداً دانشسرای عالی) گردید و در رشته فلسفه و ادبیات بتحصیل پرداخت و بدرجه لیسانس رسید. پس از پایان

تخصیلات عالیہ برای انجام دادن خدمت نظام وظیفہ وارد دانشکدہ افسری شد و در سال ۱۳۱۱ شمسی خدمت خود را پیاپی رسانید .

در آغاز سال ۱۳۱۲ شمسی بسمت معلمی زبان و ادبیات فارسی و کتابداری کتابخانہ دانشسرای عالی استخدام شد . در سال بعد با حفظ سمت آموزشی خود ، بمدیریت کتابخانہ عمومی معارف منصوب گشت و در سال ۱۳۱۶ آن کتابخانہ را بصورت کتابخانہ ملی وابستہ بوزارت فرهنگ درآورد . باین معنی کہ مقداری از کتابهای کتابخانہ سلطنتی را کہ مقرر شدہ بود بہ کتابخانہ معارف انتقال دادہ شود تحویل گرفت و زمینہ تشکیل یک کتابخانہ معتبری را فراہم ساخت و سہ سال ریاست آن را بعہدہ داشت .

در سال ۱۳۱۹ برای مدت یکسال از طرف وزارت فرهنگ ساور اصفہان شد و چون بطهران بازگشت یکسال نیز در وزارت پیشہ و ہنر خدمتی آموزشی برعہدہ داشت ولی دوبارہ بخدمت کتابخانہ ملی درآمد و در ضمن تدریس در دانشکدہ ادبیات با سمت مدیر کلی ، در کتابخانہ ملی انجام وظیفہ مینمود . در سال ۱۳۳۵ با حفظ سمت استادی و بنا بعنایت شاہانہ ریاست کتابخانہ سلطنتی مفتخر گشت و این برای او موفقیتی بزرگ بود چہ از آن تاریخ گنجور گنجینہ بزرگی از ہنر خط و تذهیب و کتابت شد و برای دروس «تاریخ تکامل خطوط اسلامی» و «کتابشناسی نسخہ های خطی» کہ تدریس مینمود منابعی بسیار با ارزش در اختیار او قرار گرفت و تبحر و تخصص او روز بروز افزون تر گردید .

وی با ہمہ این مشاغل بعنوان کارشناس ہم در کمیسیون انتخاب و تقویم و تعیین قیمت کتب خطی و چاپی کہ برای فروش بہ کتابخانہ مرکزی دانشگاه و کتابخانہ مجلس و کتابخانہ ملی عرضہ میشد شرکت می جست . چہ در تشخیص ریزہ کاریها و فنون ہنر خط و تذهیب کاملاً دانا و بصیر و خبرہ و بقول یکی از دوستانش بدرجہ ای مسلط بود ، کہ خط استادان را از دور تشخیص میداد .

* * *

مرحوم دکتر بیانی در طی دوره سی و چهار ساله خدمت خود، مأموریت‌های فرهنگی موقتی هم ببعضی ممالک خارجی داشت و از کشورهای : هند، پاکستان، افغانستان، ترکیه، روسیه، لهستان، اتریش، آلمان، دانمارک، هلند، بلژیک، فرانسه، سوئیس، انگلستان و آمریکا دیدن کرد.

از تألیفات او آنچه به چاپ رسیده نخست «نمونه سخن فارسی» است که خود او آن را در سال ۱۳۱۷ در دانشسرای عالی تدریس میکرد. دیگر «راهنمای گنجینه قرآن» فروردین ۱۳۲۸ که با همکاری مرحوم دکتر مهدی بهرامی آن را تدوین و تنظیم کرده است، دیگر «فهرست خطوط خوش کتابخانه ملی» نوروز ۱۳۲۸ و «نمونه خطوط خوش کتابخانه سلطنتی ایران»، «احوال و آثار میر عماد»، «نمونه ای چند از خطوط خوشنویسان» (۱۳۳۲)، «احوال و آثار خوشنویسان» که سه جلد آن چاپ شده است و گویا مجموعاً به دوازده جلد میرسد.

و آنچه تا کنون چاپ نشده عبارتست از: «تاریخ پانصد ساله جواهرات سلطنتی ایران»، «فهرست کتابهای خطی فارسی کتابخانه سلطنتی ایران» - «تاریخ دریای نور».

کتاب و رسالات ذیل از متون قدیم نیز بوسیله او طبع و نشر شده است :

پنج رساله فارسی از شیخ شهاب الدین سهروردی بدین شرح :

۱- رساله فی حالة الطفولیه

۲- روزی با جماعت صوفیان (۱۳۱۷)

۳- عقل سرخ (۱۳۱۹)

۴- آواز پر جبرئیل ضمیمه مجله پیام نو (شهریور ۱۳۲۵)

۵- فی حقیقه العشق ضمیمه مجله پیام نو (اردیبهشت ۱۳۲۵)

السوانح فی العشق از احمد غزالی و ۳ صفحه (۱۳۲۲).

معراج نامه منسوب به ابن سینا و بخط امام فخر رازی و ۲ صفحه (۱۳۳۱).

بدایع الازمان فی وقایع کرمان (تاریخ سلاجقه کرمان) از افضل الدین کرمانی .

مقالات ادبی و هنری و تاریخی متعدد نیز از او در مجلات و جرائد داخلی و خارجی انتشار یافته است که بیشتر در اطراف هنر مورد تخصص وی است .

مرحوم بیانی سالها عضو انجمن فرهنگی ایران و شوروی بود و مجله پیام نوین زیر نظر او منتشر میشد و چون خود خطی خوش داشت - هر چند که از فروتنی هیچگاه به آن اشاره ای نکرده است - بخط و خطاطان علاقه داشت و از اینرو انجمن حمایت خط و خطاطان را پایه گذاری کرد و در شناساندن این طبقه هنرمند ، حتی الامکان کوشید . در بگ که روزگار خیلی زود و پس از ۶۱ سال زندگی ، در ۷ ذی قعدة ۱۳۸۷ برابر با ۱۷ بهمن ۱۳۴۶ او را در ربود و از جمع خویشان و دوستان بدربرد .

(با استفاده از مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی ش ۶۹۵ ص ۱۵ ص ۶۳۶ -

۶۴۹ و مجله راهنمای کتاب ش ۱ و ۲ و ۳ ص ۱۱ ص ۱۱۵ - ۱۱۸)

* * *

در پایان سخن ، شایسته مقام است که گفته شود که ای کاش باقی آثار مرحوم بیانی نیز بزیور طبع آراسته میشد چه او در فنی صاحب نظر بود که روز بروز سهجورتر و از دایره علم و دانش زمان دورتر میشد . نه تنها دیگر کسی بدنبال خوشنویسی و تعلیم و تعلم و تمرین و ممارست در این کار نمیرود بلکه فنون خط و کتابت و تذهیب و صحافی قدیم یکسره از میان رفته است یا در شرف از میان رفتن است . اصطلاحات مستوفیان و مترسلان پیشین و آداب کتابت و استیفاء را دیگر کسی نمیداند و عنقریب از مشکلات کتب خواهد گشت و چه بهتر که اگر یادداشتها و نوشته هائی از مرحوم بیانی باقی است با توجه به کتبی که در این فنون از قدیم مانده است چاپ شود تا این رشته از هنر اسلامی و ایرانی بکلی متروک و ناشناخته نماند . دیگر آنکه شرح احوال و آثار خوشنویسان وقتی کامل میشود که اولاً همه

مجلدات آن چاپ شود و ثانیاً نمونه خط خوشنویسان نیز بصورت عکس در دسترس همگان گذارده شود و این مسئله در نقشه کار مرحوم بیانی هم بوده است و اکنون جای آنست که ضمن کوشش در چاپ دنباله کتاب لا اقل از مجموعه خود آن مرحوم هم قطعاتی عکس برداری و گراور شود تا موجب مزید فایده گردد.

فهرست کتب خطی فارسی کتابخانه سلطنتی و تاریخ پانصدساله جواهرات سلطنتی ایران خود شایسته یک بحث علیحده است که اگر انتشار یابد دری از گنج شاهوار را بر روی هموطنان سی گشاید و امید است که علاقه مندان به ادب و هنر ایران، انتشار این آثار را وجهه همت خود قرار داده مطبوعات ایران را بیش از پیش غنی و سرشار، و مزین و ممتاز، و روح پرفتوح مرحوم بیانی را از خود شاد سازند.

رحمة الله عليه رحمة واسعة

گ

گاسی = دوست محمد کوشوانی

(۸۰۷) گلزار رقم

ندانستم لقب کدام یک از خوشنویسان هندوستان است و قطعه‌ای بهمین رقم در کتابخانه سرکاری رامپور است ، بقلم دودانگ و کتابت خوش ، که رقم و تاریخ چنین دارد : «راقمه گلزار رقم ، سنه احد» .

گلستانه = عالی اکبر - سید

گلشن = محمد گلپایگانی

(۸۰۸) گلشن رای

از خوشنویسان هندوستان است و قطعه‌ای بخطوی در سوزه پیشاور پاکستان است ، بقلم سه دانگ متوسط ، بارقم و تاریخ : « کتبه گلشن رای ، سنه ۷۷۷ جلوس اورنگ زیبی » که مطابق است با سال ۱۱۱۲ هجری قمری .

(۸۰۹) گلشنی علی - شیخ

صاحب نتایج الافکار گوید که ، از خاندان انصاری و از مردم جونپور بود . بسال ۱۱۱۷ متولد شد و نزد پدر خود شیخ عطاء الله ، بتحصیل علوم متداول پرداخت . سفری بشاهجهان آباد کرد و در خدمت میرافضل ثابت ، مشق سخن کرد . بامحمد علی حزین همدم بود . جز نستعلیق ، شکسته و ثلث را نیک می نوشت . آخر عمر منزوی شد و بسال ۱۲۰۰ در اطراف جونپور در گذشت .

(۸۱۰) گلشنی کاشانی

ابتدا سنگ فروشی می کرد و بعد دربار شاه طهماسب راه یافت و ظاهراً بتعلیم کودکان دربار پرداخت. مردی مصاحب و عاشق پیشه بود. شعر میگفت و نستعلیق را با سزه می نوشت. بعبهات سفر کرد و از آنجا بشوشتر افتاد و در تاریخ تالیف تحفه سامی (سال ۹۵۷) هنوز در این شهر می زیست.

(۸۱۱) گوهر شاد

دختر میر عماد سیفی حسنی قزوینی، بزرگترین نستعلیق نویس است. میرزا سنگلاخ گوید که، همسر میر محمد علی خدیو الخطاطین است و فرزند بسیار آورد که همه خوشنویس شدند.

گوهر شاد پس از قتل میر تا سال ۱۰۳۲. در اصفهان و سالها سوگوار بود و چون بیش تاب اقامت در این شهر نیاورد، بقزوین رفت و همانجا بود تا سال ۱۰۳۸. در گذشت. خط نستعلیق را از پدر خود تعلیم گرفته است و در میان زنان خوشنویس کسی را به زبردستی او در خط نستعلیق ندیده ام. از خطوط وی دیده ام:

یک نسخه گلستان سعدی، بقلم کتابت خوش بلکه عالی در کتابخانه سلطنتی و با اینکه رقم صریح و تاریخ: «کتبه العبد المذنب گوهر شاد غفر له [کذا] ۱۰۲۵» دارد، محمد کاظم واله خوشنویس، در پشت این نسخه، آنرا از خطوط خوب میر عماد تشخیص داده است؛

یک قطعه، بقلم نیم دو دانگ خوش بآب زر، با رقم: «نمّقه گوهر شاد، ۱۰۳۰» در مجموعه نگارنده.

ل

(۸۱۲) لاله در گاپر شاد

در شاه جهان نامه آمده است که ، فرزند لاله دیاناتهه و از خوشنویسان و تندنویسان هندوستان بود و نستعلیق و شکسته هر دو را خوش می نوشت و بارد و شعر میگفت و «مضطرب» تخلص می کرد و بزبان فارسی آشنا بود و در شاعری شاگرد محمد عیسی تنها بود . در اوایل دهه نهم از سال . ۱۲۰۰ در لکنهو در گذشت .

(۸۱۳) لاله لچهمی رام پندت

در شاه جهان نامه است که ، منشی زبردست و بزبان فارسی و عربی مسلط ، و نقاشی چیره دست بود و نستعلیق و شکسته را خوش می نوشت و در سرکار ذوالفقار الدوله میرزا نجف خان صدر اعظم شاه عالم (متوفی سال ۱۱۶۹) با احترام میزیست .

نستعلیق را از محمد حفیظ خان تعلیم گرفته بشیوه او می نوشت . سرانجام از بینائی چشم پوشید . تاریخ وفاتش را لاله سنکرناتتهه ، چنین بنظم آورده است :

تیره شد عالم بچشم مردمان

فیض بخش کودک و پیر و جوان

.....

(رفت لچهمی رام صدحیف از جهان)

از نظر چون رفت شمع بزم علم

یعنی آن شاهنشاه ملک سخن

.....

قادر دل خسته تاریخش بگفت

که می شود سال ۱۲۲۸ .

(۸۱۴) لامع نسفی

شاعر بود و نستعلیق را خوش می نوشت . هنگام تألیف تذکره نصرآبادی (حدود سال ۱۱۰۰) هنوز در قید حیات بود .

لسان الماک = هدایت الله کاشانی

(۸۱۵) لطفا اصفهانی

از نستعلیق نویسان قرن دوازدهم است و محمد صالح اصفهانی در تذکره خود گوید که ، بهندرفت و ظاهراً در زمان حیات مؤلف این تذکره (متوفی ظاهراً سال ۱۱۲۶) هنوز در قید حیات بوده است .

(۸۱۶) لطفا تبریزی

اونیز از نستعلیق نویسان قرن دوازدهم است و بقول محمد صالح اصفهانی ، او هم بهندوستان سفر کرده است .

لطف الله = شمس محمد

(۸۱۷) لطف الله لاریجانی - سید

از کاتبان گمنام قرن سیزدهم و ظاهراً در دربار فتح علی شاه قاجار ، باسر کتابت اشتغال داشته و شعر می گفته است . از آثار تفننی او ، یک نسخه گلستان سعدی در کتابخانه مجلس شورای ملی است ، بقلم کتابت متوسط ، با رقم و تاریخ : « حرره لطف الله الحسنی غفرله ۱۲۳۷ » . این نسخه از ابتدای گلستان شروع و به نیمه تمام شده است و بعد نیمه دوم ، وارونه از زیر آخرین کلمه آخرین سطر نوشته ، شروع شده و پایان گلستان یعنی آخرین کلمه آن بزیر اولین کلمه گلستان ، پایان می پذیرد . دیگر یک نسخه مجموعه غزلیات و رباعیات سعدی ، در مجموعه آقای دکتر

مهدوی است ، بقلم کتابت متوسط ، که چنین تمام می شود : « در عهد . . . فتح علی شاه . . . بترقیم دیوان همایون . . . شیخ سعدی شیرازی پرداخته ، امثال خدمت دانسته . . . تحریر یافته است . . . وانا الفقیر الحقیر ابن محمد زمان ، لطف الله الحسنی لاریجانی ، غفرلهما وستر عیوبهما ، سنه ۱۲۳۸ هجریه . . . »

دیگر یک نسخه دیوان حافظ ، در کتابخانه مرحوم سید عبدالرحیم خلیجی بقلم کتابت جلی خوش ، بارقم و تاریخ : « حسب الامر شاهنشاه . . . فتح علی شاه قاجار . . . بترقیم دیوان همایون خواجه حافظ شیرازی پرداخته . . . حرره العبد الحقیر ابن محمد زمان ، لطف الله الحسنی غفر الله لهما ، سنه ۱۲۳۷ هجریه . . . »

بامر پادشه تاج بخش ملک پناه

پناه عالم و جان جهان و ظل آله

گشوده بر ورق از نوک خامه مشکین

خطی چو خط جوانان لطیف ، لطف الله

(۸۱۸) لطف الله بن مصطفی

از کاتبان گمنام قرن نهم و بیخطوی یک نسخه جنگ اشعار متفرقه در کتابخانه دانشگاه استانبول است ، بقلم نستعلیق کتابت جلی متوسط ، بشیوه سلطان علی مشهدی ورقاع کتابت خوش ، بارقم : « چاکر آل عبا لطف الله بن مصطفی . . . »

(۸۱۹) لطف علی تبریزی

ملقب به صدر الافاضل از تعلیق نویسان زبردست قرن اخیر است . سایر خطوط و نستعلیق را نیز نیکومی نوشت . ترجمه احوالش در ضمن شکسته تعلیق نویسان آمده است . از خطوط نستعلیق وی ، بسیاری از عبارات و عناوین کتاب « مسدس » نسخه کتابخانه سلطنتی است ، که بقلمهای از دودانگ تا کتابت خفی خوش نوشته است .

۸۲۰) مالک دیلمی

اصلش از فیلووا گوش قزوین و از معارف دیلمیان که خاندانی شریف بودند و در قزوین زیست می کردند ، بود و اینکه صاحب کتاب « دانشمندان آذربایجان » اورا تبریزی دانسته ، جز او کسی متذکر آن نیست .

سالک بسال ۹۳۴ متولد شد و در ابتدای زندگی نزد پدر خود « شهره امیر » تعلیم خط ثلث و نسخ گرفت و در این خطوط شهرت یافت ، چنانکه گویند ، خط نسخ ویرا کسی از خط یاقوت تمیز نمی داده است . بعدها بفرآ گرفتن خط نستعلیق پرداخت و بقول صاحب قواعد خطوط ، هنگامی که رستم علی و حافظ بابا جان بسال ۹۴۴ بقزوین رفتند ، از ایشان تعلیم خط نستعلیق گرفت و خود مالک در مقدمه مرقعی که ذکر آن خواهد آمد ، بخط خود نوشته است : « وجناب مولانا رستم علی . . . حافظ بابا جان عودی و راقم حروف و استاد مظفر علی را واسطه وصول سند بمولانا سلطان علی ، اوست » .

بعضی گویند که ، خط نستعلیق را از میر علی هروی تعلیم گرفته است و صاحب مناقب هنروران و محمد صالح اصفهانی هم متذکر این مطلب است ؛ ولی خود او گوید که ، بعضی گفته اند : فقط از قطعات خطوط میر علی مشق کرده ، و صحیح همین است ، زیرا که مسافرت مالک بمشهد بسال ۹۶۴ و زمانی بوده که می علی دوازده سال پیش ، در گذشته بوده است ؛ و بنا بر این قول میرزا حبیب نیز درست نیست که گوید : عبید خان ازبک او را ببخارا برد و همانجا بود تا بسال ۹۰۹ در گذشت .

میرزا سنگلاخ بمعمول خود ، افسانه ای تراشیده و آورده است که : مالک

نزد میرعلی هروی مشق کرد و با خواجه محمود شهابی شاگرد میرعلی رقابت داشت و خواستگار دختر میرعلی بود. و این خلطرا از اینجا کرده است که صاحب گلستان هنر گوید : مالک نزد خواجه جمال الدین محمود شیرازی شرح تجرید و حاشیه و غیره میخواند.

شاهزاده صفوی ابوالفتح سلطان ابراهیم میرزا در آغاز شهرت مالک، ویرا نزد خود خواند و مالک در کتابخانه آن شاهزاده هنرمند هنرپرور بکتابت و تعلیم خط مشغول شد و هنگامی که بسال ۶۷۹ سلطان ابراهیم میرزا بمشهد رفت، مالک نیز همراه او بود و پس از یکسال و نیم اقامت در مشهد، چون شاه طهماسب عمارات دولتخانه قزوین را با تمام رسانیده بود، مالک را برای نوشتن کتیبه های عمارات، احضار کرد و سلطان ابراهیم میرزا مالک را روانه قزوین کرد و مالک بکتیبه نگاری پرداخت و در ایوان چهل ستون، غزل حافظ را که مطلعش این است :

جوza سحر نهاد حمایل برابرم یعنی غلام شاهم و سو گندسیخورم

بسال ۶۹۹ بر بوم طلا بلاجورد و غزل حسام الدین مداح را که مطلعش

این است :

ما غلامان شاه مردانیم رهبری غیر از او نمیدانیم

در سردرها و پنجره های ایوان و تاریخ بنا را که حاج عطاءالله ورامینی در

یک قطعه چهاربیتی آورده و این است :

شه از سال تاریخ پرسید، گفتم : (بهشت برین است خیر المنازل)

نوشت و پس از اتمام کتیبه نگاری، مکرر رخصت مراجعت بمشهد خواست

و سلطان ابراهیم میرزا بدفعات از مشهد مراجعت مالک را بمشهد از پادشاه خواستار

شد، ولی شاه طهماسب اجازه مراجعت نداد و همچنان مالک در ملازمت شاه در

تبریز و دیگر شهرها بود، تا در تاریخ هجدهم ذی الحجه سال ۹۶۹، در قزوین

در گذشت و همانجا بخاک سپرده شد. تاریخ وفاتش را کسی از معاصرین او چنین

بنظم آورده است :

صدحیف کز جهان رفت ، مالک یگانہ عصر

خطاط بود و فاضل ، درویش بود و سالک

یاقوت عصر خود بود ، روزیکه از جهان رفت

تاریخ فوت او شد (یاقوت عصر ، مالک)

این ماده تاریخ که در وفات مالک گفته شده سال نهصد و شصت و هشت را می نماید ، که ظاهراً درست نیست و قائل آن ، زیبائی لفظ را به بیان تاریخ واقعی که امثال این نوع تسامحات در بعضی ماده تاریخهای دیگر نیز مشهود است راجح شمرده . تاریخ وفات مالک دیلمی در سال نهصد و شصت و نه اتفاق افتاده و علی الظاهر اشکالی در آن نیست . حافظ حسین بن الکر بلائی نیز در بیاض خود با این عبارت تصریح کرده است « وفات مولانا مالک دیلمی نادر العصر بل الاعصار فی یوم - الاربعاء ۱۸ ذی الحجة حجة تسع وستین وتسعمائة » .

مالک هنرمندی مهربان و پرهیزگار بود و از شعر و معما و موسیقی و قوف داشت و گاه اوقات را صرف مطالعه و مباحثه می کرده و از اکثر علوم متداول مانند صرف و نحو و معانی و بیان و منطق و ریاضیات و حکمت بهره مند بوده است و در اوایل حال که در سلسله قاضی جهان و کیل اردوی شاه طهماسب بود و عالم شهیر خواجه جمال الدین محمود شیرازی نیز در آن جمع ؛ مالک نزد وی تحصیل علوم عقلی میکرد . مالک شعر نیز میگفت و جز قطعاتی که در ضمن مقدمه مرقع خواهد آمد ، صاحب روضات الجنان ، این قطعه را بوی نسبت داده که درباره عبد الله صیرفی خطاط سروده است :

صیرفی ناقد جواهر خط که به تبریز بود گوهر ریز

هست بر حسن خط او شاهد در و دیوار خطه تبریز

از شاگردان وی ، نام محمد حسین تبریزی و شاه محمد مهدی و عیشی و

قطب الدین یزدی را ذکر کرده اند ؛ اما اینکه بعضی گویند که میر عماد ابتدا نزد

وی تعلیم خط گرفت ؛ اگر چنین باشد باید میرعماد در کودکی که منتهی شش سال داشته است ؛ نزد مالک مشق کرده باشد .

یک سرقع ممتاز در کتابخانه خزینة اوقاف استانبول موجود است که با بهترین خطوط خوشنویسان و تصویر مصوران و تذهیب مذہبان قرن نهم و دهم ، آرایش یافته است .

این سرقع در ایام سلطنت شاه طهماسب اول به امر امیر حسین بیگ که از رجال دربار سلطان مذکور است ، بدستور و سرپرستی مالک دیلمی جمع آوری و تنظیم و تزیین و تجلید شده است و مالک خود بر آن سرقع دیباچه و مقدمه ای ، در ذکر ترجمه احوال خوشنویسان و نقاشان و مذہبان و دیگر هنرمندان انشاء کرده و بخط خود نوشته است ، که از حیث مطالب تاریخی و فنی هنری ، با ارزش و نمونه ای از بهترین خطوط شخص مالک و انشاء اوست .

متأسفانه نمیدانم این سرقع در چه زمان از صورت اصلی بیرون آمده و متفرق شده است که اکنون در قسمت موجود از میان و آخر ساقط دارد و قسمتی از آن بمرقع سید احمد مشهدی (که ذکر آن گذشت) منتقل شده و آنچه موجود است نیز پریشان و اوراق آن در محل اصلی در جای خود نیست ، چنانکه مقدمه سرقع در وسط و دیباچه آن در سرقع سید احمد مشهدی قرار یافته است .

با وجود نواقصی که در این مقدمه موجود است باز مغتنم ، و تماسی آنرا هر چه هست ، در اینجا نقل می کنم :

« نفیس ترین دیباچه ای که سرقع پوشان صواع قدس ، برای جلای ابصار ناظران مذہب و مہذب سازند ، و شریف ترین سفینه ای که سروق پوشان جواسع انس ، بجهت صفای اذهان حاضران ، مزین و مرتب گردانند ؛ کتاب حمد و ثنای مدبری است که صفحات صحیفه عالم کن فیکون بخامه کاف و دوات نون ، سرقوم ساخت و نسخه شکر و سپاس مصوری که اوراق جریده اسکان بصور نبات و حیوان و نقوش نفوس انسان پرداخت .

ذات او خارج از درون و برون
پاک از آنها که غافلان گفتند
فعل او فارغ از چگونه و چون
پاک تر زانکه عاقلان گفتند

و خلاصه لطایف موجودات و نقاوه صحایف سکونات ، ذات قدسی سمات حضرت خاتم النبیین محمد المصطفی صلی الله علیه وآله وسلم و حضرت امیر المؤمنین علی المرتضی صلوات الله وسلامه علیه و اولاده المعصومین ائمة الهدی علیهم افضل الصلوة والسلام والثناء گردانید.

رقم اصل لوح انسان را	ساخت ایزد وجود ایشان را
هر یکی صفر این رقم بودند	انبیا گر چه محترم بودند
پیشی صفر پیشی رقمست	گر چه پیشند و پیش ازین چه غمست

اما بعد، نموده سی آید که درین اوقات با برکات که صفحات ایام و لیالی، چون اردیبهشت ماه جلالی ، بارقام انوار هدایت و نقوش آثار ولایت نواب کامیاب شاه دین پناه، آنکه از القاب رسمی اعراض فرسوده و ذات اشرف خود را از کمال شرف بدین عبارت ستوده ، که خاک آستانه خیر البشر صلی الله علیه وآله وسلم ، رواج دهنده مذهب ائمه اثنی عشر صلوات الله وسلامه علیهم ، غلام علی بن ابی طالب علیه الصلوة والسلام ابوالمظفر شاه طهماسب الحسینی الموسوی الصفوی ، اشاع الله تعالی نعم عدالت و سلطنته علی العالمین؛ سنقوش و سزین است . و همچنانکه بمؤدای حقیقت انتمای، هوالذی انشأ جنات سعروشات ، و غیر سعروشات در منازل آب و گل بجای کلبه های سنخفص و خانه های بی صفا ، بناهای سرتفع و قصور دلگشا افراخته و در صحاری پر خار ، بدل حشایش و ایجار ، جنات تجری من تحتها الانهار، ساخته ؛ همچنین بمقتضای اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم ، زمین جان و سزرع جنان عساکر و رعایا را از خار اعتقادات فاسده و خاشاک عصیان و معانده ، پاک گردانیده و گلبن صلاح و تقوی و نهال ولای اهل بیت رسول خدا را علیهم الصلوة والتحیة والثناء ، بجای آن نشانیده . (نظم)

نگنجد درین تنگ میدان کتاب	برون بینم اوصاف شاه از حساب
ثنایش نگوید ، زبانش سباد	زبان آوری کاندین عدل و داد
بداندیش راتن چو تدبیر مست	تنش باد پیوسته چون دین درست

و اعیان دولت قاهره و ارکان سلطنت باهره ، بعد از آنکه از سعادت خدست و شرف زمین بوس ، مفتخر و مشرف گشته ، بمنازل خود باز می گردند؛ چون قیام بطاعات و اشتغال بعبادات می نمایند، صحبت با فضلا و اهل کمال می دارند، و همت بر مطالعه کتب و ملاحظه خطوط می گمارند ؛ خصوصاً امارت و حکومت پناه ، رفعت و حشمت دستگاه ، ناظم مناظم الحکومة برأیه المتین ، و صالح مصالح الاسارة بفکره الصائب المبین ، صنع المکارم والاحسان ، و مجمع المروة و الامتنان ، جامع محسنات معنوی و صوری ،

حاوی حیثیات و کمالات ضروری ، کمالاً للامارة و الحكومة و الرفعة و العز و الاقبال ، حسین بیک مدظلہ العالی ، کہ با وجود مناصب عالیہ و سهام عظام ، میل خاطر شریف و ہمت بلند بر مجالست ارباب فضل و مؤانست اہل ہنر و کمال سیگمارند و در اثنای صحبت ، گاہی مشغولی بمشق خط دقیق نسخ تعلیق ، کہ باتفاق اہل ہوش و فضل ریحان تازہ بستان ، الخط نصف العلم است ، مشغولی سی فرمایند و باندرک توجہی بوجہی ، آن خط مضبوط القواعد و کثیر الفوائد از قلم مشکین رقم ، صورت ارتسام داده اند ، کہ موجب حیرت ارباب خبرت می شود . و همچنین بہر ہنر کہ در اندک فرصتی مداومت نمودند ، بخوبترین صورتی انجام فرسودند . اما کمال شرف در مداومت بندگی و اطاعت و ملازمت فرمان برداری و طاعت بندگان نواب کاسیاب اشرف اعلی ہمایون دانستہ ؛ لہذا صورت حسن اخلاص و نیکو بندگی آن امارت و حکومت پناہ بر صفحات آئینہ ضمیر انور و سراء خاطر اقدس اطہر مرتسم گشتہ ، بعد از آن کہ منصب عالی خزانہ داری بدو رجوع فرسودہ بودند ، چون پدر صاحب جاہ عالی مقدارش ، قدوة الاسراء العظام ، مرجع الحکام الکرام مؤتمن الحضرة العلیة البہیة الخاقانية ، الواصل الی جوار الالطاف الرحمانية ، حسن بیک یوزباشی ، کہ از غایت شہرت نام ، حاجت بہ بیان علو منصب و مقام ندارد ؛ ازین دیر فانی بدار باقی رحلت نمود ؛ شفقت و عنایت شاہی و مرحمت و عاطفت ناستناہی ، شامل حال این فرزند نامدار سعادت آثارش کہ اکبر اولاد و اشرف اقوام و احفاد است ، فرسودہ ، جمیع مناصب والکا و ملازمان عظام آن عالیجاہ غفران پناہ را بمزید الطاف و سراحم بی - دریغ شاہانہ بدو مفوض و رجوع فرسودند و در تاریخ این احوال ، راقم حروف مالک الدیلمی را ، رباعی روی دادہ :

چون رفت حسن بیک ازین دیر تباه

شہ داد حسین بیک را منصب و جاہ

بر جای پدر نشست و تاریخ نوشت

(بادا ہمگی بر سر ما سایہ شاہ)

و چون بتقریب شق این رفعت و امارت پناہ ، ہر یک از مخلصان صادق و یاران موافق ، خطوط و تصویرات ، بنظر شریف ایشان میرسانیدند و رسائل مقبولہ سی گذرانیدند و ہر یک بخلعتہای دلپسند و انعامات ارجمند ، محظوظ و بہرہ مند می گشتند . تا آنکہ قطعہ های نفیس کہ ہر یک چون قطعہ یاقوت ، صفا و قیمتی تمام داشت و رسائل حسن الخط و المسائل کہ بازینتی مالا کلام بود بہم میرسید و صفحات صور حسنہ و اوراق نقوش

ستحسنة كه هريك از استادى كامل بدقت تمام حاصل شده بود، با آن خطوط منضم گردید ؛ بنا بر این بخاطر قرارداد اند كه از این جواهر نفیسه واستعة شریفه ، سرقعی ترتیب فرمایند كه هر ورقى از آن چون خلعت فاخر زرنگار سر صعب جواهر و لالی آبدار باشد ؛ بلکه هريك صفحه آن بمثابه گلشنى آراسته كه سبزه آن از ارقام عنبرین فام و گلهای فرح فزایش از نقوش و تذهیبات با صفا و اندام بود و جدول اطرافش بمنزله جداول و انهار ، كه از عكس سبزه و گل ، قوس و قزح وار ، رنگ زر و شنگرف و زنگار گرفته و نقوش طیور و اشجار بر حواشی آن چون بلبل خوش الحان و كبك خرامان باشد و صورتهای مطبوعش چون جوانان رعنا و صاحبان هوش و غنا كه در آن بساتین بسیر و كسب هوا مشغولند (نظم)

هر قطعه خط دلفریبش كز جدول و حاشیه است زیبش
باغیست بچشم خط پسندان پر سبزه و غنچه های خندان

تا همچنانكه در مجلس آن صاحب سروت و احسان، ذوق ارباب شوق از جمیع سرغوبات حسى لذتى كامل دارد ، همچنین بصرا اهل فهم و بصیرت از ملاحظه لطف صورت خطی و مشاهده حسن صورت ، حظی شامل یابد . (بیت)

چار چیز آمد كه یابد دیده و دل نور از آن

خط خوب و روی خوب و سبزه و آب روان

و چون راقم این حروف را نسبت با این عالیجاه اقبال پناه ، رابطه مؤانست و علاقه ملازمت ، مؤكد بود و همگی در مجلس عالی ایشان بمزید التفات و احسان از امثال و اقران ، امتیاز داشت و گاهی بمباحثه قواعد خطی و نوشتن سطور شقی، سامور و مشرف می شد و صورت اخلاص این مخلص در آن آئینه خاطر نقش بسته ، لطف و شفقت در تحسین و تعریف خطوط شكسته بسته این دلخسته می فرمودند ؛ واجب و لازم دید كه بآنچه از دست آید ، در خدست نوشتن قطعات و رسائل اقدام نماید و بعون الله تعالى و حسن توفیقه ، در بحر عمیق ، الخط هندسة روحانیة تظهر بآلة جسمانیة ؛ غواصی نمود و اصدا ف لالی و درر بساحل نظر اهل هوش و بصیر رسانید . اگر چه از حیثیت بی قدری راقم ، در دیده بی ذوقان چندان قدری نداشت ، اما چون بنظر سعادت از جوهریان بازار فهم و نظر در آمد . بیمن شرف قبول و تشریف تعریفشان از جواهر گرامی و گهرهای نامی بر سر آمد . (نظم)

جوهری قدر خط من داند ورنه در دهر بهره بسیارست
زان جهت خط من بود شیرین كه نی كلك من شكر بارست

و همچنین جناب استادالدهر و نادرالعصر جامع فنون حیثیات علمی و عملی استاد مظفرعلی، که جناب استادالبشر، معروف الزمان و مشهورالدوران، استاد بهزاد را، هم شاگرد بلاواسطه و هم خویش است و در جامعیت فنون استادی ازو بیش، صفحات تصویر دلگشا و ارقام گرفت و گیر، باقوت و صفا، قطعات سرقومه و محرره برقم و قطع و تحریر خود که هر یک مایه حیرت استادان ماهر و مصوران کاسل است، مرتبه مرتبه، سبب زیب و زینت خطوط و قطعات سابقه می نمود و مختلف التفات و نوازش از آن صاحب جود و احسان مشاهده می فرسود، تا باندک مدتی بسعی و اهتمام دو نادره فن خود، حافظ کلام مجید ملاسیح الله مذهب و جلال بیک افشانگر، اوراق این سرقع بهتر از آنکه در آئینه خیال سرتسم بود، صورت ترتیب یافت و اکثر حواشی آن اوراق سزین و مذهب بحل کاری استاد مظفرعلی مشارالیه شد.

و سردفتر استادانی که این سرقع بخط شریفشان سزین است، جناب استاد الماهرین و افتخار المعاصرین، الذی هو یاقوت فنه، و علی رقاب الكتاب طوق منه، المؤید بالفیض - السرسدی، مولانا سلطان علی المشهدی است؛ که هر نقطه از کلک شیرین حرکاتش، زبانیست در تعریف او، زبان قلم شکسته رقم امثال ما را چه حد توصیف او؛ کسی که از جام ذوق کاسی گرفته، چون تأمل نماید در همین مفردات که از قلم مشکین رقمش سرزده و این سرقع بان سزین شده؛ هر دایره از حروف آن سطور قدحی از شربت نبات یابد که مذاق جان شیرین کند؛ و هر الفش سیلی بر کحل سرور بیند که دیده را نور دهد. (نظم)

خط یاقوت را آنها که دیدند از آن سطری بیاقوتی خریدند

اگر یاقوت این خط را بدیدی ازین حرفی بیاقوتی خریدی

و نسبت شاگردی ایشان، بجناب مولانا اظهر هروی است، اگر چه سرخط از او نگرفته اند، اما از روی کتابات و قطعاتش مشق نموده اند.

و مولانا اظهر شاگرد مولانا جعفر تبریزی است.

و او شاگرد خواجه امیرعلی تبریزی است، که واضع اصل این خطست و بعد از او مرتبه مرتبه، صفا و تیزی قلم بر آن افزودند، تا آنکه جناب مولانا سلطان علی بکمال رسانید و از غایت قوت تصرف و انگیزه خیال بروشهای مختلف نوشت. و هر شاگردی از خرسن فیض او خوشه و از خوان رقمش، توشه یافت.

و از جمله شاگردان او، آنها که مشهورند و این سرقع بخطوطشان آراسته است، یکی مولانا سلطان محمد خندان است و دیگری مولانا سلطان محمد نور و مولانا علاء الدین

محمد هروی و مولانا زین الدین محمود داماد، که استاد جناب نادره عصر فی فنون الفضایل المختص باللطف الجلی، مولانا سیر علی روح روحه است.

و مولانا عبدی نیشابوری که استاد و خال جناب کمالات معنوی و صوری، مولانا شام محمود نیشابوری سلمه الله تعالی است.

و مولانا غیاث الدین سذهب و مولانا محمد ابریشمی و مولانا محمد قاسم شادیشاه و مولانا شمس الدین محمد کرمانی و مولانا پیر علی جاسی و جناب مولانا رستم علی، زید برکاته که نادره عصر و اوانند؛ حافظ باباجان عودی و راقم حروف و استاد مظفر علی را واسطه وصول سند بمولانا سلطان علی، اوست.

و از مولانا سیر علی دو شاگرد، مشهور شدند: یکی جناب سیادت سآب، سید احمد شهدی؛ و جناب فضایل ایاب، خواجه محمود بن اسحق شهابی سلمه الله تعالی. و صاحب النظم والخط، سلا عیشی هروی است، که شاگرد ملا سلطان محمد خندان است. و مولانا یاری هروی، شاگرد ملا محمد قاسم شادیشاه است.

و اما استادان روشهای دیگر که بعضی معاصر جناب مولانا سلطان علی شهدی بوده اند، و بعضی پیش از او، بهترین ایشان، جناب افادت سآب مولانا عبدالرحیم خوارزمی مشهور بانسی است، که شاگرد مولانا اظهر بوده، اما در تکلف و اصلاح افزوده.

و برادرش سلا عبدالکریم خوارزمی شاگرد اوست.

و مولانا سلطان علی قائی و مولانا سلطان علی سبز شهدی، شاگردان سلا اظهرند. و مولانا شیخ محمد اسامی و برادرش مولانا غیب الله اسامی، که هروی المولد، گیلانی المسکن اند، شاگردان مولانا اظهرند.

و مولانا شیخ محمود زرین قلم که خمسۀ غبار کتابت نموده، معاصر سلا اظهر و شاگرد سلا جعفر تبریزی است...

... الحق سرقعی صورت اتمام یافته، که اگر ناقدان خزاین خطوط و صور همیشه منظر نظر دقیق سازند رواست... تاریخ اتماش جناب فصاحت شعار سعادت آثار میرزا محمد اسینی نظم نموده:

سرقعی که حسین بیک کرده است انشاء

پی نظاره آن مهر طلعت مهوش

سفینه ایست مزین بصورت و معنی

جریده ایست مرصع بجوهر تیغش

پی حساب بتاریخ این خجسته رقم

بچشم لطف نگر در سرقع دلکش

این کتاب جانفزای دلگشا

قطعه های با صفای دلگشا

(گلشنی از قطعه های دلگشا)

چون حسین بیک از کرم ترتیب داد

شد گلستانی که گلهایش بود

کرد مالک بهر تاریخش رقم

چنانکه گذشت، این مقدمه و رساله پریشان و ناقص است، چنانکه ذکر

خوشنویسان بنام «شیخ محمود زرین قلم» تمام میشود و بقیه مطالب خاتمه که نقل شد، در سرقع «سید احمد شهدی» که ذکر آن گذشت، قرار یافته است.

از آثار خطوط مالک آنچه دیده ام، جز مقدمه مشروح سرقع مذکور، که بقلم

نستعلیق دودانک عالی است، ۶ قطعه از بهترین مشقهای وی در این سرقع جای گرفته که بقلمهای از پنجدانگ تا غبار عالی است. بعلاوه در همین سرقع رساله ای بخط وی هست در چهل و یک باب، که آبرابطریق چهار چهار، بقلم نیم دودانک عالی، نگاشته است و چنین تمام میشود:

«خدم بکتابتها باشارة الامیر الکبیر، مقرب الحضرة العلیة العالیة، صاحب-

الکمال والوجود والاقبال، نظاماً للدولة والحشمة و الرفعة والاجلال، حسین بیک مدالله ظلال حکومته و افضاله، فی شهر سنة ۹۶۷. و انا العبد مالک الدیلمی غفر له.»

و نیز قطعه ای از همان سرقع بخط مالک، غزلی از خود اوست که عیناً نقل

میشود:

بر سر کویت منم با چشم گریان آمده

دیده صد جور از پی بیک لحظه دیدار آمده

توزیبی رحمی نداده بار در بزم خودم

من ز بس بی طاقتی ، هر روز صد بار آمده

امتحان بس ، رحم کن جانا ، که از کویت بسی

رفته ام نومید و با امید بسیار آمده

مالک از آئینه روی تو می گوید سخن

طوطی طبعش از آنرو نغز گفتار آمده

مشقه ناظمه ، غفر ذنوبه .»

دیگر از آثار وی ، یک نسخه مناجات حضرت امیر و یک نسخه مفردات

نستعلیق است ، بقلم سه دانگ و دو دانگ و نیم دو دانگ خوش ، بارقم : «مشقه

العبد المذنب الراجی الی رحمة ربّه الغنی ، مالک الدیلمی غفر ذنوبه و ستر عیوبه

بدار السلطنة تبریز ، فی سنة ۹۵۵ هـ» در کتابخانه دانشگاه ، استانبول ؛

یک نسخه رساله باب حادی عشر ، بقلم کتابت خوش که چنین تمام می شود :

«تشرّف بتحریر هذه النسخة الشریفة و استسعد بمطالعتها العبد الفقیر الی عفوه سبحانه

مالک الدیلمی ، ختم الله بالحسنی ، فی شهر سنة ۹۵۶ هـ من الهجرة» در کتابخانه

مرحوم حاج سید نصر الله تقوی ، تهران ؛

رساله حسن و دل ، فتاحی نیشابوری ، بقلم کتابت جلی خوش ، که چنین تمام

می شود : «مخترع منظوم و منشور ، اقل العباد ، فتاحی نیشابوری ، والحمد لله وحده .

سوده مالک ، فی سنة ۹۵۷ هـ» در کتابخانه عمومی ، لنین گراد ؛

یک قطعه ، بقلم سه دانگ و کتابت خوش ، که رقم آن بقلم رقاع کتابت عالی

چنین است : «نمّقه العبد الفقیر ، مالک الدیلمی ، غفر له ، فی شوال سنة تسع وستین و

تسعمائة .» در همان کتابخانه ؛

و نیز قطعه متفرق و ضمن مرقعات دیگر ، در کتابخانه سلطنتی ، تهران ؛

کتابخانه دانشگاه ، استانبول ؛ کتابخانه ملی ، وین (ضمن مرقع سلطان مراد) ؛

مجموعه آقای مهدوی و نگارنده ، که یکی تاریخ سال ۹۶۸ دارد . ورقهای :

«مالک» و «مالک الدیلمی» .

در جزو مجموعه نگارنده بخط مالک منتخبی است از سبحة الابرار جامی که خود وی آنرا انتخاب کرده و اشعار برگزیده او در حدود چهارصد بیت است و خود در پایان کتاب دارد :

این نسخه که پرزیم تر از گلزار است

گل‌های مناجات درو بسیار است

چون لؤلوی شاهوار هر بیتی از او

درّهای عقود سبحة الابرار است

«حسب الاشارة جناب وحید الافاق جامع مکارم الاخلاق المولی عبدالمحسن سلمه الله و ابقاه و وفقه لما یحب و یرضاه ، صورت انتخاب گرفت و سمت است کتاب پذیرفت ، فی ذی قعدة حجة خمسين و تسعمائة هجرية . کاتبها داعی صاحبہ الفقیر مالک غفرالله ذنوبه و ستر عیوبه .»

این کتاب بقلم کتابت جلی خوش ، نوشته شده است .

با اینکه مالک را بخوشنویسی اقلام شش گانه ستوده اند ، اثری از این اقلام بخط وی جز چند سطر بخط رقاع کتابت عالی که در مرقع امیرحسین بیگ و قطعه کتابخانه لنینگراد نوشته است ، ندیده ام و همین اندک مایه ، نموداری از تسلط وی در آن اقلام است . از کتیبه هائی که گفته اند در عمارات قزوین نگاشته است ، ظاهراً اثری باقی نمانده است ؛ یامن نتوانسته ام بیابم .

همچنین از قرآنی که صاحب گلستان هنر کتابت آنرا بخط نستعلیق باونسبت داده است ، که ناتمام مانده ، اثری بجای نیست و شاید خوشنویس دیگری کتابت آنرا تمام کرده و در پایان بنام خود آنرا رقم کرده باشد ، که نظیر آنرا دیده ایم .

(۸۲۱) مالک قمی

تستعلیق را جلی و خفی خوش می نوشت و در قم به درویشی و کتابت اشتغال داشت و چون از قم بیرون نرفت ، خط وی شهرت نیافت . هنگام تألیف گلستان هنر (حدود سال ۱۰۵۲) هنوز در قید حیات بود و اینکه سپهر وفات وی را سال ۱۰۲۷ ضبط کرده ، درست نیست .

(۸۲۲) مانی شیرازی

میرزا حبیب گوید که ، در ابتدا برزگر بود و بعد سپاهی شد و در رکاب شاه اسمعیل اول صفوی بمقامات عالییه رسید .
شعر می گفت و خوش می نوشت و در تبریز مقتول و در سرخاب مدفون شد .
صاحب روضات الجنان قبر او را در مزارات سرخاب تبریز بجانب دست راست مزار پیر قندیلی نوشته ، می گوید : « که در اوایل سلطنت شاه اسمعیل صفوی نشوونما یافت و خالی از تقریبی نبود ؛ تا آخر به اغوای مغویان کشته گشت و آنجا مدفون است ویرا اشعار خوب است و دیوان وی در عراق و خراسان مشهور است . »

ماهر = علی قلی دامغانی

(۸۲۳) ماه شرف

در مجمع الفصحا آمده است که ، از زنان جمیله و دانشمند و هنرمند و دختر ابوالحسن بیک و همسر خسروخان والی کردستان بود . شعر می گفت و «مستوره» تخلص می کرد و خطوط را خوش می نوشت و بسال ۱۲۶۳ در گذشت .

مبتلا = محمد کاظم
مبتلا = سردان علی خان

(۱۲۴) متین ملاجیون

در لاهور سی زیست و مانند پدرش مکتب داری می‌کرد . در تذکره مردم-
دیده آمده است که ، نستعلیق و نسخ را خوش می نویسد . جوان مستعدی است .
فکر شعری کند و اغلب ماده تاریخ می سازد .
هنگام تالیف تذکره مردم دیده (سال ۱۱۷۵) بیست ساله بوده و اشعار
خود را برای اصلاح نزد حاکم لاهوری ، مؤلف مردم دیده می برده است .

متقی = علی
سجد الدین = ابوالفضل محمد ساوجی

(۱۲۵) مجد مذهب

از کاتبان و مذهببان گم نام قرن نهم است ، یک نسخه ترجمه رشف النصایح
الایمانیة ، بخط وی در کتابخانه سلطنتی است که ، بقلم کتابت متوسط نوشته است
و چنین رقم و تاریخ دارد : «تم الكتاب . . . فی سلخ ربیع الاخر سنة احدى وخمسين
و ثمانمائة الهجرية . کتبه و ذهبه العبد الضعیف المذنب مجد المذهب غفر الله» .

مجد الملک = تقی خان عبقری - میرزا
مجد الماک = محمد خان - حاجی میرزا
سجسی = محمد رضا
سجنون = قاسم
سجنون = محمد حسین شیرازی - میرزا

(۱۲۶) مجنون

فرزند کمال الدین محمود رفیقی شاعر خوشنویس است . نام اصلی وی را

نه خود نوشته و نه تذکره نویسان ذکر کرده اند و خود و همگی ، اورا به تخلص یاد کرده اند . متأخرین اورا با سیر علی هروی ، خلط کرده و نام اورا علی دانسته اند . اصل اورا بعضی هروی و بعضی مشهدی گفته اند ، مسلم اینست که خود و پدرش در هرات سی زیسته و از خوشنویسان و معاریف این شهر بوده اند . مجنون در رساله تالیف خود ، بعنوان «خط و سواد» ترجمه احوال خود را چنین آورده است :

«چون کاتب مکتوب حقیقی ، مجنون بن محمود الرفیقی ، بمقتضی ، الولد الحرّ یقلد با بانه الغرّ ، از اول طفولیت تا زمان کهولت در تحصیل خط و تکمیل اعداد سیاحت ، سعادت خدمت استادان ماهر و خطاطان نادر یافت ؛ از هر خرمی خوشه ای و از هر انجمنی توشه ای برسی داشت ؛ اما چون از نقصان قابلیت در آن صنعت لطیف و از آن علم شریف ، مقصودش حاصل نگشت و از آن سمرّ دری نگشود و در پناه اختراع مزید خطوط ابداع نمود که از آن جمله است «توامان» ، قدا اختراع اختراعا خطا غریبا مر کبائن المعکوس و غیر المعکوس مشکلا بشکل الانسان و غیره و سمیته بالتوامان فقسمة صورتین متشابهین المتقابلین ؛ برین صورت ،

توامان مخترع مجنون است کز قلم چهره گشائیا کرد

و قبل ازین در قواعد خطوط ، نسخه « رسم الخط » نظم کرده بود و ما یحتاج آن را بنوعی که از استادان شنیده بود ، بنظم آورده . اگرچه میل طبع موزون بنظم بیشتر است ؛ اما مبتدی را یافتن سخن نثر از نظم پیشتر . بنابراین در نثر نیز بهمان طریق ورقی چند ساخته شد و سطرهای چند در قواعد نسخ تعلیق ، که هیچ یکی از استادان پیرامن آن نگشته اند ؛ پرداخته آمد ، تا طالبان صورت خطی را حظی باشد و چون مبتدیان را از سواد آن حظش ، هم خط و هم سواد حاصل بود ، نام این نسخه «خط و سواد» مناسب نمود .

و نیز در رساله منظوم رسم الخط مذکور ، این ابیات ترجمه حالش را بیان

می کند :

بخط و شعر میلم بیشتر بود
هو الواثق بمعبود الحقیقی
سه کس را حق بود بر آدمی زاد
مرا ز اول درین دیرینه بکتاب
ز علم خط بسی تعلیم چون گنج
گهر پرداز درّهای معانی
محقق شد که تلشش نیست باری
بنسخ اهل خط، هنگام تحریر
چو از بهر کتابت خامه سر کرد
ز لفظش نکته ها بس می شنیدم
ز بیم آنکه این عقد جواهر
بنظم این جواهر عزم کردم
بصحرای تفکر رو نهادم
در آن دریا چو غواصان نشستم
روانی خامه سوزن وش کشیدم
کنوزشش جهت را من گشادم
بخط ثلث و توفیق و محقق
چو تعلیم سه خط گردید مفهوم
چو از رسم خطش تاریخ دادم

که این فضلیم ز میراث پدر بود
که نامی شد بمحمود الرفیقی
یکی پیرو دویم اب سیّوم استاد
هم استاد است و هم پیراست هم اب
بخاطر بود ز استاد گهر سنج
بحسن خط شده یاقوت ثانی
بود ریحان و نسخ او غباری
قلم دانش چو قندیل است پرتیر
خط یاقوت را زیر و زبر کرد
چو خود را قابل حفظش ندیدم
بیزد ناگهم از درج خاطر
بعزمش نیت خود جزم کردم
بدریایی پر از درّ او فتادم
بسی درّهای معنی داد دستم
چو درّ در رشته نظمش کشیدم
رسوزشش قلم را شرح دادم
بتوفیق خدا، گشتم موثق
سه خط دیگر از وی گشت معلوم
از آنش نام رسم الخط نهادم

که تاریخ تألیف آن می شود سال ۹۰۹ و منظومه را تقدیم ابوالمنصور مظفر

فرزند سلطان حسین میرزا بایقرا کرده است و گوید :

برسم تحفه پیش شه کشیدم
که قدرش راست گردون پایگاهی
سپهر سلطنت، سلطان مظفر

چو آن سازونوا از وی شنیدم
تمامش ساختم بر نام شاهی
ز مهر مرحمت تابان و انور

نهال تازه از باغ جوانی
بیا سجنون در انصاف بگشای
چو عاجز گشتم از مدح و ثنائش
گلی از گلبن چنگیز خانی
ز حدّ خویشتن بیرون منه پای
سخن را ختم کردم بر دعایش

این مثنوی در حدود چهارصد بیت است و ظاهراً آن را در مدت یک ماه بنظم آورده است و در خاتمه منظومه گوید :

بحمدالله که کرد این طرفه خامه
به نثرش گرچه بسیاری شنیدم
بنظمش خامه را کردم گهر بار
بیمن همت مردان آگاه
چو بر عزم شمارش دست بردم
اگرچه نظم او بس ناروانست
که صرافان نقد خرده دانی
ز دانش خرده بر نظمم نگیرند
بیامجنون حدیث از حد فزون شد
.....

چو ختم نامه این نظم کردی
خداوندا که این نظم روان بخش
بیامرز آنکه بی روی و ریایی
همان بهتر که کاغذ در نوردی
مبارک باد بر شاه جهان بخش
کند مسکین بی کس را دعائی

سام میرزا صفوی در تذکره خود آورده است که سجنون «رسالة نظمی باسم من در بحر لیلی و سجنون بسته ، در قاعده خطی و تعریف چگونگی قلم و سیاهی و رنگ کردن کاغذ و مایه تفق بها ؛ بیتی از آن بخاطر بود ، نوشته شد :

رنگی که صفای خط در آنست
از آب حنا و زعفرانست «

که البته مقصود ، رساله منظوم « رسم الخط » نیست که ذکر آن گذشت

و بنا بر این مؤلفات او تا آنجا که شناخته شد ، دو رساله منظوم با عنوان « رسم الخط » و « قواعد خطوط » و یک رساله منشور ، بعنوان « خط و سواد » است .

در گلستان هنر آمده است که ، یک مثنوی بعنوان « ناز و نیاز » نیز دارد .
و هم او گوید که « کتاب لیلی و مجنون هم از منظومات اوست که با اسم ساسی نواب
سام میرزا نوشته و نواب میرزائی در تذکره الشعراء ساسی ، ذکر او نموده اند » ولی
این یک ، سهو است و چنانکه گذشت سام میرزا نام رساله منظوم قواعد خطوط را برده
است که در بحر لیلی و مجنون است ، نه مثنوی لیلی و مجنون .

باری ، مجنون مردی درویش و ش بود و طبعی شوخ داشت و در خوشنویسی
متفنین بود . گاهی بدست چپ می نوشت و گاهی کلمات را از چپ بر است و وارون .
و همگی تذکره نویسندگان متفقند که بقدرت وی کسی در چپ نویسی نیامده است . نیز
چنانکه گذشت مخترع خط « توامان » است که خود گوید :

توامان مخترع مجنون شد	کز قلم چهره گشائی ها کرد
تا شدم مخترع و صورت کش	خطکم صورتکی پیدا کرد

صاحب گلستان هنر گوید که ، نستعلیق را با مزه و خوش و پیخته می نوشت و
از جمله خطی اختراع کرده بود که از ترکیب کلمات آن صورت انسان و حیوان بهم
می رسید و از جمله این مصراع را : « نرخ شکر و قند شکست از شکرستان » از دو طرف
نوشته بود ، بصورت سه چهار آدی که برز بر یکدیگر بوده باشند و صورت و خط هر دو
در کمال خوبی و مرغوبی بود .

میرزا حبیب وی را شاگرد عبدالله طباطبائی دانسته گوید : هفت قلم را خوش
می نوشت ؛ ولی دیگری متذکر این معنی نیست و چنانکه گذشت خود در مقدمه
رسم الخط ، خود را شاگرد محمود رفیقی پدر خود قلمداد کرده است . نیز او و به تبعیت
او ، صاحب پیدایش خط و خطاطان ، بسهو فاحش ، گویند که در زمان غازان خان
(۶۹۴ - ۷۰۳) و در خدمت او می زیست و این یک که ذکر تاریخ تألیف منظومه

رسم الخط را (که سال ۹۰۹ هجری شمس) کرده است و برای رفع اشتباه ، اشتباه دیگری را مرتکب شده گوید ، تاریخ تألیف «رسم الخط» نیست و «الخط» است که سال ۹۰۴ هجری شمس بود ؛ و با اینکه هر دو نام مجنون را جزو نستعلیق نویسان آورده اند ، آنقدر تصرف نداشته اند که تا یکصد سال پس از مرگ غازان خان ، هنوز خط نستعلیق نشأت نیافته بود . تاریخ وفات مجنون را فقط سپهر سال ۹۸۴ هجری ضبط کرده که البته سهواست و هرگز تا این زمان نزیسته است .

از خطوط مجنون فقط دو قطعه دیده ام ، باین قرار :

یک قطعه از مرقع بهرام میرزا ، بقلم نیم دودانگ خوش ، با رقم : « مشقه مجنون الرفیقی » در کتابخانه خزینه اوقاف ، استانبول ؛

یک قطعه چپ نوشته ، یعنی وارونه ، بقلم سه دانگ متوسط ، با رقم و تاریخ : « لشاعر مجنون ، حرره فی سنه ۲۰۹۰ » در مجموعه نگارنده .

(۸۲۷) مجنون بهبهانی

از کاتبان گم نام قرن یازدهم و از آثار وی یک نسخه فواتح (شرح دیوان حضرت علی بن ابی طالب) سبیدی ، در کتابخانه سلطنتی است ، بقلم کتابت متوسط با تاریخ و رقم : « فی شهر محرم الحرام سنه سبع وثمانین بعد الالف ... کتبه المذنب الحقیقیر مجنون بهبهانی ، غفر الله ذنوبه و ستر عیوبه » .

(۸۲۸) محب علی نایی

فرزند و شاگرد رستم علی خوشنویس است . کتابدار سلطان ابراهیم میرزا صفوی بود و به همین مناسبت « ابراهیمی » رقم می کرد .

محب علی به کتابداری قناعت نکرد و بلند پروازی آغاز نهاد و در مزاج ابراهیم میرزا و امور ملکی دخالت می کرد . پس از هشت سال که در خدمت این

شاهزاده بود ، شاه طهماسب او را بقزوین احضار کرد و مدتی در ملازمت سام میرزا بود ، بعد شاه طهماسب او را ملازم سید بیکک مشهور به سید منصور نمود . پس از چندی مرخص شد و بزیارت عتبات رفت و بقزوین بازگشت و بسال ۹۵۰ در گذشت و جنازه او را بهشهد منتقل کردند و در جوار قبر پدرش بخاک سپردند . ماده تاریخ مرگ وی را چنین یافته اند :

رفت از جهان فانی ، سلامحب علی حیف

یا رب بصدر جنت ، او را مقام بادا

چون نزد اهل دنیا ، مقبول و محترم بود

در آخرت الهی ، با احترام بادا

تاریخ سال فوتش ، پرسیدم از خرد ، گفت

(ملا محب علی ، را شافع امام بادا)

صاحب گلستان هنر گوید که ، این ماده تاریخ را سید احمد مشهدی بخط خود نوشته است و صاحب مطلع الشمس گوید که ، سید احمد آنرا بر سنگ قبرش نوشته است .

محب علی نستعلیق جلی و خفی را خوش سی نوشت و نام وی را جزو چهل تن خوشنویسان کتابخانه بایسنغر میرزا آورده اند .

سام میرزا در تذکره خود ، او را به بی پروائی و خوش طبعی و ظرافت ، یاد کرده و از ظرافت های او با سید بیکک مزبور قصه ای نقل کرده است که ، ذکر آن در اینجا مناسب نمی نماید . هم او گوید که نای را خوب می نوازد و بهمین مناسبت به «نایی» مشهور است .

صاحب مناقب هنروران ، در توصیف خط وی گوید که ، مفردات خطش متانت دارد ، ولی کرسی خط ندارد و ابیاتش بی بنیان است . بهر حال لطافت قلمش از بسیاری از استادان بیشتر است .

۱۲۹) محتشم اصفهانی

از کاتبان قرن دوازدهم و ظاهر آشغل وی ترجمه نویسی مصاحف در دربار شاه سلیمان حسین صفوی بوده و بهمین مناسبت کاتب السلطانی رقم کرده است.

از خطوط وی دیده‌ام :

یک نسخه گلستان سعدی، بدون رقم، با ترجمه ترکی، بقلم نستعلیق کتابت متوسط، با رقم و تاریخ: «کاتبه الضعیف محتشم ترجمه نویس قرآن مجید ربّانی» در کتابخانه سلطنتی، تهران؛

یک نسخه صحیفه سجادیّه، بدون رقم، با ترجمه و حواشی، بقلم نستعلیق کتابت خوش، با رقم: «کاتبه الضعیف فی ترقیم هذه الترجمة سلا محتشم اصفهانی» در همان کتابخانه؛

نسخه دیگر صحیفه سجادیه بخط جعفر، حواشی آن بقلم کتابت خوش، با رقم: «کاتبه العبد الجانی محتشم» و «کاتب ترجمه و حواشی، کاتب السلطانی، محتشم اصفهانی» در همان کتابخانه؛

یک نسخه رساله در وحدت وجود، بقلم کتابت خوش، با رقم و تاریخ: «... کاتب السلطانی محتشم الاصفهانی غفرله. سنه ۱۱۱۲» در کتابخانه مدرسه سپهسالار، تهران؛

یک نسخه قرآن بدون رقم، با ترجمه بقلم نستعلیق کتابت خفی متوسط، با رقم و تاریخ: «تمت علی ید الکاتب الجانی محتشم الاصفهانی، غفرله ولوالدیه المدعو بکاتب السلطانی، ۱۱۲۸» در مجموعه آقای مهدوی، تهران؛

یک قطعه، بقلم دودانگ و کتابت جلی متوسط، با رقم: «مشقه العبد الجانی محتشم» در مجموعه نگارنده.

محتشم السلطنه = حسن اسفندیاری

(۱۳۰) محراب بیک

محمد صالح اصفهانی و میرزا سنگلاخ وی را قزوینی و صاحب پیدایش خط و خطاطان ، اصفهانی و صاحب دانشمندان آذربایجان ، تبریزی دانسته اند .
 شاگرد میرعماد و سریع القلم بود و گویند روزی پانصد بیت کتابت میکرد .
 او را به پرهیزگاری ستوده اند و گویند که در دربار شاه عباس مکانت داشت و بتعلیم شاهزادگان مشغول بود و صاحب خط و خطاطان ، وی را داماد شاه عباس دانسته ، گوید : شاه ، خواهر خود را بعقد ازدواج او آورده است ؛ ولی میرزا سنگلاخ گوید که ، به پایمردی شاه عباس ، خواهر عبدالرشید ديلمی را گرفته است .
 صاحب دانشمندان آذربایجان او را جزو نسخ نویسان آورده ، گوید : قرآنی بخط نسخ از او دیده ام که تاریخ ۹۰۹ دارد ؛ و اگر چنین باشد ، این محراب بیک جز آنست که دیگران نقل کرده اند ؛ زیرا که آن دیگر را جزو نستعلیق نویسان آورده و تاریخ وفات او را سال ۱۰۶۱ ، در اصفهان دانسته اند .

محرم = علی محمد

محزون = محمد حسین تبریزی

محسن = عنایت الله

(۱۳۱) محسن

کاتب گمنامی از قرن یازدهم است و بخط وی دیده ام :

یک نسخه یوسف وزلیخا ، بقلم کتابت جلی متوسط ، با تاریخ ورقم : «تمام شد تصنیف رساله یوسف وزلیخا ، در روز چهارشنبه بیست و سیم ماه ذی الحجة ، در سال هزار و پنجاه و شش ، در شهر کشمیر جنت نظیر ، کاتبه العبد محسن غفر له»
 در کتابخانه سلطنتی ، تهران ؛

یک قطعه از مرقع ، بقلم چهار دانگ خوش ، بارقم و تاریخ : « راقمه محسن
۱۰۶۲ » در همان کتابخانه .

(۱۳۳۲) محسن - میرزا

محمد صالح اصفهانی ، وی را از شاگردان خود دانسته ، گوید : خوب
مینویسد . ظاهراً تا حدود سال ۱۱۲۶ در قید حیات بوده است .

(۱۳۳۳) محسن آشتیانی - میرزا

سپهر گوید که ، در علم انشاء مهارت داشت و نستعلیق را استوار نوشت و
بسال ۱۲۷۰ در گذشت .

(۱۳۳۴) محسن تفرشی - میرزا

محمد صالح اصفهانی گوید که « خوشنویس پرزوری است ، بکتابت مشغول
است » تا حدود سال ۱۱۲۶ (تاریخ وفات محمد صالح) هنوز در قید حیات بوده است .

(۱۳۳۵) محسن گلپایگانی - سید

از کاتبان قرن سیزدهم بود و از آثار وی دو کتاب چاپ سنگی شده است : یکی
زینت المجالس که ، بقلم کتابت خوش نوشته و بسال ۱۲۶۶ در تهران چاپ شده
است و دیگری جلد اول ناسخ التواریخ که ، بسال ۱۲۷۳ چاپ شده است .

(۱۳۳۶) محسن بن لطف الله سبزواری

از کاتبان و شاعران گم نام قرن دهم و یازدهم است و یک نسخه تذکره -

الشعراى دولتشاه سمرقندى ، بخطوى دارم كه بقلم كتابت متوسط نوشته است ،
 وچنين رقم دارد : «راقم اين كتاب ، محسن بن لطف الله معاد الحسينى السبزوارى
 را اين ابیات درحق فرماينده كتاب بخطورخطور نمود ، برسبيل ياد گارى ثبت افتاد :
 بکلك سعى رقم کردم اين صحايف را

بامر مالکک ملک هنر ، ملک محمود

شريف اهل قلم ، نيك راي آصف قدر

كه شد زفيض ازل بخت وطالعش مسعود

چنان بامر وزارت مهارتست او را

كه گر بعهد سليمان وحشمتش مى بود

بفضل خویش ، سليمان امور آصف را

باين مكرم دانا ، رجوع مى فرمود «

== محمد محسن هروی

محسن هروی

== علاء الدين

محمد

== نورالدين

محمد

(۱۳۷) محمد

صاحب خط و خطاطان گوید كه ، ابتدا خط ثلث و نسخ مى نوشت و بعد
 به نستعلیق میل کرد و آنرا خوش نوشت . شاه عباس صفوی او را ملازم خود کرد
 و پیوسته باوى روزگار مى گذرانید .

(۱۳۸) محمد - شيخ

از كاتبان شاه طهماسب و بسرعت قلم معروف بود . هنگام تأليف حالات
 هنروران (سال ۹۵۳) هنوز مى زيسته و بلقب «نظام الدين» خوانده مى شده است .
 از خطوطوى وقتى دیده ام :

یک نسخه تحفة الاحرار جامی ، بقلم کتابت خفی خوش ، بارقم : «تم الكتاب علی ید . . . الحقیق الفقییر شیخ محمد ، غفر ذنوبه و ستر عیوبه» .

۱۳۹) محمد - حاجی

خوشنویس گم نامی از قرن دهم و یازدهم است و بخطوی دیده ام ، یک قطعه از مرقعی در کتابخانه خزینة اوقاف استانبول ، بقلم نیم دودانگ و کتابت خوش ، بارقم : «اضعف العباد واحقرهم ، حاجی محمد» .

محمد - میر = میرزا بابای شیرازی

۱۴۰) محمد - میر

اونیز خوشنویس گم نامی از قرن دهم و یازدهم است و بخطوی دو قطعه در کتابخانه سلطنتی است ، بقلم دودانگ و کتابت خوش ، بارقم : «فقیر حقیر محمد - الحسینی ، غفر له» .

۱۴۱) محمد - حاجی امیر

شاگرد و جانشین عبدالرشید دیلمی است که ، در مسافرت کشمیر همراه او بود و بعد از او جدا شد . میرزا سنگلاخ گوید که ، شباهت خط او بر رشید بسیار بود . در جوانی داماد رشید شد . از جوانی شعر می گفت و خوش می نوشت و خود را بچندین واسطه بشاه محمود نیشابوری ، منتسب می ساخت . بسال ۷۳۰ . در کشمیر در گذشت .

(۱۸۴۲) محمد بن آقا خان

معروف به جلال الدین نخجوانی ، از خوشنویسان سال هزار هجری است .
میرزا حبیب گوید که بنام «انیس العشاق» کتابی دارد .

(۱۸۴۳) محمد ابراهیم

کاتب خوشنویسی است که ، نتوانستم او را با یکی از محمد ابراهیم های
خوشنویس آتی الذکر تطبیق کنم و بخط او یک نسخه منتخب حدیقه سنائی ، در
مجموعه آقای سلطان القرائی است که ، بقلم کتابت خوش نوشته است و چنین رقم
و تاریخ دارد : « کتبه الحقییر الفقیر محمد ابراهیم غفر ذنوبه و ستر عیوبه سنه ۱۲۱۱ »

(۱۸۴۴) محمد ابراهیم

ظاهراً از خوشنویسان گمنام نیمه دوم قرن دوازدهم و نیمه اول قرن
سیزدهم هندوستان است و بخط وی چهار قطعه در سرقعی از کتابخانه بادلیان است
که بقلمهای سه دانگ و دودانگ و کتابت متوسط نوشته است و رقم و تاریخ دارد :
« بنده کمترین محمد ابراهیم » و « ششقه العبد المذنب محمد ابراهیم سنه ۱۲۱۶ » .

(۱۸۴۵) محمد ابراهیم اولیا سمیع

معروف به حاجی آقا اولیا سمیع ، جد وی ، سمیع خان نامی ، از اهل الله
بوده است و همه خاندان او بهمین نام معروفند و این یک ، فرزند محمد حسین اولیا -
سمیع شیرازی بود و نستعلیق را خوش می نوشت و از علوم ادبی بهره داشت و شعر
می گفت و «صفا» تخلص میکرد و در خدمت حسام السلطنه سلطان مراد میرزا ، تربیت
یافته بود . از شیراز به هندوستان رفت و سالها در بمبئی بکتابت با مرکب چاپ اشتغال

داشت و از این راه سرمایه ای اندوخت و بتجارت پرداخت ؛ ولی یک بار مال التجاره اش در دریا غرق شد و حاصل کوشش زندگیش ناگهان بباد رفت .

سفری از بمبئی به حیدرآباد کرد و مدتی در آنجا بتدریس زبان فارسی مشغول شد . در اواخر عمر بایران بازگشت ، بمشهد رفت و بشیراز آمد . با صاحب طرایق - الحقایق دوستی و مصاحبت داشت . بسال ۱۳۰۱ در شیراز در گذشت و جنازه اش را به عتبات منتقل کردند .

از آثار وی بسیاری کتاب بچاپ رسیده است ، از جمله :

انوار سهیلی ، که بسال ۱۲۷۰ در هند چاپ شده و آن را بقلم کتابت خوش نوشته است ، چنین رقم دارد : « علی ید اقل عباد الله محمد ابراهیم الشهیر باقا ، خلف . . . محمد حسین خان اولیا سمیع الشیرازی . . . وقد حصل الفراغ من تحریر و الطبع فی ثالث عشرین من شهر جمادی الاول من شهر سنة سبعین و مائتین بعد الالف من الهجرة » ؛

تاریخ و صیاف ، که بسال ۱۲۶۹ در بمبئی چاپ شده است ، بقلم کتابت خفی خوش ؛

اخلاق ناصری و غیره ، که اجزاء خمسہ آن در یک مجلد بسال ۱۲۸۶ در بمبئی چاپ شده است ، بقلم کتابت خفی خوش ؛

شش دفتر مثنوی مولانا ، که بسال ۱۲۷۰ چاپ شده است ، بقلم کتابت خفی خوش ؛

کنز المصائب ، که بسال ۱۲۷۴ چاپ شده است ، بقلم کتابت متوسط ، و کتابهای دیگر .

(۱۸۴۶) محمد ابراهیم بن عبد الخالق

از کاتبان خوشنویس گمنام اوایل قرن سیزدهم بود و بخط وی یک نسخه

رساله از بهاء الدین محمد عاملی ، در کتابخانه مدرسه سپهسالار است بقلم کتابت خفی خوش ، بارقم و تاریخ : «تم علی ید افقر الخلاق محمد ابراهیم بن عبد الخالق فی یوم الخمیس ناسع عشرون شهر صفر المظفر ۱۲۳۸ هزار و دو بیست و سی و هشت هجری» .

(۱۸۴۷) محمد ابراهیم بن ملا علاء

پسر ملا علاء کاتب معاصر رشید است و محمد صالح اصفهانی گوید که ، «بدک نمی نوشت» هنگام تألیف تذکره او (پیش از سال ۱۱۲۶) در گذشته بوده است .

(۱۸۴۸) محمد ابراهیم فیضان

فرزند محمد حسین ناجی شاعر است . خود او نیز شاعر بود و در عهد بهادر شاه هندی (۱۱۱۹-۱۱۲۴) مصدر مشاغل گشت و نستعلیق را خوش می نوشت و در علوم معقول و فن انشاء از مشاهیر عصر بود . هنگام تألیف کلمات الشعراء هنوز میزیست .

(۱۸۴۹) محمد ابراهیم قمی

فرزند محمد نصیر ، از معارف نسخ نویسان ایران و در این خط استاد میرزا احمد نیریزی مشهور است .

با اینکه معروفیت آقا ابراهیم در خط نسخ است ، در سایر اقلام ، از جمله ثلث و رقاع و تعلیق و شکسته و نستعلیق ، نیز مهارت داشت و بقول سپهر در هنر تذهیب و جلدسازی نیز دست داشت و سرعت کتابت معروف بود . گویند سالی سه قرآن در مدت قلیلی کتابت میکرد و از حق الکتابه گزاف آن ، زندگی آسوده و سرفهی میکرد و تمام عمر را با دست باز ، مجرد گذرانید .

آقا ابراهیم ، در تمام دوره سلطنت شاه سلیمان و شاه سلطان حسین صفوی (۱۰۷۵ تا ۱۱۳۵) شهرت داشت و آثاری از آن زمان بخطوی بجاست .
تاریخ وفات وی را سپهر ، سال ۱۱۰۰ ضبط کرده که درست نیست ، زیرا که از آثار تاریخ داروی تا سال ۱۱۱۵ را نیز دیده ام .
از خطوط وی ، با قلام مختلف بسیار دیده شده است که هر یک در جای خود خواهد آمد ، و از خطوط نستعلیق وی دیده ام :
یک نسخه صحیفه سجّادیه ، بقلم نسخ ، که ترجمه آن بقلم نستعلیق نیم-دو دانگ خوش نوشته شده است ، و چنین رقم و تاریخ دارد : « کتبه العبد الفقیر محمد ابراهیم القمی ۱۱۱۲ » در مجموعه آقای دکتر مهدوی ، تهران ؛
یک نسخه قرآن بقلم نسخ ، که ترجمه آن برخی ، بقلم نستعلیق کتابت خفی خوش ، و خواص سورآن ، بقلم شکسته نستعلیق کتابت خفی عالی است ، با رقم : « کتبه محمد ابراهیم » در مجموعه نگارنده .

(۱۵۰) محمد ابراهیم مشکین قلم

از کاتبان قرن حاضر شیراز و بخط وی یک نسخه دیوان منسوب به بابا کوهی در شیراز چاپ شده ، که بقلم کتابت و سه دانگ متوسط نوشته است و چنین رقم و تاریخ دارد : « بید اقل محمد ابراهیم مشکین قلم شیرازی ، سمت تحریر یافت ، در سنه ۱۳۴۷ » .

(۱۵۱) محمد ابراهیم منعم

فرزند محمد علی بیگ شیرازی ، پیشخدمت خاصه حسین علی میرزا فرمانفرما بود . از جوانی بتحصیل کمالات پرداخت ، بدرویش مشربی و حسن خلق و صفای باطن معروف بود ، و معیشت خود را بکتابت کتابها میگذرانید . خوش می نوشت

و شعر نیکوسی گفت و «منعم» تخلص می کرد.

صاحب آثار عجم نقل می کند که بسال ۱۲۹۷ از صحن بی بی دختران در شیرازی گذشتم، وی را دیدم که نشسته بود و حفاری گوری را آماده می کرد. پس از اظهار مهربانی، گفت دستور داده ام که این قبر را برایم حفر کنند و تاریخ مرگ خود را «یا غفور» دیده ام. چند روز بعد چنانکه گفته و پیش بینی کرده بود، در گذشت و در همان گور بخاکش سپردند.

دیوان بیگی در حدیقة الشعرا، زیر عنوان منعم شیرازی می نویسد: «اسمش آقامحمد ابراهیم مشهور به «آقا» پدرش محمدعلی بیگ از خواص چاکران مرحوم حسینعلی میرزای فرمانفرمای فارس بود. منعم در اول حال از خدمت میرزای وصال تحصیل خط و کمال کرده بود، از فوت پدر و انقلاب امور فرمانفرما جزئی معونه برای او مانده بود، منزوی شد و به شعر گفتن و کتابت کردن پرداخت، گاهی از اندوخته پدر و گاهی از حق الکتابه و بعضی اوقات از صله، گذران می نمود، ولی مثل شعرای طامع نبود که هر روزی جزوه مدیح را بدست گیرد و به درب خانه هر کس رود، به اقتضای وقت و شخص گاهی شعر می گفت و بیشتر از میرزا محمدعلی خان ناظم الملک مدح می کرد، آن هم رعایت از او می نمود. خط نستعلیق را هم بسیار خوب می نوشت و مدار کتابتش بر آن بود، بسیار هم خوش سلیقه و پاکیزه و خوش لباس میزیست، صورتاً هم افتاده و معقول و فقیر مشرب، و عارف مسلک بود، حالا مدتی است ملاقاتش نکرده ام اما این قدر معین است که تا کنون که سال هزار و دویمت و نود و شش است در قید حیات است...».

بخط وی دیده ام:

یک نسخه مثنوی مولانا، بقلم کتابت خفی خوش بارقم و تاریخ: «کاتبه منعم، فی شهر ربیع الاول سنه ۱۲۶۱» در کتابخانه آقای دکتر مهدوی، تهران.

محمد ابراهیم (سیرزاعمو) = ابراهیم تهرانی

(۱۵۲) محمد ابراهیم نواب

فرزند محمد مهدی طهرانی است. ملقب به « بدایع نگار » و از مورخان و خوشنویسان دوره محمد شاه و ناصرالدین شاه قاجار بود.

از آثار منشآت او، ترجمه نامه حضرت علی بن ابی طالب بمالک اشتر و فیض الدموع است که بخط میرزا محمد رضای کلهر، بچاپ رسیده است. وفاتش بمرض سکتہ بسال ۱۲۹۹ اتفاق افتاد و جنازه او را به نجف منتقل کردند.

مرحوم میرزا محمد خان قزوینی، در وفیات معاصرین گوید: « از منشیان و مورخان عهد ناصرالدین شاه، و مؤلف مقتل معروف به فیض الدموع و ترجمه نامه حضرت امیر بمالک اشتر و مؤلف کتابی در تاریخ بنام عقد اللالی است. مدتی در دفتر وزارت امور خارجه منشی بود. وفاتش بتاریخ نیمه ماه ربیع الاول سال هزار و دوویست و نود و نه قمری در طهران اتفاق افتاد و جنازه اش را بنجف اشرف حمل کردند. »

یک نسخه کتاب هزارستان، بخط وی در کتابخانه سلطنتی است که در مقدمه آن چنین آورده است:

«... درین عهد... محمد شاه غازی... بحمد الله، که از توجه خاطر و همت باطن و ظاهر خواجه اجل... حاجی میرزا آقاسی... که عهد گل را چنان که دانی وفائی نیست و ناله بلبل را بقائی نه... گفتا اگر خاطر از عزلت بفرساید، طریق چیست؟ - گفتم: در نظر است که برای بارگاه همایون... محمد شاه غازی کتاب هزارستان تصنیف کرده آید...»

و این دیباچه را بسبک گلستان سعدی نگارش داده و در آخر نسخه چنین یاد کرده است:

« کاتب این اوراق و ناظم این ابواب، محمد ابراهیم بن مهدی طهرانی،

ملقب بنوآب ، بر لوح خاطر ارباب بینش که برگزیده آفرینشند ، سی نگارد که این بنده از آغاز جوانی ، تحصیل محاسن را مواظب بود و تکمیل معارف را مراقب . از آنجا که اجداد امجادم را سرمایه معیشت پیوسته امر تجارت و شغل زراعت بود این بنده هم بحکم ، الولد سرآبیه ، دست از تکمیل کمال باز داشته ، همت بر تحصیل مال گماشتم . روزگاری در کار تجارت خون دل خوردم و رنج بی حاصل بردم . نه درخور ریاست شهری شدم و نه قابل کفایت امری . نه در نظر عام و خاص خاص گشتم و نه در نظر خاص ، اختصاص یافتم ، هرچه اندوختم ، خوردند و هر چه گرد آوردم ، بردند . بناچار دامن از معاشرت فراهم چیدم و در نشیمن عزلت خریدم و رفع ملال را ، گاهی بمطالعه ابیات عرب و اشعار عجم سرگرم بودم . چندی نیامد که عزم تصنیف این کتاب دامن گیر خاطرم شد ؛ بتألیف آن پرداخته ، در روزگاری اندکش تمام ساختم و از آنجا که گلستان املح الشعرا را هزار دستانی در کار بود ، آن را هزار دستان نام نهادم . امید که در همایون بزم شاهنشاه جهانیان پناه . . .
نغمه پرداز آید . . .»

از خطوط وی دیده‌ام :

یک نسخه هزار دستان مذکور ، بقلم نیم دودانگ خوش ، که چنین تمام می‌شود : « . . . تمام شد کتاب هزار دستان در ماه جمادی الاولی سنه ۱۲۶۰ » در کتبخانه سلطنتی ، تهران ؛

یک مرقع شش رقعهای و یک رساله در حکمت ، تألیف حاج میرزا آقاسی ، بقلم نیم دودانگ خوش ، با تاریخ ورقم : « در سال هزار و دوویست و شصت هجری کمترین بنده درگاه ، محمد ابراهیم بن محمد مهدی رازی ، از نگاشتن این مبارک نامه شرفیاب آمد . امید که پسندیده آید . » در همان کتبخانه .

(۱۵۳) محمد ابراهیم واقعه‌نویس - ملا

محمد صالح اصفهانی گوید ، که « قلم بسوار تنیدی دارد و چسبان و بمزه

سی نویسد» تا حدود سال ۱۱۲۶ (تاریخ سرگ محمد صالح) هنوز میزیسته است.

(۱۵۴) محمد ابراهیم همدانی - میرزا

محمد صالح اصفهانی گوید که «وزیر نخب جوان است و خوشنویس خوبی شده است». در زمان حیات محمد صالح (سال ۱۱۲۶) هنوز میزیسته است.

(۱۵۵) محمد ابریشمی

از جمله چهارشاگرد معروف سلطان علی شهدی و مورد نظر مهر اسیر علی- شیر نوائی بوده است. خط وی را به شیرینی و پختگی و سزه ستوده، و او را سرآمد شاگردان سلطان علی دانسته اند؛ ولی آنچه سن از آثار خطوط او دیده و استنباط کرده ام اینست که، از سایر شاگردان سلطان علی، یعنی سلطان محمد نور و سلطان محمد خندان و زین الدین محمود، خط را فروتر می نوشته و آنچه در خط وی نیست، سزه و استواری است.

صاحب گلستان هنر نیز خط محمد ابریشمی را ستوده و شاید شیفته کتیبه ای شده که محمد ابریشمی شعر آن را سروده و خود بر سنگ قبر سلیمان علی شهدی نوشته است، و متأسفانه اکنون از این سنگ قبر اثری نیست، تا بتوان درباره کیفیت خط آن حکم کرد.

محمد ابریشمی بقول سپهر، بسال ۹۳۵ در گذشته و مسلم اینست که در تاریخ ۹۲۳ حیات داشته، و در تاریخ ۹۵۱ در گذشته بوده است که، در قطعه ای کسی نوشته است «مولانا محمد ابریشمی کاتب راست، علیه الرحمة و المغفرة. سنة ۹۵۱».

از آثار وی دیده ام:

یک قطعه از سرقعی، بقلم دو دانگ متوسط، بارقم: «العبد الفقیر، محمد

ابریشمی المشهدی غفر ذنوبه» ، در کتابخانه سلطنتی ، تهران ؛
 یک قطعہ سورہ فاتحہ ، بقلم دودانگک ونیم دودانگک متوسط ، بارقم : «الحقیر
 محمد ابریشمی المشهدی غفر ذنوبه» در مجموعہ آقای کریم زادہ ، تهران ؛
 یک قطعہ ، بقلم دودانگک و کتابت خوش ، با رقم : «فقیر محمد ابریشمی
 المشهدی الکاتب غفر ذنوبه» در مجموعہ نگارندہ ؛
 یک قطعہ بقلم سہ دانگک و دودانگک متوسط ، بارقم : «العبد الفقیر المذنب
 محمد ابریشمی المشهدی غفر ذنوبه» در کتابخانہ عموسی ، لنین گراد ؛
 یک رسالہ در علم قافیہ ، در ضمن یک سرقع ، بقلم نیم دودانگک متوسط ، با
 رقم و تاریخ : «العبد الفقیر محمد ابریشمی المشهدی ، فی شہور سنہ عشرین و
 تسعمائۃ» در کتابخانہ دانشگاہ ، استانبول ؛
 یک قطعہ ، بقلم پنج دانگک جلی و دودانگک متوسط ، با رقم : «فقیر محمد
 ابریشمی» در همان کتابخانہ ؛

یک نسخہ منطق الطیر شیخ عطار ، بقلم کتابت جلی متوسط ، بارقم و تاریخ
 «العبد الفقیر محمد ابریشمی المشهدی غفر ذنوبہ و سترعیوبہ ، فی شہور سنہ ثلاث و
 عشرین و تسعمائۃ من الهجرة النبویة علیہ السلام والتحیة» در موزہ آثار اسلامی و ترک
 استانبول ؛

دو قطعہ از مرقع شاہ اسمعیل ، بقلم دودانگک ونیم دودانگک و کتابت وغبار
 خوش ، دو بیت شعر از خود او ، باین مضمون ورقم :

« سپہر از خط اظہر ساختی خط ترا اشہر

اگر بودی فزون تر ... ابریشمی دیگر

و

زہر طریقہ خط و، زہر کہ خواہی باش

چو در مقابلہ آیم ، بر آن بود ظفرم «

«مشقه العبد الفقير محمد ابريشمی المشهدی غفر ذنوبه» و «العبد الفقير محمد ابريشمی المشهدی» در کتابخانه خزینه اوقاف، استانبول؛
 دو قطعه از سرقع بهرام سیرزا، بقلم دودانگ و کتابت خوش، بارقم: «العبد الفقير محمد ابريشمی المشهدی غفر ذنوبه». قائلها قبله الکتاب مولانا سلطان علی المشهدی، مشقه العبد الفقير محمد ابريشمی الکاتب غفر ذنوبه» در همان کتابخانه؛
 یک قطعه از سرقع سید احمد مشهدی، بقلم نیم دانگ و کتابت جلی خوش بارقم: «کتبه العبد الفقير محمد ابريشمی المشهدی غفر ذنوبه» در همان کتابخانه؛
 یک قطعه از سرقع دیگر، بقلم دودانگ خوش، بارقم: «جهت فرزند شاه-حسین محرر شد». مشقه محمد ابريشمی المشهدی غفر ذنوبه و سترعیوبه» در همان کتابخانه.

(۱۵۶) محمد بن احمد - شیخ

از کاتبان گمنام قرن نهم و از قدمای نستعلیق نویسان بود و بخط وی یک نسخه دیوان شمس تبریزی در کتابخانه ایا صوفیه استانبول است، بقلم کتابت متوسط، که چنین تمام می شود: «تمت الکتاب بعون الملک الوهّاب، علی ید اضعف عباد الله الاحد الصمد شیخ محمد بن احمد، احسن الله احواله، فی سنه ۸۳۲».

(۱۵۷) محمد استرآبادی

در تحفه سامی است که فرزند سلطان محمد و شاعر بود و «مشرقی» تخلص می کرد و خطوط را خوش مینوشت، و در سنین جوانی در گذشت.

(۱۵۸) محمد اسعد - شیخ الاسلام

میرزا حبیب گوید : در نستعلیق از محمد رفیع افندی اجازه داشت ، و بسال ۱۱۹۲ در گذشت .

(۱۵۹) محمد اسعد یساری

از نستعلیق نویسان زبردست عثمانی بود و بدست چپ می نوشت ، و بهمین مناسبت به «یساری» معروف گردیده است . در خط نستعلیق شاگرد دده زاده سید محمد افندی است . بدربار سلطان احمد ثالث راه یافت .

از آثار وی لوحه ای در سحر اب ایاصوفیه بعبارت : «حسبی الله وحده» است که میرزا حبیب گوید «عبرة للمناظرین» است . این لوحه که بقلم زر روی کاغذ مشکی بقلم شش دانگ کتیبه نوشته شده است و رقم دارد : «کتبه العبد الجانی محمد اسعد الیساری» البته خط خوشی است ، ولی در همان قبه لوحه هائیمست ، از جمله هشت لوح عظیم ثلث بخط مصطفی افندی که از عجایب کتیبه نگاری است و آنها را باید «عبرة للمناظرین» دانست .

از مشقهای وی دو قطعه از مرقعی است ، بقلم دودانگ و کتابت جلی خوش بارقم و تاریخ : «الفقیر محمد اسعد الیساری غفرله فی سنه ۱۱۸۴» در کتابخانه دانشگاه ، استانبول ؛

و دیگر قطعه ای از یک مرقع ، مقابل قطعه دیگر که بخط میر عماد است و محمد اسعد آنرا باستادی نقل کرده است ، بقلم سه دانگ و نیم دودانگ عالی ، با رقم «نقله الفقیر الحقیر محمد اسعد الیساری ، عن خط عماد الحسنی غفرلها ۱۱۹۳» در سوزه آثار اسلامی و ترک ، استانبول ؛

(۱۶۰) محمد خان اسعدالدوله

رئیس ذخیره توپخانه ، فرزند محمد قلی خان حاجب الدوله افشار بود .
چندی بشیرازرفت . در علوم ادبی فارسی و عربی ماهر بود و نستعلیق را استوار مینوشت
هنگام تألیف آثار عجم (سال ۱۳۱۳) هنوز در قید حیات بود .

(۱۶۱) محمد اسفزاری

سعید الدین محمد اسفزاری ، مؤلف تاریخ هرات و غیره را میرزا حبیب جزو
خوشنویسان نستعلیق آورده و سهو کرده است که وی تعلیق نویس بوده است که
در حبیب السیر ، درباره وی چنین آمده است : « مولانا سعید محمد اسفزاری عمده
مترسلان زمان خود بود و بنظم اشعار نیز مشغولی مینمود . از حسن خط تعلیق
بهره تمام داشت و اکثر اوقات بر تعلیم قواعد آن فن همت میگماشت . از جمله مؤلفاتش
تاریخ بلاد هرات و ترسلی مشتمل بر منشآت و مناشیر و مکتوبات در میان مردم مشهور
است . . . »

(۱۶۲) محمد اسلم

سردی متقی و مرتاض بود ، نستعلیق را خوش می نوشت . وی فرزند
محمد حفیظ انصاری قادری مصنف کتاب فرحة الناظرین (تاریخ مسلمین هندوستان
از آغاز تا سال ۱۱۸۴) است . غلام محمد هفت قلمی باوی ملاقات داشته و گوید
که بطرز و شیوه رشید اکتابت می کرد و در خط او متانت و شیرینی بسیار است .

(۱۶۳) محمد اسمعیل افشار

کاتب خوشنویس گمنام قرن سیزدهم و بیخط وی یک نسخه نثر اللالی در

کتابخانه سلطنتی است ، بقلم کتابت خوش ، با رقم و تاریخ تحریر : « حرّره غلام بی مقدار ، محمد اسمعیل افشار ، فی سنه ۱۲۹۵ » .

یک قطعه سیاه مشق ، بقلم دودانگ خوش ، با رقم و تاریخ : « خانه زاد قبله عالم محمد اسمعیل . ۱۲۶ » در مجموعه آقای کریم زاده است که ، احتمالاً بخط همین محمد اسمعیل افشار است .

۱۸۶۴) محمد اسمعیل خان شیرازی

در فارسنامه ناصری است که ، فرزند اسدالله خان بن حاج ابراهیم خان اعتمادالدوله کلانتر است . بسال ۱۲۱۷ در اصفهان متولد شد و در بروجرد نشو و نما یافت و تحصیلات مقدماتی را در آنجا کرد . همه خطوط را خوش می نوشت و در تحریر سایل مهارت داشت . سالها در دستگاه محمد تقی میرزا رکن الدوله خوانسالار بود . بسال ۱۲۴۷ با پدر خود بشیراز آمد . مدتی ندیم فرمانفرما بود . بسال ۱۲۸۰ از شیراز باذریجان رفت و مدتی در خدمت مظفرالدین شاه که آنوقت ولیعهد بوده است ندیمی داشته و در تبریز سرمایه ای بهم آورد و بشیراز بازگشت و بسال ۱۲۸۹ درگذشت .

قطعاتی با رقم «محمد اسمعیل» دیده ام که نمیدانم از همین کاتب است یا دیگری ، باینقرار :

یک مرقع مناجات حضرت امیر ، منقول از خط میر عماد ، بقلم نستعلیق دو - دانگ خوش ، با رقم : «شرف بکتابتها العبد الفقیر الحقیر محمد اسمعیل ، غفر ذنوبه و ستر عیوبه» در کتابخانه سلطنتی ، تهران ؛

یک قطعه بقلم دودانگ بسفیداب ، با رقم : «محمد اسمعیل غفر له» در مجموعه

نگارنده .

(۸۶۵) محمد اسمعیل شیرازی

فرزند حاجی محمد باقر، از کاتبان گمنام قرن سیزدهم و بخطوی یک نسخه از کتاب *بستان السیاحه* در کتابخانه سلطنتی است، بقلم نستعلیق تحریر غبارخوش با رقم و تاریخ: «راقمه العبد المذنب العاصی الی رحمة الله الغنی» محمد اسمعیل بن... حاجی محمد باقر شیرازی غفرله فی شهر جمادی الاول سنه ۱۲۴۹» و یک نسخه *روضه الطاهرین*، بقلم کتابت خفی خوش، با رقم و تاریخ: «العبد الاقل العاصی» محمد اسمعیل شیرازی، فی شهر سنه ۱۲۴۶» در کتابخانه دانشگاه، حیدرآباد سند، پاکستان.

(۸۶۶) محمد اسمعیل عاقل

بعضی ویرا بهمین نام ذکر کرده اند، و صاحب فهرست قطعات خوش خط موزه دهلی احتمال داده است که، شاید همان محمد اسمعیل غافل آتی الذکر باشد که روشن رقم لقب داشته است. ابتدا هم بنظر میرسد که هر دو محمد اسمعیل یکی باشد، ولی عبارت *مرآة العالم* که گوید: «این چند بیت از واردات قریحت آن غافل تخلص آگاه دل است...» بتعریض می رساند که تخلص او «غافل» است که «آگاه دل» را با آن مقابل آورده است.

(۸۶۷) محمد اسمعیل غافل

از مردم سازندگان است که بهندوستان رخت کشیده و در دربار اورنگ زیب (۱۰۶۹-۱۱۱۸) راه یافته و بخطاب «روشن رقم» سرافراز شده است. خطوط ثلث و ریحان و رقاع و نستعلیق را خوش مینوشت و منشی زبردست بود و بدبیری خاص پادشاه مخصوص. شعر می گفت و «غافل» تخلص اوست. سفری بمکه کرد و با

بختاور خان صاحب مرآة العالم مصاحب بوده است .

تاریخ وفاتش معلوم نیست ، ولی هنگام تألیف مرآة العالم (۱۰۷۸) هنوز جوان بوده و در تاریخ تألیف کلمات الشعراء در گذشته بوده است و از این قطعه شعر که در کلمات الشعراء از او نقل شده است :

عمر شد صرف جنون خطم از هفت قلم

تا شوم زین هنر از سحنت گیتی آزاد

گفتم از یاری خط ، تنگ در آغوش کشم

نوعروس امل و شاهد گلرنگ مراد

ضعف پیری چو قوی گشت قوی ماند ضعیف

طاقت افتاد ز جولان و هوس رفت بیاد

گشت پیدا که درین عرصه حرمان امید

کس به نیروی هنر عقده طالع نگشاد

معلوم می شود که دیرزیسته و در پایان عمر با حرمان دست بگریبان بوده است . آنچه از خطوط ، بنام محمد اسمعیل دیده ام و تاریخ آنها با زمان دو محمد اسمعیل مزبور مطابقت دارد ، باینقرار است .

یک صفحه از بیاض بختاور خان ، بقلم کتابت خوش ، مشتمل بر این دو بیت :

لوحش الله از این ستوده بیاض چشم بد دور از این صحیفه فیض

یافت تاریخ سال اتمامش خرد خرده بین ، صحیفه فیض

بارقم : « محمد اسمعیل » که چون بختاور خان خود با محمد اسمعیل غافل

آشنایی و دوستی داشته است ، باید از غافل باشد ؛

یک قطعه از مرقعی ، بقلم دودانگ خوش ، با رقم و تاریخ : « العبد محمد

اسمعیل ، فی شهر سنه احدی وتسعین والف » در کتابخانه آستان رضوی ، مشهد ؛

سه قطعه مختلف که یکی دو بیت شعر از خود اوست ، بقلم سه دانگ و دو

دانگ با تاریخ ورقم : «فی شهور سنه اربع وتسعين والفاء ، العبد محمد اسمعيل» و
«قد تشرّف بکتابته ناظمه العبد الراجی الذلیل ، محمد اسمعيل ، فی سنه ۱۰۹۳ . ۱» ،
در نزد فروشنده ای ؛

یک قطعه از سر قعی ، بقلم پنج دانگ خوش ، با رقم و تاریخ : «کتبه العبد
روشن رقم ۱۰۹۷» در کتابخانه دانشگاه استانبول .

۱۶۸) محمد اسمعيل بن عبد النبي

از کاتبان گمنام قرن اخیر و یک نسخه دیوان عنصری بخطوی در کتابخانه
مجلس شورای ملی است ، بقلم کتابت متوسط ، که چنین تمام می شود : «حسب
الاشارة . . . میرزا عبد الباقي حفظه الله تعالى ، تحریر این کتاب نمود . اقل عباد الله
محمد اسمعيل ولد شيخ عبد النبي ، تحریراً فی شهر صفر المظفر سنه ۱۳۱۱» .

۱۶۹) محمد اسمعيل گلپایگانی

دو خوشنویس گمنام قرن سیزدهم و چهاردهم باین نام هست که مدتی از
زمان یکدیگر را درک کرده اند و تفکیک و تمییز آثار آن دو ، بسبب شباهت شیوه و
هم مایگی خط برایم ممکن نشد . اینست آنچه از خطوط خوش برقم «محمد اسمعيل
گلپایگانی» دیده ام :

یک قطعه بقلم دو دانگ خوش ، با رقم و تاریخ : «در بسطام ، در ضمن قصد
زیارت حضرت رضا علیه آلاف التحية والثناء تحریر شد ، حرّره محمد اسمعيل گلپایگانی
سنه ۱۲۰۹» در مجموعه نگارنده ؛

یک قطعه ، بقلم سه دانگ خوش ، با رقم و تاریخ : «مشقه العبد المذنب
اسمعيل الكلبيکاني ، فی شهر شعبان المعظم ، سنه یکهزار و سیصد و پنج» ایضاً در
مجموعه نگارنده ؛

یک قطعہ ، بقلم سہ دانگ و دودانگ خوش ، بارقم و تاریخ : « احقر الکاتبین
الکلبایکانی ، محمد اسمعیل غفر اللہ ذنوبہ و ستر عیوبہ . ذی الحجۃ الحرام تحریر نمود
سنہ ۱۲۸۶ » در مجموعہ آقای حسنعلی صبا ، تہران .

محمد اصغر = اشرف خان

(۸۷۰) محمد اصفہانی

فرزند جنید بن محمود ، از کاتبان گمنام قرن نہم است ، بخطوی یک قصیدہ
عربی و ترجمہ منظوم آن بفارسی ، در مجموعہ آقای مهندس عباس مزداست کہ متن
آن بخط ثلث و ترجمہ آن بہ نستعلیق کتابت متوسط است و چنین رقم و تاریخ دارد :
« کتبہ العبد . . . محمد بن جنید بن محمود الحافظ الاصفہانی ، فی عاشر شہر رمضان
المبارک سنہ سبع و خمسين وثمانمائة » .

(۸۷۱) محمد اصفہانی - ملا

شعرسی گفت و « صفائی » تخلّص سی کرد . در علم سیاق و موسیقی مہارت
داشت . بزبان عربی مسلط بود . جمیع خطوط را خوش سی نوشت . درویش منش
و شکستہ نفس بود و اظہار کمال و ہنر نمی کرد . سنزوی بود و بدست رنج کتابت
امرار معاش سی کرد .

ہنگام تالیف تذکرہ اختر (۱۲۳۰) ہنوز در قید حیات بود .

(۸۷۲) محمد اصفہانی

میرزا حبیب گرید کہ بسال . . . از اصفہان باستانبول آمد و شہرت یافت .

(۱۷۳) محمد افضل

از خوشنویسان گمنام هندوستان است که در نیمه دوم قرن یازدهم می زیسته و بخط وی قطعه ای در یک مرقع از کتابخانه بادلیان است ، بقلم سه دانگ و کتابت خوش ، بارقم و تاریخ : «فقیر دعا گو محمد افضل تحریر نمود در سنه ۱۰۸۱» .

(۱۷۴) محمد افضل حسینی

هفت قلمی گوید که در سرکار قمرالدین خان اعتمادالدوله وزیر محمدشاه هندوستان (متوفی سال ۱۱۶۱) بود و بشیوه جواهر رقم و هدایت مینوشت .
قطعه ای دارم ، بقلم دودانگ جلی خوش ، بارقم و تاریخ : «میر محمد افضل علوی مشق کرد . فی شهر محرم الحرام ۱۱۰۲ ، بدارالملک شاه جهان آباد» که ظاهراً بخط اوست .

(۱۷۵) محمد افضل قریشی

اونیز بشیوه عبدالرشید می نوشت ، و نمیدانم کدام یک از سه محمد افضل مذکور است و دو قطعه باین نام در موزه باستان شناسی دهلی است ، بقلم دودانگ و نیم دودانگ و کتابت خوش ، بارقم : «کتبه العبد المذنب الراجی محمد افضل قریشی ، غفر ذنوبه» .

(۱۷۶) محمد افضل لاهوری قادری

هفت قلمی گوید که ، او هم در دوره محمدشاه (۱۱۳۱-۱۱۶۱) میزیست و پیرو شیوه عبدالرشید دیلمی بود و بهمین مناسبت «آقای ثانی» معروف بود و از هم نامان معاصران خود (که ذکر آنها رفت) نیکوتر می نوشت .

(۸۷۷) محمد افلاطون

در خط نستعلیق شاگرد قاضی عسکر عارف افندی و جزو ملازمان راشد افندی بود. وقتی که راشد بسفارت از استانبول با یران رفت، محمد افلاطون نیز همراه او بود. در مراجعت بعثمانی منزوی شد و بکتابت اسرار معاش میگرد. میرزا حبیب از آثار وی یک نسخه کلیات صائب را در دارالکتب عثمانیه نشان داده است (که ندانستیم مقصود کدام کتابخانه است).
بسال ۱۱۶۸ در استانبول در گذشت.

(۸۷۸) محمد افندی دده زاده

از نستعلیق نویسان استانبول، بقول میرزا سنگلاخ و سپهر شاگرد اسمعیل افندی بود و نستعلیق و نسخ را خوش می نوشت و بسال ۱۱۷۳ در گذشت.

(۸۷۹) محمد اکبر

یا محمد اکبر علی بن کفایت خان، در خاندان خوشنویسان زیسته و خود در اصول خط، آئین دیگر آورده و بسیار دلکش و دلچسب نوشته است. صاحب شاه جهان نامه از خطوط وی بسیار دیده است.

(۸۸۰) محمد اکرم

از نستعلیق نویسان گم نام هندوستان، و بخط وی یک قطعه در کتابخانه رامپور است، بقلم چهار دانگ متوسط که چنین رقم و تاریخ دارد: «کمترین خانه زادان محمد اکرم، فی سنه ۱۰۴۰».

۱۸۸۱) محمد امامی هروی - شیخ

از زبردست ترین کاتبان خوشنویس قرن نهم است که ظاهراً در دربار سلطان یعقوب و رستم آق قویونلو، بکار کتابت مشغول بوده و بهمین مناسبت « یعقوبی » و « رستمی » رقم می کرده است. با اینکه هیچ یک از کاتبان و خوشنویسان شهیر معاصر و قبل از وی مانند اظہر و جعفر بایسنغری و حتی سلطان علی مشہدی، در خوشنویسی از وی برتر نبوده اند، این یک گم نام مانده و در تذکره ها و تاریخ ها کسی ویرا بخوشنویسی نستعلیق یاد نکرده است. خوشبختانه از مشق و مخصوصاً کتابت او آثار متعدد بجا و همگی نماینده چیره دستی او در خط نستعلیق و بعضی اقلام دیگر مانند نسخ و رقاع و تعلیق است. (که ذکر هر یک در جای خود خواهد آمد).

از خطوط نستعلیق وی دیده ام :

یک نسخه انیس العاشقین، بقلم نستعلیق کتابت عالی، با تاریخ و رقم : « تمت هذه الرسالة الشريفة الموسومة بانيس العاشقین ، فی تاریخ سنة سبع و ثمانین و ثمانمائة ، علی يد العبد الفقير المحتاج الى الملك الصمد شیخ محمد الامامی » در کتابخانه سلطنتی، تهران ؛

بگمان من تا سال ۸۸۷ تاریخ است کتاب این کتاب، کتابتی شیواتر و استوارتر از این کتاب وجود ندارد یا من ندیده ام.

دیگر یک نسخه هفت اورنگ جامی، بقلم کتابت خفی خوش، که چنین تمام می شود : « کتبه العبد الفقير الحقير شیخ محمد بن شیخ احمد الهروی ، فی تاریخ سنة تسع و تسعين و ثمانمائة » در کتابخانه دانشگاه، استانبول ؛

یک نسخه مشنوی اشترنامه، بقلم کتابت متوسط، با تاریخ و رقم : « تمام شد کتاب اشترنامه شیخ فریدالدین عطار علیه الرحمه بردست اضعف عباد الملك الصمد شیخ محمد بن احمد احسن الله احواله ، در روز یکشنبه پنجم ماه ذوالقعدة سنة احدى عشرین و ثمانمائة ببلدة محفوظة سمرقند » در همان کتابخانه ، (که اگر این کتاب هم بخط

همان شیخ محمد بن احمد هروی باشد ، باید اولاً عمری طولانی کرده باشد و ثانیاً
ویرا از پیش قدمان خط نستعلیق دانست .

یک نسخه دیوان جاسی ، بقلم کتابت خفی خوش ، با رقم : « کتبه العبد
الفقیر الحقیر المحتاج الی رحمة الله ، شیخ محمد تجاوز الله » در مجموعه آقای قاسم زاده
استانبول ؛

یک صفحه از یک سرقع ، بقلم کتابت عالی ، با رقم : « کتبه الافقر الاحقر شیخ
محمد بن شیخ احمد الامامی ، تجاوز الله عنهما و سیاتهما » در کتابخانه خزینه اوقاف ،
استانبول ؛

۵ قطعه از سرقع عظیم سلطان یعقوب ، بقلمهای از چهار دانگ تا کتابت خفی
خوش ، همگی با رقم « شیخ محمد » و نسبت « یعقوبی » در همان کتابخانه ؛

۸ قطعه از سرقع بهرام میرزا ، بقلمهای از دو دانگ تا غبار خوش ، با رقمهای
« عبده الداعی شیخ محمد عفی عنه » و « عبده شیخ محمد » و « عبده شیخ محمد عفی
عنه » و « الداعی شیخ محمد عفی عنه » و « عبده الداعی شیخ محمد غفر الله ذنوبه »
در همان کتابخانه ؛

۲ قطعه از سرقع امیر غیب بیک ، بقلمهای دو دانگ جلی محرر و کتابت خوش
با رقمهای : « کتبه شیخ محمد الامامی » ، قاطعها دوست محمد » و « کتبه العبد شیخ
محمد الامامی غفر ذنوبه و ستر عیوبه » در همان کتابخانه ؛

یک قطعه از سرقع سید احمد مهدی ، بقلم دو دانگ خوش ، با رقم : « کتبه
العبد شیخ محمد الامامی غفر ذنوبه و ستر عیوبه » در همان کتابخانه ؛

۱۸ قطعه در سرقعهای مختلف ، بقلمهای از سه دانگ جلی تا غبار خوش
و متوسط ، با رقمهای : « فقیر شیخ محمد » و « عبده الداعی شیخ محمد » و « کتبه شیخ
محمد » و « کتبه محمد » و « کتبه شیخ محمد الیعقوبی » و « کتبه شیخ محمد الیعقوبی
عفا الله عنه » : « کتبه شیخ محمد الرستمی » و « کتبه العبد الغریب شیخ محمد الامامی

تجاوز الله عنه في بلدة رشت المبارك صانها الله عن الآفات» و «مشقه العبد المحتاج الى رحمة الله وغفرانه شيخ محمد اليعقوبى احسن الله احواله» و «كتبه العبد الغريب شيخ محمد عفا الله عنه» و «كتبه العبد محمد عفا الله عنه» در همان کتابخانه ؛
 ۳ قطعه از سرقعی ، بقلمهای از چهار دانگ تا کتابت خفی خوش و متوسط ،
 بارقمهای : «عبد الفقیر الحقیق شیخ محمد» و «مشقه العبد الفقیر المذنب شیخ محمد
 الکاتب غفر الله ذنوبه و ستر عیوبه» و «مشقه العبد محمد الهروی تجاوز الله عن سیاته
 بمحمد و آله الزاهرین ، بمحمد آباد بید» در کتابخانه دانشگاه استانبول .

(۱۸۸۲) محمد امان

ظاهراً از خوشنویسان گم نام قرن دهم هندوستان است و قطعه‌ای بخط وی
 در سوزه پیشاور است که بقلم سه دانگ خوش بشیوه هندی نوشته است بارقم و تاریخ
 «کتبه محمد امان سنه . ۹۴» .

(۱۸۸۳) محمد امیر رضوی - سید

از معاصران و مصاحبان غلام محمد هفت قلمی است که گوید جوانی است
 مهذب الاخلاق و خوش طبع و شیرین زبان و در فن کشتی گیری و پنجه کشی و هنر
 نقاشی و مصوری و مذهبی و جدول کشی و صحافی و علاقه بندی و سنگ تراشی ،
 دستگاه دارد .

هم او گوید که از جوانی نستعلیق را بشیوه قدما می نوشت و چون بخانه من
 آمد و شد داشت و استعداد ویرا در خوشنویسی دریافتم ، او را به پیروی از روش رشیدا
 ترغیب کردم و مشقها و قطعات متعددی که از رشیدا داشتم در اختیار او گذاشتم
 و او از روی آنها مشق کرد و چندی نگذشت که پیشرفت کامل در خط وی حاصل
 آمد و شیوه رشیدا را فرا گرفت و خود مجموعه نفیسی از آثار رشیدا جمع آورد و غالب

آنها را خود تذهیب و تزئین کرد و کم کم شباهت خط او برشیدا بانجا رسید که برخط خود رقم رشیدا می نهاد و کسی آنرا ازخط رشیدا تمییز نمی داد. بعدها درماه محرم مجلسی از خوشنویسان تشکیل می کرد و غالب استادان خط دهلی در آن مجلس حاضر می شدند و درباب خط و خطاطان، مباحثات و مذاکرات می کردند.

امیررضوی در بلوای هندوستان، بسال ۱۸۵۷ میلادی، هدف گلوله واقع شد و درگذشت.

از خطوط وی یک قطعه در موزه باستان شناسی دهلی است، بقلم دودانگ و کتابت متوسط، بارقم و تاریخ: «مسوده محمد امیر، در سنه یکهزار و دو صد و پنجاه و هفت هجرت النبویة تحریر یافت».

(۱۸۸۴) محمد امین

از شاگردان میرمحمد باقر بن میرعلی هروی است و خط او اسلوب مرغوب دارد. ظاهراً هنگام تألیف مناقب هنروران (سال ۱۹۰۹) حیات داشته است. از آثارش که ممکن است از این محمد امین باشد، دیده ام:

یک نسخه سلامان و ابسال جامی، بقلم کتابت خوش، که چنین تمام می شود: «در کتابخانه نواب کامیاب قمر کاب عدالت شعار گردون وقار خورشید اشتهار، دین محمد سلطان زیدالله عمره، صورت تحریر یافت. کتبه المذنب محمد امین الکاتب، فی شهر رجب المرجب سنه احدى و الف» در کتابخانه سلطنتی، تهران؛

دو قطعه از مرقع محمد محسن، بقلم دودانگ و نیم و دودانگ و کتابت خوش بارقمهای: «مشقه الفقیر محمد امین غفر ذنبه، تحریراً فی سنه ثمانین و تسعمائة» و «کتبه العبد المذنب محمد امین غفر ذنبه» در کتابخانه خزینه اوقاف، استانبول.

(۱۸۵) محمد امین - حافظ

از کتیبه نگاران عثمانی بود و بخط اولوچه‌ای در موزه آثار اسلامی و ترک
استانبول است ، بقلم نستعلیق طغرایی شش دانگ و نستعلیق سه دانگ خوش ، با
رقم : «حافظ محمد امین» .

(۱۸۶) محمد امین بن باباخان

از خوشنویسان گم نام قرن یازدهم است و از آثار وی دیده‌ام :
چهار قطعه ، بقلم دودانگ خوش ، با رقم : «جامعه و کاتبه فقیر المذنب ،
محمد امین بن باباخان ، در کتابخانه سلطنتی ، تهران ؛
یک قطعه از سرقعی ، بقلم سه دانگ و نیم دودانگ خوش ، با رقم : «کتبه
العبد المذنب محمد امین بن باباخان غفر الله ذنوبهما و ستر عیوبهما» در کتابخانه
روان کوشکو ، استانبول ؛

(۱۸۷) محمد امین بخارائی - حاجی

صاحب مناقب هنروران گوید که معروف به میرک بخارائی و از شاگردان
میرعلی هروی است .

(۱۸۸) محمد امین ترمذی

میرزا حبیب گوید که از معاصرین میرعماد بود و بسال . . . در گذشت .

(۱۸۸۹) محمد امین سمرقندی

از کاتبان گم نام قرن دهم و یازدهم و بخط وی یک قطعه بقلم سه دانگ متوسط ، در کتابخانه رامپور هند است ، بارقم : «الفقیر محمد امین سمرقندی» .

(۱۸۹۰) محمد امین سیفی - میر

نواده میر عماد سیفی حسنی است و خود هم در رقمها قید : «نواده میر عماد حسنی» را کرده است . با اینکه شیوه او شباهت بشیوه میر عماد دارد و خود کاتب خوشنویسی است ، ولی پایه خط او حتی از شاگردان میر عماد هم فروتر است . سیرزاسنگلاخ بحسب معمول خود با لقب «دانا دپیر» داده است و تذکره نویسان پس از اونیز ، از او پیروی کرده اند .

وفات او را سیرزاسنگلاخ در سنین چهل و پنج سالگی بسال . ۱۱۲۰ و سپهر سال ۱۰۷۷ و عبدالمحمد خان . ۱۱۱۰ ضبط کرده اند که هیچ یک درست نیست و از آثار تاریخ دار او تا سال ۱۱۲۶ را نیز دیده ام .

اینست آنچه بخط او دیده ام :

یک نسخه تحفة المؤمنین ، بقلم کتابت متوسط ، که چنین تمام می شود : «تمت الكتاب . . . ذرة بی مقدار محمد امین نواده مرحوم مغفور میر عماد الحسنی ، در عین تشویش بال و پریشانی اوضاع و احوال ، بتاریخ هزار و صد و بیست و شش ، توفیق تحریر این نسخه شریف اتمام یافت .» در کتابخانه سلطنتی ، تهران ؛

یک قطعه از مرقع ، بقلم دودانگ و کتابت خوش ، بارقم و تاریخ : «کتبه العبد المذنب الراجی ، محمد امین نواده مغفور مرحوم میر عماد الحسنی غفر له ، فی شهر سنه ۱۱۱۷» در همان کتابخانه ؛

یک نسخه رفیق توفیق محمد علی قزوینی ، بقلم کتابت جلی خوش ، بارقم

و تاریخ : « ذره بی مقدار نواده مرحوم میر عماد الحسنی غفر له ، مسوده نمود سنه ۱۱۱۲ » در مجموعه نگارنده ؛

یک قطعه ، بقلم نیم دودانگ و کتابت خوش ، بارقم و تاریخ : « حرره العبد محمد امین نواده مرحوم میر عماد الحسنی غفر ذنوبه فی شهر سنه ۱۱۱۸ » ایضاً در مجموعه نگارنده .

(۱۸۹۱) محمد امین شامی

میرزا حبیب گوید که از شاگردان باباشاه اصفهانی و از معاصرین میر عماد بود و خود را از اولاد جعفر طیار می دانست . پدرش در دربار شاه طهماسب بود و پس از مرگ پدر بعراق عرب رفت . با اینکه اصلاً قزوینی است ، چون در شام متولد شده ، بشامی معروف گردیده است .

در ادب و انشاء فارسی و عربی دست داشت و شعر می گفت و خوش می نوشت و بسال ۱۰۱۹ در گذشت .

(۱۸۹۲) محمد امین عقیلی تبریزی

از اولاد عقیل است و خاندان وی در رستم دار سازندران بوده اند . پدرش پرهیزگار بود و عمش مولانا میر حسین عقیلی ، در زمان شاه طهماسب از جمله صلحا و فضیلائی وقت بود ، پدرش همراه سام میرزا به اردبیل رفت و محمد امین در آن شهر متولد گردید و همانجا کسب علم و هنر کرد . چون بسن رشد رسید ، در زمان حکومت حمزه میرزا ، کتابدار اسمی خان شاملو شد . شاهزاده حمزه میرزا بوی محبت داشت و او را « صاحب السیف والقلم » خطاب میکرد . پس از مرگ حمزه میرزا ، منزوی ، و بدرویشی و عبادت مشغول شد و بمشق و کتابت اکتفا کرد . گاهی شعر ترکی می گفت .

محمد امین در سلک خوشنویسان عهد قرارداداشت و از شاگردان محمد حسین تبریزی بود .

صاحب گلستان هنر ، بتاریخ محرم سال ۱۰۱۵ ، او را در قزوین ملاقات کرده است .

سیرزاحبیب ، وی را حفید میر عماد و کتابدار شاه عباس دانسته ، گوید که حسن خطش بدرجہای بود که بنام جدش رقم می کرد و کسی از اصل تمیز نمیداد و هم او گوید که در چهل و پنج سالگی بسال ۱۱۲۰ در اصفهان در گذشت . ظاهراً سیرزاحبیب او را با محمد امین نوادۀ میر عماد خلط و سهو کرده است ، زیرا که کتابدار شاه عباس اول تا بسال ۱۱۴۰ یعنی بیش از هشتاد سال پس از مرگ شاه عباس نمیتواند زیسته باشد و محمد امین عقیلی را دیگری کتابدار شاه عباس نخوانده است سپهر تاریخ وفات او را سال ۱۰۲۸ تعیین کرده است .

۱۸۹۳) محمد امین قزوینی - شیخ

از بزرگ زادگان قزوین و منشی و شاعر بلیغ بود و شعر را خوب می فهمید و خوش می نوشت . هنگام تألیف خلاصۃ الشعراء (حدود سال ۱۰۱۳) در گذشته بود .

۱۸۹۴) محمد امین لاهیجی - حکیم

مدتها در محضر اطبای گیلان تحصیل علم کرد و به تبریز رفت و هم گام حکیم ابوطالب و حکیم باقر و حکیم جبرئیل باس طبابت اقدام کرد .

هنگامی که تبریز را عثمانیان اشغال کرده بودند ، سرداران ترك بوی اعتقاد زیاد داشتند . سفری بعثماني رفت ، و در آنجا با بزرگان آشنا شد و دوباره به تبریز بازگشت و این زمانی بود که شاه عباس آذربایجان را از وجود ترکان خالی کرده بود و حکیم بدر بارشاه راه یافت و پس از مدتی مرخص شد و بگیلان بازگشت و از آنجا

به هندوستان رفت و بقول صاحب مآثر رحیمی ، بخدست خان خانان عبدالرحیم خان رسید و از جمله خاصان و محرمان گردید و تا سال ۱۰۲۵ در سرکار خان بطبابت مشغول بود .

گذشته از مراتب علمی ، محمد امین سردی هنرمند بود و خط نستعلیق را خوش می نوشت .

۱۸۹۵) محمد امین مذهب

از خوشنویسان گم نام قرن دهم و بخط وی سه قطعه در مرقعهای مختلف کتابخانه خزینه اوقاف استانبول است ، بقلمهای دودانگ و کتابت جلی خوش ، با رقم و تاریخ : « کتبه محمد امین بن ابراهیم المذهب . ۹۹ » و « الفقیر محمد امین بن ابراهیم المذهب ، حرره بمکة المشرفة ، فی شهر سنه ۹۹۱ » ، و مشقه محمد امین المذهب غفر ذنوبه .

۱۸۹۶) محمد امین مشهدی

شاگرد شاه محمد مشهدی و نزد وی گرامی بود . وی را بمحاسن معنوی و صوری ستوده اند . بقول صاحب گلستان هنر ، از جوانی به خوشنویسی شهرت یافت و از خراسان به هندوستان رفت و در همانجا در گذشت .

سپهر سال وفاتش را ۹۷۸ ضبط کرده است ، که نباید درست باشد و بخط وی مرقعی در کتابخانه سلطنتی است ، بقلم دودانگ و کتابت عالی ، با تاریخ و رقم : « تمت . . . علی ید العبد المذنب محمد امین سنه ثمان وثمانین وتسعمائة » .

۱۸۹۷) محمد امین مشهدی

دیگری است که این یک نیز ، به هندوستان سفر کرده است و هنگام تألیف

سراة العالم (سال ۱۰۷۸) در قید حیات و با مؤلف این کتاب مصاحب بوده است ؛
و ہم او گوید کہ یک نسخه پادشاہنامہ شاہ جہانی را بغایت خوش نوشت و تقدیم
کرد و صلہ گران یافت .

آنچه بخط وی دیدہ ام ، یک صفحہ از بیاض بختاورخان است ، بقلم نیم دو
دانگ و کتابت خوش ، باین مضمون :

« این طرفہ بیاض بین سواد اعظم
وین نیز عجب کہ گفت بختاورخان

لکاتبہ محمد امین المشہدی ۱۰۸۲ . در سوزہ باستان شناسی ، دہلی .

ظاہراً یک محمد امین مشہدی خوشنویس دیگری ، سالہا بعد از این محمد
امین سی زیستہ واو ہم در ہندوستان و معاصر سید علی خان جواہر رقم بوده است کہ
ذکر وی را محمد صالح اصفہانی در تذکرہ خود کردہ است .

۱۸۹۸) محمد امین ہروی

کاتب گم نامی معاصر دو محمد امین مشہدی مذکور است و از آثار وی
دیدہ ام :

یک نسخه یوسف وزلیخا و تحفۃ الاحرار و سبحۃ الابرار و خردنامہ اسکندری
بقلم کتابت جلی متوسط ، کہ چنین تمام می شود : « تمام گردید . . . کتبہ الفقیر
محمد امین الکاتب الہروی ، بمحروسۃ مصر ، فی شہور سنہ ۹۹۳ » ؛

دیگر قطعہ پی از یک سرقع ، بقلم دو دانگ خوش ، بارقم : « مشقہ محمد
امین الہروی » در کتابخانہ خزینہ اوقاف ، استانبول .

میرزا بابای شیرازی

محمد انجوی

۱۸۹۹) محمد اوبھی

صاحب ریحان نستعلیق گوید کہ سلطان علی مشہدی اورا استاد دانستہ است و بسال ۹۵۱ در مشہد در گذشت .

قطعہ شیوائی بخطوی ، در مرقع امیر غیب بیک ، در خزینہ اوقاف استانبول است ، بقلم دودانگ عالی ، بارقم : «الفقیر محمد الاوبھی غفر ذنوبہ» .

۹۰۰) محمد ایروانی

از کاتبان گم نام قرن سیزدہم است و بخط وی دیدہ ام :

یک رسالہ فارسی در شکایات نماز ، بقلم کتابت متوسط ، با رقم و تاریخ : «قد تمت الرسالة الشريفة في شهر صفر المظفر من ثلث تسعين و مائتين بعد الالف . . . سید محمد الايروانی غفر له سنه ۱۲۹۳ . نقلت هذا الرسالة من خط الاسناد الاعظم ميرزا محمد صالح ، باشارة استادنا . . . جناب ميرزا علي محمد سلمه الله . . .» (کہ بدین قرار ظاہراً از شاگردان میرزا علی محمد صفای لواسانی بوده است) در کتابخانہ سلطنتی ، تہران ؛

یک قطعہ ، بقلم نیم دودانگ خوش ، بارقم : «العبد محمد الايروانی»

۹۰۱) محمد باقر

خوش نویس گم نام زبردستی از قرن دہم و یازدہم ہجری است و بخط وی قطعہ ای در مجموعہ آقای کریم زادہ است کہ بقلم دودانگ عالی نوشتہ است و رقم دارد : «بندہ در گاہ گیتی پناہ ، محمد باقر»

(۹۰۲) محمد باقر - میر

در مرآة العالم است که خوشنویس دربار اورنگ زیب پادشاه هندوستان (۱۰۶۹-۱۱۱۸) و فرزند میر زین العابدین ایرانی است، اورنگ زیب را خط میر محمد باقر بسیار خوش آیند بود و او را معلم شاهزادگان کرده بود و میر در بسیاری از مرقعها نام آن پادشاه را ذکر کرده است.

محمد باقر با بختاور خان محشور و این یک که خود از هنرمندان و هنردوستان بود، سفینه ها و مرقعهای متعدد ترتیب داده و آثار شعرا و خطوط خوشنویسان معاصر را در آنها گرد آورده بود که اکنون یکی از آنها زینت بخش موزه باستان شناسی دهلی است و ظاهراً همانست که بختاور خان بان «گلشن فطرت» عنوان داده است و خود گوید که این صحیفه بدیعه اکثر بختاور میر محمد باقر است. از آن جمله است، یک صفحه که بقلم نیم دودانگ خوش نوشته و رقم دارد: «کتبه المذنب محمد باقر غفر ذنوبه».

تاریخ وفات میر محمد باقر را ذکر نکرده است، بهر صورت تا سال ۱۰۷۸، تاریخ تألیف مرآة العالم هنوز در قید حیات بوده است.

از خطوط وی، قطعه ای در یک مرقع در کتابخانه بادلیان است که قطعه شعر ماده تاریخی است که سال ۱۰۸۵ از آن استخراج می شود و آنرا بقلم دودانگ و کتابت خوش نوشته است و چنین رقم دارد: «اقل موجودات اعنی محمد باقر بن زین العابدین الحسینی».

(۹۰۳) محمد باقر آشتیانی

از کاتبان گم نام قرن سیزدهم و یک نسخه ترجمه نثر اللالی بخط وی در کتابخانه ملی تهران است، بقلم کتابت متوسط، با تاریخ ورقم: «باتمام و انجام

رسید . . . در دارالخلافة طهران ، در شب یکشنبه سلخ شهر شعبان المعظم من شهر سال هزار و دوست و هفتاد هجری . . . بید اقل عبادالله . . . ابن . . . میرزا محمد جعفر ، محمد باقر الاشتیانی غفرالله .

(۹۰۴) محمد باقر اردوبادی - قاضی

صاحب گلستان هنر گوید که امر قضای اردوباد بوی متعلق و سردی با کمال بود و شعر میگفت و هفت خطرا خوش می نوشت .

(۹۰۵) محمد باقر اصفهانی - میرزا

در المآثر و الآثار است که فرزند میرزا محمد حسن منجم باشی فتح علی شاه قاجار بود و از علوم ادبی و طب و نجوم بهره داشت و هفت خطرا استادانه می نوشت در اصفهان روزگاری گذرانید و در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه بتهران آمد و بسال ۱۲۸۸ به بیماری وبا در گذشت و در گورستان سرقبر آقا بیخاک سپرده شد .

(۹۰۶) محمد باقر تبریزی

از کاتبان زبردست اوایل قرن حاضر تبریز و از آثار شیوای او ، یک نسخه کلیده و دمنه است که با اشاره امیر نظام گروسی بقلم نیم دودانگ خوش نوشته است و چنین تمام می شود : «قد وقع الفراغ من تحریر هذا الكتاب علی يد الحقیر محمد باقر المنشی التبریزی فی شهر جمادی الاولى سنه خمس و ثلاثمائة بعد الالف من الهجرة النبویة . . .» «بتاریخ روز دوشنبه بیست و چهارم شهر رجب المرجب هزار و سیصد و چهار هجری قمری» . (به ترجمه باقر گوش بریده مراجعه شود) .

۹۰۷) محمد باقر (سمسوری) اصفهانی

از خوشنویسان دربار فتح علی شاه قاجار و از کسانی است که بتقلید قطعات میرعماد راغب بوده است .

سپهر تاریخ وفاتش را سال ۱۲۳۳ ضبط کرده که درست نیست و پس از این تاریخ لااقل تا سال ۱۲۴۷ می زیسته است . از خطوط وی دیده ام :
 یک نسخه کلمات قصار حضرت امیر ، بقلم نیم دو دانگ خوش ، با رقم و تاریخ : «سحقّر پیش کش پیشگاه . . . فتح علی شاه قاجار . . . بنده جان نثار محمد باقر اصفهانی بتحریر و ترقیم آن سعادت یافت ، بتاریخ شهر ربیع الاول سنه ۱۲۴۷» در کتابخانه سلطنتی ، تهران ؛

یک مرقع مشتمل بر دوازده رقع ، که باب زر و مرکب الوان ، بقلمهای پنج دانگ و چهار دانگ و دو دانگ خوش ، با رقم و تاریخ : «من عبید حضرت السلطانی محمد باقر الخوراسکانی ۱۲۳۷» و «بنده حضرت خسروانی محمد باقر خوراسکانی ۱۲۳۷» و «کتبه العبد الفقیر محمد باقر من عبید حضرت السلطانی ، محمد باقر اصفهانی ، فی سنه ۱۲۳۷» در همان کتابخانه ؛

یک قطعه که عیناً از روی یک قطعه خط میرعماد نقل کرده است ، بقلم سه دانگ جلی ، نیم دو دانگ خوش ، با رقم : «نقله عبید حضرت السلطانی محمد باقر اصفهانی فی ۱۲۳۷» در مجموعه نگارنده . و این قطعه همانست که میرزا عباس نوری سابق الذکر هم از روی خط میرعماد نقل کرده است .

۹۰۸) محمد باقر حسینی

سنگابی در مسجد خان اصفهان است که بخط نستعلیق پنج بیت شعر فارسی بر آن کتیبه کرده اند و چنین رقم دارد : «کتبه محمد باقر الحسینی غفرله» .

(۹۰۹) محمد باقر زرین قلم

پدر محمد حسین عطا خان خوشنویس لکنهوی مرصع رقم است. چون خط طغرای را خوش می نوشت، به «طغرای» نیز معروف است. در زمان شجاع الدوله نواب اوده (۱۷۵۳-۱۷۷۵ م.) شهرت داشت.

از خطوط وی دیده ام:

یک قطعه نستعلیق نیم دودانگ و کتابت خوش، بارقم: «المذنب محمد باقر زرین قلم تحریر نمود» در موزه باستان شناسی، دهلی.

(۹۱۰) محمد باقر زرین قلم - حافظ

خوش نویس گم نامی است که در قرن سیزدهم سی زیسته و از خطوط وی یک مرقع بزرگ در مجموعه موزه حیدرآباد کن است، بقلم سه دانگ و دودانگ خوش و متوسط، بارقم و تاریخ: «کتبه حافظ محمد باقر زرین قلم ۱۲۹۴».

(۹۱۱) محمد باقر شیرازی

از کاتبان خوش نویس گم نام قرن یازدهم بود و بخط وی دیده ام: یک نسخه شرح حکمة العین، بقلم کتابت خفی خوش، بارقم و تاریخ: «قد تمت الامور العامة بشرح حکمة العین، فی سلخ ربیع الثانی سنة ۱۰۵۳»، بخط الفقیر... ابن قوام الدین حسین، محمد باقر الکاتب شیرازی» در کتابخانه مجلس شورای ملی، تهران.

(۹۱۲) محمد باقر قاجار

از خوشنویسان قرن سیزدهم و از شاگردان میرزا علی محمد صفاست.

بخط وی دیده‌ام :

یک نسخه مناجات خواجه عبدالله انصاری ، بقلم کتابت خوش ، که چنین تمام می‌شود : « ختم بالخیر والسعادة باشارة الاستاد الاعز والاجل مصداق الصدق و الوفا ، میرزا علی محمد المتخلص بصفا ؛ و انا العبد المذنب خانه زاد دولت ابد مدت محمد باقر خان قاجار سنه ۱۲۹۶ هزار و دویست و نود و شش » در کتابخانه سلطنتی ، تهران ؛

و یک نسخه نصایح جامی ، بقلم کتابت خفی خوش ، بارقم : « کتبه العبد المذنب محمد باقر خان قاجار . . . در فصلی که از برودت هوا آب از جریان و مرغ از طیران ایستاده بود ، صورت اتمام پذیرفت » (عرضه بمجلس شورای ملی) .

(۹۱۳) محمد باقر کاشانی

فرزند محمد حسین خان کاشانی است ، سپهر گوید که نستعلیق را خوش [می] نوشت و بسال ۱۲۵۸ در گذشت .

(۹۱۴) محمد باقر کاشانی

معروف به باقر خورده‌یی ، برادر کوچک ملامقصود خورده‌فروش کاشانی شاعر است .

محمد باقر شعر می‌گفت و در شاعری شاگرد محترم کاشانی بود و با حاتم و فهمی کاشانی ستاخره و مناظره و مباحثه داشت .

در خط نستعلیق شاگرد میرمعزالدین محمد کاشانی بود و خطش را باستادی و مزه ستوده‌اند .

در زمان شاه عباس ، بتهمت الحاد ، وی را محبوس ساختند . هنگامی که زندانی بود ، آقاخضر برادر عبدالباقی نهاوندی صاحب مآثر رحیمی ، که وزیر کاشان

بود ، از اونگهداری و دلجوئی سی کرد و عبدالباقی گاه بگاہ نزد اوسی رفت و دلداریش می داد . پس از یک سال که از الحاد برائت یافت و آزاد شد ، از شاه عباس رعایتها دید و فرهاد خان قرمان لو او را بدستگاہ خود برد و کتابداری خود را با و تفویض کرد . چندی بعد بقصد زیارت عتبات مرخص شد و پس از دو سال بکاشان بازگشت و در مراجعت با عبدالباقی مصاحب بود . سپس بهندوستان رفت و در سلسلہ ابراہیم عادل شاه ملازم شد . بسال ۱۰۰۶ بدستگاہ عبدالرحیم خان خانان وارد گردید و بسعی عبدالباقی صاحب مآثر رحیمی ، بکتابداری خان منصوب گردید و تا زمان تالیف مآثر رحیمی (سال ۱۰۲۵) بیست سال بود تا بر سر آن کار بود .

اینکہ سپہر سال وفات او را ۱۰۲۴ ثبت کرده روا نیست و صاحب گلستان ہنر ، ہنگام تالیف کتاب خود (حدود سال ۱۰۵۲) او را حاضر خطاب کرده است .

(۹۱۵) محمد باقر گیلانی

از کاتبان خوش نویس گمنام قرن یازدہم و بخط وی یک نسخه کامل بہائسی ، در کتابخانہ سلطنتی است ، بقلم کتابت خوش ، با تاریخ و رقم : « وقع الفراغ من تحریر هذا الكتاب ، بعون الملك الوهاب ، فی دوم شهر جمادی الاول سنہ ۱۰۰۴ اربعین والفسن الهجرة ، علی ید اضعف العباد فقیر المحتاج بمغفرة سبحانی محمد باقر ولد اسلام محمد گیلانی ، تصنیف حسن بن علی بن محمد بن الحسن الطبری » .

(۹۱۶) محمد باقر مازندری

از کاتبان گمنام قرن سیزدہم و بخط وی یک نسخه دیوان ظہیر فاریابی دیدہ ام ، بقلم نیم دودانگہ جلی متوسط ، کہ چنین تمام می شود : « حسب الامر قضا جریان . . . ملک زاده . . . این کلمات ظہیر فاریابی را پرداخت . . . الفقیر الحقیر محمد باقر المازندری ، الشہیر بعباسیہ ، سنہ ۱۲۵۱ » .

(۹۱۷) محمد باقر هروی - میر

فرزند میرعلی هروی و شاگرد اوست (نه چنان کہ میرزا سنگلاخ و بہ تبعیت اوسپھر و میرزا حبیب ، اورا پدر میرعلی دانستہ اند) .

جز نستعلیق بہ خط تعلیق نیز دست داشته است . متأخرین تذکرہ نویسان گویند کہ در علم کلام و حکمت پی مانند بود و بشرح اشارات خواجہ نصیرطوسی اعتراضات دارد .

بہندوستان رفت و در دستگاہ خان خانان و ظاہراً دربار ہمایون پادشاہ (۹۳۷-۹۶۲) راہ یافت و بہبود خوشنویس و نقاش را (کہ ترجمہ وی گذشت) بخان خانان وا گذاشت .

میرزا حبیب وفاتش را در سنین ہشتاد و ہشت سالگی ، در ہندوستان دانستہ و سپھر سال در گذشت اورا . ۹۲ ضبط کردہ کہ درست نیست و سالہا پس از این تاریخ زیستہ است .

میرزا سنگلاخ بحسب معمول خود و بہ تبعیت او میرزا حبیب ، با ولقب «ذوالکمالین» دادہ اند .

صاحب مناقب ہنروران ، محمد حسین ہروی و محمد امین را از شاگردان او دانستہ است .

از آثار وی صاحب مآثر رحیمی بسیار دیدہ است و آنچه من دیدہ ام عبارتست از :
یک قطعہ ، بقلم سہ دانگ جلی و نیم دودانگ عالی ، با رقم : «کتبہ العبد محمد باقر بن میرعلی غفر اللہ ذنوبہما» در کتابخانہ ملی پاریس ؛

یک قطعہ از مرقع ، بقلم سہ دانگ خوش بسفیداب ، با رقم و تاریخ : «فی سنہ ۹۸۲ باقر الہروی» (نیمہ دیگر این مرقع ظاہراً خط پدر وی میرعلی است کہ رقم «فقیرعلی» دارد) در کتابخانہ خزینہ اوقاف ، استانبول ؛

یک قطعہ از مرقع ، بقلم نیم دودانگ خوش ، با رقم : «فقیر محمد باقر بن میرعلی» در کتابخانہ روان کوشکو ، استانبول ؛

یک قطعہ نیم دودانگ و کتابت رنگہ خوش ، با رقم : «الفقیر المذنب محمد باقر الکاتب» در مجموعہ نگارندہ ؛

واز جملہ بہترین آثار او مقدمہ ایست کہ بمرقعی بخط پدر خود میرعلی ، بقلم دودانگ عالی نوشتہ است باین قسم :

«غرض از تمہید این مقدمات آنکہ فقیر بی بضاعت و حقیر بی استطاعت العبد الخائف المذنب محمد باقر بن علی الحسینی الکاتب را یک چند قطعہ و رباعی از نتایج دست و زبان والد او جمع گشتہ بود و پیوستہ از پریشانی آن توہم می نمود ، محقر مرقعی ترتیب داد کہ تا صفحہ عارض خوبان گلعدار از ریحان خط مشک آثار ، آرایش یافتہ ، مشابہ خطوطی کہ در او مرقوم است قلم بر صفحہ کاغذ نہادہ و تا مرقع سپہر بصورت نور افشان ماہ و مہر منور گشتہ ، پرتو شعور هیچ مہندس مبصر ، بر امثال تکلفی کہ این اوراق را مزین دارد نیفتادہ ، بر صدق دعوی من خطمی دہد گواہی . بخاطر چنان رسید کہ تحفہ حضار مجلس فردوس عالی حضرت . . . خسرو صاحبقران شاہنشہ گیتی پناہ ، فخر اولاد تہر ، یعنی ہمایون پادشاہ خلد اللہ ظلال معدلتہ علی مفارق العالمین ، الی یوم الدین شود .

امید کہ بعین عنایت و نظر شفقت منظور و ملحوظ گردد و این بندہ از قبول آن حضرت بہرہ مند و محظوظ . باللہ التوفیق»

یک نسخہ غزلیات امیر شاہی در مجموعہ آقای سلطان القرائی است کہ بشیوہ قطعات مذکور بقلم کتابت خفی عالی نوشتہ شدہ است و چنین رقم و تاریخ دارد : «کاتب العبد . . . میرعلی سنہ ۹۸۷» و میانہ «العبد» و «میرعلی» دو کلمہ را برداشتہ اند کہ جای آن را میتوان «محمد باقر بن» نهاد و کسی را در این تاریخ کہ منسوب بہ میرعلی باشد ، و باین مایہ و شیوہ کتابت نستعلیق کند ،

جز محمد باقر مذکور نمی شناسم .

(۹۱۸) محمد بحری پاشا

از نستعلیق نویسان عثمانی است . شاگرد درویش علی بود .

(۹۱۹) محمد بدخشی حسینی

از خوشنویسان گمنام قرن دهم و بخط وی قطعه ای در یک مرقع کتابخانه خزینه اوقاف استانبول است ، بقلم سه دانگ و نیم دودانگ خوش ، بارقم : «العبد محمد البدخشی حسینی» .

(۹۲۰) محمد بدیع

از خوشنویسان گمنام ، و بنام او یک قطعه در سوزۀ کابل است ، بقلم دودانگ عالی ، که چنین رقم دارد : « بنظر فیض اثر صاحب زاده بلند اقبال خواجه محمد برهان الدین سلمه الله تعالی مسعود باد ، راقمه محمد بدیع » .

(۹۲۱) محمد بروجردی

کار دیوانی داشت و اقسام خطوط و سیاق را خوش می نوشت . میرزا سنگلاخ گوید که وقتی بروجرد رسیدم با وی ملاقات کردم و با او تعلیم خط دادم .

(۹۲۲) محمد بسطامی - شمس الدین

در مشهد شاگردی سید احمد مشهدی کرده و کاتب مقرر شده است . در کتابخانه شاه عباس بکتابت مشغول و صاحب تیول و مواجب بود . خط را با مزه

در حین خدمت امیر کبیر در حین سفر ...

۴۹- محمد علی

محمد علی پسر بیگم ...
محمد علی پسر بیگم ...
محمد علی پسر بیگم ...
محمد علی پسر بیگم ...
محمد علی پسر بیگم ...

۵۰- محمد علی

محمد علی پسر بیگم ...
محمد علی پسر بیگم ...
محمد علی پسر بیگم ...

محمد علی پسر بیگم ...
محمد علی پسر بیگم ...

۵۱- محمد علی

محمد علی پسر بیگم ...
محمد علی پسر بیگم ...
محمد علی پسر بیگم ...
محمد علی پسر بیگم ...

(۹۲۶) محمد بہرام

از خوشنویسان گمنام قرن دہم است و بخط وی دیدہ ام :

یک نسخہ دیوان امیرشاہی ، بقلم کتابت سلیم خوش ، با رقم و تاریخ :
« کتبہ العبد المذنب محمد بہرام بمدينۃ الشام ، فی تاریخ ۹۵۹ » در کتابخانہ
ایاصوفیہ ، استانبول ؛

یک نسخہ اخلاق منصورى غیاث منصور ، بہمان قلم سلیم ، بشیوہ سلطان
محمد نور ، با رقم و تاریخ : « تمام شد کتاب اخلاق منصورى فی یوم الاحد من شهر
ربیع الثانی ، علی ید الحقییر محمد بہرام سنہ ۹۵۸ » ، در مجموعہ آقای سلطان القرائی ،
تہران ؛

یک نسخہ رسم الخط مجنون رفیقی وقواعد خطوط سلطان علی شہدی ، بقلم
کتابت متوسط ، با رقم و تاریخ : « قد تم بعون الملک العلام ، علی ید الحقییر محمد
بہرام بمدينۃ شام ، فی سنہ ۹۰۹ » در کتابخانہ ملی پاریس ؛
سه قطعہ بقلمہای سہ دانگ و نیم دودانگ و کتابت و کتابت خفی متوسط ،
با رقمہا و تاریخ : « کتبہ العبد الحقییر محمد بہرام » و « کتبہ العبد الحقییر محمد
بہرام بمدينۃ دمشق ، فی تاریخ ثمان و خمسين و تسعمائة » در مجموعہ آقای کریم زادہ ،
تہران ؛

(۹۲۷) محمد پورانی - شیخ

صاحب مناقب ہنروران ، وی را شاگرد سلطان علی شہدی نوشتہ و میرزا
حبیب ہم شاگرد و ہم فرزند وی ، و او را بدون ذکر نام محمد بلقب « نورالدین »
خواندہ اند ؛ ولی در آثار وی کہ رقم « میر شیخ پورانی » دارد ، یکی با رقم : « نورالدین
محمد پورانی » است . ظاہراً باید فرزند بایزید پورانی سابق الذکر باشد .

بهر صورت از خوشنویسان منسوب به «پوران» چند تن هستند که انتساب آنها به یکدیگر درست معلوم نیست ، و آنها عبارتند از: بایزید پورانی که صاحب تذکره بی نام او و سلطان علی مشهدی هر دو را شاگرد اظہر دانسته است ؛ دیگر میر شیخ پورانی ، که میان سالهای ۹۳۹ و ۹۶۸ می زیسته است و خط وی بدیگر پورانی ها می چربد ؛ دیگر شیخ زاده پورانی ، که او را فرزند شیخ ابوسعید پوران معرفی کرده اند ؛ که همه اینها در یک عصر بوده اند ، ولی نمیتوانند خوشنویس واحد باشند ، که اختلاف شیوه و مایه در خط آنها محسوس است .

اینست آنچه از آثار آنها دیده ام :

سه قطعه از سرقع بهرام میرزا ، بقلمهای چهار دانگ و سه دانگ و دودانگ و نیم دودانگ و کتابت متوسط ، با رقمهای : «مشقه نورالدین الپورانی» و «الفقیر نورالدین الپورانی تجاوز الله عنه و غفر ذنبه» و «مشقه نورالدین محمد الپورانی» در کتابخانه خزینة اوقاف ، استانبول ؛

یک قطعه از سرقعی دیگر ، بقلم نیم دودانگ الوان محرق متوسط ، با رقم : «حرره نورالدین الپوران غفر له» در همان کتابخانه ؛

یک قطعه از یک سرقع ، بقلم دودانگ و کتابت متوسط ، با رقم : «مشقه نورالدین محمد پورانی» در کتابخانه مدرسه سپهسالار ، تهران ؛

یک قطعه از یک سرقع ، بقلم نیم دودانگ متوسط ، با رقم : «مشقه نورالدین محمد پورانی» در کتابخانه دانشگاه ، استانبول .

(۹۲۸) محمد تبریزی

معین الدین محمد شریفی تبریزی ، بقول صاحب مناقب هنروران ، از شاگردان میر علی هروی است و بخط وی دیده ام :

یک قطعه از سرقع مالک دیلمی ، بقلم سه دانگ جلی و نیم دودانگ خوش ،

بارقم : « کتبه العبد معین الدین محمد الشریفی ، در مشهد مقدس انور نوشته شد »
در کتابخانه خزینة اوقاف ، استانبول .

(۹۲۹) محمد تبریزی

امیر بدرالدین محمد تبریزی ، بقول صاحب پیدایش خط و خطاطان ، از
خوشنویسان دربار امیر تیمور گورکان بود که اقلام شش گانه ونستعلیق را خوش
می نوشت و در این خط شاگرد میرعلی تبریزی بود و میر خط او را بفرزند خود میر
عبدالله ترجیح می نهاد . نیز وی را شاعر دانسته و اشعاری از وی نقل کرده است .
نام چنین خوشنویسی را جز صاحب پیدایش خط و خطاطان ، دیگری از
تذکره نویسان و مورخان نیاورده اند و نمیدانم مأخذ نقل این حکایات چیست .

(۹۳۰) محمد تبریزی منشی - میرزا

بسال ۹۴۰ . در اصفهان متولد شد ، ولی اصلاً تبریزی است و در بسیاری از
علوم و هنرها سرآمد بود : فقه و حدیث و حکمت و تصوف و موسیقی و ریاضی و جفر
و رسم را می دانست و قوت حافظه اش بدرجه ای بود که هرچه را یک بار می شنید ،
از بر می کرد . بچهار زبان فارسی و عربی و ترکی و پشتو آشنا بود و در زبان پشتو و
در بعض علوم تصانیف دارد . همه اقلام را خوش می نوشت .
علی قلی خان واله داغستانی ، صاحب تذکره ریاض الشعراء ، مدتی نزد
وی تلمذ کرده و از وی تعلیم خط نستعلیق گرفته است .

(۹۳۱) محمد تبریزی - حاج

از شاگردان شاه محمود نیشابوری بود و در زمان سلطنت سلطان سلیمان خان ،
بعثمانی رخت کشید و بدربار سلطان راه یافت و مورد توجه او شد و روزی چهل آقچه

زر وظیفه داشت . هنگام تألیف مناقب هنروران (سال ۹۹۵) هنوز می زیست .

۹۲۲) محمد تر کستانی - میرزا

از کاتبان خوشنویس گم نام قرن دهم و بیخظ وی یک نسخه گوی و چوگان عارفی ، در کتابخانه سلطنتی است ، بقلم کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : « کتبه العبد المذنب میرزا محمد بن شاه محمد تر کستانی غفر ذنوبه و ستر عیوبه ، فی شهر محرم سنه ۹۸۳ » .

۹۳۳) محمد ترکی - حاج

معروف به دده مولوی بروسوی ، از نستعلیق نویسان عثمانی و شاگرد صدرالدین بیک و علی حیدر بیک و میرزا سنگلاخ بوده است .

۹۳۴) محمد تقی

از خوشنویسان گمنام قرن سیزدهم است و بیخظ وی دیده ام :
یک قطعه ، بقلم کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : « محمد تقی ، سنه ۱۲۵۶ »
در مجموعه آقای حاج حسین آقانه جوانی ، تبریز ؛
چهار قطعه ، بقلم دو دانگ و نیم دو دانگ خوش ، با رقم : « العبد المذنب محمد تقی غلام » و « کتبه علی ، مشقه المذنب تقی ، غلام » در کتابخانه ملی ، پاریس ،

۹۳۵) محمد تقی - حاج میرزا

ملقب به « دبیرالدوله » وزیر دارالشورای ناصرالدین شاه قاجار بود .
اجدادش از علماء و مجتهدین بودند و سلسله نسبش بامام زین العابدین میرسد .

در جوانی تحصیل حسابداری و دفترداری و مقدمات علوم ادبی و عربی کرد
خطوط نستعلیق و شکسته را خوش می نوشت .

مشاغل وی در روزنامه شرافت چنین آمده است که ، بسال ۱۲۸۲ به نیابت
پدرش ، میرزا مصطفی و کیل لشکر ، بمنصب لشکر نوبسی رسید و بسال ۱۲۹۸
که پدرش در گذشت شغل ولقب پدر بوی تفویض شد . تا سال ۱۳۱۶ می زیست .

(۹۳۶) محمد تقی تویسرکانی

از کاتبان گمنام اوایل قرن حاضر و بخط وی یک نسخه حدیقه الحقیقه و
طریق التحقیق سنائی در کتابخانه آقای دکتر مهدوی است ، بقلم کتابت متوسط با
رقم و تاریخ : « انا العبد . . . محمد تقی المنشی التویسرکانی سنه ۱۳۱۷ » .

(۹۳۷) محمد تقی خاتون آبادی

از کاتبان گمنام قرن یازدهم است و از خطوط وی دیده ام :
یک نسخه نزهة القلوب ، بقلم کتابت متوسط ، با رقم و تاریخ : « کتبه العبد
المذنب محمد تقی بن حسین الکاتب الخاتون آبادی الاصفهانی غفر الله ذنوبه ،
در تاریخ ثانی عشر شهر شعبان المعظم سنه اربع و ثلاثین و الف ، سمت اخنتام پذیرفت
نزهة القلوب حمد الله مستوفی القزوینی بجهة بندگان . . . اسیر آقا بیکا » در کتابخانه
سلطنتی ، تهران ؛

یک نسخه حبیب السیر ، بقلم نیم دودانگ متوسط ، با تاریخ و رقم : « با تمام
رسید . . . فی تاریخ ثانی عشر شهر شعبان المعظم سنه اربع و اربعین و الف . کتبه
المذنب محمد تقی بن حسین الکاتب الخاتون آبادی الاصفهانی عفی عنهما » در
همان کتابخانه ؛

نسخه دیگر نزهة القلوب ، بقلم کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : « فرغ من تحریر هذا الكتاب المسمى بنزهة القلوب ، على يد العبد الضعيف المذنب المحتاج الى رحمة الله الملك القوي محمد تقی الخاتونابادی الاصفهانی ، فی تاریخ يوم الخميس سادس عشرین شهر ربيع الاول سنه احدى واربعین و الف هجرية المصطفوية ، بجهت بندگان ... لاچین بیکا ... » در کتابخانه مجلس شورای ملی ، تهران .

(۹۳۸) محمد تقی بیگ - دوات دار

سپهر گوید که نستعلیق را خوش می نوشت و بسال ۱۰۲۴ در گذشت .
قطعه ای بقلم دودانگ خوش دیده ام که رقم : « کتبه المذنب محمد تقی »
داشت و تاریخ نداشت ، ولی احتمالاً در قرن یازدهم نوشته شده بود و ممکن است بخط
همین محمد تقی باشد .

(۹۳۹) محمد تقی شیرازی

از خوشنویسان گمنام قرن سیزدهم است و بخط وی یک قطعه دارم ، بقلم
چهار دانگ خوش ، با رقم و تاریخ : « مشقه محمد تقی شیرازی ، سنه ۱۲۶۹ »

(۹۴۰) محمد تقی بن عبدالجبار

از خوشنویسان زبردست قرن دوازدهم است . محمد صالح اصفهانی گوید ،
برادر محمد شفیع فرزند عبدالجبار شاگرد میر عماد است و در قزوین می بود و بیست تومان
موجب داشت ، و به تحریر کتاب شرح کافی مشغول بود و در آنجا فوت شد . و بخط
وی قطعه ای در مجموعه آقای افخم السلطنه اعتضادی است ، بقلم دودانگ عالی .

(۹۴۱) محمد تقی کاتب السلطان

کاتب گمنام قرن سیزدهم ، که خود را رشیدای ثانی خوانده است و خط نستعلیق و نسخ هر دو را خوش می نوشته و بخط وی یک نسخه جوشن کبیر ، در کتابخانه سلطنتی است که به نسخ کتابت خوش و نستعلیق متوسط نوشته است و چنین تمام می شود : «حسب الامر سلالة السادات الاطیاب ، میرزا عبدالوهاب ، و انا العبد محمد تقی کاتب السلطانی ، رشیدای ثانی» .

(۹۴۲) محمد تقی کرمانی

از کاتبان گمنام قرن یازدهم و بخط وی یک نسخه مثنوی مولانا در کتابخانه آقای دکتر مهدوی است بقلم کتابت خفی متوسط ، با رقم و تاریخ : «... کاتبه ابن جمال الدین ، محمد تقی کاتب الکرمانی فی سنه ۱۰۵۳»

(۹۴۳) محمد تقی مروارید

صاحب خط و خطاطان گوید که مخدوم عبداللہ مروارید بود و صاحب مناقب هنروران گوید که کسی تصریح نکرده است که او فرزند عبداللہ مروارید باشد ؛ ولی نسبت ظاهری کند که او از خاندان عبداللہ است . شاگرد میرمعزالدین محمد کاشانی بود .

در تذکره هفت اقلیم آمده است که امیر محمد تقی مروارید کاشانی ، جوانی مستجمع فضل و هنر بود و نستعلیق را در غایت عذوبت می نوشت و مدتها درد کن اقامت داشت و شعر می گفت ، که تطبیق این محمد تقی با آنکه در مناقب هنروران آمده است ، دشوار می نماید .

(۹۴۴) محمد تقی میرزا قاجار

ملقب به رکن الدوله فرزند محمد شاه، از شاهزادگان با کمال و هنر و با کفایت قاجار بود و بکارهای خطیر مانند ایالت خراسان اشتغال می ورزید. مجموعه کتابهای خطی وی از نفایس بود و خط نستعلیق را استادانه می نوشت و بقول شاهزاده محمدعلی میرزا ملقب بر رکن الدوله بزرگ، خط نستعلیق را مانند خود ایشان و دیگر برادران نزد میرزا کاظم خطاط تعلیم گرفته بود.

از خطوط وی دیده ام :

قطعه ای بقلم سه دانگ خوش، با رقم و تاریخ : « بنده در گاه محمد تقی قاجار ۱۲۷۵ » در کتابخانه سلطنتی، تهران ؛

دو قطعه بقلم دو دانگ خوش، با رقم : « رکن الدوله » و « مشقه محمد تقی قاجار سنه ۱۲۸۴ » .

یک قطعه، بقلم دو دانگ خوش، با رقم : « رکن الدوله » در مجموعه نگارنده.

(۹۴۵) محمد تقی نیریزی

از خوشنویسان گمنام قرن اخیر و یک قطعه بخط وی در کتابخانه ملی تهران است، بقلم نستعلیق نیم دو دانگ و شکسته نستعلیق متوسط، با رقم : « العبد المذنب الحقیر محمد تقی نیریزی جهت برادر عزیز الوجود میرزا محمد رضا . . . نوشته شده است » .

(۹۴۶) محمد تقی هروی

از خوشنویسان زبر دست گمنام قرن دهم و بخط وی یک نسخه منتخبات اشعار متفرقه در مجموعه آقای مهندس مزداست، بقلم کتابت عالی، با رقم و تاریخ :

« کتبه محمد تقی الهروی فی سنه سبع و تسعين و تسعمائة » .

(۹۴۷) محمد جان

فرزند میان محمد عاشورائی ملازم و خوشنویس حضور بهادر شاه ثانی ، آخرین پادشاه سلسله گورکانی هندوستان (۱۲۲۱-۱۲۵۳) و از مصاحبان غلام محمد هفت قلمی (متوفی سال ۱۲۳۹) بود که او را جوانی صالح و ستوده اخلاق معرفی کرده گوید در خط نستعلیق از شاگردان میر کلان بود و روش اسقاد را بخوبی فرا گرفته است .

(۹۴۸) محمد جان شیرازی

از کاتبان گمنام قرن دهم و بخط وی یک نسخه رباعیات خیام با مقدمه منشور و رباعیات ابوسعید ابوالخیر ، در کتابخانه دانشگاه استانبول است ، بقلم کتابت خفی متوسط ، با تاریخ ورقم : « تحریر آفی شهر جمادی الاخر سنه تسع و اربعین و تسعمائة ، مشقه العبد الضعیف محمد جان کاتب الشیرازی غفرله » .

(۹۴۹) محمد جان کرمانی

از کاتبان گمنام قرن یازدهم و یک نسخه کلیات سعدی بخط وی در مجموعه مرحوم عالی تورک گلدی است ، بقلم کتابت خفی ، با تاریخ ورقم : « قد فرغ من تسوید هذه الكتاب فی التاريخ شهر ربیع الثانی سنه احدى عشرین و الف ، العبد الضعیف المحتاج الی الله الغنی محمد جان الكرمانی غفر ذنوبه » .

(۹۵۰) محمد جعفر انصاری

از کاتبان گمنام قرن دهم و یک نسخه شرح لمعات عراقی ، از جاسی بخط

وی در کتابخانه مدرسہ سپہسالار است ، بقلم کتابت متوسط ، با تاریخ ورقم : «قد فرغ من تسوید هذه الاوراق شرح لمعات فی يوم الاحد سلخ شهر ربیع الاخر سنه تسع وخمسين والفاء من هجرة . . . انا الفقیر الحقیر محمد جعفر بن زین العابدین الانصاری عفی الله عنهما» .

(۹۵۱) محمد جعفر حکیم الہی

برادر بزرگ میرزا علی محمد صفای لواسانی است و مرحوم میرزا محمد خان

قزوینی ، در وفیات معاصرین خود دارد :

«حکیم الہی اول ، یعنی میرزا محمد جعفر پسر میرزا حسنعلی لواسانی کہ در حدود ۱۲۱۵ قمری تولد یافته و در حدود ۱۲۹۸ قمری در تهران درگذشته ، نیز در حدیث و علوم معقول و تاریخ ماهر و در انشاء استاد بود و برادر او یعنی عم میرزا شمس الدین حکیم الہی ثانی ، مرحوم میرزا علی محمد صفاست کہ در ۱۲۲۱ متولد و در ۱۲۹۹ قمری مرحوم شده و از خوشنویسان و شعرای مشہور عصر خود بشمار میرفته است . (حکیم الہی ثانی ۱۲۵۲-۱۳۳۶ شاگرد حاج ملا ہادی سبزواری است . حکیم الہی ثالث ، میرزا فضل اللہ ، ناشر کتاب فروغ کافی کلینی است)» .

بخط حکیم الہی ، تصدیقی در پشت یک جزو از اسکندرنامہ نظامی در کتابخانہ سلطنتی است ، کہ نسخہ را بخط میر عماد دانستہ ، حاکی از خوشنویسی اوست و مضمون تصدیق نامہ این است : «آنچه عالی جناب اخوی میرزا علی محمد تصدیق نموده اند ، حجت است ، محمد جعفر الہی ۱۲۸۲» . (تصدیق میرزا علی محمد صفا نیز در ہمین صفحہ است) .

محمد جعفر خان = رجوع شود بہ محمد حسن مصور

(۹۵۲) محمد جعفر شیرازی

از کاتبان خوشنویس گمنام قین یازدہم است و بخط وی دیدہ ام :

یک نسخه دیوان شیخ علی نقی کمره‌ای ، بقلم کتابت خوش ، که چنین تمام می‌شود : « فرغ من تحریر هذه النسخة الشريفة في يوم الاثنين سادس شهر جمادى الاولى في شهر سنة تسع و اربعين و الف ، بيد الفقير الحقير اقل عباد الله ، محمد جعفر بن عنایت الله الشیرازی . . . » در کتابخانه مدرسه سپهسالار ، تهران ؛ یک نسخه نقد الحواشی محمد هادی شیرازی ، بقلم کتابت جلی خوش ، که چنین تمام می‌شود : « تمت الرسالة النفیسة المسماة بنقد الحواشی ، علی يد العبد الضعیف محمد جعفر بن عنایت الله الکاتب الشیرازی ، فی شهر رجب المرجب سنة ۱۰۷۴ » در همان کتابخانه .

(۹۵۳) محمد جعفر شیرازی

خوشنویس گمنام شیرازی دیگر از قرن سیزدهم است و بخط وی دارم :
یک قطعه ، بقلم سه دانگ خوش ، با رقم و تاریخ : « مشقه محمد جعفر شیرازی
سنة ۱۲۶۹ » .

(۹۵۴) محمد جعفر کشمیری

از خوشنویسان گم نام قرن دوازدهم هندوستان و ظاهراً از اولاد محمد حسین کشمیری زرین قلم است . بخط وی قطعه‌ای از یک مرقع کتابخانه بادلیان است بقلم دو دانگ و کتابت خوش ، که چنین رقم دارد : « کمترین خانه زادان درگاه آسمان جاه محمد جعفر بن محمد علی نبیره زرین قلم مرحوم » .

(۹۵۵) محمد جعفر گلپایگانی

از کاتبان قرن سیزدهم و یک نسخه الف لیلة و لیلة فارسی بخط وی بسال

۱۲۷۵ در تهران بچاپ رسیده است که بقلم کتابت خفی و دودانگ متوسط نوشته است.

(۹۵۶) محمد جلال الدین شیرازی - سید

از خوشنویسان گمنام قرن سیزدهم و بخط وی مرقعی در کتابخانه سلطنتی است، بخط نسخ و شکسته و نستعلیق سه دانگ خوش، با رقمها و تاریخ: «نقلت من صحیفه المبارکة بخط الشریف، وانا محمد المدعو بجلال الدین الحسینی، فی سنه ۱۲۷۹، لحبیبی وقره عیونی میرزا محمد رضا. فی شهر رجب المرجب» و «راقمه جلال الدین محمد الحسینی الشیرازی الشریفی» و «مشقه العبد محمد المدعو بجلال الدین الحسینی الشریفی الشیرازی، محرم الحرام سنه ۱۲۸۰».

(۹۵۷) محمد جمال الدین وحشت

از سادات طباطبائی زواره و بسال ۱۰۳۴ تولد یافته است. اشعارش مدون است و دیوانش بیش از بیست هزار بیت دارد. هفت خط، مخصوصاً نستعلیق را بسیار خوش می نوشت. مدتی در هندوستان بسربرد و بسال ۱۰۷۳ بایران بازگشت و پس از مدتی توقف در اصفهان، بزادگاه خود رفت.

تاسال تألیف قصص الخاقانی (سال ۱۰۸۷) هنوز در قید حیات بود.

(۹۵۸) محمد جواد امین التجار

از بازار گانان یزد بود و بقول سپهر، نستعلیق را خوش می نوشت و بسال ۱۲۹۰ درگذشت.

محمد جواد عنقا

= عبدالجواد عنقا

(۹۵۹) محمد چاوش

از نستعلیق نویسان عثمانی و بقول میرزا حبیب شاگرد عارف افندی و
طورمش زاده بود .

(۹۶۰) محمد حبیب

از خوشنویسان گم نام هندوستان و قطعه پی بخط وی در کتابخانه رامپور است
بقلم دودانگ متوسط ، با رقم : « اقل العباد محمد حبیب »

محمد بن حسام

= شمس الدین بایسنغری هروی

(۹۶۱) محمد حسن

نتوانستم او را بیکی از محمد حسن های آتی الذکر نسبت دهم و با رقم ساده
سرقعی در کتابخانه سلطنتی است که با قلام : ثلث سه دانگ - نسخ کتابت - رقاع
کتابت - نستعلیق سه دانگ و دودانگ متوسط ، نوشته شده است و چنین رقم دارد :
« مشقه العبد الاثم محمد حسن » .

محمد حسن بحرانی

رجوع شود به محمد حسین بحرانی

(۹۶۲) محمد حسن خوانساری

از کاتبان آغاز دوره قاجاریه و بخطوی یک نسخه تحفة الملوك ، در کتابخانه
سلطنتی است ، بقلم دودانگ خوش ، که چنین تمام می شود : « بجهت سرکار ...
شاهزاده عالی قدر علی شاه [ظل السلطان] قاجار سمت تحریر پذیرفت . . . حرره العبد
ابن محمد ، محمد حسن خوانساری ، ۱۲۲۸ » .

رجوع شود به میرزا کاظم ببتلا

محمد حسن دهلوی

= محمد حسن بن فیروز بخت

محمد حسن رزهی

(۹۶۳) محمد حسن فارسی

از کاتبان خوشنویس قرن سیزدهم و به خط وی یک نسخه نصیحة الملوك در چهل باب ، بطریق مرقع در کتابخانه دانشگاه استانبول است ، بقلم سه دانگ خوش ، که چنین تمام می شود : « بر حسب امر . . . سلطان عبدالحمید خان خلدالله ملکه و سلطانه سمت تحریر یافت . حرره العبد محمد حسن منشی و مترجم سفارت کبرای دولت علیه ایران در اسلامبول ، فی شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۹۵ » و « العبد العاصی محمد حسن منشی الفارسی » .

در میان این مرقع مکتوبی است که همین منشی بسططان عبدالحمید خان عثمانی نوشته و درخواست اعطاء لقب « کاتب السلطان » کرده است .

(۹۶۴) محمد حسن بن فیروز بخت حسینی

از کاتبان زبردست گمنام قرن دهم و به خط او نسخه بی از دیوان حافظ ، در کتابخانه دانشگاه استانبول است ، بقلم کاتب خوش ، بشیوه میر علی هروی که چنین تمام می شود : « کاتبها الفقیر الحقیر محمد حسن بن فیروز بخت الحسینی غفر ذنوبهما و ستر عیوبهما . تحریر آفی او اسطر رمضان المبارک سنه احدی و سبعین و تسعمائة فی قریه رزه سن قراء باخرز » .

(۹۶۵) محمد حسن لواسانی

فرزند میرزا علی محمد صفای لواسانی (سابق الذکر) و به خط وی نسخه بی از اصطلاحات العرفای عبدالرزاق کاشانی ، در کتابخانه ملی تهران است ، بقلم

نیم دودانگ متوسط ، بارقم و تاریخ : « کتبه الفقیر الحقیر محمد حسن بن علی محمد اللواسانی ، سنه ۱۲۹۳ » .

(۹۶۶) محمد حسن بن محمد رضا

از کاتبان گم نام قرن سیزدهم و یک نسخه آتشکده آذر بخطوی در کتابخانه سلطنتی است ، بقلم کتابت متوسط ، که چنین تمام می شود : « حسب الخواش . . آقا احمد . . . بتاریخ یوم الثانی بیست و هشتم شهر رمضان المبارک سنه . ۱۲۴ ، بخط حقیر فقیر اقل کتاب ، ابن محمد رضا ، محمد حسن ، اتمام پذیرفت » .

(۹۶۷) محمد حسن مفتون

پدرش از بوآانات فارس بود و در خدمت محمد مهدی میرزا بسر میبرد و خود وی در جوانی شعر می گفت و نستعلیق را پا کیزه می نوشت . هنگام تألیف انجمن خاقان (سال ۱۲۳۴) در سنین جوانی بود و صاحب مجمع الفصحاء باوی دیدار کرده و هنگام تألیف مجمع الفصحاء (سال ۱۲۸۸) در قید حیات بود .

(۹۶۸) محمد حسین

کاتب خوشنویس گم نامی از قرن دهم و بخطوی یک نسخه گوی و چوگان در کتابخانه مجلس شورای ملی است ، بقلم کتابت خفی خوش ، با تاریخ و رقم : « تحریراً فی شهر جمادی الاول سنه [؟] حرره العبد محمد حسین » .

(۹۶۹) محمد حسین اصفهانی مشکین قلم

عبدالمحمد خان گوید که همه اقلام را خوش می نوشت و مدت ها در عثمانی

و مصر بود و بسال ۱۳۳ در گذشت .

نمونه خطوطش در کتاب پیدایش خط و خطاطان هست که نستعلیق نیم دودانگ متوسط و شکسته تعلیق و شکسته نستعلیق کتابت خوش است و چنین رقم و تاریخ دارد : « بنده باب بها مشکین قلم ، من شهور سنه ۱۳۰۵ » که از کتابخانه نورالدین بیگ مصطفی ، نقل کرده است .

قطعه سیاه مشق بارقم محمد حسین مشکین قلم از او دارم تند و شیرین و ملیح نوشته ، کتابه های مقبره میرزا مسلم در جوار مزار سید حمزه در سرخاب تبریز که در روی کاغذ نگاشته و در زیر شیشه به دیوارهای مقبره زیر سقف به ترتیب الصاق و نصب گردیده بخط اوست ، مضمون کتابه ها که شعراست بارقم کاتب یادداشت شده تفصیل آن بالفعل در خاطر من نیست .

(۹۷۰) محمد حسین اصفهانی

در اطراف در نقره تقدیمی امیر نظام گروسی باستانه رضوی کتیبه بی بخط اوست که مشتمل اشعاری از سرخوش است و تاریخ سال ۱۲۷۲ و رقم : « کتبه الداعی لدوام الدولة السلطانی العبد محمد حسین اصفهانی » دارد .

(۹۷۱) محمد حسین اصفهانی - میر

واله گوید فرزند میر محمد صالح خاتون آبادی اصفهانی ، شیخ الاسلام اصفهانی و دخترزاده محمد باقر مجلسی است . از پدر خود و آقا جمال خوانساری کسب علوم کرد . شعر می گفت و منشی زبردست بود و خطوط را نیکو می نوشت و بسال ۱۱۵۱ در اصفهان در گذشت و جنازه اش را بمشهد منتقل کردند .

جابری انصاری در تاریخ اصفهان مؤلفات چندی از جمله نجم الثاقب را باو نسبت داده است .

(۹۷۲) محمد حسین بحرانی

ترجمه احوالش را در پایان کتاب گنج دانش ، میرزا طاهر چنین آورده است :
 جدم از شایخ بحرین و موسوم بمحمد بود و از آنجا بعزم زیارت حضرت
 رضا ، بمشهد رفت . در مراجعت در تهران عبدالله میرزا دارا که بحکومت خمسه
 منصوب شده بود ، وی را همراه برد و آنجا بارشاد عباد مشغول بود تا در گذشت .
 فرزند محمد ، شیخ ابوطالب را میرزا محمد تقی علی آبادی صاحب دیوان ،
 بتهران آورد و تربیت کرد . سردی هنرمند و دانشمند بارآمد و در نظم و نثر فارسی و
 عربی سرآمد و هفت قلم را نیکومی نوشت و تذهیب و نقاشی خوب کرد . بسال ۱۲۵۳
 در گذشت و از او دو پسر ماند : یکی سن و دیگری محمد حسن . میرزا طاهر ، ما دو
 برادر را در کنف حمایت خود گرفت و تربیت کرد و هر دو در ربط و خط بجائی رسیدیم .
 اکنون (هنگام تحریر گنج شایگان یعنی سال ۱۲۷۳) هفت سال است که در
 خدمت شاهزاده اعتضاد السلطنه وزیر علوم می گذرانند و کتابت رسائل و احکام
 بعهدۀ اوست .

شعر می گوید و از آثار خطی وی ، یکی همان گنج شایگان است که بقلم
 کتابت خوش نوشته و اکنون در کتابخانه مجلس شورای ملی است و چنین تمام
 می شود : « الحمد لله ... که بر حسب حکم ... شاهزاده ... اعتضاد السلطنه علی
 قلی میرزا ... کتاب مستطاب گنج شایگان ... بخط کمترین غلام ، محمد حسین
 منشی بحرانی ، سمت اختتام یافت و تاریخ اتمام کتاب : « آکنده شد بدرج گهر گنج
 شایگان » یافته آمد ؛

دیگری که نسخه خطی حدایق السحر رشید و طواط ، بقلم نیم دودانگ خوش ،
 که چنین تمام میشود : « بر حسب حکم ... ناصرالدین شاه شهرذی قعدة ۱۲۷۱ سمت
 تحریر یافت ، حرره العبد محمد حسین البحرینی » در کتابخانه سلطنتی ، تهران .

این نسخه از حیث خط و قطع ، عیناً مانند آنست که بچاپ رسیده است .

از آثار دیگری که بچاپ رسیده عبارت است از :

تاریخ افغانستان ، بقلم کتابت جلی خوش ، که بسال ۱۲۷۳ در تهران

بچاپ رسیده است ؛

فلک السعادة ، بقلم کتابت جلی خوش ، که بسال ۱۲۷۸ در تهران چاپ

شده است ؛

گنج شایگان ، بقلم کتابت جلی خوش ، که بسال ۱۲۷۲ در تهران چاپ

شده است .

(۹۷۳) محمد حسین تبریزی

از خاندان علم و فرزندان مولانا عنایت الله شیخ الاسلام آذربایجان و برادر

مولانا محمد علی از علمای عصر و بزیور فضل و کمال و هنر آراسته بود . شعر

سی گفت و بقول واله «محزون» تخلص می کرد . در اوایل حال به مشهد رفت و از

سید احمد مشهدی و میرحیدر تعلیم خط گرفت و بعد هانزد مالک دیلمی آمد و خط را

نزد او تکمیل کرد .

در کتیبه نویسی دست قوی داشت و در زمان شاه اسمعیل ثانی ، سدار کتیبه

نویسی عمارات دولتی باوی بود .

صاحب عالم آرای عباسی گوید که اگر چه خط نستعلیق که خوشنویسان

عراق و آذربایجان نوشته اند ، در نظر خوشنویسان خراسان ، زیاده اعتباری ندارد ،

امام محمد حسین ، در نستعلیق ترقی عظیم کرده است و قلم وی بسیار پر مغز و خطوطش

بی عیب و آرایش و اصلاح است .

محمد صالح اصفهانی گوید : قلمش در نهایت شیرینی و تنیدی و تیزی و

بسیار بقدرت و چسپان نویسی است .

تاریخ وفاتش را فقط تربیت در دانشمندان آذربایجان سال ۹۸۲ و سپهر در تذکره خود ۹۸۰ ضبط کرده‌اند . این اندازه معلوم است که در جوانی بدرود زندگی گفته و هنگام تألیف عالم آرای عباسی (حدود سال ۱۰۳۸) مدت‌ها پیش در گذشته بوده است .

وفات ملا محمد حسین تبریزی در سال نهصد و هشتاد و پنج در قزوین اتفاق افتاده ، و حافظ حسین بن الکر بلائی که معاصر او بوده و سابقه مودت و شاید رابطه سرید و مرادی نیز در میان این دو برقرار بوده تاریخ وفات او را در بیاض خود با قید روز و ماه و سال با این عبارت آورده : « وفات مولانا محمد حسین خطاط ولد مولانا عنایت الله تبریزی روز سه شنبه هفدهم ماه رجب المرجب سنه خمس و ثمانین و تسعمائنه در دار السلطنه قزوین » بنا بر این نوشته تربیت و سپهر در تاریخ فوت او هر دو خطا و بی اعتبار است .

از شاگردان معروفش ، محمد رضا تبریزی ، بهبود شاهنشاهی ، محمد شریف علیرضای عباسی و میر عماد را ، نام برده‌اند .

میرزا سنگلاخ و به تبعیت او ، تذکره نویسان متأخر ، با ولقب داده و « مهین استاد » ش خوانده‌اند .

از خطوط وی دیده‌ام :

یک نسخه مناجات خواجه عبدالله انصاری ، بقلم دودانگ خوش ، با رقم : « تمت الرسالة بيد العبد المذنب محمد حسين التبريزي ، غفر ذنوبه » که سابقاً در کتابخانه بقعه شیخ صفی الدین در اردبیل بوده و امروز در کتابخانه عموسی لنین گراد است ؛

یک نسخه منتخب حدیقه الحقیقه سنائی ، بقلم نیم دودانگ خوش ، با رقم : « تمت الرسالة الشریف علی ید الفقیر محمد حسین التبریزی » در کتابخانه دانشگاه ، استانبول ؛

۸ قطعه در سرقه‌های مختلف ، بقلم‌های از چهار دانگ تا کتابت خوش ، با
رقم‌های : « فقیر محمد حسین التبریزی » و « نمقه محمد حسین التبریزی غفر الله سیآته »
و « اقل عباد الله محمد حسین غفرله » در کتابخانه سلطنتی ، تهران ؛

یک قطعه بقلم دودانگ و کتابت خوش ، بارقم : « نمقه العبد محمد حسین
التبریزی » در مجموعه آقای سلطان القرائی ، تهران ؛

قطعه دیگر ، بقلم دودانگ و نیم دودانگ خوش ، مضمون این اشعار که
مدیح حافظ حسین کربلائی عارف خوشنویس معاصر اوست :

در عالم فقر آنکه امروز بی خرقة و جبّه ریائیست

شاهنشاه کشور قناعت درویش حسین کربلائیست

العبد محمد حسین التبریزی غفر الله له « ایضاً در مجموعه آقای سلطان القرائی ؛
یک قطعه ، بقلم نیم دودانگ و کتابت خوش ، بارقم : « کتبه العبد الحقیر

المدنّب محمد حسین التبریزی غفرله » در سوزة باستانشناسی ، دهلی ؛

یک قطعه ، بقلم دودانگ و کتابت خوش ، بارقم : « مشقه المدنّب محمد

حسین غفرله » در کتابخانه ملی ، پاریس ؛

یک قطعه از سرقعی ، بقلم چهار دانگ خوش ، بارقم : « العبد المدنّب محمد

حسین التبریزی » در کتابخانه روان کوشکو ، استانبول ؛

۱۳ قطعه در سرقعات مختلف ، بقلم‌های از چهار دانگ تا کتابت خوش ، با

رقم‌های : « مشقه محمد حسین التبریزی » و « کتبه العبد المدنّب محمد حسین

التبریزی غفر الله ذنوبه و ستر عیوبه » و مانند آن ، در کتابخانه خزینة اوقاف ،

استانبول ؛

۳ قطعه ، بقلم‌های سه دانگ و دودانگ و نیم دودانگ و کتابت خوش ، با

رقم‌های : « جهت اخوی اعزّی ، حاجی محمد نوشته شد ، کتبه العبد الفقیر الحقیر

محمد حسین التبریزی غفرله » و جهت مولانا طاعتی مداح نوشته شد . « مشقه العبد

المدنّب محمد حسین التبریزی غفر ذنوبه » و « تمت المفردات جهت اخوی اعزّی نیکو

خصالی محمد رضا طوّل الله عمره مرقوم گشت . کتبه العبد المذنب محمد حسین
التبریزی غفر ذنوبه» در مجموعه نگارنده ؛

وشیواترین خطی که از وی دیده ام یک قطعه در مرقع ولی الدین افندی است
بقلم دودانگ و نیم دودانگ و کتابت عالی ، بارقم : «نمقه العبد محمد حسین التبریزی
غفرله» در کتابخانه خزینه اوقاف ، استانبول .

(۹۷۵) محمد حسین تبریزی

سپهر گوید که نستعلیق را خوش نوشت و بسال . ۱۲۹۰ در گذشت .

(۹۷۴) محمد حسین تبریزی - حاج میرزا

از شاگردان کار کرده میرزا سید حسین خوشنویس باشی است ، در ثلاث و نسخ
نیز دست قوی داشت . پدرش ملا باقر در بازار شیشه گرخانه تبریز مکتب دار بود ،
خود او نیز بجای پدر سالیان دراز در آنجا با اجرت تعلیم اطفال و تحریر اسناد امرار
معیشت میکرد ، عمری دراز یافت و از صد بیشتر زیست ، وفاتش بنا به تقریر پسرش
بسال هزار و سیصد و پنجاه و یک هجری قمری در تبریز اتفاق افتاد .

محمد حسین تبریزی = حسین مشهدی - سیر

(۹۷۶) محمد حسین حسینی

از خوشنویسان کم نام قرن یازدهم و قطعه یی بخط وی در کتابخانه سلطنتی
است ، بقلم دودانگ خوش ، بارقم : «فقیر محمد حسین الحسینی» و شاید بخط همان
خوشنویس باشد که بنام میر حسین تبریزی از او نام برده شده است .

(۹۷۷) محمد حسین حسینی

از خوشنویسان معاصر و شاید ما گرد میرزا سید حسین خوشنویس باشی تبریزی است ، بخط وی قطعه‌ی دارم بقلم شش دانگ و دودانگ خوش ، بارقم و تاریخ :
«الفقییر محمد حسین الحسینی سنه ۱۲۷۴» .

(۹۷۸) محمد حسن حسینی دبیر الملک

از خوشنویسان قرن سیزدهم است و بخط وی در پایان یک نسخه مفتاح الفلاح و دعای کمیل ، از کتابخانه آقای دکتر مهدوی ، بخط نستعلیق کتابت خوش نوشته است : «... آخوند ملا علی نیشابوری را زحمت داده نوشت . الحق در خط نسخ قلم بر خطوط جمیع کتاب کشیده است . . . محمد حسین الحسینی الملقب بدبیر الملک ، فی شهر ربیع المولود سنه ۱۲۸۶» .

(۹۷۹) محمد حسین دارالمرزی

از کاتبان گم نام قرن یازدهم است و بخط وی یک نسخه خمس نظامی مزین دیده‌ام ، بقلم کتابت خفی متوسط ، با تاریخ ورقم : «تمت فی شهر رمضان المبارک سنه ۱۰۳۳ . من الهجرة النبوية . . .» و «تمت هذا الكتاب بعون الله الملك الوهاب فی غره شهر رجب المرجب سنه ۱۰۳۴ . اربع وثلثین والفسن هجرة النبوية المصطفوية ، در دارالفیض شیراز ، بکارخانه صلاحیت و کمالات اکتساب نادرا العصری ، لطف الله مذهب ، علی ید اقل خلق الله محمد حسین دارالمرزی» .

(۹۸۰) محمد حسین رزه‌یی - میر

متقدمین تذکره نویسان وی را از رزه باخرز و متأخرین اسفراینی دانسته‌اند .

شاگرد محمد قاسم شادیشاه بود ، ولی از تعلیم شاه محمود نیشابوری و سلطان محمد خندان ، نیز بهره‌مند بوده است .

محمد حسین برادرزاده میرخلیل الله سابق الذکر و از اولاد سیرصانعی باخرزی است که وقتی جزو وزرای سلطان حسین میرزا بایقرا بوده است .

وی را از خوشنویسان مقرر قزوین و کتابت او را با مزه و پیخته و بعضی مانند محمد صالح اصفهانی «در نهایت امتیاز» یافته‌اند . با اکثر اعیان دربار شاه طهماسب صاحب بوده است و پس از مرگ شاه بخراسان رفته بکار کشاورزی پرداخته است و همانجا بوده تا درترکتازتر کمانان و انقلابات خراسان ، پریشان و بی‌سامان شده و در همان اوان در گذشته است . گویند سردی نجیب‌زاده و از خود گذشته و خوش-محضر بود و شعر نیکومی گفت .

صاحب خلاصه التواریخ که با او دیدار کرده است ، گوید که بانواع کمالات آراسته است ، شعر او خوبست و شطرنج حاضرانه و غائبانه را کسی بهتر از وی نمی‌بازد و خطرا بهتر از استادش محمد قاسم شادیشاه می‌نویسد :

متأخرین تذکره نویسان ، میرزا حبیب و سپهر و میرزا سنگلاخ ، وی را شاگرد محمودشهابی سیاوشانی و تاریخ وفات او را سال ۹۲۰ و بعضی ۹۶۸ ضبط کرده‌اند . یک نسخه دیوان امیرشاهی در کتابخانه مرحوم حاج سید نصرالله تقوی است که اگرچه اصل نام آن محوشده ، با احتمال قوی باید آنرا خط همین محمد حسین دانست که قرینه «سیادت» و نسبت «رزه‌یی» او معلوم است .

این نسخه بقلم کتابت خوش نوشته شده است و چنین رقم و تاریخ دارد : «کاتبها الفقیر [محمد حسین] الحسینی غفر ذنوبه و ستر عیوبه . تحریراً فی شهر رجب المرجب سنه ۹۷۶ بمقام رزه من اعمال باخرز» .

(۹۸۱) محمد حسین حکیم - میر

هفت قلمی گوید که سردی متواضع و خوش گفتار بود . نستعلیق را ابتدا از

خلیفه سلطان تعلیم گرفت و بعد بروش رشیدا مشق کرد و مجموعه نفیسی از خطوط رشیدا جمع کرد. در خط نسخ شاگرد عصمت الله خان بود و سی پاره قرآن چندی کتابت کرده است. از موسیقی و شاعری بهره داشت و سه تار خوب می نواخت. از معتقدان با اخلاص مولانا فخرالدین پسر مولانا نظام الحق چشتی بود که بسال ۱۱۹۹ در گذشت.

(۹۸۲) محمد حسین سلجوقی - خلیفه

پدر فکری سلجوقی هراتی سخندان معاصر افغانی است و قطعه پی بخط وی، فرزندش بمن بخشیده است بقلم سه دانگ و کتابت متوسط، با رقم: «حسب الاقتضاء جناب اسیر الامراء شهنواز خان روحی فدا قلمی نمود. المذنب محمد حسین غفر الله له».

افغانها وی را جزو خوشنویسان زبردست عصر حاضر میدانند و باقیاس دیگر خطاطان کنونی افغانستان، مقامی دارد، ولی نسبت به خوشنویسان گذشته آن دیار پایه و مایه پی ندارد.

(۹۸۳) محمد حسین بن سلطان حسین

از کاتبان گم نام خوشنویس قرن دهم و بخط او یک نسخه غزلیات ریاضی سمرقندی، در مجموعه آقای سلطان القرائی است، بقلم کتابت خفی خوش، با رقم و تاریخ: «العبد المذنب محمد حسین بن سلطان حسین غفر ذنوبهما و ستر عیوبهما. سنه ۹۷».

(۹۸۴) محمد حسین بن سیف الدین علی

از کاتبان گم نام قرن دهم و بخط او یک نسخه دیوان جامی است، بقلم

کتابت خفی متوسط ، که چنین تمام می شود : « تمت الكتاب بعون الملك الوهاب علی يد عبدالضعیف الراجی محمد حسین بن خواجه سیف الدین علی ، سترالله عیوبه بدار السلطنه سمرقند ، حمیت عن الآفات والبلیات ۱۹۷۱ » در کتابخانه سلطنتی ، تهران ؛

دیگریک نسخه کلیات جامی ، بقلم کتابت متوسط ، بارقم و تاریخ : « تمت الكتاب بعون الملك الوهاب ، علی يد عبدالضعیف محمد حسین بن خواجه سیف الدین علی ، سترالله عیوبه ، بدار السلطنه سمرقند ، فی التاريخ شهر ذی الحجة سنة ۱۹۷۴ » در کتابخانه مجلس شورای ملی ، تهران .

(۹۸۵) محمد حسین شریف هندی

از کاتبان خوشنویس قرن حاضر و از آثار وی ترجمه قرآن بخط زین العابدین اصفهانی است که بسال ۱۳۱۴ هجری قمری ، بصیر الملک آنرا در تهران چاپ کرده است و چنین تمام می شود : « تمة الكتاب المجید بعون الملك الحمید بید اقل الاقر الاحقر محمد حسین الشریف بن محمد بن حسین الهندی فی يوم الاثنين من تسع من شهر شعبان المعظم مطابق پیچی ثیل سنة ۱۳۱۴ » که ترجمه و خواص سور نسخه بخط این محمد حسین است که بقلم نستعلیق و شکسته نستعلیق و شکسته تعلیق کتابت خوش نوشته است .

(۹۸۶) محمد حسین شیرازی

خوشنویس زبردست گم نام قرن دوازدهم است و بخط وی ، قطعه بی دیده ام بقلم شش دانگ عالی ، بارقم و تاریخ : « المذنب محمد حسین شیرازی ۱۱۷۵ » .

(۹۸۷) محمد حسین شیرازی حسینی

از خوشنویسان گمنام معاصر محمد حسین شیرازی کاتب السلطان آتی الذکر

است و بخط وی قطعه بی دارم بقلم دودانگ و نیم دودانگ خوش ، بارقم : «المذنب
محمد حسین الحسینی الشیرازی» .

۹۸۸) محمد حسین شیرازی عالی - میر

فرزند میرزا محمد کلانتر فارس و از اعیان شیراز بود . صاحب انجمن خاقان
وی را جوانی فرشته خصلت و سلاطینک طینت و پسندیده صورت و خجسته سریرت خوانده
است و خانه اش را مجمع وزرا و مرجع شعرا و مهبط ادبا و مضیف غربا . وهم او گوید
که نستعلیق را خوش می نوشت و غزل را شیوا می سرود و «عالی» تخلص میکرد .
دیوان بیگی نیز در حدیقه الشعرا زیر عنوان عالی شیرازی در احوال او شرحی
نوشته و او را از احفاد میرسید شریف علامه دانسته و میگوید که پدرش میرزا محمد
قبل از حاج ابراهیم خان کلانتر شیراز بود . دعوی تولیت آستانه احمدیه را کرده
و تصرف نمودند و تولیت آستانه از زمان نادرشاه در دست این سلسله بود . میرزا فضل الله
خاوری از تصرف ایشان بیرون آورد و چون میرزای عالی چندان مقید بدنیا نبود که
برای این کار زحمتهای کشد و تملقها گوید ، همین قدر که خاوری در طهران حکم صادر
کرد و فرستاد میرزای عالی دست برداشته و گذاشت . «بالجمله ایشان مرد با حال
و کمالی بودند و معاصران کمال تمجید از ایشان می نمودند . مرحوم میرزای وصال
ایشان را استاد مطلق حکایت میکرد و بهمه جهت معتقدشان بوده ، رضا قلی خان
هدایت هم ایشان را بر خود و وصال مزیت می نهاده چنانچه این دو بیت از قصیده
اوست :

با همه دانی تو خود که نظمی زین دست

طبعی نارد بغیر طبع وصالی

او و سرا پایه سخن که شناسد

جز من و اولیک بعد حضرت عالی

بالجمله جناب عالی در هزار و دوویست و چهل و شش از دارملال ارتحال و بجوار اجداد طاهرین انتقال نمود ، رحلت ایشانرا میرزای وصال قطعه گفته ماده تاریخ این است : «جای عالی بهشت عالی شد» و چنانکه معلوم است کلام دیوان بیگی در خوشنویسی وی صریح نیست ، و مدلول ماده تاریخ ۱۲۴۷ و یک سال با تاریخی که دیوان بیگی در سال وفاتش آورده علاوه است .

۹۸۹) محمد حسین شیرازی - کاتب السلطان

پدرش حاج محمدعلی تاجر شیرازی و مادرش دختر حاجی میرزا محمد تاجر شیرازی است .

مختصری از گزارش زندگیش را خود در پایان یک نسخه مشنوی مولانا که بخط کم نظیر خود کتابت کرده و در کتابخانه سلطنتی است ، چنین آورده است :
پس از آنکه خط من صورت خوش یافت ، جزوه‌یی از مشنوی مولانا را کتابت کردم و بتهران آمدم و با اصناف مردم محشور شدم ؛ تا روزی بیکی از خاصان دربار ناصرالدین شاه بر خوردم و او متعهد شد که اوراق نوشته مشنوی را بعرض شاه برساند . پس از گذشت زمانی ، به پایمردی وی به پیشگاه شاه شرفیاب شدم و از خط من تمجید و به تکمیل مشنوی مأمورم کرد . در قلیل مدت است کتاب نسخه را بپایان رساندم و تقدیم داشتم و این در تاریخ ۱۲۷۹ بود .

ظاهراً پس از این هنرنمایی میرزا محمد حسین ، مورد توجه شاه واقع شده و بلقب « کاتب السلطان » سرافراز گردیده است . ناصرالدین شاه را بخط وی رغبت تمام بوده است ، چنانکه بسیاری از آثار او اکنون در کتابخانه سلطنتی است ، که بیشتر آنها را برای شاه و بنام شاه کتابت کرده است .

میرزا محمد حسین شیرازی ، یقیناً یکی از چیره دست ترین خوشنویسان است و بگمان من در ردیف یکی از ده تن خوشنویس کاتب نستعلیق درجه اول قرار دارد

اکنون ، پس از درگذشت وی و گذشت بیش از نیم قرن ، هنوز کاتب خوشنویس زبردستی چون وی نیامده است . در قدرت قلم و مزه و حسن سلیقه و لطف کم نظیر و خط نستعلیق را از شمش دانگ جلی تا کتابت خفی و غبار ، کمتر کسی چون وی نوشته است .

میرزا محمد حسین ، پس از قتل ناصرالدین شاه ، در دربار مظفرالدین شاه بخدمت کتابت خود ادامه داد و آثاری بنام مظفرالدین شاه نیز از وی باقی است و معلوم است که نزد این پادشاه نیز قربت و مقام داشته است و در یک موضع که بنام مظفرالدین شاه رقم کرده است خود را « کاتب الحضرت السلطانی » و « مستوفی دیوان اعلیٰ » یاد کرده است .

تاریخ مرگ او را کسی ذکر نکرده است و ظاهراً تا سال ۱۳۱۶ قمری نیز می زیسته است .

از آثار وی با اینکه گاه گاه در کتابخانه ها و مجموعه های خصوصی موجود است ؛ قسمت عمده آنها در کتابخانه سلطنتی مجتمع شده است و پیداست که غالباً به تشویق و امر ناصرالدین شاه کتابت شده است و موجب اینکه میرزا محمد حسین کمتر از سایر خوشنویسان معاصر خود ، مانند میرزا محمد رضای کلهر معروف شده ، اینست که آثار وی متفرق نشده است و بیشتر در آن کتابخانه گرد آمده است .

اینست آنچه از خطوط وی دیده ام :

یک نسخه شش دفتر مثنوی مولانا ، بقلم کتابت ممتاز ، که چنین تمام می شود : « ... و انا العبد کاتب الحضرت السلطانی محمد حسین الشیرازی غفرالله ذنوبه و سترالله عیوبه . تحریراً فی شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۷۹ » در کتابخانه سلطنتی ، تهران ؛

یک نسخه ترجمه فارسی قرآن ، بقلم نیم دو دانگ ممتاز ، که چنین تمام می شود : « چون پادشاه جمجاه ... ناصرالدین شاه قاجار ... همواره در بضاعت این

بنده در گاه بنظر مرحمت و تشویق دیده و بعنایت رجوع خدمت سرافراز فرموده اند لهذا خط این بی بضاعت ، زیوری تمام یافته و بکسوتی شاهانه جلوه گر آمده ، سزد آنکه باین موهبت سرافتخار باوج ماه رساند و در میان ارباب این صنعت بمزید اعتبار استظهار جوید ؛ چنان که اسر همایون در حق این بنده باستکتاب ترجمه کلام الله مجید ، شرف نفاذ یافته بود و بنده در گاه آسمان جاه این خدمت را بانجام رسانید . . . وانا العبد کاتب الحضرت السلطانی محمد حسین الشیرازی ، غفر ذنوبه و ستر عیوبه سنه ۱۲۹۰ « در همان کتابخانه ؛

یک نسخه تاریخ نخجیر ناصری ، بقلم کتابت جلی ممتاز ، بارقم و تاریخ : « وانا العبد کاتب الحضرة السلطانی ، محمد حسین شیرازی فی شهر ذی قعدة سنه ۱۲۸۲ « در همان کتابخانه ؛

یک مرقع ، بقلم دودانگ و کتابت خفی عالی ، بارقم و تاریخ : « الفقیر الحقیر المذنب ، بنده در گاه خلائق پناه محمد حسین الشیرازی غفر له سنه ۱۲۷۴ « در همان کتابخانه ؛

یک مرقع ، بقلم نیم دودانگ عالی ، بارقم : « العبد المذنب الراجی کاتب الحضرت السلطانی محمد حسین شیرازی ، غفر ذنوبه و ستر عیوبه ، فی دار الخلافه طهران ، سمت تحریر پذیرفت سنه ۱۳۰۴ « در همان کتابخانه ؛

یک مرقع ، بقلم سه دانگ و کتابت خفی عالی ، بارقم و تاریخ : « العبد المذنب بنده در گاه خلائق پناه محمد حسین الشیرازی ۱۲۷۴ « در همان کتابخانه ؛

یک نسخه تاریخ سلطان محمود غزنوی تألیف عباسقلی سپهر ، بقلم کتابت عالی ، در کتابخانه مجلس شورای ملی ، که چنین تمام می شود : « بنده در گاه آسمان جاه را که خط نستعلیق زیور کمال پذیرفته ، کسوتی شاهانه و بدیع پوشیده پرورده و برآورده این دولت قضا صولت ، بر قابلیت و استعداد و حسن سلیقه او حمل نتوان کرد ؛ بلکه خداوند جهان . . . مظفرالدین شاه قاجار ، در بضاعت مزجاة

اوبعین عنایت نظر فرموده و متحلی بزبور قبول آن در گاه شده باستکتاب این کتاب اسر و مقرر فرمودند . . . بنا باسر المأسور معذور، انجام داد . مگر باشد که روزی نظری در این کتاب فرمایند و کمترین بنده در گاه کیوان جاه را بمراحم ملوکانه سرافراز و محظوظ فرمایند ، تا بنده جان نثار را کلاه افتخار باوج ماه رسد و مزید و اعتبار بین الامثال والاشباه شود . . . وانا العبد الکاتب الحضرت السلطانی محمد حسین شیرازی مستوفی دیوان اعلی غفر ذنوبه و ستر عیوبه فی سنه ۱۳۱۶ ، که پیداست در سنین شیخوخت آنرا کتابت کرده که در دنبال آن این اشعار را نوشته است :

تا بودم زنده در آفاق نام	تا بودم شفقت شه دستگیر
مشق قلم همچو کمان کرد خم	عاقبتم قامت مانند تیر
شهرت ملک من و شمشیر شاه	هردوشه از لطف حق آفاق گیر

یک نسخه دیوان حافظ، بقلم کتاب عالی، که چنین تمام می شود: «بر حسب فرسوده سر کار جلالت دستگاه . . . میرزا محمد شفیع مستوفی شیرازی دام اجلاله و اقباله نوشته شد . وانا العبد کاتب الحضرت السلطانی محمد حسین الشیرازی غفر الله ذنوبه و ستر عیوبه . سنه ۱۲۷۹» در مجموعه آقای دکتر مهدوی ؛

شاید همین میرزا محمد شفیع مستوفی شیرازی ، همان خاصه دربار باشد که وی را بناصرالدین شاه معرفی کرده است ؛ زیرا که این دیوان حافظ در همان تاریخ استکتاب شده ، که مثنوی سابق الذکر ، نوشته شده است و میرزا محمد حسین برای سپاسگزاری از وی نسخه را بنام او کتابت کرده است .

نسخه دیگر دیوان حافظ ، بهمان قلم ، که چنین تمام می شود : «چون این بنده عمر خود را همواره معروف خط نستعلیق داشته و بعون الله و تأییده ، پایه این فن را بجایسی رفیع گذاشته که در نظر همه ارباب این صنعت ، خط این بی بضاعت زیور کمالی تمام یافته ، و تمام آنکه شود بحقیقت ، که پسندیده آید در حضرت . . .

مستوفی الممالک... امید که این کتاب مستطاب دیوان خواجه شمس الدین حافظ را که دیباچه دفتر فقر و فنا و عنوان طریقه سلوک صفاست و برای آن پیش کش آن سدّه سنّیه و عتبه عالیہ استکتاب نموده است ، نظر مرحمت و قبول در آن فرمایند و این بنده در گاه را بین الامثال مفتخر نمایند . حرره وانا العبد الجانی ، کاتب الحضرة السلطانی محمد حسین شیرازی غفرالله له ، فی شهر ذی حجة الحرام سنه ۱۲۸۳ « در همان مجموعه ؛

یک مرقع مناجات خواجه عبدالله انصاری و مناجات منظوم دیگر ، بقلم دودانگ و غبار عالی ، که چنین تمام می شود : « بجهت پیش کش جانب جلالتمآب... مستوفی الممالک دام اجلاله العالی فقیر کاتب الحضرة السلطانی محمد حسین شیرازی تحریر نمود ۱۲۷۵ « در همان مجموعه ؛

یک نسخه دیوان ناصرالدین شاه ، بقلم کتابت جلی عالی ، که چنین تمام می شود : « بخاطر فاتر این قاصر محمد حسین شیرازی ، که مدتی عمر خود را مصروف صنعت خط نموده تا از میان فرق ، گوی مسابقت ربوده ، چنین رسید که حیف باشد با این همه رنج ، تحصیل گنج سعادت نمی نمائی . این معانی بگر که بی رویت و فکر ، از طبع همایون صادر آمده بهتر آنکه بجلیه خط نیک نیز آرایش یابد ؛ شاید از برکت انفاس همایون ، چون در محضرش تحفه بری خود را از محنت و رنج بری بداری . از حسن تربیتش محط مرحمت شایان و مهبط عواطف نمایانت فرماید . والحمد لله علی اتمامه والشکر علی انعاسه . حرره فی شهر جمادی الاول ۱۲۷۲ « در کتابخانه مرحوم حاج سید نصرالله تقوی ، تهران ؛

یک نسخه مخزن الاسرار نظامی ، بقلم نیم دودانگ و کتابت عالی ، که چنین تمام می شود : « بجهت پیش کش... اعتماد الدولة العلیة عالیہ و اعتضاد السلطنه... میرزا آقا خان نوری صدر اعظم... سمت تحریر یافت... کتبه العبد محمد حسین شیرازی غفرالله له ۱۲۷۱ « در کتابخانه دانشگاه ، استانبول ؛

یک مرقع ، بقلمهای از سه دانگ تا کتابت عالی ، بارقم و تاریخهای متعدد از جمله : « العبد کاتب الحضرت السلطانی ، محمد حسین شیرازی غفر ذنوبه و ستر عیوبه فی دار الخلافه طهران سنه ۱۳۰۵ » و « العبد المذنب الراجی محمد حسین شیرازی مستوفی همایونی الملقب بکاتب السلطان غفر ذنوبه ۱۳۰۵ در مشهد مقدس نوشته شد ۱۳۰۸ » در دست یک کتاب فروشی ، تهران :

قطعات متعدد متفرق دیگر ، بقلمهای از شش دانگ تا کتابت خفی و ممتاز و عالی ، بارقم و تاریخهای از جمله : « حرره العبد کاتب السلطان محمد حسین شیرازی ۱۲۹۲ » و « کاتب الحضرت السلطانی محمد حسین » و « العبد کاتب الحضرة السلطان محمد حسین شیرازی غفر الله له فی سنه ۱۳۰۵ » در مجموعه های : کتابخانه سلطنتی - کتابخانه ملی تهران - کتابخانه آقای سلطان - القرائی - آقای حاج حسین آقا نخجوانی - نگارنده ؛

واز نفایس آثار وی ، کتیبه امام زاده عبدالله در شهرری است که بقلم کتیبه دودانگ ممتاز نوشته است و چنین تمام می شود :

« نوشت کلک نثار از برای تاریخش

همی بتابد ازین بقعه نور رحمانی

کتبه العبد المذنب محمد حسین شیرازی غفر الله ذنوبه و ستر عیوبه ، فی شهر رجب سنه ۱۲۷۳ » .

میرزا محمد حسین ، جز نستعلیق با قلام دیگر نیز دست داشته و از جمله آثار وی بخط شکسته نستعلیق موجود است که در جزو شکسته نویسان خواهد آمد .

(۹۹۰) محمد حسین شیرازی مشکین قلم

او نیز از معاصرین محمد حسین شیرازی کاتب السلطان بود و چند قلم را خوش می نوشت . از آثار او موجود است :

یک سرقع ، که قطعاتی بخطوط : نسخ و شکسته تعلیق و شکسته نستعلیق
و نستعلیق چهار دانگ خوش ، با رقم و تاریخ : « المذنب الفقیر محمد حسین الشیرازی
الملقب بمشکین قلم غفر له سنه ۱۲۷۹ » و « محمد حسین الشیرازی الملقب بمشکین
قلم ، سنه ۱۲۷۹ » در کتابخانه سلطنتی ، تهران ؛
یک قطعه ، بقلم نستعلیق دودانگ خوش ، با تاریخ و رقم : « هجدهم شهر
ذی الحجة الحرام سنه ۱۲۵۶ المذنب محمد حسین الملقب بمشکین قلم » در مجموعه
آقای سلطان القرائی ، تهران .

(۹۹۱) محمد حسین ضابطه نویس

محمد صالح اصفهانی در تذکره خود گوید : از شاگردان ابوتراب اصفهانی
(پدر مؤلف تذکره) بود و در کتابت امتیاز داشت .

(۹۹۲) محمد حسین طهرانی - فراشباشی

بنقل المآثر والآثار و سپهر ، نستعلیق را خوش می نوشت و از خوشنویسان
دوره قاجار بود .

(۹۹۳) محمد حسین طهرانی - کاتب السلطان

از خوشنویسان دربار محمد شاه و ناصرالدین شاه قاجار و چند قلم را خوش
می نوشت . خط نستعلیق را از شش دانگ تا غبار ، استادانه می نوشت ، مخصوصاً
در کتابت دست قوی داشت .

سپهر تاریخ وفاتش را سال ۱۲۶۹ ضبط کرده و درست نیست ، که از آثار
تاریخ داراوتاسال . ۱۲۷۰ را دیده ام ؛ ولی هنگام تألیف المآثر والآثار (سال ۱۳۰۶)
در گذشته بوده است .

اثر عظیم نفیس وی یک دورہ ترجمہ الفلیلة و لیلیة است کہ بامر ناصر الدین شاہ درشش مجلد بقطع رحلی ، استکتاب و تزیین و تصویر و تذهیب و تجلید شدہ و از آثار هنری بی مانند و عظیم المثل عہد ناصری است . این نسخہ بقلم کتابت جلی خوش نوشتہ شدہ است و در مقدمہ کتاب دارد : « کمترین کاتب حضرت السلطانی محمد حسین طهرانی تحریر نمود ، ۱۲۶۹ » در کتابخانہ سلطنتی ، تہران ؛

دیگر از آثار وی دیدہ ام :

یک نسخہ آداب المشق با شاہ اصفہانی ، بقلم نیم دودانگ خوش ، بارقم و تاریخ : « کتبہ محمد حسین الطهرانی غفرلہ سنہ ۱۲۵۹ » در همان کتابخانہ ؛
یک مرقع مشتمل بر سی رقعہ ، بقلمہای نسخ و شکستہ نستعلیق و نستعلیق از پنج دانگ تا نیم دودانگ عالی و خوش ، با رقم و تاریخ : « کتبہ محمد حسین الطهرانی ، غفرلہ ، سنہ ۱۲۵۹ » در همان کتابخانہ ؛

مرقع دیگر مشتمل بر سی رقعہ ، بقلمہای ثلث و تعلیق و شکستہ نستعلیق و نستعلیق ، از پنج دانگ تا نیم دودانگ عالی و خوش ، با رقم و تاریخ : « الکاتب السلطانی محمد حسین الطهرانی غفرلہ ، ۱۲۷۰ » و « کمترین کاتب حضرت ظل اللہی ، محمد حسین الطهرانی ، فی سنہ ۱۲۷۰ » در همان کتابخانہ ؛

مرقع دیگر مشتمل بر بیست و یک رقعہ ، بقلمہای نسخ و رقاع و شکستہ نستعلیق و نستعلیق چہاردانگ و سہ دانگ خوش ، با رقم : « المذنب محمد حسین الطهرانی » و « کمترین بندگان محمد حسین غفر ذنوبہ » و مانند آنها ، و تاریخہای متعدد : « ۱۲۵۶ » و « ۱۲۵۷ » در همان کتابخانہ .

قطعات متعدد متفرق ، بقلمہای از پنج دانگ تا کتاب خفی عالی و خوش با رقمہا و تاریخہای : « محمد حسین الطهرانی سنہ ۱۲۶۷ » و « کتبہ الکاتب الحضرت السلطانی . . . محمد حسین الطهرانی . . . فی شہر الاصب رجب المرجب سنہ ہزار و دو بیست و ہفتاد ، نوشتہ شدہ » و « کاتب الحضرت السلطانی محمد حسین ۱۲۵۲ »

«حسب الامر حضرت شهریار دین پناه... کمترین بندگان محمد حسین الطهرانی ۱۲۵۲» و مانند اینها، در مجموعه های: کتابخانه سلطنتی و کتابخانه ملی تهران و نگارنده.

شاید نسب نامه فتح علی شاه قاجار که بانشاء میرزا تقی علی آبادی روی سنگ سرسر حک شده و اکنون در گوشه بقعه قبر فتح علی شاه است، نیز بخط وی باشد.

(۹۹۴) محمد حسین عطا خان - میر

فرزند محمد باقر زرین قلم است که ترجمه اش گذشت و خود او ملقب به «مرصع رقم» بود و در دوره حکومت شجاع الدوله نواب اوده (۱۷۷۵-۱۷۵۳ م.) شهرت داشت و باسراو داستان چهار درویش را بار دو ترجمه کرد.

از خطوط او دیده ام:

یک قطعه، بقلم دودانگ و کتابت متوسط، با رقم و تاریخ: «میر محمد حسین عطا خان، سنه ۱۱۹۲» در سوزه باستان شناسی، دهلی؛
یک قطعه، بقلم نیم دودانگ خوش، با رقم: «مرصع رقم خان، عرف میر محمد حسین عطا خان» که در کتاب تاریخ خطوط اسلامی پرفسور کوهنل، نقل شده است.

(۹۹۵) محمد حسین عمادالکتاب

مرحوم میرزا محمد خان قزوینی در «وفیات معاصرین» خود، تولدش را ۲۷ فروردین ماه ۱۲۸۵ قمری، در قزوین ضبط کرده است و گوید که غالب عمرش را بکتابت و تعلیم خط گذرانیده است. بسال ۱۳۳۴ قمری در کمیته مجازات که میرزا ابراهیم خان منشی زاده و اسدالله خان ابوالفتح زاده، آنرا اداره می کردند، وارد شد

و تحریرات بیانیہ های کمیته ، بخط او بود . بسال ۱۳۳۵ اعضای کمیته دستگیر شدند و عمادالکتاب ہم مدتی محبوس بود و مدتی ہم در قم تبعید و تحت نظر بود . در زمان سلطنت رضاشاہ پهلوی در دفتر مخصوص وارد شد و مأمور تحریرات گردید . در ۲۶ تیرماه ۱۳۱۵ ، مطابق ۲۷ ربیع الثانی ۱۳۳۵ در طهران در گذشت .

عمادالکتاب از خاندان سیفی قزوینی و آخرین استاد خوشنویس نستعلیق قرن حاضر بود . وی پیرو و ناشر شیوہ خاص سیرزا محمد رضای کلهر است و پس از در گذشت کلهر تا کنون کسی در آن شیوہ خط نستعلیق ، جای او را نگرفته است . عمادالکتاب ہمہ اقلام را خوش و نستعلیق را از کتیبہ تا غبار استادانہ و بسیار بانمک سی نوشت و از نقاشی آب رنگ سررشته داشت .

از آثار وی کتیبہ بسیاری از ابنیہ دورہ پهلوی ، از جمله کتیبہ جدید سر در مدخل سپہسالار و لوحہ یی بر آرامگاه فردوسی در طوس است کہ گردہ های آنها را با صدها ورق سیاه مشق دختر آن مرحوم بکتابخانہ ملی تهران اهداء کرده است و تصویر خود وی کہ با آب رنگ طرح کرده نیز جزو آنهاست .

دیگر از آثار نفیس ہنر او یک دورہ رسم المشق است کہ برای نوآموزان خط دبستانها و دبیرستانها بچاپ رسیدہ است و نیز مرقعی است کہ مفردات جملہ اقلام را نوشته و چاپ از الید کرده و در دست بعضی علاقہ مندان است .

عمادالکتاب ، قبل از دورہ مشروطیت ، جزو کاتبان وزارت انطباعات بودہ و از سال ۱۳۱۷ قمری با سمت کاتبی در آن وزارت مشغول بودہ است . در دورہ سلطنت سلطان احمد شاہ قاجار ، مدتی در وزارت داخلہ ، منشی و همان اوقات معلم مشق خط سلطان احمد شاہ نیز بود .

چنانکہ گذشت ، زندگانی او خالی از حادثہ نبودہ و از سال ۱۳۳۶ تا آخر سال ۱۳۳۷ را در زندان گذرانیدہ و فقط در اواخر عمر کہ در دربار پهلوی سمت خوشنویسی مخصوص را داشت ، چندی باسایش و آرامش روزگار گذرانیدہ است

واعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی که خود از حسن خط و خط شناسی بهره مندند ، در طفولیت ، مشق خط ، از همین استاد گرفته اند .

عمادالکتاب از کاتبان خوشنویس پرکار بود و بسیاری از آثار قلم وی بچاپ رسیده و از آن جمله است : شاهنامه فردوسی ، معروف به امیربهادری ، سال ۱۳۳۶ - قمری - سفرنامه استانلی ، سال ۱۳۱۵ - نامه دانشوزان ناصری ، سال ۱۳۱۸ - محسنیه ، سال ۱۳۱۲ - حساب موسی خان ، سال ۱۳۱۷ و کتابهای دیگر ، از جمله نسخه نفیس ترجیع بند هاتف ، در سلسله انتشارات انجمن دوستان کتاب . از قطعات خطوط وی ، جز آنها که در کتابخانه ملی تهران است ، بعضی عبارتست از :

یک مکتوب که به پرفسور ادوارد برون انگلیسی نوشته است و نمیدانم که این نسخه اصل است که نوشته و نفرستاده و یا نسخه دیگری از آنست ؛ در کتابخانه مرحوم حاج سید نصرالله تقوی ؛

و چند قطعه در مجموعه نگارنده با این قرار :

یک قطعه ، بقلم سه دانگ و کتابت جلی عالی ، با تاریخ و رقم : « سنه یکهزار و سیصد و بیست و سه ، در دارالخلافت طهران قلمی گردید . . . تقدیم حضور . . . آقای امین دفتر دام اقباله . کتبه العبد الفقیر محمد حسین عمادالکتاب القزوینی غفرله . »

یک قطعه ، بهمان قلم ، با تاریخ و رقم : « روزیازدهم ماه ربیع المولود یکهزار و سیصد و سی و شش هجری در مجلس فقیر عمادالکتاب ؛

یک قطعه ، بقلم دودانگ خوش ، با رقم و تاریخ : « مشقه عمادالکتاب محمد حسین بن محمد قزوینی ، در مجلس نوشته شد ، ۱۳۳۶ » ؛

یک قطعه ، بقلم چهار دانگ خوش ، با رقم و تاریخ : « مشق الحقیق عمادالفقیر معلم خط بندگان اعلیحضرت . . . شاهنشاه ایران سلطان احمد شاه قاجار . . . لیله پنجشنبه بیست و دوم ذی قعدة ۱۳۳۱ » ؛

یک قطعہ ، بقلم سه دانگ خوش ، با تاریخ ورقم : « ناخوشی و ضعف بنیہ نمی گذارد یک چیز خوب جهت برادرم بنویسم . عصر روز بیست و یکم جمادی الثانی در آفتاب نشسته نوشتم . العبد المحبوس عماد الکتاب محمد حسین بن محمد قزوینی . « ۱۳۲۷ » .

یک قطعہ ، بقلم نیم دودانگ خوش ، بارقم و تاریخ ورقم : « شکر ت یا سولی کہ دستم قدری حال آمده است . العبد محمد حسین عماد الکتاب دوم صفر ۱۳۳۶ الهی بجناب ماژور محمود خان و اشخاصی کہ در مجلس باین فقیر کمک و حتی القوه همراهی کرده اند خیر دنیا و آخرت بده» ؛

یک قطعہ ، بقلم سه دانگ خوش ، بارقم و تاریخ : « در اداره محاسبات وزارت داخله نوشت مشقه عماد الکتاب القزوینی ، در هفتم ذی قعدہ یک هزار و سیصد و بیست و نه» ؛

یک قطعہ ، بقلم سه دانگ خوش ، بارقم و تاریخ : « معلم الحضرت السلطانی عماد الکتاب القزوینی غفر ذنوبه و ستر عیوبه سنه . ۱۳۳۰ » ؛

یک قطعہ ، بقلم سه دانگ خوش ، با تاریخ ورقم : « لیلہ یکشنبه هفدهم یا هجدهم شهر محرم الحرام سنه یک هزار و سیصد و سی و یک هجریست ، در وزارت داخله مشقه العبد عماد الکتاب» .

۹۹۶) محمد حسین بن غیاث الدین علی

از کاتبان خوشنویس گم نام قرن دهم و بیخط وی یک نسخه دیوان جامی در سوزہ دولتی کابل است ، بقلم کتابت خوش ، بارقم و تاریخ : « کتبه العبد العبد المذنب الراجی الی رحمة الله المملک الولی ، محمد حسین بن غیاث الدین علی ، غفر ذنوبهما و ستر عیوبهما ، بتاريخ . . . ۹۰۰ » (رقم عشرات و آحاد تاریخ خوانا نیست) .

(۹۹۷) محمد حسین فراهانی - سید

از کاتبان قرن سیزدهم و یکم نسخه مثنوی فرهاد و شیرین وحشی و وصال
بخط او در کتابخانه سلطنتی است ، بقلم کتابت متوسط ، با رقم و تاریخ : « العبد
المدنّب العاصی الجانی محمد حسین الحسینی الفراهانی ، فی شهر ربیع الاول سنه
۱۲۹۱ » .

محمد حسین قزوینی = محمد حسین عمادالکتاب

(۹۹۸) محمد حسین قزوینی

از کاتبان قرن حاضر است و یکم نسخه الف النهار بخط وی بچاپ رسیده که
بقلم کتابت جلی متوسط بسال ۱۳۱۴ قمری نوشته شده است و رقم محمد حسین بن
محمد قزوینی دارد .

(۹۹۹) محمد حسین کاشانی

سپهر گوید که فرزند میرزا محمد تقی کاشانی است و نستعلیق را خوش مینوشت
و بسال ۱۲۸۷ در گذشت .

(۱۰۰۰) محمد حسین کاشانی - شیخ

از کاتبان قرن حاضر است که شعر می گفت و «طوبی» تخلص می کرد و از
آثار چاپی وی ، یکم نسخه دیوان هلالی جغتائی است که بقلم کتابت متوسط نوشته
است و تاریخ سال ۱۳۱۵ دارد و در باره سایر آثار چاپی خود در پایان این نسخه
آورده است :

«این عبد مدنّب جانی اقل الحاج شیخ محمد حسین تاجر کاشانی المتخلص
بطوبی . . . دیوان جغتائی را با کمال دقت تصحیح کرده بخط خود تحریر نمود . .

و بزینت طبع در آوردم . . . فهرست کتب علمیه که بخط حقیر . . . بزیور طبع در آمده: شرح دعای جوشن و صباح سنه ۱۲۸۳ ، شرح منظومه درسنة ۱۲۹۸ ، سه منظومه حاج سبزواری سنه ۱۲۹۸ . آنچه نوشته شده و طبع خواهد شد ؛ شرح حکمة الاشراق اسرار الحکم ، شرح عربی و فارسی بر منظومه جزری ، مشکلات العلوم نراقی ، یوسف و زلیخا ، دیوان حسین بن حسن کاشانی ، طاقدیس ملاحمد نراقی . آنچه در دست تحریر است ؛ مفتاح الکرامه ، ابواب الجنان و اعظقز وینی ، گوهر مراد ، مجمع الامثال سیدانی ، سرمایه ایمان مختصر گوهر مراد ، دیوان شمس تبریزی ، کلمات مکتونه فیض ، دیوان فیض .

و از کتابتهای خطی او ، ترجمه فارسی یک نسخه قرآن بخط علی عسکرارسنجانی است ، بقلم کتابت خفی خوش ، بارقم : «طوبی تحریر کرد» .

(۱۰۰۱) محمد حسین کشمیری

معروف ترین خوشنویسان هندی در عصر خود و از مقربان اکبر پادشاه (۱۰۱۴-۹۶۳) و استاد شاهزادگان بود و از این پادشاه لقب « زرین قلم » گرفته و بان معروف شده است ، تا زمان جهانگیر پادشاه (۱۰۳۷-۱۰۱۴) میر کاتب دربار وی بوده و باین مناسبت « جهانگیر شاهی » نیز رقم دارد . در تاریخ جهانگیری ، بانشاء همین پادشاه آمده است : «روز سه شنبه جهانگیر پور محل نزول آیات جلال گشت . در حوالی آن منار بفرموده من بر سر قبر آهوی من راج نام که در جنگ آهوان خانگی و صید آهوان صحرائی بی نظیر بود احداث نموده اند . در آن منار محمد حسین کشمیری که سرآمد خوشنویسان زمان خود بود ، این نثر را نوشته بر سنگی نقش کرده اند که : درین فضای دلکش آهوی بدام جهان دار خدا آگاه نورالدین جهانگیر پادشاه آمده در عرض یک ماه از وحشت صحرائیت برآمده سرآمد آهوان خاصه گشت بنا بر ندرت آهوی مذکور ، حکم فرمودیم که هیچ کس قصد آهوان این صحرا نکند

و گوشت آنها بر کافر حکم گوشت گاو داشته بر مسلمان از مقوله گوشت خوک باشد و سنگ قبر او را بصورت آهو مرتب ساخته نصب کردند» .

محمد حسین را بعضی شاگرد عبدالعزیز دانسته گویند که از استاد در گذشته است ؛ و بعضی دیگر مانند صاحب مناقب هنروران ، او را شاگرد میرعلی هروی ، که در این صورت باید زندگی بس دراز کرده باشد ؛ چه تاریخ وفات او را بالاتفاق سال ۱۰۲۰ ضبط کرده اند و تاریخ مرگ میرعلی هروی با غلب احتمال ، سال ۹۵۱ است که در حدود هفتاد سال پس از درگذشت میرعلی میشود ؛ مگر اینکه انگاریم که محمد حسین بیش از هفتاد سال زیسته و در کودکی شاگرد میرعلی بوده است و میدانیم که میرعلی آخر عمر در بخارا و در غربت و شدت دلتنگی بسر می برده و معلوم نیست که در آن حال مشق دادن و تعلیم کودکان را داشته بوده است .

از شاگردان محمد حسین ، حسین کشمیری و محمد سراد زرین قلم را نام برده اند .

از آثار فراوان وی دیده ام :

۴ قطعه از مرقع گلشن ، بقلم سه و دو و نیم دودانگ و کتابت خوش ، با رقم و تاریخهای : « بموجب حکم اقدس ، کمترین بنده ها ، محمد حسین زرین قلم کشمیری بتاریخ سه موافق سنه ۱۰۱۷ بقلم شکسته رقم ، نقل نمود . » و « کمترین بنده ها محمد حسین زرین قلم کشمیری ، سنه ۳ موافق سنه ۱۰۱۷ نقل نمود » و « العبد المذنب الفقیر محمد حسین زرین قلم جهانگیر شاهی ، فی سنه هزار و هجده » در کتابخانه سلطنتی ، تهران ؛

۵ قطعه در سر قعهای دیگر ، بقلم های چهار و سه و دو و نیم دانگ و کتابت خوش ، با رقمهای : « الفقیر المذنب زرین قلم غفر ذنبه » و « العبد المذنب الفقیر محمد حسین زرین قلم اکبر شاهی ، در سال سی جلوس جهانگیری مشق نمود » در همان کتابخانه ؛

قطعاتی چند ، بقلمهای از چهار دانگ تا کتابت خوش ، بارقمهائی از جمله :
 «العبد محمد حسین کشمیری زرین قلم» و «کتبه العبد المذنب الفقیر محمد حسین
 الکاتب کشمیری» و «فی شهور سنه اثین و تسعین و تسعمائة المذنب کشمیری
 الکاتب» و «مشقه المذنب الفقیر محمد حسین کشمیری غفرالله ذنوبه و سترالله
 عیوبه ، الفقیر محمد حسین کشمیری سنه ۹۸۸» در کتابخانه های : ملی ، تهران
 آستان رضوی ، مشهد - حاج حسین آقا ملک ، تهران - بادلیان ، انگلستان و موزه
 باستان شناسی دهلی ؛

در مرقعی عظیم و بزرگترین مجموعه قطعات خطوطوی ، مشتمل بر ۳۰۰ قطعه
 از پنج دانگ تا کتابت خفی خوش و عالی ، بارقمهها و تاریخهای : «کشمیری» و
 «کشمیری کاتب» و «محمد حسین» و «محمد حسین کاتب» و «محمد حسین زرین
 قلم» و «الفقیر محمد حسین فی شهور سنه ۹۹۹» و «کتبه العبد المذنب الحقیر محمد
 حسین غفرالله ذنوبه و ستر عیوبه و السلام فی سنه الف» و «کتبه العبد المذنب
 المفتقر الی رحمة الله محمد حسین زرین قلم غفر له سنه هزار و چهار» و «بندة بی بضاعت
 و بی استطاعت محمد حسین کاتب بجهت نواب قبله گاهی اقبال آثاری حکیم همام
 سلمه الله و ابقاه تحریر نمود ، فی شهور سنه ۹۹۸» و «تحریر آفی شهور سنه ثمان و تسعین
 و تسعمائة ، کتبه . . . محمد حسین الکاتب» .

یک نسخه مفردات نستعلیق میرعلی تبریزی ، بقلم سه دانگ خوش ، مصدر -
 بیك صفحه سورة فاتحه و مختوم بدو قطعه دودانگ و نیم دودانگ خوش ، با تاریخ
 ورقم : «بتاریخ سنه نهصد و نود ، اواخر ذی قعدة ، بندة فقیر محمد حسین کشمیری
 بقلم شکسته رقم مرقوم ساخت» در مجموعه نگارنده .

(۱۰۰۲) محمد حسین کوزه کنانی

سپهر گوید که نستعلیق را خوش نوشت و بسال ۱۲۱۴ در گذشت .

(۱۰۰۳) محمد حسین گیلانی

صاحب تذکره میخانه گوید که در شعر فهمی و تازه گوپی بی انباز است و در حکمت استاد. از موسیقی سررشته دارد و نستعلیق را خوش می نویسد. از شاعران لاهیجان بود و ابتدا «رسمی» تخلص میکرد و بعد آنرا به «فغفوری» تبدیل نمود.

پدرش سید احمد از مقربان خان احمد گیلانی بود و فغفوری پس از مرگ پدر باذر بایجان و از آنجا بگرجستان رفت و چون از آئین مردم آن سامان دلگیر شد، بایران بازگشت و در اصفهان، با حکیم شفائی ملاقات و مهاجرت کرد. بدرباه شاه عباس راه یافت و قصاید غرآ در مدیح شاه گفت و صله ها یافت. پس از مدتی اقامت در اصفهان، به هندوستان شتافت و چندی در قندهار بپائید و میرزا غازی ترخان، حاکم قندهار که سربى هنرمندان و سخن دانان بود، مقدم ویرا گرامی داشت؛ ولی بعلمت حسدورزی دیگر شاعران سرکار غازی، بی خبر از قندهار بیرون رفت و روانه لاهور شد. از آنجا به آگره رفت و چندی بعد به برهان پور، بدربارشاهزاده پرویز بن جهانگیر پادشاه راه یافت و در رکاب او به الله آباد رفت و پس از دو سال در همان جا درگذشت. ماده تاریخ فوت او را که صالح تبریزی یافته است و بر لوح قبرش نقش کرده اند و سال ۱۰۲۷ می شود، اینست:

رفت فغفور سخن از ملک نظم
چون بهشتی بود، شد تاریخ او
داغها بر سینه احباب هشت
(هم نواء عندلیبان بهشت)

(۱۰۰۴) محمد حسین مازندرانی

از کاتبان کم نام قرن یازدهم بود و نسخه یی از عیون الحساب بخط وی در کتابخانه مدرسه سپهسالار است، بقلم کتابت خفی نزدیک به غبار متوسط، که

چنین تمام می شود : «قدنمقها فی مجالس آخرها اول شهر شعبان المعظم من شهر
سنه ۹۳۰ . ۱ ، وانا العبد الحقیر الجانی ، محمد حسین بن محمد صالح المازندرانی غفر
ذنوبه و ستر عیوبه» .

محمد صالح اصفهانی در تذکره خود نامی از محمد حسین وزیر مازندران
آورده و او را جزو شاگردان خود شمرده گوید ، بسیار خوب می نوشت و اکنون تارک
است . ممکن است این نسخه عیون الحساب بخط هم او باشد .

(۱۰۰۵) محمد حسین مستوفی - میرزا

فرزند میرزا مرتضی اصفهانی از مستوفیان اصفهان و از سریدان رحمت علی
شاه بود و دوبار با او به تهران آمد . چندی در شیراز جزء کارگزاران ظل السلطان و
سررشته داری محاسبات او بود . همه خطوط را خوش می نوشت و در سیاق مهارت
داشت .

صاحب طرایق الحقایق گوید که از وی شنیدم می گفت که پس از مرگ
پدر ، بانواع منهیات مبتلا شدم و تهی دست گردیدم . ناگهان هوای دین در دلم
افتاد و بطلب اهل یقین رفتم و نیافتم ؛ تا روزی در خرابات کسی ، بکرمانم هدایت
کرد . بدان سوی شتافتم . چندی جستجو کردم . چیزی نیافتم و ملول شدم خوابم
در بود . در خواب مزار شاه نعمه الله را نشانم دادند . بدان جا رفتم و بی خبر افتادم .
ناگاه کسی سرا بخود آورد و گفت آنکه به دنبالش می گردی ، در صحن است . چشمم
به رحمت علی شاه افتاد و روانم روشن گردید و دیگر از وی مفارقت نتوانستم و حقیقت
ایمان را از وی یافتیم .

بسال ۱۳۱۶ در گذشت .

محمد حسین مشکین قلم = محمد حسین اصفہانی

محمد حسین مشکین قلم = محمد حسین شیرازی

(۱۰۰۶) محمد حسین میرزا

از فرزندان فتح علی شاہ قاجار بود و بحکومت ولایات مأمور می شد و از جمله وقتی حاکم لرستان بود .

در گلشن محمود است کہ شعر می گفت و نستعلیق را با سلیقه می نوشت .

(۱۰۰۷) محمد حسین ناجی

بقول صاحب نتایج الافکار اصلاً اندجانی و بگفته صاحب سفینه خوشگو، شیرازی است کہ در شاه جهان آباد متولد گردیده است . در نظم و نثر دستگاہ داشت و نستعلیق را نیکو می نوشت .

در اوایل عهد عالم گیر پادشاه ، جزو منشیان دربار بود و در نزد فرخ سیر صاحب مناصب و بخدمت میر بحری بنگالہ مأمور شد و همانجا بسال ۱۱۲۶ در گذشت .

(۱۰۰۸) محمد حسین نورس دماوندی

در جوانی از دماوند باصفهان رفت و بشاعری پرداخت و « نورس » تخلص کرد . صائب متوجه حال او شد و تربیتش کرد و او را ملازم محمد زمان کرد ؛ ولی چون خوی سازگار نداشت ، خان مزبور از او رنجیده گشت .

نستعلیق خفی را خوش می نوشت ولی خود بیش از خط بشعرش می نازید و از این روشعرای عصر بوی خرده می گرفتند .

گویند روزی میر نجاتی شاعر گفت کہ : « خوشنویسان شاعرش میدانند و شاعران خوشنویس » .

نورس مدت‌ها بشاعری و خوشنویسی در اصفهان روزگار گذرانید تا در همانجا در گذشت. سال وفاتش را نیاورده‌اند ولی تا سال ۱۰۹۳ م زیسته است:
از خطوط وی دیده‌ام:

یک نسخه قرآن مجید بقلم نستعلیق کتابت خوش، با رقم و تاریخ: «کتابه العبد المتخلص بالنورس دماوندی، فی سنه ثلاث وتسعين بعد الالف» در کتابخانه سلطنتی، تهران؛

یک نسخه تذکره شاه طهماسب، بقلم نیم دو دانگ متوسط، که چنین تمام می‌شود: «اختتام و اتمام بنای صحیفه اسرار پادشاهی و انسلاک و انتظام درر غرر و لالی آثار شاهنشاهی، حسب الامر نواب مستطاب خانی و فقه الله تعالی فی الدارین در او آخر شهر شعبان المعظم سنه ۱۰۹۰. تصویر و تحریر و تنظیم و تکمیل پذیرفته مرقوم قلم انقیاد و کلک اذعان، المتخلص بالنورس، محمد حسین دماوندی گردید.» در همان کتابخانه؛

یک قطعه از سرقعی، بقلم دو دانگ و کتابت متوسط، با رقم و تاریخ: «نمقه محمد حسین نورس، سنه ۱۰۸۸.» در همان کتابخانه.

(۱۰۰۹) محمد حسین نایب الصدر

فرزند رحمت علی شاه است. مادرش گوهر سلطان اصفهانی بود. بسال ۱۲۵۵ متولد شد. در علوم عقلی و نقلی دست داشت و خطوط نسخ و نستعلیق و شکسته نستعلیق را خوش می‌نوشت و عهده‌دار مکاتبه پدرش با دیگران بود.

بسال ۱۲۷۳ با پدر خود به کرمان رفت و همانجا بود تا رحمت علی شاه در گذشت و به تهران آمد و حاج میرزا رحیم خان از مقربان دربار ناصر الدین شاه قاجار، او را بحضور برد و شاه را از وی خوش آمد و دوثلث وظیفه پدرش را درباره او مقرر و بلقب نایب الصدر مفتخرش کرد و پس از چندی بشیراز رفت.

صاحب طرایق الحقایق ، نزدوی بتحصیل مقدمات علوم و ادبیات پرداخت
و نسخه بی از مطول را نایب الصدر بخط خود بوی داده است .

مؤلف طرایق گوید که وقتی بمن گفت که از خداوند، برگ خود را خواسته ام .
روز بعد بیمار شد و پس از سه روز بسال ۱۲۹۵ در گذشت و جنازه اش را بقم منتقل
کردند . تاریخ وفاتش را مؤلف طرایق چنین یافته است .

گفت تاریخ وفاتش معصوم « به به آمد بر رحمت منصور »

نایب الصدر حواشی بسیاری بر کتابهای ادبی و منطق و حکمت و هیأت دارد
و عبری و فارسی شعر گفته و « منصور » تخلص کرده است .

۱۰۱۰) محمد حسین هروی

در مناقب هنروران است که شاگرد میر محمد باقر بن میر علی هروی بود .

محمد حسین = شمس الکتاب

۱۰۱۱) محمد حسینی - حاج

از خوشنویسان کم نام قرن یازدهم بود و بخط وی دیده ام :

دو قطعه از مرقدی ، بقلم سه دانگ خوش ، با رقم و تاریخ : « مشقه حاجی محمد
الحسینی » و « نمقه حاجی محمد الحسینی ۶۶ . ۱ » در مجموعه آقای سعید سوقر ، تهران ؛
یک قطعه ، بقلم دو دانگ خوش ، با رقم : « کمترین بندگان سید محمد
الحسینی » ، در نزد کتابفروشی ، تهران ؛

یک قطعه از مرقدی ، بقلم دو دانگ خوش ، بشیوه میر عماد ، با رقم : « کمترین
بندگان سید محمد الحسینی » در مجموعه آقای ناصری ، تهران .

(۱۰۱۲) محمد حفیظ خان

فرزند شیخ الله یار بن شیخ عبدالعزیز عزت بود . در سیزده سالگی از لاهور
به دہلی رفت و در جزو یسا ولان پادشاہی منسلک گردید . بعدہا گوشہ گیری گزید
و بھیچ یک از اسراء و خوانین سرفروہ نیاورد .

شعر سی گفت و «عزت» تخلص میکرد . پایان عمر را با کتابت قرآن گذرانید
و جز در خط خوشنویسی ، قدم در خط دیگر نمیگذاشت . نسخ و شکستہ نستعلیق
و شکستہ تعلیق و نستعلیق را خوش می نوشت و بخط خود می نازید ، چنانکہ در این
معنی یک مثنوی دارد ، کہ اینست :

خدا آفریدہ در این انجمن	سرا بہر خط و خط از بہر من
چونر گس شدم از عدم جلوہ گر	نی خامہ و کاغذ اندر کمر
ہمہ شب چراغ از دل افروختم	ز خون جگر روغنش سوختم
سیہ گشت در کاسہ سر دماغ	کہ پیدا شد این گوہر شب چراغ
ز بی خوابی من شدہ مغز جان	چونال قلم خشک در استخوان
نشاندم خط خوب کرسی چنین	کہ می آید از عرشیان آفرین

محمد حفیظ خان شاگردان چند داشت کہ غالباً از خوشنویسانند ، از جملہ :
میر ابوالحسن ، معروف بہ میر کلن - قادر بخش - محمد اسمعیل - محمد تقی ، در خط
نستعلیق ؛ منشی لچہمی سنگہہ - لچہمی رام پندت - لالہ سنگہہ رام - منشی محبوب
رای - منشی کسل سنگہہ . مؤلف تذکرہ حسینی - غلام محمد ہفت قلمی مؤلف
تذکرہ خوشنویسان ، در شکستہ نستعلیق .

تاریخ وفاتش را چنین یافته اند ، کہ می شود سال ۱۱۹۴ :

چون محمد حفیظ خان استاد	ترك این خاندان فانی کرد
سال تاریخ فوت او راقم	(وای آقا رشید ثانی) کرد

(۱۰۱۳) محمد حکیم

از کاتبان خوشنویس گم نام قرن یازدهم و بخط وی یک نسخه غرر و درر در کتابخانه سلطنتی است ، بقلم کتابت خوش ، با تاریخ ورقم : «قد فرغ من تسوید هذه النسخة الشريفة ، فی تاریخ شهر شعبان المعظم سنه اربعین و الف من الهجرة النبویة ، الفقیر محمد حکیم الحسینی» .

(۱۰۱۴) محمد خان - میرزا

فرزند میرزا احمد خان مؤید الملک پیشخدمت ناصر الدین شاه قاجار بود . از ادبیات فارسی و عربی و زبان فرانسه بهره داشت و نستعلیق را خوش می نوشت . هنگام تألیف فارسنامه ناصری (سال ۱۳۰۴) در سنین شباب می زیست . تولدش بسال ۱۲۸۴ در تهران اتفاق افتاده است .

(۱۰۱۵) محمد خلیل - حاج

فرزند حاج محسن تاجر شیرازی ، بسال ۱۲۱۸ در بوشهر متولد شد و به شیراز آمد و کسب کمالات کرد . در خط نستعلیق سرآمد (چنانکه برادرش حاج عبدالحسین در خط شکسته شهرت یافت) . این دو برادر ، بقول صاحب فارسنامه ناصری ، بساط تجارت را از ایران تا هندوستان و اروپا کشیدند و چندین باغ و ملک در شیراز و اطراف سالک شدند و دست بخشش بروی مردم گشادند . حاج محمد خلیل بسال ۱۲۷۵ ، در شیراز درگذشت .

(۱۰۱۶) محمد خلیل مولوی

بقول غلام محمد هفت قلمی ، سردی دانشمند و پرهیز کار و مرتاض بود و نستعلیق را بروش رشیدا خوب می نوشت .

(۱۰۱۷) محمد خلیفۃ الخلفا

در نقاشی و مصوری و خط نستعلیق استاد بود و طنبور را خوش می نواخت .
 جوانی آراسته و گشاده دست بود . شعر می گفت .
 محمد بیگ هنگام تألیف مجمع الخواص (سال ۱۰۱۶) هنوز در سنین جوانی
 سی زیست .

(۱۰۱۸) محمد بن خواجه حاجی

از کاتبان خوشنویس گم نام قرن دهم بود و نسخه یی از یوسف و زلیخای
 جامی ، بخط وی دارم ، بقلم کتابت خوش ، بشیوۃ سلطان محمد خندان ، با رقم :
 «تم الكتاب ... من ید اضعف عباد الله ... محمد بن خواجه حاجی غفرلهما» .

(۱۰۱۹) محمد خوانساری - میرزا

شاگرد محمد مهدی تهرانی و استاد میرزا محمد رضای کلهر است . جز نستعلیق
 نسخ را نیز خوش می نوشته است .

(۱۰۲۰) محمد داوری شیرازی

فرزند وصال شیرازی است . ترجمۃ حالش را که فرهنگ برادر کوچک داوری ،
 بخواہش صاحب فارسنامۃ ناصری انشاء کرده است ، عیناً نقل می کنم :
 « سیمین فرزند حضرت وصال جناب میرزا محمد داوری است . چون جناب
 وقار به عرصۃ وجود آمد ، پدر بزرگوارش ، از پیر عالی مقدار خود رحمہم الله مستدعی
 است کہ نام آن طفل را آن جناب گذارد . مسئول مقبول افتاده پیر روشن ضمیر فرمود
 او را بیچہ نام باید خواند . عرض کردند احمد نیکونامی است . آن جناب بزبان

مبارك راند ، احمد ، محمود ، محمد ، ابوالقاسم . وچنانكه فرموده بود پسران ديگر را بهمان ترتيب نام گذاشتند .

القصه مرحوم داوری درخط نسخ تعلیق استادی بود بزرگ . خط شکسته را بعد کمال رسانید و درصنعت نقاشی و پیکرنگاری ، از استادان سلف بگذرانید . در علوم ادبیه و حکمت دستی تمام داشت . اشعار آبدارش از اندازه توصیف بیرون و دیوان اشعارش نزدیک به پانزده هزار بیت است . از روی انصاف از آن زمان که آغاز شعرسرائی شده تا کنون هیچ شاعری را چنین طبع قادری و سخنی عذب و سلس نبوده و باین سلاست و روانی و فصاحت کسی سخن نگفته . انواع شعر را همه نیکو فرموده قصائد را بطرز هر یک از استادان سلف گفته و بیشتر آنها را از استادان فن بهتر فرموده . غزلیات و قطعات و سرائی و منشآت و رسائل و مثنویات بهروزن ، خاصه بسبک شاهنامه حکیم فردوسی علیه الرحمه را نیکو گفته .

در سال ۱۲۳۸ بعرضه وجود آمده و در سال ۱۲۸۲ بمرض دق ، ترك جهان گفته ، بفردوس جنان شتافته و در بقعه مبارکه سید احمد علیه السلام ، در پهلوی تربت پاك حضرت سكوت علیه الرحمه مدفون گشت . . .»

دیوان بیگی در حدیقه الشعراء می نویسد : «داوری شیرازی سیوم پسر مرحوم میرزای وصال علیه الرحمه و اسمش محمد بود ، از روی تحقیق میتوان شمس القلاده آن طایفه اش گفت ، صورتی پسندیده و مطلوب داشت و قامتش زیبا و مرغوب ، در حسن اخلاق طاق و در معاشرت و طرز صحبت و انجمن آرائی و دلربائی منفرد آفاق ، تمام خطوط را خوب می نوشت ولیکن فنش نسخ تعلیق بود که بر سایر امتیاز داشت ، در نقاشی و تذهیب یکی از اساتید محسوب می شد ، باهوش و ذکاوتی مفرط بود ، هر صنعتی را که اراده می نمود باندک توجهی فرامی گرفت ، شعر را هم اعتقاد خودشان این بود که از همه برادران بهتر میگفت اما روز گارش چندان امان نداد و در جوانی بدرود جهان گفت . کتاب شاهنامه تمام کرد که تذهیب و نقاشی و جلد او تمام کار

خودش بود و کمال امتیاز داشت ، قریب پنج سال در دست داشت و در آن مدت اجزاء و اوراق او بنظر غالب بزرگان رسید و کسی طالب نشد جز محمد قلی خان قشقائی ایل خانی فارس طالب شد . او کتاب را تمام کرد و شرحی ببحر تقارب مشتمل بر زحمت خود و تعریف کتاب و مدح ایلخانی بر او بیفزود . ایلخانی هفتصد تومان نقد و دو طاقه شال کشمیری ممتاز و دو اسب خوب با و نیاز کرد . اگر چه کتاب هم جای این را داشت ولی ایلخانی همت کرد و در این زمان دیگری چنین کاری نمی کند . . .»

صاحب مجمع الفصحاء ، هنگامی که در شیراز بخدمت وصال میرفت ، داوری را پانزده ساله دیده و او را خلیق و با کمال یافته است .

صاحب طرایق الحقایق ، دو ماه نزد او تعلیم خط گرفته و او را بحسن خلق و تبحر در علوم ادبیه و عربیه ستوده است .

نعمت فسائی ماده تاریخ وفاتش را چنین یافته است :

بهر تاریخ وفاتش نعمت محزون رقم زد

(داوری را ای دل با محمد حشر داد)^۱

که می شود سال ۱۲۸۳^۲ و با آنچه فرهنگ برادر روی نقل کرده است ، یکسال اختلاف دارد .

از خطوط وی دیده ام :

یک نسخه شش دفتر مثنوی مولانا ، بقلم کتابت خفی عالی ، که چنین تمام می شود : « تمت المجلد الثانی من کتاب المثنوی ، فی اواخر شهر ربیع الآخر من شهر سنه ۱۲۶۲ » و « کتب الامیر الکبیر . . . اتابک اعظم . . . الداعی لدولة الابدیه المنسوب الی اهل بیت المحمدیة السید الامجد آقا میرزا محمد شیرازی الشهیر بفسائی . . . وانا العبد افقر عبد الله محمد المتخلص بدآوری ابن المرحوم وصال طاب الله ثراه . . . حرره فی سنه ۱۲۶۷ » در کتابخانه ملی ، تهران ؛

یک نسخه لوایح جامی ، بقلم نیم دودانگ خوش ، که چنین تمام می شود :

۱- ماده تاریخ غلط است و مرحوم بیانی هم متوجه بوده اند . ۲- بصورت فوق

۱۰۸۳ میشود و عجب است که با وجود توجهی که مرحوم بیانی داشته اند باین صورت نوشته اند .

«فرغت من تحرير هذه الكلمات الطيبات ، من كلام مولانا جامی عليه الرحمة ، ناقلاً عن خط الاستاد حكيم حفظه الله ، عن خط الاستاد وصال عليه الرحمة الملك المتعال عن خط الاستاد عماد الحسنی عليه المغفرة من رب العباد . وانا العبد الاقل داوری بن وصال سنه ۱۲۶۳ » در همان کتابخانه ؛

نسخه دیگرشش دفتر مثنوی ، بقلم کتابت خفی عالی ، با تاریخ ورقم : «حرره فی يوم الخميس غرة محرم الحرام سنه ثمان وثمانین ومائتین بعد الالف » و «قد فرغت من استکتابه فی عشر الثانی من شهر السابع فی يوم الرابع فی سنة ۱۲۸۰ وانا العبد داوری بن وصال اللهم وفقنی باتمامه » و «قد فرغت من استکتاب المجلد الخامس من کتاب المثنوی المولوی رحمه الله بعون الملك القوی ، فی منتصف شوال المعکم من شهر سنة ۱۲۸۱ احدى وثمانین ومائتین بعد الالف واستعین باتمامه » در همان کتابخانه ؛

نسخه دیگر لوایح ، بقلم کتابت خفی خوش ، که چنین تمام می شود : «بتاریخ روز پنجم شهر جمادی الثانیه فی سنه ۱۲۷۶ این رساله گرامی که بهترین مؤلفات شیخ عارف کامل مولانا عبد الرحمن جامی است ، بنام نامی . . . حسام السلطنه ابوالمناقب سلطان مراد میرزا . . . صورت تمام پذیرفت . . . وانا العبد داوری بن وصال در همان کتابخانه ؛

یک نسخه چهارمقاله نظامی عروضی ، بقلم کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : «بجهت پیشگاه . . . امین الدولة والسلطان . . . حرره داوری بن وصال غفرله ، سنه ۱۲۷۹ » در همان کتابخانه ؛

یک نسخه سحر حلال ، بقلم کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : « . . . داوری بن وصال ۱۲۸۲ » در کتابخانه مرکزی دانشگاه ، تهران ؛

یک نسخه خسرو و شیرین نظامی ، بقلم کتابت جلی عالی ، که باشعاری از خود داوری تمام می شود و بعض آن اشعار اینست :

«خاتمه از کاتب نامه ، داعی دولت قاهره داوری بن وصال :

گذشت این نامه را نام از سرمایه	که زینت یافت از نام شهنشاه
شهنشاه جهان شه ناصرالدین	که رای او خرد را داد تمکین
هنرمندان عهدت پای در عهد	زده پا بر هنرمندان هر عهد
کمینه چاکرت این خاکسارست	که چهل سالش هنرآموز گارست
همان تا این زبان از بخت خفته	بمژگان خاک در گاهت نسفته
مرا هم در سر چل سالگی بخت	سعادت داد از پابوس این تخت
تو شاهی بنده دادار سرمد	محمد بنده ظل محمد
ز داور هر دم او رایاوری باد	دعایش زیب مدح داوری باد

۱۲۷۸» (که ظاهراً در سنین چهل سالگی بدربار ناصرالدین شاه راه یافته است.)
در کتابخانه سلطنتی ، تهران ؛

یک مرقع مشتمل بر ۱۸ رقعہ ، بقلم دودانگ و نیم دودانگ و کتابت
خفی و غبار خوش و عالی ، با رقم و تاریخ : «کاتبه قائله العبد محمد بن وصال
المتخلص بدآوری غفرالله لهما» و «کاتبه العبد الاقل محمد بن وصال غفرله . سنه
۱۲۶۳» در همان کتابخانه ؛

و قطعات متفرق دیگر ، از جمله در مجموعه آقای کریم زاده ، و کتابخانه
سلطنتی و غیره .

۱۰۲۱) محمد درویش سمرقندی

از خوشنویسان گم نام قرن دهم و یازدهم و قطعه پی بخط وی در کتابخانه
سلطنتی است ، بقلم سه دانگ خوش ، با رقم : «فقیر محمد درویش السمرقندی
غفر ذنوبه» .

(۱۰۲۲) محمد دائم عظیم آبادی - شیخ

در تذکره روز روشن است که شعر می گفت و نستعلیق را خوش می نوشت و
بسال ۱۱۹۰ در گذشت.

(۱۰۲۳) محمد رازی - نورالدین

از کاتبان گم نام قرن یازدهم است که نستعلیق و نسخ را خوش می نوشته
است و بخط وی یک نسخه صحیفه سجادیه ، که متن آن بقلم نسخ و ترجمه آن
به نستعلیق کتابت متوسط است و چنین تمام می شود: «قد فرغ من تحریر هذه الصحیفه
الکامله مع الملاحقات والترجمه ، ابن میرزا بیگ نورالدین محمد رازی ، فی تاریخ
شهر ربیع الاول من شهور سنة تسع وثمانین بعد الالف ۸۰۹ .» در کتابخانه سلطنتی
تهران .

(۱۰۲۴) محمد راسم

علاوه از نستعلیق سایر اقلام را نیز خوش می نوشت .

(۱۰۲۵) محمد ربیع

محمد صالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲۶) ویرا از جمله شاگردان خود شمرده
گوید ، مستوفی خاصه و صاحب کمالات است . سابقاً مشق میکرد و خوب می نوشت
ولی اکنون تارک است .

(۱۰۲۶) محمد رحیم اردبیلی

از کاتبان خوشنویس گم نام قرن یازدهم است که علاوه از نستعلیق ، بهمه

اقلام متداول مسلط بود و مخصوصاً نستعلیق را استادانه می نوشتند است و از آثار وی دیده ام : یک نسخه حدیقة الحقیقه سنائی ، بقلم کتابت عالی ، بارقم و تاریخ : « کتبه الحقیق المذنب محمد رحیم بن محتسب اردبیلی ، علی طریق الاستعجال ، غفر ذنوبهما و ستر عیوبهما . سنه ۱۰۷۶ . » در دست فروشنده گم نامی ؛

یک نسخه منظومه دستور مجالس نزاری قهستانی ، بقلم کتابت خفی عالی (و آخر نسخه چند سطر شکسته نستعلیق غبار عالی) که چنین تمام می شود : « حسب الفرسوده عالی حضرت . . . زیناً للإساره . . . علی قلی سلطانا . . . سمت تحریر یافت بتاريخ پنجم شهر صفر ختم الله بالخیر والظفر سنه ۱۰۷۵ ، کتبه العبد الفقیر الحقیق المذنب » محمد رحیم بن محتسب اردبیلی ، غفر ذنوبهما و ستر عیوبهما « در مجموعه آقای سلطان القرائی ، تهران .

یک نسخه کلیات سعدی مجموعه ناصرالدوله مجلسی
(آثار دیگر وی بسایر اقسام در جای خود خواهد آمد).

۱۰۲۷) محمد رحیم اصفهانی

از خوشنویسان گم نام و بخط وی یک قطعه ، بقلم چهار دانگ خوش ، در موزه کابل است که رقم دارد : « المذنب محمد رحیم المدعو بجاجی رحیم الاصفهانی عفی عنه » .

۱۰۲۸) محمد رحیم جهرمی

از سادات موسوی جهرم است که اجدادش در زمان صفویه ، باصفهان رفته و بشغل طبابت مشغول شده اند . پدرش در عهد کریم خان زند ، بشیراز آمد و طبیب کریم خان و ساکن شیراز شد . هم چنان در شیراز بود تا نوبت حکومت فارس به فتح علی شاه قاجار رسید و پس از مدتی در همانجا در گذشت و محمد رحیم فرزندش در شیراز نشوونمو یافت و صاحب هنر ببارآمد .

محمد رحیم نیز مانند نیاگان خود از علم طب بهره داشت و شعر می گفت و «بیدل» تخلص میکرد و خطوط را خوش می نوشت.

در ابتدای حال، بتهران رفت و در دربار فتح علی شاه اعتبار یافت و در زمره اطبا قرار گرفت و از ندیمان خاص شاه شد.

یکبار هم در دولت فتح علی شاه از تهران بشیراز رفت و باز گشت. سال وفاتش معلوم نیست ولی در تاریخ تألیف تذکره دلگشا (سال ۱۲۳۹) هنوز جوان بود.

دیوان بیگی در شرح حال او تعریضی به خوشنویسی او نکرده و ویرا بعلم و استادی در طب ستوده و ظاهراً هنر خطاطی او مقهور سایر فضایل وی آمده. مع هذا چون ترجمه جامعی از وی بدست داده عین آنرا از حدیقة الشعرا که بخط خود مؤلف کتابت یافته در اینجا می آورد که خالی از فایده نیست:

«فخرالدوله بیدل شیرازی از اجله سادات عالی درجات شیراز و برادر کهنتر جنابان حاجی میرزا باقر و حاجی آقای سلا باشی است که آن یک صاحب تصانیف عدیده چون بحر الجواهر در اصول خمسه و شرح صحیفه سجادیه هر دو عربی و سه جلد انوارالقلوب در حالات ائمه هدی سلام الله علیهم فارسی و تصانیف دیگر است و این یک بکمال فضل و زهد و ریاضت و استجابت دعوات مشتهر. و خود جناب بیدل را اسم سامی حاجی میرزا رحیم و در انواع علوم باربط، خاصه در علم طب خیلی مسلط بودند. در زمان خاقان سبرور فتحعلی شاه بتهران رفته رتبه مصاحبت و منادمت و محرمیت یافت و باقتضای علم طب گاهی بمعالجه خواص حرم می پرداخت و چون بیشتر بمعالجه و خدمت فخرالدوله که از صبا یای محترمه خاقان سبرور بود اشتغال داشت در افواه به میرزا رحیم فخرالدوله مشتهر شد و کم کم آن اضافه علم شد و مطلق فخرالدوله مخاطب می شد، در همان حال هم باز گاهی برای سرکشی باملاک خود بشیراز می آمد و در کمال عزت چندی توقف کرده معاودت میکرد. در زمان محمد شاه مغفور و حکومت مرحوم فریدون میرزای فرمانفرما به فارس تشریف آورده از ایشان

احتراسی فراخور توقع ندیده بعزم حج بیت الله روانه و بعد از ادراك آن موهبت مراجعت و باز در سال ۱۲۵۷ عزم طهران و در بلده طیبه قم مریض شده بریاض رضوان خرامیده در جوار حضرت فاطمه سلام الله علیها مدفون گردید . اما در شاعری دیوانی مشتمل بر سی هزار بیت از قصاید و غزلیات و مراثی و غیره داشته اند در سفر مکه معظمه جهاز ایشان طوفانی و برای حفظ جان اغلب و اکثر اموال اهل جهاز را بدریا ریخته که جهاز سبک شود و از خطر برهد آن دیوان با سایر اموالشان بدریا رفت ، در مراجعت از آنچه در نسخه های متفرق باقی بود و اشعار بعد از آن سفر دیوان دیگر مرتب کرده قریب شش هفت هزار بیت که الحال موجود است . . .»

۱۰۲۹) محمد رحیم عقیلی

محمد صالح اصفهانی (متوفی ۱۱۲۶) گوید از فضیله عصر و اعاطم سادات بود . قلم تندی داشت - برهنه نویسن بود . پس از رشید میزیست .

۱۰۳۰) محمد رحیم گرایلی

در سفینه هندی آمده است که در اوایل ترقیات نادرشاه ، همراه وی بود و پس از دفع افغانه ، بخدمتی بزرگ سرافراز شد .

هنگامی که نادرشاه بسوی بغداد میرفت ، وی ترك خدمت کرد و بلباس درویشان ، بنجف رفت و مقیم شد . بعد ها به هندوستان سفر کرد و در آنجا برهان الملک رعایت وی کرد و چندی بظاهر روزگاری خوش ، و در باطن ناخوش ، می گذرانید ؛ تا نادرشاه به هندوستان رسید و در همان اوان ، بمرض ذات الجنب در گذشت .

محمد رحیم شعر می گفت و در فن سپاهی گری بی بدیل بود و خط نستعلیق را خوش می نوشت .

(۱۰۳۱) محمد رحیم شہدی

از شاگردان سید احمد شہدی است کہ پس از تکمیل تعلیم خط ، ده سال در گوشہ یی نشست و مشق خط کرد و خط خود را بکسی نشان نداد ، تا وقتی خود را در این خط قابل دید ، قطعاًتش را بہ طالبان عرضه کرد .

صاحب مناقب ہنروران گوید کہ من دو سہ قطعہ از خطوط او را نخستین بار ، بسال . ۹۹ در بغداد دیدم .

آثار ذیل کہ دیدہ ام ممکن است از او باشد :

یک قطعہ بقلم سہ دانگ خوش ، در کتابخانہ آستان رضوی ، شہد ؛

یک نسخہ دیوان حافظ ، بقلم کتابت جلی خوش ، با رقم و تاریخ : « تمت

الکتاب . . . علی ید العبد الفقیر المذنب محمد رحیم غفر اللہ ذنوبہ و ستر عیوبہ فی سنہ ۳۹۹ » در مجموعہ آقای سلطان القرائی ، تہران ؛

یک قطعہ از سرقعی ، بقلم نیم دودانگ و کتابت جلی عالی ، با رقم : « کتبہ

المذنب محمد رحیم غفر ذنوبہ » در کتابخانہ روان کوشکو ، استانبول ؛

یک نسخہ رسالہ کنوز الرموز بطریق سرقعی ، بقلم نیم دودانگ خوش ، با رقم :

« تم الرسالة علی ید العبد الفقیر محمد رحیم غفر اللہ ذنوبہ و ستر عیوبہ » در دست فروشندہ گمناسی .

(۱۰۳۲) محمد رحیم ناظر

محمد صالح اصفہانی (متوفی سال ۱۱۲۶) میگوید : ناظر دفترخانہ و شاگرد

شاگرد من است ، اگرچہ خوب می نویسد ، ولی اکنون تارک است و بحلیہ کمالات آراستہ است .

(۱۰۳۳) محمد شیرازی - میرزا

از سادات بنی مختار بود و مدتی در اصفهان با محمد علی حزین دم ساز. خطوط را خوش سی نوشت و در سیاق ماہر بود، از مقدمات علوم بهره داشت و شعر را روان میگفت و حمیدہ خصال و شیرین مقال بود. هنگام تالیف تذکرہ حزین (حدود سال ۱۱۷۰) سی سال بود تا در مشهد درگذشته بود.

(۱۰۳۴) محمد رزہی

فرزند علاء الدین از مردم رزہ با خرز بود، کہ وی از شاگردان بی واسطہ سلطان علی مشہدی بودہ است.

بعضی محمد را شاگرد محمود شہابی سیاوشانی می دانند؛ ولی ظاہر اینست کہ شاگرد پدر خود بودہ، زیرا کہ بشیوہ سلطان علی نزدیکتر می نوشته است. حیاتش تا سال ۹۹۳ و معلوم و تاریخ وفاتش معلوم نیست.

از آثار وی دیدہ ام:

یک نسخه یوسف و زلیخای جامی، بقلم کتابت متوسط، با تاریخ و رقم: «... تحریر آفی تاریخ شهر صفر سنہ ۹۶۸، کتبہ العبد المذنب محمد بن علاء الدین رزہ غفر ذنوبہ و ستر عیوبہ» در مجموعہ آقای سلطان القرائی، تہران؛

یک نسخه دیوان حافظ، بقلم کتابت خوش، کہ چنین تمام می شود: «تمت ال دیوان اعجوبۃ البشر اطہر من الشمس والقمر، خواجہ حافظ محمد شیرازی... فی تاریخ شهر ربیع الثانی سنہ ۹۸۱، کتبہ العبد المذنب محمد بن علاء الدین رزہ غفر ذنوبہ و ستر عیوبہ» در همان مجموعہ؛

یک نسخه ہفت اورنگ جامی، بقلم کتابت عالی، با رقم و تاریخ: «محمد بن علاء الدین، سنہ ۹۷۷» در کتابخانہ رامپور، ہند؛

یک نسخه دفتر دوم سلسله الذهب جاسی ، بقلم کتابت خوش ، با تاریخ و رقم : « تحریراً فی تاریخ غره شهر شعبان المعظم سنه ۹۶۹ . کتبه العبد المذنب [میر علی ابن میر] محمد الکاتب رزه ، ستر عیوبه و غفر ذنوبه » در کتابخانه سلطنتی (که کلمات «سیر علی ابن میر» آن بطور وضوح معلوم است الحاقی است) .

یک نسخه تیمورنامه هاتفی ، بقلم کتابت خفی خوش ، با رقم و تاریخ : « با تمام رسید . . . از منظومات مولانا عبد الله هاتفی نو مرقدہ ، فی تاریخ شهر رجب المرجب سنه ۹۹۳ ، جهت سرکار حضرت سیادت سپاه مخدومی امیر سید الحسینی ، نوشته شد . کتبه العبد المذنب محمد الکاتب رزه بولایت باخرز ، در قریه رزه ، صورت تحریر یافت » در کتابخانه مجلس شورای ملی ، تهران .

(۱۰۳۵) محمد رضا

از کاتبان گم نام قرن یازدهم و بخطوی یک نسخه ترجمه فارسی چهل حدیث در کتابخانه آقای دکتر مهدوی است ، بقلم کتابت متوسط ، با تاریخ ورقم : « تمت فی شهر رجب المرجب سنه سبع و خمسون بعد الالف . . . کتبه محمد رضا » .

(۱۰۳۶) محمد رضا

کاتب دیگری است که در قرن دوازدهم سیزسته و با علی قلی خان واله داغستانی آشنائی داشته است .

از آثار وی یک نسخه مثنوی واله و سلطان ، در کتابخانه آقای سلطان القرائی است ، که واله آن را جمع و ترتیب کرده و از این محمد رضا خواسته است که آن را استکتاب کند . این نسخه بقلم کتابت جلی نیم دودانگ متوسط است و در پایان آن آمده است : « این مثنوی کلفت زدای مسرت افزای . . . حسب الامر بندگان رفیع الشان بلندسکان علی قلی خان ، فیاض زمان که مرجع اهل دل است و مرکز علمای

متبحر، اطال الله عمره و دام اقباله، فدوی عبودیت پیرا محمد رضا... در دار الخلافه شاه جهان آباد ترقیم نمود... بتاریخ غره شهر جمیدی الثانی سنه یک هزار و یکصد و شصت هجری...».

این نسخه چندین صفحه بدرقه دارد که اشعاری از واله بخط خود او و چندین سجع مهر در آنست، باین قرار:

«فدوی محمد شاه، پادشان سلیمان جاه، صاحب قران ثانی، علی قلی خان بهادر عباسی ۱۱۶۰»

من مادر دهر را گراسی خلفم
یکتا در شاهوار این به صدقم
نبود عجب ار بجر دل را بر کفم
زیرا که گدای در شاه نجفم

و «خان بهادر علی قلی داغستانی عباسی ۱۱۵۹».

این کتاب که بعدها بدست خدیجه سلطان دختر عم و محبوبه واله رسیده، اشعاری بخط آن بانو در پشت کتاب نوشته شده و دو سجع مهر از او به پشت کتاب افزوده شده است، باین عنوان:

«در صدف حسن علی خان
شمخال نسب خدیجه سلطان

و «۱۱۵۹»

«بملک شرم و حیا شد ز فضل حق سلطان

خدیجه بنت حسن افتخار داغستان

«۱۱۵۹».

در باب واله و خدیجه سلطان مقالتی پرداخته ام و برای اطلاع بیشتر از کیفیت زندگی آن دو بانجا رجوع شود.

(۱۰۳۷) محمد رضا استرآبادی

از خوشنویسان کم نام قرن سیزدهم و بخط وی قطعه میاه مشقی در کتابخانه

ملی تهران است ، بقلم چهار دانگ و سه دانگ خوش ، با رقم و تاریخ : « حرره نمقه المذنب محمد رضا بن محمد مهدی استرآبادی ، شهر صفر المظفر . ۱۲۳۰ » .

(۱۰۳۸) محمد رضا اصفهانی

فقط میرزا سنگلاخ نام وی را آورده گوید که لقب « صدرالکتاب » داشت و در عباس آباد اصفهان میزیست و از خویشان و شاگردان سید علی خان بود . بهندوستان رفت و از ابوتراب اصفهانی در آنجا تعلیم گرفت . سریع القلم و شاعر و عارف مشرب بود .

از طرفی وفاتش را سال ۱۱۱۸ ضبط کرده است و از طرفی گوید که شاه عباس بوی دستور داد تا کتابه صحن مشهد حضرت رضا را به نستعلیق نویسد ! که معلوم نشد ، این خوشنویس در زمان شاه عباس چند ساله بوده که پس از مرگ شاه هشتاد سال دیگر نیز زیسته است . ظاهراً ترجمه احوال محمد رضا اماسی را (که ترجمه احوالش خواهد آمد) باین صورت خلط کرده است .

(۱۰۲۹) محمد رضا بهائی عاملی

از خوشنویسان گم نام دوره ناصرالدین شاه قاجار و یک مرقع دورقه بی بخط وی در کتابخانه سلطنتی است ، بقلم سه دانگ و نیم دودانگ خوش ، با رقم و تاریخ : « خانه زاد محمد رضا سنه ۱۲۶۹ » و « خانه زاد قدیمی حضرت ظل الهی محمد رضا بهائی عاملی ، عفی الله عن جرائمه ، سنه ۱۲۶۹ » .

(۱۰۴۰) محمد رضای تبریزی

محمد صالح اصفهانی در تذکره خود ، وی را خالوزاده سید علیخان جواهر رقم ، فرزند محمد مقیم معرفی کرده گوید اول شاگرد دائی خود بود و بعد از رفتن

سید علی خان بهندوستان نزد والدین (یعنی ابوتراب) مشق کرد و سرآمد خوشنویسان عهد شد و در صفای طینت و تهذیب اخلاق و حسن خلق نظیر نداشت و در تاریخ ۱۱۱۸ در اصفهان در گذشت و در مزار بابا رکن الدین بخاک سپرده شد، ولی در یک نسخه جوامع الحکایات عوفی کتابخانه سلطنتی است که بقلم نیم دودانگ خوش نوشته و چنین تمام شده است، بصراحت خود را فرزند محمد مقیم معرفی کرده است:

« این نسخه میمنت آیات مبنی بر غرایب روایات، مبتنی بر بدایع نکات را که موسوم بجوامع الحکایات، حسب فرمان قدر اقتران نواب سپهر رکاب خاقان رضوان مکان، فتح الله ابواب مضجعه الی فرادیس الجنان، مرحوم مغفور نور محمد لا هیجانی نگارش و ترقیم نموده، فرصت اتمام نیافته بود؛ در اوان دولت قاهره و زمان ابد توامان خلافت باهره سلطان... شاه سلیمان الموسوی الصفوی الحسینی بهادر خان بسط الله تعالی بساط عظمت و معدلته الی انقضاء الزمان، بخدمتگزاری و قلم شکسته رقم خاکروب در گاه خلائق پناه، محمد رضا بن محمد مقیم التبریزی سمت تتمیم و انجام پذیرفت. بتاریخ شهر رجب المرجب هزار و هشتاد و نه هجری». در این نسخه با اندازه بی با قدرت و مهارت خط نورای لاهیجی را تقلید کرده است که اگر این تذکار خود او نبود، تشخیص دو خط در نسخه بسیار دشوار نزدیک به محال بود.

(۱۰۴۱) محمد رضا تبریزی

از شاگردان محمد حسین تبریزی و هم عصر و هم مشق میر عماد حسنی است در مناقب هنروران است که بسال ۹۹۹ باستانبول رفت و با ارکان دولت عثمانی آشنا شد و مخصوصاً بمحضر مولانا سعدالدین اختصاص یافت و از انعام و احسان او بهره مند شد. هم او گوید که بیشتر اوقات به تمرین و سیاه مشق میگذرانید و هر ماه یک دو قطعه بیش نمی نوشت و به کتابت راغب نبود. در استانبول شهرت داشت

و قطعاتش را ببهای گزاف میخریدند .

میرزا حبیب که سه سال مسافرت او را بعثمانی بسهوع ۴۴ و ضبط کرده است ، گوید که با بضاعت فراوان به تبریز بازگشت و بسال ۱۰۳۷ در آنجا در گذشت . صاحب پیدایش خط و خطاطان ، بغلط تاریخ مرگ او را سال ۴۴ و دانسته است ، که حیات او تا حدود سال ۱۰۰۰ مسلم است .

از خطوط او دیده ام :

یک نسخه دیوان امیرشاهی ، که غزلها بخط سید احمد مشهدی و رباعیات آن بخط محمد رضا است و بقلم کتابت جلی خوش نوشته است و رقم دارد : « تمت هذه الرباعیات بید العبد الفقیر المذنب محمد رضا تبریزی » در کتابخانه سلطنتی ، تهران ؛

یک قطعه از مرقع ، بقلم دودانگ و غبارعالی ، با رقم و تاریخ : « کتبه العبد المذنب محمد رضا تبریزی غفر له ۳ و ۹ » در همان کتابخانه ؛

یک قطعه ، بقلم دودانگ خوش ، با رقم : « الفقیر محمد رضا تبریزی » در همان کتابخانه ؛

یک قطعه ، بقلم دودانگ و کتابت خفی خوش ، با رقم و تاریخ : « کتبه العبد محمد رضا تبریزی غفر ذنوبه و ستر عیوبه ، سنه ۸۴ » در همان کتابخانه ؛

دو قطعه ، بقلم دودانگ و نیم دودانگ و کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : « الفقیر المذنب محمد رضا تبریزی ، سنه ۹۹ » و « الفقیر المذنب محمد رضا غفر ذنوبه » در کتابخانه ملی پاریس ؛

یک قطعه از مرقعی ، بقلم نیم دودانگ و کتابت خفی و غبار خوش ، با رقم و تاریخ : « حضرت مولانا نوائی فرماید . . . کتبه العبد الفقیر المذنب المحتاج الی رحمة الله و غفرانه محمد رضا تبریزی . . . فی عشر الاوسط من شهر شوال ختم بالخیر والاقبال فی سنه ۷۸ » در کتابخانه خزینه اوقاف ، استانبول ؛

یک کقطعه ، بقلم دودانگ خوش ، بارقم : «الفقیر محمد رضا التبریزی» در
مجموعه نگارنده .

(۱۰۴۲) محمد رضا حکیم باشی

محمد صالح اصفهانی او را از شاگردان رشید پدر خود ابوتراب معرفی کرده
گوید ، در نهایت زبردستی و استادی بود .

(۱۰۴۳) محمد رضا خاتون آبادی

از کاتبان گم نام قرن یازدهم معاصر میر عماد ، اصفهان است . بخطوی یک
نسخه دیوان جمال الدین اصفهانی در کتابخانه ملی تهران است ، بقلم کتابت خوش
که چنین تمام می شود : «تمت دیوان املاح المتقدسین و افصح المتکلمین جمال الدین
محمد بن عبدالرزاق الاصفهانی ، بتاريخ شهر ربیع الثانی سنه ۱۰۲۴ . کتبه محمد رضا
ابن میرزا علی کاتب خاتون آبادی غفر ذنوبهما و ستر عیوبهما» .

(۱۰۴۴) محمد رضا خان خراسانی

میرزا حبیب گوید مشهور به «خان کنگر» بود و نستعلیق را خوش می نوشت .

(۱۰۴۵) محمد رضا خویی

از خوشنویسان زبردست دربار محمد شاه قاجار بود و نسخه بی از منطق الطیر
شیخ عطار بخط وی در کتابخانه سلطنتی است ، بقلم نیم دودانگ عالی ، با تاریخ
و رقم : «فی شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۵۸ ، کتبه خانه زاد حضرت السلطانی ،
محمد رضا خویی» .

(۱۰۴۶) محمد رضا بن سلطان محمد

از کاتبان گم نام قرن دهم و یازدهم و بیخط وی یک نسخه کلیات مشفق، در کتابخانه فردوسی شهر دوشنبه تاجیکستان است بقلم کتابت خوش، که چنین تمام می شود: «تمام شد دیوان مطایبه و کلیات مولانا مشفق، در روز چهارشنبه شهر ربیع الاول سنه ۳۰۰۱ ثلث و الف، در وقتی که آفتاب در نهم درجه قوس بود، در بلده فاخره بخارا حمیت عن الافات والبلیات، علی یداضعف عبادالله الصمد، محمد رضا بن سلطان محمد غفر ذنوبهما وستر عیوبهما».

(۱۰۴۷) محمد رضا سیما

فرزند میرزا ابوالحسن بن میرزا صادق، از اجداد میرزا محمد تقی سپهر لسان الملک کاشانی است و در مکارم الآثار است که در عهد شاه سلطان حسین صفوی میزیسته و از این سلطان بلقب «عضدالدوله» مفتخر شده بوده است. سیما از حکمت الهی و نظم و نشر فارسی و تازی بهره مند بود و در سیاق یگانه بود و خطوط هفت گانه را خوش می نوشت. در فتنه افغان (سال ۱۱۳۵) در اصفهان بقتل رسید.

(۱۰۴۸) محمد رضا شیرازی

جز محمد رضای شیرازی، سلطان الکتاب آتی الذکراست، ولی زمان اوراد رک کرده است. کاتب گمنام خوشنویسی است و بیخط وی دیده ام: یک نسخه دیوان قطران، بقلم کتابت خفی خوش، که چنین تمام می شود: «حسب الاشارة... محمد باقرخان سرهنگ دام عمره و زید اجلاله، تحریر نمود. کمترین داعیان دولت ابد مدت، محمد رضا شیرازی غفرالله و لوالديه ۱۲۸۲» در کتابخانه مرحوم حاج سید نصرالله تقوی، تهران.

(۱۰۴۹) محمد رضا شیرازی صفا - حاج

ملقب به سلطان الکتاب و متخلص به صفا و از کاتبان خوشنویس قرن حاضر و در دربار ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه قاجار سمت لشکر نویسی داشت و بسیاری کتاب بخط او چاپ شده است ، از جمله :

اوصاف ناصری ، بقلم کتابت جلی خوش ، که چنین تمام می شود :

« بیمن دولت و اقبال شه بخط صفا

هزار و سیصد و یک شد کتاب شاه تمام

کاتبه کمترین ثناخوان ، زاده دولت جاوید بنیان ، ابن حاجی میرزا حبیب الله متخلص بخاقانی شیرازی الاصل ، حاجی میرزا محمد رضای متخلص بصفا . » ؛

دیوان مجمر ، بقلم کتابت و دودانگ خوش که پس از نقل یک قصیده مدیح از خود کاتب چنین تمام می شود : « گتبه الحقیر الفقیر محمد رضای متخلص بصفا ی محلاتی الملقب بسطان الکتاب ۱۳۱۲ » ؛

مفتاح الرموز مفتاح الملک ، بقلم کتابت جلی خوش ، که چنین تمام میشود : « تحریر این کتاب ... بید این بنده ... حاجی میرزا محمد رضای متخلص بصفا الملقب بسطان الکتاب لشکر نویس ابن مرحوم حاجی میرزا حبیب الله متخلص بخاقانی سنه ۱۳۲۰ » ؛

جلد اول نامه دانشوران ، بقلم کتابت و دودانگ متوسط ، که چنین تمام می شود : « بید احقر الکتاب و الحاج قدرآ ، ابن حاج میرزا حبیب الله المتخلص بخاقانی شیرازی اصلاً و محلاتی مسکناً ، میرزا محمد رضا متخلص بصفا اتمام پذیرفت ، فی پانزدهم شهر شعبان المعظم سنه یک هزار و دوویست و نود و شش از هجرت ؛

از آثار خطی وی یک نسخه ترجمه کتاب آبی است بقلم دودانگ و کتابت

خوش ، با رقم : « راقمه عبدالراجی الی ملک الوهاب حاجی محمد رضای مستخلص
بصفا الملقب بسطان الکتاب » ؛

یک نسخه دیوان حکیم سوری ضیاء لشکر دانش ، بقلم کتابت خوش ، با
رقم و تاریخ : « کتبه العبد حاجی صفای سلطان الکتاب شهر صفر المظفر سنه ۱۳۲۱ »
در کتابخانه سلطنتی ، تهران .

۱۰۵۰) محمد رضا کلهر - میرزا

فرزند محمد رحیم بیک ، سردار سوار کلهر کرد ، بسال ۱۲۴۵ متولد گردید
و در آغاز جوانی بمقتضای ایلی و خانوادگی ، بسواری و تیراندازی پرداخته بود و از
این روسردی خوش بنیه و قوی هیکل بارآمده بود .

میرزا رضا پس از گذراندن دوران جوانی ، میل بخط کرد و در تهران نزد
میرزا محمد خوانساری ، شاگرد آقا محمد مهدی طهرانی تعلیم خط گرفت و چون
استاد در گذشت بمشق از روی خطوط میر عماد پرداخت ، چنانکه گویند سفری
باصفهان رفت ، تا از روی کتیبه معروف میر عماد ، در تکیه میرفندرسکی مشق کند .
نیز سفری به قزوین رفت تا از روی کتیبه پی که در سردر حماسی ، بخط میر است ،
تعلیم بگیرد . گویند از آن دو کتیبه چربه برداشته و پیوسته از روی آن مشق
می کرد .

میرزا چون در خط نستعلیق سرآمد و شهرت یافت ، ناصرالدین شاه قاجار ،
که بتشویق هنرمندان تمایل داشت ، ویرا احضار کرد و نوازش نمود و حتی گاهی
نزدوی تعلیم خط گرفت و خواست که او را در وزارت انطباعات بکار کتابت بگمارد
ولی از آنجا که وی سردی بلند همت و آزاد منش بود ، نپذیرفت ؛ ولی گاهی که
اعتماد السلطنه وزیر انطباعات ، امر کتابتی را بوی رجوع میکرد ، می پذیرفت و
بحق الکتابه آن قانع بود .

میرزا یک نوبت حاضر شد که مرتباً و موظفاً در دستگاه دولتی شغلی داشته باشد؛ و آن هنگامی بود که ناصرالدین شاه به سفر دوم خود بخراسان می رفت (یعنی آخرین ماههای زندگی میرزا، که به هشتم ذی الحجه سال ۱۳۱۰ منتهی می شد) بشوق زیارت آستان رضوی، در اردوی همایونی شرکت کرد و در ضمن راه روزنامه وقایع اردوی همایونی را بخط خود می نوشت و با وسایلی که همراه بود بچاپ سنگی نشر می کرد.

در بازگشت از خراسان، در وبای عام ۱۳۱۰، مبتلا شد و روز جمعه ۲۵ محرم الحرام سال ۱۳۱۰، در سنین شصت و پنج سالگی، در تهران در گذشت و مرحوم حاج شیخ هادی نجم آبادی با جمعی از اصحاب خود، بکار غسل و کفن و دفن میرزا پرداختند و او را در گورستان چهارراه حسن آباد (که اکنون محل آتش نشانی شهرداری تهران است) بخاک سپردند.

میرزا رضا سردی پاکداسن و هنردوست و نظر بلند و خوش محضر و بذله گو بود. از لذایذ نیوی جز بهنر خود، بچیز دیگری نمی پرداخت و هنر را دوست میداشت برای نفس هنر و هیچ گونه تظاهری در کار خود نداشت؛ چنانکه گویند در شبانه روز، جز شش ساعت که صرف خواب و خوراک و عبادت می کرد، بقیه را صرف مشق و احیاناً تعلیم چند شاگرد محدود میکرد. افسوس که آن همه گوهر گران بها که از چشمه خامه وی ریخته شده، همه را محو کرده است؛ چون فکر بلندجوی خود را قانع ندیده و پیوسته بدنبال کمال خط بوده است و اگر احیاناً کتابهای چندی که موظفاً برای اسرار معاش، کتابت کرده و چاپ شده است، نبود اثر بسیاری از هنروی باقی نمی ماند.

از معروفترین شاگردان میرزا، میرزا زین العابدین شریفی قزوینی ملوک الخطاطین است.

شرح زندگی میرزا محمد رضا را چنانکه باید بتفصیل شادروان استاد بزرگوارم

عباس اقبال آشتیانی و مرحوم میرزا عبدالله خان مستوفی برشته تحریر آورده اند که در شماره هفتم سال اول مجله یادگار مندرج است که در آن باب بیش در اینجاسخن نمی گویم.

در باره مقام هنر و سبک و شیوه خط میرزا، مطالب بسیاری شنیده ایم و بعضی غلنموده خط ویرا از میر عماد سیفی نیز بالاتر دانسته اند!

آنچه مسلم است اینکه میرزا رضا پایه خط نستعلیق را در جایی نهاده، که پس از او، کسی بآن مقام نرسیده است و قدرت قلم او کمتر کسی از خوشنویسان را دست داده و در واقع شیوه تازه یی در خط نستعلیق آورده که پیش از وی کسی، بآن نزدیک نشده است.

نکته دقیقی در سبک نستعلیق میرزا هست و آن اینکه با قدرتی که در کتابت و مشق داشته و هر حرف مفرد یا حروف مرکبی را یک قلم می نگاشته، تمام حرکات قلم در خط او مشخص و مانند اینست که مثلاً در یک حرف «ی» که از سه حرکت متمایز تشکیل می یابد؛ این سه حرکت، سه جزء مجزی است، که بیک دیگر پیوسته گردیده است. این شیوه پس از میرزا، بتوسط شاگردانش و پیروانش، پیروی شد؛ ولی هیچ یک، چنانکه باید، از عهده تقلید بر نیامدند، با وجود این شیوه مورد پسند هنرمندان و هنرشناسان واقع شد.

اما حکم این که میرزا رضای کلهر، از میر عماد هم نیکو نوشته است، بی مطالعه و بیشتر پیروی از احساسات شخصی پیروان شیوه میرزا و شاگردان بی واسطه و با واسطه اوست؛ و گرنه حساب این دو، بلکه هر یک از نستعلیق را از میر جدا کرد، که میر پایه خط نستعلیق را با وج اعلی رسانیده است و چنان نوشته است که تصور کتابت مافوق آن برای هیچ خوشنویسی ممکن نیست؛ یعنی نکته یی از لطایف و دقایق خط نمانده است که در بعضی قطعات و کتابت های میر، نباشد. گویا میرزا رضا نیز خود بهتر از همه کس متوجه این نکته شده است که برای استفاده از یک کتیبه چندسطری

سیر ، باصفهان و قزوین رفته و چربۀ آنها را برداشته و تا آخر عمر مونس خود ساخته و از روی آنها مشق کرده است .

از آثار هنری خطی میرزا رضا ، که رقم صریح داشته باشد ، بسیار معدود ، در دست است و بواسطه طبع بلند وی اگر احیاناً قطعه پی و سیاه مشقی هم از او مانده است رقم ندارد ، چنانکه چند قطعه از این قبیل در کتابخانه سلطنتی و مجموعه های دیگر ، از جمله در مجموعه نگارنده است ، که چون فاقد رقم است از توصیف آنها خودداری می کنم ، در حالی که از انتساب آنها بمیرزا ، تردید ندارم .

مهم ترین و نفیس ترین اثر هنری میرزا رضای کلهر که با رقم و تاریخ کامل مشخص است و از انفس نفایس هنر خوشنویسی است ، (جز آنکه با مرکب چاپ نوشته و چاپ سنگی شده است) یک نسخه فیض الدسوع در کتابخانه سلطنتی است که آنرا بقلم کتابت ممتاز نوشته است و چنین تمام می شود :

« کتاب مبارک فیض الدسوع از منشآت مقرب الخاقان بدایع نگار دولت ابد بنیان ، میرزا محمد ابراهیم نواب طهرانی خلف الصدق آقا محمد مهدی نواب طهرانی درید عبد خا طی جانی محمد رضا بن مرحوم محمد رحیم بیک کلهر سمت اختتام یافت . فی شهر رجب سنه ثلث و ثمانین بعد الالف سن الهجرة علی هاجرها آلف التحیه » .

چون میرزا رضا خط شکسته نستعلیق را نیز بسیار خوش می نوشته و آثار قلمی این خط او نیز کمیاب است ، بذکر یک قطعه از این خط او اشارت می کنم و آن یک طغری قبض رسید پنج تومان اجرت سفرنامه خراسان است که بقلم دودانگ جلی عالی ، بانهایت قدرت نوشته و این قطعه نیز در دست نگارنده است و بسیارش عزیز می دارم .

از آثار خطوط چاپی میرزا رضا ، که بعضی از هنرشناسان ، آنها را از خطوط دست نویس بعضی خوشنویسان عزیزتر می دارند ، عبارت است از :

قسمتی از روزنامه شرف که در زمان دولت ناصرالدین شاه منتشر می شده است؛
روزنامه های اردوی همایونی، که ذکر آن گذشت؛
سفرنامه دوم ناصرالدین شاه بخراسان؛

فیض الدسوع، که بقطع و قلم نسخه خطی مذکور (در کتابخانه سلطنتی)
نوشته و چاپ شده است و در مقدمه آن دارد: «... در عهد دولت... ناصرالدین
شاه... کتاب مستطاب فیض الدسوع... از اسلاء طبع و انشاء خاطر... میرزا
محمد ابراهیم نواب طهرانی... در سال یکهزار و دوویست و هشتاد و شش هجری،
در دارالخلافة طهران... بخط احقر عباد محمد رضای کلهر سرقوم و به زینت طبع
درآمد...».

مخزن الانشاء که بسال ۱۲۸۵ بچاپ رسیده و مشتمل بخطوط نستعلیق کتابت
جلی و خفی و شکسته نستعلیق است؛
منتخب السلطان، (اشعاری از حافظ و سعدی که ناصرالدین شاه انتخاب
کرده است)؛

رساله غدیریه؛

قسمتی از سفرنامه کربلای ناصرالدین شاه؛
نصایح الملوك و مناجات خواجه عبدالله انصاری؛
قسمتی از یک چاپ کلیات قآنی.

(۱۰۵۱) محمد رضا کوزه کنانی

بنقل آقای سلطان القرائی از خوشنویسان قرن سیزدهم است که خطوط شش
گانه، علی الخصوص نستعلیق و نسخ را بسیار خوب می نوشت. از خطوط وی قطعه ای
است شامل خطوط سته و نستعلیق خوش، بارقم و تاریخ: «حرره العبد الاقل الاثم
الجانی محمد رضا کوزه کنانی، سنه ۱۲۲۵ من الهجرة».

(۱۰۵۳) محمد رضا لاهیجی

محمد صالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲۶) وی را از خوشنویسان در گذشته
عهد خود دانسته گوید مستوفی لاهیجان و فرزند میرزا عبدالکریم بود و خوب
می نوشت .

(۱۰۵۲) محمد رضا بن محمد سعید

خوشنویس نسخ قرن دوازدهم است که نستعلیق را نیز خوش می نوشته
و از خطوط نستعلیق وی سطور است که در ضمن جزوه سوره های قرآن و ادعیه متعلق
بکتابخانه سلطنتی آمده است ، بقلم کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : « کتبه العبد
الاقل حاجی محمد رضا بن حاجی محمد سعید ، عفی عن جرائمهم ، فی سنه ۱۱۳۰ و
سنه ۱۱۳۳ » .

(۱۰۵۴) محمد رضا بن محمد مهدی

از خوشنویسان کم نام و بخط وی دو قطعه از مرقعی در کتابخانه سلطنتی
است ، بقلم چهار دانگ و سه دانگ خوش ، با رقم : « حرره محمد رضا بن محمد مهدی
غفر لهما » .

(۱۰۵۵) محمد رضا مشهدی

معروف به « چرخ تاب » بقول صاحب گلستان هنر شاگرد سید احمد مشهدی
و از کاتبان مقرر خراسان است که به یزد افتاد و در همانجا ساکن شد .
سال وفاتش را سپهر ۹۹۲ ضبط کرده است .
بخط وی دیده ام :

یک قطعه ، از مرقع شاه اسمعیل ، بقلم دودانگ و کتابت خوش ، با رقم :

« کتبه العبد المذنب محمدرضا المشهدی غفرالله ذنوبه و ستر عیوبه » در کتابخانه خزینة اوقاف ، استانبول .

(۱۰۵۶) محمدرضا منشی

از خوشنویسان نستعلیق و شکسته قرن حاضر و ظاهراً از کاتبان دربار مظفر-الدین شاه قاجار بود .

بخطوی یک نسخه ادعیه ، بقلم نستعلیق کتابت جلی خوش و شکسته کتابت خفی است ، بارقم و تاریخ : « حسب الامر . . . ولیعهد . . . محمدرضا منشی سرکاری تحریر کرد . شهر ذی القعدة الحرام سنه ۹ . ۱۳۰۱ » در کتابخانه سلطنتی .

(۱۰۵۷) محمدرضا نیاز شیرازی

فرزند ارشد محمد هاشم درویش بود و در شیراز تربیت یافت . چند سالی در زمره اهل قلم ، در دیوان حسنعلی میرزا فرمانفرما بود . سرانجام از ملازمت استعفا کرد و بشیوه پدران خود بدرویشی گرائید . شعر می گفت و « نیاز » تخلص میکرد و در انشاء دست داشت و نستعلیق و شکسته را خوش می نوشت .

هنگام تألیف تذکره اختر (حدود سال ۱۲۳۰) در سنین جوانی میزیست .

محمد رضی تبریزی = رضی تبریزی

(۱۰۵۸) محمدرفعت

از کتبه نگاران عثمانی است و بخط وی یک لوحه شعرترکی در مزار مولانا جلال الدین ، در قونیه است که بقلم نستعلیق شش دانگ متوسط نوشته است بارقم و تاریخ : « کتبه الفقیر محمدرفعت ۱۲۶۳ » .

(۱۰۵۹) محمد رفیع

محمد صالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲۶) گوید، ولد منشی الممالک است. خوشنویس بسیار خوبی است، در خفی و جلی هر دو تسلط دارد؛ کمالات دیگرش انشاء و شعر فارسی و ترکی است.

(۱۰۶۰) محمد رفیع

از کاتبان قرن یازدهم هندوستان و بخط وی یک نسخه مثنوی والده و سلطان از شمس الدین عباسی دهلوی است، که آن را برای علی قلی خان والده است کتاب کرده است. این نسخه بقلم نیم دودانگ متوسط است و چنین تمام می شود: «تمت مثنوی المسمی بواله و سلطان، بخط کمترین بنده ها محمد رفیع... احمد شاه پادشاه غازی خلد الله سلطانه با تمام رسید... فی سنه ۱۱۶۱ من الهجرة...»

این کتاب نسخه دوم این مثنوی و متعلق است باقای رکن الدین هما یونفرخ و نسخه اول آن، در ترجمه محمد رضا توصیف شد. در صفحات بدرقه این نسخه نیز اشعار و یادداشت های بخط ناظم مثنوی وواله، باجمع مهر آنها هست.

(۱۰۶۱) محمد رفیع افندی

از سردم استانبول و از نستعلیق نویسان عثمانی است. معروف به کاتب زاده و شاگرد قاضی عسکر عارف افندی بود که بعدها خط را نزد طورمش زاده تکمیل کرد. از آثار وی جز قطعات و مرقعات که میرزا حبیب دیده است، بعضی از کتیبه های اینیه استانبول است.

بسال ۱۱۸۳ در گذشت.

(۱۰۶۲) محمد زاهد

از خوشنویسان گمنام قرن یازدهم بود و بخط وی دیده‌ام :
 قطعه بی ، بقلم دودانگ خوش ، با رقم : «دعا گوی قدیم الخدمه محمد زاهد»
 در کتابخانه سرکاری ، رامپور ؛
 قطعه بی از مرقع ، بقلم دودانگ خوش ، با رقم : «کتبه الفقیر محمد زاهد
 غفرله» در مجموعه آقای سعید موقر ، تهران .

(۱۰۶۳) محمد زکی استانبولی - حاج

سپهر گوید که از نستعلیق نویسان عثمانی است و از سه استاد ، یعنی ،
 صدرالدین بیک و علی حیدر بیک و میرزا سنگلاخ تعلیم گرفته و بسال ۱۲۶۱
 در گذشته است .

(۱۰۶۴) محمد زمان اصفهانی

از کاتبان گمنام قرن دهم و یازدهم و بخط وی یک نسخه دیوان رضی الدین
 نیشابوری ، در کتابخانه آقای سعید نفیسی است ، بقلم کتابت متوسط ، با رقم و تاریخ :
 «تمت الكتاب بحمد الله وحسن توفيقه علی ید اقل عباد الله ، ابن حسن ، محمد زمان
 کاتب الاصفهانی ، فی یوم الثلثا شهر جمادی الاول سنه ۱۰۰۱ مرقوم شد» .

(۱۰۶۵) محمد زمان بیک

محمد صالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲۶) وی را از شاگردان مشغول مشق
 خود دانسته ، گوید خوب سی نویسد .

(۱۰۶۶) محمد زمان تبریزی

اصلاً کرمانی بود، ولی در تبریز نشوونما یافته و باین نسبت معروف شده است. صاحب گلستان هنر گوید که هم کاتب بود و هم قطعه نویس و خطش نازک و باسزه. وفاتش را سپهر سال ۹۹۹ ضبط کرده است.
بخط وی موجود است:

یک قطعه از سر قعی، بقلم سه دانگ و کتابت خوش، با رقم: «مشقه محمد زمان التبریزی غفر ذنوبه» در کتابخانه خزینه اوقاف، استانبول؛
قطعه دیگر، بقلم سه دانگ و دودانگ و کتابت گلزار عالی با رقم: «سوده محمد زمان» در همان کتابخانه.

(۱۶۰۷) محمد زمان خاتون آبادی

از کاتبان خوشنویس قرن یازدهم و بخط وی یک نسخه مجمع الخواص و مجالس النفایس، در کتابخانه مدرسه سپهسالار است، بقلم کتابت خوش، با تاریخ و رقم: «قد وقع الفراغ من تحریر هذا الكتاب فی يوم الاحد سادس عشر ذی حجة الحرام من شهور سنة ثلاثین بعد الالف هجری نبوی. کاتبه محمد زمان بن حسین خاتون آبادی».

محمد زمان کرمانی = محمد زمان تبریزی

(۱۰۶۸) محمد ساوجی - میرزا

از خاندان میرزا ابوالفضل ساوجی و در زمره دانشمندان عصر بود و در نظم و شرفارسی دست داشت و نستعلیق را خوش و باسزه می نوشت. بسال ۱۳۰۱ در تهران در گذشت و جنازه اش بقم منتقل شد.
از خطوط وی دیده ام:

ترجمه فارسی یک نسخه صحیفه سجادیه (که اصل آن بخط نسخ زین العابدین اشرف الکتاب است) بقلم کتابت خفی خوش ، که چنین تمام می شود : « ترجمه این صحیفه کامله شریفه سجادیه که بقلم معجز رقم استاد کل آقازین العابدین اصفهانی است ، حسب الاشارة . . . مقرب الحضرة السلطان و معتمد الخاقان جناب میرزا نصرالله مستوفی خاصه حضور مبارک بتحریر این حقیر بانجام رسید . وانا العبد الراجی محمد الساوجی سنه ۱۲۷۸ » در کتابخانه سلطنتی ، تهران ؛

یک قطعه ، بقلم دودانگ و کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : « الحقیق محمد الساوجی غفرله ۱۲۸۲ » در مجموعه نگارنده .

محمد ساوجی = ابوالفضل ساوجی

(۱۰۶۹) محمد سبحان

از نستعلیق نویسان حدود قرن دوازدهم هندوستان و بخط وی یک قطعه بقلم دودانگ و کتابت جلی خوش متوسط ، در سوزه باستان شناسی دهلی است ، با رقم : « محمد سبحان تحریر نمود » .

(۱۰۷۰) محمد سبزواری

در عالم آرای عباسی است که مردی بذله گو و خوش محضر بود . در نقاشی و یکه صورت سازی استاد بود و او اول کسی است که صورت فرنگی را در نقاشی ایرانی متداول کرد . نستعلیق را خوش می نوشت و قطعات خطوط استادان را طوری ماهرانه تقلید و نقل میکرد ، که تشخیص آنها از اصل بسیار دشوار بود . در سبزواری لازم سلطان ابراهیم میرزا صفوی شد و با او بعراق آمد . در زمان دولت شاه اسمعیل ثانی در کتابخانه جای گیر گردید و پس از مرگ شاه اسمعیل ، بخراسان بازگشت و بخدمت شاه عباس درآمد و در کتابت و عمارت نو دولت خانه کار میکرد ،

تا در گذشت .

(به ترجمه محمد سبزواری آتی الذکر نیز مراجعه شود) .

(۱۰۷۱) محمد سبزواری

سپهر و میرزا سنگلاخ نام وی را آورده اند و اگر همان محمد سبزواری سابق -
الذکر نباشد ، بقول اینان ملقب به غیاث الدین و شاگرد سید احمد مشهدی است
و از خط نستعلیق و نسخ هر دو بهره داشت و بسال ۹۸۵ در گذشت .
قطعه پی از سرقع مالک دیلمی ، در کتابخانه خزینه اوقاف استانبول است ،
که قطعه معروف میرعلی هروی (عمری از مشق دو تا بود قدم هم چون چنگ . . .)
را بقلم سه دانگ و نیم دو دانگ خوش ، بمرکب الوان نوشته شده است و چنین رقم
دارد : « . . . فقیر شیخ محمد بن شیخ کمال سبزواری غفر ذنوبهما و ستر عیوبهما ۶ ۹۷ »
که یا خط همین محمد سبزواری یا خوشنویس هم نام اوست .

(۱۰۷۲) محمد سروستانی

بقول صاحب مناقب هنروران شاگرد سلطان علی مشهدی و از خواص ندیمان
شاه طهماسب بود و نستعلیق را خوش می نوشت .

(۱۰۷۳) محمد سعدالدین - حافظ

در روز روشن است که از مردم لکنه و فرزند حافظ محمد ابراهیم بود . شعر
می گفت و نسخ و نستعلیق را خوش می نوشت .

(۱۰۷۴) محمد سعدالله افندی

میرزا سنگلاخ و سپهر گویند که معروف به عرب زاده و از مردم استانبول بود

واز محمد یساری تعلیم خط گرفت و بسال ۱۲۵۷ در گذشت.

(۱۰۷۵) محمد سعید - سید

میرزا حبیب گوید که داماد سید فیض الله افندی و دختر زاده سید محمد دده بود و باین مناسبت دده زاده معروف شده است.

خط نستعلیق را از کاتب محمد رفیع تعلیم گرفته و از وی اجازه یافته است. نیز نزد کرد اسمعیل زاده تلمذ کرده است. بزبان و ادبیات ترکی و فارسی و عربی آشنا بود. مستمری کلان داشت و در رفاه میزیست. بسال ۱۱۷۳ در گذشت و در مقابل زاویه اسیر بخاری بخاک سپرده شد.

(۱۰۷۶) محمد سعید - سید

میرزا حبیب بار دیگر این نام را در تذکره خود آورده است و گوید که او هم از نستعلیق نویسان عثمانی و معروف به خواجه زاده حسن است. نستعلیق را از شیخ الاسلام ولی الدین افندی آموخت و بعد نزد کاتب زاده محمد رفیع، خط را تکمیل کرد.

(۱۰۷۷) محمد سعید اشرف

فرزند محمد صالح مازندرانی و دختر زاده محمد تقی مجلسی است. ترجمه احوالش را میر غلام علی آزاد و محمد علی حزین و هفت قلمی و تربیت آورده اند و دانشمند معاصر آقای احمد گلچین معانی، مقاله مشروح ممتع کاملی در نامه آستان قدس درباره اشرف انشاء کرده اند که خلاصه مطالب آنرا اینجا نقل می کنم:

« اشرف مازندرانی... در اصفهان نشوونما یافته، از محضر پدر خود و میرزا قاضی و آقا حسین خوانساری استفاده علوم کرده، در شعر شاگرد مولانا صائب تبریزی

و در خط شاگرد عبد الرشید دیلمی خواهرزاده میر عماد سیفی حسنی قزوینی بوده است ولی در هنر نقاشی استاد او شناخته نیامد.

اشرف در باره هنر خوشنویسی و نقاشی خویش اشعار فخر آمیزی دارد که از آن جمله است این دوربای :

اشرف تو کمیت نکته رانی رانی
هر چند که مانند نداری در خط

اسرار رموز جاودانی دانی
در شیوه تصویر بمانی مانی

و دیگر

گاهی چون خط سخن زمعنی گویم
گر زانکه شبیه خلق تصویر کنم

که چون قلم سو، ره صورت پویم
زین راه تشبیهی بمبدأ جویم

... در سال هزار و هفتاد هجری، بر اثر سفارقت فرزند وجد [مجلسی] دیگر در اصفهان تاب مقاومت نیاورد و پای ثباتش سستی گرفت. لذا همسر جوان خود سماء مریم را با پسر دوساله اش محمد امین در اصفهان گذاشت و خود بعزم سفر هندوستان جریده راه خراسان در پیش گرفت. در هندوستان بدربار اورنگ زیب عالم گیر پادشاه باریافت و در پرتو صلاح و سداد و فضل و رشاد به تعلیم و تربیت دختر کلانوی زیب النساء بیگم که در شعر مخفی تخلص میکرد، گماشته شد. با اینکه اشرف در هندوستان با عزت و شرف بسر می برد و از اکرام و انعام زیب النساء بیگم زیاده از حد بهره مند بود... هم چنان روی دل در وطن داشت. پس از یازده سال اقامت در هند، طی قصیده ای از شاهزاده خانم رخصت مراجعت به ایران می طلبد... بالاخره رخصت بازگشت بوطن حاصل کرد... در آغاز فصل زمستان به خراسان رسید... تاریخ این سفر بضبط تذکره نویسان سنه هزار و هشتاد و سه هجری است و میر غلامعلی آزاد بلگرامی در تذکره سرو آزاد می نویسد: ... و در سنه ثلث و ثمانین و الف معاودت نمود، و کرت دیگر قاید روزگار زمام او را بجانب هند کشید... و با خانواده خود این بار به هندوستان رفت... و در عظیم آباد

پتنه با شهزاده عظیم الشان بن شاه عالم بن خلد مکان [اورنگ زیب] که در آخر عهد جد خود بنظم آن صوبه می پرداخت ، بسر می برد سلا در پایان عمر اراده بیت الله کرد و خواست که از راه بنگاله در جهاز نشسته عازم مقصود شود ، اما در شهر سونگیر اجل در رسید و او را بعالم دیگر رسانید . قبر سلا در آنجا مشهور است شیخ محمد علی حزین تاریخ فوت اشرف را سال ۱۱۱۶ ثبت کرده است « آقای گلچین یک نسخه از دیوان اشرف را در کتابخانه آستان قدس بخط خود اشرف نشان داده و نمونه آنرا یک صفحه چاپ عکس کرده اند که بقلم کتابت خوش نوشته شده است .

در یکی از مرقعهای کتابخانه سلطنتی ، قطعه ایست بقلم سه دانگ خوش ، بارقم : « بنده شاه دین پناه اشرف ، در دار السلطنه اصفهان مرقوم شد » که ممکن است از او باشد .

اشرف با مرزبیب النسایب هم قطعه شعری در رثاء و تاریخ وفات صایب ورشیدا سروده که در ضمن ترجمه رشیدا نقل گردیده است .

۱۰۷۸) محمد سعید لاهیجانی

معروف به « سعیدای گیلانی » است . نصرآبادی در تذکره خود گوید که ، سعیدا فرزند علی لاهیجانی و از خاندان بازرگانان و متمکن بود ؛ ولی وقتی حریق در لاهیجان افتاد و خان و بان وی بسوخت .

هم او گوید که در فن نقاشی و طراحی طلا و نقره دست دارد و طبعش در ترتیب نظم خالی از لطف نیست .

در مآثر الامراء آمده است که شعر را خوب می گفت و در زمان دولت جهانگیر پادشاه (۱۰۱۲-۱۰۳۷) به هندوستان رفت و جزو شعرای درباری قرار گرفت و در عهد شاه جهان بواسطه کاردانی بخطاب « بی بدل خان » ممتاز شد و مدتی داروغه زر گرخانه

شد و سریر مرصعی که موسوم به تخت طاوس است ، با هتمام او با تمام رسید . (کیفیت این تخت و اسرد خالت سعید را در ساخت آن ، در کتاب « پانصدسال تاریخ جواهرات سلطنتی ایران » بشرح آورده ام) .

سعید در دربار جهانگیر بسیار معزز بود . جهانگیر در تزو لک خود آورده است که : « . . . روز شنبه چهاردهم شهریور ۱۰۳۷ بصله این قصیده حکم فرمودم که سعید را بزر وزن کنند . مطلع قصیده اینست :

ای نه فلک نمونه یی از آستان تو

دوران پیر گشته جوان در زمان تو »

صاحب مآثر الامرا گوید که سعید یکصد و سی و چهار بیت گفته است که هر مصراع آن ماده تاریخ تولد شاه جهان ، یا باز گشت او از کشمیر به آگره ، یا جلوس او بر تخت طاوس است ، و آقای حاج حسین آقا نخجوانی این مطلب را مفصل ضمن مقاله یی در نشریه دانشکده ادبیات تبریز (شماره ۴ - سال ۹) آورده است .

صاحب تذکره شمع انجمن ، که سعید را به مهارت در حکاکاکی و خوشنویسی ستوده است ، بسهو ، او را بجای « بی بدل خان » ، « بیدل خان » مخاطب دانسته است . زندگیش تا سال ۱۰۴۷ که ماده تاریخ بنای مسجدی را در قطعه شعری آورده است ، معلوم است و تاریخ درگذشت او معین نیست .

۱۰۷۹) محمد سعید لاهیجانی

در تذکره روز روشن آمده است که فرزند خواجه علی بود و در عهد شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵) تجارت سی کرد و شعری گفت و خوش می نوشت . از خطوط محمد سعید لاهیجانی دو کتاب موجود است باین شرح :

یک نسخه مجالس المؤمنین قاضی نورالله شوشتری ، بقلم کتابت متوسط ، که چنین تمام می شود : « حسب الاشارة . . . زینت بخش مسند وزارت . . . میرزا

محمد هاشما وزیر گیلان ... فقیر حقیر محمد سعید لاهیجانی ... که ... در سلک ملازمان ... انتظام دارد ... بتاریخ روز سه شنبه بیست و هشتم شهر ربیع الاول من شهر سنه ۱۰۸۲ اثنی و ثمانین و الف من الهجرة ، از استنساخ این کتاب مستطاب که بعنایت الله رتبه انخراط در کتابخانه سرکار عالی یابد ، فارغ گردید . « در کتابخانه سلطنتی ، تهران ؛

یک نسخه جوامع الحکایات عوفی ، بقلم نیم دو دانگ متوسط ، که چنین تمام می شود : « تمام شد قسم چهارم از کتاب ... حسب الاشارة ... آصف روشن - ضمیر ... میرزا آقاییکا وزیر جلیل القدر گیلان ... کمترین داعیان آن خلف دودمان حکومت و احسان محمد سعید اللاهیجانی ... بفراغ بال و رفاه حال بکتابت سرکار و دعای موجبات دولت و اقتدار آن رفیع المقدار اشتغال دارد ، به انتساخ این کتاب اقدام نمود . بعبارت الهی و یمن اعطاف نواب آصف جاهی . بتاریخ روز دوشنبه هجدهم شهر محرم الحرام سنه خمس و سبعین و الف هجری ، با تمام و اختتام رسانید والسلام » در همان کتابخانه .

که معلوم است کاتب این دو کتاب جز سعیدای گیلانی سابق الذکر و تاریخ زندگیش مؤخر بر اوست ؛ ولی صاحب تذکره روز روشن شرح احوال آن دورا خلط کرده است ، یعنی نام پدر و شغل نخستین او که تجارت بوده باین یک داده است .

(۱۰۸۰) محمد سعید هروی

از کاتبان دربار قطب شاه هندی و بخط وی یک نسخه ثمانیه امیر خسرو دهلوی در کتابخانه سلطنتی است ، بقلم کتابت خفی متوسط ، که چنین تمام می شود : « تمام شد ثمانیه خسرو دهلوی برسم خزانه ... اعلی حضرت قطب شاهی ... بدست کمترین بندگان درگاه خسروی ، محمد سعید بن مسعود الهروی ، در سال نهصد و هفتاد و دو از هجرت نبوی . »

(۱۰۸۱) محمد سلیمان شکوه

بزرگترین فرزند دارا شکوه بن شاه جهان پادشاه هندوستان بود و او نیز مانند پدر خود ، نستعلیق را خوش می نوشت . بخط وی موجود است :
 یک قطعه ، بقلم دو دانگ و کتابت متوسط ، با رقم : « راقمه میرزا محمد سلیمان شکوه بهادر » ، در سوزه باستان شناسی ، دهلی .

(۱۰۸۲) محمد سمرقندی - میر

در مناقب هنروران است که از شاگردان میر علی هروی و هم مشق میر محمد معصوم بود . میر محمد قطعه نویس و محمد معصوم کاتب خوب بود .
 بخط وی قطعه بی در سرقعی از کتابخانه خزینه اوقاف استانبول است ، بقلم دو دانگ و کتابت جلی خوش ، با رقم : « اقل العباد میر محمد سمرقندی » .

(۱۰۸۳) محمد سمرقندی - ملا

نصراآبادی گوید که فرزند ملا محمد زاهد است . شعر می گفت و « عابد »
 تخلص می کرد و هفت قلم را خوش می نوشت .

(۱۰۸۴) محمد سوزی

از نستعلیق نویسان قرن حاضر عثمانی و بخط وی دو لوحه بر مزار مولانا جلال الدین بلخی در قونیه است ، بقلم شش دانگ جلی گلزار متوسط ، با رقم و تاریخهای : « عبده محمد سوزی ۱۳۲۷ و ۱۳۳۲ » .

(۱۰۸۵) محمد سیمی نیشابوری

فرزند علی نیشابوری ، در مشهد سکونت داشت و مکتب داری می کرد . بزرگان شهر مجلس درس او را فرخنده می دانستند و فرزندان خود را نزد وی میفرستادند و گویند که هر که نزد وی تعلیم گرفت و درس خواند ، در هنر و دانش ، پیش رفت و بمرتبه عالی رسید و از جمله شاگردان وی ، نام عبدالجی منشی استرآبادی از استادان مترسلین و خوشنویسان را آورده اند .

صاحب مناقب هنروران ، او را جزو کاتبان دربار بایسنغر میرزا آورده است و هم او و دولت شاه سمرقندی گوید که مردی ذوفنون بوده است و هفت قلم را خوش می نوشته و شعر پاکیزه می گفته است . در سرعت قلم بی نظیر بوده است . در معماری و رنگ آمیزی و سرکب سازی و افشان گری و تذهیب و وصالی و رنگ کاری کاغذ سر رشته داشته و در بعضی این هنرها و ترسل ، رسالاتی تألیف کرده و معمیات او متداول است .

در باره سرعت کتابت وقوت نظم و نفس وی آورده اند که در عهد علاءالدوله فرزند بایسنغر میرزا ، در یک شبانه روز ، دویاسه هزار بیت بنظم آورد و خود کتابت کرد ، در حالی که در معرکه پی نشسته بود که دهل و نقاره می نواختند و خواص و عوام مشهد جمع بودند و او نه طعام خورد و نه خواب کرد و نه از جای برخاست . پس از این هنرنمایی بود که این بیت را سبع مهر خود ساخت :

یک روز بعهد شاه پاکیزه سرشت

سیمی دو هزار بیت گفت و بنوشت

این قصه را صاحب مرآة العالم و ریحان نستعلیق در عهد دولت علاءالدوله و بسال ۸۲۵ نقل کرده اند ، در صورتیکه علاءالدوله در میان سالهای ۸۵۳ و ۸۶۳ حکومت رانده است و اگر سال ۸۲۵ درست باشد ، باید در عهد بایسنغر میرزا باشد ، نه فرزندش .

در سرآة العالم آمده است که سیمی یک روز از صبح تا شام در حضور جمع ، یکصد و بیست مکتوب که هر یک ده سطر بود نوشت ، چنانکه ارباب انشاء و بلاغت و استادان خط ، بروی آفرین کردند .

سیمی ، از اعجوبه های روزگار بوده است و همان کس را که گفته اند در یک شبانه خورده و نه خوابید و نه از جای برخاست ، نیز گفته اند که بسیار خوار بود (و از پر خوری وی قصه بی نقل کرده اند که متواتر و اینست :)

نوبتی دو کس از ظرفا گرو بستند که سیمی هشت من خرما بوزن خراسان تواند خورد یا نه . خرمانزد سیمی بردند . سیمی چون موجب آمدن عزیزان را معلوم کرد ، گفت خرما را نزدیکتر آرید و دست از زیر بالا پوش بر آورده بخوردن و گفت و گو با ایشان شروع کرد . چون زمانی گذشت ، پرسید که یاران ، شما خرما را با استخوان شرط کرده بودید ، یابی استخوان ؟ - چون گفتند که خرما را کسی با استخوان نمی خورد گفت که ، من باری همه را با استخوان خوردم ، تا میان شما بهیچ وجه نزاع نماند .

از آثار خطی سیمی ، چیزی ندیده ام ؛ ولی یک نسخه دیوان لطف الله نیشابوری در کتابخانه تهران است و با اینکه رقم ندارد ، در مقدمه دارد :

۱۰۸۶) محمد شاه دارابی

از کاتبان گمنام قرن یازدهم و بخطوی یک نسخه خمسۀ امیر خسرو دهلوی در کتابخانه سلطنتی است ، بقلم کتابت متوسط ، که چنین تمام می شود : « تمام شد کتاب خمسۀ امیر خسرو دهلوی رحمه الله علیه ، فی تاریخ غرة شهر ذی حجة الحرام سنه ۱۰۵۲ . کتبه الفقیر الحقیر محمد شاه دارابی » .

محمد شاه شجاع = شاه شجاع

۱۰۸۷) محمد شاه قاجار

فرزند عباس میرزا ابن فتح علی شاه قاجار است که بسال ۱۲۲۲ در تبریز

(۱) مرحوم دکتر بیانی مقدمه را نوشته اند . باید به اصل کتاب رجوع شود .

متولد شد و بسال ۱۲۴۹ بولایت عهد ایران رسید و بسال ۱۲۵۰ پس از مرگ فتح علی شاه تا سال ۱۲۶۴ سلطنت کرد و درگذشت.

لسان‌الملک سپهر در ناسخ التواریخ دارد: «در لغات عرب و صنعت اهل ادب و تفسیر کلام الله مجید و حفظ اشعار طرفه و لبید، هنری بکمال داشت و خط نستعلیق را نیکو نگاشت. در پیشه نقاشان و فن حساب دانان و مهندسان، از تمامت بار یافتگان در گاه و چاکران پیشگان رتبت برتری داشت.» و واقعاً وی را در نستعلیق و شکسته نستعلیق، میتوان جزو خوشنویسان آورد و گواه این مدعا آثار وی است که می‌توان دید:

یک مرقع مشتمل بر ۳۳ رقع، بقلم سه دانگ و دودانگ خوش، با رقمها و تاریخهای از جمله: «در ۱۵ شعبان سنه ۱۲۶۰ برای حکیم در نیاوران نوشتم» و «در بالاخانه نیاوران سنه ۱۲۶۰ برای حکیم تحریر شد» و «در بالاخانه عباس-آباد، هیجدهم جمادی الثانی سنه ۱۲۶۰» و «میرزا نظر علی حکیم، مرا در اصفهان خیای خوش حال ساخت، محرم سنه ۱۲۵۷» و «برای انسان کاسل، حکیم نوشتم، در محرم سنه ۱۲۵۴» و «در بالاخانه عباس آباد، بجهت حکیم می‌نویسم، ۱۶ ربیع الاول سنه ۱۲۵۹» و همچنین، همه برای حکیم میرزا محمد نظر علی و تاریخها بین ۱۲۵۱ و ۱۲۶۱؛

یک قطعه سیاه مشق، نستعلیق دودانگ خوش، در کتابخانه ملی، تهران؛

یک قطعه سیاه مشق، نستعلیق دودانگ خوش در مجموعه نگارنده. و نیز چندین مکتوب بخط شکسته نستعلیق خوش، که شرح آنها در جای خود خواهد آمد و این قطعات هیچ یک رقم ندارد؛ ولی همه آنها تذهیب شده و در بالای هر قطعه نام محمد شاه قاجار با عناوین نوشته و تذهیب شده است و در پشت یکی از آنها، این مطالب نوشته شده است: «این مشق خط محمد شاه قاجار است. در سنه

هزار و دویست و چهل که حاکم همدان . . . [چند کلمه سحوشده است] شبی این مشق را فرمودند و بنده بجهت یادگاری نگاه داشت» .

(۱۰۸۸) محمد شاه گورکانی

پادشاه هندوستان که از سال ۱۱۳۱ تا سال ۱۱۶۱ در هند سلطنت کرد و هنگامی که نادرشاه به هند قشون کشید ، وی در آن سرزمین پادشاه بود .
از خطوط وی موجود است :
دو قطعه بقلم دودانگ و کتابت متوسط ، با رقم : « کتبه محمد بهادرشاه »
و « پادشاه غازی خلدالله ملکه و سلطانه » ، در موزه باستان شناسی ، دهلی .

(۱۰۸۹) محمد شرفی یزدی

از خوشنویسان گمنام قرن نهم که جز نستعلیق ، با قلام اصول نیز آشنا بوده است و بخط وی دیده ام :
یک نسخه صد کلمه حضرت علی بن ابی طالب با ترجمه فارسی آن ، که متن بقلم ثلث خوش و ترجمه بقلم نستعلیق کتابت متوسط است ، با رقم و تاریخ : « کتبه محمد بن نظام الشرفی الیزدی ، فی سنه ۸۸۱ » در کتابخانه دانشگاه ، استانبول .

(۱۰۹۰) محمد شریف

صاحب مناقب هنروران گوید که ، با اخلاق حسنه متصف و در نستعلیق شاگرد محمد حسین تبریزی بود .
صاحب گلستان هنر گوید که ، از بزرگ زادگان اعراب نمیری است . با فضیلت بود و نستعلیق جلی و خفی را خوش می نوشت و حکاکسی خوب می کرد . در سپاهی گری و شجاعت صاحب سیرات بود .

(۱۰۹۱) محمد شریف

از خوشنویسان گمنام قرن یازدهم است که ظاهراً در هندوستان میزیسته است و قطعاتی با رقم محمد شریف مطلق دیده ام ، باین قرار :

دو قطعه ، بقلم سه دانگ خوش ، با رقم : «مشقه محمد شریف سنه ۱۰۵۸»
و «مشقه المذنب محمد شریف غفر ذنوبه و ستر عیوبه» در کتابخانه ملی و کتابخانه مجلس شورای ملی ، تهران ؛

۷ قطعه از سرقعی ، بقلمهای چهار و سه و دو دانگ خوش ، با رقم و تاریخ :
«کتبه المذنب محمد شریف غفر له» و «شریف» و «الحقیر محمد شریف» و «المذنب الحقیر محمد شریف غفر ذنوبه و ستر عیوبه» ، فی شهر سنه ۱۰۳۹» در کتابخانه بادلیان ، انگلستان .

(۱۰۹۲) محمد شریف تجرید

مردی فاضل و ستوده اخلاق بود . از کدخدایان اصفهان و به تحصیل علوم و کتابت مشغول بود . نستعلیق را خوش می نوشت و زندگی را باوجه کتابت صحایف میگذرانید . شعر می گفت و «تجرید» تخلص می کرد . هنگام تألیف تذکره نصرآبادی (حدود سال ۱۱۰۰) در قید حیات بود و ظاهراً از محمد شریف که ترجمه آن گذشت مؤخر میزیسته است .

(۱۰۹۳) محمد شریف کاتب السلطان - میرزا

خواهرزاده میر عبدالله خوشنویس بود و از شاه جهان پادشاه هندوستان (۱۰۶۸-۱۰۳۷) خطاب کاتب السلطان یافته بود .
صاحب سرآة العالم گوید که میر عبدالله وی را بجای فرزند تربیت کرده بود و هنگام مرگ وی را جانشین خود کرد .

۱۰۹۴) محمد شریف هروی

از خوشنویسان قرن یازدهم است و نتوانستم آنرا بایکی از محمد شریفهای سابق الذکر تطبیق کنم و با این رقم دیده‌ام :

سه قطعه در سرقعهای مختلف ، بقلمهای سه و دو و نیم دودانگ و کتابت خوش با رقمهای : « کتبه محمد شریف الهروی » و « کتبه العبد المذنب محمد شریف الکاتب » و « مشق العبد الضعیف محمد شریف » در کتابخانه خزینه اوقاف ، استانبول .

۱۰۹۵) محمد شفیع ارسنجانی

فرزند علی عسکر ارسنجانی نسخ نویس معروف قرن گذشته است و این یک در هفت قلم استاد بود و از آثار وی دیده‌ام :

یک نسخه قرآن ، بقلم نسخ و رقاع و خواص آیات بقلم نستعلیق کتابت عالی با رقم و تاریخ : « ... علی ید الاقل الاحقر الفانی محمد شفیع بن علی عسکر ارسنجانی صورت اتمام پذیرفت ، فی شهر ذی القعدة سنه ۱۲۹۱ احدی و تسعین و مائتین بعد الالف » در کتابخانه مجلس شورای ملی ، تهران ؛

یک قطعه ، بخط نسخ و شکسته و نستعلیق کتابت خوش ، با رقم : « العبد الاثم الاقل المحتاج محمد شفیع » در کتابخانه آستان رضوی ، مشهد ؛

یک قطعه ، بخط ثلث و نسخ و رقاع و تعلیق و شکسته و نستعلیق نیم دودانگ خوش ، با تاریخ و رقم : « مشقه فی شهر ذی القعدة الحرام من سنة احدی و ثلثمائة بعد الالف من الهجرة النبویة ، علی هاجرها الف التحیة ، العبد محمد شفیع بن علی عسکر » در مجموعه نگارنده .

۱۰۹۶) محمد ششنگی

از قدیم ترین کاتبان خط نستعلیق و بخط وی یک نسخه شاهنامه فردوسی در کتابخانه سلطنتی است بقلم کتابت خفی متوسط ، که چنین تمام میشود : «تمت الكتاب . کتبه الفقیر اضعف عباد الله الغنی محمد بن محمد بن محمد علی حنفی ششنگی اصلح الله تعالی عنهم ، فی سلخ صفر ختم بالخیر والظفر سنه اربع و اربعین و ثمانمائة الهجرية المصطفوية» . مقدمه منشور این نسخه بقلم نسخ و عنوانها بقم ثلث عالی و پیدا است که در آن اقلام استاد بوده است .

۱۰۹۷) محمد شفیع شیرازی

پدرش محمد اسمعیل ، لقبش میرزا کوچک و تخلصش وصال و کنیه اش ابو محمد و ابواحمد ، از معروفترین خوشنویسان و هنرمندان و شاعران و دانشمندان قرن گذشته است . ترجمه حالش را چنان که میرزا ابوالقاسم فرهنگ فرزند وی ، انشاء کرده و در فارسنامه ناصری ثبت است ، عیناً نقل می کنم :

«در بیان حال و ترجمه احوال پدر بزرگوار و استاد عالی مقدارم ، حضرت وصال سقی الله ثراه و جعل الجنة شواه و شمه پی از حال پدران و فرزندان آن جناب ، بطریق اجمال :

کنیه شریفش ابواحمد و لقب مبارکش میرزا کوچک و نام فرخنده اش محمد شفیع و والد ماجدش محمد اسمعیل بن محمد شفیع بن محمد اسمعیل . از نیاگان پیش ازینم آگاهی نیست و آنچه از سال خوردگان سلسله خود شنیده شده ، میرزا اسمعیل جد سیمین از درگاه پادشاهان صفویه عامل گرم سیرات فارس بود و پسرش میرزاشفیع در حضرت نادرشاهی سمت دبیری داشت و چون روزگار نادرشاه سپری شد و اختلال در حال عامه مردمان پدید آمد ، میرزاشفیع نیز چندی به پریشانی زندگانی کرده ، دعوت حق را اجابت نمود و بازماندگان او که چهار نفر پسر بودند

میرزا اسمعیل و میرزا ابراهیم و میرزا قاسم و میرزا محمد تقی ، قطع علاقه از اصفهان نموده بشیراز آمدند و از اولاد میرزا محمد تقی خبری نیست و میرزا قاسم و میرزا ابراهیم راه رهبانیه اختیار کرده ، مجرد زیسته و میرزا قاسم از شاخ سلسله ذهبیه بود .
میرزا اسمعیل در فن استیفا بی نظیر و در خط رقوم و سیاق یگانه آفاق بود .
در اوایل ترك خدمت سلطان و اعمال دیوان گفته ، توبه و استغفار نمود و روزگاری در زمان پادشاه رضوان جایگاه محمد کریم خان زند ، زندگانی کرد و هم در آن اوان بعزم سیاحت بمملکت آذربایجان رفت و در آنجا زن خواست و از او دختری آمد ، او را ببازرگانی داده عود به شیراز نمود .

در شیراز دختری میرزا عبدالرحیم نام شاعر شیروانی را بگرفت و پدر بزرگوارم حضرت وصال در سال ۱۱۹۷ ، از آن دختر بعرضه وجود آمد و مدتی نگذشته که میرزا اسمعیل بدرود زندگانی نمود ، میرزا عبدالرحیم ، حضرت وصال را که دخترزاده او بود ، تکفل نمود و بعد از دو سال وفات یافت .

پس میرزا عبدالله نام ، خالوی حضرت وصال ، که خطی وسط داشت و بنوشتن قرآن معیشتی می نمود ، آن حضرت را تکفل فرمود و چون بسن تمیز رسید ، طبعش بدرویشی و فقر مایل گردید و پیوسته در طلب مردی کامل بود . پس بمصداق ، من طلب شیئاً و جدّ وجد و من قرع باباً ولجّ ولجّ ، مشیت ازلی و هدایت لم یزلی ، او را بفیض خدمت شیخ العارفین و قطب السالکین مظهر انوار الهی و مظهر اسرار خدائی پیر روشن ضمیر حسینی بزرگوار ، میرزا ابوالقاسم مشهور به سکوت رسانیده بسعدت صحبت و فیض خدمتش مستسعد گردید ، قدس الله روحه . و پیوسته سلاطین و ابنای ملوک و بزرگان بصحبت حضرت وصال راغب و منادمتش را طالب بودند و آن جناب بانحاء شتئی ، معذرت میخواست .

اگر کسی دیوان قصاید آن بزرگوار را ملاحظه کند ، بظاهر چنین داند که مداح سلاطین بوده و شاعری را شعار خود فرموده است ؛ در واقع چنین نیست بلکه

محض آزمایش طبع بوده ، برای آنکه بیشتر آنها بنظر ممدوح نرسیده است .
آن جناب را همتی بلند و طبعی ارجمند بود . مدار معیشت عیال را از کتابت
کلام الله مجید معین فرموده بود و قناعت و گوشه گیری را بهترین نعمتی و نیکوترین
دولتی دانستی .

همواره با فرزندان بطریق اندرز فرمودی که ، شعر نیک و صنعتی است و شاعری
زشت حرفتی . چه آن بهری از دانش و فن و حکمت است و این نوعی از سؤال و قسمتی
از کدیت ؛ الا آنکه شاعران بنظم سؤال کنند و گدایان به نثر در یوزه نمایند .

هر گز هجا و هزل نفرمود ، مگر دوسه قطعه بطریق طیبیت ، که آنها را درد یوان
خود ثبت نفرمود و شاگردان فقیر مفلوک را با ابناء ملوک فرق ننهادی و فرزندان
خویش را بردوستان درویش ترجیح ننهادی .

دو روز از ایام هفته معین بود که اوقات شریف را به تربیت و تعلیم کافه
مردمان وقف فرمود ، هر کس زودتر آمد برنشست ، پیشتر بکار او پرداخت .

هیچ گاه با سر معاش نپرداختی و خواهش ننمودی . هر چه آماده گردید ،
تناول فرمودی و هر جامه که دوختندی ، پوشیدی . سختی و سستی روزگار و تنگی
و فراخی معیشت در نزد او یکسان بود . هیچ مال را بذخیره نگذاشت و یک بدست زمین
و یک درخت باغ تحصیل نفرمود . امروز در غم فردا نبود . هر چه از خزانه غیب رسیدی
صرف فرمودی و چون تمام گشتی ، وام نمودی .

بر این نهج عمری را باسایش گذرانید و چون سن شریفش به شصت و چهار
رسید ، آبی در چشمش پدید گشت ، که یک سال نابینا بماند و در آن حال صابر و شاکر
بود . پس از یک سال مرد کجالی از کرمانشاهان بیامد و چشمش را میل زده معالجه
نمود . شهری را خرم و شادان نمود و در غایت شوق بخواندن و نوشتن ، هنوز ماده
فساد دفع نگشته ، چشم را بکار خواندن و نوشتن وا گذاشت . پس از چند روزی ،
دیگر بار مرض عود نمود و این نوبت امید علاج نبود و در ماه رجب سال ۱۲۶۲ طایر

روحش از آخشیشان رسته ، بشیدستان پیوست و در بقعہ مبارکہ حضرت سید میر احمد مشہور بہ شاہ چراغ ، در جوار مزار پیر بزرگوار ، جناب میرزا ابوالقاسم سکوت ، مدفون گردید . سقى الله ثراه وجعل الجنة مثواه .

از اشعار آبدار حضرت وصال نزدیک بسی ہزار بیت بیادگار بماندہ است ، مشتمل بر قصائد و غزلیات و سرائی و ترجیعات و مثنویات و دیوان غزل آن جناب برسہ گونه است : آنچه در جواب غزلیات خواجہ حافظ فرمودہ ، دفتری جداگانہ است و آنچه بر طرز شیخ سعدی گفتہ علیحدہ است و آنچه متفرق گفتہ شدہ ، دفتری دیگر است . سرائی نزدیک بدو ہزار بیت است و در رثاء حضرت ابی عبداللہ سیدالشہداء علیہ السلام فرمودہ و اکنون در تمامی ممالک اسلام مشہور و معروف است . کتاب فرہاد و شیرین مولانا وحشی را انجام دادہ با تمام رسانیدہ و بزم وصال بطرز شاہنامہ حکیم فردوسی فرمودہ است . از جملہ مثنویات کتابی است مسمی بہ سفینہ انبیا ، آن کتاب بر این نہج است کہ چہل حدیث از احادیث قدسیہ را انتخاب فرمودہ ، حدیثی را عنوان نمودہ ، معنی آن حدیث و تحقیق آن مطلب و داستانی متناسب آن مقام فرمودہ ، باز حدیثی دیگر را آغاز نماید و آن کتاب ناتمام بماند . . .

از جناب وصال ، شش نفر باز بماند ، بترتیب : احمد وقار ، محمود حکیم ، محمد داوری ، ابوالقاسم فرہنگ ، اسمعیل توحید ، عبدالوہاب یزدانی .

این بود آنچه ابوالقاسم فرہنگ فرزند وصال در بارہ پدر خود نوشتہ است ، اضافہ بر آن : صاحب مجمع الفصحاء گوید ، در جوانی بحسن صورت و حسن صوت مشہور بود و ہم او وصال را در ہنگام توقف در شیراز ملاقات کردہ و بکمالات روحانی ستودہ است .

صاحب انجمن خاقان اورا جوانی عاشق پیشہ و نازک اندیشہ و صوفی مسلک خواندہ و آواز دلنشین وی را ستودہ است .

صاحب صبح گلشن اورا در فن موسیقی ماہر دانستہ گوید کہ ، پانصد روپیہ

ماهوار برایش تعیین کردند که بهندرود ، تابندربوشهر نیز رفت ، ولی شاهزادگان تهران کسان فرستادند و باز گردانیدندش و وظیفه شاهوار برایش معین کردند . که این مطلب با آنچه فرزندش نقل کرده است مباین است .

صاحب تذکره دلگشا گوید که ، از اوایل عمر تا کنون با سن دوست مهربان است و کمی زودرنج است .

دیوان بیگی نیز در حدیقة الشعرا شرح حال مبسوطی از او آورده و ویرا ستوده می نویسد : «... کمالاتش را حصر نیست ، وقتی خاقان سبرور فتحعلی شاه فرموده بود : انصاف آنست که میرزای وصال در کمال اسراف کرده است . اما علومش ، مقدمات صرف و نحو و حکمت و ریاضی و موسیقی را بخوبی دارا بود ، در علم عروض و قوافی که استاد اساتید محسوب می شد . . . اما خطوطش ، تمام خطوط سبعة مشهوره خوش مینوشت ، نهایت این سه خط مصطلح و متداولش معروفتر بود بواسطه اشتهار خود خطوط ، در شکسته بسیاری از شکسته نویسندگان شیراز تربیت از ایشان دیده اند و شیوه خاص ایشان اکنون در آن حدود میان خوشنویسان مصطلح است ، و در نسخ تعلیق یکی از تربیت یافتگان ایشان آقا فتحعلی حجاب است که حالش گذشت . در نسخ که مسلم کل بودند و اکنون مردم هر سطرش را مبلغی بها می دهند . اما اخلاقش ، همانا مادر دهر چنین خلف با خلقی در این دور نپروریده ، مکرر در خدمتش بودم و میدیدم جوانان خردسال اشعار بد گفته می آوردند و در حضورش می خواندند بعد از آنکه کمال تحسین می فرمود ، می فرمود : ای فرزند گوش ده اگر در جای این کلمه فلان را می گفتی شعرت بهتر میشد و همچنین تا آخر تمام اشعار او را تبدیل می فرمود و می فرمود : این غزل باید این طور گفت ، تشویق و تربیت و استادی کرده او را نرنجانیده . همچنین در مشق ، و بهمین شیوه مرضیه جمع کثیری از مشاهیر شعرا و خوشنویسان را تربیت فرمود که یکی از جمله آن شعرا مرحوم حکیم قآنی است . . . مجملآ در زمان خود فقیری کامل و سالکی واصل بود ، در طریقت خدمت مرحوم مغفور سبرور میرزا ابوالقاسم سکوت شیرازی را اختیار کرده و از ایشان فیوضات دیده

و بعد از رحلت ایشان اگرچه وقتی مخصوصی معین نفرموده بود ولی اغلب معتقدین آن مرحوم خدمت میرزا تردد می کردند و اخلاص میورزیدند و از این جهت بعضی از طلاب ناقص در نزد عوام کالانعام نام مبارک ایشانرا بخوبی یاد نمی کردند تا آنگاه که مرثی ایشان شهرت کرد و در افواه افتاد . . .»

ماده تاریخ وفاتش را نعمت فسائی چنین یافته است که می شود سال

: ۱۲۶۲

رقم زد خاصه نعمت ، کنون از بهر تاریخش

(وصال بی مثال با کمال اینک شد از دینا)

دیگر :

نعمت پسی تاریخ وفاتش گفتا (شد جای وصال را د فردوس برین)

و نیز :

کنون نعمت از بهر تاریخ گفتا (با حسان محمد شفیع وصال است)

وصال همه خطوط متداول را خوش می نوشت ، ولی از آن میان در خط نسخ بیش از دیگران مهارت داشت و در این قلم او علاوه بر استواری ، ملاحظت و لطافت خاصی است .

از خطوط متنوع وصال بمقدار فراوان موجود است ، که ذکر هر یک در جای خود خواهد آمد . اما آنچه از خطوط نستعلیق وی دیده ام عبارتست از :

یک نسخه کلیات سعدی ، بقلم نستعلیق کتابت خفی خوش ، که در پایان بوستان آن دارد : « حرره العبد المسکین المستکین ، میرزا کوچک ابن المرحوم میرزا محمد اسمعیل شیرازی ، عفی الله عن جرائمهما ، سنه ۱۲۴۵ » و در پایان نسخه « تمت الكتاب فخر العاشقین و زبدة العارفين و اکمل السالکین ، شیخ مصلح الدین ، متخلص بسعدی شیرازی علیه الرحمة والمغفرة ، بتاریخ شهرذی قعدة الحرام ، لراقمه خرّوب [؟] ۱۳۴۷ » در کتابخانه مجلس شورای ملی ، تهران ؛

یک نسخه اوصاف الاشراف خواجه نصیر، بقلم کتابت متوسط، بارقم و تاریخ :
« حرره العبد الاقل محمد شفیع المشهور بمیرزا کوچک، المتخلص بوصول سنه ۱۲۳۹ »
در همان کتابخانه ؛

این نسخه بخط خوشی نیست که در جوانی وصال آنرا نوشته و پیدا است که
خط نستعلیق را پس از سایر اقلام تکمیل کرده است .

یک نسخه ادعیه ، بقلم نسخ و نستعلیق کتابت خفی خوش ، بارقم و تاریخ :
« اقل . . . میرزا کوچک مسمی به محمد شفیع متخلص بوصول » در کتابخانه سلطنتی ،
تهران ؛

دفتر اول مشنوی مولانا ، بقلم کتابت خفی عالی ، که چنین تمام می شود :
« بر حسب امر . . . فتح علی شاه قاجار . . . این دفتر اول کتاب مشنوی سولوی معنوی
بخط این چاکر صمیمی و داعی قدیمی دولت ابد آیت خاقانی سمت تحریر پذیرفت
و به پیشگاه اقدس اعلی تقدیم نمود . . . المستظهر بعنايات السلطانية محمد شفیع
المشتهر به میرزا کوچک المتخلص بوصول فی دارالعلم شیراز ۶ ۱۲۴۶ در کتابخانه
حاج سید نصرالله تقوی ، تهران ؛

منتخب حدیقه الحقیقه سنائی ، بقلم کتابت جلی خوش ، بارقم و تاریخ :
« کتبه العبد العاصی محمد شفیع متخلص بوصول الشیرازی غفرالله ذنوبه فی شهر
جمادی الاولی سنه هزار و دو و سیست و پنجاه و پنج هجری » در کتابخانه مرکزی دانشگاه
تهران ؛

وقطعات متفرق و ضمن سرقعات مختلف متعدد ، بقلمهای ازد و دانگ تا کتابت
خفی ، بارقم و تاریخهای از جمله : « حرره العبد وصال فی سنه ۶ ۱۲۴۶ » و « مشقه العبد
الاتم محمد شفیع الشیرازی فی سنه ۳ ۱۲۴۶ » و « مشقه تراب اقدام الفقرا میرزا کوچک
شیرازی ابن مرحوم میرزا اسمعیل ، حرره فی سابع شهر صفر المظفر من شهر سنه
۱۲۳۳ » و « رقم کلک اقل الکاتبین وصال شیرازی عفی الله عنه شد ، در شب جمعه

بیست و نهم شهر جمیدی الاول سنه ۱۲۴۷ « و «نمقه العبد المذنب محمد شفیع الشیرازی ۱۲۴۵» و «بجھة قرۃ العینی میرزا محمود تحریر نمود سنه ۱۲۴۷» و «بجھة یاد گاری برای دوستی در دار السلطنۃ اصفهان تحریر شد. مشقه العبد الاثم میرزا کوچک شیرازی ۱۲۳۶» و «مشقه الوصال ۱۲۵۷ جان وصال فدا» و «حرره المذنب وصال الشیرازی، تحریر شد سنه ۱۲۵۲» و «کتبه العبد المذنب وصال فی سنه ۱۲۵۱» و غیره در مجموعه های: کتابخانه سلطنتی، کتابخانه ملی، کتابخانه مجلس شورای ملی - آقای مهندس عباس مزدا - مرحوم امیر الکتاب - حاج حسین آقا نخجوانی - بانو ملکه بیانی - نگارنده و غیره.

۱۰۹۸) محمد شفیع قزوینی

محمد صالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲۶) گوید فرزند عبدالجبار (شاگرد میر عماد) و از جماعه خوشنویسان ممتاز و در کمال قدرت قلم بود. در کتابخانه سلطنتی ملازم بود و بیست تومان مواجب داشت. چند سال پیش در اصفهان در گذشت و در سزار بابا رکن الدین مدفون شد.

میرزا سنگلاخ باو لقب «خلیفۃ الخلفا» داده و گفته است که در دوازده سالگی از قزوین با اصفهان رفت و نزد پدر تعلیم خط گرفت و خط خود را نزد میر عماد تکمیل کرد. شعری گفت و کتابدار شاه عباس بود و پس از مرگ پدر بقزوین باز گشت و بمشاغل مهم دیوانی اشتغال ورزید.

و هم میرزا سنگلاخ گوید که سال ۱۰۱۴ سال نوزدهم سلطنت شاه عباس وقتی اسیری از قبیلۃ مگری قصد جان شاه را کرد، همین محمد شفیع خود را سپر بالای شاه نمود و از آنوقت بیشتر مورد توجه و لطف شاه شد. در هفتاد سالگی در گذشت و جنازه اش را بعتبات منتقل کردند.

یک نسخه لوامع الاشراف ملا جلال دوانی دارم، بقلم کتابت خوش، با رقم

وتاریخ : «تمت الكتاب بعون الملك الوهاب في سلخ شهر ذي القعدة سنة تسعة و خمسين و الف ، علی يد الضعیف محمد شفیع بن عبد الجبار غفر له» که اگر خط همین محمد شفیع باشد ، پیدا است که شیوه میر عماد و عبد الجبار پدر خود را بخوبی اخذ کرده و از پدر خود فروتر ننوشته است .

(۱۰۹۹) محمد شفیع لاهیجی

محمد صالح اصفهانی (متوفی ۱۱۲۶) وی را از شاگردان خود شمرده گوید فضل و کمالش بمرتبه کمال است . خوش می نویسد و داماد آخوند ملا محمد سرابی است .

(۱۱۰۰) محمد شفیع هروی حسینی

ظاهراً همان شفیعی معروف شکسته نویس است که بزعم من دو محمد شفیع حسینی در یک عصر (نیمه دوم قرن یازدهم و نیمه اول قرن دوازدهم) ، یکی کمی مؤخر بدیگری میزیسته است و یکی از آن دو جز شکسته ، در خط نستعلیق دست داشته و یکی در خط نسخ و ترجمه هریک در جای خود خواهد آمد . اینک آنچه از خطوط نستعلیق با رقم محمد شفیع حسینی را دیده ام ، اینجا می آورم :

یک قطعه از سرقع ، بقلم سه دانگ و نیم دودانگ و کتابت جلی خوش ، با رقم : « کتبه العبد المذنب محمد شفیع » ، در کتابخانه ملی ، تهران ؛

یک قطعه ، پنج دانگ و کتابت متوسط با رقم : « کتبه الحقییر محمد شفیع الهروی » در همان کتابخانه ؛

یک قطعه ، بقلم نیم دودانگ خوش ، با رقم : « مشقه العبد محمد شفیع » در همان کتابخانه ؛

دو قطعه ، بقلم دودانگک و نیم دودانگک خوش ، با رقم : « مشقه العبد محمد شفیع غفر ذنوبه » و « مشقه العبد محمد شفیع » در مجموعه نگارنده .

هم چنین خوشنویس دیگری هم نام محمد شفیع در عهد شاه عباس ثانی یعنی معاصر دو شفیعای مذکور میزیسته که « عباسی » رقم می کرده و علاوه بر خوشنویسی در نقاشی و مصوری نیز دست داشته است . ذکر این هنرمند بنام « شفیع عباسی » گذشت .

۱۱۰۱) محمد شمس الخطاطین - میرزا

میرزا سنگلاخ گوید که پدرش اصفهانی و خود در اصفهان تولد یافته بود هنرمندی خوش منظر و خوش گذران و عاشق پیشه و در خط نستعلیق شاگرد رشیدا بود . در سوار کاری و چوگان بازی و تیراندازی مهارت داشت . بسال ۱۰۵۶ در لاهور در گذشت .

—

۱۱۰۲) محمد شوشتری - حاج

از کاتبان گم نام قرن دهم و بخط وی یک نسخه لیلی و مجنون ترکی فضولی بغدادی ، در کتابخانه ملی تهران است ، بقلم کتابت متوسط ، با رقم و تاریخ : « تم الکتاب ... علی ید ... حاجی محمد شوشتری ... فی تاریخ شهر جمادی الثانی سنه ۹۷۹ » .

۱۱۰۳) محمد شیرازی

یک نسخه قرآن بخط عبدالوهاب شیرازی با تاریخ سال یک هزار ، در موزه آثار اسلامی و ترک استانبول است ، که فال نامه ، اضافات و صفحات آخر نسخه بخط نستعلیق نیم دودانگک عالی آن بخط همین خوشنویس است و چنین تمام میشود :

« روش قلم تیز گام و تحریک خامه آرام در قطع مراحل تذهیب این کلام کریم
 وطی منازل تحریر این کتاب عظیم ، بسعی و اهتمام العبد الاحقر محمد تاج الدین
 حیدر مذهب شیرازی ، بنهایت رسید . »

(۱۱۰۴) محمد صادق

از خوشنویسان دربار اورنگ زیب پادشاه هند (۱۰۶۸-۱۱۱۹) بود و بخط
 وی موجود است :

یک صفحه از بیاض بختاور خان ، بقلم نستعلیق و شکسته کتابت متوسط ،
 با رقم : « حسب الامر . . . مقرب حضرت ظل اللهی بختاور خان . . . در دوشنبه پنجم
 جمادی الاولی اتفاق افتاد . حرره العبد المذنب محمد صادق . . . » در سوزه باستان-
 شناسی ، دهلی ؛

یک قطعه از مرقدی ، بقلم سه دانگ و نیم دودانگ خوش ، با رقم : « کتبه
 العبد محمد صادق » در کتابخانه بادلیان ، انگلستان .

(۱۱۰۵) محمد صادق - میرزا

محمد صالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲۶) او را در جزو شاگردان خود که
 ترك مشق کرده اند ، آورده گوید ، وزیر موقوفات است مدتی نزد پدرم و قدری نزد
 خودم مشق کرده است و خوب می نویسد :

(۱۱۰۶) محمد صادق خان بیکدلی - حاج

سپهر گوید که از مردم ساوه بود و نستعلیق را نیکو سینوشت و بسال ۱۲۹۳
 در گذشت .

(۱۱۰۷) محمد صادق شیرازی

از بزرگ زادگان شیراز و در زمان دولت زندیه ، مانند پدران خود بکار دیوانی مشغول بود . از علوم ریاضی بهره داشت . شعر خوب می سرود و نثر خوش مینوشت . کوکب تخلص میکرد . مردی خوش سیما و رفیق ، ظریف و بلند نظر بود ولی بخت بلند نداشت . شکسته و نستعلیق را خوش می نوشت .

پس از زوال دولت زندیه به هندوستان رفت و در آنجا اعتبار تمام یافت و پس از مدتی بشیراز باز گشت . با سیرزا علی اکبر بسمل آشنا و دمساز بود . سرانجام همسرش او را مسموم کرد .

(۱۱۰۸) محمد صادق شیرازی

از کاتبان گم نام قرن سیزدهم است و بخط وی دیده ام :

یک نسخه تاریخ بیهقی ، بقلم کتابت متوسط ، با رقم و تاریخ : « تم الکتاب ... فی یوم الخمیس التاسع من شهر محرم الحرام سنه احدى وتسعين و مائین بعد الف ... علی ید الاقل محمد صادق بن محمد کاظم الشیرازی » در کتابخانه ملی ، تهران ؛

یک نسخه زاد المسافر ، بقلم کتابت متوسط ، با رقم و تاریخ : « تم ... محمد صادق بن محمد کاظم الشیرازی فی دار الخلافه طهران ، بتاريخ روز جمعه هفدهم شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۹۶ هجری ، مطابق توشقان ٹیل ترکی » در همان کتابخانه .

(۱۱۰۹) محمد صادق گلپایگانی

از کاتبان گم نام قرن سیزدهم و بخط وی یک نسخه دیوان خاوری در کتابخانه سلطنتی است بقلم نستعلیق و شکسته نیم دودانگ خوش ، با رقم و تاریخ :

« کتبه العبد محمد صادق الكلبيکاني ، فی ۱۲۳۵ » و « حرره العبد الاقل محمد صادق الكلبيکاني ، المتخلص به مدهوش ، فی دار الخلافه صانها الله سن آلافة سنه ۱۲۳۷ » .

(۱۱۱۰) محمد صالح

از خوشنویسان گم نام قرن سیزدهم و بخطوی دو قطعه در کتابخانه سلطنتی است ، بارقم و تاریخ : « مشقه محمد صالح سنه . ۱۲۲ » .

(۱۱۱۱) محمد صالح اصفهانی

فرزند اسیر نور سعید صاحب اختیار دربار سلطان ابوسعید میرزا است که به بدخویی موصوف بود ، ولی فرزند برخلاف پدر بسیار ملایم و ستوده اخلاق بود . شعر می گفت و خوش مینوشت . هنگام تألیف مجالس النقایس (سال ۸۹۶) در سنین جوانی میزیست .

(۱۱۱۲) محمد صالح اصفهانی

فرزند میرزا ابوتراب خوشنویس شاگرد میرعماد است . میرزا سنگلاخ گوید که پس از قتل میرعماد ، شاه عباس او را به هندوستان فرستاد تا رشیدا ، خواهرزاده میرزارا بایران بازآورد . شاه جهان مقدم ویرا گرامی داشت ، ولی مانع از بازگشت رشیدا شد و او معزماً باصفهان بازگشت ، که البته این خبر صحت ندارد ، زیرا که باغلب احتمال محمد صالح تا به سال ۱۱۲۶ در قید حیات بوده است ، در حالی که میرعماد بسال ۱۰۲۴ یعنی یکصد و دو سال پیش از این تاریخ بقتل رسیده و شاه عباس بسال ۱۰۳۸ در گذشته است .

محمد صالح ظاهراً سفری باسیای صغیر کرده است ، که در قطعه شعری بخط خود چنین دارد :

« در حلب آئینه دل را زدست روزگار

سی زخم بر سنگ و سی پیچد صدا در اصفهان

ببلدة حلب الشهباء...»

محمد صالح اصفهانی را تذکره‌ای درباره خط و خطاطان است که نخستین بار هنرشناس فقید میرزا محمد حسین جعفری، معروف به ادیب اصفهانی، وجود آنرا بنگارنده اطلاع داد و فرمود که نسخه‌ای از آنرا در دست داشته و بکسی امانت داده و باز پس نگرفته است.

از این تذکره با همه جستجو که کردم نسخه‌ای درجائی نیافتم، تا در این ولا که تاریخ بشهر ربور ماه ۶ ۳۴ رسیده است، در ضمن چندین کتاب خطی که به کتابخانه مجلس سنا برای فروش عرضه شده است، نسخه‌ای از این تذکره یافتیم. این کتاب نسخه اصل نیست و بخط شکسته نستعلیق کتابت خفی خوش بسال ۱۲۸۱ هجری قمری است کتاب شده است و دور نیست که همین نسخه متعلق بشادروان ادیب اصفهانی بوده و تصاریف روزگار، امروزه با آن دسترسی داده تا از تمامی آن، نسخه برگیرم و در این کتاب، از مطالب سودمند آن استفاده کنم و خوانندگان کتاب من اطمینان داشته باشند که تقریباً از تمامی مطالب اصیل و اساسی آن در تراجمی که در کتاب احوال و آثار خوشنویسان (از بخش سوم نستعلیق نویسان بیعد) آمده است استفاده کرده‌ام و امیدوارم در تجدید چاپ تمامی کتاب در بخشهای دیگر نیز مورد استفاده قرار گیرد.

اما پیش از آنکه من از این نسخه استفاده کنم میرزا سنگلاخ آنرا زیر نظر داشته و اینک با تطبیق مطالب و طرز تنظیم آن بمن مسلم شده است که میرزای مزبور دو جلد کتاب مشروح عظیم خود بعنوان امتحان الفضلا را که تذکرة الخطاطین است بر اساس مطالب همین تذکره کوچک ولی بسیار مفید نهاده و همان مطالب را شرح و بسطی بسزا ولی لطایل داده و اخبار و مطالب مجعول بی اساسی فراوانی

بان افزوده و آنرا بالفاظی نامأنوس و عباراتی معقد انشاء کرده است (در این باب به ترجمه میرزا سنگلاخ مراجعه شود) .

ازفصول سودمند این تذکره ، ترجمه احوال مؤلف و مخصوصاً خوشنویسان معاصروشاگردان او و پدراو ابوتراب اصفهانی است . در اینجا ابتدا مطالبی که مربوط به سبب تألیف کتاب و بعد آنچه درباره زندگی خود محمد صالح است عیناً می آورم ؛ یعنی از اصل آن نقل می کنم :

«... بعد ، چون بعضی از مخادیم کرام ، بگمان اینکه فقیر حقیر خاکسار احقر کتاب محمد صالح ابن ابی تراب را اطلاعی بر چگونگی خط و بهم رسیدن خطوط خطاطان هر زمان سیب باشد ، خواهش فرمودند که تذکره ای در اوضاع خطوط و احوال خوشنویسان ، در سلاک تحریر در آورد ؛ بنا بر فرمان و امتثال او امر ملازمان ذی شان ایشان ، آنچه از این مراتب که مسموع این بی بضاعت شده بود ، در مقام تنمیق آن در آمده ، بعضی عرض میرساند که ، قلم بردونوع است ؛ یکی نباتی است ، و آن کام شیرین کن خوشنویسان و کاتبان کرامت آیات است ... دیگری قلم موسست ... »

« ذکر احوال خود کمترین - هر چند که در عالم خوشنویسها ، از همه شاگردان مرحوم والد خود و باقی خوشنویسان عهد ، در دنیا نسبت و حسن خطی که موجب امتیاز و افتخار باشد ، ندارد ؛ اما قریب به چهل سال است که سر رشته تعلیم خط نستعلیق ، در دست بنده و باین تقریب در خدمت اکابر و اصاغر ترك و تاجیک این ولایت و اهل هر دیاری که وارد این شهر شوند ، مشغول است و شعر ابوطالب حکیم^۱ که :

در جهان طالع خاکستر صیقل دارم

خود سیه رو و هزار آینه روشن کردم

و این رباعی از خود مناسب حال خود است :

۱- این کلمه را مرحوم بیانی طوری نوشته اند که حکیم خوانده میشود ولی ظاهراً کلیم و مراد کلیم کاشانی شاعر معروف است .

نیستم قدری که گویم رطل و سُد گردیده‌ام
 از گناه اما گران تر از اُحد گردیده‌ام
 چون خمیر ترش اگر خود نان نمی‌گردم ولی
 مایه نان هزاران بذر خود گردیده‌ام

ما صدق حال است. از فقیر فیضهای وافیه و شافی به خلق الله رسیده که هر کس تعلیم از بنده گرفت، نشد که صاحب خطی و لب نانی نشود؛ بلکه اکثر باعلی مدارج مراتب عالیة دنیا رسیده، صاحب مزیت‌های بلند و خدمات ارجمند گردیده‌اند. شاید باین تقریب، جمعی طلب مغفرتی بکنند، یا از راه قدرشناسی نام حقیر را گاه گاهی ببرند، یا در نوشته‌جات به تقریبات بخیر یاد فرمایند؛ از آن جمله چون مناسب مقام است، بذکر آن می‌پردازد که، بیست و سه سال قبل از این روزی ارسطوی عهد که قوت متخیله افلاطون طفل رضیع افکار بدیع و خیالات دقیق نیتش را مهد بود؛ اعنی غریق رحمت ربانی، بابل گلشن سخندانیه، نواب مستطاب فضایل مآب وحید الزمانی [محمد طاهر وحید] می‌فرمودند که اگر در خوشنویسی منشور خواهی، اول کسی که چیزی خواهد نوشت، سن خواهم بود. بعد از چند روز این فقرات را انشاء فرموده، قطعه‌ای برای بنده نوشته‌اند و عبارات آن قطعه این است:

«نهال قابلیت شخصی که از قطعه زمین ترابها اصقل من الماء وماؤها اللطيف
 من الهوا، ببار آمده باشد، صالح است که بگل‌های بدایع اعجاز منور و بروایح امتیاز
 معطر باشد، صدق فهم صادق، و صحت قول، بانفس الامر مطابق، دو گواه عدلند
 که شمیم نرگسی که از قلم سحر رقم این زبده الاقران به شام ادراک رسیده، از ریحان
 خط یا قوت لبان شنیده و بنفشه‌ای که از جدول این خامه اعجاز شامه، بالا کشیده
 غبار خط بنا گوش سیمین عذاران بگرد آن نرسیده، زمان حصول ترقیات نزدیک و
 چشم بد دور باد.»

اما در این ایام که بازار کمالات کساد و خرمن هستی هنرمندان و ارباب
 استعداد نزدیک است به باد رود، چند بیتی بطرح مثنوی، با یک دوربای که
 مبتنی بر این مطلب است، خود موزون کرده، درین مقام ایراد می‌نماید و مسموع

هوش و گوش هنرپروران هر عهد سی سازد که هر چند روزگار برایشان تنگ گیرد ،
باز از عهد خود راضی باشند :

چه شد حق سعی و کجاشد سپاس
چرا خلق گشتند حق ناشناس
.....

رباعی

آنها که درین دیر فنا یار همند
ارباب کمال را هنرمعشوق است
قلم اینجا رسید و سر بشکست .
پیوسته پی شکست بازار همند
گر نیست چنین بهر چه اغیار همند

احوال جماعتی که کمترین را در ذمه ایشان حق تعلیمی هست و در طی طریق
تحصیل خط ، راهنمای ایشان بوده ام ، چند طبقه اند :

طبقه اول - چندین نفر بودند که همه خوش نویسان حسابی بودند و اکنون
نیستند . شمع قلم از صرصر مفارقت ایشان خاموش و صفحه مشق در ماتمشان سید -
پوش است ؛

طبقه دوم - جمعی اند که سابق بر این ساعی در مشق بودند و خوشنویس
بودند و الحال تار کند ؛

طبقه سیم - جمعی اند که بالفعل خوشنویس و بر سر مشقند ؛ بعضی بکتابت
مشغول و برخی قطعه ها می نگارند و فوجی بمشق تنها اکتفا نموده اند و دماغ
خرده کاریهای این فن را ندارند و جوقی دیگر هستند که خود را از ننگ بد نویسی
رهانیده ، صفای قلمی کسب کرده اند پاره ای بهمین اکتفا کرده متوجه شغل‌های
دیگرند و طایفه ای باز سعی میکنند و مشتاقند اما طبقه اول . . .»

تاریخ وفات محمد صالح را سپهر ، سال ۱۱۳۰ ضبط کرده ولی در پشت یک
نسخه تحفه حکیم مؤمن ، متعلق باقای دکتر مهدوی نوشته است : «تاریخ وفات
مرحوم مغفور میرزا محمد صالح خوشنویس ، یوم الاربعاء هیجدهم شهر ربیع الاول

سنه ۱۱۲۶ . میرزا سنگلاخ قبر او را در مسجد لنبان اصفهان در جوار آرامگاه پدرش معین کرده است .

از آثار وی بسیاری از کتیبه های ابنیه دوره آخر صفوی اصفهان است ،
باین قرار :

کتیبه بالای ایوان چهل ستون ، که اخیراً از زیر گچ بیرون آورده اند ، بقلم
دودانگ کتیبه خوش ، که چنین تمام می شود :

« بجست از نو بطاق آسمان بنوشت تاریخش

(مبارک باد تالار بلند ایوان جم جاهی)

کتبه محمد صالح « که تاریخ آن می شود سال ۱۱۱۸ ؛

کتیبه دولنگه در ورودی مدرسه مادر شاه چهارباغ ، بقلم دودانگ کتیبه
عالی ، که چنین تمام می شود :

« نگاشت کلک بدیع از برای تاریخش

(گشود حق بصفاهان در مدینه علم)

کاتب الحروف محمد صالح غفر ذنبه « که تاریخ آن می شود سال ۱۱۱۲ .

کتیبه خاتم غرفه های راهروی مدرسه چهارباغ ، بقلم دودانگ کتیبه خوش
که چنین تمام می شود :

« رسید چون که با تمام این مقام منبع

بفکر مصرع تاریخ هر کسی افتاد

قلم گرفت و نوشت از هری بتاریخش

(بنام مدرسه شه شد از کمال آباد)

کتبه محمد صالح « که تاریخ آن می شود سال ۱۱۱۹ . و «... (مدرس کلب علی
شاه دین سلطان حسین) ، کتبه محمد صالح « که آن نیز میشود سال ۱۱۱۹ .

کتیبه گلوی ایوان شمالی مدرسه چهارباغ ، بقلم چهاردانگ کتیبه خوش
بارقم و تاریخ : « کتبه محمد صالح ۱۱۱۹ »

چهار قطعه مختلف ، بقلمهای دودانگ و نیم دودانگ و کتابت خوش و عالی ، با رقمها و تاریخهای : « الفقیر المذنب محمد صالح غفرالله ذنوبه و ستر عیوبه . سنه ۱۰۹۷ » و « ابن ابوتراب ، محمد صالح الاصفهانی غفر ذنبه ۱۰۹۲ » و « جهت خواهش حضرت میرزا محمد حفظه الله الحقیر المذنب ، محمد صالح غفرله و ستر عیوبه سنه ۱۱۱۶ » و « الفقیر المذنب الراجی محمد صالح غفرالله ذنوبه » در کتابخانه سلطنتی ، تهران ؛

دو قطعه ، بقلم دودانگ و نیم دودانگ خوش ، با رقمها و تاریخ : « مشقه الفقیر المذنب المستغفر الراجی محمد صالح غفرالله ذنبه » و « مشقه العبد الحقیر الفقیر محمد صالح ۱۱۱۰ » در کتابخانه ملی ، تهران ؛

دو قطعه ، بقلم سه دانگ جلی خوش ، با رقم و تاریخ : « مشقه محمد صالح غفرله ، سنه ۱۱۲۳ » در کتابخانه مدرسه سپهسالار ، تهران ؛

یک قطعه ، بقلم دودانگ عالی ، با رقم و تاریخ : « افقر العباد محمد صالح ۱۱۰۹ » در کتابخانه ملک ، تهران ؛

دو قطعه ، بقلم دودانگ و کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : « کتبه المذنب محمد صالح الکاتب غفر ذنوبه و ستر عیوبه » و « فقیر المذنب محمد صالح غفر ذنوبه و ستر عیوبه » در کتابخانه آستان قدس رضوی ، مشهد ؛

دو قطعه ، بقلم دودانگ و کتابت عالی ، با رقم و تاریخ : « کتبه الفقیر محمد صالح غفرله ، ببلده حلب الشهباء فی سنه ۱۱۰۷ » و « مشقه اضعف العباد محمد صالح غفر ذنوبه و ستر عیوبه ۱۱۱۵ » در مجموعه مرحوم پناهی ، تهران ؛

سه قطعه ، بقلم دودانگ و کتابت خوش و عالی ، با رقمها و تاریخ : « مشقه العبد الضعیف المذنب محمد صالح غفرالله له و لوالدیه » و « الفقیر محمد صالح غفرالله ذنوبه » و « سوّده اضعف العباد محمد صالح غفر ذنبه فی سنه ۱۱۱۷ » در مجموعه نگارنده ؛

دو قطعه از سرقعی ، بقلم دودانگ و کتابت عالی ، بارقمها و تاریخ : «العبد محمد صالح غفر له» و «العبد المذنب ، ابن ابوتراب محمد صالح ع . ۹ . ۱» در کتابخانه دانشگاه ، استانبول .

(۱۱۱۳) محمد صالح بخارائی

از شاگردان محمود شهابی سیاوشانی و از خوشنویسان زمان دولت اسکندر خان و عبدالله خان ثانی ، اسرای بن شیبان (۹۶۳-۹۹۱) بود و هنگام تألیف مناقب هنروران (سال ۹۹۵) در گذشته بود .

(۱۱۱۴) محمد صالح خاتونابادی

میرزا سنگلاخ باولقب «خاقان الخطاطین» داده است .

محمد صالح شاگرد میرعماد است و میر خط او را به رشیدا خواهرزاده خود ترجیح مینهاد و باو توجه مخصوص داشته است؛ در سه قطعه که یکی در کتابخانه سلی پاریس و دوتا در مجموعه نگارنده است ، میرعماد نوشته است : «جهت فرزندی محمد صالح خاتونابادی نوشته شد» .

محمد صالح اصفهانی در تذکره خود او را از شاگردان میرعماد دانسته و کتابت او را ستوده است .

میرزا سنگلاخ گوید که نزد شاه عباس معزز بود و پانصد تومان مستمری داشت و وفاتش را در هشتاد سالگی در اصفهان دانسته و قبر او را در گورستان تخت پولاد نشان داده است .

سپهر تاریخ وفاتش را سال ۱۰۲۴ ضبط کرده ، که درست نیست و مدتها پس از این تاریخ ، یعنی لااقل تا سال ۱۰۷۱ هنوز میزیسته است .
از خطوط وی دیده ام :

یک نسخه دیوان حافظ ، بقلم کتابت خفی عالی ، با رقم و تاریخ : « تمت
 الكتاب بعون الملك الوهاب ، فی تاریخ شهر جمیدی الاول سنه ۱۰۳۱ . کتبه العبد
 محمد صالح بن میرزا علی خاتون آبادی » در کتابخانه ملی ، تهران ؛
 یک نسخه دیوان عرفی ، بقلم کتابت خوش ، با رقم : « تمت الكتاب بعون
 الملك الوهاب ، حرره محمد صالح خاتون آبادی » در همان کتابخانه ؛
 یک نسخه نگارستان غفاری ، بقلم کتابت خوش ، که چنین تمام می شود :
 « تم الكتاب الموسوم بنگارستان فی سلخ شهر شوال ۱۰۲۶ ، کتبه العبد المذنب
 ابن میرزا علی کاتب ، محمد صالح غفر الله ذنوبهما وستر عیوبهما ، در قریه خاتون آباد
 جی فی بلوکات اصفهان عراق عجم ، سمت تحریر یافت » در کتابخانه سلطنتی ،
 تهران ؛

یک نسخه دیوان صائب (که در حواشی اشعاری بخط خود صائب دارد)
 بقلم کتابت متوسط ، با رقم و تاریخ : « تمام شد کتاب بعون الملك الوهاب ، حرره
 صالح خاتون آبادی غفر الله ذنوبه وستر عیوبه ، فی تاریخ شهر ربیع الاول سنه ۱۰۷۱ »
 در همان کتابخانه ؛

یک نسخه رساله در امامت (که قاضی کرهرودی بنام شاه عباس تألیف
 کرده است) ، بقلم کتابت خفی خوش ، که چنین تمام می شود : « . . . قد وقع الفراغ
 من تسوید هذه الرسالة الشریفة ، فی غرة شهر ربیع الاول سنه ثلث و ستین و الف ،
 کتبه العبد الفقیر المذنب محمد صالح خاتون آبادی غفر له » در کتابخانه حاج سید
 نصر الله تقوی ، تهران ؛

قطعات متعدد دیگر بقلمهای مختلف خوش ، در مجموعه های آقای کریم زاده
 و نگارنده و غیره .

۱۱۱۵) محمد صالح دردمند

از خوشنویسان گمنام قرن دهم و در مرقدی از کتابخانه خزینه اوقاف استانبول

قطعه بی است بخطوی ، بقلم دودانگ و کتابت خوش ، بارقم و تاریخ : «فقیر مستمند محمد صالح در دمنده سنه ۹۷۴» و شمس الدین محمد وصفی که خود خوشنویس و جامع این مرقع است ، او را بنام و نسبت «محمد صالح در دمنده» ، جزو خوشنویسان شیراز و کرمان آورده است .

یک نسخه منتخب بوستان و رباعیات جامی در سوزه کابل است ، بقلم کتابت متوسط بارقم و تاریخ : «کتبه العبد المذنب محمد صالح غفر ذنوبه و ستر عیوبه ، در نه صد و نود و شش ۹۹۶ سمت تحریر یافت» و دور نیست که این نسخه هم بخط همان محمد صالح در دمنده باشد و از لفظ در دمنده بنظر میرسد که شاعر نیز بوده و باین نام تخلص میکرده است .

دو قطعه از مرقعی در سوزه آثار اسلامی و ترک و یک قطعه از مرقعی در کتابخانه روان کوشکوی استانبول است بقلم دودانگ خوش بز و مرکب الوان با رقم و تاریخ : «فقیر المذنب محمد صالح غفر ذنوبه و ستر عیوبه سنه ۹۸۷» و «... کتبه الفقیر محمد صالح ، فی شهر سنه ۹۸۸» و «فقیر محمد صالح» که ممکن است همگی آنها بخط همین محمد صالح در دمنده باشد .

(۱۱۱۶) محمد صالح قره باغی

فرزند اسحاق از نستعلیق نویسان عثمانی است . فرزند او عالی مثلی نیز خوشنویس بوده است که ذکر آن گذشت .

این محمد صالح در خط شاگرد محمود افندی طوپخانه بی و سیاهی احمد افندی و از هر دو اجازه داشته است .
بسال ۱۰۸۴ در گذشته است .

۱۱۱۷) محمد صالح کاتب الخاقانی

از کاتبان خوشنویس قرن دهم و جامع مرقعی برای ولی محمد خان ناسی از امر است .

این مرقع نفیس که اکنون در کتابخانه خزینه اوقاف استانبول است، مشتمل بر قطعات شیوایی از خطوط استادان خط نستعلیق مانند: سلطان علی مشهدی و میر علی هروی و محمود بن اسحاق شهابی و محمد حسین تبریزی و میر معز کاشانی و سید احمد مشهدی و غیره و چندین مجلس تصویر مینیاتور عالی است. تاریخ تنظیم این مرقع چنانکه آنرا در قطعه شعری آورده، ظاهراً «خوب رقم» است که میشود سال ۹۴۸، باین قرار:

این طرفه مرقع که بخوبی است علم

هر صفحه اوست رشک گلزار ارم

از غایت خوبی ز پی تاریخش

زد کلمک قضا مرقع (خوب رقم)

نام امیری که مرقع را بنام او کرده است، با عناوینی است که برای سلاطین می آورند، باین قرار: «درین ولا خاطر اشرف همایون عالی حضرت... اعظم سلاطین روزگار... الخاقان بن الخاقان ابوالغازی ولی محمد بهادر خان...» و نام چنین پادشاهی را در چنین تاریخی نیافتیم و فقط نزدیک باین تاریخ ولی محمد خان بن جان محمد خان از خانهای بخارا بوده، که از سال ۱۰۱۴ تا ۱۰۱۷، در آن نواحی امارت داشته است، که زمان او باین تاریخ موافقت ندارد، مگر اینکه ساده تاریخ تنظیم مرقع، حروف دیگری جز «خوب رقم» باشد.

مقدمه این مرقع بقلم دو دانگ خوش و کاتب آن چنین رقم کرده است: «کتبه الفقیر الحقیر المذنب الراجی الی رحمة الله الملك الباری محمد صالح الکاتب الخاقانی غفر ذنوبه وستر عیوبه».

(۱۱۱۸) محمد صالح کشفی - میر

در شاه جهان نامہ و مرآة العالم آمده است کہ فرزند میر عبد اللہ مشکین قلم نسخ نویس از اولاد شاه نعمت اللہ و برادر میر محمد مؤمن خوشنویس است کہ پدرانش از ایران بہندوستان رفتہ اند و خود او در دہلی متولد شدہ است .

میر محمد صالح در ابتدای حال بققر و قناعت و درزی درویشان می زیست و در اواخر عمر شاه جهان پادشاہ اورا نزد خود خواندہ بیایۃ امارت رسانیدہ است .

محمد صالح مردی دانشمند بود و در نظم و نثر فارسی و ہندی دست داشت در شعر فارسی « کشفی » و در شعر ہندی « سبحانی » تخلص میکرد و نستعلیق را خوش می نوشت . از تألیفات او « راز و اعجاز مصطفوی » و « مناقب مرتضوی » متداول است .

وفاتش بسال ۱۰۶۱ یا بقول صاحب مجمع الفصحاء سال ۱۰۶۳ در اجمیر اتفاق افتادہ است .

ع

بخط وی دیدہ ام :

یک قطعہ ، بقلم سہ دانگ و نیم دودانگ و کتابت خوش ، یک رباعی از اشعار خود او ، بارقم و تاریخ : « مشقہ محمد صالح کشفی غفر ذنوبہ ، فی شہور سنہ ہزار و چہل و ہشت » در کتابخانہ ملی ، تہران ؛

سہ قطعہ از مرقعہ ، بقلمہای سہ دانگ و دودانگ و کتابت خوش ، بارقمہای : « احقر العباد کشفی » و « سوۃ کشفی » و « سوۃ محمد صالح الحسینی » در کتابخانہ بادلیان ، انگلستان .

(۱۱۱۹) محمد صالح مشہدی

از کاتبان گمنام قرن یازدہم و بخط وی ، یک نسخہ مجالس المؤمنین در کتابخانہ سلطنتی است ، بقلم کتابت متوسط ، بارقم و تاریخ : « قدم ہذا الکتاب .. »

محمد صالح بن کمال الدین حسین المشهدی ، فی یوم الاربعاء دویم شهر ذی الحجة
الحرام سنه ۱۰۷۲ .

(۱۱۲۰) محمد صالح منشی

فرزند میرزا کاظم ، محمد صالح اصفهانی متوفی سال ۱۱۲۶ وی را جزو
شاگردان خود آورده که تارک شده اند و گوید که ، نویسنده ضابطه دست و خوش
می نویسد .

(۱۱۲۱) محمد صالح ندائی

در تاریخ افغانستان ، نقل از مجمع الفضلاء آمده است که شاگرد مشفق
بود و در علوم متداول دست داشت و مذهب بود و شعر میگفت و نستعلیق را خوش
می نوشت و در پنجاه و سه سالگی ، بسال ۱۰۱۱ روانه هندوستان شد و پس از مدتی
از آنجا روانه مکه گردید و در آخر عمر در سلک صوفیه درآمد .

(۱۱۲۲) محمد صالح هروی

از خوشنویسان گمنام قرن یازدهم است و بخط وی قطعه یی دارم بقلم سه
دانگ و نیم دو دانگ خوش ، بارقم و تاریخ : «مشقه محمد صالح الهروی غفر ذنوبه
۱۰۸۷» .

(۱۱۲۳) محمد بن صالح یازجی زاده

از نستعلیق نویسندگان عثمانی بود و از علوم معقول و منقول بهره داشت و شعر
میگفت و نسخه «مغارب الزمان» ترجمه بنظم کرده است که نه هزار بیت است . شرحی
مختصر به نثر بر فصوص کرده و بخط خود نوشته است .

میرزا حبیب سال وفات اورا دو سال قبل از فتح استانبول یعنی سال ۸۷۳ هجری دانسته است .

(۱۱۲۴) محمد صدرالدین

از کاتبان خوشنویس اوایل قرن حاضر است و بخطوی دونسخه از مصطلحات الصوفیة عبدالرزاق کاشانی دیده ام ، باین قرار :

یک نسخه بقلم کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : « کتبه المذنب . . . صدرالدین محمد بن شمس الدین محمد بن محمد جعفر الالهی النظامی اللواسانی . . . بجهت تقدیم ولیعهد گردون مهد دولت علیه ایران [مظفرالدین میرزا قاجار] . . . تحریر گردید سنه ۱۳۱۲ » در کتابخانه سلطنتی ، تهران ؛

یک نسخه بهمان قلم ، با تاریخ و رقم : « کتبه العبد . . . محمد صدرالدین غفرالله ذنوبه و سترعیوبه فی شهر شوال المکرم من شهر سنه ۱۳۱۱ » از متروکات مرحوم تقی دانش .

(۱۱۲۵) محمد صدرالدین - میرزا

محمد صالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲۶) اورا از شاگردان خود دانسته گوید ، ولد میرزا رحیم وزیر سابق سازندگان فرزند میرزا صادق مستوفی الممالک است بسیار خوش می نوشت و نهایت قدرت قلم را داشت ، اکنون در گذشته است .

(۱۱۲۶) محمد صدرالدین - سید

از نستعلیق نویسان عثمانی است . میرزا حبیب گوید که شاگرد سیاهی احمد افندی و از او مجاز بود . در نظم و نثر فارسی و ترکی و عربی دست داشت .

(۱۱۲۷) محمد صدرالدین قزوینی - میر

از سادات سیفی قزوین و فرزند میر شرف قاضی جهان است. در رنگ آمیزی و وصالی مهارت داشت و از علم موسیقی و ادوار بهره داشت و تصنیفات و نقشهای نیکو بسته است.

در عالم آرای عباسی آمده است که شاگرد مولانا مالک دیلمی است که از خوشنویسان مسلم قزوین بود و تعلیم خط از او داشت و محرف نویس بود. در ایام جوانی بسیار با مزه می نوشت، اما در آخر عمر بجهت ضعف با صره ترك مشق کرد. خط وی بروش سلطان علی مشهدی، تتبع او بهتر از دیگران کرده بود.

در گلستان هنر است که شاه عباس از او تالیف تذکرة الشعرائی را بسببک تذکرة دولت شاه سمرقندی، خواست. قریب ده سال مبالغه گزافی از شاه وجه دریافت داشت، ولی کار خود را نتوانست تمام کند. چون از کار عاجز ماند، تذکرة الشعرائی مرا خواست که با سر اجمعه آن کار خود را تمام کند. چون کتاب من تمام نشده بود، عذر خواستم. چون مایوس شد نزد شاه بمن تهمت زد که چهل و پنج سال پیش که پدر قاضی احمد، در مشهد تذکری از کتابخانه آستانه رضوی بامانت گرفته و اکنون نزد قاضی احمد است، آنرا بستانند و بمن دهند، تا من تذکرة خود را تمام کنم. باین وسوسه خاطر شاه را از من برنجانید و مرا معزول کرد. من در قم مباحله کردم و پس از یک ماه در ربیع الاول سنه ۷۰۰ . . . که از اصفهان بکاشان آمد و از آنجا متوجه خراسان شد، در حوالی بسطام در گذشت.

(۱۱۲۸) محمد صلاح - میر

از کاتبان خوشنویس گمنام نیمه دوم قرن دهم و نیمه اول قرن یازدهم و بخط وی موجود است:

یک قطعه از مرقعی، بقلم دودانگ و کتابت جلی و خفی خوش، با تاریخ

و رقم : « فی سنة ست و سبعین و تسعمائة ، المذنب محمد صلاح الکاتب غفر الله ذنوبه و ستر الله عیوبه ، فی سنة ۹۷۶ » در کتابخانه مدرسه سپهسالار ، تهران :
یک نسخه مخزن الاسرار نظامی ، بقلم کتابت خفی خوش ، بارقم و تاریخ :
« تمت الکتاب بعون المملک الوهاب علی ید الضعیف النحیف ، محمد صلاح الحسینی
تحریراً فی التاریخ غرة شهر ذی قعدة سنة ۱۰۲۲ » در مجموعه نگارنده .

(۱۱۲۹) محمد ضیاء الدین

معروف به « بیگ بازاری » از نستعلیق نویسان عثمانی و از مردم استانبول بود
و شاگرد حاجی محمد زکی دده بود و نزد میرزا سنگلاخ نیز تعلیم گرفته است .

(۱۱۳۰) محمد طاهر

از کتیبه نگاران قرن سیزدهم و بیخط وی موجود است :
کتیبه سردر مسجد شاه قزوین ، بقلم دودانگ کتیبه خوش ، بارقم و تاریخ :
« کتبه العبد الجانی محمد طاهر سنة ۱۲۲۲ » .
دو قطعه ، بقلم شش دانگ خوش ، بارقم : « کتبه الخاسر محمد طاهر » در
کتابخانه ملی ، پاریس .

محمد طاهر = طاهر همدانی

(۱۱۳۱) محمد طاهر زنجانی - سید

از کاتبان گمنام قرن یازدهم و بیخط وی موجود است :
یک نسخه گلستان سعدی ، بقلم نیم دودانگ متوسط ، بارقم و تاریخ : « تمت
علی ید . . . خلیفه محمد طاهر بن قوام الدین محمد بن عبدالله الحسینی الزنجانی . .
سنة ۱۰۸۱ » در کتابخانه سلطنتی ، تهران ؛

یک قطعه از مرقدی، بقلم دودانگ جلی خوش، بارقم: «محمد طاهر الحسینی»
در کتابخانه روان کوشکو، استانبول؛

۱۱۳۲) محمد طاهر مجلد

از خوشنویسان و قطاعان و سجدان قرن دهم و بیخ وی یک قطعه از مرقد سلطان مراد در کتابخانه ملی وین است که بقلم دودانگ متوسط بریده است و رقم و تاریخ دارد: «قطعه العبد محمد طاهر مجلد الخاقانی، فی سنه ۹۶۱».

۱۱۳۳) محمد طاهر - میرزا

فقط سیرزاسنگلاخ نام وی را آورده گوید که شاگرد مالک دیلمی و بسجاوت و شجاعت و لطف طبع مشهور بود. با علما و حکما محاورات داشت و شعر می گفت: شاه طهماسب صفوی، وقتی وی را به سفارت نزد شاه سلیم عثمانی فرستاد و نامه بی مفصل مصحوب وی بود. پس از سه سال توقف در استانبول که در این مدت به قطعه نویسی در دربار سلطان سلیم اشتغال داشت، پاسخ نامه سلطان را همراه به ایران آورد و از پادشاه ایران لقب اعتماد الدوله گرفت. به سرعت کتابت معروف بود و انواع خطوط را خوش می نوشت. بسی پرکار بود و روزی یکبار بیش، طعام نمی خورد بسال ۹۷۵ در گذشت.

۱۱۳۴) محمد طاهر منیف افندی - سید

میرزا حبیب گوید که فرزند عبدالنافع وزیر مختار دولت عثمانی در ایران بود و از علوم ادبی و زبان عربی بهره داشت و خط نستعلیق را خوش مینوشت. در مصر و استانبول با میرزا سنگلاخ آشنا شده و از وی تعلیم خط گرفته و بسال ۱۲۷۰ در گذشته است.

(۱۱۳۵) محمد طاهر وحید

فقط محمد صالح اصفهانی (متوفی ۱۱۳۶) وی را جزو خوشنویسان نستعلیق آورده، گوید که از خوشنویسان بعد از میر عماد و معاصر والدین (ابو تراب اصفهانی) نواب مغفور سبرور میرزا محمد طاهر وحید اعتماد الدوله است که نزد اکثر شاگردان میر عماد مشق کرده بود و انامل اعجاز آمیز شمایلش در شیرین کاری این فن شکرین قلم و خامه عنبرین شمامه اش بر رخسار صفحه زرین رقم بود «در حالی که ویرا جزو شکسته نویسان یاد کرده و آثاری از وی در این خط موجود است. بهر حال محمد طاهر وحید ازه نشیان زبردست و سورشان شهیر و شاعران دوره صفویه بوده است.

(۱۱۳۶) محمد عارف

از خوشنویسان زبر دست گمنام قرن دهم و یازدهم و بخط وی قطعه بی در یک سرقع کتابخانه آستان رضوی در مشهد است، بقلم سه دانگ و کتابت عالی، با رقم: «العبد المذنب الفقیر الحقیر محمد عارف غفر الله ذنوبه و ستر عیوبه».

(۱۱۳۷) محمد عاقل ترمذی

ظاهراً جز محمد اسمعیل عاقل سابق الذکر و از خوشنویسان گمنام قرن دوازدهم است. بخط وی دیده ام: دو قطعه از سرقعی، بقلم نیم دو دانگ خوش، با رقم و تاریخ: «کتبه العبد محمد عاقل سنه ۱۱۶۴» در کتابخانه ملی، تهران؛ یک قطعه، بقلم دو دانگ و کتابت خوش، با رقم و تاریخ: «کتبه فقیر المذنب محمد عاقل غفر ذنوبه ۱۱۱۱» در موزه باستانشناسی، دهلی؛ یک قطعه، بقلم سه دانگ و نیم دو دانگ خوش، با رقم: «کتبه الفقیر محمد عاقل ترمذی غفر ذنوبه» در کتابخانه آستان رضوی، مشهد.

(۱۱۳۸) محمد عالم

از خوشنویسان گمنام قرن دوازدهم هندوستان و بخط وی قطعه پی دریک مرقع کتابخانه بادلیان است ، بقلم سه دانگ و نیم دودانگ متوسط ، بارقم : «سؤلفه و محرره فدوی جناب عالی محمد عالم» .

(۱۱۳۹) محمد عاملی بهاءالدین

از خوشنویسان گمنام قرن دوازدهم است که اقلام مختلف را خوش روی نوشته است و از آثار وی دارم :

دو قطعه بقلمهای ثلث دودانگ - نسخ کتابت - رقاع کتابت - شکسته نستعلیق کتابت جلی - تویع کتابت - نستعلیق کتابت خوش ، بارقم و تاریخ : «ذره بی مقدار تحریر نمود . بهاءالدین محمد عاملی ، فی سنه ۱۱۲۸» .

(۱۱۴۰) محمد عباس

از خوشنویسان گم نام قرن دوازدهم و سیزدهم هندوستان و بخط وی یک قطعه درموزه باستانشناسی دهلی است بقلم دودانگ متوسط ، بارقم : «محمد عباس تحریر نمود» .

(۱۱۴۲) محمد بن عبدالله

معروف به «ابولیت ستاران» از خوشنویسان گمنام قرن نهم و بخط وی نسخه پی از «فعلت فلاتلم فی الهیئة» در کتابخانه مجلس شورای ملی است ، بقلم کتابت خوش ، که چنین تمام می شود : «خدم بکتابته اضعف عبادالله المهین المنان محمد بن عبدالله ، المدعو ، بابی الیث الستاران ، حامد الله الدیان . وقد اتفق الفراغ من تنمیقه ، فی اواسط شهر الله الاصب الاصب رجب المرجب من سنة ست و عشرين

و ثمانمائه هجریه ، و نقل من نسخه سواد مؤلفه طیب الله . . . « این نسخه نفیس که مورد مطالعه الغ بیک گورکانی بوده و بخط وی عباراتی در پشت صفحه اول است ، یکی از بهترین نمونه های آغاز تکامل خط نستعلیق و تغییر شکل آن از قلم تعلیق به نستعلیق است و با اینکه خط آنرا باید نستعلیق دانست ، هنوز اثری از تعلیق در آنست و در عین حال که نستعلیق پخته پی نیست ، در نهایت استواری است .

(۱۱۴۳) محمد بن عبدالله

مشهور به «شهید شیرازی» از کاتبان قرن سیزدهم است و بخط وی یک نسخه روضة الصفا ، بقلم کتابت خفی و دودانگ متوسط نوشته شده و در بمبئی سال ۱۲۷۱ بچاپ رسیده است .

(۱۱۴۴) محمد عبدالله شریف - سید

از خوشنویسان زبردست گمنام قرن نهم و دهم و بخط وی یک قطعه درموزه کابل است ، بقلم دودانگ عالی ، بارقم : «اقل عباد الله الغنی محمد عبدالله الشریف الحسینی غفر الله ذنوبه و ستر عیوبه» .

(۱۱۴۱) محمد عزیز

از خوشنویسان است که محمد صالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲۶) او را جزو درگذشتگان قلمداد کرده گوید : سیرزا محمد عزیز خلف سیرزا محمد رحیم وزیر توپخانه قطع نظر از فضیلت و صفای طینت ، در هر فنی از فنون خط نستعلیق نهایت قدرت و تسلط داشت و پاکیزه و بمرزه سی نوشت و خوش نویسن بود .

(۱۱۴۵) محمد عسکر ناجی

از خوشنویسان گمنام قرن دهم و بیخط وی قطعه پی در یک مرقع آقای مجید موقر است ، بقلم سه دانگ خوش ، با رقم : «راقمه محمد عسکر ناجی» .

(۱۱۴۶) محمد عطا حسین خان - میر

فرزند محمد باقر طغری نویسنده کوراست . شعرسیگفت و «تحسین» تخلص می کرد ، علاوه بر نستعلیق ، نسخ و شکسته را خوش می نوشت و «مرصع رقم» رقم می کرد .

غلام محمد گوید که قصه چهار درویش را با مرشجاع الدوله بهادر ، صوبه دار اوده (که از سال ۱۱۶۷ تا ۱۱۸۸ در آن نواحی حکومت داشت) بزبان اردو تألیف کرد .

(۱۱۴۷) محمد عطری

از خوشنویسان گمنام قرن دهم و یازدهم و بیخط وی قطعه پی از یک مرقع در خزینه اوقاف استانبول است ، بقلم دو دانگ و نیم دو دانگ خوش ، با رقم : «کتبه الفقیر الحقیر المذنب محمد الشهیر بعطری الکاتب ، غفر ذنوبه و ستر عیوبه» .

(۱۱۴۸) محمد علاء الدین

از مردم رزه باخرز است و شاگرد بی واسطه سلطان علی مشهدی است . صاحب مناقب هنروران گوید که هیچ یک از شاگردان سلطان علی شهابت خطوی را با استاد نداشته است ، خاصه در کتابت .

علاء الدین در کتابخانه میر علی شیر نوایی پیوسته بمشغول داشت و ترقیات وی را در خط بواسطه ممارست مشق او در این کتابخانه دانسته اند .

بعض تذکرہ نویسندگان ذکری از نسخہٴ خمسہٴ امیر خسرو دہلوی کہ او است کتاب کردہ ، نمودہ و خط او را ستودہ اند ، صاحب ریحان نستعلیق گوید کہ محمد معصوم خان حاکم جونپور ، آنرا بہزار سکہ زر خریداری کرد .

از تماسی این نسخہٴ خمسہ ، فعلاً چند صفحہ ، در کتابخانہٴ ملی پاریس است کہ بقلم کتابت خفی خوش نوشتہ شدہ و چنین رقم دارد : «تمت علی ید اضعف عباد اللہ القوی علاء الدین محمد الہروی فی شہور سنہ تسع و تسعمائۃ ، فی قبۃ الاسلام بلخ» .

(۱۱۴۹) محمد علی

از خوشنویسان دربار شاہ عالم ثانی (۱۱۷۳-۱۲۲۱) و معلم پسر او کام بخش است . در خط نستعلیق پیرو شیوہ رشید بود . از آثار او دو قطعہ در موزہ باستانشناسی دہلی است ، بقلم دودانگ و نیم دودانگ و کتابت خوش ، بارقم و تاریخ : «کتبہ العبد المذنب محمد علی غفر اللہ ذنوبہ و ستر عیوبہ» و «محمد علی ۱۱۹۶» (بہ حافظ محمد علی آتی الذکر نیز مراجعہ شود) .

(۱۱۵۰) محمد علی - حافظ

فرزند ہدایت اللہ زرین قلم خوشنویس و درممانت و قوت خط از پدر خود برتر بود . اگر این حافظ محمد علی واقعاً فرزند زرین قلم باشد ، باید عمری دراز کردہ باشد ، زیرا کہ زرین قلم بسال ۱۱۱۸ در گذشتہ است و از آثار محمد علی تا سال ۱۲۰۲ موجود است .

غلام محمد ہفت قلمی ، از یکک محمد علی خوشنویس فرزند زرین قلم و یکک حافظ محمد علی نام بردہ است و در ترجمہٴ حافظ محمد علی گوید کہ نستعلیق را بروش رشیداً خوش می نوشت و از خط نسخ نیز بہرہ داشت و استاد میرزا جوان بخت (فرزند

جلال الدین شاہ عالم ثانی متوفی سال ۱۲۰۳) بود. قطعہ پی بارقم : «حافظ محمد علی بن زرین قلم» با تاریخ سال ۱۲۰۲ در سوزہ باستان شناسی دہلی است کہ مؤلف فہرست قطعات خوش خط آن سوزہ، کاتب آن را فرزند زرین قلم معرفی کردہ است و نام محمد علی مطلق را کہ ذکر آن رفت، جداگانہ ذکر کردہ است کہ معلم پسر شاہ عالم ثانی یعنی کام بخش بودہ و ظاہراً در اینجا خلطی در سطلب شدہ و محمد علی و حافظ محمد علی و محمد علی بن زرین قلم را کہ در سہ جا نام بردہ اند، باید ہر سہ یک خوشنویس باشد، زیرا کہ چنانکہ گذشت در رقم قطعہ موجود در سوزہ باستان- شناسی دہلی کہ بقلم نیم دو دانگ و کتابت خوش نوشتہ شدہ است ہر سہ عنوان یکجا موجود است.

(۱۱۵۱) محمد علی - میر

وی را شوی گوہر شاد دختر میر عماد دانستہ اند و میرزا سنگلاخ بوی لقب خدیو الخطاطین نیز دادہ است. میرزا حبیب و سپہر گویند کہ شعر نیز می گفت و سعمائی بود.

میرزا سنگلاخ گوید کہ در جوانی مدتی بیمار شد و از نوشتن خط معرض بود؛ ولی پس از بہبود، دوبارہ بمشق خط پرداخت و با اینکہ تعلیم از میر عماد گرفتہ بود بشیوہ سلطان علی و میر علی ہروی می نوشت.

تاریخ وفات او را میرزا سنگلاخ سال ۱۰۷۷ و سپہر ۱۰۵۰ ذکر کردہ اند کہ در قزوین در گذشت.

(۱۱۵۲) محمد علی - میر

از خوشنویسان گمنام قرن دہم و یازدہم و بخط وی قطعہ پی در کتابخانہ آستان رضوی در مشہد است، بقلم دو دانگ و کتابت خوش، بارقم و تاریخ : «بدار»

السلطنة سمرقند ، حمیت عن الآفات ، سمت تحریر پذیرفت . فقیر میر محمد علی فی
شہور سنہ ۱۰۰۱ .»

(۱۱۵۳) محمد علی اردبیلی

محمد صالح اصفہانی (متوفی سال ۱۱۲۶) ویرا جزو خوشنویسانی آورده
کہ تعلیم خط از او گرفته و بالفعل تار کند و گوید ، آقا محمد علی اردبیل مسکن ،
علاوہ بر حسن خط ، سواد زیادی دارد .

(۱۱۵۴) محمد علی بیک

عبدالجواد عنقای خوشنویس ، درباره وی نوشته است : «در عهد دولت ...
ناصرالدین شاه قاجار ... محمد علی بیک ... ابن ... حاجی بیژن خان ... بمنصب
نظارت اعلیٰ حضرت ... مفتخر ... و بکمال معنوی و صوری مشہور ... بی حشو
ملیح ... شعرش شعری دار ... نثرش برفراز نثر فروزان ... در فن خط نستعلیق
فرید و بیایہ عماد ورشید ... در فنون حساب و ہیئت و اصطراب ... رسوز
جغرافیا ...»

(۱۱۵۵) محمد علی تبریزی - میرزا

محمد صالح اصفہانی (متوفی سال ۱۱۲۶) گوید فرزند میرزا محمد رضا
تبریزی و در کتابخانہ سلطنتی ملازم است و تعلیم خط از من گرفته است و حالاً ہم
گاهی بدیدار من می آید .

(۱۱۵۶) محمد علی تبریزی

نسخ نویس معروف ، نستعلیق را نیز خوش می نوشت و از خطوط نستعلیق او

يک نسخه ترجمه ادعیه است که متن آن بقلم نسخ و ترجمه بقلم نستعلیق کتابت خفی متوسط است و چنین رقم و تاریخ دارد : «هدیّتی الی حضرة الدستور... جناب الامیر میرزا محمد صادق القائم مقام... و کتبه الاثم ابن میرزا محمد شفیع ، محمد علی التبریزی ، فی سنه ۱۲۷۲» در مجموعه آقای سلطان القرائی .

(۱۱۵۷) محمد بن علی - میر

معاصر میر محمد علی سابق الذکر و از خوشنویسان گمنام است .

بخط وی دیده ام :

دو قطعه از یک مرقع ، بقلم سه دایگ و نیم دودانگ خوش ، بارقم : «میر محمد بن علی» و «فقیر المذنب الحقیر میر محمد بن علی ستر الله عیوبهما» در کتابخانه سلطنتی ، تهران .

(۱۱۵۸) محمد علی جراح نظام

از کاتبان قرن سیزدهم و بخط وی یک نسخه قرابادین صالحی (تحفة - الصالحین) بسال ۱۲۸۴ در تهران بچاپ رسیده که بقلم کتابت خفی و دودانگ متوسط نوشته است .

(۱۱۵۹) محمد علی حسینی

از کاتبان گمنام قرن سیزدهم و بخط وی یک نسخه مقامات حمیدی در کتابخانه مرحوم حاج سید نصرالله تقوی است ، بقلم کتابت خوش ، بارقم و تاریخ : «کتبه العبد المذنب محمد علی الحسینی ، فی شهر ربیع الاول ۱۲۸۰» .

(۱۱۶۰) محمد علی حکاک - میرزا

هفت قلمی گوید که شاگرد میرزا محمد علی بن خیرالله آتی الذکر است ، مردی خوش طلعت و خوش محضر و در سهر کنی ، در عصر خود بی عدیل بود و قطعات جلی را خوش می نوشت . علاوه بر نستعلیق ، ثلث و نسخ و ریحان را نیز نیکو می نوشت .

(۱۱۶۱) محمد علی بن خیرالله - میرزا

فرمان نویس بود و نستعلیق جلی و خفی را بشیوه رشیدا خوش می نوشت . مدتی در سرکار عماد الملک گذرانیده است . غلام محمد ، در زمان آصف الدوله بهادرخان ، او را ملاقات کرده و مدتها در لکنه با یکدیگر حشر داشته اند .

آشنائی محمد علی با هفت قلمی از آنجا شروع شده است که چون غلام محمد بخط استادان علاقه داشته است ، بر اهنمائی قاضی نعمت الله نامی از شاگردان میرزا محمد علی بخانه او رفته و او با روی باز هر چه از این قبیل آثار هنری داشته به هفت قلمی نشان داده است و هفت قلمی یک نسخه پندنامه و گلستان بخط میرزا محمد علی را پسندیده است .

میرزا محمد علی در زمان حیات غلام محمد (متوفی سال ۱۲۳۹) در گذشته است .

از شاگردانش ، قاضی نعمت الله و خلیفه بخش الله و میر نثار علی را ذکر کرده اند .

(۱۱۶۲) محمد علی رضوی

کتیبه نگار زبردست قرن دوازدهم است و از آثار او کتیبه محراب ایوان طلای نادری آستان رضوی است که قصیده پی از ندیم است و چنین تمام می شود :

« کتبه محمد علی بن سلیمان الرضوی غفرالله ذنوبهما فی شهور سنه خمس و اربعین ومائة والف » و « کتبه ثلث ونستعلیق که در این ایوان زرنشان عالی بخط این بنده عاصی محمد علی الرضوی است ، قطاعی آن بید اهتمام محمد طاهر ولد استاد مسیح شیرازی با تمام رسید ۱۱۴۶ » .

(۱۱۶۳) محمد علی سبزواری

از کاتبان گمنام قرن سیزدهم و بخط وی یک نسخه رساله نورانیة یوسفی از محمد حسین بن حاج ملاهادی سبزواری ، در کتابخانه آقای دکتر مهدوی است بقلم کتابت متوسط ، که چنین تمام می شود : « قد وقع الفراغ من تسويد هذه النسخة الشريفة المسماة بالرسالة النورانية علی يد اقل الخليفة . . . محمد علی السبزواری اقل تلامذة صدر المتألهين . . . حاج ملاهادی السبزواری ادام الله ایام افادته . . . و كان اتمامه بتاريخ لیل یکشنبه بیست ونهم شهر رمضان المبارك ۱۲۷۸ » .

(۱۱۶۴) محمد علی بن سراج

محمد صالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲۶) وی را از خوشنویسان زبردست پیش از زمان تألیف تذکره خود دانسته ، گوید ، میرزا محمد علی ولد میرزا سراجای ضابطه نویس ، خوش می نوشت .

محمد علی سنگلاخ = محمد علی قوچانی

(۱۱۶۵) محمد علی شیرازی - میرزا

معروف به « منشی » در کتبه نگاری و نوشتن سنگ لوح دست قوی داشت و از جمله آثارش عبارتست از :

کتبه مرمر سردر ورودی مزار میر علاء الدین در شیراز ، بقلم سه دانگ

کتیبہ خوش ، کہ باسر ناصرالدین شاه قاجار نوشته است و با رقم و تاریخ : « کتبہ
العبد محمد علی ۱۲۷۴ » ؛

یک قطعہ ، بقلم شش دانگ جلی خوش ، با رقم : « راقمہ محمد علی شیرازی »
در کتابخانہ سلطنتی ، تہران .

تاریخ وفاتش را سپہر سال ۱۲۷۵ ضبط کردہ ، کہ درست نیست ؛ و صاحب
آثار عجم سال ۱۲۸۴ و مدفنش را در شیراز دانستہ است .

(۱۱۶۶) محمد علی شیرازی - میرزا

فرزند میرزا آقا خان ابن میرزا احمد وقایع نگار در شیراز نشوونما کرد و پس
بتہران آمد و نایب عم خود ، میرزا ابوالحسن وزیر امور خارچہ گردید . پس از مرگ
عمش ، وزارت امور خارچہ باو تفویض شد .

در فارسنامہ ناصری است کہ نستعلیق را بیایہ استادان ، خوش می نوشت
و بسال ۱۲۶۸ در تہران در گذشت .^۴

(۱۱۶۷) محمد علی شیرازی - میرزا

فرزند محمد اسمعیل معروف بہ « کشکول » و از کاتبان قرن سیزدہم است .
از آثار وی یک نسخہ رسالہ « نصرۃ الدین » است کہ بقلم کتابت متوسط نوشتہ
و بسال ۱۲۸۵ ، در تہران بچاپ رسیدہ است .

دیگر رسایل فارسی اخوان الصفا کہ بسال ۱۳۰۱ بقلم کتابت و دودانگ
متوسط نوشتہ و بسال ۱۳۰۱ در بمبئی بچاپ رسیدہ است و رقم دارد : « حررہ میرزا
محمد علی الشہیر بہ کشکول ابن مرحوم میرزا محمد اسمعیل شیرازی طاب ثراہ » .
دیگر یک نسخہ حبیب السیر کہ بقلم کتابت خفی و دودانگ متوسط نوشتہ
و بسال ۱۲۷۳ در بمبئی چاپ شدہ است .

(۱۱۶۸) محمد علی شیرازی - میرزا سید

فرزند میرزا سید حسینخان حاکم لارستان بود ، در شیراز متولد شده بود .
صاحب آثار عجم گوید که نستعلیق را خوش می نوشت و شعر می گفت و
«وجدی» تخلص می کرد و بسال ۱۲۹۱ در گذشت .
از آثار وی ، یک نسخه دیوان ادیب صابر ، در کتابخانه مجلس شورای
ملی است ، بقلم کتابت متوسط ، که چنین تمام می شود : « حسب الفرمایش . . .
بیوک خان افشار . . . سرتیپ فوج مراغه . . . سمت تحریر یافت . کتبه الحقیق الفقییر
اقل السادات محمد علی الحسینی المتخلص بوجدی ، فی شهر صفر المظفر سنه ۱۲۸۴ »

(۱۱۶۹) محمد علی طهرانی - آقا

از کاتبان قرن سیزدهم و سپهر تاریخ وفاتش را سال ۱۲۹۰ ضبط کرده است
از آثارش یک نسخه دیوان قآنی است که بقلم کتابت متوسط نوشته و بسال ۱۲۷۷
در تهران چاپ سنگی شده است .

(۱۱۷۰) محمد علی قاینی بیرجندی - میرزا سید

از دانشمندان عصر و در علوم فلسفی و هیئت و نجوم و ریاضیات استاد بود .
جز خط نستعلیق ، شکسته تعلیق و شکسته نستعلیق را استادانه می نوشت .
قسمت عمده از عمر خود را در اصفهان و برخی از آن را در تهران گذرانید .
سلطان اویس میرزا احتشام الدوله (معتمد الدوله ثانی) مدتی نزد وی تلمذ
کرده است .

میرزا محمد علی بسال ۱۳۰۵ در تهران در گذشت و در جوار امامزاده یحیی
بخاک سپرده شد .

در المآثر والآثار آمده است که ، یک نسخه مثنوی مولانا را بمدت سی سال کتابت و به حاج فرهاد میرزا معتمدالدوله ، اهداء کرده است .

از خطوط وی دیده ام :

یک نسخه مثنوی مولانا (که ظاهراً همان نسخه ایست که ذکر آن در المآثر والآثار آمده است) بقلم کتابت خفی عالی ، که چنین تمام می شود : « این کتاب مستطاب . . . قرب سالی پنج سی گذشت که برنج کتابت آن مشغول بود . . . تا در این اوقات . . . که مسند حکمرانی به . . . حشمة الدولة العلیه نواب حمزه میرزا . . . که یکی از باریافتگان مجلس سعادت سونس والا بسمع علیه رسانید که فلان دعا گو . . . بقدر وسع خط در بطی تحصیل کرده سالهاست در پی آن رنجها برده . نواب اشرف والا . . . اسر با حضار دین دعا گو فرمودند . . . وداعی شوق محرك شد که این کتاب را تمام و بنام ناسی آن شهزاده . . . انجام دهد . وانا العبد الضعیف الداعی محمد علی بن محمد اسمعیل الحسینی القاینی . . . قد شرع فی کتابته یوم الاحد خاسس شهر شعبان فی ۱۲۶۶ » در کتابخانه سلطنتی ، تهران ؛

یک نسخه نهاییه الايضاح ، تألیف خود وی ، بقلم کتابت خفی نزدیک بغبار خوش ، که چنین تمام می شود : « وقد اتفق جفاف القلم ، عن تسویده فی عشر آخر شعبان المعظم من سنة اربعة وسبعین ومائتین بعد الالف من الهجرة النبویة المصطفویة فی بلدة اصفهان صانها الله عن طوارق الحدثان وانا العبد الضعیف الحقیر الفقیر الجانی ، ابن محمد اسمعیل الحسینی محمد علی البیرجندی القاینی وصلى الله . . . » در کتابخانه مسجد سپهسالار ، تهران ؛

یک نسخه تحریر اقلیدس ، بقلم کتابت خفی خوش ، که چنین تمام می شود : « سمت اختتام پذیرفت وانا العبد الحقیر الفقیر الجانی ابن محمد اسمعیل الحسینی ، محمد علی البیرجندی القاینی حاسبها الله حساباً یسیراً وکان الفراغ من کتابته و ترسیم اشکاله ، فی عشر آخر ، شهر ربیع المولود من شهر سنه ۱۲۷۴ »

من الهجرة النبوية» در دست کتابفروشی ، در تهران .

(۱۱۷۱) محمد علی قمی ، واحد - ملا

صاحب ریاض الشعراء وی را جزو خوشنویسان دربار شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵) آورده گوید که در اصفهان بسر می برد . وسیع المشرب و حمیده خصال بود و شعر می گفت و «واحد» تخلص می کرد و از آثار منظوم وی یک کشتوی را یاد کرده است .

(۱۱۷۲) محمد علی قوچانی - میرزا سنگلاخ

از رجال شهیر قرن سیزدهم در مالک اسلام است . اصلاً از خاندان قرانی قوچان خراسان بود و خود ، بخود لقب «سنگلاخ» داده و از آن ، وقار و متانت ، اراده کرده است .

از نظم و نثر بی بهره نبود ، شعر می گفت ، ولی متوسط و نثر او سبک خاصی است ، در لغت فارسی و عربی دست داشت . از خطوط مخصوصاً نستعلیق و شکسته را خوش می نوشت . و خطوط را نیک می شناخت .

سردی درویش مساک و لا ابالی و در عین حال بلند پرواز بود . در دوره طولانی زندگی خود که بیش از یکصد سال بود ، همسری نگزید و غالباً در گردش و سیاحت بود . بیست و پنج سال در عثمانی و مصر گذراند و در محضر محمد علی پاشا و دیگر اعیان مصر و عثمانی ، محترم زیست .

از فحوای مطالبی که در آثار خود ذکر کرده است ، بنظر میرسد که از مالک آسیای میانه و افغانستان و هندوستان و آسیای صغیر دیدن کرده و با دانشمندان و هنرمندان آن دیار دیدار نموده است و در هر شهر از خطوط خود آثاری از قطعات متعدد و کتیبه های معدود باقی گذاشته است ، از جمله کتیبه هائی است که در جامع محمد علی پاشا در قاهره مصر بخط نستعلیق نوشته است .

معروف و سهم ترین آثار میرزا سنگلاخ یک قطعه سنگ مرمر عظیم است ، بطول دو متر و هفتاد سانتی متر و عرض یک متر و سی سانتی متر ، که سطح آن تقریباً پوشیده از عبارات مختلف و متن اصلی آن یک « بسم الله الرحمن الرحيم » بقلم یک دانگ کتیبه نستعلیق خوش و تمامی خطوط و نقوش آن برجسته است ، که رقم دارد : « راقمه سنگلاخ خامه روان » و ظاهراً مدت هشت سال میرزا سنگلاخ روی آن کار کرده و آنرا برای روی سرقه پیامبر اسلام آماده ساخته است و چون حمل آن برای وی بسیار دشواری نموده آنرا بمحمد علی پاشا تقدیم و توقع پاداش گزاف داشته ، که چون از دریافت آن مأیوس گردیده است ، عین سنگ را با کشتی باستانبول انتقال داده و بهمان هوس آنرا بسطان عبدالعزیز خان سلطان عثمانی تقدیم داشته و چون از این سوی هم سودی ندیده است ، ستاع خود را بوساطت و اقدام سیرزا جعفر خان مشیرالدوله که در آن اوان در استانبول میزیست ، از راه قفقاز ، بایران باز گردانید و در تبریز ، بمعرض تماشای اهالی گذاشت ، و در صدد بود که بوسایلی آن را بمشهد منتقل کند که پس از مرگ آنرا برگور او نهند ، ولی مدت ها گذشت و باین آرزوی خود نرسید و همچنان سنگ در مزار سید ابراهیم تبریز بردیوار منصوب بود که سیرزا سنگلاخ در گذشت و او را در مقابل همان سنگ در جوار مزار سید ابراهیم بخاک سپردند .

در باره سرگذشت این کتیبه و مطالب دیگر در موضوع مکاتبات و مذاکرات سیرزا سنگلاخ ، با اعیان عثمانی و مصر ، آقای حاج حسین آقا نخجوانی ، مقاله بی مفصل پرداخته و در شماره اول سال چهارم نشریه دانشکده ادبیات تبریز مندرج ساخته اند ، برای اطلاع بیشتر در این خصوص بآنجا مراجعه شود .

سرحوم میرزا محمدخان قزوینی در «وفیات معاصرین» آورده است که میرزا سنگلاخ از شاعران و عارفان و خوشنویسان عهد بود و در خود خواهی و غلو در حق هنر خویش بمرحله جنون رسیده بود که خود را آفتاب خراسان و زمین و زمان را بنده

شعر و خط خود می دانست که : « بهر کس قطعه‌یی از خط خود میداد ، این عمل را بزرگترین مرحمت در حق او می پنداشته و بهر خاکی که قدم می گذاشته بر آن منتهی عظیم می نهاده است » .

رقمهای مسجع بی سزه بارد خود را که بردنبال خطوط خود می نهاده است و از هزارمتجاوز ، در کتابی بعنوان «درج جواهر» جمع کرده که بسال ۱۲۷۲ در مصر بچاپ رسیده است و از آن جمله است رقمهای سنگلاخ رفته بفکر - نره گدا - شکر بیز عالی طبع - صدر مقام - رفته بسر - دولت مند - سلمان سان - مؤید - نشسته نجم - خامه روان - دیر کبیر - میرزا سنگلاخیه - ابوالبشر - روشن ضمیر - بی عیال و یال و غیره .

از تألیفات وی «مجمع الاوصاف» و آن مشتمل بر اشعار است که شاعران در مدیح وی سروده اند و دیگر تذکره خوشنویسان است ، که بآن عنوان «امتحان الفضلاء» داده و آن دوره کتاب در دو مجلد عظیم با خط خوش و چاپ زیبا ، بسال ۱۲۹۱ در تبریز منتشر شده است .

تذکره وی ، اثر فردی در سبک انشاء است که مهجورترین لغات فارسی و تازی را در آن بکار برده است ، چنانکه اگر لغت نامه‌یی که خود مانند مفتاح در حاشیه هر صفحه آورده است ، نبود ؛ فهم مطالب آن برای هر خواننده بصیر و وارد بلغات فارسی و عربی ، دشوار ، بلکه ناممکن بود .

چون کتاب تذکره خوشنویسان است و نگارنده برای تألیف کتاب خود ، خود را از مطالعه و مراجعه آن بی نیاز نمی دید ، در صد برآمدم که برای تسهیل استفاده از مطالب آن ، کتاب را از الفاظ بیهوده منقح سازم و چند ماهی به تلخیص و تنقیح عبارات پرداختم . مطالبی که دست گیرم شد ، در جزوه‌یی که از یکصد صحیفه کمتر است ، گرد آمد . پس از آن همه صرف وقت ، معلوم شد که بمطالب آن نمی توان اعتماد کرد که جناب میرزا فقط خواسته است که در تألیف کتاب تفنن

۱- این کلمه بخدم هم خوانده میشود

در عبارت و انشاء و هنرنمایی در لغت دانی کند و پس از مقابله مطالب با تذکره محمد صالح اصفهانی ابن ابوتراب خوشنویس شاگرد معروف میر عماد ، بمن معلوم شد که تذکره مختصر ولی بسیار مفید محمد صالح را در پیش نظر گرفته و مطالب درست سودمند آنرا در لفاف الفاظ ناهنجار پیچیده و مطالب نامربوط بسیاری بان افزوده و با شرح و بسط فراوان فوائد آن نسخه سودمند را مسخ کرده است .

آنچه در نتیجه یافتیم اینکه ، اگر « سنگلاخ » اسم با مسمائی است ، برای این کتاب از شخص میرزا شایسته تر است .

بقراری که خود میرزا یاد آور است ، شاگردان بسیار ، در ایران و در هردیار داشته است که ترجمه هر یک را در جای خود آورده ام و خواهم آورد .

تاریخ وفات وی را در المآثر والآثار و منتظم ناصری و غیره هفدهم شهر صفر سال ۱۲۹۴ ، در سنین یکصد و ده سالگی ، ضبط کرده اند ؛ ولی خود در یک موضع به یکصد و بیست سالگی خود اشاره دارد و گوید که در این هنگام در تبریز مشغول به نگارش هستم .

از قطعات خطوط او بعضی عبارتست از :

سه قطعه بقلم های پنج و چهار و سه دانگ خوش و عالی ، بارقمهای عجیب مذکور ، در مجموعه آقای نخجوانی ، در تبریز و نگارنده .

اما راجع به کیفیت خط میرزا با اینکه نستعلیق و مخصوصاً شکسته نستعلیق را خوش و بسیار استوار می نوشته است ، مبالغه در خوشنویسی او را ، که بعضی او را اعجوبه دوران و استاد زمان و هم پایه میر عماد ، دانسته اند ، باید حمل به بی پروائی کرد ، که مقام شاگردان میر عماد را هم در خط نداشته است ، چه رسد اینکه ، خط او بخط استاد استادان زمانه نزدیک باشد .

(۱۱۷۳) محمد علی قوچانی - میرزا

سپهر گوید که نستعلیق را خوش می نوشت و بسال ۱۲۹۰ در گذشت.

(۱۱۷۴) محمد علی کابلی - غریبی

در مجالس النفایس است که برادر میر سعید کابلی و مردی خوش محاوره و خوش خوی و خوش طبع بود و از موسیقی بهره تمام داشت و اکثر سازها را خوش می نواخت.

خطوط را خوش می نوشت و سلطان حسین میرزا با یقرا را بوی نظر عنایت بود شعر می گفت و «غریبی» تخلص می کرد.

در سنین جوانی، در شهر سمرقند کشته شد.

(۱۱۷۵) محمد علی کرمانی - شیخ

فقط میرزا حبیب نام وی را آورده، گوید که شاگرد عبدالرحیم امینی خوارزمی بود.

(۱۱۷۶) محمد علی کشمیری

فرزند محمد حسین زرین قلم کشمیری معروف است. نستعلیق جلی را خوش می نوشت.

(۱۱۷۷) محمد علی کهنه

محمد صالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲۶) وی را جزو خوشنویسانی آورده که بعد از مرگ میر عماد معاصر پدر او (ابو تراب اصفهانی) بوده و گوید محمد علی مشهور به کهنه قمی است.

بخط وی یک نسخه اخلاق ناصری در کتابخانه سلطنتی است ، بقلم کتابت متوسط ، بارقم و تاریخ : «تمت فی ید الحقیر الفقیر المذنب محمد علی الشهیر به کهنه .
آخر شهر الصفر من سنة اثنان وسبعین و الف من الهجرة . . .»

(۱۱۷۸) محمد علی نایب الصدر - حاج میرزا

فرزند محمد رحیم از اشراف ارومیه و نایب الصدر محل بود که بسال ۱۲۸۵ در گذشته است . میرزا محمد علی مانند پدر در خدمت خلیف کوشا بود و از معاشرت خود دار . نستعلیق را خوش می نوشت . تا سال ۱۳۱۶ تاریخ تألیف طریق الحقایق هنوز می زیست .

(۱۱۷۹) محمد علی خان نواب هندی

فرزند جعفر علی خان نواب هندی بود بسال ۱۲۳۴ در شیراز متولد شد و همانجا کسب کمالات کرد . ایشان را از آن رو « نواب هندی » می گفتند که از طرف دولت انگلستان ، کارگزاری امور هندیها را در شیراز می کردند . این یک پس از مرگ پدر با همان سمت در شیراز اشتغال داشت و با مبلغ پانصد تومان مواجب سالیانه عیشت می کرد . صاحب فارسنامه گوید که نستعلیق را خوش می نوشت و بسال ۱۲۷۶ در شیراز در گذشت .

(۱۱۸۰) محمد علی نوری - میرزا

فرزند میرزا حسین علی (بهاء الله ، پیشوای بهائیان) است . تولدش بسال ۱۲۷۰ و بیش از هشتاد سال زیسته است .

میرزا محمد علی انواع خطوط را خوش می نوشت و نمونه خطوط : ثلث و نسخ

و کوفی و شکسته تعلیق و شکسته نستعلیق و نستعلیق او در کتاب پیدایش خط و خطاطان آمده است . در مشق جلی دست قوی داشت . بعض آثار او اینست :

یکک قطعه ، بقلم نستعلیق پنج دانگ عالی ، بارقم : «محمد علی» نزد آقای محمد علی ناصح ، تهران ؛

یکک قطعه ، بقلم نستعلیق پنج دانگ خوش و نستعلیق دو دانگ ، با رقم و تاریخ : «محمد علی ۱۲۹۸» در مجموعه آقای مجید موقر ، تهران ؛

سه قطعه ، بقلم نستعلیق شش دانگ و دو دانگ عالی و شکسته نستعلیق شش دانگ عالی ، بارقم : «بنده محتاج خدای غنی ، ذره بیقدر محمد علی» در مجموعه نگارنده .

(۱۱۸۱) محمد علی واحد تر کمان قمی

صاحب قصص الخاقانی گوید که فرزند منصور بیک ، از تربیت یافتگان شاه طهماسب صفوی و در سلک هنرمندان کتابخانه هما یونی بود و شعر می گفت و «واحد» تخلص می کرد . نصرآبادی گوید در شنوی گویی دست داشت و مثنوی «گلشن-خیال» در بحر حدیقه سنائی اثر اوست . در علم انشاء و معنی دست داشت و نستعلیق را خوش می نوشت . مدتی شاگردی میر عبدالرزاق کاشانی کرده بود .

(۱۱۸۲) محمد علی بن یار علی

از کاتبان گمنام قرن دهم و یازدهم و بخط وی نسخه یی از دیوان کمال خجندی ، وقتی دیده ام ، بقلم کتابت متوسط ، بارقم : «تم الكتاب . . . علی ید . . . محمد علی ابن مولانا یار علی ، غفر الله . . . سنه ۳۰۹ . . .» .

(۱۱۸۳) محمد عواد

میرزا حبیب گوید که برادر کوچک میرمصطفی است که در جنگ شروان در خدمت عثمان پاشا، دفتر دار بود و در همان حوالی کشته شد.
هم او گوید که از موسیقی بهره داشت و عود را نیکو مینواخت و در خط نستعلیق پیرو شیوه امینی بود.

(۱۱۸۴) محمد بن غضنفر

از کاتبان و قاطعان گمنام و بخط وی رساله‌ی بقلم زرو سفیداب و کتابت خوش، در کتابخانه دانشگاه استانبول است، که چنین رقم دارد: «قطعه الفقیر الحقیر محمد بن غضنفر، از بندگان درگاه، از زمره سپاهیان».

(۱۱۸۵) محمد غوث

از خطاطان گمنام ظاهراً قرن یازدهم و بخط وی یک قطعه در مجموعه آقای کریم زاده است، بقلم سه دانگ و نیم دودانگ متوسط، بارقم: «محمد غوث غفرله»

(۱۱۸۶) محمد فاضل

از خوشنویسان گمنام قرن یازدهم و دوازدهم است و بخط وی دیده‌ام:
دو قطعه از مرقع، بقلم چهار دانگ خوش، باب زر، بارقم: «بنده خاکسار محمد فاضل، ساکن آن جناب» در کتابخانه سلطنتی، تهران؛
یک قطعه، بقلم دودانگ و کتابت متوسط، بارقم: «فقیر محمد فاضل غفرله»
در سوزه باستان شناسی، دهلی؛
یک قطعه، بقلم دودانگ خوش، بارقم و تاریخ: «العبد الفقیر... محمد فاضل غفرالله ذنوبه ۱۱۰۱» در مجموعه نگارنده.

(۱۱۸۷) محمد بن فخرالدین - شیخ

از کاتبان گمنام قرن نهم و دهم است و بخط وی دیده‌ام :

یک نسخه خمسۀ نظامی ، بقلم کتابت خفی متوسط ، بارقم و تاریخ : «تم
الکتاب . . . علی انامل العبد ، اقل خلق الله تعالی ، شیخ محمد بن فخرالدین احمد
الکاتب السلطانی الهروی . . . فی ثانی عشرین شهر رمضان المبارک سنة ثلاث و
ثلثین وتسعمائة الهجرية» درموزۀ باستان شناسی ، دهلی ؛

یک نسخه دیوان جامی ، بقلم کتابت متوسط ، بارقم و تاریخ : « . . . اختتام
یافت . . . علی انامل العبد شیخ محمد بن فخرالدین احمد السلطانی ، احسن الله
عواقبهما فی سلخ رمضان سنة ۹۱۴ و «شوال ۱۲۱۹» درمجموعۀ آقای سلطان القرائی
تهران ؛

یک نسخه شش دفتر مثنوی مولانا ، بقلم کتابت خفی متوسط ، که چنین تمام
می شود : «تمت الکتاب المجلدات الستة المثنوی . . . شیخ محمد بن فخرالدین احمد
الکاتب . . . سنة اثنین وتسعمائة» درمجموعۀ آقای دکتر صحت ، تهران ؛

یک نسخه جام جم اوحدی ، بقلم کتابت خوش ، بارقم و تاریخ : «محمد بن
فخرالدین احمد سنة ۹۱۷» در کتابخانۀ رامپور هند ؛

نسخۀ دیگر دیوان جامی بقلم کتابت خوش ، بارقم و تاریخ : «شیخ محمد
بن فخرالدین احمد کاتب سنة ۹۱۹» درمجموعۀ آقای مجید موقر ، تهران ؛

یک نسخه دیوان مغربی ، بقلم کتابت متوسط ، بارقم و تاریخ : « . . . اضعف
عباد الله ، شیخ محمد بن فخرالدین احمد ، عفا الله عنهما سنة ۸۸۹» درموزۀ آثار ترک
واسلامی ، استانبول ؛

که در آثار مذکور ، چند صفحه بقلم رقاع نیز هست و استادی ویرا در این خط
وبرتری آنرا به نستعلیق نشان میدهد .

محمد بن فضل الله = ابوالفضل ساوجی

(۱۱۸۸) محمد فیض

در تذکره روز روشن است که وی ستوطن قصبه ملانوه از مضافات لکنهو و دبیر سرکار امیرالدوله انتظام الملک میرزا حیدر بیگ خان نصرت جنگ بود. خط نستعلیق و شکسته را خوش می نوشت.

(۱۱۸۹) محمد قاسم

از خوشنویسان گمنام قرن دوازدهم هندوستان و بخط وی قطعه یی در یک سرقع کتابخانه بادلیان است، بقلم سه دانگ و نیم دودانگ متوسط، بارقم: « کتبه العبد محمد قاسم ».

(۱۱۹۰) محمد قاسم

از خوشنویسان گمنام قرن سیزدهم است و بخط وی قطعه یی دارم، بقلم شش دانگ و سه دانگ خوش خوش، بارقم و تاریخ: « العبد الاثم محمد قاسم سنه ۱۲۹۹ ».

(۱۱۹۱) محمد قاسم بخاری

از خوشنویسان گمنام قرن دهم و بخط وی قطعه یی در سرقع بهرام میرزا در کتابخانه خزینه اوقاف استانبول است، بقلم دودانگ و نیم دودانگ خوش، بارقم: « محمد قاسم البخاری ».

محمد قاسم تبریزی

قاسم تبریزی

(۱۱۹۲) محمد قاسم جرجانی

از خوشنویسان زبردست گمنام قرن دهم و یازدهم است و بخط وی قطعه‌یی دارم بقلم دودانگ و کتابت خوش ، بارقم : « کتبه العبد المذنب الخادم بالمشهد الغری محمد قاسم الجرجانی غفرله » .

(۱۱۹۳) محمد قاسم بن شادیشاه

بعضی مانند محمد صالح اصفهانی وی را شاگرد پی واسطه سلطان علی مشهدی و قرینه سلطان محمد خندان و بعضی شاگرد سلطان محمد خندان می دانند و غالب وی را بلطف و ملاحظت و نازکی قلم ستوده‌اند . بعضی او را بطیء الکتابه دانسته‌اند و از جمله صاحب گلستان هنر گوید که روزی پنج بیت می نویسد و در نقد خط او گوید که قطعه نویسن است و با اینکه خط او بسیار با مزه است ، ولی خط ساز است و با اصطلاح خودش : « قلم در دست و قلم تراش در مشت » دارد و نوشته خود را اصلاح می کند .

صاحب تذکره بی نام که معاصر محمد قاسم است ، گوید که صبح و شام ، بکتابت مشغول است و برای امرا و سلاطین و حکام می نویسد و هم او گوید که سرعت کتابت ندارد . متأخرین تذکره نویسان ، از جمله میرزا حبیب و صاحب پیدایش خط و خطاطان گویند که محمد قاسم شادیشاه ، با میر علی هروی معاصر و معاند بوده و در هجو میر علی گفته است :

گران کاتب که دارد دعوی خط

هوای خود پسندی برده هوشش

از آن رو خط او اصلی ندارد

که تعلیم کسی نشنیده گوشش

و سیر علی در جواب گفته است :

پسر ناقبول شادیشاه
خط بی نقل او نباشد خوب
چون پدر ناقبول و منکوب است
اگر آن نقل میکند خوب است

که [نه] دیگری از مورخان متقدم باین معنی متذکرند و نه این ماجری را میتوان بدو هنرمند بزرگ عالی مقام نسبت داد .

از شاگردان معروف محمد قاسم شادیشاه ، نام : عیسی - محیی - سلطان محمد تربتی - محمد حسین باخرزی را ذکر کرده اند .

تاریخ وفات او را کسی نیاورده است ، ولی صاحب خلاصۃ التواریخ و گلستان هنر گویند که تاسان . ۹۵ در قید حیات بوده است و صاحب تذکره بی نام گوید که : «در این تاریخ که سال . ۶۹ است آن جناب در قید حیات است و در نظر خاص و عام عزیزالوجود .»

از خطوط وی دیده ام :

یک نسخه دیوان اسیرشاهی ، بقلم کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : «کاتب العبد محمد قاسم شادیشاه غفر ذنوبهما و ستر عیوبهما ، فی شهر سنه ۹۵۵» در کتابخانه سلطنتی ، تهران ؛

یک نسخه گوی و چوگان عارفی ، بقلم کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : «تمت . . . علی ید . . . محمد قاسم شادیشاه غفر ذنوبهما و ستر عیوبهما ، بدار السلطنه هرات . . . در . . .»

دو قطعه ، بقلم چهار دانگ و دودانگ و کتابت جلی و خفی خوش ، با رقم : «کتبه محمد قاسم غفرله» ، در کتابخانه سلطنتی ، تهران ،

یک قطعه ، بقلم دودانگ و کتابت خوش ، با رقم : «عبد محمد قاسم غفر ذنوبه» در کتابخانه ملی ، تهران ؛

یک قطعه ، بقلم دودانگ و نیم دودانگ و کتابت خوش ، با رقم : «کتبه محمد قاسم شادیشاه غفر ذنوبهما» در مجموعه آقای دکتر مهدوی ، تهران ؛

یک قطعہ ، بقلم نیم دودانگ و کتابت خوش ، بارقم : « کتبہ محمد قاسم بن شادیشاہ غفر ذنوبہما و ستر عیوبہا » در مجموعہ نگارندہ ؛

دو قطعہ در دو سرقع ، بقلمہای چہاردانگ و دودانگ و نیم دودانگ و کتابت خوش و عالی ، با تاریخ و رقمہای : « فی شہور سنۃ اثنین و ثلاثین و تسعمائۃ ، بید الحقیق محمد قاسم بن شادیشاہ » و « مشقہ العبد محمد قاسم بن شادیشاہ » در کتابخانہ خزینہ اوقاف ، استانبول ؛

یک قطعہ از سرقع محمد محسن ، بقلم نیم دودانگ و کتابت خوش ، بارقم : « عبدہ محمد قاسم بن شادیشاہ غفر ذنوبہما » در همان کتابخانہ ؛

ہفت قطعہ از سرقع سید احمد مشہدی ، بقلمہای دودانگ و نیم دودانگ خوش و عالی ، بارقمہای : « عبدہ محمد قاسم » و مانند آن ، در همان کتابخانہ ؛ بیست و دو قطعہ از سرقع بہرام میرزا ، بقلمہای از دودانگ تا کتابت خوش ، بارقمہای : « العبد المذنب محمد قاسم بن شادیشاہ » و مانند آن ، در همان کتابخانہ ؛

سہ قطعہ از سرقع امیر غیب بیک ، بقلمہای از دودانگ تا کتابت خوش و عالی ، بارقمہای : « عبدہ محمد قاسم بن شادیشاہ » و مانند آن ، در همان کتابخانہ ؛ دو قطعہ در دو سرقع ، بقلم نیم دودانگ خوش ، با مرکب چہرہ بی روی کاغذ لاجوردی ، بارقم : « العبد محمد قاسم غفر ذنوبہ » در کتابخانہ دانشگاہ ، استانبول ؛

یک قطعہ از سرقعی ، بقلم دودانگ خوش ، بارقم : « این سرقع باسم میرہادی .. عبدہ محمد قاسم » ، در کتابخانہ روان کوشکو ، استانبول .

(۱۱۹۴) محمد قاسم بن غیاث الدین

از کاتبان خوشنویس گمنام قرن دہم و بخط وی یک نسخہ از دیوان حافظ

در کتابخانه ملی تهران است ، با تاریخ ورقم : « تمت الكتاب بعنايت الكريم الوهاب في تاريخ شهر رمضان المبارك سنة ۹۳۶ » ، كتبه العبد المذنب الراجي محمد قاسم . . . بن غياث الدين » كه يك اسم بعد از محمد قاسم و پيش از غياث الدين محوشده است و بهر صورت اگر نام محوشده « شاديشاه » نباشد بخط خوشنویسی مانند محمد قاسم شاديشاه يا محمد قاسم بخاری سابق الذكر است .

(۱۱۹۵) محمد قاسم بيك قاجار

محمد صالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲۶) وی راجزو خوشنویسان معاصر خود آورده گوید ، دوات دار نقوش خاتم سلطانی و قلم دودانگه اسروزه دربند ایشان است .

(۱۱۹۶) محمد قاسم قزوینی

از کاتبان گمنام قرن دهم است و بخط وعی يك نسخه دیوان امیرشاهی در دست فروشندهای دیدم كه بشیوه سلطان محمد خندان بقلم کتابت جلی متوسط نوشته است بارقم و تاریخ : « كتبه العبد محمد قاسم قزوینی سنة ۹۸۵ » .

(۱۱۹۷) محمد قاسم لاهیجی حایری

از خوشنویسان گمنام قرن دهم است و بخط وی دیده ام : چهارده قطعه از مرعی ، بقلمهای سه دانگ و دودانگ و کتابت خوش ، با رقمهای : « مشقه العبد محمد قاسم الحائری » و « العبد قاسم غفر ذنوبه » و « فقیر قاسم الجیلانی عفی عنه » و « كتبه الفقیر محمد قاسم لاهیجی » و « المذنب قاسم غفر ذنوبه » و مانند آن ، و قطعه شعری دارد ، باین قرار :

« خواستم تا بموجب دل خواه آورم تحفه یی بخدمت شاه

در خیال آنچه نقش می‌بستم
از کرم عذر بنده را بپذیر
هیچ جز خط نبود در دستم
که بود تحفه فقیر ، حقیر
مشقه قاسم»

در همین مرقع قطعه‌یی است که رقم: «مشقه العبد محمد قاسم بن شادیشاه» دارد؛ که با نظر اول چنین پنداشته می‌شود که باقی قطعات که رقم محمد قاسم ندارد نیز از محمد قاسم شادیشاه باشد؛ ولی جامع مرقع آنرا از خطوط خوشنویسان بنام محمد قاسم مجموعه‌بی ساخته است، بدون اینکه نظر به محمد قاسم خاصی داشته باشد.

(۱۱۹۸) محمد قاسم بن محمد میرک حسینی

از کاتبان خوشنویس گمنام قرن یازدهم است و بخطوی یک نسخه حدیقه الحقیقه سنائی دارم که بقلم کتابت خفی خوش نوشته است و چنین تمام می‌شود: «تمت الكتاب بعون الملك الکریم الوهاب، علی يد العبد المذنب الراجی محمد قاسم بن محمد میرک الحسینی الاستادی، فی شهر سنه ۱۰۵۱»

(۱۱۹۹) محمد قاسم ملک الشعراء

فرزند فتح علی خان صبا ملک الشعراء کاشانی و برادر محمد حسین خان عندلیب ملک الشعراء و عم محمود خان ملک الشعراء است.

سردی دانشمند و هنرمند و سخن‌دان و سوره‌ساز و حکیم و شاعر بود و «فروغ» تخلص می‌کرد. در نقاشی و منبت کاری دست داشت و همه خطوط را خوش می‌نوشت. بسیار خوش محضر و بذله گو بود. مدتها در خراسان گذرانید و بتهران بازگشت و منزوی شد.

بقول صاحب المآثر والآثار در بیست و هفتمین سال جلوس ناصرالدین شاه (سال ۱۲۹۱) در گذشت.

(۱۲۰۰) محمد قاسم منجم

از خوشنویسان گمنام قرن دهم و بخط وی قطعه‌یی از مرقع بهرام میرزا در کتابخانه خزینة اوقاف استانبول است ، بقلم دودانگ خوش ، بارقم : « کتبه العبد محمد قاسم المنجم » وسطوری نیز بخط نسخ خوش دارد .

(۱۲۰۱) محمد قدسی - میرزا

از کاتبان خوشنویس قرن سیزدهم و چهاردهم و از جمله آثارش ، کتاب آثار عجم است که بخط نستعلیق جلی کتابت خوش نوشته و بسال ۱۳۱۴ در تهران بچاپ رسیده است .

(۱۲۰۲) محمد قطب الدین حسینی

از کاتبان گمنام قرن دهم و بخط وی یک نسخه دیوان حافظ در کتابخانه دانشگاه استانبول است ، بقلم کتابت خفی متوسط ، که چنین تمام می شود : « تمت الكتاب بتاريخ سلخ محرم الحرام سنه ست و سبعین و تسعمائة ، کتبه العبد الفقير الداعي قطب الدین محمد الحسینی غفرالله ذنبه ، در مشهد مقدس اقدس نوشته شد » .

(۱۲۰۳) محمد قطب الدین بن محمد تقی

از کاتبان گمنام قرن یازدهم و از جمله آثارش یک نسخه شرح قصیده نونیه جاسی ، در کتابخانه سلطنتی است ، بقلم کتابت خفی متوسط ، که چنین تمام می شود : « خدایگانی ولی الانعاسی میرزا شاه ابوالمهدی . . . حسب الامر . . . بتسويد این نسخه گراسی . . . این بنده زاده قدیمی . . . بتاريخ جمیدی الاول سنه ۱۰۸۳ ، در قصبه ماهان . . . صورت اتمام یافت . حرره العبد ، ابن محمد تقی ، قطب الدین محمد » .

۱۲۰۴) محمد قطب الدین یزدی

جوانی رادر یزد گذرانید و بعداً به بغداد انتقال یافت . صاحب مناقب هنروران بسال . ۹۹ اورا در بغداد ملاقات کرده است و این در هنگامی بوده کہ قطب الدین مأمور دفتر داری خزینہ بغداد بوده است . در آن تاریخ قطب الدین بیست سال بیش بوده کہ در آن شهر می گذرانیده است .

قطب الدین با صاحب مناقب هنروران آشنا و سائنوس و محشورشده و این یک اوصاف حمیدہ و استادی وی را در خط نویسی و خط شناسی ستوده است و ہم او گوید کہ چہار استاد : مقصود علی ترک ، سیر معز کاشانی ، مالک دیلمی و سیر حیدر بخاری را شاگردی کرده ، ولی بیش از ہمہ اسلوب مالک را اخذ کرده است و از مشاہیر شاگردانش ، سیر مصطفی بغدادی است .

قطب الدین مؤلف تذکرہ بی است کہ ترجمہ پنجاہ و دو خوشنویس را در آن گرد آورده بود ، و اکنون در دست نیست ؛ ولی عالی افندی ، در زمان سلطان مراد خان پادشاہ عثمانی ، آن را بہ ترکی ترجمہ کرده و ترجمہ چند خوشنویس دیگر ، از جملہ شرح حال خود قطب الدین یزدی را بآن افزوده است .

این تذکرہ کہ بچاپ رسیدہ و در دست است یکی از جامع ترین و معتبرترین تذکرہ های خوشنویسان است .

حیات قطب الدین تا سال ہجری معلوم [است] و معین نیست کہ تا چہ زمان پس از آن تاریخ زیستہ است .

از آثار وی فقط دو قطعہ تا کنون دیدہ ام :

یک قطعہ از مرقعی ، بقلم سہ دانگ و کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : « کتبہ

قطب الدین محمد الیزدی غفر اللہ ذنوبہ و ستر عیوبہ ، فی بغداد ، سنہ ۹۸۸ « در کتابخانہ خزینہ اوقاف ، استانبول ؛

یک قطعہ ، بقلم دو دانگ و کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : « مشقہ العبد

الحقیر المذنب قطب الدین محمد یزدی غفر الله له ۹۷۸ ، جهت امیر کمال الدین محمد شیرازی ، سمت تحریر یافت ، در بلده بغداد» در مجموعه نگارنده .

(۱۲۰۵) محمد قلی خان

محمد صالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲۶) گوید حاکم کرمانشاهان است وقتی اینجا (اصفهان) بودند دماغ مشق نستعلیق و نسخ هر دو را داشتند . بعد از فراغ از مباحثه ، مشق می فرمودند و خوب می نوشتند .

(۱۲۰۶) محمد قلی کاتب

از کاتبان خوشنویس گمنام قرن دهم و بخط وی یک نسخه چهل حدیث در سوزه کابل است ، بقلم دو دانگ و کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : «تمت هذه الاربعة علی يد . . . محمد قلی الکاتب غفر ذنوبه ، فی تاریخ شهر ربیع الاول سنة ثلث وخمسين وتسعمائة» .

(۱۲۰۷) محمد قوام شیرازی

از کاتبان پرکار قرن دهم است و بخط وی دیده ام :
 یک نسخه صفوة الصفی ، بقلم کتابت متوسط ، با رقم و تاریخ : « قد اتفق الفراغ . . . محمد القوام الکاتب الشیرازی المشهور بحمّاسی . . . تحریراً فی شهر شوال سنة ثمان وخمسين وتسعمائة الهجرية » در کتابخانه سلطنتی ، تهران ؛
 یک نسخه خمسة نظامی ، بقلم کتابت متوسط ، با رقم : « تم الكتاب . . . علی يد تراب الاقدام محمد القوام الکاتب الشیرازی » در همان کتابخانه ؛
 یک نسخه گلستان و بوستان سعدی ، بقلم کتابت متوسط ، با رقم : « تم الكتاب کتبه محمد قوام شیرازی غفر له » در نزد آقای اسفرجانی ، اصفهان ؛

- یک نسخه دیوان شاهی ، بقلم کتابت خفی خوش ، با رقم : « کتبه محمد قوام » درموزه آثار اسلامی و ترک ، استانبول ؛
- یک نسخه شاهنامه فردوسی ، بقلم کتابت خوش ، با رقم : « محمد القوام .. در شهر شیراز » در همان موزه ؛
- یک نسخه هدیه الملوك و هداية السلوك ، بقلم کتابت جلی خوش ، با رقم : « تم الكتاب ... علی يد ... محمد القوام الشیرازی » در کتابخانه دانشگاه ، استانبول ؛
- یک نسخه رباعیات خیام ، بقلم کتابت متوسط ، با رقم و تاریخ : « تم الكتاب .. فی تاریخ سنه ثمان و خمسين و تسعمائة ، علی يد تراب اقدام ، محمد القوام الکاتب الشیرازی » در کتابخانه مرکزی دانشگاه ، تهران ؛
- یک نسخه خمس نظامی ، با رقم و تاریخ : « محمد الکاتب الشیرازی المشهور بحماسی ۳ ۹۴ » در مجموعه کور کیان ، نیویورک ؛
- یک نسخه دیوان حافظ ، با رقم : « محمد الشیرازی المشهور بحماسی . ۹۵ » در مجموعه زاندر Zander ؛
- یک نسخه یوسف وزلیخای جامی ، بقلم کتابت متوسط ، با رقم : « محمد قوام » در تاریخ ۹۵۴ ، در کتابخانه دانشگاه ، کیمبریج ؛
- نسخه دیگر یوسف وزلیخا ، با رقم : « محمد القوام الشیرازی » در کتابخانه ایندیانا آفیس ، انگلستان ؛
- نسخه دیگر خمس نظامی ، با رقم : « محمد قوام الکاتب الشیرازی المشهور بحماسی » با تاریخ . ۹۵ ، در کتابخانه مدرسه السنه شرقیه ، لنین گراد ؛
- نسخه دیگر خمس نظامی ، با رقم : « محمد قوام الکاتب الشیرازی معروف بحماسی » با تاریخ ۹۵۱ ، درموزه طوپ قاپوسرا ، استانبول ؛
- یک نسخه سبحة الابرار جامی ، با رقم ، « محمد القوام الکاتب الشیرازی » و تاریخ ۹۵۸ ، در مجموعه کور کیان ، نیویورک .

نسخه دیگر شاهنامه فردوسی ، بارقم : «محمد القوام الشیرازی» و تاریخ
۹۶۰ ، در سوزه هنرهای زیبا ، بستن ؛

یک نسخه هفت اورنگ جامی ، بارقم : «محمد القوام الشیرازی» در کتابخانه
بادلیان ، دوبلین ؛

یک نسخه کلیات سعدی ، بارقم : «محمد القوام الشیرازی» در مجموعه
کورکیان ؛

یک نسخه مثنوی خضرخان و دولرانی امیر خسرو ، با رقم : «محمد القوام
الکاتب الشیرازی» در همان مجموعه .

۱۲۰۸) محمد قوللر آقاسی - میرزا

محمد صالح سازندرانی (متوفی سال ۱۱۲۶) وی راجزوشا گردان خود شمرده
گوید ، از خوشنویسان معروف است .

۱۲۰۹) محمد کابلی - میرزا

در تذکره صبح گلشن است که شعر می گفت و «تمنّی» تخلص می کرد .
در مصاحبت عبداللطیف خان تنها ، از کابل به دهلی رفت و از طرف فرخ سیر مأمور
کتابت یک شاهنامه شد . باین کار شروع کرد ، ولی آنرا ناتمام گذاشت و بمشهد آباد
شتافت و بخدمت علی وردی خان ناظم بنگاله پیوست و بخطاب خانی سرفراز شد و
همان جا بود ، تا بسال ۱۰۶۰ در گذشت .

۱۲۱۰) محمد کاتب

خوشنویس گمنامی از قرن دهم است که جز نستعلیق ، سایر اقلام را نیز خوش
می نوشته است . باین رقم دیده ام :

یکک نسخه قرآن کہ متن آن بنسخ وریحان و آخر برقاع و فالنامه منظوم ضمیمه آن بقلم نستعلیق نیم دو دانگ متوسط است و چنین تمام می شود : « شرف بکتابه هذه المجید و الفرقان الحمید محمد الکاتب فی سنه ۶ ۵ ۹ » و قسمت نستعلیق باین عبارت ختم می شود : « فرغ من تتمیم هذه القرآن ، فی یوم الاحد عاشر شهر رجب سنه ۹ ۵ ۷ » درموزه آثار اسلامی و ترک ، استانبول ؛

یکک قطعه از مرقدی ، بقلم کتابت خفی متوسط ، بارقم : « کتبه العبد الغریب المذنب محمد الکاتب اصلح الله شأنه ابدأ بمحمد و آله ، بدار السلم بغداد » در کتابخانه خزینه اوقاف استانبول .

ممکن است کہ این نسخه قرآن و ضمایم آن بخط همان شاه محمد کاتب باشد کہ ذکر آن گذشت ، کہ آن یکک نیز باقلام مختلف آشنا بوده است .

۱۲۱۱) محمد کاتبی ترشیزی

پدرش عبدالله و از قریه در اوش ترشیز بود . در جوانی به نیشابور آمد و از سیمی نیشابوری تعلیم خط گرفت و کاتبی خوشنویس شد و در شعر نیز بمناسبت پیشه خود ، « کاتبی » تخلص کرد .

صاحب مناقب هنروران اورا در جزو چهل تن هنرمندان دربار بایسنغر میرزا نام برده است .

چون در نیشابور استادش ، سیمی از وی دل گران شد ، قصد هرات کرد و در آنجا بی تعین و تکلف می زیست .

وقتی بایسنغر میرزا گورکانی ، او را بجواب قصیده کمال الدین اصفهانی تشویق کرد و کاتبی آن قصیده را استقبال کرد و نیکو کرد ، ولی یارانش بآن وزنی ننهادند و او دل گیر شد و از هرات رخت باستراباد کشید و از آنجا روانه شروان شد و امیر شیخ ابراهیم شروانی مقدم او را گرامی داشت و باو زر فراوان داد و کاتبی

همه را در اندک زمانی برانداخت و روانه آذربایجان شد و قصیده غرائی در مدیح اسکندر بن قرا یوسف گفت . چون آن تر کمان چنانکه باید بلندی سخن او را در نیافت رنجیده از تبریز باصفهان رفت و بخدمت خواجه صابین الدین تر که رسید و رساله پی در تصوف نزد خواجه گذرانید و از دنیا معرض شد و با جازت خواجه قصد دارالمرز کرد و در استرآباد مقیم شد .

دیوان اشعار و چند مثنوی او متداول است .

کاتبی بسال ۸۳۹ در استرآباد در وبای عام در گذشت و در جوار مزار اما سزاده معصوم ، که به بند گوران معروف است ، بخاک سپرده شد .

(۱۲۱۲) محمد کار گزار - میرزا

در فارسنامه ناصری است که فرزند حاج میرزا اسدالله شیرازی بود و بسال ۱۲۵۲ در شیراز متولد شد .

در جوانی کسب علوم ادبی کرد و همه خطوط ، خاصه نستعلیق را خوش می نوشت . بسال ۱۲۸۷ کار گزار بوشهر و بسال ۱۲۹۴ رئیس التجار شیراز شد و بسال ۱۳۰۱ به کارگزاری ایالت فارس و وزارت وظایف و مستمریات برقرار شد .

(۱۲۱۳) محمد کاشانی - میر معزالدین

میر معزالدین محمد ، معروف به « میر معز » از سادات حسینی کاشانی و از مشاهیر خوشنویسان عصر خود و در خط نستعلیق شاگرد میر هبه الله کاشانی بود . میر معز شعر می گفت و « معزی » تخلص می کرد .

اورا به مهارت در هنر و مکارم اخلاق ستوده اند :

صاحب مجمع الخواص گوید که جوانی بسیار ملایم و مصاحب و خوش طبع

و خوش سلیقه است .

صاحب گلستان هنر گوید که پیوسته به گشت بازاری می پرداخت و مردی فانی و لاابالی بود .

تقی الدین کاشانی معاصروی، در تذکره خلاصه الشعرا خود، او را به سحاسن آداب و تواضع و کسر نفس، ستوده گوید که بهر صنعتی و بهر شیوه‌ی از خط که میل کرد، در اندک فرصتی آن را چنان حاصل کرد که استادان، درسی سال آن چنان نتوانند و صاحب هر شیوه، خط خود را از خط‌وی تشخیص ندهد. در جمیع خطوط ماهر بود، ولی بیشتر میل به نستعلیق داشت .

صاحب مناقب هنروران بنقل قول از مالک دیلمی، گوید که وی استاد مسلم عصر و در عراق بی مانند است و خود گوید که خطش دلپذیر و عزیز است .
(این قول صاحب مناقب هنروران ظاهراً اشاره به مفاد مقدمه مرقعی است که در ترجمه احوال مالک دیلمی عیناً نقل کردیم و متأسفانه قسمت آخر آن مقدمه، آنجا که باید ذکر خوشنویسان معاصر مالک و از جمله ترجمه میر معز باشد، ساقط است) .

در مآثر رحیمی آمده است که یک مثنوی بنام خان خانان، عبدالرحیم خان سروده بودند؛ آن را بکاشان نزد میر معز فرستادند، او آنرا استکتاب کرد و نزد خان خانان فرستاد و یک لک روپیه جایزه دریافت .

تقی الدین کاشانی، باین مطلب اشاراتی دارد که در ضمن ستایش از هنر او، آورده است: « در وادی نستعلیق از جمله استادان است، بلکه قدوه ایشان و شهرتش در آن فن، در ربع مسکون درجه‌ی دارد که مزیدی بر آن متصور نیست، چنانکه قطعه‌های پر زینت و زینت‌ش به مرتبه‌ی رسیده که سلاطین صاحب تمکین، از اقصی بلاد عالم، رسولان به دار المؤمنین کاشان فرستاده، مرقعات معجز آیاتش را می طلبند و در این اوقات لطافت و پختگی خطش به جایی رسیده که هزار بیت کتابتش را با انتظار پیش از حد به ده هزار خریداری می نمایند .»

صاحب عالم آرای عباسی هم شاید با توجه باین خوش بینی تقی الدین و مبالغه در تمجید خط میرمعز اشاره دارد که گوید : اعتقادی که اهل کاشان و عراق بخط وی داشتند ، خالی از صحت است ، و بخوشنویسان خراسان ، مانند خواجه محمود شهابی و میرزا سید احمد شهدی ، برابری نمی کرد .

اگرچه تقی الدین در حسن خط میرمعز ، شاید بمناسبت هم شهری بودن ، راه مبالغه پیموده است ؛ ولی قول صاحب عالم آرا نیز روانیست . زیرا که از آثار خطوط جلی و خفی موجود میرمعز و مقایسه و مطابقه با خطوط محمود شهابی و سید احمد شهدی ، بخوبی میتوان دریافت که مایه و استواری و ملاححت و شیوایی خط او ، بخط خواجه محمود ، برتری دارد و از خط میرزا سید احمد که در کتابت استاد مسلم است ، فروتر نیست ؛ و از قطعات متعددی که بخط وی دیده ام ، یکی که در کتابخانه خزینة اوقاف استانبول است و تاریخ سال ۹۸۱ دارد و بقلم سه دانگ نوشته از جمله بهترین قطعات خطوط نستعلیق است و درجه ممتاز دارد .

صاحب مناقب هنروران از جمله شاگردان میرمعز ، نام : محمد تقی مروارید و ملا مظفر علی و ملا هدایت الله اصفهانی و مهدی قولی و ایلچی ابراهیم را ، ذکر کرده است .

تاریخ وفاتش را صاحب گلستان هنر سال ۹۹۰ و صاحب مناقب هنروران ۹۹۰ ضبط کرده اند .

بعض تذکره نویسان متأخر ، شرح زندگی میرمعز را با میرمعز دیگری که یزدی بوده است ، خلط کرده و گفته اند که در زمان شاه عباس اول به هندوستان رفت و در دوره اکبر پادشاه و جهانگیر پادشاه در آن سرزمین اقامت کرد و ملازم شاهزاده پیروز شد و بسال ۱۰۳۰ . مقتول گردید ؛ در صورتی که تذکره نویسان معاصری مانند صاحب عالم آرای عباسی و گلستان هنر و مجمع الخواص ، او را از خوشنویسان دوره شاه طهماسب دانسته و اشاره یی به مسافرت او به هندوستان نکرده اند . شاید این

سهوا از اینجا حاصل شده باشد که صاحب گلستان هنر گوید که : خطوط او هرچه نوشت ، تجار بهندوستان بردند و بهای گزاف فروختند .

میرزا سنگلاخ ، بحسب معمول خود ، اخباری جعل کرده و باونسبت داده و او را به «صدر آفاق» ملقب ساخته است و گوید که شاگرد طرف توجه محمدحسین تبریزی و مورد طعن میرعماد بود و در معارضه میرمعز با میرعماد ، شاه عباس و علی رضای عباسی ، از محمدحسین جانب داری کردند . که خافت این اقوال روشن است و همین قدر باید دانست که در سال مرگ میرمعز ، هنوز میرعماد پدربار شاه عباس راه نیافته بود .

از اشعارش قطعه بی است که چون ذکر چند تن از خوشنویسان معاصر پیش از خود را در آن کرده است ؛ عیناً نقل می شود :

فرید خطه خط سید احمد مشهد

که دست قدرتش از روی خط گشود نقاب

وحید دهر محمد حسین تبریزی

که از سحاب قلم می نشاند در خوشاب

دو خوشنویس چو سلطان علی و میرعلی

بشان و مرتبه چون ابن مقله و بوآب

ز رشحه قلم مشکبار این هر دو

چو شد صحایف آفاق پر ز زینت و تاب

معزی از پی تاریخ شد بخواب شبی

درین خیال که خوابش ربود دید بخواب

که آن دو کاتب قدرت نویس را تاریخ

نوشت کاتب تقدیر ، (قبله الکتاب)

که مقصود از دو کاتب ، سید احمد مشهدی و محمدحسین تبریزی است و تاریخ

وفات آنها می شود سال ۹۸۶ . این قطعه در ترجمه سید احمد مهدی آمده است ؛ ولی چون این قطعه با آنکه سابقاً ذکر شد ، جزئی اختلاف در بعضی الفاظ و شماره ایات دارد ، آنرا نیز از مجموعه خطی متعلق بخود ، که تاریخ کتابت آن ۹۹۰ است ، نقل نمود . . .

از خطوط میرمعز دیده ام :

یک نسخه مقالات خواجه عبدالله انصاری ، بقلم دودانگ عالی ، با رقم و تاریخ : « کتبه الفقیر المذنب معزالدین محمدالحسینی الکاتب ، سنه ۹۸۵ » در کتابخانه سلطنتی ، تهران^۴

یک قطعه از مرقع ، بقلم سه دانگ خوش ، با رقم و تاریخ : « کتبه معزالدین محمدالحسینی ، سنه ۹۸۷ » در همان کتابخانه ؛

۱۷ قطعه از مرقعات مختلف ، بقلمهای از چهار دانگ تا کتابت عالی و خوش ، با رقمهای : « کتبه معزالدین محمدالحسینی » و تاریخهای : ۹۸۴ و ۹۸۷ و جزو همین قطعات بهترین خطی که از او دیده ام ، بقلم سه دانگ جلی ممتاز ، با رقم و تاریخ : « کتبه معزالدین محمدالحسینی ۹۸۱ » در کتابخانه خزینه اوقاف ، استانبول ؛

یک قطعه از مرقع محمد صالح ، بقلم سه دانگ و کتابت خوش ، با رقم و تاریخ « مشق معزالدین محمدالحسینی ، فی سنه ۹۶۸ » در همان کتابخانه ؛

یک قطعه از مرقع امیر غیب بیک ، بقلم سه دانگ و کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : « العبد معزالدین محمدالحسینی غفر ذنوبه ، سنه ۹۶۲ » در همان کتابخانه ؛

دو قطعه از مرقع مالک دیلمی ، بقلم سه دانگ و دودانگ و کتابت خوش ، با رقم و تاریخهای : « کتبه معزالدین محمدالحسینی غفرالله ذنوبه و ستر عیوبه ، فی سنه ۹۶۲ » و « کتبه معزالدین محمدالحسینی ۹۷۶ » در همان کتابخانه ؛

یک قطعه بقلم چهار دانگ جلی خوش ، بشیوه میرعلی هروی ، بقلم نیم دو دانگ عالی ؛ بارقم و تاریخ : « کتبه العبد المذنب معزالدين محمد الحسيني الکاتب غفر ذنوبه : فی سنه ۹۷۱ » در کتابخانه عموسی لنینگراد ؛

یک قطعه ، بقلم دو دانگ جلی خوش ، بارقم و تاریخ : « کتبه معزالدين محمد الحسيني ۹۸۴ » در مجموعه آقای کریم زاده ؛

دو قطعه ، بقلم دو دانگ جلی خوش ، بارقم : « کتبه معزالدين محمد الحسيني » و تاریخ : سنه ۹۸۵ و ۹۸۷ ؛ در مجموعه نگارنده .

محمد کاظم = کاظم - آقا
محمد کاظم = کاظم طهرانی

۱۲۱۴) محمد کاظم قزوینی

از خوشنویسان گم نام قرن یازدهم است و بخط وی دیده ام :

یک سرقع (قصیده میمیه فارسیه) بقلم نیم دو دانگ خوش ، بارقم و تاریخ : « المحتاج الى رحمة الملك الغني وبشفاعة النبي المكي المدني ، محمد کاظم القزويني ۱۰۷۰ » در کتابخانه دانشگاه ، استانبول ؛

یک قطعه ، بقلم سه دانگ و نیم دو دانگ خوش ، بشیوه میرعماد ، بارقم و تاریخ : « مشقه العبد محمد کاظم غفر الله ذنوبه [.] ۱۰۷۰ » در مجموعه نگارنده .

۱۲۱۵) محمد کاظم واله اصفهانی

ترجمه احوال وی در ضمن شکسته تعلیق نویسان آمده است ، بسال ۱۲۲۹ در گذشته است .

نستعلیق رانیز خوش و استادانه می نوشت و از خطوط نستعلیق وی دیده ام :
یک نسخه شش دفتر مثنوی مولانا ، متن بقلم نستعلیق کتابت خوش و

عنوانها بقلم رقاع کتابت عالی؛ بارقم : «انا العبد محمد کاظم الواله الاصفهانی»
در کتابخانه مجلس شورای ملی، تهران،

یک نسخه کلیات سعدی، بقلم کتابت عالی، که رقم ندارد، ولی در دیباچه کلیات، در یک موضع خارج از متن، این عبارات آمده است: «... و علمای روزگار نصیحت چنانی با بقالی یا قصابی نتوانند گفت، مثل علمای ضعیف النفس دار السلطنه اصفهان، در این عهد که عهد کاتب کتاب محمد کاظم متخلص بواله اصفهانی است، لاجرم روزگار پیوسته بدین نسق در تنزل و ارتفاع... تم الرساله» در مجموعه آقای عبدالحسین مسعود انصاری، تهران.

۱۲۱۶) محمد کرمانی

صاحب مناقب هنروران گوید که بعضی وی را شاگرد عبدالکریم پادشاه دانسته اند؛ ولی اسلوب وی مطابق روش عبدالرحیم امینی است. (به شمس الدین محمد کرمانی نیز مراجعه شود).

۱۲۱۷) محمد کرمانی - شمس الدین

شاید همان محمد کرمانی مذکور باشد و اگر هم او باشد از خوشنویسان نیمه دوم قرن نهم و اوایل نیمه اول قرن دهم است و از آثار وی دیده ام:
یک نسخه خمسہ نظامی، بقلم کتابت خوش، که در پایان بعضی مثنویها دارد: «نجزاتمام کتاب هفت پیکر، فی خامس شهر شریف ذی الحجۃ سنه سبع عشر و تسعمائة بدار السلطنه تبریز، علی ید العبد الفقیر الحقیر شمس الدین محمد کرمانی غفر الله عن سیآته» و «نجزاتمام هذه الكتاب فی یوم الرابع والعشرون من شهر رمضان المبارك سنه خمس عشر و تسعمائة» و «تمت الكتاب... علی ید... شمس الدین محمد الکاتب کرمانی فی عاشور ذی الحجۃ سنه ثمان عشر و تسعمائة، بقصبة اردو باد،

صانها الله عن جميع الآفات» در کتابخانه مجلس شورای ملی ، تهران ؛
 یک قطعہ از مرقع مالک ديلمی ، بقلم نیم دودانگ و کتابت خوش ، با رقم
 و تاریخ : « کتبه العبد المذنب الراجی الی عفوه السبحانی ، شمس الدین محمد
 الکاتب الکرمانی ، بمدينة الهراة ، فی شهر جمیدی الاولی ست عشر و تسعمائة »
 در کتابخانه خزینة اوقاف ، استانبول ؛

۳ قطعہ از مرقع بهرام میرزا ، بقلم نیم دودانگ و کتابت خوش ، با رقم و تاریخ :
 « مشقه العبد شمس الدین محمد الکرمانی ، فی شهر سنه ۱۸۹۱ ثمان عشر و تسعمائة
 بدار السلطنه تبریز » و « مشقه العبد الفقیر الحقیر شمس الدین محمد الکرمانی عفی الله
 عن سیاته » و « کتبه العبد شمس الدین محمد ، فی شهر سنه ثمان عشر و تسعمائة »
 در همان کتابخانه .

۱۲۱۸) محمد کرمانی - شمس الدین

صاحب ریحان نستعلیق گوید که هنگام تألیف کتاب ریحان نستعلیق (سال
 ۹۸۹) هنوز در قید حیات است . بسیار دور بنظر میرسد که این شمس الدین محمد
 کرمانی همان باشد که آثار استادانه او بعضی تاریخ ۱۵۹۱ دارد و ذکر آن گذشت .

۱۲۱۹) محمد کریم شیرازی

از کاتبان گم نام نیمه اول قرن سیزدهم هجری و بخط وی یک ترجمه قرآن
 دیده ام که از دوره فتح علی شاه قاجار است و بقلم کتابت خفی خوش نوشته است و
 رقم دارد : « محمد کریم بن محمد صادق شیرازی » .

۱۲۲۰) محمد کمال نیشابوری

از کاتبان خوشنویس گم نام قرن دهم و بخط وی یک نسخه صد کلمه

حضرت امیر، در کتابخانه حاج سید نصرالله تقوی است، بقلم کتابت خفی خوش، که بشیوه شاه محمود نیشابوری و اندکی فروتر نوشته است. متن کلمات بقلم نیم دو دانگ به لاجورد و زر و ترجمه بقلم مشکی است و چنین رقم و تاریخ دارد: «مشقه العبد المذنب شیخ محمد کمال کاتب نیشابوری غفر ذنوبه و ستر عیوبه، سنه ۹۴۳».

(۱۲۲۱) محمد کوزه کنانی

از منشیان و عمان و کاتبان دربار فتح علی شاه قاجار است، که شعر میگفت و از آثار منظوم او یک مثنوی در کتابخانه سلطنتی است که بخط خود، بقلم نیم دو دانگ خوش نوشته است و چنین تمام می شود: «سالی که مویکب جهانگشا... بعزم تنبیه متمر دین خوارزم و افاغنه هرات و اویماقات هزاره و تکه بسرحدات خراسان نهضت فرما و این بنده در گاه عالمیان پناه محمد منشی کوزه کنانی از رکاب اقدس مأمور بخدمتی در یزد و اصفهان بود؛ این مثنوی در عرض هجده روز بمعرض عرض رسید و هو السلطان... فتح علی شاه قاجار روح العالمین فدا».

(۱۲۲۲) محمد گلپایگانی - میرزا

نسبش به هفت واسطه بشیخ بهاء الدین محمد عاملی میرسد. پدرانش در سلک علما و فضلا بودند و خود او در جوانی بتهصیل علوم متداول پرداخت و کسب کمال کرد. شعر می گفت و «گلشن» تخلص می کرد. خط نستعلیق و شکسته را استادانه می نوشت.

در تهران ساکن بود و مجلس مشق خط داشت و شاگردان بسیار از وی تعلیم گرفته اند.

سپهر سال وفاتش را ۱۲۹۰ ضبط کرده، ولی هدایت در مجمع الفصحا (سال

تألیف ۱۲۸۸) اورا جزو شاعران حی یاد کرده است وحتی در المآثر و الاثار (که بسال ۱۳۰۶ تألیف شده است) اورا جزو آنها که در آن زمان سی زیسته اند آورده است .

از خطوط وی دیده ام :

یک نسخه منتخب دیوان فرخی ، بقلم کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : « کتبه الداعی لآبوالدولة القاهرة الباهرة ، العبد الفقير الحقير الفانی محمد الکلبایکانی . سنه ۱۲۶۷ »

یک قطعه در مجموعه نگارنده است ، بقلم سه دانگ خوش ، که رقم ندارد ولی شادروان امیرالکتاب ملک الکلاسی در پشت آن نوشته است : « خط میرزا محمد کلپایکانی » .

۱۲۲۳) محمد گلستانه - علاءالدین

محمد صالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲۶) وی را از شاگردان پدر خود ابوتراب اصفهانی شاگرد میرعماد دانسته ، گوید ، چندین قلم سیمانستعلیق را خوش سی نوشت .

۱۲۲۴) محمد لاهیجانی - نورالدین

نورالدین محمد لاهیجی معروف به «نورا» از کاتبان و خوشنویسان زبردست قرن یازدهم است و با همه استادی که در خط داشته است ، از تذکره نویسان کمتر کسی متذکر نام ویست و از جمله معدود کسانی که از وی نام برده اند ، یکی محمد صالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲۶) است که در تذکره خود گوید «نورای لاهیجی از شاگردان میرعماد ، بقدرت و پرزور نویسی است و خط مطبوعی دارد» و در لاهیجان بود ، در عهد نواب خاقان رضوان مکان [شاه عباس] ایشان را طلب فرمودند

و بعثت خوشنویسی او را ملازم فرمودند و سی تومان موابب باو عنایت شد.»
 میرزا سنگلاخ درباره وی گوید که ، از معاصران و شاگردان میر عماد بود
 و نستعلیق را از همه شاگردان میر ، بوی شبیه تری نوشت و میر عماد را بوی علاقه
 خاصی بود . هم او گوید که نورا در زمان شاه عباس دستگاه عظیم داشت و از شاه
 مهربانی بسیار می دید . هنگام قتل میر عماد ، نورا رنجیده خاطر از اصفهان به لاهیجان
 رفت ؛ ولی پس از اندک زمانی شاه عباس وی را با اصفهان فراخواند و مأمور کتابت
 قرآنی بخط نستعلیق کرد .

نیز میرزا سنگلاخ گوید که در زمان سلطنت شاه عباس ، نورا در اصفهان
 در گذشته است که البته درست نیست و از خطوط تاریخ داروی تا سال ۱۰۵۰ یعنی
 بیش از دوازده سال پس از مرگ شاه عباس ، موجود است و ظاهراً بین سالهای ۱۰۵۰
 و ۱۰۵۲ باید در گذشته باشد (رجوع شود به ترجمه محمد رضا بن محمد مقیم تبریزی) .
 نورای لاهیجی ، پس از مرگ میر ، ظاهراً شهرت فراوان داشته و به « خوشنویس
 ایران » شهرت داشته ، و خود در قطعه یی متذکر این نکته است و همان قطعه مانند
 بسیاری از دیگر خطوط وی ، شاهد مهارت وی در خط نستعلیق است .

نورا شیوه استاد خود میر عماد را بخوبی پیروی کرد و در خط او علاوه بر
 استواری ، ملاحظتی است که خط غالب خوشنویسان از آن خالی است .

از آثار وی دیده ام :

سه قسم اول از دوره کامل یک نسخه جامع الحکایات محمد عوفی (که
 بقیه اقسام را محمد رضا بن محمد مقیم مذکور است کتاب کرده است) ، بقلم نیم دو
 دانگ خوش ، که در سه مورد چنین رقم و تاریخ دارد : « تم قسم الاول من جامع
 الحکایات و لوامع الروایات . . . فی منتصف ذی حجة الحرام ثمان و اربعین و الف »
 و « تمام شد قسم دوم از کتاب جامع الحکایات و لوامع الروایات . . . فی منتصف
 شعبان سنه خمسین و الف . . . حرره احقر العباد الراجی نورالدین محمد اللاهیجی . . . »

و «تمام شد قسم سوم از کتاب جوامع الحکایات و لوامع الروایات . . . علی یداحقر العباد نورالدین محمد الاهیجی غفرالله ذنوبه و سترعیوبه .» در کتابخانه سلطنتی ، تهران ؛

چهارقطعه ، بقلمهای : چهار دانگ و سه دانگ و دودانگ عالی و خوش ، با رقمها و تاریخ : « کتبه نورالدین محمد الاهیجی » و « مشقه نورا لاهیجی » و « برسم یادگار جهت برادر عزیز خواجه علی بیگ نوشته شد . مشقه نورالدین محمد لاهیجی » در همان کتابخانه ؛

یک نسخه نگارستان قاضی احمد غفاری ، بقلم کتابت خوش ، با رقم : « . . . حیران بی سامانی اعنی بنده شرمنده نورا المنشی الاهیجی » در کتابخانه ملی ، تهران ؛

یک مجموعه دیوان حافظ و دیوان مغربی و دیوان اوحدی و غیره ، بقلم کتابت جلی خوش ، با رقم و تاریخ : « الفقیر نورالدین محمد الاهیجی . . . تمت هذه النسخة الشریفة علی ید اضعف عباد الله الغنی ، نورالدین محمد الاهیجانی فی سنة ۱۰۳۲ من الهجرة .» در کتابخانه آقای دکتر مهدوی ، تهران ؛

یک قطعه ، دودانگ و کتابت خفی ممتاز ، با رقم و یادداشت : « کتبه العبد نورالدین محمد الاهیجی الملقب بخوشنویس ایران غفرالله ذنوبه ، بجهت مجموعه کمالات صوری و معنوی و حید زمان مولانا علی خان خوشنویس سلمه الله تعالی ، مرقوم قلم شکسته رقم شد ، فی سنة ۱۰۳۹ » در مجموعه نگارنده .

۱۲۲۵) محمد لطیف شوخی بخارائی

از شاعران و کاتبان قرن یازدهم ، ترجمه احوالش را نیاورده اند فقط در تذکره طلعت این مطالب آمده است : « بابا شوخی در قرن دهم هجری میزیسته این دو رباعی از اوست . . . »

یکی از این دو رباعی درباره فرزندان او این است :

ای دوست ابوتراب دمساز من است
 حیدر بشکفتگی هم آواز من است
 این هر دو جگر گوشه دو بالند مرا
 بالمشکن که وقت پرواز من است
 و بخط وی یک نسخه کلیات خاقانی در کتابخانه سلطنتی است بقلم کتابت
 متوسط ، که چنین تمام می شود : «قد تمت النسخة . . . تحفة العراقین . . . فی اواخر
 شهر شعبان المعظم سنه ۱۰۱۵ الف وخمسة عشر ، علی ید الضعیف محمد لطیف
 المشهور بشوخی البخاری . . . لمسوده :
 این نسخه که هست رشک طبع مانی
 از سکرمت
 تاریخ سواد او رقم زد شوخی
 اعجاز مسیحای دم خاقانی
 سوده العبد . . . محمد لطیف المشهور بشوخی البخاری ، فی اواسط رجب المرجب
 «۰۰۰۱۰۱۷»

(۱۲۲۶) محمد لواسانی

سپهر گوید که نستعلیق را خوش نوشت و بسال ۱۲۶۹ در گذشت .

(۱۲۲۷) محمد مجد الملک

حاجی میرزا محمد خان مجد الملک از منشیان عصر بود و شعر می گفت و در
 دربار ناصرالدین شاه قاجار بوزارت وظایف و اوقاف رسید و در همان مقام بود که بقول
 سپهر ، صاحب منتظم ناصری بسال ۱۲۹۸ در گذشت .

(۱۲۲۸) محمد مجید - سید

از نستعلیق نویسان عثمانی بود و خط را نزد طوریش زاده و سعید و صادق کاتب زاده تعلیم گرفته است . به «سلای بی زبان» معروف بود .
میرزا حبیب گوید که لوحه «حسبی الله» که در ایاصوفیه آویخته ، خط اوست ولی من آنرا دیده ام و رقم «محمد اسعد الیساری» دارد .
بسال ۱۱۸۱ در گذشت و در خارج شهر ادرنه در مقابل چشمه روح ، بخاک سپرده شد .

محمد محسن آبشوری = زین العابدین آبشوری

(۱۲۲۹) محمد محسن امامی اصفهانی

از ثلث نویسان زمان شاه سلیمان و شاه سلطان حسین صفوی است ، که خط نستعلیق را نیز خوش می نوشته است ، ولی نه بشیوائی خط ثلث .
گویند در خط نستعلیق شاگرد ابوتراب اصفهانی بوده است .
سپهر وی را از سادات اصفهان دانسته گوید که معروف به «آقا محسن چلاغ» بود و بسال ۱۱۵۵ در گذشت ؛ که نباید این تاریخ درست باشد ، زیرا که در این صورت بیش از یکصد سال باید زیسته باشد .

آثار خطوط ثلث وی ، در جای خود خواهد آمد و از خطوط نستعلیق وی ، کتیبه لوحه سنگی است ، در ایوان امام زاده اسمعیل اصفهان ، بقلم دودانگ کتیبه خوش ، بارقم : «... شاه سلطان حسین ... کتبه محمد محسن بن علی نقی الامامی

« ۱۱۱۴ » .

(۱۲۳۰) محمد محسن خاتونابادی

از کاتبان قرن یازدهم و بیخط وی یک نسخه شفای ابن سینا در کتابخانه مدرسه سپهسالار است ، بقلم کتابت خفی متوسط ، که چنین تمام می شود : « تم فی عشرين شهر محرم الحرام سنة ثلث وخمسين والف هجرى نبوى ، بيد العبد المذنب الخاطي محمد محسن بن محمد حسين الخاتونابادي » .

(۱۲۳۱) محمد محسن خفري

از کاتبان گم نام قرن سیزدهم و بیخط وی یک نسخه جوگ در کتابخانه سلطنتی است ، بقلم کتابت خفی متوسط ، که چنین تمام می شود : « تمت الكتاب .. فی بیست و دوم شهر جمادی الثانی سنه ۱۲۵۷ ، بجهت پیش کش ... السلطان محمد شاه غازی ... حسب الفرمایش نایب الایاله [فرهاد سیرزاد معتد الدوله] .. سمت اتمام پذیرفت . اقل الکاتبین محمد محسن الخفري غفر الله ... » .

(۱۲۳۲) محمد محسن قاینی

از کاتبان گم نام قرن دهم و بیخط وی یک نسخه خسرو و شیرین وحشی ، وقتی دیده ام ، بقلم کتابت خفی متوسط ، بارقم و تاریخ : « تمت الكتاب .. کتبه محمد محسن القاینی ۹۱۲ » .

(۱۲۳۳) محمد محسن مصور

از کاتبان خوشنویس زبردست گم نام قرن نهم و دهم و بیخط وی یک نسخه دیوان حافظ درسوزه کابل است که برای سلطان حسین میرزا با یقرا (۸۴۲-۹۱۱) بقلم کتابت جلی عالی ، استکتاب کرده است .

۱۲۳۴) محمد محسن هروی

از خوشنویسان گم نام قرن دهم است و شاید همان باشد که بدون ذکر نسبت میرزا حبیب او را شاگرد میر محمد باقر بن میر علی هروی دانسته است .
از آثار وی دیده ام :

یک قطعه از مرقع ، بقلم نیم دودانگ و کتابت خوش ، بارقم و تاریخ : « کتبه المذنب محمد محسن الکاتب غفر ذنوبه ، تحریر آفی شهر رجب المرجب سنة ثلاث وثمانین وتسعمائة » در کتابخانه سلطنتی ، تهران ؛

یک قطعه ، بقلم دودانگ خوش ، بارقم : « مشقه محمد محسن غفر له » در مجموعه نگارنده ؛

یک نسخه منتخب اشعار جامی ، بقلم کتابت متوسط ، که چون تمام می شود : « کتبه العبد المذنب محمد محسن غفر ذنوبه » در کتابخانه دانشگاه ، استانبول ؛

و در یک موضع دارد : « لکاتبه . . . معما باسم احمد ویوسف ، در این بیت سی اسم دیگر استخراج پذیرفته » که معلوم می شود معمائی بوده و شعری گفته است .
یک نسخه نصیحت نامه خواجه عبدالله انصاری ، بقلم نیم دودانگ خوش بارقم : « کتبه محمد محسن الهروی غفر ذنوبه » که وقتی برای فروش عرضه شده بود ؛
یک قطعه از مرقع ، بقلم دودانگ و نیم دودانگ خوش ، بارقم : « بدار السلطنه هرات تحریر یافت ، فقیر المذنب محسن الکاتب الهروی » در کتابخانه خزینه اوقاف ، استانبول ؛

مرقعی در کتابخانه خزینه اوقاف استانبول است که مجموعه یی از قطعات خطوط و تصویرهای برگزیده عالی استادان خط نستعلیق و جامع آن مرقع ظاهراً همین محمد محسن است که دیباچه و مقدمه یی بقلم دو دانگ خوش بر آن نوشته است .

این مرقع نیز مانند مرقع امیر غیب بیک و . . . با مقدمه یی شروع و بختامه یی

بانشاء محمد محسن تمام می شود ؛ که نقل مطالب تاریخی آن را درباره هنرمندان و تاریخ هنر خط ، بی فایده ندید و با صرف نظر از دیباچه و خاتمه ، مطالب آنرا عیناً می نگارد :

« . . . و یکی از لطایف آن ، آنست که با ساسی خوشنویسان مزین است و ذکر خطوط سته و مأخذ آن و مخترع آن مشروح و مبین .

برضا میرا باب بصایر پوشیده نماند که اول کسی که از تحریر آثار روحی الهی و اوامرو نواهی حضرت رسالت پناهی (ص) مرسته دار دیده اولوالبصار را روشن فرموده ، شاه ولایت بوده ، سلام الله علیه ؛ و جمعی که بعد از آن حضرت بشرف ، علم بالقلم ، شرف گشته بودند و تتبع خامه عنبرین شمامه آن آن حضرت را بخط کوفی مزاولت می نمودند ؛ تا در سنه عشر و ثلاثمائة ، ابن مقلاه خطوط سته که ثلث و نسخ و رقاع و توقیع و محقق و ربیعان باشد ؛ استخراج از خط کوفی نموده است .

و علی بن هلال که به ابن بواب اشتها دارد ، سرآمد شد و نساخان جهان و خوشنویسان زمان ، ریزه چینان خوان ایشانند .

و واضع خط نستعلیق ، مولانا سیرعلی التبریزی است . و عبدالله ولداو بی نظیر شد . و شاگرد او مولانا جعفر است . و شاگرد او مولانا اظهر . و شاگرد او مولانا سلطان علی المشهدی است که خط او از خطوط ممتاز و از تعریف معرفان بی نیاز است . و شاگردان او مولانا سلطان محمد نور و مولانا سلطان محمد خندان و مولانا محمد ابریشمی و مولانا محمد قاسم شادیشاه و مولانا زین الدین محمود و شاگرد او مولانا سیرعلی است که خط او بخط مولانا سلطان علی مشهدی برابرست ، بلکه باعتباری پیش تر .

و جمعی که روش مولانا سلطان علی دارند ، مولانا سلطان علی قاینی و مولانا سلطان علی سبز مشهدی و مولانا شاه محمود نیشابوری و مولانا عبیدی نیشابوری است . و جماعتی که شاگرد مولانا میرعلی اند ، محمد باقر ، ولد او و خواجه محمود اسحاق الشهابی و سیرسید احمد الحسینی و مولانا مالک دیلمی و مولانا یاری البخاری است . و حالا کسی که در روش تتبع بمولانا سیرعلی می نماید ، مولانا بحیبی است و مرقع ملمع زمان بوجود بعضی ایشان مزین است .

و مولانا عبدالرحمن الخوارزمی تغییر در روش این طایفه نموده ، دوپسراو سرآمد شدند ، یکی عبدالرحیم مشهور به اسینی^۱ و یکی عبدالکریم المعروف بیادشا . و طرز خط

۱- این کلمه در نوشته مرحوم بیانی انیسی هم خوانده میشود .

ایشان بروش امینی مشهورست و اکثر کتاب دارالملک شیراز تتبع ایشان می کنند . امید چنان است که بموجب مضمون نصیحت بقرون من کتب بحسن الخط بسم الله الرحمن الرحيم ، دخل الجنة بغير حساب « کاتبان افعال عباد سیات این طایفه را بگزینک عفو، حکم و اصلاح نموده داخل حسنات ایشان گرداند . آمین یا رب العالمین . کتبه الفقیر المذنب ، محمد محسن غفر ذنوبه و ستر عیوبه ، فی بلدة هرات ، حمیت عن الافات و البلیات ، سنة تسعین و تسعمائة الهجرية » .

(۱۲۳۵) محمد محیط

از کاتبان دربار همایون پادشاه هندوستان (۹۶۲-۹۳۷) بود و از این پادشاه لقب « کاتب الملک » داشت . نستعلیق را خوش می نوشت و بقول صاحب تذکره حسین شعری گفت : « دبیری » تخلص می کرد .

(۱۲۳۶) محمد مراد کشمیری

در جوانی سوداگری می کرد و مایل بخط نستعلیق شد و از محمد حسین کشمیری تعلیم خط گرفت و ترقی کرد و در دربار جهانگیر پادشاه و شاه جهان راه یافت و اکثر کتبه های عمارات سلطنتی آن دو پادشاه را بخط خود می نوشت . صاحب مرآة العالم ، خط او را در رتبه قرین محمد حسین کشمیری و صاحب شاه جهان نامه ، ثانی سلطان علی و میر علی ، گرفته اند . در شاه جهان نامه وی مخاطب « شیرین قلم » و در مرآة العالم و واقعات کشمیر « زرین قلم » است .

از خطوط وی دیده ام :

یک قطعه ، بقلم چهار دانگ خوش ، بارقم : « کتبه محمد مراد » در مجموعه

آقای خان ملک ساسانی ، تهران ؛

چهار قطعه از یک مرقع ، بقلم پنج دانگ و دودانگ و نیم دودانگ خوش ،
 بارقم : «العبد المذنب محمد سراد غفر ذنوبه» در کتابخانه آستان رضوی ، مشهد ؛
 یک قطعه از یک مرقع ، بقلم دودانگ و کتابت خوش ، بارقم : «کتبه العبد
 المذنب محمد سراد غفر الله ذنوبه و ستر عیوبه» در کتابخانه بادلیان ؛
 چهار قطعه از یک مرقع ، بقلم سه دانگ خوش ، با رقمهای : «اقل العباد
 محمد سراد» و «اقل العباد کشمیری» در کتابخانه دانشگاه ، استانبول ؛
 یک قطعه از مرقع ، بقلم دودانگ و کتابت خوش ، بارقم : «کتبه العبد
 المذنب محمد سراد الکشمیری» در مجموعه مرحوم پرفسور محمد شفیع ، لاهور .

(۱۲۳۷) محمد مراغی

از خوشنویسان گمنام قرن نهم و مرقعی بخط وی درموزه آثار اسلامی و ترک
 است که مضمون آن صد کلمه حضرت امیر و ترجمه رشید و طواط است و کلمات آن
 با قلام مختلف بریده شده است ، از جمله ، نستعلیق چهار دانگ و دودانگ متوسط ،
 بارقم : «تم الكتاب . . . علی یدی . . . محب الفقراء والمساکین و ثراب اقدامهم ،
 العبد محمد بن سیدی احمد بن علی الصوفی المراغی ، فی سنة ۸۷۶» .

(۱۲۳۸) محمد مسعود

از خوشنویسان گمنام اوایل قرن دهم و اوایل قرن یازدهم است و بخطوی
 قطعه بی دارم ، بقلم سه دانگ و کتابت جلی عالی ، که چنین رقم دارد : «کمترین
 غلام زادگان محمد مسعود» .

(۱۲۳۹) محمد مسعود - شیخ

فرزند حافظ محمد معصوم پنجابی است . پدرش در عهد محمد شاه هندی

از پنجاب به دہلی مهاجرت کرد و در این شهر ساکن شد و شیخ محمد مسعود در این شهر متولد گردید . خط نستعلیق و شکستہ را خوش می نوشت و بقول صاحب صبح گلشن شعر می گفت و «معنی» تخلص می کرد .

(۱۲۴۰) محمد مسیح شیرازی

از کاتبان خوشنویس زبردست گم نام قرن یازدہم و بخط وی یک نسخه دیوان حافظ در کتابخانہ مجلس شورای ملی است ، بقلم کتابت خفی نزدیک بغبار عالی با تاریخ ورقم : « بتاریخ پنجم شہر رجب المرجب سنہ ۱۰۷۲ سمت تحریر یافت . کتبہ العبد المذنب الراجی ، ابن مولانا نویدی ، محمد مسیح شیرازی . غفراللہ ذنوبہما و ستر عیوبہما » .

(۱۲۴۱) محمد مصور - شیخ

از خوشنویسان و نقاشان گم نام قرن دہم و ظاہراً از شاگردان میر علی ہروی بودہ است و بخط وی دیدہ ام :

یک قطعہ از سرقع محمد صالح ، کہ قطعہ شعر معروف میر علی را چنین نقل کردہ است : «نقل از خط شریف حضرت استادی مخدومی ، امیر علی علیہ الرحمۃ :

عمری از مشق دو تا بود قدم ہمچون چنگ

تا کہ خط من بیچارہ بدین قانون شد

طالب من ہمہ شاہان جہانند و مرا

در بخارا جگر از بہر سعیشٹ خون شد

سوخت از غصہ درونم ، چکنم ، چون سازم

کہ سرا نیست ازین شہر ، رہ بیرون شد

فقیر شیخ محمد مصور غفر ذنوبہ و ستر عیوبہ ، فی شہد مقدس حضرت امام علیہ السلام

۹۷. « در کتابخانه خزینة اوقاف ، استانبول ؛

یک قطعه از سرقع سید احمد مشهدی ، بقلم سه دانگ خوش ، با رقم : « فقیر

شیخ محمد مصور » در همان کتابخانه .

(۱۲۴۲) محمد مطلع شیرازی

فرزند میرزا محمد صادق معلم بود و نستعلیق را خوش سی نوشت و شعر میگفت

و « مطلع » تخلص سی کرد . نزد صاحب آثار عجم درس خوانده بود .

(۱۲۴۳) محمد بن مطهر نیشابوری

از کاتبان دربار بایسنغر میرزای گورکانی و بخط وی یک نسخه شاهنامه

فردوسی و خمسة نظامی ، در کتابخانه ملک ، تهران است ، بقلم کتابت متوسط ،

که در پشت صفحه اول آن نوشته است : « برسم خزانه الکتب السلطان الاعظم . .

غیاث السلطنة والدنیا و الدین بایسنغر بهادرخان خلدالله ملکه و سلطانه » و چنین

رقم و تاریخ دارد : « تم الكتاب علی ید اضعف عباد الله و احقرهم ، محمد بن مطهر

بن یوسف بن ابی سعید القاضی النیسابوری ، بدار السلطنة هراة ، حمیت عن الآفات

فی شعبان سنة ۸۳۳ » .

(۱۲۴۴) محمد معصوم بخاری - میر

از سادات حسینی بخارا و بقول صاحب مناقب هنروران ، شاگرد میر علی هروی

بود و بسال ۹۷ در گذشت .

از آثار وی دیده ام :

یک قطعه از سرقع ، بقلم دو دانگ خوش ، با رقم « کتبه محمد معصوم » در

کتابخانه سرکاری رامپور ؛

یک قطعه از مرقع ، بقلم سه دانگ و نیم دو دانگ خوش ، بارقم : « کتبه
محمد معصوم الحسینی » در کتابخانه خزینة اوقاف ، استانبول .
(به ترجمه محمد بن ملا میر رجوع شود) .

(۱۲۴۵) محمد معین الدین تبریزی

در دانشمندان آذربایجان آمده است که ، از شاگردان خوشنویس میرعلی
وازشعرای قرن دهم هجری بود و شعر می گفت و « شریفی » تخلص می کرد .

(۱۲۴۶) محمد مقیم تبریزی - میر

فرزند میر شاه میر است که اصلاً تبریزی و ساکن عباس آباد اصفهان بود .
محمد مقیم با فرزند خود ، سید علیخان جواهر رقم ، به هندوستان منتقل شد و
در دوره سلطنت شاه جهان (۱۰۳۷-۱۰۶۹) شهرتی داشت .

محمد مقیم از شاگردان میر عماد بود و کتابت خفی را خوش می کرد .
در دهلی ، در کالی مسجد بسر می برد و شاگردان بسیار بگرد خود داشت .
در مرآة العالم است که غالب شاگردان وی در خوشنویسی سرآمد شدند .

محمد مقیم ظاهراً قبل از انتقال به هندوستان ، کتابدار شاه عباس ثانی صفوی
(۱۰۵۲-۱۰۷۷) بود و تا سال ۱۰۶۴ نیز بر سر این کار بوده است . در پشت یک
نسخه جنگ بخت شفیعا ، در کتابخانه حاج سید نصرالله تقوی ، بخط نستعلیق
کتابت خفی خوش نوشته شده است : « بدستور فقیر خانه زاد ، نادر العصر مولانا
محمد شفیع ، هنگام مراجعت اردوی معلی ، از خطه مازندران بهشت نشان ،
بصوب باصواب دارالسلطنه قزوین ، پرداخت ، در بلده طهران بنظر کیمیا اثرنواب
کامران کامکار رسانید . جزو کتب خاصه شد ، فی سنه ۱۰۶۴ ، حرره محمد مقیم
کتابدار .»

از خطوط وی دیده‌ام :

یک کقطعه ، بقلم دودانگک خوش ، با رقم و تاریخ : « بتاریخ بیست و دوم رجب نوشته شد ، فقیر محمد مقیم » در موزه باستان شناسی ، دهلی ؛
 یک کقطعه در سرقعی ، که مقابل یک کقطعه عالی از خطوط رشیدا ، سوره فاتحه را عیناً نقل کرده بود و دست کم از آن نداشت ، با رقم : « کتبه العبد المذنب محمد مقیم الحسینی غفر ذنوبه » در دست فروشنده‌ای ، در تهران ؛
 یک کقطعه ، بقلم سه دانگک و نیم دودانگک خوش ، با رقم : « شقه الفقیر المذنب الراجی محمد مقیم الحسینی غفر ذنوبه » در مجموعه آقای کریم زاده ، تهران .

(۱۲۴۷) محمد بن ملا میر حسینی

از کاتبان گم نام قرن دهم و یازدهم است و بخط وی دیده‌ام :

یک ک نسخه دیوان کمال الدین اسمعیل ، بقلم کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : « تمت الكتاب . . . علی يد العبد . . . محمد بن صلاح میر الحسینی الاستادی . . . تحریراً بتاریخ شهر ذی الحجة الحرام سنة . ۱ . ۱ » در کتابخانه سلطنتی ، تهران ؛
 یک ک نسخه خمسة نظامی ، بقلم کتابت متوسط ، با رقم : « کتبه محمد بن ملا میر » ، در همان کتابخانه ؛

یک ک نسخه سبعة امیر خسرو دهلوی ، بقلم کتابت خفی خوش ، با تاریخ و رقم : « تحریر آفی شهر سنه ۱۰۳۸ ، کتبه . . . محمد بن ملا میر الحسینی الاستادی » در کتابخانه ملی ، تهران ؛

یک ک نسخه حدیقه سنائی ، بقلم کتابت خفی خوش ، با رقم و تاریخ : « تممة الكتاب . . . فی الشهور سنه ۱۰۲۳ ، کتبه الفقیر المذنب محمد بن ملا میر الکاتب غفر ذنوبهما و ستر عیوبهما » در کتابخانه مجلس شورای ملی ، تهران ؛
 که معلوم می شود ملا میر پدر این کاتب نیز خوشنویس بوده و فرزند از پدر تعلیم خط گرفته است .

در آخر یکی از مثنویهای این نسخه ، چنین رقم شده است : « تمت الكتاب فی تاریخ شهر ذی قعدة ، الداعی محمد معصوم الکاتب » که اگر این مثنوی بخط محمد معصوم بخاری سابق الذکر باشد ، وفات وی در سال ۹۷۰ که صاحب مناقب هنروان متذکر است ، دشواری نماید .

(۱۲۴۸) محمد بن ملک آراء

در پشت کتابی از کتابخانه آقای سلطان القرائی ، بخط کتابت خفی خوش ، تصدیق کرده ، که نسخه بخط بابا شاه است . ظاهراً از خوشنویسان و کاتبان قرن سیزدهم است .

(۱۲۴۹) محمد منیر - میر

از کتیبه نگاران عثمانی و بخطوی لوحه بی درموزه آثار اسلامی و ترک استانبول است ، بقلم یک دانگ کتیبه خوش ، بارقم : « نمقه میر محمد منیر » .

(۱۲۵۰) محمد موسی سرهنندی - میر

در دوره محمد شاه هندی (۱۱۳۱-۱۱۶۱) در سلک خوشنویسان بود و از شیوه میر عماد پیروی می کرد . غلام محمد هفت قلمی گوید که هم قطعه را خوش می نوشت و هم کتابت نیکوسی کرد .
از خطوط وی یک قطعه درموزه باستان شناسی دهلی است ، بقلم دودانگ و کتابت خوش ، بارقم : « العبد المذنب محمد موسی الحسینی غفر ذنوبه » .

(۱۲۵۱) محمد مؤمن

از کاتبان گمنام قرن دهم و یازدهم و معاصر محمد مؤمن هروی آتی الذکر است .

بخط وی دیده ام :

یک نسخه فرهنگ جهانگیری ، بقلم کتابت متوسط ، بارقم و تاریخ : « کتبه
العبد المذنب محمد مؤمن ، بتاريخ شهر ربيع الاول سنة ۱۰۳۲ . ۱ » در کتابخانه سلطنتی ،
تهران ؛

یک نسخه دیوان بابا فغانی ، بقلم کتابت خوش ، که چنین تمام می شود :
« حسب الامر میرزائی صاحبی بخدوم زادگی ، میرزا ابوتراب ، سلمه الله تعالی نوشته
شد ، حرره العبد محمد مؤمن » در کتابخانه آقای سلطان القرائی ، تهران .

(۱۲۵۲) محمد مؤمن اکبر آبادی - میر

فرزند میر عبداللہ مشکین رقم خوشنویس است . دارا شکوه بن شاه جهان ،
اورا بتعلیم خط فرزند خود ، سلیمان شکوه گماشت و با اینکه دستگاہی بهم آورد ،
از خدمت کناره گرفت و بگوشه گیری میل کرد و در همان حال باز از دربار وظیفه
خود را دریافت می داشت . تا در سنین نود سالگی بسال ۱۰۹۱ در گذشت .
در صبح گلشن است که شعر می گفت و « عرشی » تخلص می کرد .
از خطوط وی ، یک قطعه ، بقلم سه دانگ جلی و نیم دو دانگ عالی در کتابخانه
ملی پاریس است ، بارقم و تاریخ : « الفقیر الحقیر محمد مؤمن الحسینی غفر ذنوبه و
ستر عیوبه ۱۰۷۳ » .

(۱۲۵۳) محمد مؤمن کرمانی

فرزند خواجه شهاب الدین عبداللہ سروارید کرمانی بیانی خوشنویس و منشی
و شاعر ، وزیر سلطان حسین میرزا با یقراست .
محمد مؤمن را بفضایل نفسانی و سخندانی و سخن شناسی و استقامت طبع ،
ستوده اند .

محمد مؤمن در ابتدای زندگی بخدمت حبیب الله (که حبیب السیر بنام وی تألیف شده است) آمد و بواسطه ابراز لیاقت و دانش و هنر، بدربارشاه اسمعیل اول صفوی معرفی شد و پادشاه صفوی، وی را به معلمی ابوالنصر سام سیرزا، گماشت و این شاهزاده در تحفه ساسی آورده است که: «اگر شمه یی از فضایل او سپین گردد، کتابی شود معین، من در خدمت ایشان درس خوانده ام و اندک سیاه و سفیدی که فرق می توانم، از برکت ایشان است. درهرات و شیراز با من بود و منصب صدارت مرجوع بدیشان.»

محمد مؤمن بعدها به دربارشاه طهماست پیوست و تا سال ۹۴۷، در دربار شاه طهماسب بود و از آن تاریخ بقول صاحب مرآة العالم، از شاه رنجیده شد؛ و بقول سام سیرزا «بواسطه بعض امور» متوجه هندوستان گردید. و ظاهراً «بعض امور» همان آزرده گی اوست که در غزلی چند سروده است:

بس که گردون همچو خود میخواست سرگردان مرا

عاقبت کرد از غمت سرگشته دوران مرا

بس که خون پالاست چشمم بی تو، خواهد شد خراب

شهر مستی دم بدم از موج این طوفان مرا

محمد مؤمن سالی در هندوستان زیست و بسال ۹۴۸ در همان دیار درگذشت.

محمد مؤمن در زمان حیات خود، استاد مسلم شناخته شده است و صاحب حبیب السیر گوید که «در تحریر خطوط اصول بدرجه یی رسیده که حالا در عراق و خراسان تماسی خوشنویسان، آن جناب را مسلم می دانند و رشحات خاصه مشکین شماسه اش را، سرمشق خود می سازند.»

وی یکی از چند تن خوشنویس زبردست و استاد مسلم است که در هفت

قلم استاد مبرز محقق طراز اول می باشد و در خطوط اصول، بالاترین مقام را دارد و خط نستعلیق او، اگرچه از سایر اقلام فروتر است، از خوشنویسان عصر این قلم است.

از آثار گرانبهای کم نظیر این هنرمند مرقع عظیمی بوده که ظاهراً برای شاه طهماسب آن را فراهم ساخته بوده و در چند موضع متذکر است : « اللهم ابد دولة الخاقان الذي افتخر بتقبيل عتبه ملوك العرب والعجم ، ابوالمظفر شاه طهماسب بهادرخان . . . » و این مرقع بعدها متفرق شده و بسیاری از صفحات آن در ضمن سه مرقع دیگر (که آنها را بنام «مرقع مالک دیلمی» و «مرقع سید احمد مشهدی» نامیده ایم و شرح آنها گذشت و مرقعی در کتابخانه دانشگاه استانبول) صحافی شده و موجود است .

این مرقع در اصل از نفایس آثار خطوط بوده است ، که بدین جامعیت ، از حیث تنوع خطوط و استقامت و استواری و سلاحت و لطافت و حسن سلیقه ، از کاتب واحدی ، کم نظیر است و اوراق باقیمانده آن ، نماینده کمال دوره کامل آنست . آنچه از خطوط غیر نستعلیق در این مرقع بوده است ، در جای خود خواهد آمد و خطوط نستعلیق آن عبارتست از :

یک صفحه ، نیم دودانگ خوش ، با رقم : « کتبه محمد مؤمن » ؛

دو صفحه ، بقلم سه دانگ و کتابت خفی خوش ، با رقم و تاریخ : « مشقه

افقر العباد . . . محمد مؤمن بن عبدالله ۹۲۰ » و « مشقه . . . محمد مؤمن بن عبدالله

المروارید غفرله ، فی شهور سنه ۹۲۰ » ؛

دو صفحه ، بقلم کتابت خوش ، با رقم : « السلطان بن السلطان ابن السلطان

ابوالمظفر شاه طهماسب بهادرخان الصفوی الحسینی ، کتبه اقل عباد من هو اسمہ

الشریف محمد مؤمن عبدالله » ؛

یک صفحه ، بقلم کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : « مشقه العبد المذنب

الراجی الی الله المجید محمد مؤمن بن عبدالله المرورید ، تجاوز الله عن سیاتهما ،

فی العشر الاخر ، من شهر ربیع الثانی سنه اربع و عشرين و تسعمائة ، بدار السلطنة

تبریز » ؛

- یک صفحہ ، بقلم کتابت خفی خوش ، با رقم و تاریخ : «نمقہ العبد . . . محمد مؤمن بن عبد اللہ فی شہور سنہ سبع وربعین و تسعمائۃ» ؛
- یک صفحہ ، بقلم نیم دو دانگ جلی خوش ، با رقم و تاریخ : « مشقہ . . . محمد مؤمن بن عبد اللہ المرورید . . . فی العشر الاول من شہر رجب المرجب سنہ اربع و ثلاثین و تسعمائۃ» ؛
- یک صفحہ ، بقلم کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : « نمقہ . . . محمد مؤمن بن عبد اللہ ، فی شہور سنہ خمس وربعین و تسعمائۃ» ؛
- یک صفحہ ، بقلم کتابت خفی خوش ، با رقم : « کاتبہ محمد مؤمن » ؛
- یک صفحہ ، بقلم کتابت جلی خوش ، با رقم : « مشقہ . . . خادم الفقرا محمد مؤمن » .
- یک صفحہ ، بقلم کتابت خفی خوش ، با رقم : « کتبہ العبد محمد مؤمن بن عبد اللہ » ؛
- یک صفحہ ، بقلم کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : « نمقہ . . . محمد مؤمن بن عبد اللہ ، فی شہور سنہ سبع وربعین و تسعمائۃ» ؛
- یک صفحہ ، بقلم کتابت خوش ، با رقم : « راقمہ محمد مؤمن » ؛
- یک صفحہ ، بقلم نیم دو دانگ خوش ، با رقم و تاریخ : « مشقہ . . . محمد مؤمن بن عبد اللہ ، فی شہور سنہ سبع وربعین و تسعمائۃ بدار السلطنۃ تبریز » ؛
- یک صفحہ ، بقلم کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : « نمقہ . . . محمد مؤمن بن عبد اللہ بلغہ اللہ ، تمناء ، فی شہور سنہ ۱۳۹۰ » ؛
- یک صفحہ بقلم کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : « مشقہ . . . محمد مؤمن بن عبد اللہ المرورید غفر ذنوبہ فی شہور سنہ ۱۳۹۰ ببلدہ تبریز ؛
- یک صفحہ ، بہترین خطوط نستعلیق این مرقع ، بقلم سہ دانگ عالی ، با رقم و تاریخ : « کتبہ . . . محمد مؤمن ۱۳۹۰ » .

(۱۲۵۴) محمد مؤمن بن نصیر

از کاتبان گم نام قرن یازدهم و بخط وی مجموعه رسالاتی در کتابخانه سلطنتی است ، بقلم کتابت متوسط ، که چنین تمام می شود : «حسب الامر... حاسی سلسله نورانیة نعمة اللہی ، میرزا شاه ابوالمهدی ، در قصبه طیبه ماهان بهشت نشان ، این اوراق مختصر ، مرقوم قلم ذره احقر ، ابن حاجی نصیر ، محمد مؤمن گردید ، و کان ذلک فی شہور سنہ ثلاث وثمانین و بعد الالف» .

(۱۲۵۵) محمد مؤمن هروی

برادر محمد حسین مجلد صحاف زبردست و پسر شاه محمود هروی است ، که سالها با برادر خود ، در کتابخانه خان خانان بکارهای هنری اشتغال داشتند . محمد مؤمن نستعلیق جلی و خفی هر دو را استادانه می نوشت و صاحب مآثر رحیمی گوید ، کتابهای مفصل بخط وی در کتابخانه خان خانان است و از خان مزبور رعایت و تربیت کافی یافته است .

محمد مؤمن همچنان در خدمت خان خانان بود ، تا در گذشت و بنا بر این در سال ۱۰۲۵ (تاریخ تألیف مآثر رحیمی) در گذشته بوده است .

از خطوط وی دیده ام :

یک نسخه شاهنامه فردوسی در دو مجلد ، از سلسله کتابهایی که برای خان خانان نوشته است ، بقلم کتابت عالی ، با رقم : «محمد مؤمن بن شاه محمود الهروی ، فی شہور سنہ ۱۰۱۳» در کتابخانه ملک ، تهران ؛

یک نسخه دیوان امیر شاهی ، بقلم کتابت خوش ، با تاریخ ورقم : «تمت الکتاب بعون الملك الوهاب ، بتاريخ شهر محرم الحرام لسنة احدى وسبعين وتسعمائة على يد العبد المذنب ، محمد مؤمن بن محمود الکاتب ، غفر ذنوبهما وستر عيوبهما ،

بدار السلطنة هرات حمیت عن الافات و البلیات « در مجموعه آقای مهندس عباس
مزدا، تهران؛

یک نسخه رساله موجودات و موجودیت فارسی، از میر سید شریف، بقلم
کتابت خفی، که چنین تمام می شود: «این نسخه شریفه فی شهور سنه ثمان عشر
والف هجرية النبوية... بمقام بلدة برهان پور، صورت اتمام پذیرفت، کتبه العبد
محمد مؤمن الهروی» در کتابخانه مرحوم حاج سید نصرالله تقوی، تهران.

(۱۲۵۶) محمد مهدی تبریزی

از نسخ نویسان قرن دوازدهم هجری است که نستعلیق نیز می نوشته است
و از آثار وی دیده ام: یک نسخه قرآن که متن آن بخط نسخ و ترجمه آن بقلم نستعلیق
کتابت خفی خوش است و چنین رقم و تاریخ دارد: «قد وفق لاتمام کتابة کلام الله
فی منتصف شهر ذی حجة الحرام من شهور سنة ثمان ومائة بعد الالف من هجرة...
لارادة اخ الاعز... حاجی محمد هاشم... العبد اقل الخلیقه... محمد مهدی
التبریزی غفر الله له...» در کتابخانه مجلس شورای ملی، تهران؛

(۱۲۵۷) محمد مهدی حسینی

از کتبه نگاران قرن دوازدهم که ثلث و نستعلیق هر دو را خوش می نوشته
است و از آثار او بیجا است: کتیبه سنگاب مدخل مدرسه چهارباغ اصفهان که بقلم
ثلث و یک دانگ کتیبه عالی و نستعلیق یک دانگ کتیبه متوسط نوشته است و رقم
دارد: «کتبه اقل الطلبة محمد مهدی الحسینی عفی عنه»، «در شهر شعبان المعظم
سنه... ۱۱۰۰ با تمام رسید عمل کمترین محمد طاهر»

(۱۲۵۸) محمد مهدی شیرازی

از کاتبان خوشنویس نیمه اول قرن سیزدهم و بخط وی یک نسخه کلیات سعدی، در کتابخانه سلطنتی است، بقلم کتابت خفی خوش، با رقم: «کتبه العبد الاقل محمد مهدی شیرازی، حسب الفرموده... میرزا رضاقلی...»

(۱۲۵۹) محمد مهدی طهرانی

از خوشنویسان دربار فتح علی شاه قاجار است که تا زمان سلطنت ناصرالدین شاه در قید حیات بوده است.

در کتیبه نگاری دست قوی داشته و غالب کتیبه های ابنیه دولتی زمان فتح علی شاه، بخط اوست.

میرزا سنگلاخ گوید که از فتح علی شاه لقب «خوشنویس خاصه» داشته و نزد من تعلیم خط گرفته است. رقم «کاتب الحضرت السلطانی» وی را دیده ام و وقایع نگار در جهان آرای خود، او را «ملک الکتاب السلطانی» خوانده است؛ ولی اشاره پی از وی به لقب مذکور میرزا سنگلاخ، ندیده ام.

سپهر تاریخ وفات او را سال ۱۲۲۴ ضبط کرده که البته درست نیست و سالها پس از این تاریخ زیسته است.

محمد مهدی، جز نسبت علیق سایر اقلام رانیکومی نوشته است که ذکر هر یک در جای خود خواهد آمد.

از آثار وی دیده ام:

کتیبه ازاره مدخل مسجد سلطانی، تهران بقلم سه دانگ کتیبه خوش، با رقم و تاریخ: «کمینه کاتب الحضرة السلطانی، محمد مهدی الطهرانی ۱۲۲۱»؛ کتیبه تخت مرمر سلیمانی، در محوطه کاخ گلستان، تهران، بقلم یک دانگ کتیبه خوش، با رقم و تاریخ: «...»

یک نسخه ادعیه، بقلم کتابت خوش، بارقم و تاریخ: «حرره کاتب الحضرة السلطانی محمد مهدی الطهرانی، فی شهر رمضان المبارک من شهور سنه ۱۲۱۳، بدارالسلطنه طهران... تحریر شد» در کتابخانه سلطنتی، تهران؛

یک نسخه دیوان فتح علی شاه، بقلم دودانگ متوسط، که چنین تمام می شود: «آغاز و انجام این نامه همایون بر حسب... تکلیف شاهنشاه جم جاه... بدیباچه و خاتمه موشح و مزیل افتاد، کاتب الحضرت السلطانی مهدی طهرانی» در همان کتابخانه؛

نسخه دیگر دیوان فتح علی شاه، بقلم نیم دودانگ خوش، بارقم: «کاتب الحضرت السلطانی مهدی طهرانی» در همان کتابخانه؛

یک نسخه دیوان حافظ، بقلم کتابت خفی خوش، با تاریخ و رقم: «تمت الكتاب... فی يوم الخميس بیست و پنجم شهر محرم الحرام سنه ۱۲۰۴ هزار و دو بیست و چهار، و انا عبدالمذنب الحقیر محمد مهدی غفر ذنوبه و ستر عیوبه».

یک قطعه سیاه مشق، بقلم شش دانگ و دودانگ خوش، بارقم: «بجهت سرکار... میرزا محمد مشق شد، اسید که بنظر بی انصاف نرسد، محمد مهدی» در مجموعه نگارنده، و ظاهراً این محمد شاگرد محمد مهدی، همان میرزا محمد خوانساری است، که میرزا رضای کلهر نزد وی تعلیم خط گرفته است.

دیگر کتیبه گنبد آستان حضرت معصومه در قم است، که تاریخ سال

۱۲۱۸ دارد؛

دیگر کتیبه در طلای آستان حضرت معصومه، با تاریخ ۱۲۳۲ و در اطراف

همین دراز چهار طرف، لوحه مرمری است از اشعار فتح علی خان صبا، با تاریخ

سال ۱۲۲۱؛

دیگر دو کتیبه، یکی بقلم زر، با تاریخ سال ۱۲۶۲، در بقعه منوچهرخان

معمدالدوله، در آستان حضرت معصومه، قم.

۱۲۶۰) محمد مهدی فراهانی

ملقب به ملک الکتاب و متخلص به عشرت ، از سادات حسینی فراهان ، و از
بنی اعمام میرزا بزرگ قائم مقام است .

در جوانی تحصیلات مقدماتی را در فراهان و بروجرد ، انجام داد و بمشق
خط توجه کرد . نستعلیق و شکسته را خوش سی نوشت .

ملک الکتاب بتوسط فتح علی خان ملک الشعراء ، بدر بار فتح علی شاه قاجار
راه یافت و مورد نظر و عطوفت شاه واقع و بلقب ملک الکتاب مفتخر شد .

در منتظم ناصری آمده است ، که « بسال ۱۲۶۹ با عطای یک توب جبه ترمه
نایل و مفتخر گردید » .

در سرعت کتابت مشهور است و صاحب انجمن خاقان گوید که ، بسا روز
در حضور من با هزار بیت شعر کتابت و بهفت ساعت ، تمام کرده است . هم او گوید
که دواوین شعر شاهزادگان و شاه و تاریخ ایشان را ، تماماً استکتاب کرده است .
وی را به اخلاق حسنه و صفات پسندیده و سلیقه شعر و شعر فهمی و شعر شناسی
ستوده اند .

سپهر تاریخ وفات وی را سال ۱۲۶۰ ، ضبط کرده و روانیست ، زیرا که از آثار
تاریخ داروی تا سال ۱۲۶۳ را دیده ام .
از خطوط وی موجود است :

یک نسخه شش دفتر مثنوی مولانا ، بقلم کتابت خوش ، که چنین تمام
می شود : « تم المجلد السادس من کتاب المثنوی . . . بتاریخ یوم السبت ثانی -
عشرین شهر صفر المظفر سنة ثالث و ستین و مائتین بعد الالف من الهجرة النبویة علی
ید حقیر الفقیر محمد مهدی ملک الکتاب » در کتابخانه سلطنتی ، تهران ؛

یک نسخه انجمن خاقان ، بقلم نیم دودانگ خوش ، بارقم و تاریخ : « کتبه
کاتب الحضرة السلطانی محمد مهدی الحسینی الفراهانی ، فی سنة مائتین و ثلاثین

و خمس بعد الالف من الهجرة» در همان کتابخانه .

(۱۲۶۱) محمد مهدی گلپایگانی

از کاتبان قرن سیزدهم و چهاردهم و از جمله آثارش ، یک نسخه نفایس -
الفنون در تهران بچاپ رسیده است ، که بقلم کتابت و دودانگ متوسط نوشته است
با تاریخ و رقم : «بتاریخ بیست و هفتم شهر جمادی الاول سنه ۱۳۰۹ ، حرره محمد
مهدی الکلپایگانی» .

(۱۲۶۲) محمد میر دهلوی

هفت قلمی گوید که ظریف الطبع و درویش صفت بود و شعر می گفت و
«میرسوز» تخلص می کرد . در دوره سلطنت شاه عالم ، که اوضاع دهلوی متزلزل شد
و مردم متفرق گردیدند ، بسال ۱۱۹۱ ، میرسوز ، به لکنه و آمد و از آنجا به مرشد آباد
رفت . در زمان حکومت آصف الدوله (۱۲۱۲ - ۱۱۸۸) به لکنه بازگشت و امر
تعلیم و تدریس او را عهده دار شد . چندی بیاسود ، ولی زمانی برنیامد که در همانجا
در گذشت .

میرسوز ، نستعلیق را خوش و شکسته را شیوا می نوشت .

(۱۲۶۳) محمد میرزا قاجار

فرزند کیومرث میرزای ملک آرا فرزند فتح علی شاه قاجار بود ، نستعلیق
کتابت را بامزه و لطیف می نوشت و بسال ۱۲۹۰ در گذشت .
بخط وی دیده ام :

یک قطعه ، بقلم دودانگ خوش ، با رقم و تاریخ : «محمد میرزا ۱۲۸۰»
در کتابخانه سلطنتی ، تهران .

(۱۲۶۴) محمد ناصر بخارائی

از شاگردان میر حسین میر کلنگی و بحسن منظر معروف بود . هنگام تالیف مناقب هنروران (سال ۹۹۰) هنوز در بخارا می زیست و از خوشنویسان مقرر آن سامان بود .

بیخط وی دیده ام :

یک قطعه از سر قعی بقلم دودانگ و کتابت جلی خوش ، بارقم : «مشقه العبد محمد ناصر» در کتابخانه روان کوشکو ، استانبول .

(۱۲۶۵) محمد نبی

محمد صالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲۶) او را جزو خوشنویسان معاصر خود آورده گوید از ولایت دارون اصفهان و خوشنویس خوبی است و امروز در کتابت نظور ندارد .

(۱۲۶۶) محمد نجفی - سید

از خوشنویسان گم نام قرن نهم و بیخط وی قطعه پی از یک سر قع در کتابخانه خزینة اوقاف استانبول است ، بقلم نیم دودانگ و کتابت خفی و غبار متوسط ، بارقم : «سید محمد نجفی گذرانید» .

(۱۲۶۷) محمد نرگس بن احمد

از خوشنویسان عثمانی و از مردم بسنه بود . نستعلیق و شکسته و ثلث و نسخ را خوش می نوشت و سریع القلم بود ، چنانکه گویند کتابت یک نسخه عوامل را در حال راه رفتن از جامع بایزید در استانبول شروع و در جامع سلطان محمد آنرا تمام

کرد و یک نسخه تفسیر بیضاوی را در چهل روز استکتاب نمود .
 میرزا حبیب گوید که بسال ۱۰۴۴ . در استانبول در گذشت و در محله ایوب
 بیخاک سپرده شد .

(۱۲۶۸) محمد نصیر

از شاگردان سید علی خان جواهر رقم است و جز نستعلیق ، ثلث و نسخ و
 رقاع را خوش می نوشت و شاهزاده محمد کام بخش هندی () را
 مشق خط می داد . بسال ۱۰۷۸ . تاریخ تألیف سرآة العالم هنوز در قید حیات بود .

(۱۲۶۹) محمد نصیر طرب

پدر سخنور و دانشمند ارجمند معاصر آقای جلال الدین همائی است و ترجمه
 احوالش را استاد در مقدمه دیوانی که بسال ۱۳۴۳ در تهران بچاپ رسیده آورده اند
 که اینست ملخص آن .

«میرزا ابوالقاسم محمد نصیر متخلص بطرب ، کوچکترین فرزندان شاعر عالم
 عارف ، همای شیرازی (محمد رضا قلی خان ۱۲۱۲ - ۱۲۹۰) است . ولادتش در
 اصفهان حوالی طلوع آفتاب روز شنبه دوازدهم ذی القعدة سال ۱۲۷۶ هجری قمری
 وفاتش هم در اصفهان ، پیش از ظهر دوشنبه دوازدهم ربیع الثانی . ۱۳۳۰ قمری ،
 موافق دوازدهم برج حمل شمسی ، اتفاق افتاد و مدفنش در امامزاده احمد ، قرینه
 ضلع شمالی تربت والد ماجد اوست و لوح مرقدش سنگی است تمام قد بخط ثلث زیبای
 همان مرحوم میرزا عبدالحسین قدسی که سنگ لوح همارا نوشت .

... طرب را میتوان اصفهانی شیرازی گفت ؛ برای اینکه محل تولد و نشو
 و نما و وفات و مدفن او همه در اصفهان و باین اعتبار اصفهانی است ؛ اما به رعایت
 نسب و نژاد و زادبوم پدر و اسلافش اصلاً شیرازی است چه ... همای شیرازی

... از طایفه فیلی زند ما کن شیراز بود ... و طرب هم در اشعارش مکرر نسبت شیرازی پدر را یاد می کند :

بنده مداح خسرو غازی طرب بن همای شیرازی

... بین فرزندان همای شیرازی که پنج پسر و سه دختر بودند ، طرب از همه کوچکتر بود ... چهارده ساله بود که پدرش رحلت کرد ... عنقا نسبت برادر کوچکترش طرب ... در تعلیم و تربیت و تهیه وسایل تحصیل و معیشت او جانشین و قائم مقام پدر بود ... دومین برادر بزرگتر طرب ... میرزا محمد سها ... نیز در سهم خود از وظایف بزرگتری و تعلیم رموز و دقایق شعر و شاعری کوتاهی نکرده بود ... چند سفر هم طرب همراهها کرده بود که یکی از آنها ... بطهران ، مابین سنوات ۱۳۱۳ و ۱۳۱۳ است ...

اما اساتید درس و خط او در خارج منزل ... باین قرار است :

میرزا عبدالغفار پاقلعه پی مستخلص بسحاب - میرزا عبدالعلی هرندی نحوی -
آخوند ملا محمد کاشانی - جهانگیر خان - میرزا محمد باقر چهارسوئی - میرزا محمد
هاشم چهارسوئی - میرزا ابوالحسن جلوه ...

استاد همائی درباره کیفیت خوشنویسی طرب بسائقه محبت پدر فرزندی بمبالغه چنین آورده :

«طرب در خوشنویسی خط نستعلیق استاد یگانه مسلم عهد خود در اصفهان بود و در این فن از شیوه میر عماد ... و محمد صالح ... پیروی می کرد ... در کتیبه نویسی ... حسن سلیقه و مهارتی منحصر بفرد داشت ، چندانکه بسیاری از اهل خبرت او را در خصوص این فن بر محمد صالح نیز ترجیح میدادند [!] نمونه کتیبه نویسیهای او در مسجد کن الملک تخت فولاد و مسجد آخوند ملا محمد حسین کرمانی در محله کلبهار و سرای ملک در بازار شاه اصفهان بیادگار مانده است ...

نمونه های خطوط ریز و درشت طرب را هم در خلال صفحات مقدمه [کتاب

دیوان طرب می توان دید]

از خطوط چاپی او هم دو اثر بیادگار مانده است : یکی ترجیع بند عرفانی خود اوست طبع ۱۳۲۷ ق . . . دیگر دوسه فقره قصیده و قطعه ، باز از خود او که در اثناء و پایان دیوان پدرش همای شیرازی در سال ۱۳۳۰ ق . چاپ شده و از خطوط اصلی خود دیوان که کاتبش محمد شفیع گلپایگانی بوده کاملاً ممتاز و مشخص است .

قطعات و مرقعات خوشنویسی او با امضاء و بدون امضاء هم در تملک اعیان او هم در دست اشخاص متفرقه بسیار یافته می شود . . .

میرزا محمد عنقا ، متوفی شهریور ۱۳۴۱ و شیخ محمد رضا حسام الواعظین ، واعظ معروف اصفهان ، متوفی شهریور ۱۳۴۰ ، مرحوم میرزا محمد باقر . . . متوفی حدود ۱۳۳۶ ق . . و گروهی دیگر در طهران و اصفهان . . . از وی سر مشق و تعلیم خط گرفته بودند .

در تعلیم خط معتقد بود که باید از خط نسخ شروع کنند . . . و بعد به مشق نستعلیق پردازند . . .

. . . برای تعلیم خط و نوشتن قطعات و مرقعات از کسی اجرت نمی گرفت . . . طرب در اکثر فنون مربوط به خط و خطاطی از قبیل مرکب سازی و جوهر قرمز دانه و قل طلا و تدبیر شنگرف و لاجورد و سفیداب بر الوان کتاب و آهار و سهره و زرافشان کردن کاغذ و امثال آن مهارت داشت . . .

در شناختن خطوط اساتید و تقویم کتب و مرقعات خطی نفیس دارای خبرت و بصیرت کامل بود . . . خطوط اساتید خط نسخ و شکسته را هم خوب می شناخت ، اما عمده مهارتش در خط نستعلیق بود . . .

طرب در خط ارشد شاگردان میرزا عبدالرحیم افسر شاعر خوشنویس معروفست . . . اما در شیوه خط بتقلید استادش قانع نشد و مدتها هم از روی خط میرعماد و محمد صالح و آقا محمد باقر سمسوری و رضاقلی ادیب شیرازی که دو نفر

اخیر از خوشنویسان بارع قرن سیزدهم هجری اند، مشق کرد، تا خود صاحب شیوه‌ی ممتاز گردید که از شیوه‌ی اساتید قدیم مخصوصاً میر و محمد صالح مایه بسیار داشت...

... راقم سطور را اهلیت و جسارت آن نیست که خط طرب را با خود افسر و دیگر نستعلیق نویسان مشهور و مسلم آن زمان... از قبیل مرحوم میرزا غلامرضا اصفهانی... و میرزا محمد رضا کلهر... و امثال ایشان مقایسه و در ترجیح آنها بر یکدیگر قضاوت کنم؛ چون نمونه خطوطشان در دست است. در این باره داوری را بر عهده اهل فن می‌گذارم...»

محمد نصیرالدین مذهب = نصیرالدین

(۱۲۷۰) محمد نعیم اصفهانی

از خوشنویسان دربار اورنگ‌زیب (۱۱۱۹-۱۰۶۸) پادشاه هند بود.
از خطوط وی یک صفحه از بیاض بختاورخان در موزه باستان‌شناسی دهلی است، بقلم کتابت متوسط، بارقم: «کتبه محمد نعیم».

(۱۲۷۱) محمد ندیم

از خوشنویسان گم‌نام قرن سیزدهم و بیخط وی قطعه‌ی در کتابخانه مرحوم حاج سید نصرالله تقوی است، بقلم دودانگ و نیم دودانگ خوش، بارقم و تاریخ: «مشقه العبد محمد الندیم غفرله، ۱۲۹۶».

(۱۲۷۲) محمد ندیم باشی - میرزا

برادر محمودخان ملک الشعراء کاشانی است. سپهر گوید که، اگرچه خط نستعلیق را صاف نمی‌نوشت ولیکن درست و با مزه می‌نوشت. نسخ و شکسته رانیز

خوش می نوشت . از علوم بهره داشت و شعر را بسبب یک قدم مانیک می سرود . بسال ۱۲۹۰ در گذشت .

(۱۲۷۳) محمد نوائی کاشانی - شمس الدین

شعر می گفت و «نوائی» تخلص می کرد . در علم قافیه و معما مهارت داشت در انواع هنر خاصه خوشنویسی دست داشت . هنگام تألیف تحفه ساسی (سال ۹۵۷) هنوز می زیست و صاحب تحفه ساسی او را «جوان» خوانده است ؛ ولی در مناقب هنروران ، جزو چهل تن هنرمند دربار بایسنغر میرزا آمده است .

(۱۲۷۴) محمد نورالدین

از خوشنویسان شاعر گم نام قرن دهم و بخط وی قطعه شعری از خود او ، در مرقعی از کتابخانه دانشگاه استانبول است ، بقلم دودانگ متوسط ، باین مضمون :
«ولد ولد الاخر دوست میرک فی النصف الاول من لیلة الجمعة الثانیة من شهر ربیع-
الاول سنه ثلث وثلثین و تسعمائة ، اللهم ارزقه سعادة الدارین و ابنته نباتاً حسناً .

لاله بی از باغ عنایت رسید

آمد و بر کشت امیدم وزید

گوی که فرزندان عزیزشید

غنچه بی از شاخ امیدم شکفت

بلکه نسیمی ز گلستان فیض

سال ولادت چو بپرسد کسی

راقمه و ناظمه نورالدین محمد» .

محمد نورالدین اصفهانی = نورالدین اصفهانی

(۱۲۷۵) محمد نوری

از کاتبان قرن اخیر و بخط وی یک نسخه طیبات سعدی در کتابخانه آقای دکتر مهدوی است ، بقلم کتابت خفی متوسط ، با تاریخ ورقم : «... فی ست عشرین

من شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۸۵ . حرره الاقل محمد بن محمد هادی النوری .

(۱۲۷۶) محمد هادی

میرزا سنگلاخ گوید که شاگرد رشیدا و امیر خلیل هروی و در قطعه نگاری مشابه میرعماد است . کثیر المشق و طویل العمر بوده . هم او گوید که مجموعه بی در لغت و الحان تألیف کرده است و اشعار نغز دارد و منشی زبردست بود و بسال ۱۰۸۲ در گذشت .

جز میرزا سنگلاخ دیگری ذکری از این خوشنویس نکرده و معلوم نیست اطلاعاتی که داده است تا چه اندازه مقرون بصواب باشد ؛ ولی یک نسخه عالم آرای عباسی در کتابخانه سلطنتی است ، بدون تاریخ ، که در قرن یازدهم بقلم نیم دودانگ خوش نوشته شده است و رقم : «محمد هادی» دارد ؛ که اگر واقعاً همان باشد که میرزا سنگلاخ از او یاد کرده ، کاتب خوشنویسی است .

(۱۲۷۷) محمد هادی ماهانی

از کاتبان گم نام قرن یازدهم و بخط وی دو رساله : شرح رباعیات جامی و رساله ایمان شاه نعمه الله ، در کتابخانه سلطنتی است ، بقلم کتابت خفی ، که چنین تمام می شود : « تمت الرساله الموسومة بشرح رباعیات ، بتاريخ شهر ربیع الثانی سنه ۱۰۸۳ . حسب الامر . . . صاحب سلسله علیه نعمت الاهی ، میرزائی شاه ابوالمهدی مد ظله تعالی ؛ در قصبه طیبه بهشت نشان ماهان ، مرقوم بقلم بنده زاده قدیمی ، ابن محمد صادق ، محمد هادی ماهانی گردید » و « تمت الرساله بتاريخ غره شهر ذی القعدة الحرام سنه ۱۰۸۳ ، در قصبه طیبه ماهان . . . حسب الامر . . . میرزا شاه ابوالمهدی . . . بنده دولتخواه ، محمد هادی مرقوم گردید » .

(۱۲۷۸) محمد هاشم

پدرزن سرخوش مؤلف کلمات الشعرا و مردی صاحب کمال بود و هفت قلم را خوش می نوشت و شعر می گفت .

در تاریخ تألیف کلمات الشعراء (سال) در گذشته بود .

قطعه بی در موزه پنجاب است ، بقلم سه دانگ متوسط که چنین رقم دارد :
« کتبه الفقیر محمد هاشم » و دور نیست که بخط همین محمد هاشم باشد .

(۱۲۷۹) محمد هاشم خوانساری - سید

از نسخ نویسان قرن سیزدهم است که نستعلیق را نیز خوش نوشته است .
بخط وی یک نسخه زاد المعاد دیده ام که ترجمه آنرا بقلم نستعلیق کتابت
خفی خوش نوشته است و چنین رقم دارد : « اقل السادات محمد هاشم بن محمد الموسوی
الخوانساری . . . تحریر پذیرفت ، فی شهر ربیع الثانی من شهر سنه ۱۲۵۸ ثمان و
خمسين و مائتين بعد الالف من الهجرة النبوية » .

(۱۲۸۰) محمد هاشم شیرازی

اجدادش در زمان دولت صفوی غالباً ارباب دانش بودند و خود وی در
سراتب نظم و نشر فارسی و تازی سرآمد بود .

در جوانی بانشاء و استیفای دیوانی اشتغال داشت . در چهل سالگی از شاغل
دنیا وی چشم پوشید و انزوا گزید و بسیر و سلوک پرداخت . پس عازم عتبات شد
و در نجف بخدمت سید قطب الدین شیرازی از مشایخ سلسله ذهبیه رسید و از محضر
وی کسب فضایل و معارف کرد . سرانجام قطب اجازه خرقة با و تفویض کرد و او را
بدامادی خود برگزید .

در پایان زندگی بشیر از رفت و در سنین هشتاد سالگی، بسال ۱۱۹۹ در آن شهر در گذشت و در تکیه خواجه شمس الدین محمد حافظ، بخاک سپرده شد. اختر در تذکره خود گوید که آقا محمد هاشم مجموعه کمالات معنوی و صوری بود و خط نستعلیق را خوش می نوشت و چندین هزار بیت از هر گونه، بسیاق اهل عرفان، از او بجای مانده است.

(۱۲۸۱) محمد هاشم شیرازی

صاحب آثار عجم گوید که مردی نیکونهاد و در نستعلیق استاد بود. بسال ۱۳۱۳ (تاریخ تالیف آثار عجم) هنوز میزیست.

(۱۲۸۲) محمد هاشم شیرین قلم

از خوشنویسان کم نام قرن دوازدهم هندوستان و بخطوی قطعه بی از یک سرقع، در کتابخانه بادلیان است، بقلم سه دانگ و کتابت خوش، بارقم: «کتبه محمد هاشم شیرین قلم».

(۱۲۸۳) محمد هاشم طائر

ترجمه احوالش در ضمن خوشنویسان اقلام شش گانه آمده است. جز اقلام مزبور، نستعلیق و شکسته رانیز خوش می نوشت. یک نسخه صحیفه سجادیه بخطوی در کتابخانه سلطنتی است، که متن آن بقلم نسخ و ترجمه آن نستعلیق و حواشی آن شکسته خوش است و چنین رقم دارد: «کتبه هذه الصحیفه متنأ و هاشماً، محمد هاشم الشهیر بالطائر، فی ۱۱۰۲».

(۱۲۸۴) محمد هروی

از خوشنویسان زبردست گم نام قرن دوازدهم است و بخط وی دیده ام :
 یکک قطعه از مرقعی ، بقلم چهار دانگ خوش ، بارقم و تاریخ : « کتبه محمد
 هروی سنه ۱۱۲۲ » در کتابخانه سلطنتی ، تهران ؛
 یکک قطعه بقلم نیم دودانگ خوش ، بارقم و تاریخ : « کتبه محمد هروی ،
 سنه ۱۱۳۲ » در مجموعه نگارنده .

(۱۲۸۵) محمد هلالی بن نجم الدین

بقول میرزا حبیب از فضیلتی شام بود و بقصد استفاده از محضر میر عماد ، باوی
 سفر حج کرد و در آن سفر در خط نستعلیق سرآمد و سال ۱۰۱۳ در گذشت

(۱۲۸۶) محمد یار سالیانی

چند قلم را خوش می نوشت و بخط وی قطعه یی نزد مرحوم امیرالکتاب
 ملک الکلاسی دیدم که با قلام مختلف نوشته بود و نستعلیق آن بقلم کتابت خفی
 خوش بود و چنین رقم داشت : « حسب الاشارة . . . سلالة السلسلة البهية الخاقانية
 امیر الامراء المجاهد الغازی محمد حسن خان قاجار ، ادام الله تعالی اجلاله واقباله
 قلمی گردید ، وانا العبد الاذل الاقل ، محمد یار سالیانی ، فی سنه ۱۲۴۲ » .

(۱۲۸۷) محمد یحیی

از کاتبان و خوشنویسان گم نام قرن دهم و یازدهم است و بخط وی دیده ام :
 یکک نسخه دیوان انوری ، بقلم کتابت جلی خوش ، که چنین تمام می شود :
 « حسب الامر . . . میرزا طالب ، در دار السلطنة قزوین سمت تحریر یافت ، محمد یحیی

غفرله ، بتاريخ غره شهر ذی قعدة سنه ۳ . ۴ . ۱ « در کتابخانه سلطنتی ، تهران ؛
 يك نسخه ديوان بسحق اطعمه ، بقلم نيم دودانگ خوش ، بارقم : « كتبه
 العبد المذنب محمد يحيى ، غفر ذنوبه وستر عيوبه » در همان كتابخانه ؛
 يك قطع ، بقلم سه دانگ و دودانگ عالی ، بشيوه ميرعلی هروی ، بارقم :
 « كتبه العبد الفقير المذنب محمد يحيى » در مجموعه نگارنده .
 (به ترجمه محمد يحيى آينده نيز رجوع شود) .

(۱۲۸۸) محمد يحيى بن رستم كيا

از خوشنویسان گم نام است و شاید همان محمد يحيى سابق الذکر باشد .
 بخط وی يك نسخه سوزو گداز ، در کتابخانه سلطنتی است بقلم كتابت خوش ،
 با رقم : « كتبه العبد المذنب الراجى محمد يحيى بن رستم كيا ، بدار السلطنه
 لاهيجان » .

این نسخه تاریخ ندارد ، ولی ظاهراً در همان اوایل قرن یازدهم نوشته شده
 است و در پشت كتاب یادداشت کرده اند كه : « خط يحيى لاهيجى شاگرد ميرزا
 صالح » .

(۱۲۸۹) محمد يسارى استانبولى

جلی و خفی را خوب سی نوشت و چپ نویس بود و بهمین مناسبت به « يسارى »
 معروف شده است .

(۱۲۹۰) محمد يوسف كابللى

در سرآة العالم و منتخب التواريخ بداونى است كه شاگرد اشرف خان مير
 منشى بود و در هندوستان به خوشنویسی شهرت داشت . در جوانی بسال ۹۷ هنگام

محاصره قلعه سورت در گجرات وفات یافت و اشرف خان ماده تاریخ آن را چنین یافت :
« کجا شد یوسف مبرای عزیزان » .

بخطوی یک نسخه قرآن السعدین در موزه باستان شناسی دہلی است کہ بقلم
کتابت متوسط نوشته است .

(۱۲۹۱) محمود

سیرزاحبیب وصاحب صبح گلشن با این عنوان اورا آورده در یک موضع اورا
شاگرد سلطان علی مشہدی و میر علی ہروی و یک جا شاگرد با واسطه سلطان علی
دانستہ گویند کہ خمسہ نظامی را بہ قلم غبار برای کتابخانہ شاہ طہماسب نوشت
و بہ زاد آن را مصور ساخت . گویند کہ وقتی شاہ طہماسب در تبریز بود ، مولانا محمود
در مدرسہ نصیریہ مسکن داشت ، ولی سرانجام در آنجا ملول شد و بہ مشہد رفت و
بیست سال در آنجا بود تا در سن ہشتاد سالگی در مشہد در گذشت و نزد سلطان علی
مشہدی بہ خاک سپردہ شد . و تمام این مطالب با خصوصیات زندگی شاہ محمود
نیشابوری سابق الذکر است ، کہ ایشان مشتبہ شدہ اند و مفصل این مختصر در ترجمہ
شاہ محمود گذشت .

(۱۲۹۲) محمود - جلال الدین

صاحب مناقب ہنروران وی را از شاگردان سلطان علی مشہدی دانستہ گوید
از خوشنویسان روم بود و تعلیق را نیز خوش می نوشت .
از خطوط وی موجود است :

یک نسخه سبعمہ جامی ، بقلم کتابت خفی متوسط ، با رقم و تاریخ : « تمت
کتاب تحفة الاحرار ، کتبہ العبد جلال الدین محمود بن فیروز بخت الحسینی غفر
ذنوبہ و ستر عیوبہ ، فی شہر رمضان المبارک سنہ ۹۷۸ ہجری باخرا انجامید » و « کاتبہ

العبد جلال الدین محمود بن فیروز بخت الحسینی ، تحریراً فی شهر رمضان المبارک سنہ ۹۷۶ « و » تحریراً فی اواسط شهر محرم سنہ ۹۶۳ « در کتابخانہ سلطنتی ، تهران ؛

یک نسخہ دیوان امیرشاهی ، بقلم کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : « میر محمود ۱۰۰۴ » در همان کتابخانہ ؛ کہ اگر این دیوان ہم بخط او باشد ، باید عمری دراز کردہ باشد .

یک قطعہ از سر قعی ، بقلم چہاردانگ خوش ، با رقم : « مشقہ جلال الدین محمود » در کتابخانہ روان کوشکو ، استانبول ؛

یک قطعہ از سر قعی امیرغیب بیگ ، بقلم نیم دودانگ و کتابت خوش ، با رقم : « مشقہ العبد المذنب جلال الدین محمود » در کتابخانہ خزینہ اوقاف ، استانبول ؛

دو قطعہ یکی از سر قعی سید احمد شہدی و دیگری از سر قعی مالک دیلمی ، ہر دو بقلم چہاردانگ و دودانگ جلی خوش ، با رقم : « کتبہ المذنب محمود الحسینی » در کتابخانہ خزینہ اوقاف ، استانبول .

(۱۲۹۳) محمود - زین الدین

مؤلف خلاصۃ الاخبار ، اوراقیننی و صاحب سرآۃ العالم ، نیشابوری و ازندیمان امیر علی شیر نوائی دانستہ اند .

صاحب تذکرہ بی نام ، اورا خویش و مؤلف قواعد خطوط ، داماد سلطان علی شہدی ، خوانندہ وی را بطبع سلیم و ذہن مستقیم و اخلاق پسندیدہ ستودہ است .

زین الدین محمود شاگرد مستقیم سلطان علی شہدی و استاد بی واسطہ امیر علی ہروی است .

در کیفیت خوشنویسی وی گویند که از اصناف خط نستعلیق ، کتابت را خوش می کرده است ، چنانکه صاحب خلاصة الاخبار و تذکره بی نام گویند که از میان شاگردان سلطان علی ، کسی از وی در کتابت شیواتر ننوشته و پختگی و گردی خط او ، مانند خط پیریحیی صوفی است و از قول فرزند او چنین نقل کرده است : « از خلف صدق ایشان مولانا محمد طاهر ، چنان استماع افتاد که ، کلیات میر شیخم سهیلی که مولانا سلطان علی کتابت نموده اند ، اتمام آنرا به مولانا زین الدین محمود فرموده ، بخوبتر وجهی کتابت نموده و تمام فرمودند » ؛ ولی کتابتهای موجود وی شاهد این مدعا نیست .

در گذشت زین الدین را ، سپهر سال ۹۳۴ و صاحب مرآة العالم ۹۱۸ و مؤلف قواعد خطوط ۹۲۵ ضبط کرده اند ، که قول اخیر از آن جهت که نزدیکترین تذکره نویسان بعهد زین الدین است ، ارجح است .

اینست آنچه از خطوط وی دیده ام :

یک نسخه دیوان نظام هروی ، بقلم کتابت جلی متوسط ، با رقم و تاریخ : « مشقه العبد الفقیر المذنب ، زین الدین محمود الکاتب غفر ذنوبه و ستر عیوبه ، سنة سبع وتسعمائة الهجرية النبوية » در کتابخانه سلطنتی ، تهران ؛

یک نسخه دیوان جامی ، بقلم کتابت متوسط ، با رقم : « العبد زین الدین محمود » در مجموعه آقای عبدالحسین مسعود انصاری ، تهران ؛

یک نسخه دیوان امیر شاهی ، بقلم کتابت متوسط ، با تاریخ سال ۶۰۹ . ۹ . در کتابخانه عمومی لنین گراد ؛

۶ قطعه در سر قعهای بهرام میرزا وسید احمد مهدی ، بقلمهای ازدودانگ تا کتابت خوش و متوسط ، با رقمهای : « مشقه العبد الفقیر زین الدین محمود » و « اقل العباد زین الدین محمود » و مانند اینها . در کتابخانه خزینه اوقاف ، استانبول ؛

یک قطعه از سر قعی ، بقلم کتابت جلی متوسط ، با رقم : « مشقه العبد الفقیر

الحقیر زین الدین محمود» در کتابخانه دانشگاه ، استانبول» .
(به ترجمه نظام الدین داماد نیز رجوع شود) .

(۱۲۹۴) محمود - سید

از کاتبان گم نام قرن اخیر و نسخه پی از دیوان وفا بخطوی کتابت شده است
بقلم کتابت ونیم دودانگک خوش ، با رقم و تاریخ : «تمت الکتاب فی نوزدهم شهر
ذی حجة سنه ۱۳۲۳ ، کتبه الاحقر محمود الحسینی» .

(۱۲۹۵) محمود آشتیانی - میرزا

فرزند میرزا محمد حسین آشتیانی است که در ارومیه مسکن گزیده بود و
هنگامی که میرزا سنگلاخ بآن شهر رسید با او وارد و پذیرائی شد ، در آن اوقات میرزا
محمود بیست و پنج سال داشت و نستعلیق و شکسته را خوش می نوشت .
صاحب المآثر و الآثار گوید که از موسیقی هر رشته داشت و نستعلیق و شکسته
را نیکو می نوشت .

(۱۲۹۶) محمود استرآبادی - خواجه

مؤلف مناقب هنروران اورا جزو چهل تن کاتبان کتابخانه بایسنغر میرزا ،
آورده است .

(۱۲۹۷) محمود اورنگ

فرزند داوری بن وصال شیرازی خوشنویس شهیر است . بسال ۱۲۸۶ در
شیراز متولد شد .

ویرا با خلاق حمیده و حسن خط نستعلیق و نسخ ، ستوده اند . شعر میگفت

و پس از مرگ پدر بعبتبات سفر کرد و پس از شش ماه ، بسال ۱۳۱۳ ، بتهران بازگشت و تا آخر سال ۱۳۱۴ ، در تهران ماند و در این مدت بامؤلف طرایق الحقایق محشور و مورد نوازش صدراعظم بود . پس از یکسال به شیراز بازگشت و تا سال ۱۳۱۶ ، هنگام تألیف طرایق ، هنوز در قید حیات بود .

از خطوط وی دیده ام : یک نسخه لوایح جامی ، بقلم کتابت خفی خوش (و عناوین بقلم نسخ کتابت خوش) در کتابخانه مجلس شورای ملی ، که چنین تمام میشود : « بانجام رسید . . . در چهارم شهر ربیع الاول سن شهور سنه ۱۳۱۳ ثلاث عشر و ثلاثمائة بعد الالف ، علی ید تراب اقدام العارفین محمود المتخلص باورنگک ابن الفرهننگک ابن الوصال . . . »

۱۲۹۸) محمود بمرودی

از کاتبان گم نام قرن نهم و بخط وی یک نسخه شش دفتر مثنوی مولانا در سوزة آثار اسلامی و ترک استانبول است ، بقلم کتابت جلی متوسط ، که چنین تمام می شود : « تمت الكتاب . . . فی یوم الاربعاء ثالث ذوالقعدة سنه ثلاث و ثمانین و ثمانمائة ، علی ید العبد الفقیر الضعیف ، محمود بن سیف الدین بن حسین شاه بن علی البمرودی . »

محمود پیربوداقی = محمود هروی

۱۲۹۹) محمود فراش خلوت

از کاتبان خوشنویسر دربار ناصرالدین شاه و با اینکه کتابت را بشیوه میرزا محمد حسین کاتب السلطان شیرازی نیکو سیکرده است ، نام وی را جزو خوشنویسان آن عهد نیاورده اند .

از کتابتهای وی ، یک نسخه سزین سفرنامه فرنگستان ناصرالدین شاه ، در

کتابخانه حاج سید نصرالله تقوی است ، بقلم نیم دودانگک خوش ، بارقم و تاریخ : « غلام خانہ زاد محمود فراش خلوت ، فی شہر ذیقعدہ سنہ ۱۲۹۱ » و مذہب نسخہ در دو صفحہ اول نوشته است : « در مجمع الصنائع مبارکہ دولت علیہ ایران اتمام یافت ، خانہ زاد دولت ابد آیت ، احمد ، اسید کہ در پیشگاہ حضور ساطع النور مقبول آید » .

(۱۳۰۰) محمود تبریزی

از خوشنویسان گم نام قرن اخیر است و بخط وی دیدہ ام : سرقعی سشتہم بر ۱۸ رقعہ ، بقلم کتابت متوسط ، بارقم : « مشقہ محمود » در کتابخانہ سلطنتی ؛

یکک قطعہ ، بقلم سہ دانگک نستعلیق و شکستہ کتابت متوسط ، بارقم و تاریخ : « در بلدہ سقز صورت تحریر یافت ، حررہ الحقیر الفقیر محمود ، فی سنہ ۱۲۷۲ » در مجموعہ مرحوم امیرالکتاب کردستانی ، کہ پدر ایشان ملک الکلام در پشت آن قطعہ نوشته بود : « این قطعہ خط مرحوم میرزا محمود تبریزی است و او از عرفا و دوستان مرحوم والد حقیر بود . . . سنہ ۱۳۳۷ » .

(۱۳۰۱) محمود تربتی

میرزا حبیب گوید کہ شاگرد محمد قاسم شادیشاہ بود .

(۱۳۰۲) محمود جعفری - شیخ

خوشنویس گم نام قرن دہم و بخطوی یکک قطعہ از سرقعی در کتابخانہ خزینہ اوقاف استانبول است ، بقلم کتابت خفی متوسط ، بارقم : « کتبہ شیخ محمود الجعفری بمزار متبرک گازر گاہ ہرات » .

۱۳۰۳) محمود چلبی طوپخانہی

از نستعلیق نویسان عثمانی و از مردم استانبول و شاگرد درویش عبدی بود۔
گویند کہ او واسطہ نشر خط نستعلیق در مملکت عثمانی گردید۔
وفاتش را میرزا سنگلاخ سال ۱۰۸۰ و سپہر سال ۱۰۵۹ ضبط کرده اند۔

۱۳۰۴) محمود حکیم

فرزند دوم وصال شیرازی است۔ بسال ۱۲۳۴ در شیراز متولد شد۔ در جوانی
باتر بیت پدر کسب کمالات کرد و در فنون ادبی مہارت یافت و بتحصیل علم طب
پرداخت۔ شعر می گفت و «حکیم» تخلص میکرد۔

بہ رحمت علی شاہ دست ارادت داد و سر سپرد و بسیر و سلوک آغاز کرد۔
رحمت علی شاہ او را بداد سادی برگزید و حکیم در زمان سلطنت محمد شاہ
قاجار، بہر ان آمد و با رضاقلیخان ہدایت، کہ پیشتر او را در شیراز دیدہ بود چندی
معشور و مصاحب شد و بشیراز باز گشت و بسال ۱۲۶۶ با احمد وقار برادر بزرگ
خود، بہ ہندوستان سفر کرد و در آن سامان دیوان حافظی بخط خود نوشت کہ بسال
۱۲۶۷ در بمبئی بہ چاپ رسید۔

حکیم پس از چندی بشیراز رفت و در سنین چہل سالگی، بمرض وبا، بسال
۱۲۷۴، در گذشت و نزدیک آرامگاہ پدر خود، در مزار شاہ چراغ بخاک سپردہ
شد۔

تاریخ تالیف او را ہدایت مؤلف مجمع الفصحاء و مؤلف المآثر و الآثار
۱۲۶۸ ضبط کرده اند، کہ سہواست و فرہنگ برادر حکیم کہ ترجمہ احوال
خاندان خود را انشاء کردہ و در فارسنامہ ناصری مندرج است، متذکر این سہواست
و برادر دیگر وی وقار، مادہ تاریخ او را: «عاقبت محمود شد کار حکیم» و نعمت
فسائی:

از پی تاریخ او نعمت دل خسته گفت

(حکیم پر علم و حلم مقام محمود یافت)

و دیگر

نگاشت نعمت محزون برای تاریخش

(حکیم دید ترحم ز کردگار حکیم)

یافته اند که همان سال ۱۲۷۴ می شود :

یک نسخه سبحة الابرار و طریق التحقيق ، در کتابخانه سلطنتی است که با سر محمدقلی خان ایلیخانی ، بقلم کتابت عالی ، بسال ۱۲۷۰ ، نیمه پی بخط حکیم و نیمه اول بخط میرزا فتح علی حجاب نوشته شده است و چنین تمام می شود : « حسب الامر... ایلیخانی... به تتمیم این کتاب مستطاب پرداخته شد ، وانا العبد الفقیر محمود المتخلص بحکیم ابن مرحوم الوصال... فی سنه ۱۲۷۰ » و در موضعی که سبحة الابرار به نیمه رسیده ، در حاشیه صفحه ، وقار برادر حکیم قطعه شعری مثنوی که خود سروده ، بخط خود نوشته ، و آن اینست :

بود فتح علی اندر کتاب
پشتش از رنج کتابت چو کمان
زیب بدهد به کتاب جامی
سبحة را نخبه که بس منتخب است
زونشد رشته این سبحة تمام
بر سر بستر و بالین جا کرد
سبحة اش را به گهر آب نمازد
گشت چو شمس توارت بحجاب
که بدودوست بد از عهد قدیم
زاده حضرت استاد وصال

اوستادی متخلص به حجاب
اوستادی ز اساتید زمان
خواست وقتی که بخط نامی
کرد از آنچه بدو منتسب است
رشته عمر گسستش ایام
کلك او سیر چو تا اینجا کرد
ز آتش تب برخش تاب نمازد
آنکه او بود چو شمس از کتاب
اوستاد هنر آموز ، حکیم
نونهای چمن مجد و کمال

رسد از معجز کلمکش بکمال
 و آخرش گشت مطابق بنخست
 رضی الله تعالی عنهم
 محتجب بود و نهان نام حجاب
 آمد اندر کف سالار جهان
 ملجأ و معتقد درویشان
 مرحمت گستر اصحاب وصال
 عم شه معتمد الدوله شاه

که تو این پرده برانداز ز کار
 اثری هیچ نباشد ز حجاب
 سبحة رازیب فزای از خامه است

 تا دگر سعی تو گردد مشکور
 وانکه مأمور بود ، معذور است
 بر دل پاک و روان صافش

کرد آهنگ که این سحر حلال
 زوشد این سبحة بگسسته درست
 کاین دورا مایه بد از یک قلم
 لیک در آخر این طرفه کتاب
 تا که این نامه ز اقبال زمان
 سر و سالار عدالت کیشان
 قدر داننده ارباب کمال
 میر فرهاد لقب خاب عداه

گفت با داعی دیرینه وقار
 نه ز عدل است درین نغز کتاب
 آنکه او مبتدع این نامه است
 از چه رو نانش مستور شود
 نام او ساز بنوعی مذکور
 اندرین کرده وی مأمور است
 آفرین بر ملک و انصافش

از آثار شیوای وی که مخصوصاً در کتابتهای خفی آن آثار مهارت و چابک-
 دستی هویدا است ، دیده ام :

یک نسخه ، دوره کامل روضة الصفا میرخواند در یک مجلد ، بقلم کتابت
 خفی عالی ، که چنین تمام می شود : « فی تاریخ یوم الاحد سیم شهر ذی قعدة الحرام
 سنه ۱۲۶۰ ، بر حسب فرمایش . . . محمد قلی خان ایلخانی . . . تقدیم حضور . . .
 فیروز میرزا نصره الدوله فرمانفرمای مملکت فارس گردید . و انا العبد المذنب
 محمود حکیم ابن مرحوم مغفور میرزا محمد شفیع متخلص بوصال شیرازی ، نورالله

مرقدہ ، سنہ ہزار و دویست و شصت و شش « کہ این نسخہ عظیم در مدت پنج سال ، از ۱۲۶۱ تا ۱۲۶۵ است کتاب شدہ است . در کتابخانہ ملی ، تہران ؛

یک نسخہ منتخب شاہنامہ فردوسی ، بقلم کتابت جلی ممتاز ، کہ چنین تمام سی شود : « کتبہ العبد الاقل محمود الحکیم ابن مرحوم الوصال طاب اللہ ثراہ وجعل الجنة مثواہ المخدومی الاکرم الاجل ، جعفر قلی خان حرسہ اللہ عن الحدثنان » و « بجهت دوست بزرگوار و مخدوم پسندیدہ اطوار عالی جاہ جعفر قلی خان حفظہ اللہ تحریر شد ، وانا العبد حکیم شیرازی ، ۱۲۶۹ » در همان کتابخانہ ؛

یک نسخہ لوایح جامی ، بقلم کتابت جلی عالی ، کہ چنین تمام سی شود : « بجهت مخدوم زادہ . . . محمد قلی خان ، کہ مرا چون گراسی روان است ، سمت تحریر پذیرفت تا از خطش تعلیم برگیرد . . . وانا العبد المذنب محمود المتخلص بحکیم بن وصال . . . در دارالعلم شیراز ، در سنہ ۱۲۶۵ تحریر شد » در کتابخانہ سلطنتی ، تہران ؛

یک مرقع مناجات خواجہ عبداللہ انصاری ، بقلم نیم دودانگ خوش ، کہ چنین تمام سی شود : « العبد المذنب حکیم بن وصال طاب ثراہ ، از خط بزرگوار استاد میر عماد الحسنی نقل و ترکیب کردہ شد و بیاد . . . محمد مهدی میرزا . . . سمت اختتام پذیرفت . امید کہ نیاز درویشانہ پسندافتد حررہ فی سنہ . ۱۲۷۰ » در کتابخانہ مجلس شورای ملی ، تہران ؛

یک نسخہ دیوان فرخی ، بقلم کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : « انا العبد حکیم بن وصال ۱۲۶۹ » در کتابخانہ مرحوم حاج سید نصر اللہ تقوی ، تہران ؛

یک نسخہ طریق التحقیق ، بقلم کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : « حکیم بن وصال ۱۲۶۹ . . . » در مجموعہ بی خصوصی ، کہ ظاہراً کنون بکتابخانہ مرکزی دانشگاه منتقل شدہ است ؛

خواص سور یک نسخہ قرآن کہ متن آن بخط میرزا غلام علی اصفہانی است

بنام کتابت خفی عالی، که چنین تمام شده است: «بندگان مشیرالملک براقضای پاکی گوهر... از مخلص قدیم محمود حکیم خواهش چنان نمود... پاره احادیث از تفسیر صافی انتخاب کرده بلفظ پارسی بخط خویش استکتاب نمود... حرره فی شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۶۸» در دست فروشنده یی، تهران؛
 قطعات متعدد، از جمله قطعه یی بقلم نیم دودانگ و کتابت خفی خوش، بارقم و تاریخ: «کتبه العبد المذنب محمود بن وصال فی سنه ۱۲۶۲» در مجموعه نگارنده.

(۱۳۰۵) محمود حیران شیخ

در تذکره شمع انجمن آمده است که، شعر میگفت و نستعلیق و ثلث را خوش می نوشت و معلم خط زیب النساء بیگم بود.

(۱۳۰۶) محمود خفی نویسنده - شیخ

در تذکره بی نام و حالات هنروران آمده است که شاگرد جعفر بایسنغری بود و نستعلیق را از میرعلی تبریزی بهتر می نوشت.
 صاحب ریحان نستعلیق و حالات هنروران باولقب «زرین قلم» داده اند.

(۱۳۰۷) محمود خماری

از کاتبان گم نام قرن نهم و ظاهراً از خوشنویسان دربار پیر بود ابق قراقویونلو بوده و در بغداد سزیسته است.
 از آثار وی دیده ام:

بعض ترجمعات، از مجموعه ترجمه بندها که در ترجمه شرف الدین حسین مشهدی گذشت، بقلم کتابت جلی متوسط، بارقم: «تم الترجیعات... کتبه العبد

۱- در اینجا مرحوم بیانی یک ضرب در قرمز زده و در کنار صفحه نوشته اند «نستعلیق کتابت خفی شاهنامه V در کتابخانه... در امریکا. کتبه اضعف العباد الله المعبود ابن محمد المعمود فی سنة احدى وثلاثین وثمانماية الهجریه بالخیر والحسنی حامداً مصلیاً مسلماً.

الضعيف المحتاج الى رحمة الله الملك الباري محمود بن محمد خماری عفا الله عنهم»
در کتابخانه مجلس شورای ملی، تهران؛

یک نسخه لمعات عراقی و گلشن راز شبستری، بقلم کتابت خفی متوسط،
با رقم و تاریخ: «تمت... علی يد اقل عباد الله الملك الباري، محمود بن محمد
بن محمود بن خماری، فی سنة ۸۵۴» در مجموعه نگارنده.
با ترجمه محمود هروی آتی الذکر جمع و تلفیق شود.

(۱۳۰۸) محمود دره گزینی

فقط میرزا حبیب ازوی یاد کرده گوید که بشیوه سیر علی و میر عماد سی نوشت
و بعد از سال هزار در گذشت.

(۱۳۰۹) محمود رفیقی - کمال الدین هروی

پدر مجنون چپ نویس سابق الذکر است که در منظومه رسم الخط خود، او
را به خوشنویسی شش قلم و نستعلیق ستوده است.

کمال الدین شعری گفت و نستعلیق را خوش سی نوشت. سپهر سال وفاتش
را ۷۸۹ ضبط کرده که سهواست و در تاریخ سال ۹۰۹ هنگام تألیف منظومه رسم الخط
مجنون، یقیناً در گذشته بوده است.

از خطوط وی دیده ام:

یک نسخه خمسه جامی، بقلم کتابت خفی متوسط، که عباراتی بقلم رقاع
و شکسته تعلیق کتابت خوش نیز دارد، چنین تمام می شود: «تمت هذه الفيض
الحقیقی بخط العبد محمود الرفیقی، فی سنة ۸۹۳» و «تمت... فی شهر شعبان المعظم
سنة تسعين وثمانائة» در کتابخانه ایاصوفیه، استانبول:

یک نسخه ذخیره الملوك سيد علی همدانی، بقلم کتابت متوسط، با رقم و

تاریخ: «وتم ذلك الفيض الحقيقي بخط العبد محمد الرفيقي في شهر سنة ۸۹۳»^۱
در مجموعه دولتی، هرات.

محمود زرین قلم = محمود خفی نویسنده

۱۳۱۰) محمود سبزواری

از سادات عریضی سبزواری و از اعیان آن ولایت بود. چون محتاج نبود کمتر کتابت میکرد.
صاحب گلستان هنر گوید که در مجلس شاه طهماسب اول صفوی راه داشت و معزز میزیست.

۱۳۱۱) محمود بن سلطان علی

از خوشنویسان کم نام قرن دهم و ندانستم پدر وی کدام یک از سلطان علی های خوشنویس سابق الذکر است. اگرچه ممکن است که سلطان علی پدر این محمود اصلاً خوشنویس نباشد، ولی خوش خطی او سوهم این است که باید از خاندان هنرمندان خوشنویس باشد.

از خطوط وی دیده ام:

یک نسخه دیوان امیرشاهی سبزواری، بقلم کتابت خفی خوش، با رقم و تاریخ: «کتبه العبد المذنب محمود بن سلطان علی، سنه ۷۶۹ (که ظاهراً مقصود ۹۶۷ و ارقام را از راست بچپ نوشته است) در کتابخانه سلطنتی، تهران؛

یک نسخه دیوان قاسم انوار، بقلم کتابت جلی عالی، بشیوه میر علی هروی و بسیار شیوا و استوار، که چنین تمام می شود: «قد وقع الفراغ من کتابته فی شهر ربیع الثانی سنة ثمان وخمسين وتسعمائة، بدار السلطنة بلخ، علی يد الفقیر الحقیر محمود بن سلطان علی غفر ذنوبه وستر عیوبه» در موزه آثار اسلامی و ترک، استانبول.

۱- در نوشته مرحوم بیانی عدد آحاد این رقم دو هشت متصل بهم نیز خوانده میشود.

۱۳۱۲) محمود بن سلیم گیلانی - غیاث الدین

از کاتبان گم نام قرن یازدهم است و بخط وی دیده‌ام :

یک نسخه کلیات وحشی ، بقلم کتابت خوش ، بشیوه عبدالجبار اصفهانی ، که چنین تمام می شود : « تمت الكتاب المسمى بديوان الوحشي ، بعون الله الملك الوهاب ، كتيبه العبد ، غياث الدين محمود بن سليم گیلانی » در مجموعه آقای سلطان - القرائی ، تهران ؛

یک نسخه رساله احکام سعد و نحس در روزهای هفته ، بقلم کتابت جلی خوش ، با تاریخ ورقم : « قد وقع الفراغ من تسويد هذه الرساله ، فی روز چهارم شهر رمضان المبارک سنه ۱۰۸۶ ، العبد الضعیف المذنب غياث الدين محمود بن سليم گیلانی » در دست فروشنده بی ، تهران .

۱۳۱۳) محمود سیاوشانی

فرزند خواجه اسحق شهابی سیاوشانی هروی است ، که در زمان حکومت درمیش خان شاملو ، کلانتر هرات بود و هنگامی که عبید خان ازبک ، امیر بخارا بسال ۹۳۵ هرات را فتح کرد ، خواجه اسحق را با خاندان بخارا کوچ داد و محمود نیز همراه بود . در این سفر ، چنانکه در ترجمه میرعلی هروی گذشت ، او نیز بخارا کوچانیده شده بود ، میرعلی ، محمود را بشاگردی برداشت و در تعلیم و تربیت وی کوشید و محمود در کنف توجه میرعلی ، بمقامات عالی رسید ، چنانکه وقتی میرعلی گفته بود که شاگردی بهتر از خود بهم رسانیده‌ام .

محمود ، پس از مدتی از اقامت بخارا دلگیر شد و رخت بسوی بلخ کشید و در آنجا ساکن شد و شهرت و اهمیت فراوان یافت و در نزد امرا و بزرگان معزز میزیست چنانکه برای اعاشه احتیاجی به کتابت نداشت و بطور تفنن قطعه نویسی و کتابت می کرد .

خواجه محمود به خوشگذرانی و بی‌قیدی معروف بود و در مصاحبت بزرگان به حسن محضر مشهور، و چون از موسیقی سررشته داشت و نوعی از آلات موسیقی موسوم به شترغو را نیکو مینواخت و بیشتر در دل اهل حال جای داشت.

محمود هم کتابت خوش می‌کرد و هم در قطعه نویسی دست داشت و جمله تذکره‌نویسان، نازکی و لطافت خط وی را ستوده‌اند؛ مخصوصاً در اخذ و تقلید شیوه میرعلی، هیچ یک از شاگردان میر، پدیده‌خواجه محمود نرسیده‌اند؛ ولی اینکه بعضی خط وی را از استاد برتر دانسته‌اند، مبالغه کرده‌اند و ظاهراً بقول میرعلی تأسی کرده‌اند، که گفته است: «شاگردی بهتر از خود بهم رسانیده‌ام»؛ و غافل از اینکه میرعلی استادی فروتن و درویش‌منش بود و خفض جناح کرده و شاگرد خود را بدین پایه ستوده‌است؛ و گرنه حق اینست که تا زمان میر عماد هیچ یک از نستعلیق‌نویسان مقام و پایه خط میرعلی را در نیافته‌اند.

با اینکه میرعلی برای پیشرفت محمود در خط رنج کشیده، پیدا است که در آخر کار، شاگرد نسبت با استاد جسارت ورزیده و استاد را رنجیده خاطر ساخته است که وقتی میرعلی قطعه‌ی در این باب باین مضمون سروده است:

خواجه محمود آنکه یک‌چندی	بود شاگرد این فقیر حقیر
یاد دادم باو ز قلت عقل	آنچه دانستم از قلیل و کثیر
بهر تعلیم او دلم خون شد	تا خطش یافت صورت تحریر
در حق او زفته تقصیری	لیک او هم نمی‌کند تقصیر
نیک و بد هر چه می‌نویسد او	همه را می‌کند بنام حقیر

که معلوم می‌شود از روی جسارت خطوط خود را بعضی بنام استاد رقم می‌کرده است.

صاحب عالم‌آرا گوید که خواجه محمود وقتی این قطعه را شنید، گفت: «سولا نیک و بد غلط گفته، من آنچه بد می‌نویسم، بنام او می‌کنم» و هم صاحب

عالم آرا گوید کہ «اگر واقع باشد ہرچند صورت مطایبہ و ظرافت دارد ؛ اما نہایت بی ادبی است» .

و نیز پیدا است کہ خواجہ محمود ، بخط خود اعتماد داشتہ و فریفتہ آن بودہ است کہ صاحب گلستان ہنر گوید کہ ہر کس بدیدن او سیرفت ، قطعہ بی بخط خود باو میداد و در غالب قطعات این بیت را نوشتہ بود :

بود این مشق محمود الشہابی کہ مثلش در جہان ہر گز نیابی

صاحب عالم آرا گوید کہ خواجہ محمود در آخر عمر در شیوہ خود تصرفاتی کرد کہ پسندیدہ ارباب تمیز نبود . ہم او محمود را از خوشنویسان دورہ شاہ طہماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۴) دانستہ است و ندانستم کہ نظر او این بودہ کہ در آن دورہ میزیستہ یا جزو خوشنویسان دربار شاہ طہماسب بودہ است کہ گوید : « در عصر شاہ طہماسب نستعلیق را باندام مولانا محمود مذکور کسی نوشت» .

از متاخرین تذکرہ نویسان ، میرزا سنگلاخ وی را سخندان و حکیم و ریاضی-دان و طبیب دانستہ و باو لقب «عین الزمان» دادہ است ، کہ دیگری از مورخان ، متذکران نیست .

میرزا حبیب گوید کہ در ہرات در گذشتہ ، کہ آن نیز روا نیست و متقدمان مانند صاحب گلستان ہنر سرگ وی را در بلخ نوشتہ اند .

صاحب قواعد خطوط و ریحان نستعلیق گویند کہ ، جز نستعلیق ، تعلیق را نیز خوش می نوشتہ است ؛ ولی اثری از خط تعلیق وی تا کنون ندیدہ ام .

تاریخ در گذشت او را سپہر سال . ۹۴ ضبط کردہ کہ درست نیست و اینکہ در تذکرہ خوشنویسان ہفت قلمی آن تاریخ را . ۹۶ نوشتہ است ، نیز روانیست کہ ترجمہ محمود نیشابوری مخلص تخلص را با محمود شہابی خلط کردہ است . بہر حال تاریخ وفاتش معین نیست ؛ ولی ہنگام تألیف ریحان نستعلیق (سال ۹۸۹) هنوز در بلخ میزیستہ است و از خطوط تاریخ داروی تا سال ۹۹۳ را نیز دیدہ ام و ظاہراً

زندگانی درازی داشته است که از آثار وی با تاریخ ۹۲۴ نیز دیده‌ام .
از خطوط خواجه محمود ، بر خلاف قول صاحب گلستان هنر (که گفته
است چون احتیاج نداشت کمتر کتابت میکرد و آثار او نادر است) بسیار دیده‌ام ،
باین قرار :

یک نسخه دیوان هلالی ، بقلم کتابت خوش ، بارقم و تاریخ : « تم الادیوان
المنسوب الی مولانا هلالی ، علی ید العبد الفقیر محمود بن اسحاق الشهابی ، فی سنه
۹۶۶ » در کتابخانه سلطنتی ، تهران ؛

یک نسخه منتخب شش دفتر مولانا جلال الدین ، بقلم کتابت خوش ، با
رقم : « . . . محمود بن اسحاق غفر ذنوبه و ستر عیوبه » در همان کتابخانه ؛

یک نسخه بوستان سعدی ، بقلم کتابت جلی خوش ، با رقم : « کتبه العبد
المدنّب محمود بن اسحاق شهابی » در سوزۀ آثار اسلامی و ترک ، استانبول ؛

نسخه دیگر بوستان ، بقلم کتابت خوش ، که چنین تمام می‌شود : « تمت
الکتاب . . . علی ید . . . محمود بن اسحاق الشهابی ، ستر عیوبهما ، بدار السلطنه
بلخ ، حفظه الله عن الآفات ، فی شهور سنه ثمانین وتسعمائة . ۹۸۰ » در همان سوزه ؛
یک نسخه اخلاق محسنی ، بقلم کتابت جلی ، بارقم و تاریخ : « . . . العبد
المدنّب الفقیر الحقیر الی الله الغنی محمود بن اسحاق الشهابی الهروی غفر الله ذنوبهما
فی شهور سنه ۹۶۹ » در مجموعه آقای سلطان القرائی ، تهران :

یک نسخه خمسہ جامی بقلم کتابت خوش ، بارقم : « محمود الشهابی » و
تاریخ ۹۶۴ که پرفسور کوهنل عکس صفحه‌یی از آن را در کتاب خود آورده است .
یک نسخه نفحات الانس جامی ، بقلم کتابت عالی ، بارقم : « محمود الشهابی »

و تاریخ ۹۹۳ ، در کتابخانه سرکاری رامپور ؛

۱۷ قطعه ، بقلمهای از چهار دانگ تا کتابت خفی عالی و خوش ، بارقمهایی
از جمله : « کتبه العبد المدنّب محمود بن اسحاق الشهابی » و « لمولانا میر علی الکاتب

[یک رباعی] محمود بن اسحاق و «فقیر محمود بن اسحاق الشهابی» و مانند اینها، در کتابخانه های سلطنتی و ملی و مدرسه سپهسالار و آستان رضوی و رامپور و نگارنده . ۲ و قطعه در سرقه های مختلف ، بقلم های از سه دانگ تا کتابت عالی و خوش ، بعضی با تاریخ و رقم های از جمله : «فقیر محمود الشهابی» و «کتبه العبد المذنب محمود اسحاق غفر ذنبه» و «کتبه العبد المذنب محمود بن اسحاق الشهابی غفر الله ذنوبهما و ستر عیوبهما فی شهور سنه . ۹۷» و «لحضرة مخدومی مولانا سیر علی سلمه الله و ابقاه ، کتبه العبد المذنب محمود الشهابی ستر عیوبه» و «العبد المذنب محمود الشهابی فی سنه ۹۲» و «کتبه الفقیر المذنب محمود بن اسحاق الشهابی ، تحریراً فی سنه ۹۸۷» و «تحریراً فی شهور سنه ۹۸۸ ، کتبه العبد المذنب محمود بن اسحاق الشهابی غفر ذنوبهما» در کتابخانه های خزینة اوقاف و روان کوشکو ، استانبول .

۱۳۱۴) محمود شاملو

محمود بیک ولد نجف قلی بیک شاملو قاپوچی از معاصران محمد صالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲۶) است که در باره او گوید : خوب مینویسد .

۱۳۱۵) محمود شوشتری کاغذی

از کاتبان گم نام قرن نهم است و بخط وی دیده ام :

یک نسخه شاهنامه فردوسی ، بقلم کتابت خفی متوسط ، با رقم و تاریخ : «... محمود بن محمد بن یوسف تستری ، سنه . ۸۴» در کتابخانه سرکاری ، رامپور؛ نسخه دیگر شاهنامه ، بقلم کتابت خفی متوسط ، که چنین تمام می شود : «قدتم تحریر الكتاب الموسوم به شاهنامه علی انامل العبد الفقیر الراجی الی عنایة الصمدی محمود بن محمد بن یوسف المعروف بکاغذی التستری ، فی خامس شعبان المعظم سنه تسع وثلثین وثمانمائة» در کتابخانه موزه آثار اسلامی و ترک ، استانبول ؛

یک نسخه لمعات دیوان عراقی و عشق نامه ، بقلم کتابت خفی متوسط ،
بارقم و تاریخ : « کتبه العبد محمود بن محمد شوشتری المشهور بکاغذی ، فی ۲۲
محرم الحرام سنه ۸۶۲ » در کتابخانه دانشگاه ، استانبول .

محمود شهابی = محمود سیاوشانی

(۱۳۱۶) محمود شیرازی - میرزا

برادر میرزا اسدالله طبیب شیرازی است و صاحب فارسنامه ناصری گوید که
کسی بعد از میرعماد ، نستعلیق را مانند وی ننوشت و شاهد ، خط سنگ مزار مرحوم
آقاهاشم ، در صحن تکیه حافظ است که بخط اوست .

ظاهراً این میرزا محمود فرزند میرزا علی نقی شیرازی و از کاتبان اوایل قرن
حاضر است که بخط وی چند کتاب در بمبئی بچاپ رسیده است ، از جمله :

کلیات سعدی ، بقلم کتابت و دو دانگ خوش ، که چنین تمام می شود :
« کتب فی دارالعلم شیراز و طبع بمعموره بمبئی ، فی المطبع المظفری ، فی السادس
فی شهر رجب المرجب سنه ۱۳۲۷ ، کتبه العبد الضعیف الذلیل محمود بن علی نقی
الشیرازی غفرلها » :

یوسف و زلیخای منسوب فردوسی ، که بهمان قلم نوشته است و تاریخ
۱۳۴۴ دارد ؛

دیوان مغربی ، بقلم کتابت جلی خوش ، که چنین تمام می شود : « بر حسب
اسر . . . آقای قوام الملک روحی فداه سمت ترقیم پذیرفت ، فی چهاردهم شهر جمادی -
الثانیة سنه . ۱۳۲ . کتبه العبد الملک الودود ابن علی نقی ، محمود الشیرازی
غفرلهما » .

(اصل این نسخه خطی دیوان مغربی در تملک آقای ابراهیم بوذری خوشنویس
معاصر است) .

(۱۳۱۷) محمود صدرالکتاب - سید

میرزا عبدالله خان مستوفی در کتاب شرح زندگانی من ، ویرا از شاگردان میرزا محمد رضای کلهر و هم شاگرد میرزا زین العابدین ملک الخطاطین شمرده است .

(۱۳۱۸) محمود طوپخانه‌یی

از خوشنویسان عثمانی بود و در اقلام مختلف دست داشت . ثلث و نسخ را نزد حافظ محمد امام و نستعلیق را از درویش عبدی تعلیم گرفته است .

قرآنی از روی خط شیخ حمدالله که در ایاصوفیه بود استنساخ کرد و به سلطان مراد (۱۰۳۲-۱۰۴۹) عرضه کرد و مورد توجه شد و نویسنده اندرون و کاتب سرگردید و بهمین مناسبت « کاتب السراسلطانی » رقم میکرد .

وفاتش را میرزا حبیب سال ۱۰۰۸ ضبط کرده است ، که اگر واقعاً شاگرد درویش عبدی بوده باشد که سال ۱۰۵۷ در گذشته است ، این تاریخ درست بنظر نمی‌رسد .

(۱۳۱۹) محمود بن علی

از خوشنویسان گمنام قرن دهم و بیخ‌وی قطعه‌یی در سرقع بهرام میرزا در کتابخانه خزینة اوقاف استانبول است که بقلم دودانگ و نیم دودانگ خوش نوشته است .

(۱۳۲۰) محمود عمادالسلطان - سید

فرزند سید مصطفی حسام السادات ، صدرالملک جهرمی است ، که از دوره ناصرالدین شاه قاجار تا سال ۱۳۲۰ در دفتر استیفا انجام خدمت می‌کرده است و جز

نستعلیق ، شکسته رانیز خوش می نوشته و از حسابداری سررشته داشته و خط سیاق را بکمال می دانسته است .

از آثار وی یک نسخه منتخبات گلستان ، در کتابخانه سلطنتی است که با سر ناصرالدین شاه بقلم نیم دودانگ خوش با کمال عالی نوشته است و چنین رقم و تاریخ دارد : « در سن ده سالگی این اوراق را اقل تربیت یافتهگان این عهد ابد مهد احقر خانه زادان دولت جاوید مدت محمود بن المصطفی الموسوی مستوفی ، برشته نگارش در آورد ، فی شهر ربیع الاول سنه ۱۳۰۵ »

و در مقدمه دارد : « . . . چون فطرت پاک . . . ناصرالدین شاه . . . به تربیت مستعدان مفضول است . . . در پیشگاه حضور همایون او که مجمع صنوف صنایع است و منشأ ظهور بدایع ، سطری چند از خطوط نالایق این چاکر زاده ناقابل ملحوظ نظر ضیا گستر گردید . خاطر مهر مظاهر ملوکانه بترغیب و تشویق این ذره بی مقدار مایل گشته به تنمیق و تحریر نسخه بی از کتاب گلستان . . . مأمور و محکوم فرمودند . . . »

و اگر واقعاً این نسخه را در ده سالگی نوشته باشد ، آیتی بوده است .

دیگر یک نسخه منتخبات اشعار حافظ ، بقلم کتابت خوش ، که چنین تمام می شود : « راقم این اوراق اقل تربیت یافتهگان دولت جاوید مدت محمود بن مصطفی الموسوی المستوفی ، در سن سیزده سالگی نوشته نگارش در آورد ، فی شهر صفر ۱۳۰۷ . »

و ناصرالدین شاه بخط خود در صفحه اول کتاب نوشته است . پسر حسام-السادات نوشته است . الحق در این سن کم بسیار خوب نوشته است . در مراجعت از سفر سوم فرنگستان ، در طهران بحضور آورده است . سنه ۱۳۰۷ ربیع الاول اودئیل .

(۱۳۲۱) محمود بن قباح

پدرش خواجه قباح جراح شاه طهماسب و خود وی ابتدا سفره چی شاه نعمت الله باقی بود که بیجمع و ساختن سرقعات ، علاقه داشت و محمود گاهی مشقی سی کرد و خط خود را باو عرضه سی کرد و شاه نعمت الله او را تشویق سی کرد تا خطش صورتی گرفت .

صاحب گلستان ، از مالک دیلمی نقل سی کند که روزی نزد شاه نعمت الله ، قطعه پی بردم و گذراندم . شاه قطعه های خط میرزا محمود را بمن نشان داد و گفت که چون سی نویسد ؟ و آخر گفت از سلطان علی و میر علی بهتر نمی نویسد ؟ - گفتم شما هم بهتر از من سی نویسد ؟ ولی میرزا محمود از سلطان علی و میر علی بهتر نمی تواند نوشت .

وفاتش را سپهر سال ۹۸۴ ضبط کرده است و با اینکه ترجمه وی را از گلستان هنر نقل کرده و در آنجا تاریخ سرگ میرزا محمود نیست ، نمیدانم این تاریخ را از کجا یافته است !

(۱۳۲۲) محمود کاتب

صاحب مناقب هنروران گوید که از شاگردان علی رضا است و در جن تألیف مناقب هنروران (سال ۹۹۰) در قید حیات بوده است .

یک نسخه منتخب بوستان سعدی در کتابخانه حاج سید نصر الله تقوی است بقلم کاتب خفی عالی ، که رقم دارد : «حرره العبد المذنب محمود الکاتب فی شهور سنه ۹۵۷» که اگر این نسخه بخط همان محمود کاتب باشد ، باید وی را در ردیف کاتبان زبردست نیمه دوم قرن دهم آورد .

۱۲۲۳) محمود کاشانی

سپهر گوید که فرزند میرزا زین العابدین کاشانی است و نستعلیق و شکسته را خوش می نوشت و بسال ۱۲۹۰ در گذشت .

۱۳۲۴) محمودخان کاشی - ملك الشعرا

از خاندان دنپلی و فرزند محمد حسین خان ملك الشعراء متخلص به غنندلیب فرزند فتح علی خان صبا ، ملك الشعرا ی فتح علی شاه قاجار است ، که در هنگام جلوس این پادشاه از کاشان به تهران رخت کشیده و در دربار قربت و مکانت و مقام ملك الشعرائی یافته بود .

بسال ۱۲۳۸ که فتح علی خان در گذشت ، فرزند وی محمد حسین خان پدر محمود خان مقام و منصب و لقب فتح علی خان را احراز کرد و هم چنان در دربار فتح علی شاه معزز می زیست تا شاه در گذشت و بسال ۱۲۵۰ محمد شاه جای نشین او گردید و باز محمد حسین خان با همان سمت در دربار باقی بود .

هنگام جلوس ناصرالدین شاه محمد حسین خان در گذشت و محمود خان فرزندش بجای وی نشست .

محمود خان بسال ۱۲۲۸ در تهران چشم بجهان گشود و چون بسن رشد رسید بتحصیل علم و معارف پرداخت و در شعبه های ادبیات و ریاضیات و هیأت و حکمت و عرفان و تاریخ ، سرآمد و عموی محمد قاسم خان فروغ در تربیت و تعلیم محمود خان بسیار کوشید .

در اواخر سلطنت محمد شاه که الله قلی خان ایلخانی قاجار بایالت لرستان می رفت ، محمود خان را به پیشکاری خود برگزید و در سدت مأموریت ایلخانی ، محمود خان خدمات برجسته یی در ضبط و ربط امور آن ولایت کرد ؛ ولی با ایلخانی

که مردی تندخوی بود نتوانست بسازد ، تا آنجا که ایلخانی قصد جان وی کرد و محمود خان شبانه از بروجرد بگریخت و بقم آمد و متحصن شد و در این شهر درك فیض صحبت سیدعلی میرزا لر را ، که از عرفای وقت بود ، کرد و چندی بعد بتهران بازگشت .

پس از مرگ محمد حسین خان ، محمود خان جای پدر را گرفت و عنوان ملک الشعرائی دربار ناصرالدین شاه را یافت و نزد میرزا آقاخان صدراعظم نوری و شاهزادگان و وزراء و بزرگان ، بسیار محبوب و معزز می زیست ، تا سال ۱۳۱۱ در تهران در گذشت و در جوار سزار حضرت عبدالعظیم ، در محلی که دو سال بعد ناصرالدین را دفن کردند ، بخاک سپرده شد .

گویند ناصرالدین شاه از مرگ محمود خان بسیار افسرده و متأثر گردید و در مرگ وی گفت که «دریغ از ملک الشعرا که یگانه روزگار خود بود و چون او کم توان یافت» .

محمود خان در جمله علوم متداول عصر دست داشت و اصناف شعر را خوب می سرود و از فنون و هنرهای زیبا بهره وافق داشت : نقاشی را بسبک قدیم ایرانی و سبک جدید غربی و مجسمه سازی و منبت کاری روی چوب و عاج را استادانه میکرد و بسیاری از آثار وی هنوز متداول و بعضی در کاخهای سلطنتی موجود است .

محمود خان مردی پرهیز کار و با عزت نفس و خویشتن دار و متواضع و دولت دوست و خوش محضر بود و کمتر سخن می گفت و با همه فضل و هنر و علم ، تظاهر نداشت .

ماده تاریخ وفاتش را نعمت فسائی ، چنین یافته است :

بهر تاریخ وفاتش ، نعمت غم دیده گفت

(منزل و ماوای محمود است جنت جاودان)

نعمت پی تاریخش ، اکنون چه نکو گفتا

(از اهل جنان ای جان ، محمود نکو خوشد)

محمود خان همه خطوط را خوش می نوشت و از خطوط نستعلیق وی که دیده ام عبارتست از:

یک نسخه گلشن راز ، بقلم کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : « ... بقلم شکسته رقم اقل چاکران ... محمود کاشانی ، باحالت پریشانی در کنج عزلت و انزوا تحریر و ترقیم پذیرفت ... بتاریخ روز شنبه بیست و هشتم شهر ربیع الآخر سنه یکهزار و دویست و هشتاد و یک ، اتمام پذیرفت » در کتابخانه مجلس شورای ملی ، تهران ؛

یک مرقع مشتمل بر ۲۲ رقع ، با قلام مختلف از جمله نستعلیق پنج دانگ و دودانگ و کتابت و غبار خوش ، با رقم : « مشقه العبد الاقل محمود کاشانی غفر له » و تاریخهای : سنه ۱۲۸۹ و ۱۲۸۸ و ۱۲۹۰ ، در کتابخانه سلطنتی ، تهران ؛

یک مرقع مشتمل بر ۱۰ رقع ، سناجات حضرت امیر ، منقول از خط میر ، بقلم دودانگ عالی ، که چنین تمام می شود : « شرف بکتابتها العبد الفقیر الحقیر عماد الحسنی غفر ذنوبه و ستر عیوبه ۱۰۱۱ و ناقله محمود کاشانی ۱۲۹۲ » در همان کتابخانه ؛

یک قطعه ، بقلم نیم دودانگ و کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : « بجهت حضور آقای مستوفی الممالک ... ۱۲۸۲ ، العبد المذنب الاثم العاصی الجانی محمود الکاشانی ، غفر الله له » در سوزۀ آذربایجان ، تبریز ؛

یک صفحه پشت و رو نوشته با قلام مختلف ، از جمله نستعلیق نیم دودانگ خوش ، با رقم و تاریخ : « بتاریخ شهر صفر المظفر جهت ... آقای حسن خان ...

قلمی گردید ، العبد الاقل محمود الکاشانی ، فی سنه ۱۲۸۱ . در روز پنجشنبه ۱۳ شهر
صفر المظفر ، بتحریر این صفحه پرداخت ، در مجموعه نگارنده ؛

یک قطعه ، بقلم دودانگ و نیم دودانگ عالی ، بارقم و تاریخ : «العبد المذنب
محمود سنه ۱۲۹۰» ایضاً در مجموعه نگارنده .

که در تمام این موارد ذکر عنوان «ملک الشعراء» نشده است ، فقط در یک
نسخه قصیده برده بخط علاء الدین تبریزی کتابخانه سلطنتی در حاشیه آن نوشته
است : «این بنده محمود الملقب فی الدولة العلیة الناصریة ، بملک الشعراء . . .»

۱۳۲۵) محمود کاشانی

خوشنویسن گمنامی است معاصر محمود خان ملک الشعراء کاشانی و قطعه ای
بخط وی در مرقد دیده ام بقلم دودانگ و کتابت خوش ، که رقم و تاریخ دارد :
«حرره العبد الاقل محمود بن زین العابدین الکاشانی ، فی سنه ۱۲۹۰» .

۴

۱۳۲۶) محمود گرگانی - میرزا

خود و نیاگانش از مستوفیان بودند . پدرش میرزا نصرالله نایب مستوفی -
الممالک و جدش میرزا اسمعیل مستوفی دیوان فتح علی شاه بود .

میرزا محمود از علوم ادبی بهره داشت و از ارباب قلم بود و شعر می گفت .

چندی وزارت تهران بوی مفوض بود . به منور علی شاه ارادت می ورزید و با

صاحب حدایق الحقایق صاحب بود .

بسال ۱۳۱۱ در ماه رمضان در سنین شصت و هفت سالگی در تهران در گذشت

و در جوار مزار حضرت عبدالعظیم بخاک سپرده شد .

از خطوط وی دیده ام :

یک نسخه صد کلمه حضرت علی بن ابیطالب با ترجمه فارسی ، بقلم نیم -

دودانگ متوسط ، بارقم و تاریخ : « الداعی لدوام الدولة العلیة محمود بن میرزا نصرالله
گرگانی سنه ۱۲۶۸ » در کتابخانه سلطنتی ، تهران .

(۱۳۲۷) محمود لاری

از خوشنویسان گمنام قرن یازدهم و بیخطوی مرقعی در کتابخانه آقای دکتر
مهدوی است ، مشتمل بر ۳۰ قطعه ، بقلم دودانگ متوسط ، بارقم و تاریخ : « کتبه
العباد . . . محمود محمود لاری غفر ذنوبه و ستر عیوبه ، سنه ۱۰۸۰ » .

(۱۳۲۸) محمود بن محمد حسن

از کاتبان قرن حاضر است و بیخطوی یک نسخه کلیله و دمنه بقلم نیم دودانگ
خوش نوشته شده ، بسال ۱۳۲۹ و در تهران بچاپ رسیده است .

(۱۳۲۹) محمود مستوفی نظام - میرزا

برادر کوچک میرزا احمد منشی باشی شیرازی است . هنگامی که میرزا صادق
قائم مقام ، در تبریز مصدر دیوان رسایل بود ، از شیراز به تبریز رفت و در دیوان
رسائل بکار انشاء پرداخت . چون کار قائم مقام پایان رسید ؛ پس از اندک زمانی
شغل وظایف و لشکر نویسی آذربایجان بوی محول شد .

تا حدود سال . . ۱۳۰۰ تاریخ تألیف تاریخ و جغرافیای تبریز ، در قید حیات بود .
از آثار وی دیده ام :

یک زیارت نامه در سزار سید حمزه در تبریز ، بقلم نستعلیق چهار دانگ و سه
دانگ خوش ، که چنین تمام می شود : « شرف بکتابتها دلب آستان شاه ولایت
محمود مستوفی نظام و لشکر نویس باشی آذربایجان . . . کتبه فی شهر جمادی الاخر

سنه ۱۲۹۷ .

ز خامه اش چو برون آمد این جریده نغز
 ز هجرت نبوی از هزار و سیصد سال
 بگفت خاطر ناصر بفکرت هشیار
 سه سال کم کن و تاریخ را نمای شمار»

(۱۳۳۰) محمود مدیرالدوله

از خطاطان کم نام نیمه اول قرن حاضر است و بخط وی یک دوره کتیبه های
 دو مصرعی از یک قصیده رثاء سیدالشهداء دیده ام که دو قطعه آن در مجموعه نگارنده
 است و بقلم شش دانگ و رقم را بقلم چهار دانگ و سه دانگ متوسط نوشته است و
 رقم دارد: «محمود مدیرالدوله وزیر لشکر ۱۳۲۲» و ظاهراً این لوحه ها متعلق بیک
 عمارت حسینییه بوده است که پس از ویران کردن آن متفرق شده است.

(۱۳۳۱) محمود بن نظام

کاتب خوشنویس گمنام قرن دهم است که بشیوه اظهر تبریزی می نوشته
 است و بخط وی دیده ام ، یک نسخه خمسۀ نظامی بقلم کتابت خفی خوش ، با تاریخ
 و رقم: «با تمام رسید در چهاردهم شهر شوال سنه سبع و ثلاثین و تسعمائه ، علی ید
 العبد الضعیف محمود بن نظام غفر ذنوبهما» که بکتابخانه مجلس شورای ملی عرضه
 شده است.

(۱۳۳۲) محمود نواب - حاجی میرزا

از کاتبان دارالتالیف اداره انطباعات دوره مظفرالدین شاه قاجار است که
 تا سال ۱۳۲۳ در آن دستگاه بکار کتابت مشغول بود.

(۱۳۳۳) محمود نوری - میرزا

سپهر گوید که مستوفی دفتر لشکر ناصرالدین شاه بود و نستعلیق را خوش می نوشت و بسال ۱۲۹۹ در گذشت.

(۱۳۳۴) محمود نیشابوری

از کاتبان گم نام قرن نهم و بیخط وی یک نسخه دیوان حافظ، درموزه پنجاب لاهور است، بقلم کتابت متوسط، بارقم و تاریخ: «تمت الکتاب بعون الملک الوهاب، بخط العبد الضعیف محمود بن حسن نیشابوری، بتاريخ سنه اربع و تسعین و ثمانمائه».

(۱۳۳۵) محمود هروی

کاتبی است، معاصر شیخ محمود هروی آتی الذکر، و این یک شاعر و هنرگام تألیف مجالس النقایس (سال ۸۹۶) جوانی بوده است. نوائی گوید که نستعلیق را خوش می نویسد ولی دماغش ععیف و سودایش قوی است.

(۱۳۳۶) محمود هروی - شیخ

از شاگردان حعفر تبریزی بایسنغری است. نستعلیق را خوش و اقلام شش گانه را بسان استادان طراز اول می نوشت.

شیخ محمود، ابتدا نزد پیر بوداق بن جهان شاه قراقویونلو باسر کتابت مشغول بود و بهمین مناسبت در بعضی آثار خود «پیر بوداقی» رقم کرده است. پس از آنکه حکومت از خاندان قراقویونلو به آق قویونلو منتقل شد (سال ۸۷۴)، شیخ محمود

بدر بار سلطان یعقوب بن اوزون حسن پیوست و در کتابخانه این امیر هنرپرور بکار کتابت پرداخت .

سرقعی بسیار نفیس از متروکات سلطان یعقوب اکنون در کتابخانه خزینة اوقاف استانبول است که در آن مکتوبی از شیخ محمود ظاهراً خطاب بسطان یعقوب نوشته است و از مفاد آن چنین استنباط می شود که در کتابخانه آن امیر ، سمت ریاست را داشته است . این مکتوب که خالی از فایده نیست و مقام شیخ محمود را در دربار و درجه علاقه مندی آن امیر را به نشر آثار هنری و علمی ظاهر می سازد ، عیناً نقل می شود :

« کمترین خاک بر گرفتگان ، شیخ محمود ، آستان عالی بلب ادب بوسیده بعضاً عرض می رساند که پروانه همایون در باب کتابت بنده در گاه و شاگردان صادر شده که ، هر یک در روزی چه توانند نوشت ؟ - صورت حال آنکه کتابت ، بفنون دیگر نسبت ندارد ، جهت آنکه گاه باشد که بی خواست آنچه توقع است اضعاف آن دست می دهد ؛ و گاه هست که هر چه خود را بتکلف بر آن می دارد ؛ دانگ آنچه می کرده ، میسر نمی شود و شاگردان هنوز مبتدی اند ؛ اگر در کتابت تعجیل نمائید ، مانع ترقی شود .

اکنون چون حکم جهان مطاع بر این موجب نافذ شده ، از مشنویات روزی هشتاد بیت ؛ و از غزلیات پنجاه بیت ؛ خوب کتابت کنند . و این خاک بر گرفته خود وقف کتابت است و حسب المقدور می کوشد و هنوز از ضعف مرض ، بقیه هست ؛ بعد قضاء الله ، چو در هوا اندک تریبی واقع شود ، آن مقدار کتابت خواهد کرد که مستحسن نظر کیمیا خاصیت افتد .

بدین جرأت امید عفوست و سایه چتر همایون بر مفارق بنندگان مغلند و مستدام ، بالنبی محمد علیه الصلوة والسلام .

تاریخ وفات شیخ محمود معلوم نیست ، ولی از آثار تاریخ داروی تا سال

۸۹۴ دیده ام .

از خطوط وی دیده ام :

یک نسخه غزلیات امیر شاهی ، بقلم کتابت خفی متوسط ، که چنین تمام می شود : « بسعی و اهتمام اقل عباد الله الودود ، شیخ محمود ، عفا الله تعالی عنه . در سلک کتابت و تحریر آمد ، در آخر ربیع الاول سنه اربع و ستین و ثمانمائه الهجریه بدار الملک شیراز صانها الله عن الاعواز » در کتابخانه دانشگاه ، استانبول ؛

یک نسخه رباعیات خیام ، بقلم کتابت متوسط ، با رقم و تاریخ : « کتبه العبد المفتقر الی رحمة الملک الباقی ، شیخ محمود پیر بوداقی ، فی العشر الاخر من صفر ، ختم بالخیر والظفر ، سنه خمس و ستین و ثمانمائه الهجریه النبویه علیه السلام و التحية والاكرام ، بدار الملک شیراز ، حماها الله تعالی عن الاعواز » در کتابخانه بودلیان ، که با ترجمه انگلیسی رباعیات بسال ۱۸۹۸ م . در لندن بچاپ رسیده است ؛ یک نسخه چهل کلمه با ترجمه ، که ترجمه آن بقلم نستعلیق کتابت خوش است ، با رقم و تاریخ : « کتبه شیخ محمود عفا الله عنه ، سنه تسع و ستین و ثمانمائه بدار السلام بغداد » در مجموعه آقای عباس مزدا ، تهران ؛

چند ترجیع بند در مجموعه ترجیعاتی که در ترجمه شرف الدین حسین از آن یاد شد ، بقلم کتابت جلی متوسط ، با رقم و تاریخ : « تم الترجیع بعون الملک السميع والحمد لله وحده ، فی سابع شهر ذی الحجة الحرام سنه ست و ستین و ثمانمائه ، حرره العبد محمود الکاتب » در کتابخانه مجلس شورای ملی تهران ؛

۹۳ قطعه ، بقلمهای از شش دانگ تا غبار خوش و متوسط ، در مرقع سلطان یعقوب مذکور ، با رقمها و تاریخهای از جمله : « کتبه العبد المذنب المحتاج الی رحمة الملک الباقی شیخ محمود پیر بوداقی احسن الله احوالهما ، فی سنه احدى و سبعین و ثمانمائه ، فی بلدة ساوه ۱۸۷۱ » ، « کتبه شیخ محمود الهروی عفی عنه فی سنه احدى و سبعین و ثمانمائه ، بحوالی درجین » و « کتبه العبد المذنب شیخ محمود الکاتب اصلح الله شأنه ابدأ » و « کتبه العبد الغریب شیخ محمود اصالح الله شأنه ابدأ فی شهر الله

الاصم رجب المرجب سنة احدى وسبعين وثمانمائة في بلدة ساوه» و «كتبه العبد شيخ محمود اصلح الله شأنه ابدأ في العشر الاول في محرم الحرام سنة اربع وستين وثمانمائة ، بشيراز» و «كتبه العبد شيخ محمود في سنة سبع وسبعين وثمانمائة ، بدار السلام بغداد» و «في سنة ثمان وخمسين وثمانمائة ، كتبه العبد شيخ محمود . . .» و « . . . في محرم الحرام سنة سبع وسبعين وثمانمائة الهجرية ، اقل عبيد السلطان ، شيخ محمود» و «كتبه العبد شيخ محمود عفا الله عنه ، في سنة تسع وستين وثمانمائة» و «كتبه العبد شيخ محمود تجاوز الله عن سيئاته لسنة اربع وستين وثمانمائة ، بدار الملك شيراز» و «كتبه العبد شيخ محمود . . . في العشر الاخر في ذي القعدة لسنة ثلث وستين وثمانمائة الهلالية ، بدار الملك شيراز» .

۱۳۳۷) محمود هروی مذهب

از هنرمندان خوشنویس گم نام قرن دهم است که جلی و خفی هردو را خوش می نوشته است و بخط وی دیده ام :

یک نسخه سبحة الابرار جامی ، بقلم کتابت خوش ، بارقم و تاریخ : « كتبه العبد محمود المذهب الهروی ، بمكة المباركة زاده الله شرفاً و تعظيماً و تكريماً غفر الله لوالديه ، في شهر سنة ۹۵۱ ، در نزد کتابفروشی ، تهران ؛

یک قطعه از مرقع شاه اسمعیل ، بقلم دودانگ خوش الوان ، بارقم : « كتبه المذنب محمود المذهب ، لمولانا جامی قدس سره » در کتابخانه خزینة اوقاف ، استانبول ؛

یک قطعه بقلم دودانگ و کتابت خوش بسفیداب ، بارقم : « كتبه المذنب محمود المذهب غفر ذنوبه و ستر عيوبه » در مجموعه نگارنده .

محیی الدین

= یحیی اصفهانی

(۱۳۳۸) محیی شیرازی

نستعلیق را خوش و اقلام شش گانه را استادانه می نوشت و صاحب سر آة-
العالم ، وی را در ردیف عبدالله طباطبائی و عبدالله صیرفی آورده است .
در خط نستعلیق در زمره استادان اولیه این خط است و آن را بشیوه اظهر خوش
می نوشت .

تاریخ وفاتش معلوم نیست ، ولی حیاتش تا سال . ۸۹ معلوم است .

از آثار وی ، جز آنکه با قلام مختلف نوشته عبارتست از :

یک نسخه صد کلمه حضرت علی بن ابی طالب ، که متن آن بقلم ثلث بزر
تحریر دارد و ترجمه منظوم آن بقلم نستعلیق کتابت خفی متوسط است و چنین تمام
می شود : « تمت مائة کلمه . . . علی ید العبد الفقیر الی الله تعالی محیی ، تجاوز الله
عنه ، حرره حاجی محمد بن عبدالواسع التبریزی ، عفا الله عنهما ، فی الثانی عشر ، من
جمادی الاخر سنة ثمان و سبعین و ثمان مائة » در کتابخانه سلطنتی ، تهران .

محیی کرمانی = میر شیخ اول کرمانی = شیخ اول = امیر شیخ

(۱۳۳۹) محیی هروی

از شاگردان محمد قاسم شادیشاه و گویند طراوت خط وی از استاد بیشتر
بوده است .

صاحب مناقب هنروران گوید که در این ایام (سال ۹۹۵) در خراسان از
او خوشنویس تر کسی نیست . آنچه از خطوط وی معلوم است که نستعلیق را چه
قطعه و چه کتابت ، استادانه و بسیار با ملاحظت می نوشته است و او را باید از خوشنویسان
زبردست قرن دهم محسوب داشت و اینست آنچه از آثار وی دیده ام :

یک نسخه دیوان ترکی نوائی ، بقلم کتابت جلی ، با رقم و تاریخ : « کتبه

العبد الفقير الحقير المذنب محیی هروی ، غفر ذنوبه ، سنه ۶۸۶ « در کتابخانه سلطنتی
تهران ؛

یک نسخه منتخب بوستان سعدی ، بقلم کتابت عالی ، با تاریخ ورقم : « تمت
الكتاب بعون الله تعالى ، فی آخر شعبان المعظم سنه ثمان و ستین و تسعمائة ، کتبه
العبد المذنب محیی غفر ذنوبه » در همان کتابخانه ؛

سه قطعه ، بقلمهای از سه دانگ تا غبار عالی و خوش ، بارقم : « کتبه المذنب
محیی » در همان کتابخانه ؛

یک قطعه ، بقلم دودانگ و کتابت خوش ، بارقم و تاریخ : « کتبه المذنب
محیی ، فی شهر سنة اثنی و ثمانین و تسعمائة » در کتابخانه ملی ، تهران ؛

دو قطعه از یک سرقع ، بقلم سه دانگ و دودانگ و کتابت خوش ، بارقم :
« مشقه محیی ، در کتابخانه آستان رضوی ، مشهد ؛

یازده قطعه در سرقعهای سید احمد مشهدی و مالک دیلمی ، بقلمهای از سه
دانگ تا کتابت عالی و خوش ، بارقمهای : « المذنب محیی » و « المذنب محیی
الهروی » و « کتبه المذنب محیی الکاتب غفر ذنوبه ، در منزل شریف حضرت . . .
امیناً للسعادة والدين محمودا ، سرقوم شد . تحریراً فی شهر ربیع الاول سنه ۹۷۱ ،
کتبه محیی » در کتابخانه خزینة اوقاف ، استانبول ؛

یک قطعه ، از سرقع سیر عماد ولی الدین افندی ، بقلم سه دانگ عالی ، بارقم
و تاریخ : « کتبه المذنب محیی ، فی شهر سنه ۹۷۵ » در کتابخانه دانشگاه ،
استانبول .

محیی الکتاب = سیریحیی

(۱۳۴۰) مختار بیک قزوینی

فقط سیرزاسنگلاخ بالقب « مختار الخطاطین » از وی یاد کرده گوید که از

نجیب زادگان قزوین و منشی و خوشنویس و از شاگردان میر عماد بود و پس از مرگ
میر چندی منزوی شد و به کیمیاگری پرداخت.

مختاری	= حسین کوبه‌انی
مدهوش	= محمدصادق گلپایگانی
مدیرالدوله	= محمود وزیراشکر

۱۳۴۱) مدیرالکتاب

از کاتبان قرن حاضر است و بخط وی نسخه تاریخ شورش روسیه، بقلم
نستعلیق کتابت متوسط نوشته شده و بسال ۱۳۲۷ در تهران بچاپ رسیده است.

۱۳۴۲) مراد چهارم - سلطان

سلطان عثمانی است که از سال ۱۰۳۲ تا ۱۰۴۹ سلطنت کرده است. میرزا
حبیب او را جزو نستعلیق نویسان عثمانی آورده گوید که بسیاری از شعرا او را در
خوشنویسی و شاعری و دلیری، ستوده‌اند.

۱۳۴۳) مراد عباسی

از قاطعان خوش خط ظاهراً دوران شاه عباس صفوی است و یک قطعه بریده
بخط وی دارم، بقلم دودانگ متوسط، بارقم: «مرادالعباسی».

۱۳۴۴) مرتضی الهام - میر

در مقالات الشعرا آمده است که فرزند میر کمال الدین خان احمد رضوی است،
در سی سالگی تحصیلات علوم معقول و منقول را تمام کرد و در فن سپاهیگری یکتا
بود و شعر می گفت و «الهام» تخلص می کرد. هفت قلم را خوش می نوشت.

پس از مرگ اورنگ زیب (سال ۱۱۱۸) بشاه عالم بهادر شاه، فنون و کمالات خود را، در شاه جهان آباد عرضه کرد و مقبول افتاد. در جوانی به سال ۱۱۲۶ در گذشت.

۱۳۴۵) مرتضی برغانی - سید

کاتب و دفتر دار مدرسه سادات بود و در آغاز تأسیس مدرسه (ذی الحجۃ ۱۳۱۶ قمری) قریب به چهل سال داشت. شخصی درویش مسلک، خوش گذران، زیرک و شغلهش کتابت خط نستعلیق برای چاپ و غیره بود و مدتی نیز در هندوستان بسر برده بود. بالاخره هم نتوانست با مؤسس مدرسه مرحوم حاج میرزا یحیی دولت-آبادی کار کند و با او اختلافاتی پیدا کرد که داستان مفصل دارد و سرانجام بدستور وزیر علوم دوره مظفری از کار مدرسه برکنار شد (حیات یحیی ج ۱ ص ۲۴۷-۲۷۸) کتابهای چاپ سنگی متعدد بخط او انتشار یافته است که در آخر آنها «مرتضی الحسینی البرغانی» رقم شده است. (ح. م. م.)^۴

۱۳۴۶) مرتضی شیرازی - شیخ

فرزند میرزا خلیل بن شیخ اسدالله شیرازی است. خاندانش اهل علم و فضل بودند، از جمله امام جمعه وقت شیراز از خویشان ایشان بود. شیخ مرتضی از پزشکان شهیر شهر بود و خط نستعلیق را خوش می نوشت. در هنگام تألیف آثار عجم (سال ۱۳۱۰) در قید حیات بود.

مرتضی قلی خان = نامی

۱۳۴۷) مرتضی نجم آبادی - شیخ

فرزند مرحوم آقا شیخ هادی نجم آبادی بود و در آغاز تأسیس دارالمعلمین

عالی در آنجا به تعلیم خط اشتغال داشت و چون اواخر زمان میرزای کلهر، و دوره خوشنویسان بعد از او را درک کرده است، شیوه نوشتنش متأثر از آنهاست (ح. م. م.)

سردان علی خان مشهدی = کاظم - میرزا

(۱۳۴۸) مرشد الدین شیرازی - شیخ

از کاتبان پرکار گم نام قرن دهم و بخط وی موجود است :

یک نسخه حدیقة الحقیقه سنائی، بقلم کتابت متوسط، که چنین تمام می شود :

«تم الكتاب الموسوم بحدیقة الحقایق، من کلام ملک الحکما و قدوة الفضلا استاد المحققین قطب العارفین افصح المتکلمین مجدود بن آدم السنائی الغزنوی روح الله روحه فی شهر سنة . . . وتسعمائة [رقم عشرات محوشده است] علی ید العبد شیخ مرشد الدین، سترالله عیوبه، ببلدة شیراز» در کتابخانه سلطنتی، تهران؛

یک نسخه مثنوی شاه و درویش هلالی، بقلم کتابت خفی متوسط، با رقم و تاریخ: «... علی ید اقل العباد مرشد الکاتب شیرازی... فی تاریخ یوم الاثنین عشرین شهر رمضان المبارک سنة خمسین وتسعمائة» در همان کتابخانه؛

یک نسخه سلسله الذهب جامی، بقلم کتابت جلی متوسط، با تاریخ و رقم: «تم الكتاب... فی تاریخ شهر جمادی الثانی سنة ثمان واربعین وتسعمائة... علی ید اقل العباد مرشد الکاتب شیرازی...» در مجموعه آقای عباس مزدا، تهران؛

یک نسخه حالنامه عارفی، بقلم نیم دو دانگ متوسط، با رقم و تاریخ: «تم الكتاب... علی ید اقل العباد مرشد کاتب شیرازی، فی تاریخ شهر رمضان المبارک سنة تسع واربعین وتسعمائة» در مجموعه آقای سلطان القرائی، تهران؛

یک نسخه مثنویات کامل خواجه جوی کرمانی، بقلم کتابت متوسط، با تاریخ و رقم: «... تمت الكتاب... فی تاریخ یوم السبت ثالث شهر محرم الحرام سنة ثلاث وخمسين وتسعمائة... علی ید اقل العباد مرشد الکاتب شیرازی...» در کتابخانه مدرسه سپهسالار، تهران؛

یک نسخه کلیات سعدی ، بقلم کتابت متوسط ، در - The Walter Art Gallery ، بالتیمور ؛

یک نسخه مهر و مشتری عطار ، بهمان قلم ، در همان موزه :

یک نسخه خمسہ نظامی ، با رقم « مرشد الدین محمد » و تاریخ ۹۱۹ کہ در شیراز نوشته است ، در مجموعه کور کیان ، نیویورک ؛

یک نسخه ظفر نامہ تیموری شرف الدین علی یزدی ، با رقم : « مرشد الکاتب الشهیر عطار الشیرازی » و تاریخ ۹۲۹ ، در موزه بریتانیا ، لندن ؛

نسخہ دیگر خمسہ نظامی ، با رقم « مرشد الکاتب العطار الشیرازی » و تاریخ ۹۳۵ ، در مجموعه چستر بیٹی ، دوبلین ؛

نسخہ دیگر خمسہ نظامی ، با همان رقم و تاریخ ۹۳۶ ، در همان مجموعه ؛
نسخہ دیگر ظفر نامہ تیموری ، با رقم : « مرشد الکاتب الشیرازی » و تاریخ

۹۳۹ در کتابخانہ ، ایندیانا آفیس ،

یک نسخه لیلی و مجنون ہاتفی ، با همان رقم و تاریخ ۹۴۱ ، در کتابخانہ دولتی ، برلین ؛

یک نسخه شاہنامہ فردوسی ، با همان رقم و تاریخ ۹۴۲ ، در کتابخانہ بانکی پور ؛

نسخہ دیگر خمسہ نظامی ، با همان رقم و تاریخ ۹۴۵ در کتابخانہ خزینہ اوقاف ، استانبول ؛

نسخہ دیگر شاہنامہ فردوسی ، با همان رقم و تاریخ ، در مجموعه کور کیان نیویورک ؛

یک نسخه عجایب المخلوقات قزوینی ، با رقم : « مرشد الشیرازی الملقب عطار » و تاریخ ۹۵۲ ، در همان مجموعه ؛

نسخہ دیگر ظفر نامہ ، با رقم : « مرشد الکاتب الشیرازی » و تاریخ ۹۵۳ ، در کتابخانہ عموسی ، لنین گراد ؛

نسخه دیگر خمسة نظامی ، با همان رقم و تاریخ ۹۵۵ ، در فریر گالری ،
واشنگتن ؛

نسخه دیگر ظفرنامه ، با رقم : «مرشد الکاتب العطار» و تاریخ ۹۵۹ ، در
کتابخانه موزه بریتانیا ، لندن ؛

نسخه دیگر کلیات سعدی ، بقلم کتابت خفی متوسط ، با تاریخ و رقم :
«فی تاریخ شهر شوال سنة اثنین و ثلاثین و تسعمائة الهجریه ، علی يد اقل العباد
مرشد الکاتب المشهور بعطار الشیرازی غفر الله ذنوبه و ستر عیوبه» در نزد عتیقه فروشی
تهران ؛

شیخ مرشد را دو فرزند بوده است خوشنویس و هردو گم نام یکی بنام عبدالله
که بمراتب از پدر بهتری نوشته است و دیگری حمدالله که اگر چه مانند برادر
نمی نوشت ولی از پدر خوش تر می نوشته است . (رجوع بترجمه آن دوشود) .

مرصع رقم	=	بدرالدین علی خان
مرصع رقم	=	محمدحسین عطاخان
مستوره کردستانی	=	ماهشرف
مستوفی نظام	=	محمود

۱۳۴۹) مسعود - میرزا

محمد صالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲۶) ویرا از خوشنویسان در گذشته
هنگام تالیف تذکره خود دانسته گوید ، میرزا مسعود ولد میرزا صدرالدین محمد
مستوفی الممالک ، جلی را بد نمی نوشت .

۱۳۵۰) مسعود رکن الدین

معروف به «رکنا» فرزند نظام الدین علی کاشانی است که در دربار سلاطین
صفوی ، از زمان شاه طهماسب تا شاه عباس اول ، سمت طبابت خاصه داشته است .

رکنا ، بسال ۹۹۲ جوانی بود که در آن اوان او را بجدت طبع و حدت ذهن ستوده و گفته اند که در اصناف علوم دست داشته و در علم طب کتابی بعنوان «ضابطة العلاج» تألیف کرده است و انواع شعر را خوش می سروده و «مسیحی» تخلص می کرده است و خط نستعلیق را خوش می نوشته است .

رکن الدین ، مدتی پزشک خاصه شاه عباس اول بود ، ولی پس از مدتی شاه از وی مکدر شد و او را از خود راند و رکنا بکاشان رفت و مقیم شد و بکار طبابت پرداخت . پس از دو سال بخراسان رفت تا شاید شاه که در آن وقت در خراسان بود ، بوی توجهی کند و چون مأیوس شد ، درحینى که شاه عباس عازم سفر بلخ بود ، با خانواده خود به هندوستان مهاجرت کرد .

تقی الدین کاشانی در خلاصه الاشعار آورده است : «... با وجود قلت سن جمیع اطباء دوران بفضیل و تقدم او معترفند... با این حالات در وادی خوشنویسی قلم نستعلیق ، شریک غالب خوشنویسانست»

خود در این قطعه اشارتی بخوشنویسی و شاعری و طبابت خویش کرده است :

چو بقراطم اندر طبابت نخست	فصولش بتصدیق من شد درست
گر از شعر پرسی ، سنائی فتم	غلط گفتم آخر ، سنائی منم
و راز خط پیرسی ، خفی و جلی	نویسم که ، العبد سلطان علی

غلام علی آزاد گوید که تا سال ۱۰۴۳ در دربار جهانگیر و شاه جهان ملازم و پزشک مخصوص بود و در آن تاریخ رخصت یافت و بزیارت حرمین شریفین رفت در مراجعت ، بمشهد رفت و از آنجا بکاشان باز آمد و با اشاره شاه صفی باصفهان رفت ، ولی چون التفاتی ندید ، بشیراز رفت و از شیراز بکاشان باز گشت و بسال ۱۰۶۶ در همانجا در گذشت .

«رفت بسوی فلک باز مسیح دوم» ماده تاریخ وفات اوست .

مسعود بن علی = عمادہ محلاتی

(۱۳۵۱) مسعود مذهب کرمانی

از خوشنویسان گم نام قرن دہم است و بخط وی وقتی یک نسخه مناجات حضرت علی بن ابی طالب دیدم ، بقلم نیم دودانگ متوسط ، بارقم و تاریخ : «مشقہ العبد المذنب مسعود المذہب الکرمانی ، غفر ذنوبہ ، فی شہور سنہ ۹۴۴» .
(بترجمہ مسعود بن میر کی نیز مراجعہ شود)

(۱۳۵۲) مسعود بن میر کی مذهب

از خوشنویسان گم نام قرن دہم است و شاید همان مسعود مذهب کرمانی سابق الذکر باشد . بخط وی یک قطعہ نستعلیق گلزار سہ دانگ و نیم دودانگ خوش ، در مرقع شاہ عباس کتابخانہ خزینہ اوقاف در استان بول است ، کہ چنین رقم دارد : «مشقہ العبد المذنب مسعود بن میر کی المذہب»

(۱۳۵۳) مسیب خان

فرزند محمد خان شریف الدین اوغلی ، بیگلر بیگی ہرات است . مردی با استعداد بود و در موسیقی مہارت داشت و تصنیفات مشہور دارد . شعر می گفت و نستعلیق را خوش می نوشت .
ہنگام تالیف مجمع الخواص (سال) از ارکان دولت و درسین جوانی بود .

(۱۳۵۴) مسیح قزوینی - میرزا

محمد صالح اصفہانی (متوفی سال ۱۱۲۶) گوید فرزند میرزا فصیح برادر

محمد طاهر وحید و شاگرد پدر من (ابوتراب اصفهانی) بود و خوش می نوشت.

(۱۳۵۵) مسیحای شیرازی

فرزند نویدی شیرازی است. از کمالات بهره داشت و شعر لطیف می گفت و «ناطق» تخلص می کرد. نستعلیق را خوش می نوشت. با وجود وفور هنر و کمال روزگار باوی سازگار نبود و در عسرت می زیست. بسال ۱۰، تاریخ تألیف تذکره نصرآبادی، دوران پیری را می گذرانید و خود در این شعر متذکر این معنی است:

قدم کمان شده و از تنم توان رفته

عصا بود بکفم، تیر از کمان رفته

محمد صالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲۶) وی را جزو کاتبانی میداند که پس از میرعماد و در زمان ابوتراب اصفهانی می زیسته است.

مسیحی = رکن الدین مسعود

(۱۳۵۶) مشرب کاشانی - میر

فرزند میر حسین شیشه گر بود و بواسطه طول اقامت در قم، به قمی معروف شده است (یا بحسب روایت نصرآبادی بعکس).

شعر می گفت و از خطوط، نستعلیق و شکسته را خوش می نوشت.

در دوره سلطنت شاه عباس اول صفوی، جوانی بوده، پدرش وقتی در محضر پادشاه، توصیف پا کدامنی وی را بمبالغه می کرده است، شاه می گوید که:

«مگو پسری دارم، بگو کره خری دارم».

در ریاض الشعراست که آخر عمر را در تبریز گذرانیده و همانجا در گذشته

است.

مشرقی	= محمد استرابادی
مشکین قلم	= عبدالله - میر
مشکین قلم	= عبدالله - میر
مشکین قلم	= نورا
مشکین قلم	= محمد ابراهیم شیرازی
مشکین قلم	= محمد حسین شیرازی کاتب السلطان
مشکین قلم	= محمد حسین طهرانی کاتب السلطان
مشیر دفتر	= علی - میرزا
مشیر دیوان	= بابا خان - میرزا
مشیر السلطنه	= احمد خان - میرزا

(۱۳۵۷) مصاحب تبریزی

از شاگردان میر علی هروی است. نامش معلوم نیست و میرزا حبیب گوید که چون باستانبول رفت و بمصاحبت سلطان محمد ثالث نایل آمد، «مصاحب» رقم کرد و در اشعار تخلص نمود. در آخر عمر به تبریز بازگشت و در این شهر درگذشت.

مصحح = محمد صادق

(۱۳۵۸) مصطفی - میر

معروف به «عواد» از خوشنویسان عثمانی [بود] و در نواختن عود مهارت داشت.

در مناقب هنروران است که در خط شاگرد ملاعلی سلطان است و با اینکه نزد عثمان پاشا ملازم بود، در زندگانی طالع نداشت و غالباً در بدر بود و سرانجام در ملازمت عثمان پاشا، در جنگ شروان یا داغستان کشته شد.

بخط وی قطعه‌یی در سر قعی از خزینة اوقاف استانبول است، بقلم سه دانگ

و کتابت متوسط ، که در رقم اشاره به نامرادی خود دارد : «نوشت میر مصطفی دردمند
نامراد ، ۹۸۷» .

(به ترجمه مصطفی رضوی مراجعه شود) .

(۱۳۵۹) مصطفی بغدادی - میر

صاحب مناقب هنروران گوید که از شاگردان قطب الدین محمد یزدی بود .

(۱۳۶۰) مصطفی جودت

از نستعلیق نویسان عثمانی و شاگرد سید محمد افندی دده زاده بود و از او
اجازه داشت .

میرزا حبیب گوید که در تیر اندازی شهرت داشت و بسال ۱۳۰۱ در گذشت .

(۱۳۶۱) مصطفی رضوی

از خوشنویسان کم نام قرن دهم و یازدهم و قطعه یی در یک مرقع خزینه
اوقاف بخط وی است ، بقلم سه دانگ و نیم دودانگ خوش ، با رقم و تاریخ : «نمقه
الداعی مصطفی الرضوی ، فی سنة ست و الف من الهجرة» .

(شاید این مصطفی ، همان مصطفی عواد باشد)

(۱۳۶۲) مصطفی سامی

میرزا حبیب گوید که معروف به «آرپه امینی» و از خوشنویسان عثمانی
است .

(۱۳۶۳) مصطفی طیبی

فرزند صنع الله ، شاگرد شیخ الاسلام ولی الدین افندی ، نستعلیق نویس زبردست عیمانی است .

میرزا حبیب از خطوط وی ، آثار بسیار را یاد کرده است ، از جمله ، بیست و پنج نسخه شفا و تفسیر بیضاوی ، و گوید بسال ۱۱۷۹ در گذشت .

(۱۳۶۴) مصطفی عارف

از نستعلیق نویسان عثمانی و بقول میرزا حبیب ، اول کسی است که نستعلیق را بطغرابی نوشته و بسال ۱۱۸۵ در گذشته است .

از آثارش سه لوحه در طاق جامع نور عثمانی است .

(۱۳۶۵) مصطفی عاشر

از کتیبه نگاران عثمانی است و بخط وی دولو سه درموزه آثار اسلامی و ترک در استانبول است ، هر دو بقلم یک دانگ کتیبه خوش ، یکی مضمون ورقم : «الجنة تحت اقدام الامهات ، الداعی مصطفی عاشر غفرله» و دیگری بهمین رقم .

(۱۳۶۶) مصطفی عزت افندی

معروف به «یساری زاده» فرزند و شاگرد محمد اسعد افندی یساری استانبولی خوشنویس است . در کتیبه نگاری دست قوی داشت و از این قبیل آثار او دیده ام : دولوحه شعر ترکی ، در مزار مولانا جلال الدین بلخی ، در قونیه ، بقلم کتیبه شش دانگ خوش ، بارقم و تاریخ ، «اثر کلک یساری زاده ۱۲۵۱» و «کتبه یساری زاده غفرلها ۱۲۵۹» ؛

سه لوحه دیگر ، در همان مزار ، بقلم سه دانگ کتیبه خوش ، با رقم و تاریخ
«الفقیر یساری زاده مصطفی عزت غفرلہما ، ۱۲۴۳» ؛

یک لوحه دیگر در همان مزار ، بقلم شش دانگ و دودانگ کتیبه خوش ،
با رقم و تاریخ : «موفق ایلمدی کلک یساری زاده ۱۲۵۲» کہ مضمون بہ کتیبہ
«یا حضرت مولانا» است .

کتیبہ سردر دارالایالہ شہر استانبول ، بقلم سه دانگ خوش ، با رقم :
«مصطفی عزت»

یک لوحہ ، در بقعہ امیرسلطان ، در شہر بورسہ ، بقلم یک دانگ کتیبہ متوسط ،
با رقم : «مصطفی عزت»

ہشت لوحہ ، در سوزہ آثار اسلامی و ترک استانبول بشرح ذیل :

یک لوحہ ، بقلم پنج وسہ و دودانگ کتیبہ متوسط ، بقلم زر ، با رقم و تاریخ :
«المدنب الراجی یساری زاده مصطفی عزت غفرلہما ۱۲۳۷» ؛

یک لوحہ ، بقلم چہاردانگ کتیبہ خوش ، با رقم و تاریخ : «کتبہ یساری زادہ
مصطفی عزت غفرلہما ، ۱۲۵۱» ؛

یک لوحہ ، بقلم چہاردانگ و دودانگ کتیبہ متوسط ، با رقم و تاریخ : «الفقیر
یساری زادہ مصطفی عزت غفراللہ ذنوبہما ، ۱۲۲۰» ؛

یک لوحہ ، بہمان قلم خوش ، با رقم و تاریخ : «کتبہ العبد یساری زادہ
مصطفی عزت غفراللہ ذنوبہما ، ۱۲۴۶» ؛

یک لوحہ ، بقلم دودانگ کتیبہ خوش ، با رقم و تاریخ : «الفقیر یساری زادہ
مصطفی عزت غفرلہما ، ۱۲۴۱» ؛

یک لوحہ ، بقلم چہاردانگ کتیبہ خوش ، با رقم و تاریخ : «الفقیر یساری زادہ
مصطفی عزت غفرلہما ، ۱۲۵۱» ؛

یک لوحہ ، بقلم شش دانگ کتیبہ خوش ، بمضمون : «ہوالسمیع العلیم»

بارقم و تاریخ : «الحقیر یساری زاده مصطفی عزت غفرلهما ، ۱۲۱۵» ؛
 یکک لوحه ، بقلم شش دانگ کتیبه متوسط ، بارقم و تاریخ : «کتبه یساری-
 زاده مصطفی عزت غفرلهما ۱۲۵۲» .

(۱۳۶۷) مصطفی صدرالدین بیک

معروف به «بکرزاده» شاگرد یساری زاده بود و هنگام اقامت سیرزاسنگلاخ
 در استانبول ، نزد وی تعلیم خط نستعلیق گرفته است . وفاتش را سپهر سال ۱۲۶۵
 ضبط کرده است .

(۱۳۶۸) مصطفی قلی خان شاملو

از خانان هرات بود . نستعلیق را خوش می نوشت و بقول سپهر بسال ۱۲۸۱
 درگذشت .

(۱۳۶۹) مصطفی قلی نوری

فرزند میرزا فضل الله وزیر نظام و از مستوفیان دربار ناصرالدین شاه قاجار بود
 و بسال ۱۲۸۵ درگذشت .

از آثار وی دیده ام ، یک مرقع پندنامه لقمان ، بقلم نیم دو دانگ متوسط و
 کتابت خوش ، که چنین تمام می شود : «حسب الخواش . . . میرزا محمد صادق
 صورت تحریر یافت . کتبه . . . مصطفی قلی بن فضل الله بن اسدالله نوری ، فی شهر
 شعبان المعظم سنه اربع وستین و مائتین بعد الالف من الهجرة . . .»

مصطفی قلی خان کجوری مازندرانی دیگری هم عصر این مصطفی قلی خان
 از کاتبان بوده و یک نسخه معراج السعادة بخط وی ، بقلم کتابت خوش نوشته و
 بسال ۱۲۶۵ چاپ شده است .

(۱۳۷۰) مصطفی نجم آبادی

فرزند محمد نجم آبادی و از کاتبان قرن اخیر است و یک نسخه «دستور حکومت» بخط وی بقلم کتابت و دودانگ خوش نوشته شده و بسال ۱۳۲۱، در تهران بچاپ رسیده است.

(۱۳۷۱) مصطفی نور

میرزا حبیب گوید از خوشنویسان استانبول بود و در خط نستعلیق از قاضی عسکر عارف افندی اجازه داشت و بسال ۱۱۰۵ در گذشت.

مطلع = محمد - میرزا

(۱۳۷۲) مظفر حسین

از خوشنویسان چیره دست قرن دهم است، که با همه مهارت در خوشنویسی، کم نام مانده است.

صاحب صبح گلشن از یک خوشنویس موسوم به مظفر حسین کاشانی نامی برده که طبیب شاه عباس صفوی بوده است و ظاهراً جز این خوشنویس است.

از آثار شیوای وی دیده‌ام:

یک نسخه خسرو شیرین هاتقی، بقلم کتابت عالی، بارقم و تاریخ: «کتبه الفقیر المذنب مظفر حسین بن محمد امین غفر ذنوبهما و ستر عیوبهما، فی شهر سنه ۹۸۰» در کتابخانه سلطنتی، تهران؛

دو قطعه، بقلم سه دانگ و نیم دودانگ خوش، بارقم: «مشقه مظفر حسین» و «عبده مظفر حسین» در همان کتابخانه،

یک نسخه یوسف وزلیخای جامی، بقلم کتابت خفی خوش، که چنین

تمام می شود: «تمت الكتاب بعون الملك الوهاب، كتبه المذنب مظفر حسين بن محمد اسين غفر ذنوبهما، في تاريخ غرة شعبان المعظم سنة ۹۸۰» درموزه آثار اسلامی و ترك، استانبول؛

يك قطعه از مرقعی، بقلم دو دانگ عالی، با رقم: «مشقه مظفر حسين» در همان موزه.

(۱۳۷۳) مظفر بن عبدالله

از کاتبان نیمه اول قرن نهم و ظاهراً در دربار سلطان ابراهیم میرزا تیموری (۸ - ۸) میزیسته است.

بخط وی دیده ام:

يك نسخه کلیات سعدی، که بنام امیر مزبور بقلم کتابت خفی متوسط نوشته است و چنین تمام می شود: «تمام شد دیوان املاح الشعراء، افضل السالكين ناصح الملوك و السلاطين، افصح المتكلمين، زبدة العارفين، شیخ مصلح الدین مشرف، المعروف بسعدی رحمة الله علیه... در عهد خلافت بندگی حضرت سلطان... خلیل الرحمان، مغیث السلطنه والدین، ابو الفتح ابراهیم سلطان خلد الله ملكه و سلطانه... بارشاد جناب مخدوم و استاد م، یگانه زمان و هنرمند جهان، خواجه غیاث الدین محمد فرج الله مدظله، علی يد العبد مظفر بن عبدالله اصلح الله شأنهما... در شهر سنة تسع و عشرين و ثمانمائة...» و در پشت صفحه اول دارد: «برسم خزانه السلطان الاعظم الاعدل الاشجع مغیث الدنیا والدین ابو الفتح ابراهیم سلطان خلد الله ملكه» در کتابخانه دانشگاه پنجاب، لاهور؛

يك نسخه مجموعه اشعار بهمان قلم، در کتابخانه آقای سلطان القرائی، که چنین تمام می شود:

(۱۳۷۴) مظفر علی

از شاگردان معزالدین محمد کاشانی بود . میرزا حبیب گوید کہ باستانبول رفت و سلطان سلیم خان اورا بکاتبی دیوان واداشت .

(۱۳۷۵) مظفر علی تربتی

در مجمع الخواص است کہ فرزند حیدر علی خواهرزادہ استاد بہزاد نقاش و خود وی نیز نقاش بود . شطرنج را صغیر و کبیر و حاضرانہ و غایبانہ ، استادانہ می باخت و قطعات سیر علی و سلطان علی را چنان تقلید می کرد کہ تمیز آن با اصل دشوار بود و گاهی شعر می گفت . با این ہمہ فضل و ہنر ، طالع خوبی نداشت .
بخط وی دیدہ ام :

دو قطعہ از مرقع امیر غیب بیگ ، بقلم مہ دانگ و دودانگ خوش ، بارقم :
«الفقیر مظفر علی» و «فقیر مظفر علی» ، در کتابخانہ خزینہ اوقاف ، استانبول .

(۱۳۷۶) مظفر علی شیروانی

از کاتبان گم نام قرن دہم و یک نسخہ ہشت بہشت ، بخطوی در کتابخانہ سلطنتی است ، بقلم کتابت متوسط ، با تاریخ و رقم : «تمت الکتاب بعون الملک الوہاب، فی تاریخ اوایل شہر رجب المرجب سنہ احدی و تسعین و تسعمائة» ، کاتب العبد السلطانی مظفر علی شیروانی .

مظہر الدولہ	= مہدی امین عدلیہ
مظہر الدین	= اظہر تبریزی
معمد الدولہ	= عبدالعلی میرزا
معمد الدولہ	= عبدالوہاب نشاط

(۱۳۷۷) معجزی یزدی

فرزند شمس الدین محمد یزدی است ، شعر می گفت و کتابت می کرد .

و بخط وی دیده‌ام :

یک نسخه کلیات خاقانی ، بقلم کتابت متوسط ، با تاریخ ورقم : « فرغ سن تسوید هذا الكتاب . . . فی رجب المرجب سنه ۹۰۰ . . . ، سوده مالکة ، ابن شمس الدین محمد ، معجزی الیزدی » در کتابخانه سلطنتی ، تهران ؛

یک نسخه رباعیات مختلف ، بهمان قلم ، با تاریخ ورقم : « تحریراً فی شهر جمادی الثانی سنه ۱۰۲۲ اثنی عشرین والف من الهجرة ، عبده معجزی یزدی » در همان کتابخانه ؛

(۱۳۷۸) معروف بغدادی

معروف ، در نیمه دوم قرن هشتم و نیمه اول قرن نهم می زیست . در بغداد متولد شد و همانجا کسب دانش و هنر کرد .

آنها که ترجمه حالش را ضبط کرده‌اند ، مانند صاحب مطلع سعدین و حبیب السیر و گلستان هنر و روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات و دیگران ؛ وی را با انواع فضایل و کمالات و هنر و حسن خط و لطف طبع و شیرین سخنی و وفور استعداد ؛ ستوده‌اند و سرآمد مستعدان جهان و نادره دوران دانسته‌اند .

با اینکه معروف را به خوشنویسی یاد کرده‌اند ، از آثار خطوط وی در کتابخانه‌ها و مجموعه‌های خطوط متعدد که دیده‌ام ، چیزی ندیده‌ام ، جز یک مجموعه در کتابخانه سلطنتی تهران که جامع نمونه هنر و حسن سلیقه و سخن دانی و سخن گوئی اوست .

هنگامی که سلطان احمد جلایر ، بسال ۷۸۴ قیام کرد و بسطان جلال الدین حسین برادر خود چیره شد و بر آذربایجان مستولی گردید و بغداد را از دست عمال شاه شجاع مستخلص ساخت و در بغداد متمکن گردید ؛ معروف بخدمت وی پیوست .

سلطان احمد جلایر ، علاوه بر سیاست مملکت داری ، صاحب ذوق و قریحه بود و از موسیقی بهره داشت و شعر می گفت و شعرا را تربیت می کرد و اهل هنر را تشویق می نمود و در دربار وی جمعی از هنرمندان ، از هر صنف ، گرد آمده بودند ؛ و از آن جمله معروف بغدادی است که مدتی ملازم او بود و در دربار وی با مر کتابت مشغول بود ؛ ولی چون خوی تند و رفتار ناهنجار سلطان احمد نسبت بخویشان ، ملازم طبع معروف نبود ، از بغداد باصفهان رخت کشید و همانجا بود که حکومت فارس و اصفهان ، به میرزا اسکندر گورکانی ، مقرر شد و معروف بدربار وی راه یافت و در کتابخانه او بکار کتابت پرداخت و مقرر شد که روزی پانصد بیت کتابت کند . وقتی رسید که معروف سه روز از کتابت دست باز داشت و میرزا اسکندر بموجب تخلف از حکم خود را از معروف بازخواست و معروف متعذر شد که سیخو هم یک روز کار سه روزه کنم .

میرزا اسکندر فرمود که در میدان اصفهان سایه بان و بارگاه بر افراشتند و یک کسی از شاگردان معروف قلم می تراشید و معروف می نوشت . نماز دیگر یک هزار و پانصد بیت در نهایت لطافت نوشت و عرضه کرد و میرزا اسکندر او را رعایت تمام کرد و انعام فراوان فرمود .

معروف همچنان در دربار میرزا اسکندر بسر می برد تا سال ۸۱۷ ، شاه رخ بن امیر تیمور ، از خراسان باصفهان آمد و حکومت را از اسکندر باز گرفت و به برادر او میرزا رستم تفویض کرد و هنگام بازگشت بخراسان ، معروف را همراه خود بهرات برد و او را کاتب خاص و مخصوص بخود گردانید .

معروف که مردی خوش معاوره و نیک محضر بود ، بزودی توجه دانشمندان و هنرمندان و هنردوستان را جلب کرد و جمعی از معاریف ، بدور وی گرد آمدند . بعضی از دانشمندان ، مانند تاج الأئمه خوارزمی مصاحب وی بودند و برخی از هنرمندان مانند شمس الدین هروی خوشنویس استاد بایسنغر میرزا ، از هنر معروف برخوردار بودند و شاگردی وی میکردند .

معروف در معاشرت ، بزرگ منشی و خویشتن دار بود و در زی بزرگان جامه می پوشید و بشاهزادگان و رجال درباری کم اعتناء بود ، چنانکه گویند ، شاهزاده بایسنغر میرزا فرزند شاهرخ ، خواست که مولانا برای او یک نسخه خمسہ نظامی است کتاب کند و کاغذ مرغوب نزد وی فرستاد و معروف پس از گذشت یکسال ، کاغذها را نانوشت ، نزد شاهزاده باز پس فرستاد ؛ که البته شاهزاده را ناخوش آمد .

سال ۸۳۰ که احمد لر ، از اصحاب مولانا فضل الله حروفی استرآبادی ، در مسجد جامع هرات ، هنگام ادای نماز ، بشاهرخ سوء قصد کرد و بزخم کارد ، پهلوئی شاهرخ را بدرید ؛ چون احمد لر از مصاحبان معروف بود ، او را متهم کردند که در واقعہ سوء قصد ، دست داشته است و او را بازداشتند و چند بارش بیای دار بردند ، ولی از قتل او چشم پوشیدند و در قلعه اختیارالدین زندانیش ساختند و معروف پس از اندک زمانی که زندانی بود ، در همانجا در گذشت .

اما مجموعه یی که در صدر این گفتار ذکر آن رفت مشتمل باشعار متفرق و از جمله بعضی از اشعار اوست که متن آنرا بقلم کتابت خفی متوسط و عنوانها را بقلم رقاع کتابت خوش نوشته است و در یک موضع چنین دارد : « کتبه العبد الضعیف علی سبیل الاستعجال ، المحتاج الی غفور به الرؤف معروف ، احسن الله حاله والحمد لله رب العالمین » و با اینکه تاریخ ندارد ، چنانکه در مقالات : « یک مجموعه اشعار فارسی ناشناخته از قرن هشتم هجری » به تفصیل آورده ام ، باید این نسخه در بین سنوات ۷۸۴ و ۸۱۳ و با احتمال قوی بین سالهای ۷۸۴ و ۷۸۸ است کتاب شده باشد .

اما آنچه از این مجموعه برسی آید اینست که ، اگر چه خطوط رقاع آن با جودت کتابت شده است ، خط نستعلیق آن فروتر و درجه متوسط دارد و حق هم این است که این نسخه از قدیمی ترین نمونه های خط نستعلیق و شاید قدیمترین مجموعه بدون این خط باشد .

معزالدین = حسین بن محمد میرک

معزالدین = محمد کاشانی

(۱۳۷۹) معز - ملا

صاحب سرآة العالم وی راجا گرد ملا عبدالباقی تبریزی دانسته گوید هفت قلم را خوش می نوشت و از خوشنویسان زمان شاه عباس ثانی صفوی (۱۰۷۸-۱۰۵۲) بود . محمد نصیر خوشنویس ، شاگرد او بود .

(۱۳۸۰) معصوم - میرزا

محمد صالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲۶) وی راجز و شاگردان خود آورده که بواسطه مناصب و خدمات دیوانی تارک شده است و گوید ، وزیر رانکوه است و بسیار خوش می نویسد :

معین الدین = محمد امفراینی

معین الدین شریفی = محمد تبریزی

معینی = محمود سعود دهلوی

(۱۳۸۱) معین الدین واعظ

صاحب حالات هنروران وی را استاد سلطان محمد نور دانسته است ، در حالی که می دانیم استاد سلطان محمد نور ، سلطان علی مشهدی است .

مفلس = امان الله خان

(۱۳۸۲) مفلسی - میر

صاحب ریاض الشعراء گوید که از سادات مشهد و از اولیای عصر بود و سلطان علی مشهدی در رساله منظوم قواعد خطوط خود ، آورده است که نخستین بار

مفردات خط نستعلیق را میر مفلسی بمن آموخته است .

(۱۳۸۳) مقبول نبی خان

در تذکره هفت قلمی آمده است که فرزند انعام الله خان و از شعرا و خوشنویسان پرهیزکار و صالح هندوستان است و در خط نستعلیق شاگرد میرزا محمد علی بود و کتابت خفی را خوش می کرد و آثار بسیار از خود ، بجای گذاشته است .

(۱۳۸۴) مقصود تبریزی

از کاتبان خوشنویس قرن دهم است که ثلث و نسخ و رقاع را عالی و نستعلیق را متوسط می نوشته است .

از آثار وی دیده ام :

یک نسخه دیوان جامی ، بقلم کتابت متوسط ، با تاریخ ورقم : « بتاریخ سلخ ذی قعدة سنه ۹۰۹ ، کتبه العبد الفقیر المذنب مقصود تبریزی ، غفر الله ذنبه » در کتابخانه مدرسه سپهسالار ، تهران ؛

(۱۳۸۵) مقصود بن جمشید

از کاتبان خوشنویس گمنام قرن یازدهم و بخطوی یک نسخه دیوان حافظ در مجموعه آقای سلطان القرائی است ، بقلم کتابت خفی خوش ، که چنین تمام می شود : « تمت ال دیوان خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی علیه الرحمة و المغفرة ، بتاریخ شهر ربیع الاول سنه ۷۰۷ . [۱ .] ، کتبه العبد المذنب الراجی . . . ابن جمشید ، مقصود . . . »

(۱۳۸۶) مقصود خاکی

از کاتبان گم نام قرن دهم و بخط وی یک نسخه جواهر التفسیر کاشفی، در بقعه مولانا جلال الدین در قونیه است، بقلم کتابت متوسط، بارقم: «مقصود بن عبدالحق خاکی».

(۱۳۸۷) مقصود علی ترک

صاحب مناقب هنروران گوید از شاگردان سلطان علی مشهدی است. میرزا حبیب گوید که اصلاً از مردم عثمانی بود که با یران آمده و نزد سلطان علی تعلیم خط گرفته است، و تاریخ وفات او را سال ۷۷ ضبط کرده، که البته درست نیست و سلطان علی مشهدی، بیش از یک قرن، پس از این تاریخ هنوز می زیسته است.

(۱۳۸۸) مقصود علی شیرازی

از کاتبان گم نام قرن یازدهم و بخط وی یک نسخه کلیات سعدی، در کتابخانه سلطنتی است بقلم کتابت متوسط، که چنین تمام می شود: «تمت الکلیات افصح المتکلمین، شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی علیه الرحمة و المغفرة، علی ید الفقیر الحقیر المذنب الراجی، مقصود علی شیرازی، غفرالله ذنوبه و ستر عیوبه بتاريخ یوم الاثنین غرة شهر ذی حجة الحرام سنة سبعین بعد الالف»

(۱۳۸۹) مقصود هروی

در آئین اکبری آمده است که؛ از رجال دربار همایون پادشاه بود و در ساختن آلات نجومی مانند کره و اصطربلاب مهارت داشت و نستعلیق و رقاع را خوش می نوشت.

از آثار وی دارم : یک نسخه تحفة الاحرار جامی ، بقلم کتابت متوسط ، با رقم و تاریخ : « تمت كتابة هذا الكتاب ، على يد العبد مقصود الهروي حامداً لله و مصلياً على نبيه ، في سنة ۹۲۸ » .

مقیم = محمد مقیم

۱۳۹۰) ملاجان کاشی

در مناقب هنروران است که از شاگردان جعفر تبریزی و از خوشنویسان دربار بایسنغر میرزا گورکانی است .

ملاجان مخترع خط «شکسته بسته» و آن چنان است که اجزاء خط را بعضی در یک کاغذ و بعضی در صفحه دیگری نویسد و چون آن دو صفحه را روی هم گذارند خط کامل نموده می شود .

ملاجیون = متین لاهوری

ملا سیر = محمد حسین

۱۳۹۱) ملک ایرج میرزا

فرزند فتح علی شاه قاجار است . شعر می گفت و از علم طب سر رشته داشت و نستعلیق را خوش می نوشت و بقول سپهر بسال ۱۲۹۰ در گذشت .

ملک پاشا زاده = علی حیدر بیگ

۱۳۹۲) ملک زاده

از کاتبان گمنام عثمانی و نام اصلش نیز معلوم نشد . بخط وی در مرثعی از کتابخانه دانشگاه استانبول قطعه ای است بقلم سه دانگ جلی و کتابت خفی خوش ، با رقم : « کتبه اضعف عباد الله و احقرهم ملک زاده ، تجاوز الله عن سیاته ، فی دارالفتح قسطنطنیه ، صینت عن البلیة » .

ملک الشعرا	= فتح علی خان صبا
ملک الشعرا	= محمود خان صبا
ملک الشعرا	= محمد قاسم خان کاشافی
ملک الکتاب	= محمد مهدی = مهدی فراهانی
ملک الکتاب	= محمد صالح

۱۳۹۳) ملک قاسم شیرازی

در تحفه ساسی و هفت قلم آمده است که خود را از اولاد شاه شجاع سی دانست و شعر سی گفت و از نقاشی بهره داشت و در معما و عروض ماهر بود و همه خطوط را خوش سی نوشت. حافظه قوی داشت که به یک بار خواندن، سی بیت را از بر می کرد و با این همه فضل بی طالع بود و بسال ۹۴۷ در گذشت.

۱۳۹۴) ملک محمد قزوینی

در المآثر و الآثار است که مردی درویش نهاد، از هنرمندان قرن سیزدهم بود و اینکه اطراف قطعات بخط جلی را احیاناً با نیش قلم بطرز مخصوص مزین میسازند او اختراع کرده است.

جز نستعلیق، شکسته و نسخ و طغرائی و نوعاً خطوط را به تفنن، خوش سی نوشت.

از آثار وی دارم: دو قطعه بقلم نستعلیق سه دانگ جلی و طغرائی و شکسته خوش، بارقم و تاریخ: «مشقه ملک محمد ۲ ۴ ۲ ۱» و «مشقه ملک محمد قزوینی

منشی = محمد علی شیرازی - میرزا
منصور = محمد حسین نایب الصدر

۱۳۹۵) منصور شیرازی - علاء الدین

از کاتبان گم نام قرن دهم و بخت وی یک نسخه شهنشاه نامه فارسی سلطان مراد خان عثمانی ، در کتابخانه دانشگاه استانبول است ، بقلم کتابت جلی متوسط ، که چنین تمام می شود :

«تم بالخیر والحسن ، فی سلخ شهر رمضان سنه ۹۸۹ . . .»

بحمد الله که شام قدر روزه
حقیر خاکسار از ملک شیراز
الهی تا قیامت باد باقی
شه از ختم کتابت بنده سرور
که خوانندم علاء الدین منصور
چو نام نامیش در دهر مشهور

۱۳۹۶) منعم الدین اوحدی

از کاتبان خوشنویس پرکار گم نام قرن نهم و دهم هجری است و بخت وی دیده ام :

یک نسخه خمس نظامی ، بقلم کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : «تم الكتاب علی یدی العبد الراجی الی رحمة الله الملك الصمدی ، منعم الدین الاوحدی فی خامس شهر ذی حجة الحرام سنه سبع وتسعين وثمانمائة الهجرية . . .» در کتابخانه سلطنتی ، تهران ؛

یک نسخه کلیات سعدی ، بقلم کتابت خفی متوسط ، با رقم و تاریخ : «تم الکلیات . . . علی اقلام تراب اقدام کلاب احباب ابی تراب ، منعم الدین الاوحدی فی ربیع الاخر سنه سبع عشرة وتسعمائة الهجرية . . .» در همان کتابخانه ؛

یک نسخه عجایب المخلوقات ، بقلم کتابت جلی متوسط ، با رقم و تاریخ : «تم الكتاب . . . علی اقلام . . . منعم الدین الاوحدی الحسینی . . . فی منتصف

جمادی الاول سنہ اربع و عشرين و تسعمائة» در مجموعہ آقای مجید موقر، تهران؛
یک نسخہ خواب نامہ یوسفی، بقلم کتابت جلی متوسط، کہ چنین تمام
می شود: «تم الكتاب بعون الملك الوهاب والصلوة والسلام على محمد النبي الامي
العربي الهاشمي وعلى آله وسلم، كتبه العبد . . . منعم بن مرشد الاوحدی» در کتابخانہ
دانشگاه، استانبول؛

یک نسخہ دیوان جامی، بقلم کتابت خفی، با رقم و تاریخ: «کتبه العبد
الراجی الی رحمة الله الصمدی منعم الدین اوحدی غفر ذنوبه وستر عیوبه، فی شهور
سنه ثمان و تسعين وثمانمائة» در همان کتابخانہ؛

یک نسخہ شاهنامہ فردوسی، بقلم کتابت متوسط، با رقم و تاریخ: «. . . بشیراز
. . . منعم الدین اوحدی، فی شهور خمس عشر و تسعمائة» در موزہ آثار اسلامی و ترک،
استانبول؛

یک نسخہ حدیقة الحقیقه سنائی، با مقدمہ منشور، بقلم کتابت متوسط،
کہ چنین تمام می شود: «تم الكتاب . . . علی اقلام تراب اقدام الکلاب احباب
ابی تراب منعم الدین الاوحدی الساکن بشیراز، غفر الله ذنوبه وستر عیوبه، فی
ربیع الاخر سنه خمس عشر و تسعمائة الهجرية»، در همان موزہ.

منعم شیرازی = محمد علی

(۱۳۹۷) منوچهر

از خوشنویسان گم نام قرن یازدهم هندوستان و بخط وی قطعہ بی در یک
مرقع کتابخانہ بادلیان است، بقلم سه دانگ و نیم دودانگ متوسط، با رقم و تاریخ:
«کتبه منوچهر ۱۰۷۵».

(۱۳۹۸) موزون ناگوری

سلسلهٔ نسب خود را به شیخ حمیدالدین ناگوری منتهی می‌کرد. وی فرزند شیخ پیر آگره است که هفت خط را خوش می‌نوشت. بد اوئی وی را در زمان سلیم شاه در پیشاور دیده است.

در هفت اقلیم آمده است که در معنی دست داشت و شعر را در کمال سوزونی می‌سرود و شطرنج صغیر و کبیر را نیکومی باخت و خط نستعلیق را خوش می‌نوشت.

(۱۳۹۹) موسی سمرقندی

از کاتبان گم نام قرن دهم و بخت وی یک نسخه شرح معمای امیر حسین ، در کتابخانه دانشگاه استانبول است ، بقلم کتابت جلی متوسط ، که چنین تمام می‌شود : « تم بالخیر علی ید اضعف عباد الله موسی بن عیسی سمرقندی . . . و قد وقع الفراغ من تحریر خواص الاسماء الشریفة ، فی بلدة المحروسه ، فی ثامن شهر مبارک شعبان ، فی تاریخ سبع و سبعین و تسعمائة ، علی ید اضعف عباد الله الحسنی موسی سمرقندی . . . »

(۱۴۰۰) موسی منشی گروسی

از منشیان دربار ناصرالدین شاه قاجار است و بخت وی دیده ام : یک رساله در شرح احوال حضرت رسول ، بقلم کتابت متوسط ، بارقم و تاریخ : « حرره چا کر در گاه موسی منشی ، فی شهر شوال المکرم سنه ۱۳۰۴ » در کتابخانه ملی ، تهران ؛

یک قطعه بقلم سه دانگ و نیم دودانگ متوسط ، بارقم : « حرره الحقییر موسی گروسی » در مجموعه نگارنده .

۱۴۰۱) مول راج

از خوشنویسان قرن یازدهم هندوستان است و بخط وی دیده‌ام :
 یکک قطعه از سرقعی ، بقلم دودانگ خوش ، بارقم و تاریخ : « این مشق فقیر
 مول راجست سنه ۹۷۰ . ۱ » در کتابخانه آستان رضوی ، مشهد ؛
 یکک قطعه ، بقلم نیم دودانگ متوسط ، بارقم و تاریخ : « این مشق مول راجست
 سنه ۹۹۰ . ۱ » در موزه باستان شناسی ، دهلی .

۱۴۰۲) مؤمن - میر

برادر میر صالح کشفی مذکور است . شعر می گفت و «عرشی» تخلص میکرد .
 مردی صوفی مشرب بود و بوجد و سماع تمایل داشت . در عهد شاه جهان (۱۰۳۷ -
 ۱۰۶۸) معلم خط سلیمان شکوه بود .
 در مرآة العالم است که در خط نستعلیق چنان بود که وقتی چند صفحه
 بتقلید میر علی هروی نوشت و بشاه شجاع گذرانید و دو هزار روپیه انعام گرفت و
 چون شاه شجاع دانست که خط خود عرشی است ، محبت زیاد فرمود و هزار روپیه
 مزید کرد .
 عرشی بسال ۱۰۹۱ . که سنین عمرش به نود رسیده بود ، در گذشت و کسی
 تاریخ مرگش را یافته است : « سید عرشیان امیر مؤمن » .

مؤمن = نعیم
 سولی = عبدالمولی

۱۴۰۳) مولائی

هفت قلمی گوید که از شاگردان عبدالرشید و مردی پاک نهاد بود و نستعلیق
 را بشیوه رشیدا ، خوش می نوشت و از پادشاه بخطاب : « آقای ثانی » « آقای مطلق

لقب رشید است) سرافراز شد.

مولائی معلم خط میرزا معظم بخت بهادر بود.

(۱۴۰۴) مونس حسن

ظاهراً از خوشنویسان قرن دوازدهم هندوستان است و بخط وی قطعه‌یی دارم، بقلم دودانگ و کتابت خوش، بارقم: «الفقیر مونس حسن غفر ذنوبه».

مهاجر = قاسم

(۱۴۰۵) مهدی

از خطاطان قرن سیزدهم و باظهار آقای اسمعیل امیر خیزی، معروف به - «امین عدلیه» و ملقب به «مظهرالدوله» از شاگردان میرزا سید حسین خوشنویس باشی تبریزی است. از تبریز به تهران آمد و در پایتخت بقتل رسید. خاندان مظهری از اولاد اویند.

بخط وی دیده‌ام:

یک قطعه از سر قعی، بقلم دودانگ و نیم دودانگ متوسط، بارقم و تاریخ: «خانه زاد مهدی سنه ۱۲۸۰» در کتابخانه سلطنتی، تهران؛

یک قطعه سیاه مشق، بقلم سه دانگ خوش (بشیوه خوشنویس باشی)، بارقم: «در خدمت سرکار شوکت مدار آقای میر حسین ادا الله ظله، مهدی» در مجموعه نگارنده.

(۱۴۰۶) مهدی بدایع نگار

چند سطر بخط وی در پشت یک نسخه دیوان حافظ در کتابخانه سلطنتی است بقلم نیم دودانگ خوش، که چنین رقم و تاریخ دارد: «حرره العبد مهدی

الحسینی ، الملقب به بدایع نگار و المتخلص لاهوتی ، سنه ۳۲۳۱۳۲ « .

(۱۴۰۷) مهدی تبریزی - میرزا

بقول میرزا سنگلاخ و سپهر از مردم سرخاب تبریز بود . شکسته و نستعلیق را خوش می نوشت و شعر می گفت . وقتی با خال خود میرزا ابراهیم خان ، بیغداد رفت و در آنجا چندی نزد میرزا سنگلاخ تعلیم خط گرفت . بسال ۱۲۵۰ در گذشت و جنازه اش را بعبات منتقل کردند .

(۱۴۰۸) مهدی ثاقب - میر

در نتایج افکار آمده است که بسال ۱۲۲۳ تولد یافته و از سادات حسینی مدراس است که اجدادش از مشهد خراسان ، بجنوب هندوستان منتقل شده اند ، خود وی بحیدرآباد رفت و باشعراي آن دیار محشور گشت . شعر می گفت و بهفت قلم خط خوش می نوشت .

(۱۴۰۹) مهدی خان شیرازی - حاج میرزا

فرزند فتح الله خان ، بقول صاحب فارسنامه ، بسال ۱۲۳۳ در شیراز متولد شد و انواع کمالات را بیاموخت و سادام العمر شغل دولتی پذیرفت و با درآمد مختصر ملک خود ، بقناعت زیست . نستعلیق را بغایت خوش می نوشت و بسال ۱۲۹۰ در گذشت .

(۱۴۱۰) مهدی شریف

از کتیبه نگاران نیمه اول قرن حاضر و بسیاری از کاشیهای نوشته سر کوجه ها و خانه ها بخط وی بود و هست ، از جمله کتیبه سردر منزل مجد السلطان لطیفی در

کوچه‌والی ، بقلم یک‌دانگ کتیبه‌عالی بارقم « کتبه مهدی الشریف » . درقطاعی دست قوی داشت . از آثار وی دارم :

یک‌قطعه لوحه بریده نستعلیق شش‌دانگ عالی ، بارقم : « کتبه مهدی
۱۳۲۰ » ؛

یک‌لوحه بریده بزرگ حدیث ، بقلم پنج‌دانگ نستعلیق و چهاردانگ ثلث عالی بر روی کاغذ مشکی ، بارقم و تاریخ : « کتبه مهدی الشریف ۱۳۱۹ » .

(۱۴۱۱) مهدی شیرازی

قطعه‌پی بقلم سه‌دانگ و غبارخوش دارم ، بارقم و تاریخ : « کتبه الحقیر الفقیر مهدی شیرازی ، فی جمعه شهر شوال المکرم سنه ۱۲۶۴ » که نمیدانم بخط کدام یک از مهدی‌های شیرازی آتی الذکراست .

(۱۴۱۲) مهدی شیرازی - میرزا

از کاتبان قرن حاضر و بخط وی رکن رابع حاج محمد کریم خان بقلم کتابت خوش نوشته شده و بسال ۱۳۱۳ در بمبئی بچاپ رسیده است .

(۱۴۱۳) مهدی شیرازی مستوفی - حاج میرزا

فرزند میرزا یوسف مستوفی بود . بسال ۱۲۵۳ متولد شد و در شیراز تحصیل علم و کمالات کرد .

نستعلیق را خوش می‌نوشت . چندی با سور محاسباتی دیوانی فارس اشتغال داشت و مردم از وی خشنود بودند . هنگام تألیف فارسنامه (سال ۱۳۰۴) هنوز می‌زیست .

۱۴۱۴) مهدی صابر

در آثار عجم است که مردی با کمال بود. نستعلیق را خوش می نوشت و شعر می گفت و «صابر» تخلص میکرد.

بخط وی دارم:

یک قطعه اشعار نوروزیه، بقلم کتابت خوش، بسفیداب، با تاریخ ورقم: «فی سنه احدی وستین و مائتین بعد الالف ۱۲۶۱، راقمه، قائله صابر».

= محمد مهدی طهرانی

مهدی طهرانی

= محمد مهدی فراهانی - سید

مهدی فراهانی

۱۴۱۵) مهدی قلی

صاحب مناقب هنروران وی را از شاگردان میرمعز کاشانی دانسته است. بخط وی دیده ام:

یک قطعه از مرقع، بقلم نیم دودانگ خوش، بارقم و تاریخ: «کتبه المذنب الفقیر مهدی قلی، غفر ذنوبه و ستر عیوبه، فی شهر سنه ۹۷۷» در کتابخانه خزینه اوقاف، استانبول؛

دو قطعه از مرقع سید احمد مشهدی، بقلمهای چهار دانگ جلی متوسط و سه دانگ خوش، بارقمهای: «کتبه مهدی قلی» و «مهدی قلی» در همان کتابخانه.

۱۴۱۶) مهدی قلی خان خویی

سپهر گوید که شعر می گفت و نستعلیق و شکسته را خوش می نوشت و بسال ۱۲۷۱ در گذشت.

(۱۴۱۷) مهدی قلی سلطان

محمد صالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲۶) در تذکره خود وی را جزو خوشنویسان متأخر در گذشته آورده گوید، حاکم فسا ولد مرتضی قلیخان قورچی-باشی قاجار بود و خوب می نوشت.

(۱۴۱۸) مهدی مازندرانی - حاجی

وی را جزو شاگردان میرزا محمد رضای کلهر نام برده اند.

(۱۴۱۹) مهدی میرداماد

از خطاطان زبردست گمنام اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن حاضر است بخط وی دیده ام:

یک قطعه، بقلم نیم دودانگ جلی خوش، بارقم: «المذنب میرداماد»، در کتابخانه ملی، تهران؛

یک قطعه، بقلم پنج دانگ خوش، بسفیداب برجسته، بارقم و تاریخ: «جهت... حاج میرزا آقاخان مسوده و تحریر گردید، سنه ۱۳۱۰، میرداماد» در مجموعه آقای کریم زاده، تهران؛

یک قطعه، بقلم پنج دانگ و سه دانگ عالی، بارقم و تاریخ: «حرره سید مهدی الشهیر بمیرداماد، سنه ۱۳۰۹» در مجموعه آقای حاج حسین آقا نخیجوانی، تبریز.

(۱۴۲۰) مهرباب بیک

فقط میرزا سنگلاخ از وی نام برده اورا ملقب به قبله الکتاب و شاگرد میرعماد

دانسته ، گوید ، بشیوه سلطان علی ، سی نوشت و بسال ۱۰۶۱ . در اصفهان در گذشت .

(۱۴۲۱) مهر علی

از خوشنویسان گمنام قرن یازدهم است و بخط وی دیده ام :
 یک قطعه ، بقلم دودانگ خوش ، با رقم : « کمترین خالق الله مهر علی بن
 محمد علی » در مجموعه آقای خان ملک ساسانی ، تهران ؛
 یک قطعه ، عیناً بهمان قلم با همان رقم ، در مجموعه نگارنده ؛
 یک قطعه ، بقلم دودانگ خوش ، با رقم : « مهر علی » در نزد کتابفروشی ،
 تهران .

سهرین استاد = محمد حسین تبریزی

(۱۴۲۲) میر - ملا

شیخ الاسلام سبزواری بود و صلاحیت تمام داشت و اکثر خطوط را خوش می نوشت
 و شعر می گفت ؛ ولی خود پسند بود .
 هنگام تألیف لطایف نامه (سال ۸۹۶) در گذشته بود .

میر پنجه کاشانی = محمد امیر رضوی - سید
 میر ثانی = یحیی اصفهانی
 میرجان = کمال الدین علی حسینی

(۱۴۲۳) میر خویی حسینی

در مناقب هنروران است که از شاگردان با واسطه سلطان علی مشهدی است
 که در زمان سلطان سلیمان خان عثمانی () از مشهد باستان بول رفت و بکتابت
 و شاهنامه خوانی خاصه مقرر گردید و در همانجا در گذشت .

میرداماد = مهدی - مید

(۱۴۲۴) میردنک

از خوشنویسان گم نام قرن دهم و بخط وی قطعه‌یی در سرقع بهرام میرزا ،
در کتابخانه خزینة اوقاف استانبول است ، بقلم نیم دودانگ متوسط ، با رقم :
«میردانگ» .

میرزا آغا = آغا

میردوست = دوست

(۱۴۲۵) میرساوجی

محمد صالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲۶) گوید ، از شاگردان میرعماد بود
قدرت قلمش از سایر شاگردان میر بیشتر بود اما خطش بمزه خط‌انهای دیگر نیست .
در کثرت مشق بجدی بود که مادرش نان را بدهان اوسی نهاد که سبادا از مشق
بماند .

میرزا سنگلاخ از وی نام برده و با لقب «جواهر رقم» داده ، گوید که خوش-
محضر و فصیح و محضرش مرجع ارباب کمال بود . در نوشتن و مشق خط ولع داشت
و بیشتر از روی خطوط مالک دیلمی ، مشق می کرد .

میرسوز = محمد دهلوی - میر

(۱۴۲۶) میرسید

از خوشنویسان گم نام قرن دهم و بخط وی قطعه‌یی در سرقع امیرغیب بیک
در خزینة اوقاف استانبول است ، بقلم دودانگ و کتابت خوش ، که در آن چنین
نوشته است : «برسم محضر نواب نامداری سلطانی خلد سلطنته ، سرقوم گردید ، امید
که منظور نظر کیمیا اثر آن حضرت گردد ، فی شهور سنه اربع و خمسين و تسعمائة ،
مشقه العبد الاحقر میرسید غفر ذنوبه» .

۱۴۲۷) میر شیخ پورانی

با اینکه از خوشنویسان خاندان «پورانی» چند تن (نورالدین محمد، بایزید شیخ زاده) را یاد کرده اند، از این یک ناسی نبرده اند؛ ولی بخطوی، قطعات متعدد دیده ام که میرساند وی، در قرن دهم سی زیسته و از خوشنویسان نسخ و نستعلیق زبردست بوده و بشیوه و قدرت میرعلی هروی سی نوشته است.

اینست قطعاتی که از وی دیده ام:

پنج قطعه، از سرقع بهرام میرزا، بقلم سه دانگ جلی و نیم دودانگ و کتابت خوش، با رقمها و تاریخ: «مشقه میر شیخ الپورانی غفر ذنوبه ۹۳۹» و «میر شیخ الپورانی» و «عبده میر شیخ پورانی» و «عبده میر شیخ پورانی غفر ذنوبه و سترعیوبه» و «عبده کم میر شیخ پورانی» در کتابخانه خزینة اوقاف، استانبول؛

دو قطعه از سرقع سید احمد مهدی، بقلم دودانگ و کتابت خوش، با رقم: «مشقه میر شیخ الپورانی» در همان کتابخانه؛

چهار قطعه، در سه سرقع مختلف، بقلمهای شش و چهار و سه و دو و نیم دودانگ و کتابت خوش، و بعضی بقلم نسخ خوش، با رقمهای: «میر شیخ الپورانی» و «مشقه العبد میر شیخ الپورانی» در همان کتابخانه؛

یک قطعه از سرقع، بقلم سه دانگ جلی خوش، بشوخی، که مضمون آن چنین تمام میشود:

«شبهاتن من چو شمع بگداخته شد

کین خاتم دل پذیر پرداخته شد

هر چند که دقتی درو نیست، ولی

بپذیر که یادگاریسی ساخته شد

حضرت سیادت پناه قواما جعفر، جهت غلاف عینک فقیر خاتمی ساخته و

این رباعی نیز پرداخته اند ، امید که توجه خاطر شریف آن حضرت درباره بنده داعی هر روز از روز دیگر بیش شود ، آمین یا رب العالمین ، فقیر میر شیخ « در کتابخانه روان کوشکو ، استانبول ؛

یک قطعه ، بقلم سه دانگ و دودانگ عالی ، با رقم و تاریخ : « مشقه العبد میر شیخ الپورانی سنه ۹۶۸ » در کتابخانه آستان رضوی ، مشهد .

میر شیخ اول کرمانی	=	شیخ اول کرمانی - میر
میر شیخ ثانی کرمانی	=	شیخ ثانی کرمانی - میر
میر علی هروی	=	علی هروی
میر عماد قزوینی	=	عماد قزوینی
میرک بخاری	=	محمد امین

۱۴۲۸) میرک تاشکندی

از کاتبان خوشنویس گم نام قرن دهم و بختوی دیده ام : یک نسخه گلستان وبوستان سعدی ، بقلم کتابت خفی خوش ، با رقم و تاریخ : « کتبه العبد المذنب بابامیرک تاشکندی ، غفرالله ذنوبه و ستر عیوبه ، سنه ۹۰۷ سبع و خمسين وتسعمائة فی تاریخ شهر ربیع الاخر ، تم بالخیر . » در کتابخانه انستیتوی خاورشناسی ، لنین گراد .

۱۴۲۹) میرک شیرازی

از کاتبان گم نام قرن نهم و ظاهراً از خوشنویسان دربار پیر بوداق آق قویونلو است و بختوی دیده ام :

یک نسخه دیوان اوحدی ، بقلم کتابت متوسط ، که چنین تمام می شود : « تمت ال دیوان المتبرک . . . کمال الحق والدین شیخ اوحدی ، علیه الرحمة ، علی ید اضعف عباد الله واحوجهم . . . میرک الشیرازی ، عفا الله عن سیاته ، بدار السلم بغداد فی شهر رمضان سنه سبعین وثمانمائة » در کتابخانه سلطنتی ، تهران ؛

چند ترجیع ، از مجموعه ترجیع بندهای کتابخانه مجلس شورای ملی ، که ذکر آن در ترجمه شرف الدین حسین مهدی گذشت ، بقلم کتابت جلی متوسط ، با رقم : « کتبه الفقیر الحقیق میرک الشیرازی ، عفا الله عنه » ؛

قطعه یی از یک مرقع ، بقلم کتابت جلی متوسط ، با رقم و تاریخ : « مشقه میرک عفا الله عن سیاته ، بدار السلام بغداد ، فی سنه ثمان و ستین و ثمانمائه » در کتابخانه خزینة اوقاف ، استانبول .

میرک و صالی = و صالی

۱۴۳۰) میرک هروی

در گلستان هنر و حالات هنروران آمده است که ، نامش امیر روح الله و از سادات کمانگر هرات بود . در اوایل حال ، بتلاوت و حفظ قرآن و مشق خط اشتغال داشت و بعد از مرگ پدر به کتیبه نویسی میل کرد و چنان در این هنر پیش رفت که خطوط کتیبه نویسان پیشین را منسوخ ساخت . پس از آن بخدمت مولانا ولی الله افتاد و بتحریر و تذهیب مشغول شد و سپس به نقاشی متمایل شد و در این هنر سرآمد و در نزد سلطان حسین میرزا بایقرا ، قربت و مسکانت تمام یافت و بکتابداری خاصه گماشته شد .

میرکلنگی = حسین

۱۴۳۱) میرکی

مؤلف حالات هنروران ، وی را فرزند اظهر تبریزی معرفی کرده است .

۱۴۳۲) میرکی همدانی

از کاتبان گم نام قرن یازدهم و بخط وی یک نسخه شرفنامه بدلیسی ، در

کتابخانہ سلطنتی است ، بقلم کتابت متوسط ، بارقم و تاریخ : « حرره الفقیر المحتاج
الی رحمة الله ، میرکی بن احمد قهرمانی همدانی ، فی اوایل شهر ربیع الثانی سنه
سبع عشر و الف من الهجرة النبویة » .

میرمعز کاشانی = محمد معزالدین

(۱۴۳۳) میری خوارزمی

میرزا حبیب گوید کہ برادر و شاگرد محمد عواد (سابق الذکر) است .

ن

ناجی	= محمد حسین
ناجی	= محمد عسکر
نادر	= شنکر ناتھ

(۱۴۳۴) ناز کی تبریزی

بقول صاحب مناقب هنروران ، مکتب دار بود ونستعلیق را خوش می نوشت
وجزو هنرمندان چهل گانه کتابخانه بایسنغر میرزا بود .

(۱۴۳۵) ناصر

از کاتبان گم نام قرن نهم و از قدیم ترین نستعلیق نویسندگان و معاصر جعفر
بایسنغری است و بخط وی دیده ام :

یک نسخه تحفة الاحرار جاسی ، بقلم کتابت متوسط ، بارقم : « کتبہ افقر احقر
ناصر ، غفر ذنوبه و ستر عیوبه » در کتابخانه سلطنتی ، تهران ؛

یک نسخه شش دفتر مثنوی مولانا و دیوان شمس ، بقلم نستعلیق کتابت
خفی متوسط و اواخر نسخه بقلم رقاع نیم دودانگ خوش ، عنوانها بقلم ثلث نیم-
دودانگ خوش ، کہ چنین تمام میشود : « تمام شد کتاب مثنوی من کلام سلطان
العارفین و قدوة العاشقین ، مولانا جلال الحق و الدین ، محمد بن محمد بن حسین
البلخی الرومی ، قدس الله روحه العزیز ، علی یدی العبد الضعیف النحیف ، تراب
اقدام الفقرا ، ناصر الکاتب ، احسن الله احواله ، فی شهور سنه ثلاث و ثلاثین و ثمانمائة
الهجریة النبویة المحمدیة » در همان کتابخانه .

۱۴۳۶) ناصرالدین علی

از کاتبان خوشنویس زبردست قرن نهم و دهم است و بخط وی دیده‌ام :
 یک نسخه بهارستان جامی ، بقلم کتابت عالی ، با رقم و تاریخ : « ناصرالدین
 علی سنه ۹۰۸ » در مجموعه دولتی افغانستان ، کابل ؛
 یک قطعه از مرقعی ، بقلم سه دانگ و نیم دودانگ خوشر ، با رقم : « کتبه
 ناصرالدین علی ببلده بخارا » در کتابخانه آستان رضوی ، مشهد .

ناصرالسلطنه = نصرالله خان

ناطق = مسیحا

۱۴۳۷) نامدار - حاجی

هفت قلمی گوید که از خوشنویسان هندوستان و در دوره فرخ سیر (۱۱۲۴ -
 ۱۱۳۱) اکثر شاهزادگان از وی تعلیم می گرفتند . خفی را بشیوه شفیعاً ، خوش
 می نوشت .

نامه نگار = علی خان توپسرکانی - حاجی

۱۴۳۸) نامی

میرزا حبیب گوید که نامش مرتضی قلی خان است و بسال ۱۱۳۴ ، از
 طرف پادشاه صفوی (که باید شاه سلطان حسین باشد) بسفارت بدربار عثمانی در
 استانبول رفت .

۱۴۳۹) نامی سبزواری

در مجالس النفایس و تذکره حسینی و غیره آمده است که از شعرای معاصر
 جامی و از منشیان بود : نستعلیق و شکسته تعلیق را خوش می نوشت ولی سخن گفتن

وی مورد پسند عامه نبود و بعضی او را تخطئه کرده اند.

نایب الصدر	= محمد حسین منصور - میرزا
نایب الصدر	= محمد علی = علی - حاج میرزا
نایب الوزاره	= حسن خان - میرزا
نجاتی	= اسمعیل

(۱۴۴۰) نجمای لاری

محمد صالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲۶) وی را از معاصرین پدر خود (ابوتراب) دانسته ، گوید ، نمیدانم شاگرد کیست . بد نمی نوشت .

نجیب = ابوبکر

(۱۴۴۱) نجیب بیک

از خوشنویسان قرن حاضر مصر است که جز نستعلیق انواع خطوط ، بخصوص ثلث و نسخ را خوش می نوشت و فؤاد اول پادشاه مصر وی را گرامی می داشت . نمونه خطوط او در کتاب پیدایش خط و خطاطان منعکس است .

ندائی	= محمد صالح
ندیم باشی	= غلام رضا خان - میرزا
نشاط	= عبدالوهاب معتمد الدوله
نشانی	= علی احمد

(۱۴۴۲) نصر الله - میرزا

نواده محمد طاهر حكاك معروف بود و خود وی نیز حكاكی می کرد . در خط نستعلیق شاگرد میرزا محمد رضای کلهر بود و شیوه میرزا را در حكاكی او وارد کرد . پس از چهار پنج سال که نزد میرزا رضا مشق کرد ، در گذشت .

(۱۴۴۳) نصر الله بیضائی - میرزا

در فارسنامه ناصری است که فرزند حاج میرزا ابراهیم کلانتر شیراز و از مستوفیان بود و نستعلیق و شکسته را خوش می نوشت و بسال ۱۲۸۰ در گذشت.

(۱۴۴۴) نصر الله تفرشی

از کاتبان قرن سیزدهم است و بخطوی یک نسخه حدیقه الشیعه، بقلم کتابت خفی و دودانگ متوسط نوشته شده و بسال ۱۲۶۵ در تهران بچاپ رسیده است.

(۱۴۴۵) نصر الله شیرازی

میرزا نصر الله خان ملقب به دبیر الملک، فرزند حاج محمد حسین خان جبّا - دارباشی بود و بسال ۱۲۵۲ در شیراز متولد گردید و در آن شهر کسب کمالات کرد و نستعلیق را خوش می نوشت.

پدرش از شیراز به تهران آمد و پس از مرگ پدر بعتبات سفر کرد و به تهران بازگشت و منشی وزارت امور خارجه شد. در زمان صدارت میرزا حسین خان سپهسالار، منشی خدمات لایقه گردید. پس از استعفای سپهسالار از وزارت که بایالت خراسان رفت دبیر الملک نیز همراه او بود. چندی بعد به تهران بازگشت. در حین تألیف فارسنامه حیات داشت و بسال ۱۳۱۹ در گذشت.

(۱۴۴۶) نصر الله شیرازی - حاج

فرزند حاج اسد الله خان بن بیگلربیگی بن اعتماد الدوله ابراهیم خان کلانتر شیراز، بسال ۱۲۱۹ در اصفهان متولد شد و مقدمات علمی و ادبی را در آنجا فرا گرفت و نستعلیق و شکسته را خوش می نوشت.

تا سال ۱۲۴۷، در بروجرد در خدمت محمد تقی میرزا احسام السلطنه مشغول خدمت بود و چون بشیر از آمد، سمت میرآخوری حسین علی میرزا فرمانفرما را یافت و بسال ۱۲۷۲، بوزارت عبدالباقی میرزا حاکم لارستان، بدانصوب گسیل شد. هنگام تألیف فارسنامه ناصری (سال ۱۳۰۴) در شیراز منزوی بود.

(۱۴۴۷) نصرالله میرزا

فرزند حسین علی میرزا فرمانفرمای فارس و حاکم ممسنی و اردکان بود. نستعلیق و شکسته را خوش می نوشت.

(۱۴۴۸) نصرالله ناصر السلطنه

سید نصرالله خان فرزند میرزا سید رفیع نظام العلماء طباطبائی تبریزی، مدتها عهده دار امور خالصه تهران و آذربایجان بود. او آخر عمر از خاصان دربار مظفرالدین شاه گردید.

از علوم ادبی بهره داشت و زبان فرانسه را می دانست و نستعلیق و شکسته را خوش می نوشت.

در تاریخ سال ۱۳۲۰ زمان تألیف تذکره سپهر هنوز در قید حیات بود.

(۱۴۴۹) نصرالله همدانی - آقا

سپهر گوید که تاجر بود و نستعلیق را خوش می نوشت و بسال ۱۲۸۰ درگذشت.

۱۴۵۰) نصرة الدوله

فیروز میرزا قاجار ، نستعلیق را خوش می نوشت و بخط وی موجود است :
یک مرقع مشتمل بر سی رقعہ ، بقلم پنج دانگ متوسط ، با رقم و تاریخ :
« حرره فیروز قاجار الملقب بنصرة الدوله ، روز شنبه شهر رجب سنه ۱۲۸۲ » در
کتابخانه سلطنتی ، تهران .

۱۴۵۱) نصیر

سپهر گوید کہ ، خواجہ نصیر منشی تعلیق را بسی نیکو نگاشت و بسال ۹۶۲
در گذشت . ولی بخط وی سه قطعہ از مرقع بہرام میرزا در کتابخانہ خزینہ اوقاف
استانبول است ، کہ بقلم نسخ و رقاع و نستعلیق دودانگ و نیم دودانگ خوش نوشته
است و چنین رقم دارد : « تحفه مجلس نواب جهانبانی [مقصود بہرام میرزا صفوی
است] خلد الله تعالی ملکہ ، مشقہ الفقیر ، نصیر غفر ذنوبہ » .
و گویا بخط ہمین نصیر است : قطعہ بی کہ من دارم و بقلم ثلاث و نسخ و رقاع
خوش نوشته است و چنین رقم و تاریخ دارد : « مشقہ العبد المذنب الراجی الی
رحمة الله الملك الغفور الباری ، نصیر المنشی النیسابوری ، فی شہور سنہ خمس و
ثلاثین و تسعمائة ، بمقام الترقون من اعمال السیستان حفظہ الله عن الحدیثان » .
و این قطعہ درست بخط قطعہ زیبای نفیسی است کہ در کتابخانہ عموسی
لنین گراد است ، کہ اقلام ریحان و ثلاث و نسخ و رقاع و توقیع و شکستہ تعلیق و
نستعلیق را استادانہ نوشته و چنین رقم کرده است : « مشقہ العبد المذنب الغریب
المحتاج الی رحمة الملك الباری القوی النصیر المنشی ، فی شهر محرم الحرام سنہ
۹۴۸ ، بدار السلطنہ اصفہان » .

(۱۴۵۲) نصیر الدین محمد مذهب

در یک نسخه مجموعه منشآت خطی نگارنده، که از آثار قلم شرف الدین علی یزدی و دیگران قطعات متعدد در آنست؛ بعنوان: «منشور امیرزاده ابراهیم سلطان [فرزند شاه رخ بن امیر تیمور] جهت خواجه نصیر مذهب» چنین آمده است: «چون خواجه نصیر الدین محمد مذهب، از فضیلت حسن خط و لطف تحریر بحظتی وافر کامل و نصیبی موفور بهره ور و محظوظ است و در صنعت تذهیب و نقاشی سرآمده دوران و فایق بر سایر امثال و اقران و مدتی مدید است، تا بکلیک توفیق نقوش اخلاص و خدمتگاری، بر صفحات احوال خویش نگاشته، علی الدوام بسعی دوام وظایف نیکو بندگی بتقدیم میرساند و بصنوف خدمات پسندیده مواظبت می نماید؛ در این وقت بحکم، من منع المستوجبین فقد ظلم، تقدم و پیشوائی طوایف مذکور، بتخصیص مذهبان و نقاشان و مزوقیان و تقویم کارهای کتب خانه عامره و غیر آن از کتابت و تذهیب و تصویر و تجلید و نقاشی و عمارت و تعیین اجرت عمله و بر آورد مصالح آن و مایتعلق بذلک الامور، با و رجوع فرمودیم... جمهور مذهبان و مزوقیان، خواجه نصیر الدین مشارالیه را مقدم و کلانتر خود دانسته، طریق متابعت و انقیاد مسلوک دارند و کارکنان کتابخانه همایون و نقاشان عمارات خاصه و غیر هم تقویم او را معقول شناسند و از سخن و صواب دید او که هر آینه متضمن صلاح کار باشد تجاوز نمایند... فی الخامس والعشرين فی ذی القعدة الحرام سنة خمس وثمانمائة الهجرية».

= عبدالرحیم خوارزمی

نظام الدین

= شیخ محمد

نظام الدین

(۱۴۵۳) نظام الدین اردبیلی

نام پدرش شمس الدین است و خود از خوشنویسان مقرر آذربایجان بود.

صاحب گلستان هنر گوید که علاوه بر نستعلیق ، اقلام شش گانه را خوش می نوشت
و بیشتر در اردبیل بکتابت اشتغال داشت و تا سال ۹۲ در قید حیات بود .

(۱۴۵۴) نظام بدر نیشابوری

خوش طبع و خوش آواز بود و بمطایبه مایل . ندیمی بی مانند بود و شعر میگفت
و نستعلیق را خوش می نوشت . هنگام تألیف مجالس النفایس (سال ۸۹۶) در قید
حیات بود .

(۱۴۵۵) نظام الدین داماد

صاحب ریحان نستعلیق وی را شاگرد سلطان علی مشهدی دانسته و وفات
اورا بسال ۹۳۵ ضبط کرده است .
دیگری از تذکره نویسان معاصروی ، از نظام الدین داماد ناسی ، نام نبرده اند
و این توهم حاصل می شود که بجای «زین الدین» سهواً «نظام الدین» ضبط شده باشد ؛
که بعنوان «داماد» از شاگردان سلطان علی مشهدی ، فقط زین الدین محمود ، استاد
میر علی هروی ، معروف است .

نظام السلطنه = حسین قلی خان سافی

(۱۴۵۶) نظام علی

از خطاطان کم نام قرن دوازدهم و بخطوی یک قطعه ، در سوزه پیشاوراست
بقلم سه دانگ متوسط ، که چنین رقم دارد : «کتبه العبد المذنب نظام علی خلف
سید مدد علی صاحب ، سلمه الله تعالی» .

(۱۴۵۷) نظام بن یقینی

از کاتبان گم نام متقدم خط نستعلیق است که در قرن نهم سی زیسته و بخط وی یک نسخه تحفة الاحرار جامی در کتابخانه مجلس شورای ملی است ، بقلم کتابت خفی متوسط ، بارقم : «العبد نظام بن یقینی» .

(۱۴۵۸) نظر علی

از خوشنویسان گم نام قرن سیزدهم و بخط وی قطعه بی در کتابخانه ملی پاریس است ، بقلم دودانگ خوش ، بارقم و تاریخ : «راقمه نظر علی ۱۲۵۲» .

(۱۴۵۹) نظیف زاده - احمد حامد

از نستعلیق نویسان قرن سیزدهم عثمانی و بخط وی یک نسخه پندنامه عطار در کتابخانه مجلس شورای ملی است ، بقلم کتابت خفی متوسط ، بارقم و تاریخ : «اتمام یافت بقلم شکسته رقم فقیر احمد حامد المشتهر به نظیف زاده ، در اواسط محرم الحرام از شهور سنه سبع عشرین و مائین والف . . .»

پشت صفحه اول نوشته اند : «این پندنامه را احمد حامد نظیف زاده از مشایخ معروف سولویان استانبول و از شعرا و موسیقی شناسان و از خطاطان معروف آنجا نوشته است . صاحب دیوان است و تاریخ ۱۲۴۸ هشتاد ساله در آن شهر وفات کرد» .

(۱۴۶۰) نعمة الله تبریزی

نواده میر عبدالوهاب تبریزی از اکابر سادات و فضلی آن شهر بود . چون تبریز بدست ترکان عثمانی اشغال شد ، نعمت الله بکاشان رفت و شیخ الاسلام آنجا شد و پس از چهار سال باصفهان رفت و سمت قاضی القضاتی یافت و همچنان در اصفهان سی زیست تا بسال ۹۹۲ در گذشت .

سپهر، گوید که جز نستعلیق، ثلث و نسخ را نیز خوش می نوشت.

(۱۴۶۱) نعمة الله سروستانی - ملا

در فارسنامه ناصری است که نستعلیق را خوش می نوشت و با وجه کتابت اعاشه میکرد و در سنین هشتاد سالگی بسال ۱۲۸۹ در گذشت.

(۱۴۶۲) نعمة الله مشهدی

از مقری زادگان مشهد بود. پدرش در سلک مقربان شاه عباس می زیست. خود در اوایل حال در مشهد نزد سید احمد مشهدی بتعلیم خط پرداخت، بعد به قزوین رفت و مدتی نزد علی رضای عباسی مشق خط کرد. جز خوشنویسی، از شاعری نیز بهره داشت.

چون شاه عباس به مشهد رفت، او نیز بوطن خود، بازگشت. هنگام تألیف گلستان هنر (حدود سال ۱۰۵۲) هنوز در قید حیات بود و سپهر اشتباهاً، تاریخ وفات او را سال ۱۰۳۸ ضبط کرده است.

(۱۴۶۳) نعمة الله نیشابوری شریف

از کاتبان کم نام قرن نهم و بیخظ وی یک نسخه لباب الاختیار در کتابخانه دانشگاه استانبول است، بقلم کتابت ملیح، که چنین تمام میشود: «قد وقع الفراغ من انتساخه، ضحوة الجمعة الحادی والعشرين من ذی القعدة المنتظم، فی شهر سنة سبعین وثمانمئة هجرية، کتبه الفقیر الحقیر، نعمة الله بن محمد النیسابوری الشریف».

(۱۴۶۴) نعیم

محمد صالح اصفهانی ، وی را از خوشنویسان بعد از دوره سیر عماد و معاصر ابوتراب پدر خود میدانند .

بخط وی دو قطعه در یک مرقع کتابخانه سلطنتی است ، بقلم چهار دانگ و دودانگ و نیم دودانگ خوش ، بارقم : « کتبه نعیم مؤمنان » .

(۱۴۶۵) نعیم الدین شیرازی

از کاتبان کم نام نیمه دوم قرن نهم و نیمه اول قرن دهم است و بخط وی دیده ام :

یک نسخه دیوان کمال خجندی ، بقلم کتابت خفی متوسط ، بارقم : « تم الكتاب ... علی يد العبد المذنب نعیم الدین الکاتب ، فی شهر سنة احدى و تسعمائة » در کتابخانه سلطنتی ، تهران ؛^۴

یک نسخه خمسة نظامی ، بقلم کتابت متوسط ، بارقم : « نعیم الدین کاتب الشیرازی » و تاریخ : سال ۹۰۷ ، در کتابخانه بادلیان .

نسخه دیگر خمسة نظامی ، بهمان قلم ، بارقم : « نعیم الدین الکاتب » و تاریخ سال ۹۱۵ ، در موزه هنر متروپولیتان ، نیویورک .

یک نسخه دیوان امیر خسرو دهلوی بقلم کتابت خفی متوسط ، بارقم و تاریخ : « تم بعون الله و توفيقه ، سابع عشرین شهر جمادی الاول سنة ۸۹۸ ، علی يد العبد المذنب ، نعیم الدین الکاتب الشیرازی اصلح الله حاله » در دست فروشندگای ، تهران .

(۱۴۶۶) نقشی مذهب

از مذهببان و قاطعان خوش خط عثمانی است که نام واصل او معلوم نیست و «نقشی» را بمناسبت هنر خود، برگزیده است.

از آثار هنری وی یک صفحه در سمرق میر عماد و ولی الدین افندی، در کتابخانه دانشگاه استانبول است که اشعاری ترکی بخط نستعلیق متوسط و نقوش را از کاغذ سفید بریده و بروی کاغذ سبز انداخته است و رقم دارد: «فقیر نقشی المذهب».

(۱۴۶۷) نقی صفوی

سپهر گوید که نستعلیق را خوش می نوشت و بسال ۱۲۳۰ در گذشت.

نوائی = شمس الدین محمد کاشانی

نورا = نورالدین محمد لاهیجی

(۱۴۶۸) نورای اصفهانی

محمد صالح اصفهانی در تذکره خود گوید، میرزا نورا ولد قاضی غلام علی قاضی اصفهان و شاگرد میر عماد و هم مشق والدین (ابوتراب) بود. بهندوستان رفت شاگردی ملا سلیمان کرده بود و از استادش پای کمی نداشت. متأخرین تذکره نویسان، یعنی میرزا سنگلاخ و میرزا حبیب از وی نام برده گویند که فرزند صدر الشریعه اصفهانی و ملقب به «مشکین قلم» از شاگردان میر عماد بود و گویند که میر خط وی را به خط رشید اترجیح می نهاد و ار این رو پیوسته بین نورا و رشید انقار بود. نیز گویند که بامر شاه عباس، شاهنامه ای نوشت. در اواخر از شاه عباس رنجیده شد و به هندوستان رفت و به کیمیا گری افتاد و بسال ۱۰۷۰ در آنجا در گذشت. میرزا حبیب گوید که «نورالدین سام» رقم می کرده و از آثار وی کتیبه ای

است ، در جلو خان مسجد شاه اصفهان (که آنرا ندیده ایم) و کتیبه در مسجد آقانورا در محله درب دشت اصفهان .

(۱۴۶۹) نورالدین اصفهانی

برادر بزرگ محمد صالح و فرزند ارشد ابوتراب خوشنویس اصفهانی است .
محمد صالح در تذکره خود درباره وی چنین آورده است :
« آقا نورا ولد اکبر ایشان [ابوتراب] که برادر بزرگ بنده باشد ، بصفات حمیده پدر بزرگوار متحلی و در هر فنی از فنون خطاطی از همه شاگردان پدر و خوشنویسان عهد خود در پیش و نهایت امتیاز بهر معنی داشت و در کتابخانه [شاه عباس بزرگ] ملازم بود . در سنه هزار و نود و چهار برحمت ایزدی پیوسته در پهلوی پدر بزرگوار ، مدفون گشت .

سیرزا سنگلاخ بوی لقب « جواهرنگار » داده است .

بخط وی دیده ام ، یک قطعه بپلم نیم دودانگ عالی ، با رقم : « تراب اقدام الفقراء نورالدین محمد الاصفهانی » در مجموعه آقای کریم زاده ، تهران .

نورالدین	= عبدالله شیرازی
نورالدین	= علی
نورالدین	= محمد رازی
نورالدین	= محمد لاهیجی

(۱۴۷۰) نورای قزوینی

محمد صالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲۶) در تذکره خود وی را جزو خوشنویسان معاصر خود آورده گوید ، خوشنویس کاتب خوبی است .

۱۴۷۱) نورالله

در خدمت آصف الدوله اوده (۱۲۸۸-۱۲۲۲) در لکنهومی زیست . غلام محمد هفت قلمی ، باوی دیدار کرده است و گوید مردی صاحب کمال و متواضع و خلیق و حق پسند است و بروش عبدالرشید دیلمی نستعلیق را خوش می نویسد و گوید یک نسخه هفت بند حسن کاشانی را که از روی خط رشیدا نوشته است دیدم که بسیار پسندیده بود . هم او گوید که فریفته خطوط رشیدا بود و بسیاری از خطوط رشیدا را گرد آورده که همه را بمن نشان داده است . صاحب لاله سرب سنگهه و میان وجیه الله ، شاگردان وی بوده اند .

از خطوط وی دیده ام :

- یک قطعه از مرععی ، بقلم دودانگ و نیم دودانگ خوش ، بارقم و تاریخ : «فقیر نورالله عفی عنه ، ۱۱۵۴» در کتابخانه سلطنتی ، تهران ؛
- یک قطعه ، بقلم دودانگ خوش ، بارقم و تاریخ : «الفقیر نورالله غفرله ، ۱۱۵۳» در همان کتابخانه ؛
- دو قطعه ، بقلم دودانگ و کتابت خوش ، بارقم : «فقیر نورالله عفی عنه» در موزه باستانشناسی ، دهلی ؛
- یک قطعه ، بقلم دودانگ و کتابت خوش ، بارقم : «مشقه عبدالفقیر حافظ نورالله ، غفرالله ذنوبه» در مجموعه پرفسور محمد شفیع ، لاهور ؛

۱۴۷۲) نورالله - شیخ

شاگرد عبدالرحیم فرسان نویس بود و در عهد اورنگ زیب (۱۰۶۹-۱۱۱۸) در هندوستان می زیست .

غلام محمد هفت قلمی ، خط وی را شیرین و متین یافته است .

نورس = محمد حسین دماوندی

۱۴۷۳) نور علی

گویند از شاگردان محمود شهابی است که در عثمانی سالیانی گذرانیده و
 بسال ۱۰۲۴ در استانبول در گذشته و در جامع عرب احمد پاشا ، بخاک سپرده شده است
 و ماده تاریخ مرگش را «چهار نور» یافته اند .

از خطوط وی دیده ام :

دو قطعه از یک مرقع ، بقلم چهار دانگ و سه دانگ جلی خوش ، با رقمهای :
 «فقیر نور علی» در کتابخانه خزینه اوقاف ، استانبول ؛
 یک قطعه از مرقعی ، بقلم سه دانگ خوش ، با رقم «نور علی» در کتابخانه
 دانشگاه ، استانبول .

۱۴۷۴) نوری

از خوشنویسان گم نام قرن یازدهم و بخط وی قطعه بی دریک مرقع کتابخانه
 خزینه اوقاف استانبول است ، بقلم دودانگ و نیم دودانگ خوش ، با رقم : «کتبه
 الفقیر المذنب ، نوری» .

۱۴۷۵) نویسی

صاحب مناقب هنروران وی را از مردم عثمانی و میرزا حبیب ، از رژه خوارزم
 دانسته اند . بهر صورت در عثمانی سی زیست و مدتی در شام ، بایکصد آچه زر وظیفه
 باسودگی روزگار میگذرانید و در جوار مسجد بنی امیه سکنی داشت .
 از روی قطعات عبدالرحیم انیسی مشق بسیار کرده است و صاحب مناقب
 هنروران ، وی را در سلک صلحاء و صاحب کرامات میدانند .

گویند حلیمی شروانی شاعر، وقتی با نویسی کدورتی بهم رسانید و قطعاً
ذیل را در هجووی گفت :

نویسی آنکه بخط درد مشق بی بدل است
چرا وظیفه او بیست و چار پاره کنند
مناسبش نبود این وظیفه، می باید
که خوشنویس چنین را هزار پاره کنند
وفاتش بسال ۹۷۵ اتفاق افتاده است و از آثار وی دیده ام :

یک نسخه نصایح ارسطوبه اسکندر، بقلم کتابت جلی متوسط، با رقم: « کتبه
الفقیر نویسی» در کتابخانه دانشگاه، استانبول.

۱۴۷۶) نهاد بیك - امیر

فقط میرزا سنگلاخ نام وی را آورده گوید، اصلاً همدانی یا گلپایگانی است
خواهرزاده امیر گونه بیك قاجار بود.

و گوید، این امیر گونه همان است که در قزوین حمامی ساخت و میر عماد
کتیبه ذیل را بر سردر آن نوشت :

بر امیر گونه بیك سیمون باد
هر که در وی رود صفا یابد
این عمارت بحق آل رسول
بدعا گوئیش شود مشغول

نیز بنقل میرزا سنگلاخ، بسال ۹۰۰ که شاه عباس پیاده بزیارت آستان
رضوی، بمشهد رفت، امیر نهاد بیك همراه و ملتزم بود و در مشهد سمت کتابداری
شاه عباس را یافته است.

نیاز	= حسین طباطبائی
نیاز	= محمد رضا شیرازی
نیک نگار	= بدیع الزمان تبریزق

(۱۴۷۷) نیکی

میرزا حبیب گوید که از شاعران و خوشنویسان عهد صفوی است.

و

واثقی	= شاه محمد مشهدی
واحدتر کمان	= محمد علی بیگ
واصلی	= آقا جان
واصلی	= امام وردی
والا	= سید ابوطیب خان
واله	= جمالا
واله	= محمد کاظم اصفهانی
وجدی	= محمد علی شیرازی

(۱۴۷۸) وجهی

در مآثر رحیمی است که نامش وجیه الدین و برادر حیدر خصالی هراتی (سابق الذکر) است .

وجهی در قندهار ، ملازم رستم میرزا و مظفر حسین میرزای صفوی بود و از راه سپاهی گری اعاشه میکرد ، تا از بکان بر خراسان چیره شدند و او و برادرش خصالی با اتفاق به هندوستان رفتند و بخدمت خان خانان رسیدند .

وجهی نستعلیق را خوش می نوشت و شعر نیکو میگفت و اشعارش در هندوستان و هرات متداول است .

(۱۴۷۹) وجیه الدین - خلیل الله - میر

عم قاضی احمد بن میر منشی قمی و مؤلف گلستان هنر بود . ابتدا تعلیق می نوشت و در این خط روش درویش عبدالله را داشت ، بعدها در سنین سی سالگی

بمشق نستعلیق توجه کرد و چون در ملازمت سلطان ابراهیم میرزای صفوی بود ، از آن شاهزاده هنرمند تعلیم گرفت و نستعلیق را پاکیزه و پخته نوشت . جلی را به از خفی می نوشت . بعدها بخدمت سید احمد مشهدی رفت و خط نستعلیق را نزد وی تکمیل کرد .

گویند در شجاعت و تیراندازی و سپاهی گری ، بی عدیل بود . در چوگان-بازی ، هم بازی سلطان ابراهیم میرزا بود .

پس از قتل سلطان ابراهیم میرزا ، ترك خدمت کرد و از مردم روزگار برید و در قم به عبادت و زراعت روزگار گذرانید تا بسال ۱۰۰۴ در گذشت . شعر نیز میگفت و بسیاری از اشعار ابراهیم میرزا را تتبع کرده است .

وحدت	= عبدالله کاشانی
وزیر لشکر	= محمود مدیرالدوله
وصال	= محمد شفیع شیرازی

۱۴۸۰) وصالی بلخی - میر

از سادات مضافات بلخ بود و شعر میگفت و شاگرد مشفق بود . نستعلیق را خوش می نوشت .

بسال ۹۸۳ ، با بقائی مؤلف مجمع الفضلا ، ملاقات کرده است .

۱۴۸۱) وصالی تبریزی

در اوایل حال ، از تبریز آهنگ هندوستان کرد و در کاشان با تقی الدین اوحدی مؤلف خلاصه الاشعار ملاقات کرد و این یک گوید که شاعری است با طبع بلند و نستعلیق را خوش می نویسد . چند بیت شعر از خود داشت که بسیار فریفته آنها بود و بهر بقعه و مدرسه و مسجد که میرسید ، بر دیوار آنها ، آنرا می نوشت .

زمانی که در هندوستان بود ، در گذشت .

وصفی	= عبدالله ترمذی
وقار	= احمد وقار شیرازی
وکیل الملک	= فضل الله خان وزیر خلوت

(۱۴۸۲) ولایة الله گلپایگانی - آقا

محمد صالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲۶) وی را در جزو شاگردان در گذشته خود آورده گوید ، طبع موزونی داشت . خوش شعر بود . کمالات دیگر هم داشت . خوش نویس حسابی بود . کتابه در مدرسه واقعه چهارسوق محله بیدآباد ، خط اوست .

(۱۴۸۳) ولی الدین افندی

از عالمان دین و شیخ الاسلام دولت عثمانی بود . فرزند مصطفی آقای صولاق - باشی است که بسال ۱۱۷۳ یا ۱۱۸۰ در سنین هشتاد و سه سالگی ، در استانبول در گذشته و در خانقاه شیخ مراد نقشبندی بخاک سپرده شده است . ولی الدین در خط نستعلیق شاگرد طورمش زاده بود و این قلم را چه جلی و چه خفی بانهایت مهارت می نوشت و تاحدی که من استقصا کرده ام ، وی زبردست - ترین نستعلیق نویسان عثمانی و ترک است . نیز بنظر میرسد که در خط شناسی و حسن سلیقه کم نظیر بوده باشد ، زیرا که سه مرقع از متروکات وی در کتابخانه دانشگاه استانبول ، اکنون موجود است ، که یکی مشتمل بر خطوط میرعماد و یکی میرعلی و یکی دیگر استادان طراز اول نستعلیق است و همگی آنها را خود او جمع آوری و تجلید و تصحیف کرده و این خطوط مجموعه بی ازبهترین خطوط ، بزرگترین استادان نستعلیق نویس است .

ولی الدین در این مجموعه که گرد آورده است ، در مرقع میر عماد ، از خطوط خود که از بعضی قطعات میر مشق کرده ، در مقابل هر یک مندرج ساخته و نهایت زبردستی خود را در تقلید خط میر بکار برده است . بگمان من در میان نستعلیق نویسان عثمانی و ترك ، کسی که با ولی الدین هم طراز باشد ، نیست .
از خطوط وی دیده ام :

یک کتیبه بمضمون «بارک الله تعالی» بقلم کتیبه پنج دانگ عالی ، در مسجد ایاصوفیه ، استانبول ؛

دو قطعه از مرقعی ، بقلم سه دانگ و کتابت خوش ، با رقم : «الفقیرولی الدین غفرله» و «کتبه الفقیرولی الدین غفرله» در کتابخانه دانشگاه ، استانبول ؛
هفت قطعه از مرقع میر عماد (که ذکر آن گذشت) بقلم سه دانگ و دو دانگ عالی ، با رقمها و تاریخهای : «نمقه الفقیرو المذنب ، ولی الدین غفرالله ذنوبه و ستر عیوبه ، فی سنه ۱۱۲۱» و «نمقه العبد الفقیرو المذنب ، ولی الدین غفرالله ذنوبه ۱۱۲۲» و «حرره الفقیرو المذنب ، ولی الدین غفرالله ذنوبه و ستر عیوبه فی سنه ۱۱۲۲» و «العبد ولی الدین غفر ذنوبه» و «العبد ولی الدین غفرله» و «نمقه الفقیرو ولی الدین غفرله» در همان کتابخانه .

در موزه آثار اسلامی و ترك ، کتیبه اشعاری عربی دیدم ، بقلم یک دانگ کتیبه عالی ، بزرگ . در نظره اول شیوه نستعلیق را ترکی تشخیص دادم ، و کسی را جز همین ولی الدین نویسنده این کتیبه شیوا نیافتم ؛ ولی متأسفانه ، کتیبه رقم نداشت .

نگارنده هم چنان در تالار موزه مطالعه و در آثار گرانبهای فراوان آن غور می کردم ، تا چند روز بعد به کتیبه کوچکی ، با اندازه یک مصراع از اشعار عربی مذکور برخوردیم که هم چنان باب زر بهمان قلم توانا نوشته شده و فقط مشتمل رقم باین عنوان بود : «کتبه العبد الداعی ولی الدین غفرله» . با اندک بررسی دریافتم

که این قطعه رقم همان کتیبه اشعار عربی است ، که هنگام قاب گرفتن ، ندانسته ، از اصل قطعه آنرا جدا ساخته اند .

در آن هنگام آقای الیف باخی ، مدیر سوزه بود و بایکدیگر الفتی یافته بودیم . بایشان مراجعه و این نکته را گوشزد کردم . روز دیگر که بموزه رفتم ، بسیار مسرور شدم که رقم را ، در زیر کتیبه اصل منصوب دیدم . آن سرد بزرگوار ، هم نویسنده قطعه و هم قطعه یی گرانبها را زنده و هم مرا سپاسگزار خود ساخته بودند .

۱۴۸۴ هادی

خطاط گمنامی ، ظاهراً از عثمانی است و بخط وی قطعه‌یی از یک سرقع ،
بقلم نستعلیق چهار دانگ و نیم دودانگ و ثلث نیم دودانگ خوش ، در کتابخانه
دانشگاه استانبول با رقم : « کتبه هادی » [دیده‌ام] .

۱۴۸۵ هادی - میرزا

محمد صالح اصفهانی گوید شاگرد پدر من بود و نزد من هم تعلیم گرفت .
از اولاد محمد رضای تبریزی در کتابخانه ملازم است .

۱۴۸۶ هاشم خان امین الدوله - میرزا

از وزرای دربار ناصرالدین شاه قاجار بود و نسب خود را بابوذر غفاری
میرساند .

سپهر گوید سخندان و نیک محضر بود و نستعلیق را استوار و شکسته را درست
سی نوشت و بسال ۱۲۹۰ در گذشت .

۱۴۸۷ هاشم قراباغی

از خوشنویسان کم نام قرن سیزدهم است و بخط وی یک قطعه‌یی در نزد
آقای حسام‌الدین کامیار دیده‌ام بقلم دودانگ و کتابت خوش ، با رقم و تاریخ :
« کتبه العبد المذنب هاشم قراباغی ۱۲۸۱ » .

(۱۴۸۸) هاشم ہمدانی - میرزا

سپہر گوید کہ شعر میگفت و از علوم ادبی بهره داشت و نستعلیق و شکستہ را خوش می نوشت و بسال ۱۲۴۰ در گذشت .

(۱۴۸۹) ہبۃ اللہ کاشانی - میر

صاحب مناقب ہنروران گوید کہ در خط شاگرد سلطان علی مشہدی و استاد میر معز کاشانی بود .

مؤلف خلاصۃ الاشعار و دیگران گویند کہ در شیوہ مصاحبت و منادمت منفرد بود و در تیراندازی مہارت داشت و در خوش طبعی و خوشر فہمی و شعر شناسی مسلم بود و گاہی غزلی میگفت و در شعر « قانعی » تخلص میکرد . بسال ۹۰۸ در گذشت .

(۱۴۹۰) ہجرانی

از شاعران و ندیمان امیر علی شیر نوائی بود ، در خلاصۃ الاخبار و مرآة العالم است کہ شعر میگفت و در سلک مشاہیر خوشنویسان نستعلیق ، جای داشت و بسال ۹۲۱ در گذشت .

(۱۴۹۱) ہدایت اللہ اصفہانی

صاحب مناقب ہنروران ، او را از شاگردان میر معز کاشانی دانستہ است . قطعہ پی از یک مرقع ، بقلم کتابت جلی عالی ، در کتابخانہ ملک است کہ رقم : « کتبہ ہدایت اللہ » [دارد] و ممکن است ، بخط ہمین خوشنویس باشد .

۱۴۹۲) هدایت الله ایموری

از کاتبان گم نام قرن یازدهم و بخط وی یک نسخه عالم آرای عباسی در کتابخانه سلطنتی است ، بقلم کتابت متوسط ، که چنین تمام میشود : « تمت ... بتاریخ بیست و هشتم شهر رجب سنه ۱۰۸۳ . ثلث و ثمانین و الف ... کتبه المذنب هدایت الله بن شکر الله ایموری . تم بالخیر والعادة » .

۱۴۹۳) هدایت الله زرین رقم

کتابدار کتابخانه عالم گیر پادشاه هندوستان (۱۰۶۸-۱۱۱۹) و معلم مشق خط کام بخش و دیگر شاهزادگان دربار بود . کتابت های وی ، بیشتر دیوان حافظ بود ، که با مر عالم گیر بخط خفی می نوشت .

ابتدا بشیوه محمد حسین کشمیری می نوشت ؛ ولی بعد اسلوب سید علی خان تبریزی جواهر رقم را کسب کرد . غلام محمد هفت قلمی خط او را بخط سید علی خان ترجیح نهاده است ؛ ولی من که خط هر دو را بدقت نگریسته ام ، استواری و نمک خط جواهر قلم از خط زرین رقم برتر میدانم .

وفات وی بسال ۱۱۱۸ در احمد نگر اتفاق افتاده است .

بخط وی دیده ام :

یک قطعه از مرقعی ، بقلم دودانگ و کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : « العبد الراجی ، هدایت الله ۱۰۹۸ » در مجموعه آقای دکتر مهدوی ، تهران ؛

منتخبی از کلمات حضرت علی بن ابی طالب ، بقلم کتابت جلی خوش ، با رقم و تاریخ : « هدایت الله زرین رقم ۱۱۱۱ » در مجموعه بی که گویا فعلاً بکتابخانه مرکزی دانشگاه تهران منتقل شده است .

یک قطعه از مرقعی ، بقلم دودانگ و کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : « کتبه

العبد المذنب الراجی ، هدایت غفرله ، ۱۰۹۶ . « در کتابخانه سلطنتی ، تهران ؛
 یک قطعه بقلم دودانگ متوسط ، بارقم و تاریخ : « فقیر هدایت الله زرین رقم
 غفر ذنوبه ۱۱۱۱ » در همان کتابخانه ؛

یک قطعه بقلم سه دانگ و دودانگ خوش ، بارقم و تاریخ : « حسب الفرسوده
 سلاذدوستان ، خواجه محمد فتوح زید قدره ، فقیر هدایت الله مشق نمود ، ۱۰۹۴ . «
 در همان کتابخانه ؛

یک قطعه ، بقلم دودانگ خوش ، بارقم و تاریخ : « کتبه الفقیر الحقیر المذنب
 هدایت الله زرین رقم ، فی سنه ۱۱۱۲ » در سوزة باستانشناسی ، دهلی ؛

دو قطعه از یک مرقع در مجموعه آقای دکتر مهدوی است ، بارقم هدایت الله
 بدون نسبت زرین رقم ، اگر آنها هم بخط همین هدایت الله باشد ، از بهترین خطوط
 اوست که بقلم دودانگ و نیم دودانگ و کتابت عالی نوشته است و چنین رقم
 و تاریخ دارد : « العبد الراجی هدایت الله ۱۰۹۸ » و « در دار الخلافه شاه جهان آباد
 فی شهر سنه ۱۰۸۲ بجهت بر خورداری ، قره العینی ، محمد افضل طول الله عمره
 نوشته شد . »

۱۴۹۴) هدایت الله شیرازی

از کاتبان گم نام قرن دهم و بیخط وی یک نسخه تیمورنامه هاتفی است (که
 سهواً بان عنوان شهنشاهنامه قاسم گنابادی داده اند) بقلم کتابت خفی متوسط ،
 که چنین تمام می شود : « تمت الكتاب تمرنامه مولانا هاتفی ، بعون الله الملك الغنی
 کاتبه الفقیر الحقیر الراجی ، هدایت الله شیرازی ، غفر الله ذنوبه و ستر عیوبه ،
 سنه تسع وتسعين وتسعمائة » ، در سوزة آثار اسلامی و ترک ، استانبول .

۱۴۹۵) هدایت الله شیرازی

کاتب گمنام دیگری است که سه قرن بعد از هدایت الله مذکور می زیسته و بخط وی یک نسخه سراج المنیر، بقلم کتابت خوش، دیده ام که گویا اکنون در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است و چنین رقم و تاریخ دارد: «کتبه العبد الحقیق هدایت الله شیرازی فی شهر رجب ۱۲۸۵».

۱۴۹۶) هدایت الله عبدالصمد خانی - شیخ

از خوشنویسان سرکاری سیف الدوله بهادر دلیر جنگ بود و صاحب مرآة- الاصطلاح، وی را در دهلی دیده و با وی آشنا شده است و هم او گوید که جوان دل چسبی است و نستعلیق را خوش می نویسد و نیز گوید که در نوشتن چه جلی و چه خفی، قلم را فاق نمی زند.

۱۴۹۷) هدایت الله کاتب

کاتب گم نام دیگری است که در حدود قرن یازدهم می زیسته و بخط وی یک نسخه کلیات اهلی شیرازی در کتابخانه سلطنتی است، بقلم دودانگ و کتابت خفی متوسط، بارقم: «حرره هدایت الله الکاتب».

۱۴۹۸) هدایت الله کاشانی

ملقب به لسان الملک، فرزند ارشد میرزا محمد تقی لسان الملک کاشانی و نواده دختری فتح علی خان صبا ملک الشعرا بود.
لسان الملک در جوانی منشی مجلس مصلحت خانه دولتی ناصرالدین شاه بود و در تألیف دوره ناسخ التواریخ با پدر هم کاری می کرد و پس از مرگ پدر،

اتمام تألیف بقیه مجلدات کتاب ، بعهده وی گذاشته و بلقب پدر ملقب شد .
 از انواع علوم و اصناف ادبیات متداول بهره داشت و شعر فارسی و عربی میسرود
 و در فن ترسل ماهر بود و نقاشی می کرد و نستعلیق و شکسته را خوش می نوشت .
 منشآت و دیوان اشعار فارسی و عربی وی در روزنامه شرف بمیزان یازده هزار
 بیت احصاء شده است .

از جمله آثارش کتابی است بعنوان « تذکره خوشنویسان » که نگارنده در
 تألیف این کتاب از آن استفاده کرده است و آن کتابی خلاصه و فهرست مانند است
 مشتمل بر نام عموم خوشنویسان و سال درگذشت هر یک از ایشان ، که متأسفانه
 تاریخهای منقول وی غالباً دقیق و درست نیست .

۱۲۹۹) هدایت الله لاهوری

جز هدایت الله زرین رقم سابق الذکر است . این یک نسخه تعلیق را بشیوه میر عماد
 می نوشت و هنگام تألیف تذکره هفت قلمی (متوفی سال ۱۲۳۹) در گذشته بود .

هلالی = طاهر محمد

ی

(۱۵۰۰) یادگار - حاجی

از کاتبان گم نام قرن دهم و یازدهم و بیخطوی یک قطعه در سرقعی از کتابخانه
آستان رضوی در مشهد است ، بقلم دودانگ متوسط ، بارقم : «المذنب حاجی یادگار
الکاتب غفر ذنوبه و ستر عیوبه» .

(۱۵۰۱) یار علی

از خطاطان گم نام قرن نهم و بیخطوی یک قطعه از سرقعی در کتابخانه دانشگاه
استانبول است ، بقلم نیم دودانگ متوسط ، بارقم : «کتبه الفقیر یار علی عفی عنه» .

(۱۵۰۲) یاری بخاری

از خوشنویسان گم نام قرن دهم است و بخط وی دیده ام :
یک قطعه از سرقع بهرام میرزا صفوی ، بقلم دودانگ و نیم دودانگ خوش ،
بارقم : «سئقه العبد الفقیر یاری البخاری» ؛
یک قطعه ، نیز بقلم دودانگ و نیم دودانگ خوش ، با تاریخ ورقم : «تحریراً
فی شهر سنه ۹۰۹ هـ ، سئقه العبد الحقیر ، یاری البخاری غفر ذنوبه» در سوزة چارترسکی ،
کراکوی لهستان .

(۱۵۰۳) یاری شیرازی

از شاگردان سلطان محمد خندان و از معاصران یاری هروی است .

بخصال نمیده موصوف و بحسن خط و شیوائی اسلوب معروف بود .
 هنگام تألیف مناقب هنروران (سال ۹۵۹) در قید حیات بوده است .

۱۵۰۴) یاری هروی کاتب

از شاگردان محمد اوبهی است و خط وی را به پاکیزگی و سزه ستوده اند و
 گفته اند که جلی و خفی هر دو را خوش می نوشت و آثار وی میرساند که باید وی را
 یکی از خوشنویسان زبردست قرن دهم دانست .

یاری شعری گفت و بعضی اشعارش بخط خود وی موجود است . گویند از هرات
 بیرون رفت و بقول سپهر ، بسال ۹۸۰ در آن شهر در گذشت .

بخط وی دیده ام :

یک قطعه از مر قعی ، بقلم نیم دودانگ عالی ، بارقم : «العبد المذنب یاری
 غفر ذنبه» در کتابخانه سلطنتی ، تهران ؛

یک قطعه ، بقلم دودانگ خوش ، بارقم : «مشقه العبد یاری ، غفر ذنوبه»
 در همان کتابخانه ؛

یک قطعه ، بقلم نیم دودانگ خوش ، بارقم : «مشقه یاری» در مجموعه
 نگارنده ؛

یک قطعه از مر قعی ، بقلم نیم دودانگ عالی ، بارقم : «کتبه العبد یاری ،
 غفر الله ذنوبه» در کتابخانه آستان رضوی ، مشهد ؛

چهار قطعه از مر قع سید احمد مهدی ، بقلمهای از پنج دانگ تا کتابت عالی
 بارقمهای : «مخلص داعی ، یاری غفر ذنبه» ، «العبد یاری» و «العبد المذنب یاری
 الکاتب ، سترعیوبه و غفر ذنوبه» در کتابخانه خزینة اوقاف ، استانبول ؛

دو قطعه از مر قع امیرغیب بیگ ، بقلم نیم دودانگ و کتابت جلی عالی ، با
 رقمهای : «مشقه یاری» و «کتبه العبد المذنب ، یاری الکاتب ، سترعیوبه و غفر
 ذنوبه» در همان کتابخانه ؛

سه قطعه در سرقعه‌های دیگر ، بقلم‌های دو دانگ و نیم دو دانگ و کتابت عالی و خوش ، بارقم‌های : «العبد یاری» و «مشقه یاری» و «کتبه یاری غفرذنوبه و سترعیوبه» در همان کتابخانه ؛

یک قطعه از اشعار ترکی نوائی ، بقلم کتابت خوش ، بارقم : «العبد یاری» در کتابخانه عموسی لنین گراد ؛

یک نسخه بوستان سعدی ، بقلم کتابت جلی خوش ، بارقم و تاریخ : «کتبه العبد الفقیر الحقیر المذنب ، یاری الکاتب غفرذنوبه و سترعیوبه ، سنه ۹۰۵» در موزه اسلامی و ترک ، استانبول ؛

یک نسخه دیوان خطائی (شاه اسمعیل صفوی) و ده نامه خطائی ، بقلم کتابت جلی خوش ، که چنین تمام می‌شود : «تمت الکتاب بعون الملک الوهاب ، برسم خزانه عالیشان عدالت نشان منبع لطف و احسان ، یعنی عالی حضرت محمدخان فی شهور سنه ۹۰۵ ، کتبه الداعی المذنب ، یاری الکاتب ، غفرذنوبه و سترعیوبه» در کتابخانه آقای سلطان القرائی ، تهران .

۱۰۰۰) یاری هروی مذهب

وی نیز معاصر یاری هروی کاتب و یاری شیرازی بود . در زمان سلطان حسین میرزا بایقرا می‌زیست و با سلطان علی مشهدی ملازم بود . شعر می‌گفت و او را از مذهبان بی‌قرین معاصر بهزاد نقاش دانسته‌اند و بسیاری از قطعات خطوط سلطان علی مشهدی و سلطان محمد نور و سلطان محمد خندان را ، که بقلم زریا سفیداب یارنگه نوشته شده است و غالب آنها در کتابخانه‌های استانبول است ، وی تحریر کرده و تحریرات وی نهایت مهارت و دقت او را در این هنر نشان می‌دهد .

با اینکه وی را فقط جزو مذهبان آورده‌اند ، گاهی در ضمن سرقعه‌ها که مشتمل بر خطوط سلطان علی مشهدی و سلطان محمد نور و خندان است و دیگر مواضع ،

قطعاتی هم بخط وی هست که مهارت او را در خوشنویسی نستعلیق ، معلوم میدهد و از آن جمله است :

دو قطعه از مرقع مالک دیلمی ، که اشعاری از خود اوست ، بقلم سه دانگ و نیم دو دانگ عالی و خوش نوشته و خود تحریر کرده است و چنین رقم دارد : «لمحرره یاری المذهب ...» و «لمحرره ... مشقه یاری» در کتابخانه خزینه اوقاف ، استانبول ؛

یک قطعه از مرقع امیرغیب بیک ، بقلم نیم دو دانگ خوش رنگه محرر ، که مضمون آن یک رباعی است ، با رقم : «لمحرره یاری المذهب» در همان کتابخانه . با اینکه دویاری هر دو خوشنویس و هر دو هروی و هر دو در یک عصر می زیسته اند ، نباید آن دورا یکی دانست ، که صاحب گلستان هنر نام هر دو را جدا گانه با نسبت کاتبی و مذهبی یاد کرده است و صاحب مناقب هنروران فقط نام یاری هروی مذهب را آورده است و در قواعد خطوط و ریحان نستعلیق یاری کاتب یاد شده است .

(۱۵۰۶) یاسمن بو

در تذکره الخواتین نام وی آمده است و گوید که همسر میرزا عسکری دامغانی بود و چندی در گلبرگه دکن اقامت داشت و پس از مرگ شوهر خود ، با حرم یکی از امرای گورکانی ، بد هلی رفت و تا پایان عمر با عزت زیست .
جز نستعلیق ، ثلث و نسخ و شکسته رانیز خوش می نوشت و شعر می گفت .

(۱۵۰۷) یحیی اصفهانی - میرزا

میرزا سنگلاخ نام او را بالقب «ادیب الخطاطین» آورده گوید که خواهرزاده میرزا طاهر وحید قزوینی و بنی عم جمالای شیرازی و برادر شمسای بینی و برادرزاده میرزا تقی مستوفی الممالک بود . شعر می گفت و «واله» تخلص می کرد .

در چهارده سالگی بمشق خط پرداخت و در جوانی شهرت یافت و مدت چهارده سال بوزارت و مشاغل دیوانی اشتغال داشت. در اواخر عمر کارش به تراجع افتاد و هنگام انعزال و عزلت، کتابی در لغت نوشت و در اصفهان در گذشت.

آنچه درباره وی باطمینان میتوان گفت این است که محمد صالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲۶) آورده گوید، همشیره زاده وحید است و شاگرد پدر من (ابوتراب) و بسیار خوش مشق بود. الحال تارک است.

۱۵۰۸) یحیی اصفهانی - میر

میرزا سنگلاخ نام وی را بالقب «یحیی الکتاب» و «یحیی الدین» آورده است. میرزا حبیب گویند برادرزن و شاگرد میر عماد بود و با وجود این خطوی بشیوه میر علی هروی بود.

گویند که وقتی شاه عباس از میر عماد خواست که یکی از شاگردانش [را] باستکتاب نسخه شرح سلا خلیل قزوینی بر کافی گلینی، مأمور کند و میر، میر یحیی را باین کار واداشت، که البته این قول درست نیست، زیرا که شرح و ترجمه کافی سلا خلیل، بسال ۱۰۷۵ انجام شده است و در آن تاریخ میر عماد پنجاه سال و شاه عباس سی و هشت بود، تا در گذشته بودند.

نیز متأخرین تذکره نویسان یعنی میرزا حبیب و میرزا سنگلاخ و عبدالمحمد خان گویند که اقلام شش گانه را چه جلی و چه خفی خوش می نوشته است و شاه عباس بوی لقب «میرثانی» داده بود.

سپهر سال وفاتش را ۱۰۵۰ ضبط کرده است.

۱۵۰۹) یحیی دولت آبادی - حاج میرزا سید

حاج میرزا یحیی دولت آبادی فرزند آقاسید هادی ساکن دولت آباد اصفهان

که خود را از احفاد قاضی نورالله شوشتری میدانند در سال ۱۲۷۹ هجری قمری در دولت آباد متولد شده است.

خانواده او بعزت مخالفت ظل السلطان و بعضی از علمای اصفهان با پدرش مجبور به مهاجرت از اصفهان و رفتن به عتبات شدند و پس از بازگشت به ایران در طهران در ظل حمایت امین السلطان ساکن گشتند و مرحوم حاج میرزا یحیی ناگزیر وارد سیاست و امور اجتماعی شد. نخست در پی تأسیس مدارس جدید برآمد و مدرسه سادات را بنیان نهاد. در کشاکش مشروطیت بمخالفت با استبداد برخاست و پس از استقرار مشروطیت چند دوره نمایندگی مجلس یافت. آنکاه به اروپا رفت و در اواخر عمر سمت نمایندگی سیاسی ایران در بلژیک را داشت. در بازگشت از اروپا دیری نپائید که در ابان ۱۳۱۸ (۱۳۵۸ ه. ق.) زندگی را بدرود گفت.

از تألیفات او چهار جلد کتاب حیات یحیی که شرح زندگانی خود اوست معروف است و یک کتاب دبستانی بنام کتاب علی که آن را بنام حاج میرزا علی خان امین الدوله صدر اعظم مظفرالدین شاه نوشته است. نمونه خط نستعلیق او درج اول حیات یحیی ص ۱۱۵ چاپ شده است (ح. م.).

۱۵۱۰) یحیی دیلمی

سپهر گوید که نستعلیق را خوش نوشت و بسال ۱۰۲۴ در گذشت.

۱۵۱۱) یحیی قزوینی - ملا

محمد صالح اصفهانی وی را نیز همشیره زاده میر عماد دانسته، گوید خوش-نویس بدی نیست و خطش مزه دارد و هر روز می نویسد. در قزوین بسر می برد. بیست تومان مواجب داشت و بکتابت شرح ملاحلیل قزوینی به کافی اشتغال داشت.

(۱۵۱۲) یحیی بن زکریا بیرام

سیرزا حبیب گوید که خود و پدرش هردو شیخ الاسلام استانبول بودند و هر دو خوشر سی نوشتند .

یحیی از دانشمندان عصر و صاحب تألیفات است ، از جمله : شرح برفرایض منظومه محسن قیصری و تخمیس قصیده برده و دیوان اشعار .

بسال ۱۰۵۳ در سنین پنجاه و چهار سالگی در استانبول در گذشت و در نزدیکی مدرسه سلطان سلیم بخاک سپرده شد .

(۱۵۱۳) یحیی سبک نیشابوری

از شاعران زمان شاهرخ بن امیر تیمور گورکان است و صاحب مناقب هنروران وی را در جزو کاتبان چهل گانه کتابخانه بایسنغر میرزا آورده است .
وفاتش بسال ۸۵۲ اتفاق افتاده است .

یزدانی = عبدالوهاب بن وصال

یساری = محمد اسعد

یساری زاده = مصطفی عزت

(۱۵۱۴) یعقوب بن حسن

ملقب به سراج حسنی از کاتبان خوشنویس قرن نهم است که اقلام شش گانه را استادانه و نستعلیق را خوش سی نوشته است و بخطوی یک نسخه ظفرنامه تیموری شرف الدین علی یزدی ، در کتابخانه مجلس شورای ملی است ، بقلم کتابت جلی و عنوانها بقلم ثلث و رقاع عالی ، با رقم و تاریخ : « . . . یعقوب بن حسن الملقب به سراج الحسنی القطانی عفا الله عنه ، فی یوم الخمیس رابع عشرین من جمادی الاخر سنة اربعین و ثمانمائة هجرية . . . » . به ترجمه (یعقوب کاتب نیز مراجعه شود) .

(۱۵۱۵) یعقوب کاتب

کاتب گم نام دیگری از قرن نهم و معاصر یعقوب سراج حسنی سابق الذکر و یا شخص او باشد. با این رقم یک نسخه دیوان غزلیات و رباعیات حافظ در کتابخانه سلطنتی است، بقلم کتابت خفی، که چنین تمام می شود: «قد وقع الفراغ... من تحریر هذا الكتاب المزين بالدقایق والنصایح، الموشح باللطایف والبدایع العبد المذنب یعقوب الکاتب... فی عشرين شهر ربيع الاخر لسنة اربعة وخمسين وثمانائة».

(۱۵۱۶) یقینی

در مجالس النفایس است که از شعرای هرات بود و نستعلیق را خوش مینوشت و خالی از جنون نبود.

یکتا = احمد یار خان

(۱۵۱۷) یغمای جندقی

نامش ابوالحسن و چندی نویسنده ذوالفقار خان سردار سمنانی بود. از منشیان زبردست و از شاعران بنام قرن سیزدهم است. به لطف طبع و حسن محضر معروف بود و نستعلیق را خوش می نوشت و شکسته اش درست تر از نستعلیق او بود. کلیات آثار نظم و نثر وی بچاپ رسیده و متداول است.

یک نسخه از برهان قاطع که خود آن را تصحیح کرده و حاشیه زده بخط وی در نزد آقای حبیب یغمائی دیده ام که بقلم کتابت خفی متوسط نوشته است. وفات وی بسال ۱۲۷۶ اتفاق افتاده است.

(۱۵۱۸) یوسف

از خطاطان گم نام قرن اخیر و بخطوی یک قطعه از مرقعی در کتابخانه سلطنتی است ، بقلم دودانگ متوسط ، با رقم و تاریخ : « یوسف غفر ذنوبه سنه ۱۲۸۰ » .

(۱۵۱۹) یوسف

از کتیبه نگاران ترك قرن اخیر و بخطوی سه لوحه بر سزار سولانا جلال-الدین بلخی ، در قونیه است ، بقلم سه دانگ کتیبه عالی ، با رقم و تاریخهای : « کتیبه یوسف ۱۲۸۶ » و « یوسف ۱۲۹۴ » .

(۱۵۲۰) یوسف ضیاءالدین

فرزند عبدالرحمن جاسی را غلام محمد هفت قلمی ، جزو خوشنویسان آورده گوید که ، علاوه بر فضایل خط نستعلیق را بطور میرعلی هروی ، خوش می نوشت و دیگری از تذکره نویسان ، جزوی ، متذکر خوشنویسی ضیاءالدین یوسف نیست .

(۱۵۲۱) یوسف عادل شاه

در طرایق الحقایق است که عادلشاه پادشاه دکن ، در علم عروض و قافیه و فنون موسیقی مهارت داشت و اهل هنر را اعزاز می کرد و در مجلس وی پیوسته شعر شاعران قدیم خوانده می شد و خود گاهی شعر می گفت و نستعلیق را خوش می نوشت و بسال ۹۱۶ در گذشت .

(۱۵۲۲) یوسف علی سبز مشهدی

از خطاطان گم نام قرن نهم و بخطوی دو قطعه از یک مرقع در کتابخانه خزینة اوقاف استانبول است ، بقلم نیم دودانگ و کتابت متوسط ، بشیوه سلطان علی

مشهدی ، بارقمهای : «مشقه العبد یوسف علی سبزمشهدی تجاوزالله عنه» و «مشقه العبد یوسف علی سبزمشهدی» .

(۱۵۲۳) یوسف قزوینی

محمد صالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲۶) وی را برادر وحید قزوینی دانسته گوید ، از شاگردان پدر من (ابوتراب) بود و خوش می نوشت .

یوسف کابلی = محمد یوسف

(۱۵۲۴) یوسف کاتب

از کاتبان گم نام قرن نهم است و بخطوی یک نسخه دیوان کاتبی در دست فروشنده‌یی دیده‌ام ، بقلم کتابت خوش ، بشیوه اظهر تبریزی ، با تاریخ و رقم : «تمت الكتاب فی ۳ شوال سنه ۸۵۰ ، کاتبه یوسف» .

(۱۵۲۵) یوسف میرزا قاجار

از شاگردان چاپک دست میرزا سیدحسین خوشنویس باشی تبریزی است و مرحوم امیرخیزی نقل می کرد که استاد می گفت که خط یوسف میرزا مانند شمشیر است . یک نسخه دعای صباح و شرح آن بکتابخانه مجلس شورای ملی عرضه شد که متن آن بقلم نسخ نیم دودانگ عالی و ترجمه آن نستعلیق کتابت خفی متوسط بود و چنین رقم داشت : «اقل ابناء ملوک سلطان یوسف ابن مرحوم منوچهر میرزا فی شهر رجب سنه ۱۲۷۶» که ممکن است بخط همین یوسف میرزا باشد .

(۱۵۲۶) یوسف همدانی

از خطاطان نیمه دوم قرن سیزدهم و نیمه اول قرن حاضر است و بخط وی

یک لوحه دارم ، بقلم شش دانگ و چهار دانگ و سه دانگ خوش ، با رقم و تاریخ : «حضور... مشیرالدوله ایدنصره... العبد الحقیر الفقیر یوسف الهمدانی

۱۳۰۷» .

کتابخانه سلطنتی - مهدی بیانی

پایان - شنبه ۷ خردادماه ۱۳۴۵

۴

فہرست اسماء کتب خطی و چاپی

بہ کتابت یا تحریر خطاطان مشہور

اعداد اشارہ بہ شمارہ ردیف خوشنویسان است

آ

- آتشکدہ آذر : حبیب اللہ شیرازی ، ۲۱۰
آتشکدہ آذر : علی شیدای توپسرکانی - ملا ، ۶۶۹
آتشکدہ آذر : فتح علی تنکابنی - میرزا ، ۷۵۳
آتشکدہ آذر : محمدحسن بن محمد رضا ، ۹۶۶
آثار عجم : محمد قدسی - میرزا ، ۱۲۰۱
آداب المشق : ابوالفضل ساوجی ، ۵۵
آداب المشق باباشاہ اصفہانی : محمد حسین تهرانی - کاتب السلطان ، ۹۹۳

الف

- ابداع البدایع شمس العلماء : زین العابدین قزوینی ، ۳۵۹
احسن الاخلاق : زین العابدین قزوینی ، ۳۵۹
احسن الکبار : غیاث الدین کازرونی ، ۷۴۵
احوال امام زادہ ہا (رسالہ) : حیدر علی ثریا ، ۲۸۷
اخلاق محتشمی : حسن محمد کاتب ، ۲۳۷
اخلاق محسنی : محمود سیاوشانی ، ۱۳۱۳
اخلاق منصور غیاث منصور : محمد بہرام ، ۹۲۶
اخلاق ناصر خواجه نصیر طوسی : غیاث اللہ بہبہانی ، ۷۱۷
اخلاق ناصر خواجه نصیر طوسی وغیرہ : محمد ابراہیم اولیاسمیع ، ۸۴۵
اخلاق ناصر خواجه نصیر طوسی : محمد علی کهنہ ، ۱۱۷۷
ادعیہ : محمد رضا منشی ، ۱۰۵۶
ادعیہ : محمد شفیع شیرازی ، ۱۰۹۷
ادعیہ : محمد سہدی طهرانی ، ۱۲۵۹
اسرارنامہ شیخ عطار : شاہ محمود نیشابوری ، ۴۱۰

- اسکندرنامه ترکی : ابراهیم منشی ، ۳۷
 اسکندرنامه نظامی : روزبهان ، ۳۴۷
 الاسماء الحسنی : عماد حسنی سیفی - میر ، ۷۰۹
 اشارات العلوم : احمد بن حسن ، ۷۲ (باو نسبت می دهند).
 اصطلاحات العرفای عبدالرزاق کاشانی : محمد حسن لواسانی ، ۹۶۵
 الف لیلة و لیلة فارسی : محمد جعفر گلپایگانی ، ۹۵۵
 الف النهار : محمد حسین قزوینی ، ۹۹۸
 انجمن خاقان : محمد مهدی فراهانی ، ۱۲۶۰
 انوار سهیلی ؛ علی محمد شیرازی ، ۶۸۶
 انوار سهیلی : محمد ابراهیم اولیا سمیع ، ۸۴۵
 انیس العاشقین : محمد اماسی هروی شیخ ، ۸۸۱
 اوصاف الاشراف خواجه نصیر : محمد شفیع شیرازی ، ۱۰۹۷
 اوصاف ناصرزی : محمد رضا شیرازی صفا - حاج ، ۱۰۴۹

ب

- بحرالجوهر در علم حساب و سیاق : عباس علی تفرشی ، ۴۷۲
 برج زواهر : عباس بن محمد شفیع تبریزی : ۴۵۶
 برهان قاطع (باحواشی) : یغمای جندقی : ۱۵۱۷
 بستان السیاحه : زین العابدین قزوینی ۳۵۹
 بستان السیاحه : محمد اسماعیل شیرازی ، ۸۶۵
 بوستان سعدی : احمد بن اسحق ، ۶۵
 بوستان سعدی : اظهر تبریزی ، ۱۱۱
 بوستان سعدی : حسین میر کلنگی : ۲۷۲
 بوستان سعدی : سلطان علی ، ۳۷۹
 بوستان سعدی : سلطان محمد خندان : ۳۸۴
 بوستان سعدی (دو نسخه) : سلطان محمد نور ، ۳۸۷
 بوستان سعدی : شاه قاسم کاتب ، ۴۰۷
 بوستان سعدی : شاه محمد مشهدی ، ۴۰۹
 بوستان سعدی (سه نسخه) : شاه محمود نیشابوری ، ۴۱۰
 بوستان سعدی : عبدالواحد مشهدی ، ۵۷۹
 بوستان سعدی : علی تبریزی - میر ، ۶۳۱

- بوستان سعدی (دو نسخہ) : علی منظور حقیقی ، ۶۹۵
 بوستان سعدی (۶ نسخہ) : علی ہروی - سیر ، ۷۰۳
 بوستان سعدی : علی ہروی - سیر ، ۷۰۴
 بوستان سعدی (سہ نسخہ) : عماد حسنی سیفی - سیر ، ۷۰۹
 بوستان سعدی : کشوری ، ۷۹۹
 بوستان سعدی (دو نسخہ) : محمود سیاوشانی ، ۱۳۱۳
 بوستان سعدی : میرک تاشکنندی ، ۱۴۲۸
 بوستان سعدی : یاری ہروی کاتب ، ۱۵۰۴
 بہارستان جامی : علی رضا کاتب ، ۶۵۹
 بہارستان جامی : ناصرالدین علی ، ۱۴۳۶
 بیاض بختاورخان : محمد صادق ، ۱۱۰۴

پ

- پندنامہ جامی : عماد حسنی سیفی - سیر ، ۷۰۹
 پندنامہ عطار : نظیف زادہ - احمد حامد ، ۱۴۵۹
 پندنامہ لقمان : مصطفی قلی نوری ، ۱۳۶۹

ت

- تاج المآثر حسن نظامی : ابوسعید سیر ، ۴۹
 تاریخ (شاہ) اسماعیل صفوی : ابوالہادی قزوینی ، ۶۲
 تاریخ افغانستان : محمد حسین بحرانی ، ۹۷۲
 تاریخ بیہقی : محمد صادق شیرازی ، ۱۱۰۸
 تاریخ جنگ چین : علی شیرازی - سیر ، ۶۷۱
 تاریخ شورش روسیہ : مدیرالکتاب ، ۱۳۴۱
 تاریخ طبرستان : علی نایینی ، ۶۹۷
 تاریخ (شاہ) طہماسب صفوی : ابوالہادی قزوینی ، ۶۲
 تاریخ (سلطان) محمود غزنوی تألیف عباسقلی سپہر : محمد حسین شیرازی - کاتب السلطان
 ۹۸۹
 تاریخ معجم : فتح علی شیرازی - سیرزا ، ۷۵۴
 تاریخ نخجیر ناصری : محمد حسین شیرازی - کاتب السلطان ، ۹۸۹
 تاریخ نگارستان : احمد غفاری ، ۷۹
 تاریخ و صاف : محمد ابراہیم اولیاسمیچ ، ۸۴۵

- تحریر اقلیدس : محمد علی قاینی بیرجندی - میرزا سید ، ۱۱۷۰
- تحفة الاحرار جامی : باباشاہ اصفہانی ، ۱۳۸
- تحفة الاحرار جامی : حسین شرعی ، ۲۵۴
- تحفة الاحرار جامی (چهار نسخه) : حسین میر کلنگی ، ۲۷۲
- تحفة الاحرار جامی : خواجہ خان ، ۳۰۲
- تحفة الاحرار جامی : خواوندسالک بن سیرک ، ۳۰۴
- تحفة الاحرار جامی (سہ نسخه) : سلطان علی مشہدی ، ۳۷۹
- تحفة الاحرار جامی : علی رضا کاتب ، ۶۵۹
- تحفة الاحرار جامی : عمادحسنی سیفی - میر ، ۷۰۹
- تحفة الاحرار جامی : کمال نوربخشی نیشابوری ، ۸۰۳
- تحفة الاحرار جامی : محمد شیخ ، ۸۳۸
- تحفة الاحرار جامی : مقصود ہروی ، ۳۸۹
- تحفة الاحرار جامی : ناصر ، ۱۴۳۵
- تحفة الاحرار جامی ، نظام بن یقینی ، ۱۴۵۷
- تحفة ساسی : حسام الدین - درویش ، ۲۱۱
- تحفة العراقین خاقانی : شاہ قاسم کاتب ، ۴۰۷
- تحفة الغرایب : پیر حسین ، ۱۶۸
- تحفة الملوک : ابراہیم باغ میشہ ، ۲۵
- تحفة الملوک : ابوالخیر - سید ، ۴۸
- تحفة الملوک : عماد حسنی سیفی - میر ، ۷۰۹
- تحفة الملوک : محمد حسن خوانساری ، ۹۶۲
- تحفة المؤمنین : علی اکبر نایینی : ۶۲۲
- تحفة المؤمنین : محمد اسماعیل سیفی - میر ، ۸۹۰
- تحفة الوزراء : علی محمد شیرازی محرم ، ۶۸۷
- تحفة الوزراء : قاسم تبریزی - حاج آقا ، ۷۸۱
- تحقیقات شیخ صفی الدین (از یک مجموعہ) : بہاء الدین درجزینی ، ۶۰
- تذکرہ خوشنویسان : ہدایت اللہ کاشانی ، ۱۴۹۸
- تذکرہ دولتشاہ سمرقندی (دو نسخہ) : فولاد محمد بخاری ، ۷۷۳
- تذکرہ الشعرا ی دولتشاہ سمرقندی : محسن بن لطف اللہ سبزواری ، ۸۳۶
- تذکرہ شمع انجمن : احمد حسین ، ۷۳

- تذکره (شاه) طهماسب : محمدحسین نورس دماوندی ، ۱۰۰۸
- ترجمه ادعیه : محمدعلی تبریزی ، ۱۱۵۶
- ترجمه الف لیلۃ ولیلہ (در شش مجلد) : محمدحسین تهرانی - کاتب السلطان ، ۹۹۳
- ترجمه تاریخ قیصره : علی نایینی ، ۶۹۷
- ترجمه تاریخ یمینی : علی شیرازی - سیر ، ۶۷۰
- ترجمه چهل حدیث (سه نسخه) : علی هروی - سیر ، ۷۰۳
- ترجمه چهل حدیث : محمدرضا ، ۱۰۳۵
- ترجمه رشف النصایح الایمانیه : مجد مذهب ، ۸۲۵
- ترجمه زاد المعاد : محمد هاشم خوانساری - سید ، ۱۲۷۹
- ترجمه الصلوة : عبدالرشید دیلمی ، ۵۴۱
- ترجمه صحیفه سجادیه : محمد ساوجی - سیرزا ، ۱۰۶۸
- ترجمه قرآن (متعدد) : احمدوقار ، ۸۷
- ترجمه قرآن : محمد حسین شریف هندی ، ۹۸۵
- ترجمه قرآن : محمدحسین شیرازی کاتب السلطان ، ۹۸۹
- ترجمه قرآن : محمدحسین کاشانی - شیخ ، ۱۰۰۰
- ترجمه قرآن : محمد کریم شیرازی ، ۱۲۱۹
- ترجمه کتاب آبی : محمدرضا شیرازی صفا - حاج ، ۱۰۴۹
- ترجمه منظوم چهل حدیث ترجمه جاسی (دو نسخه) : سلطان علی مشهدی ، ۳۷۹
- ترجمه نصایح منسوب به حضرت رسول بحضرت علی بن ابی طالب : شاه محمود نیشابوری
- ۴۱۰
- ترجیع بند : عبدالرشید دیلمی ، ۵۴۱
- ترجیع بندی از جاسی : علی هروی - سیر ، ۷۰۳
- تفسیر بیضاوی : محمد نرگس بن احمد ، ۱۲۶۷
- تفسیر بیضاوی : مصطفی طیبی ، ۱۳۶۳
- تفسیر کاشفی : احمد آزاد ، ۶۴
- تکملة النفحات عبدالغفور لاری : عماد حسنی سیفی - سیر ، ۷۰۹
- تهذیب المنطق : ابوالفضل ساوجی ، ۵۵
- تیمورنامه هاتفی : شاه قاسم کاتب ، ۴۰۷
- تیمورنامه هاتفی : شاه محمد دره‌بی ، ۴۰۸
- تیمورنامه هاتفی : شاه محمود نیشابوری ، ۴۱۰

تیمورنامہ ہاتفی : علاء الملک سبزواری ، ۶۰۵

تیمورنامہ ہاتفی : علی ہروی - میر ، ۷۰۳

تیمورنامہ ہاتفی : محمد رزہی ، ۱۰۳۴

تیمورنامہ ہاتفی : ہدایت اللہ شیرازی ، ۱۴۹۴

ث

ثمانیہ اسیر خسرو دہلوی : محمد سعید ہروی ، ۱۰۸۰

ج

جام جم اوحدی : حسین کلو ، ۲۷۳

جام جم اوحدی : علی ہروی - میر ، ۷۰۳

جام جم اوحدی : محمد بن فخرالدین - شیخ ، ۱۱۸۷

جامع الحکایات محمد عوفی : محمد رضا تبریزی ، ۱۰۴۰

جامع الحکایات محمد عوفی : محمد سعید لاہیجانی ، ۱۰۷۹

جامع الحکایات محمد عوفی (سہ قسم اول از دورہ کاسل) : محمد لاہیجانی - نورالدین

۱۲۲۴

جغرافیای عالم : آقا - میرزا ، ۸

جمال و جلال محمد آصفی : سلطان علی قاینی ، ۳۷۸

جنات الخلود : فتح علی تنکابنی - میرزا ، ۷۵۳

جنگ اشعار فارسی و عربی : جعفر بایسنقری ، ۱۸۱

جنگ اشعار : علی رضا کاتب ، ۶۵۹

جنگ اشعار متفرقہ : لطف اللہ بن مصطفیٰ ، ۸۱۸

جواہر التفسیر کاشفی : مقصود خاکی ، ۱۳۸۶

جوشن کبیر : محمد تقی کاتب السلطان ، ۹۴۱

جوگ : محمد حسن خفری ، ۱۲۳۱

جہانگشای جوینی : عبدالرحیم افسر ، ۵۳۲

جہانگشای جوینی (نا تمام) : علی شیرازی - میر ، ۶۷۰

جہانگیرنامہ : عبدالرحیم عنبرین قلم ، ۵۳۶

جہان نما : ابوالفتح تبریزی متخلص بہ جریحہ ، ۵۳

چ

چهارمقالہ نظامی عروضی : محمد داوری شیرازی ، ۱۰۲۰

چہل حدیث (وترجمہ فارسی آن) : سلیم نیشابوری ، ۳۹۴

- چہل حدیث (وترجمہ فارسی جامی) : شاہ محمود نیشابوری ، ۴۱۰
 چہل حدیث : محمدقلی کاتب ، ۱۲۰۶
 چہل کلمہ حضرت علی بن ابی طالب با ترجمہ منظوم حسین بن سیف الدین ہروی (سہ
 نسخہ) : شاہ محمود نیشابوری ، ۴۱۰
 چہل کلمہ منتخب از نثر اللثالی حضرت علی بن ابی طالب : شاہ محمود نیشاپوری ، ۴۱۰
 چہل کلمہ : عبدالرشید دیلمی ، ۵۴۱
 چہل کلمہ با ترجمہ : محمود ہروی شیخ ، ۱۳۳۶
 چہل مجلس علاء الدولہ سمنانی : عبدالرحیم عنبرین قلم ، ۵۳۶
 چہل کلمہ نبوی : باباشاہ اصفہانی ، ۱۳۸

ح

- حال نامہ عارفی : سلطان حسین ہروی ، ۳۷۲
 حال نامہ عارفی : عبدالکریم خوارزمی ، ۵۶۹
 حال نامہ عارفی : عبدی نیشابوری ، ۵۸۷
 حال نامہ عارفی : مرشد الدین شیرازی - شیخ ، ۱۳۴۸
 حبیب السیر : محمد تقی خاتون آبادی ، ۹۳۷
 حبیب السیر : محمد علی شیرازی - میرزا ، ۱۱۶۷
 حجة السعاده : باقر تبریزی - میرزا ، ۱۴۵
 حقایق السحر : علی نایینی ، ۶۹۷
 حقایق السحر : محمد حسین بحرانی ، ۹۷۲
 حدیقة الحقیقہ سنایی : شیخی بیک نقاش ، ۴۳۸
 حدیقة الحقیقہ سنایی : قطب الدین حسن تونی ، ۷۸۹
 حدیقة الحقیقہ سنایی : محمد تقی توپسرکانی ، ۹۳۶
 حدیقه الحقیقہ سنایی : محمد رحیم اردبیلی ، ۱۰۲۶
 حدیقة الحقیقہ سنایی : محمد قاسم بن محمد میرک حسینی ، ۱۱۹۸
 حدیقة الحقیقہ سنایی : محمد «بن» ملا میر حسینی ، ۱۲۴۷
 حدیقة الحقیقہ سنایی : مرشد الدین شیرازی - شیخ : ۱۳۴۸
 حدیقة الحقیقہ سنایی : نعم الدین اوحدی ، ۱۳۹۶
 حدیقة الشیعه : نصر اللہ تفرشی ، ۱۴۴۴
 حسن و عشق «رسالہ» : فتاحی نیشابوری ، ۷۴۹

خ

- خردنامه اسکندری : محمد اسین هروی ، ۸۹۸
- خسرو و شیرین نظامی : اظهر تبریزی ، ۱۱۱
- خسرو و شیرین نظامی : سلطان محمد نور ، ۳۸۷
- خسرو و شیرین نظامی : محمد داوری شیرازی ، ۱۰۲۰
- خسرو و شیرین وحشی : محمد محسن قاینی ، ۱۲۳۲
- خسرو و شیرین هاتفی : مظفر حسین ، ۱۳۷۲
- خلاصۃ الحساب شیخ بهایی : علی محمد لواسانی صفا ، ۶۸۹
- خلاصۃ الخمسه : عبدالغنی ، ۵۶۰
- خلدبرین : عبدالرشید دیلمی ، ۵۴۱
- خلدبرین مجد خوافی : فضل الله موسوی ، ۷۶۹
- خمسه امیر خسرو دهلوی : اظهر تبریزی ، ۱۱۱
- خمسه امیر خسرو دهلوی : خلیل جاسی ، ۳۰۰
- خمسه امیر خسرو دهلوی : سلطان علی مشهدی ، ۳۷۹
- خمسه امیر خسرو دهلوی : شاه محمود نیشابوری ، ۴۱۰
- خمسه امیر خسرو دهلوی : محمد شاه دارابی ، ۱۰۸۶
- خمسه امیر خسرو دهلوی : محمد علاء الدین ، ۱۱۴۸
- خمسه جاسی : قاسم علی شیرازی ، ۷۸۴
- خمسه جاسی : محمود رفیقی - کمال الدین هروی ، ۱۳۰۹
- خمسه خواجهی کرمانی : علی بن لطف الله معاد ، ۶۸۱
- خمسه نظامی : اسماعیل حسینی ، ۱۰۳
- خمسه نظامی : اظهر تبریزی ، ۱۱۱
- خمسه نظامی : اسین اردستانی ، ۱۲۵
- خمسه نظامی (ستن) : و خمسه امیر خسرو دهلوی (در حاشیہ) باباشاه اصفهانی ، ۱۳۸
- خمسه نظامی : پیر محمد ، ۱۷۰
- خمسه نظامی : حسین بن محمد میرک حسینی ، ۲۷۱
- خمسه نظامی : زین العابدین شیرازی ، ۳۵۵
- خمسه نظامی : سلطان محمد نور ، ۳۸۷
- خمسه نظامی : سلیم نیشابوری ، ۳۹۴
- خمسه نظامی : شادی محمد ، ۴۰۰

- خمسۀ نظامی : شاه محمود نیشابوری ، ۴۱۰
 خمسۀ نظامی : شجاع الدین ، ۴۱۲
 خمسۀ نظامی : عبدالله هروی - شیخ ، ۵۰۷
 خمسۀ نظامی : عبدالرحمن خوارزمی ، ۵۲۹
 خمسۀ نظامی : عبدالرحیم عنبرین قلم ، ۵۳۶
 خمسۀ نظامی : عبدالوهاب حجازی ، ۵۸۰
 خمسۀ نظامی (درستن) و خمسۀ اسیر خسرو دهلوی (درحاشیه) : علی تبریزی - میر

۶۳۱

- خمسۀ نظامی : محمد حسین دارالمرزی ، ۹۷۹
 خمسۀ نظامی . محمد (بن) فخرالدین - شیخ ، ۱۱۸۷
 خمسۀ نظامی (چهار نسخه) : محمد قوام شیرازی ، ۱۲۰۷
 خمسۀ نظامی : محمد کرمانی - شمس الدین ، ۱۲۱۷
 خمسۀ نظامی : محمد «بن» ملا میر حسین ، ۱۲۴۷
 خمسۀ نظامی : محمود ، ۱۲۹۱
 خمسۀ نظامی : محمود سیاوشانی ، ۱۳۱۳
 خمسۀ نظامی : محمود «بن» نظام ، ۱۳۳۱
 خمسۀ نظامی (پنج نسخه) : مرشدالدین شیرازی - شیخ ، ۱۳۴۸
 خمسۀ نظامی : نعم الدین اوحدی ، ۱۳۹۶
 خمسۀ نظامی : نعیم الدین شیرازی ، ۱۴۶۵
 خمسۀ اسیر علی شیرنوایی : اسحق محمد ، ۹۳
 خمسۀ اسیر علی شیرنوایی (ترکی - دو نسخه) : سلطان علی شهدی ، ۳۷۹
 خمسۀ اسیر علی شیرنوایی : عبدالوهاب حجازی ، ۵۸۰
 خواب نامه یوسفی : نعم الدین اوحدی ، ۱۳۹۶

۵

- دستور حکومت : مصطفی نجم آبادی ، ۱۳۷۰
 دعای صباح : عبدالکریم طباطبایی ، ۵۷۲
 دعای صباح و شرح آن : یوسف میرزا قاجار ، ۱۵۲۵
 دعای کمیل : عبدالعلی خراسانی ، ۵۴۹
 دفتر اول مثنوی مولانا : محمد شفیع شیرازی ، ۱۰۹۷
 دفتر پنجم مثنوی مولانا : سلطان علی شهدی ، ۳۷۹

- دفتر دوم سلسلۃ الذهب جاسی : محمد رزہبی ، ۱۰۳۴
- دیوان ابن یمین : حسین خوارزمی ، ۲۴۹
- دیوان ابوالفضل ساوجی : ابوالفضل ساوجی ، ۵۵
- دیوان ادیب صابر : محمد علی شیرازی - میرزاسید ، ۱۱۶۸
- دیوان اشرف : محمد سعید اشرف ، ۱۰۷۷
- دیوان امیر خسرو دہلوی ؛ سلطان علی مشہدی ، ۳۷۹
- دیوان امیر خسرو دہلوی : محمد بقال ، ۹۲۳
- دیوان امیر خسرو دہلوی : نعیم الدین شیرازی ، ۱۴۶۵
- دیوان امیر شاہی (دو نسخہ) : سلطان علی مشہدی ، ۳۷۹
- دیوان امیر شاہی : شاہ محمود نیشابوری ، ۴۱۰
- دیوان امیر شاہی : عبداللہ شیرازی ، ۴۹۶
- دیوان امیر شاہی : علی حسینی - میر ، ۶۴۳
- دیوان امیر شاہی (دو نسخہ) : علی رضا کاتب ، ۶۵۹
- دیوان امیر شاہی : عماد حسینی - میر ، ۷۱۰
- دیوان امیر شاہی : محمد بہرام ، ۹۲۶
- دیوان امیر شاہی : محمد حسین رزہبی - میر ، ۹۸۰
- دیوان امیر شاہی : محمد رضا تبریزی ، ۱۰۴۱
- دیوان امیر شاہی : محمد قاسم بن شادیشاہ ، ۱۱۹۳
- دیوان امیر شاہی : محمد قاسم قزوینی ، ۱۱۹۶
- دیوان امیر شاہی : محمد قوام شیرازی ، ۱۲۰۷
- دیوان امیر شاہی : محمد مؤمن ہروی ، ۱۲۵۵
- دیوان امیر شاہی : محمود - جلال الدین ، ۱۲۹۲
- دیوان امیر شاہی : محمود - زین الدین ، ۱۲۹۳
- دیوان امیر شاہی : محمود بن سلطان علی ، ۱۳۱۱
- دیوان امیر علی شیر نوائی (ترکی) : حسین شرعی ، ۲۵۴
- دیوان امیر علی شیر نوائی (ترکی) : سلطان علی قاینی ، ۳۷۸
- دیوان امیر علی شیر نوائی (ترکی) : سلطان علی مشہدی ، ۳۷۹
- دیوان امیر علی شیر نوائی (ترکی) : سلطان محمد خندان ، ۳۸۴
- دیوان امیر علی شیر نوائی : قاسم علی شیرازی ، ۷۸۴
- دیوان امیر علی شیر نوائی (ترکی) : محیی ہروی ، ۱۳۳۹

- دیوان امیری : حسین شہدی - شیرشرف الدین ، ۲۵۷
- دیوان انوری : حسین علی ساوجی سوزی ، ۲۳۲
- دیوان انوری : عبدالوہاب شیرازی ، ۵۸۲
- دیوان انوری : علی حافظ ، ۶۴۰
- دیوان انوری : محمد یحیی ، ۱۲۸۷
- دیوان اوحدی : علی جان ہروی ، ۶۳۹
- دیوان اوحدی : سیرک شیرازی ، ۱۴۲۹
- دیوان بابا فغانی : محمد مؤمن ، ۱۲۵۱
- دیوان بسحق اطعمہ : محمد یحیی ، ۱۲۸۷
- دیوان ثانی نوایی : قاسم علی شیرازی ، ۷۸۴
- دیوان جامی : پیر علی جامی ، ۱۶۹
- دیوان جامی : تولک باقی ، ۱۷۸
- دیوان جامی : خلیل جامی ، ۳۰۰
- دیوان جامی : شاہ محمود نیشابوری ، ۴۱۰
- دیوان جامی : علی درویش ، ۶۵۲
- دیوان جامی : علی رضا کاتب ، ۶۵۹
- دیوان جامی : محمد اسامی ہروی شیخ ، ۸۸۱
- دیوان جامی : محمد حسین بن سیف الدین علی ، ۹۸۴
- دیوان جامی : محمد حسین بن غیاث الدین علی ، ۹۹۶
- دیوان جامی (دو نسخہ) : محمد بن فخر الدین شیخ ، ۱۱۸۷
- دیوان جامی : محمود - زین الدین ، ۱۲۹۳
- دیوان جامی : مقصود تبریزی ، ۱۳۸۴
- دیوان جامی : منعم الدین اوحدی ، ۱۳۹۶
- دیوان جلایر : علی تبریزی - سیر ، ۶۵۳۱
- دیوان جمال الدین اصفہانی : عبدالغنی ، ۵۶۰
- دیوان جمال الدین اصفہانی : محمد رضا خاتون آبادی ، ۱۰۴۳
- دیوان حافظ : احمد اصفہانی ، ۶۶
- دیوان حافظ : اظہر تبریزی ، ۱۱۱
- دیوان حافظ : پیر حسین ، ۱۶۸
- دیوان حافظ : جعفر بایسنغری ، ۱۸۱

- دیوان حافظ : حسن شیرازی ، ۲۲۰
- دیوان حافظ : حسن کاتب ، ۲۳۶
- دیوان حافظ : حسین میر کلنگی ، ۲۷۲
- دیوان حافظ : زین الدین جاسی ، ۳۵۱
- دیوان حافظ : زین العابدین قزوینی ، ۳۵۹
- دیوان حافظ : سکندر ، ۳۶۸
- دیوان حافظ (دو نسخه) : سلطان علی شہدی ، ۳۷۹
- دیوان حافظ (دو نسخه) : سلطان محمد خندان ، ۳۸۴
- دیوان حافظ : سلطان محمد نور ، ۳۸۷
- دیوان حافظ (سه نسخه) : شاہ قاسم کاتب ، ۴۰۷
- دیوان حافظ : عبدالرحیم انیسوی خوارزمی ، ۵۳۳
- دیوان حافظ : عبدالرحیم عنبر بن قلم ، ۵۳۶
- دیوان حافظ : علی تقی شیرازی - میرزا ، ۷۰۰
- دیوان حافظ : عماد حسنی سیفی - میر ، ۷۰۹
- دیوان حافظ : عنایت اللہ شیرازی ، ۷۱۸
- دیوان حافظ : کمال نوربخشی نیشابوری ، ۸۰۳
- دیوان حافظ : لطف اللہ لاریجانی - سید ، ۸۱۷
- دیوان حافظ : محمد حسن بن فیروز بخت حسینی ، ۹۶۴
- دیوان حافظ (دو نسخه) : محمد حسین شیرازی کاتب السلطان ، ۹۸۹
- دیوان حافظ : محمد رحیم شہدی ، ۱۰۳۱
- دیوان حافظ : محمد رزہ بی ، ۱۰۳۴
- دیوان حافظ : محمد صالح خاتون آبادی ، ۱۱۱۴
- دیوان حافظ : محمد قاسم بن غیاث الدین ، ۱۱۹۴
- دیوان حافظ : محمد قطب الدین حسینی ، ۱۲۰۲
- دیوان حافظ : محمد قوام شیرازی ، ۱۲۰۷
- دیوان حافظ : محمد محسن مصور ، ۱۲۳۳
- دیوان حافظ : محمد مسیح شیرازی ، ۱۲۴۰
- دیوان حافظ : محمد مہدی طهرانی ، ۱۲۵۹
- دیوان حافظ : محمود نیشابوری ، ۱۳۳۴
- دیوان حافظ : مقصود بن جمشید ، ۱۳۸۵

- دیوان حسن دہلوی : جعفر بایسنغری ، ۱۸۱
- دیوان حسن دہلوی : شجاع فارسی ، ۴۱۳
- دیوان حسینی (ترکی) : خلیل تبریزی ، ۲۹۸
- دیوان حضرت علی بن ابی طالب : دوست محمد کوشوانی ہروی ، ۳۱۷
- دیوان حکیم سوری : زین العابدین قزوینی ، ۳۵۹
- دیوان حکیم سوری ضیاء لشکر دانش : محمد رضا شیرازی صفا - حاج ، ۱۰۴۹
- دیوان خاقانی : قطب الدین حسن تونی ، ۷۸۹
- دیوان خاقانی : کمال ثانی ، ۸۰۰
- دیوان خاوری : محمد صادق گلپایگانی ، ۱۱۰۹
- دیوان خطائی (شاه اسماعیل صفوی) وده نامه خطایی : یاری ہروی کاتب ، ۱۰۰۴
- دیوان رشید و طواط : علی شیرازی سیر ، ۶۷۰
- دیوان رضی الدین نیشابوری : محمد زبان اصفہانی ، ۱۰۶۴
- دیوان رودکی : ابراہیم آملی ، ۲۱
- دیوان ریاضی : روح اللہ افصحی ، ۳۴۶
- دیوان ریاضی : علی ہروی - سیر ، ۷۰۳
- دیوان سلطان ابراہیم میرزا صفوی متخلص بہ جاہی : جمال شہدی ، ۱۹۰
- دیوان سلطان احمد : صالح بن علی رازی ، ۴۴۴
- دیوان سلطان حسین میرزا بایقرا : سلطان علی شہدی ، ۳۷۹
- دیوان سلطان حسین میرزا : قاسم علی شیرازی ، ۷۸۴
- دیوان سلطان سلیم عثمانی : شہسوار سلیمی ، ۴۳۳
- دیوان سلطان سلیم عثمانی : عبدالواحد شہدی ، ۵۷۹
- دیوان سلمان ساوجی : سلطان محمد تابیادی ، ۳۸۲
- دیوان سلمان ساوجی : سلمان ہمدانی - سید ، ۳۹۲
- دیوان سوزنی : کمال ثانی ، ۸۰۰
- دیوان سہیلی : سلطان محمد نور ، ۳۸۷
- دیوان سیف اسفرنگک : کمال ثانی ، ۸۰۰
- دیوان شریف : زینب سلطان ، ۳۵۰
- دیوان شمس تبریزی : محمد بن احمد - شیخ ، ۸۵۶
- دیوان شمس تبریزی : ناصر ، ۱۴۳۵
- دیوان صائب : محمد صالح خاتون آبادی ، ۱۱۱۴

- دیوان ظهیر فارابی : عبدالرحیم افسر ، ۵۳۲
- دیوان ظهیر فارابی : غیاث الدین قاسمی ، ۷۴۴
- دیوان ظهیر فارابی : محمدباقر مازندری ، ۹۱۴
- دیوان عبدالرحمن جامی : علی جامی - غیاث الدین ، ۶۳۶
- دیوان عرفی : محمد صالح خاتون آبادی ، ۱۱۱۴
- دیوان عنصری : عبدالغفار تبریزی ، ۵۵۴
- دیوان عنصری : محمد اسماعیل بن عبدالنبی ، ۸۶۸
- دیوان «شیخ» علی نقی کمره‌ای : محمد جعفر شیرازی ، ۹۵۲
- دیوان غزلیات امیرشاهی سبزواری : سید احمد مشهدی ، ۸۴
- دیوان غزلیات و رباعیات حافظ : یعقوب کاتب ، ۱۵۱۵
- دیوان فتح علی شاه : رضی آذربایجانی - میرزا ، ۳۴۰
- دیوان فتح علی شاه (دو نسخه) : محمد مهدی طهرانی ، ۱۲۵۹
- دیوان فرخی : علی رضا شیرازی - سید ، ۶۵۶
- دیوان فرخی : محمود حکیم ، ۱۳۰۴
- دیوان فضولی بغدادی : عبدالله بن غیب الله ، ۵۰۱
- دیوان فغانی : حسین صفوی - میر ، ۲۵۶
- دیوان قآنی : محمد علی طهرانی - آقا ، ۱۱۶۹
- دیوان قاسم انوار : محمود بن سلطان علی ، ۱۳۱۱
- دیوان قبولی (فارسی و ترکی) : غیاث مجلد اصفهانی ، ۷۴۷
- دیوان قطران : محمد رضا شیرازی ، ۱۰۴۸
- دیوان کاتبی : سلطان حسین ، ۳۶۹
- دیوان کاتبی : عبدالرحمن خوارزمی ، ۵۲۹
- دیوان کاتبی : محمد بقال ، ۹۲۳
- دیوان کاتبی : یوسف کاتب ، ۱۵۲۴
- دیوان کامل جامی : سلطان علی قاینی ، ۳۷۸
- دیوان کمال الدین اسماعیل : محمد بن ملا میر حسینی ، ۱۲۴۷
- دیوان کمال خجندی : محمد علی بن یار علی ، ۱۱۸۲
- دیوان کمال خجندی : نعیم الدین شیرازی ، ۱۴۶۵
- دیوان کمال الدین اصفهانی : عبدالغنی ، ۵۶۰
- دیوان لطف الله نیشابوری : محمد سیمی نیشابوری ، ۱۰۸۵

- دیوان مانی : حیدر حسینی - سیر ، ۲۸۴
- دیوان مجد همگر : حسین بن ابوالخیر حسینی ، ۲۴۵
- دیوان مجمر : محمدرضا شیرازی صفا - حاج ، ۱۰۴۹
- دیوان سشتاقتی : عباس نایینی ، ۴۷۸
- دیوان مغربی : علی رضاشیرازی - سید ، ۶۵۶
- دیوان مغربی : محمد بن فخرالدین - شیخ ، ۱۱۸۷
- دیوان مغربی : محمود شیرازی - میرزا ، ۱۳۱۶
- دیوان منسوب به بابا کوهی : محمد ابراهیم مشکین قلم ، ۸۵۰
- دیوان میرزا علی آبادی : علی بابا شیرازی ، ۶۲۴
- دیوان ناصر خسرو : ابوالحسن منشی ، ۴۶
- دیوان ناصر خسرو : عبدالجواد عنقا ، ۵۱۷
- دیوان ناصر خسرو : عسکر بیک اردوبادی ، ۵۹۸
- دیوان ناصرالدین شاه : محمد حسین شیرازی - کاتب السلطان ، ۸۸۹
- دیوان نظام هروی : محمود - زین الدین ، ۱۲۹۳
- دیوان وفا : محمود - سید ، ۱۲۹۴
- دیوان هلالی جغتایی : حسین سهوی - سیر ، ۲۵۳
- دیوان هلالی جغتایی : قاسم - میرزا ، ۷۷۸
- دیوان هلالی جغتایی : محمد حسین کاشانی - شیخ ، ۱۰۰۰
- دیوان هلالی جغتایی : محمود سیاوشانی ، ۱۳۱۳

ذ

- ذخیره الآخره «رساله» : احمد شاملو ، ۷۶
- ذخیره الملوک سید علی همدانی : محمود رفیقی - کمال الدین هروی ، ۱۳۰۹

ر

- رافع الخلاف (حاشیه ای است بر کتاب مختلف علامه حلی) : شیخ ابراهیم بن شیخ عبدالله زاهد گیلانی ، ۱۸
- رباعیات ابوسعید ابوالخیر : محمدجان شیرازی ، ۹۴۸
- رباعیات خیام : سلطان علی مشهدی ، ۳۷۹
- رباعیات خیام : علی شیرازی - سیر ، ۶۷۰
- رباعیات خیام : عماد حسنی سیفی - سیر ، ۷۰۹

- رباعیات خیام (بامقدمه منثور) : محمدجان شیرازی ، ۹۴۸
- رباعیات خیام : محمدقوام شیرازی : ۱۲۰۷
- رباعیات خیام : محمود هروی - شیخ ، ۱۳۳۶
- رباعیات مختلف : معجزی یزدی ، ۱۳۷۷
- رباعیات میر سید محمد جامه باف : حسین میر کلنگی ، ۲۷۲
- رسالات عروض و صلوة و صد کلمه : علی نقی بن محمد نعیم همدانی ، ۷۰۲
- رساله احکام سعد و نحس در روزهای هفته : محمود بن نعیم گیلانی - غیاث الدین ،
۱۳۱۲
- رساله اسماء اعظم : سلطان علی ، ۳۷۹
- رساله ایمان شاه نعمت الله : محمد هادی ماهانی ، ۱۲۷۷
- رساله ای از بهاء الدین محمد عاملی : محمد ابراهیم بن عبدالخالق ، ۸۴۶
- رساله ای در آیین بهایی : علی اکبر میلانی ، ۶۲۱
- رساله ای در تاریخ ناصرالدین شاه : ابراهیم منشی رازی ، ۳۸
- رساله ای در توضیح کتاب اقلیدس : شیخ ابراهیم بن شیخ عبدالله زاهد گیلانی ، ۱۸
- رساله ای در حکمت : محمد ابراهیم نواب ، ۸۵۲
- رساله ای در شکایات نماز : محمد ایروانی ، ۹۰۰
- رساله ای در علم قافیه : محمد ابریشمی ، ۸۵۵
- رساله باب حادی عشر : مالک دیلمی ، ۸۲۰
- رساله خاتمیة ملاحسین کاشفی : سلطان محمود نیشابوری ، ۴۱۰
- رساله حسن و دل فتاحی نیشابوری : مالک دیلمی ، ۸۲۰
- رساله در امامت (که قاضی کر هرودی بنام شاه عباس تألیف کرده است) : محمد صالح
خاتون آبادی ، ۱۱۱۴
- رساله در شرح احوال حضرت رسول : موسی منشی گروسی ، ۱۴۰۰
- رساله در وحدت وجود : محتشم کاشانی ، ۸۲۹
- رساله سلطان علی : سلطان علی مشهدی ، ۳۷۹
- رساله شرح رباعیات خیام : محمد هادی ماهانی ، ۱۲۷۷
- رساله صفوت : علی منظوری حقیقی ، ۶۹۵
- رساله ضمیمه نه سپهر : شرف الدین عبدالواحد ، ۴۱۵

- رسالہ غدیریہ : محمد رضا کلہر - میرزا ، ۱۰۵۰
 رسالہ فیضیہ : علی نایینی ، ۶۹۷
 رسالہ کنوزالربوز : محمد رحیم شہدی ، ۱۰۳۱
 رسالہ کوچکی در علم فراست : سلطان علی شہدی ، ۳۷۹
 رسالہ گل و سل از سلطان حسین میرزا بایقرا : سلطان علی شہدی ، ۳۷۹
 رسالہ گوگرد احمر : حسن خان کاشانی - سید ، ۲۲۲
 رسالہ المعینیہ در علم ہیأت : عبدالغنی قاینی ، ۵۶۲
 رسالہ موجودات و موجودیت فارسی از میر سید شریف : محمد موسی ہروی ، ۱۲۵۵
 رسالہ نصرۃ الدین : محمد علی شیرازی - میرزا ، ۱۱۶۶
 رسالہ نورانیۃ یوسفی از محمد حسین بن حاج سلا ہادی سبزواری : محمد علی سبزواری

۱۱۶۳

- رسایل اہلی شیرازی : حسن ، ۲۱۳
 رسایل فارسی اخوان الصفا : محمد علی شیرازی - میرزا ، ۱۱۶۷
 رسم الخط مجنون رفیقی و قواعد خطوط سلطان علی : محمد بہرام ، ۹۲۶
 رفیق توفیق محمد علی قزوینی : محمد اسین سیفی - میر ، ۸۹۰
 روزنامہ میرزا محمد کلانتر (تاریخ استیلای افغانہ) دونسخہ : علی رضا شیرازی - سید

۶۵۶

- رشنایی نامہ : عبدالکریم خوارزمی ، ۵۶۹
 روضۃ الصفا (جلد اول) : حسن بن محمد ، ۲۳۸
 روضۃ الصفا (جلد پنجم) : عرب شاہ - میر ، ۵۹۴
 روضۃ الصفا : محمد بن عبداللہ ، ۱۱۴۳
 روضۃ الصفا (دورہ کامل) : محمود حکیم ، ۱۳۰۴
 روضۃ الطاہرین : محمد اسماعیل شیرازی ، ۸۶۵

ز

- زاد المسافرین : محمد صادق شیرازی ، ۱۱۰۸
 زاد المعاد (ترجمہ فارسی آن) : عباس نوری - میرزا ، ۴۷۹
 زیۃ الحقایق عین القضاۃ ہمدانی : سلطان علی قاینی ، ۳۷۸
 زیارت نامہ : محمود مستوفی نظام - میرزا ، ۱۳۲۹
 زینت المجالس : محسن گلپایگانی - سید ، ۸۳۵
 زینۃ الملوک (رسالہ) : عماد حسن سیفی - میر ، ۷۰۹

س

- سبحة لابرار جاسی : ابوتراب اصفهانی معروف به ترابا ، ۴۴
- سبحة الابرار جاسی : اسینی شهدی ، ۱۲۸
- سبحة الابرار جاسی : خواجه جان ، ۳۰۲
- سبحة الابرار جاسی : سلطان حسین جمشید ، ۳۷۱
- سبحة الابرار جاسی : سلطان محمد نور ، ۳۸۷
- سبحة الابرار جاسی : شاه محمد شهدی ، ۴۰۹
- سبحة الابرار جاسی : شاه محمود نیشابوری ، ۴۱۰
- سبحة الابرار جاسی : عبدالرحمن کاتب ، ۵۳۰
- سبحة الابرار جاسی : علی هروی - سیر ، ۷۰۳
- سبحة الابرار جاسی : عماد حسنی سیفی - سیر ، ۷۰۹
- سبحة الابرار جاسی : فرید کاتب ، ۷۶۱
- سبحة الابرار جاسی : محمد امین هروی ، ۸۹۸
- سبحة الابرار جاسی : محمد قوام شیرازی ، ۱۲۰۷
- سبحة الابرار جاسی (وطریق التحقیق) : محمود حکیم ، ۳۰۴
- سبحة الابرار جاسی : محمود هروی مذهب ، ۱۳۳۷
- سبعة امیر خسرو دهلوی : محمد بن ملا میر حسینی ، ۱۲۴۷
- سبعة جاسی : محمود - جلال الدین ، ۱۲۹۲
- ستین اسام فخر رازی : کاظم تهرانی ، ۷۹۳
- سحر حلال : محمد داوری سبزواری ، ۱۰۲۰
- سراج الغیر : هدایت الله شیرازی ، ۱۴۹۵
- سرمایه ایمان عبدالرزاق لاهیجی : عماد حسنی - سیر ، ۷۱۰
- سفرنامه دوم ناصرالدین شاه بخراسان : محمد رضا کلهر - سیرزا ، ۱۰۵۰
- سفرنامه عراق ناصرالدین شاه : زین العابدین قزوینی ، ۳۵۹
- سفرنامه فرنگستان ناصرالدین شاه : محمود فراش خلوت ، ۱۲۹۹
- سفرنامه کربلای ناصرالدین شاه «(قسمتی)» : محمد رضا کلهر - سیرزا ، ۱۰۵۰
- سفرنامه مظفرالدین شاه قاجار به فرنگ : داود گلپایگانی ، ۳۱۲
- سفینه اشعار : اظهر تبریزی ، ۱۱۱
- سلامان و ابسال جاسی : محمد امین ، ۸۸۴
- سلسله الذهب جاسی : بابا شاه اصفهانی ، ۱۳۸

- سلسلۃ الذهب جاسی : مرشد الدین شیرازی - شیخ ، ۱۳۴۸
 سلسلۃ النسب صفویہ : حاجت قلی سراغی ، ۲۰۱
 سوانح العلوم : احمد بن حسن ، ۷۲
 سوزو گداز : محمد یحیی بن رستم کیا ، ۱۲۸۸
 سیرالعباد سنایی : عیسی الہی ، ۷۲۶

ش

- شاهنامہ فردوسی : اسماعیل حسینی ، ۱۰۳
 شاهنامہ فردوسی : برهان ، ۱۵۴
 شاهنامہ فردوسی : جعفر بایسنغری ، ۱۸۱
 شاهنامہ فردوسی : خیرالدین ... ، ۳۰۸
 شاهنامہ فردوسی : حسن بن محمد حسن ، ۲۳۹
 شاهنامہ فردوسی : خلیل اللہ ہفت قلمی ، ۲۹۹
 شاهنامہ فردوسی : شاہ محمد شہدی ، ۴۰۹
 شاهنامہ فردوسی : شہر اسیر شیراز ، ۴۳۲
 شاهنامہ فردوسی : محمد ششمنقی ، ۱۰۹۶
 شاهنامہ فردوسی (دو نسخہ) : محمد قوام شیرازی ، ۱۲۰۷
 شاهنامہ فروسی : محمد مؤمن ہروی ، ۱۲۵۵
 شاهنامہ فردوسی (دو نسخہ) : محمود شوشتری کاغذی ، ۱۳۱۵
 شاهنامہ فردوسی (دو نسخہ) : مرشد الدین شیرازی ، ۱۳۴۸
 شاهنامہ فردوسی : منعم الدین اوحدی ، ۱۳۹۶
 شاهنامہ فردوسی و خمسہ نظامی : محمد بن مطہر نیشابوری : ۱۲۴۳
 شاہ و گدای ہلالی : شاہ محمود نیشابوری ، ۴۱۰
 شبستان خیال : حسام الدین - درویش ، ۲۱۱
 شرح ابراہیم نجم آبادی بر بشارۃ الشیعہ : علی نقی بن محمد تقی ، ۷۰۱
 شرح تجرید قوشچی علی بن لطف اللہ معاد : ۶۸۱
 شرح حکمۃ العین : محمد باقر شیرازی ، ۹۱۱
 شرح شمسیہ : علی محمد لواسانی صفا ، ۶۸۹
 شرح فقہ اکبر : احمد بن حسن ، ۷۲
 شرح قصیدہ نونیہ جاسی : محمد قطب الدین بن محمد تقی ، ۱۲۰۳
 شرح گلشن راز : جوری ، ۱۹۳

- شرح گلشن راز : طاهر محمد ہلالی ، ۴۶۰
- شرح گلشن راز : عبدالکریم طباطبائی ، ۵۷۲
- شرح لمعات عراقی : محمد جعفر انصاری ، ۹۵۰
- شرح مثنوی سبزواری : علی اصغر تفرشی ، ۶۱۴
- شرح معمای امیر حسین : موسی سمرقندی ، ۱۳۹۹
- شرح المکتسب فاضل جلد کی : علی محمد لواسانی صفا ، ۶۸۹
- شرف نامہ بدلیسی : میر کی ہمدانی ، ۱۴۳۲
- شش دفتر مثنوی مولانا : اظہر تبریزی ، ۱۱۱
- شش دفتر مثنوی مولانا : امین - میرزا ، ۱۲۴
- شش دفتر مثنوی مولانا : حسن علی شیراز ، ۲۳۳
- شش دفتر مثنوی مولانا : شریف کشمیری ، ۴۱۷
- شش دفتر مثنوی مولانا : عبدالاحد جاسی ، ۴۸۱
- شش دفتر مثنوی مولانا : عبدالرحمن خوارزمی ، ۵۲۹
- شش دفتر مثنوی مولانا : عبدالرشید دیلمی ، ۵۴۱
- شش دفتر مثنوی مولانا : علی بابا شیرازی ، ۶۲۴
- شش دفتر مثنوی مولانا : علی نقی شیرازی - میرزا ، ۷۰۰
- شش دفتر مثنوی مولانا : فتح علی شیرازی - میرزا ، ۷۵۴
- شش دفتر مثنوی مولانا : محمد ابراہیم اولیا سمیع ، ۸۴۵
- شش دفتر مثنوی مولانا : محمد حسین شیرازی - کاتب السلطان ، ۹۸۹
- شش دفتر مثنوی مولانا (دو نسخہ) : محمد داوری شیرازی ، ۱۰۲۰
- شش دفتر مثنوی مولانا : محمد بن فخرالدین شیخ ، ۱۱۸۷
- شش دفتر مثنوی مولانا : محمد کاظم والہ اصفہانی ، ۱۲۱۵
- شش دفتر مثنوی مولانا : محمد بہدی فراہانی ، ۱۲۶۰
- شش دفتر مثنوی مولانا : محمود بمرودی ، ۱۲۹۸
- شش دفتر مثنوی مولانا : ناصر ، ۱۴۳۵
- شفای ابن سینا : علی ہمدانی ، ۶۹۴
- شفای ابن سینا : محمد حسن خاتون آبادی ، ۱۲۳۰
- شفای ابن سینا (بیست و پنج نسخہ) : مصطفیٰ طیبی ، ۱۳۶۳
- شمس الحقایق : عسکر بیک ارودبادی ، ۵۹۸
- شمس المصیئہ : احمد بصیرت ، ۷۰

شمس المناقب : آقا - میرزا ، ۸

شہنشاہ نامہ فارسی سلطان مرادخان عثمانی : منصور شیرازی - علاءالدین ، ۱۳۹۵

شیروشکر شیخ بہاءالدین محمد عاملی : عبدالغفار ہمدانی ، ۵۵۸

شیرین و فرہاد وحشی و وصال : علی شیرازی - میر ، ۶۷۰

ص

صحیفہ سجادیہ : احمد شاملو ، ۷۶

صحیفہ سجادیہ (باترجمہ و حواشی دو نسخہ) : محتشم اصفہانی ، ۸۲۹

صحیفہ سجادیہ : محمد ابراہیم قمی ، ۸۴۹

صحیفہ سجادیہ : محمد رازی - نورالدین ، ۱۰۲۳

صحیفہ سجادیہ : محمد ہاشم طایر ، ۱۲۸۳

صدپند لقمان : خواجگی ، ۳۰۱

صدپند لقمان : رضاقلی ادیب - میرزا ، ۳۳۵

صد کلمہ حضرت علی بن ابی طالب : شاہ محمد شہدی ، ۴۰۹

صد کلمہ حضرت علی بن ابی طالب (باترجمہ منظوم) : شاہ محمود نیشابوری ، ۴۱۰

صد کلمہ حضرت علی بن ابی طالب : عبدالقادر حسینی ، ۵۶۶

صد کلمہ حضرت علی بن ابی طالب : علی نائینی ، ۶۹۷

صد کلمہ حضرت علی بن ابی طالب (باترجمہ منظوم) : علی ہروی - میر ، ۷۰۳

صد کلمہ حضرت علی بن ابی طالب : غیب اللہ اسامی ، ۷۴۸

صد کلمہ حضرت علی بن ابی طالب (باترجمہ منظوم) : محمد شرفی یزدی ، ۱۰۸۹

صد کلمہ حضرت علی بن ابی طالب : محمد کمال نیشابوری ، ۲۲۰

صد کلمہ حضرت علی بن ابی طالب (باترجمہ منظوم) : محمود گرگانی - میرزا ، ۱۳۲۶

صد کلمہ حضرت علی بن ابی طالب (باترجمہ منظوم) : محیی شیرازی ، ۱۳۳۸

صفات العاشقین ہلالی : علی ہروی - میر ، ۷۰۳

صفوة الصفی : محمد قوام شیرازی ، ۱۲۰۷

ط

طب یوسفی ہروی : علی کاتب - میر ، ۷۰۶

طرائق الحقایق : عبدالجواد نیشابوری ، ۵۱۸

طریق التحقیق : محمود حکیم ، ۱۳۰۴

طببات سعدی ، محمد نوری ، ۱۲۷۵

ظ

- ظفرنامه تیموری شرف الدین علی یزدی : حسین بن لقمان مختاری ، ۲۷۶
- ظفرنامه تیموری شرف الدین علی یزدی : سلطان علی قاینی ، ۳۷۸
- ظفرنامه تیموری شرف الدین علی یزدی : سلطان محمد نور ، ۳۸۷
- ظفرنامه تیموری شرف الدین علی یزدی : شیرعلی ، ۴۳۹
- ظفرنامه نیموری شرف الدین علی یزدی (چهار نسخه) : مرشد الدین شیرازی - شیخ ، ۱۳۴۸
- ظفرنامه تیموری شرف الدین علی یزدی : حمدالله بن مرشد ، ۲۸۱
- ظفرنامه تیموری شرف الدین علی یزدی : یعقوب بن حسن ، ۱۵۴
- ظفرنامه هاتفی (دو نسخه) : پیرعلی جاسی ، ۱۶۹
- ظفرنامه هاتفی : پیرمحمد ، ۱۷۰

ع

- عالم آرای عباسی : زین العابدین قزوینی ، ۳۵۹
- عالم آرای عباسی : هدایت الله ایموری ، ۱۴۹۱
- عجایب المخلوقات قزوینی : مرشد الدین شیرازی - شیخ ، ۱۳۴۸
- عجایب المخلوقات قزوینی : منعم الدین اوحدی ، ۱۳۹۶
- علم المحجة : عبدالرحیم تبریزی ، ۵۳۴
- عوامل فی النحو : علی محمد لواسانی صفا ، ۶۸۹
- عوامل : محمدنرگس بن احمد ، ۱۲۶۷
- عیون الحساب : محمدحسین مازندرانی ، ۱۰۰۴

غ

- غرر و درر : محمدحکیم ، ۱۰۱۳
- غزلیات امیرشاهی : سلطان علی مشهدی ، ۳۷۹
- غزلیات امیرشاهی : محمدباقر هروی - سیر ، ۹۱۷
- غزلیات امیرشاهی : محمود هروی - شیخ ، ۱۳۳۶
- غزلیات جاسی : عماد حسینی - سیر ، ۷۱۰
- غزلیات ریاحی سمرقندی : محمدحسین بن سلطان حسین ، ۹۸۳
- غزلیات سوسی : سلطان علی مشهدی ، ۳۷۹

ف

- فرهنگ جهانگیری : محمد مؤمن ، ۱۲۵۱
- فعلت فلاتلم فی الهيئة : محمد بن عبدالله ، ۱۱۴۲

- فقه شاهی : عبدالله شیرازی ، ۴۹۶
 فلک السعادة : محمدحسین بحرانی ۹۷۲
 فواتح (شرح دیوان حضرت علی بن ابی طالب) : مجنون بهبهانی ، ۸۲۷
 فواید الضیائیة : قاسم حسینی ، ۷۸۲
 فیض الدسوع : محمدرضا کلهر - سیرزا ، ۱۰۵۰

ق

- قانون الرياضة فی سبیل الهدایة : زین العابدین قزوینی ، ۳۵۹
 قرآن : احمدیار خان ، ۸۸
 قرآن : اسدالله شیرازی ، ۹۷
 قرآن : اسدالله کرمانی ، ۹۸
 قرآن : دوست محمد کوشوانی هروی ، ۳۱۷
 قرآن : شهراسیر شیرازی ، ۴۳۲
 قرآن : عبدالله شیرازی ، ۴۹۷
 قرآن (محتشای مترجم) : علی رضا شیرازی (سید) ، ۶۵۶
 قرآن (بخط علی رضا پرتو و ترجمه فارسی آن) : علی شیرازی - میر ، ۶۷۰
 قرآن : علی محمد شیرازی ۶۸۶
 قرآن : محتشم اصفهانی ، ۸۲۹
 قرآن : محراب بیک ، ۸۳۰
 قرآن : محمد ابراهیم قمی ، ۸۴۹
 قرآن : محمدحسین نورس دماوندی ، ۱۰۰۸
 قرآن : محمدشفیع ارسنجانی ، ۱۰۹۵
 قرآن : محمد شیرازی ، ۱۱۰۳
 قرآن : محمد کاتب ، ۱۲۱۰
 قرآن : محمد مهدی تبریزی ، ۱۲۵۶
 قرآن : محمود طویخانه‌یی ، ۱۳۱۸
 قرآن السعدین امیر خسرو دهلوی : سلطان محمد خندان ، ۳۸۴
 قرآن السعدین امیر خسرو دهلوی : محمد یوسف کابلی ، ۱۲۹۰
 قرابادین صالحی (تحفة الصالحین) : محمد علی جراح نظام ، ۱۱۵۸
 قصاید عربی مختلف : شاه قاسم کاتب ، ۴۰۷
 قصیده‌ای در مدح ناصرالدین شاه : حسین بن حسن ، ۲۴۷
 قصیده پیامی : عماد حسینی - میر ، ۷۱۰

قصیده عربی و ترجمه منظوم آن بفارسی : محمد اصفهانی ، ۸۷۰
قواعد خطوط (رساله منظوم) : جمال شهدی ، ۱۹۰

ک

- کاشف الغواشی (حاشیه‌ای است بر کشف) : شیخ ابراهیم بن عبدالله زاهد گیلانی ، ۱۸
کامل بهائی : محمدباقر گیلانی ، ۹۱۵
کتاب العالم : احمد بن حسن ، ۷۲
کتاب فارسی در اخلاق ، محمد فاضل : عباس نوری - میرزا ، ۴۷۹
کشکول شیخ بهایی : جمالا ، ۱۸۹
کلام الملوک : ابوالفضل ساوجی ، ۵۵
کلمات حضرت علی بن ابی طالب : عبدالجبار اصفهانی ، ۵۱۵
کلمات قصار حضرت علی بن ابی طالب : حسین فروی - کمال الدین ، ۲۷۸
کلمات قصار حضرت علی بن ابی طالب : محمدباقر (سمسوری) اصفهانی ، ۹۰۷
کلیات آثار جاسی : عبدالرحمن جاسی ، ۱۸۰
کلیات اشعار سلطان احمد جلایر : عبدالله تبریزی - سیر ، ۴۸۸
کلیات امیرعلی شیرنوازی : علی بخاری - سیر ، ۶۲۵
کلیات اوحدی : اظهر تبریزی ، ۱۱۱
کلیات اهلی شیرازی : هدایت‌الله کاتب ، ۱۴۹۷
کلیات جاسی : خلیل جاسی ، ۳۰۰
کلیات جاسی (کامل) : خواوند سالک بن سیرک ، ۳۰۴
کلیات جاسی : ظهوری ، ۴۶۵
کلیات جاسی : محمد حسین بن سیف‌الدین علی ، ۹۸۴
کلیات خاقانی : علی بخاری - فخرالدین ، ۶۲۹
کلیات خاقانی : محمد لطیف شوخی بخارایی ، ۱۲۲۵
کلیات خاقانی : معجزی یزدی ، ۱۳۷۷
کلیات خواجوی کرمانی : سلطان علی شهدی ، ۳۷۹
کلیات خواجوی کرمانی : صفرشاه - خلیفه ، ۴۵۳
کلیات داعی شیرازی : سلطان علی شهدی ، ۳۷۹
کلیات سعدی : زین‌العابدین شیرازی ، ۳۵۵
کلیات سعدی : شاه محمد شهدی ، ۴۰۹
کلیات سعدی : عبدالله شیرازی ، ۴۹۶

- کلیات سعدی : عسکریک اردوبادی ، ۵۹۸
- کلیات سعدی : علی تبریزی - میر ۶۳۱
- کلیات سعدی : علی حسینی ، ۶۴۶
- کلیات سعدی (دو نسخه) : علی محمد شیرازی ، ۶۸۶
- کلیات سعدی (دو نسخه) : علی تقی شیرازی - میرزا ، ۷۰۰
- کلیات سعدی : عنایت الله شیرازی ، ۷۱۸
- کلیات سعدی : فضل الله شیرازی - میرزا ، ۷۶۷
- کلیات سعدی : محمد جان کرمانی ، ۹۴۹
- کلیات سعدی : محمد رحیم اردبیلی ، ۱۰۲۶
- کلیات سعدی : محمد شفیع شیرازی ، ۱۰۹۷
- کلیات سعدی : محمد قوام شیرازی ، ۱۲۰۷
- کلیات سعدی : محمد کاظم واله اصفهانی ، ۱۲۱۵
- کلیات سعدی : محمد مهدی شیرازی ، ۱۲۵۸
- کلیات سعدی : محمود شیرازی - میرزا ، ۱۳۱۶
- کلیات سعدی (دو نسخه) : مرشد الدین شیرازی شیخ ، ۱۳۴۸
- کلیات سعدی : مظفر بن عبدالله ، ۱۳۷۳
- کلیات سعدی : مقصود علی شیرازی ، ۱۳۸۸
- کلیات سعدی : منعم الدین اوحدی ، ۱۳۹۶
- کلیات صائب : محمد افلاطون ، ۸۷۷
- کلیات عراقی : احمد بخاری ، ۶۸
- کلیات «حاج سید» عظیم شیروانی ، احمد بصیرت ، ۷۰
- کلیات عماد فقیه کرمانی : اظهر تبریزی ، ۱۱۱
- کلیات فتح علی خان صبا : علی اکبر تفرشی ، ۶۱۷
- کلیات قآنی : ابوالفتح تبریزی متخلص به جرعه ، ۵۳
- کلیات قآنی (قسمتی) : محمد رضا کلهر - میرزا ، ۱۰۵۰
- کلیات کاتبی : سلطان علی مشهدی ، ۳۷۹
- کلیات شفقی : محمد رضا بن سلطان محمد ، ۱۰۴۶
- کلیات وحشی : محمود بن سلیم گیلانی - غیاث الدین ، ۱۳۱۲
- کلیات هماد تبریزی : جعفر بایسنغری ، ۱۸۱
- کلیله و دسنه : باقر تبریزی - میرزا ، ۱۴۵
- کلیله و دسنه : سلطان محمد نور ، ۳۸۷

کلیله و دمنه : شرف الدین بن شهاب الدین ، ۴۱۴

کلیله و دمنه : محمد باقر تبریزی ، ۹۰۶

کلیله و دمنه : محمود بن محمد حسن ، ۱۳۲۸

کنز المصایب : محمد ابراهیم اولیاسمیع ، ۸۴۵

س

گلستان سعدی : آقا - سیرزا ، ۷

گلستان سعدی : جعفر بایسنغری ، ۱۸۱

گلستان سعدی (دو نسخه) : جعفر حسینی سبزواری ، ۱۸۳

گلستان سعدی : حسین شرعی ، ۲۵۴

گلستان سعدی : حسین میر کلنگی ، ۲۷۲

گلستان سعدی : درویش محمد ، ۳۱۴

گلستان سعدی (دو نسخه) : سلطان علی مشهدی ، ۳۷۹

گلستان سعدی : سلطان محمد نور ، ۳۸۷

گلستان سعدی : صالح نبیره ارباب ، ۴۴۵

گلستان سعدی : عبدالکریم طهرانی ، ۵۷۱

گلستان سعدی : علی اکبر دبیر السلطان ، ۶۱۸

گلستان سعدی : علی رضا کاتب ، ۶۵۹

گلستان سعدی : علی هروی : سیر ، ۷۰۳

گلستان سعدی : علی - میر ، ۷۰۷

گلستان سعدی (دو نسخه) : عماد حسنی سیفی - میر ، ۷۰۹

گلستان سعدی : گوهر شاد ، ۸۱۱

گلستان سعدی : لطف الله لاریجانی - سید ، ۸۱۷

گلستان سعدی (با ترجمه ترکی) : محترم اصفهانی ، ۸۲۹

گلستان سعدی : محمد طاهر زنجانی - سید ، ۱۱۳۱

گلستان سعدی : میرک تاشکندی ، ۱۴۲۸

گلستان و بوستان سعدی : محمد قوام شیرازی ، ۱۲۰۷

گلشن راز شبستری : عبدالرحیم افسر ، ۵۳۲

گلشن راز شبستری : عبدالرحیم انیسی خوارزمی ، ۵۳۳

گلشن راز شبستری : عماد حسنی سیفی - میر ، ۷۰۹

گلشن راز شبستری : محمود خان کاشی - ملک الشعراء ، ۱۳۲۴

گنج شایگان : محمد حسین بحرانی ، ۹۷۲

- گوی وچوگان عارفی (دونسرخه) : سلطان علی مشہدی ، ۳۷۹
گوی وچوگان عارفی : «شاہ» طہماسب اول صفوی ، ۴۶۳
گوی وچوگان عارفی : عبداللہ شیرازی ، ۴۹۶
گوی وچوگان عارفی (دونسرخه) : علی ہروی - سیر ، ۷۰۳
گوی وچوگان عارفی : محمدتر کستانی - سیرزا ، ۹۳۲
گوی وچوگان عارفی : محمدحسین ، ۹۶۸
گوی وچوگان عارفی : محمدقاسم بن شادیشاہ ، ۱۱۹۳

ل

- لباب الاختیار : نعمۃ اللہ نیشابوری شریف ، ۱۴۶۳
لب التواریخ - یحیی بن عبداللطیف قزوینی : حسن علی ، ۲۳۰
لب قصص مشنوی مولانا : اسماعیل تفرشی ، ۱۰۲
لطیفہ غیبیہ : عباس علی تفرشی ، ۴۷۲
لمعات دیوان عراقی : بہاء الدین درجزینی ، ۱۶۰
لمعات دیوان عراقی : سلطان علی قاینی ، ۳۷۸
لمعات دیوان عراقی : عارف ہروی ، ۴۶۷
لمعات دیوان عراقی : غیاث مجلداصفہانی ، ۷۴۷
لمعات دیوان عراقی و عشق نامہ : محمود شوشتری کاغذی ، ۱۳۱۵
لمعات دیوان عراقی و گلشن راز شبستری : محمود حمازی ، ۱۳۰۷
لوايح جاسی : احمد مشہدی - سید ، ۸۴
لوايح جاسی : علی ہروی - سیر ، ۷۰۳
لوايح جاسی : فتح علی شیرازی - سیرزا ، ۷۵۴
لوايح جاسی : فضل اللہ شیرازی - سیرزا ، ۷۶۷
لوايح جاسی (دونسرخه) : محمد داوری شیرازی ، ۱۰۲۰
لوايح جاسی : محمود اورنگ ، ۱۲۹۷
لوايح جاسی : محمود حکیم ، ۱۳۰۴
لوايح الاشراف سلا جلال دوانی ؛ محمد شفیع قزوینی ۱۰۹۸
لیلی و معجون ترکی فضولی بغدادی : محمد شوشتری - حاج ، ۱۱۰۲
لیلی و معجون مکتبی : علی رضا کاتب ، ۶۵۹
لیلی و معجون مکتبی : علی شیرازی - حاجی ، ۶۷۲
لیلی و معجون نظامی : علی منظوری حقیقی ، ۶۹۵

لیلی و سجنون هاتفی : علی رضا کاتب ، ۶۵۹

لیلی و سجنون هاتفی : مرشدالدین شیرازی - شیخ ، ۱۳۴۸

م

مثنویات جاسی : حسین میر کلنگی ، ۲۷۲

مثنویات جاسی : سلطان محمد کاتب ، ۳۸۵

مثنویات خواجوی کرمانی (کامل) : مرشدالدین شیرازی - شیخ ، ۱۳۴۸

مثنویات همای و همایون ، کمال نامه ، روضة الانوار خواجوی کرمانی : علی تبریزی - میر

۶۳۱

مثنوی اشترنامه : محمداساسی هروی - شیخ ، ۸۸۱

مثنوی اسیر خسرو دهلوی : جعفر حسینی سبزواری ، ۱۸۳

مثنوی پیر و جوان : علی محمد شیرازی ، ۶۸۶

مثنوی خسرو و شیرین نظامی : جعفر بایسنغری ، ۱۸۱

مثنوی خضرخانی و دولرانی اسیر خسرو : بایزید دوری - سلطان ، ۱۴۸

مثنوی خضرخان و دولرانی اسیر خسرو : محمد قوام شیرازی ، ۱۲۰۷

مثنوی روشنائی نامه منسوب به ناصر خسرو (دو نسخه) : عبدالواحد مشهدی ، ۵۷۹

مثنوی شاه و درویش هلالی (دو نسخه) : علی رضا کاتب ، ۶۵۹

مثنوی شاه و درویش هلالی : مرشدالدین شیرازی - شیخ ، ۱۳۴۸

مثنوی عشق و روح فضولی : جعفر حسینی سبزواری ، ۱۸۳

مثنوی « شیخ » عطار : اسماعیل حسینی ، ۱۰۳

مثنوی « شیخ » عطار : جهانگیر سلطانی ، ۱۹۵

مثنوی « شیخ » عطار : دوست محمد کوشوانی هروی ، ۳۱۷

مثنوی فرهاد و شیرین وحشی و وصال : محمد حسین فراهانی - سید ، ۹۹۷

مثنوی گنج زر : زین العابدین قزوینی ، ۳۵۹

مثنوی گوی و چوگان عارفی : عماد حسینی سیفی - میر ، ۷۰۹

مثنوی سولانا : احمد وقار ، ۸۷

مثنوی سولانا : خورد کاتب ، ۳۰۵

مثنوی سولانا : عبدی بخارایی - درویش ، ۵۸۶

مثنوی سولانا : محمد ابراهیم منعم ، ۸۵۱

مثنوی سولانا : محمد تقی کرمانی ، ۹۴۲

مثنوی سولانا : محمد حسین شیرازی - کاتب السلطان ، ۹۸۹

مثنوی سولانا : محمد علی قاینی پیرجندی - میرزا سید ، ۱۱۷۰

- مثنوی مولانا : محمد کوزه کنانی ، ۱۲۲۱
- مثنوی واله و سلطان : محمدرضا ، ۱۰۳۶
- مثنوی واله و سلطان : محمدرفیعی ، ۱۰۶۰
- مثنوی همای و همایون : شمس بایسنغری ، ۴۲۵
- مثنوی یوسف وزلیخای جامی : سلطان محمدنور ، ۳۸۷
- مجالس العشاق : دوست محمد کوشوانی هروی ، ۳۱۷
- مجالس العشاق : فرید کاتب ، ۷۶۱
- مجالس المؤمنین قاضی نورالله شوشتری : محمدسعید لاهیجانی ، ۱۰۷۹
- مجالس المؤمنین قاضی نورالله شوشتری : محمدصالح شهدی ، ۱۱۱۹
- مجمع الخواص و مجالس النفایس : محمدزمان خاتون آبادی ، ۱۰۶۷
- مجمع الفصحاح (در دو جلد) : آقا - میرزا ، ۸
- مجموعه اشعار : مظفر بن عبدالله ، ۱۳۷۳
- مجموعه اشعار حافظ : حسین شهدی - میرشرف الدین ، ۲۵۷
- مجموعه اشعار متفرقه : سلطان علی شهدی ، ۳۷۹
- مجموعه ای از اشعار شاهی ، خیالی ، بساطی ، طوسی ، بسحق اطعمه : سلطان علی شهدی
- ۳۷۹
- مجموعه ای از اشعار عراقی - حسینی ، اوحدی و مغربی (در دو جلد) : علی قاسمی - سید
- ۶۷۵
- مجموعه ای از دیوان حافظ و مغربی و اوحدی و غیره : محمد لاهیجانی - نورالدین ، ۱۲۲۴
- مجموعه ای از دیوان کمال خجندی و اسیر خسرو دهلوی و بساطی و عصمت بخارایی و ناصر بخارایی : حسین بن علی تونی ، ۲۵۹
- مجموعه ای از مثنویات هفت منظر . شیرین و خسرو ، لیلی و مجنون و تیمورنامه هاتفی :
- سلطان محمد نور ، ۳۸۷
- مجموعه ای از منازل القمر کاشفی و شرح بیست باب بهاء الدین محمد عاملی : عین علی ،
- ۷۲۸
- مجموعه ای مشتمل بر مثنویات اسرارنامه ، الهی نامه ، منطق الطیر ، مصیبت نامه ، وصلت نامه و مختارنامه شیخ عطار : پیرحسین ، ۱۶۸
- مجموعه غزلیات و رباعیات سعدی : لطف الله لاریجانی - سید ، ۸۱۷
- مجموعه منتخب اشعار شعرای دوره غزنوی : احمد اصفهانی ، ۶۶
- مجموعه منتخب غزلیات حافظ ، اسیر خسرو ، کمال خجندی ، حسن کاتبی ، اسیرشاهی ،

جاسی ، حافظ سعد ، اشرف ، بساطی : عبدالرحیم انیسی خوارزمی ، ۵۳۳

محررق القلوب : علی اصغر ، ۶۱۲

مخزن الاسرار نظامی : سلطان علی شہدی ، ۳۷۹

مخزن الاسرار نظامی : محمد حسین شیرازی - کاتب السلطان ، ۹۸۹

مخزن الاسرار نظامی : محمد صلاح - میر ، ۱۱۲۸

مخزن الانشاء : محمد رضا کلہر - میرزا ، ۱۰۵۰

مرآة الخيال : ابراہیم شیرازی ، ۳۱

مصطلحات الصوفیہ : صدرالدین محمد لواسانی ، ۴۴۹

مفاتیح الاعجاز لاهیجی : سلطان علی شیرازی ، ۳۷۸

مفاتیح الاعجاز لاهیجی : عنایت اللہ معین الدین محمد : ۷۱۹

مفتاح الرزق : علی شیرازی - میر ، ۶۷۱

مفتاح الرموز بمفتاح الملك : محمد رضا شیرازی صفا - حاج ، ۱۰۴۹

مفتاح الفلاح و دعای کمیل : محمد حسن حسینی دبیر الملک ، ۹۷۸

مفردات کامل میر علی تبریزی (سہ نسخہ) : علی ہروی - میر ، ۷۰۳

مفردات میر علی تبریزی : کمال بحر ، ۸۰۲

مفردات نستعلیق : مالک دیلمی ، ۸۲۰

مقالات خواجہ عبداللہ انصاری : عبدالرشید دیلمی ، ۵۴۱

مقالات خواجہ عبداللہ انصاری : محمد کاشانی - میر معزالدین ، ۱۲۱۳

مقامات حمیدی : عبدالقادر فتوحی ، ۵۶۸

مقامات حمیدی : محمد علی حسینی ، ۱۱۵۹

مقطعات ابن یمین : اظہر تبریزی ، ۱۱۱

مستان : احمد بصیرت ، ۷۰

مناجات حضرت علی بن ابی طالب : احمد قوام السلطنہ ، ۸۰

مناجات حضرت علی بن ابی طالب : اسماعیل استرابادی ، ۱۰۱

مناجات حضرت علی بن ابی طالب : عبدالوہاب شیرازی ، ۵۸۲

مناجات حضرت علی بن ابی طالب (دونسخہ) : علی محمد طہرانی ، ۶۸۸

مناجات حضرت علی بن ابی طالب : علی ہروی - میر ، ۷۰۳

مناجات حضرت علی بن ابی طالب (دونسخہ با ترجمہ فارسی) : عماد حسنی سیفی - میر

۷۰۹

مناجات حضرت علی بن ابی طالب : مالک دیلمی ، ۸۲۰

- مناجات حضرت علی بن ابیطالب : سعود مذہب کرمانی ، ۱۳۵۱
- مناجات خواجہ عبداللہ انصاری : ابوالخیر - سید ، ۴۸
- مناجات خواجہ عبداللہ انصاری : رضاقلی ادیب - سیرزا ، ۳۳۵
- مناجات خواجہ عبداللہ انصاری : سلطان علی شہدی ، ۳۷۹
- مناجات خواجہ عبداللہ انصاری : عبدالجبار اصفہانی ، ۵۱۵
- مناجات خواجہ عبداللہ انصاری : عبدالرحیم کاتب ، ۵۳۸
- مناجات خواجہ عبداللہ انصاری : علی ہروی - سیر ، ۷۰۳
- مناجات خواجہ عبداللہ انصاری (دونسرخہ) : عماد حسنی سیفی - سیر ، ۷۰۹
- مناجات خواجہ عبداللہ انصاری : محمد باقر قاجار ، ۹۱۲
- مناجات خواجہ عبداللہ انصاری : محمد حسین تبریزی ، ۹۷۳
- منتخبات اشعار حافظ : محمود عماد السلطان - سید ، ۱۳۲۰
- منتخبات اشعار فارسی متفرقہ : عبدالرحیم انیسی خوارزمی ، ۵۳۳
- منتخبات اشعار متفرقہ : محمد تقی ہروی ، ۹۴۶
- منتخبات گلستان : محمود عماد السلطان - سید ، ۱۳۲۰
- منتخب اشعار اہلی شیرازی : شاہ محمود نیشابوری ، ۴۱۰
- منتخب اشعار جامی : باباشاہ اصفہانی ، ۱۳۸
- منتخب اشعار جامی : سلطان محمد نور ، ۳۸۷
- منتخب اشعار جامی : محمد محسن ہروی ، ۱۲۳۴
- منتخب اشعار سعدی و جامی : سلطان محمد نور ، ۳۸۷
- منتخب اشعار سعدی و حافظ : علی رضا کاتب ، ۶۵۹
- منتخب اشعار صفی علی شاہ : علی منظوری حقیقی ، ۶۹۵
- منتخب اشعار متفرقہ و (اشعار خود شاہ محمود) : شاہ محمود نیشابوری ، ۴۱۰
- منتخب اشعار متفرقہ : علی رضا کاتب ، ۶۵۹
- منتخب بوستان سعدی (دونسرخہ) : شاہ محمود نیشابوری ، ۴۱۰
- منتخب بوستان سعدی : محمود کاتب ، ۱۳۲۲
- منتخب بوستان سعدی : حسین ہروی ، ۱۳۳۹
- منتخب بوستان و رباعیات جامی : محمد صالح دردسند ، ۱۱۱۵
- منتخب تفسیر منظوم : علی منظوری حقیقی ، ۶۹۵
- منتخب حدیقۃ الحقیقہ سنایی : شاہ قاسم کاتب ، ۴۰۷
- منتخب حدیقۃ الحقیقہ سنایی : عبدالرزاق قزوینی ، ۵۴۰

- منتخب حدیقة الحقیقه سنایی : محمد ابراهیم ، ۸۴۳
- منتخب حدیقة الحقیقه سنایی : محمد حسین تبریزی ، ۹۷۳
- منتخب حدیقة الحقیقه سنایی : محمد شفیع شیرازی ، ۱۰۹۷
- منتخب حدیقه و نان و حلوائی بهاء الدین عاملی و ساقی نامه ظهوری : کامران تبریزی ، ۷۹۶
- منتخب خمسہ نظامی : علی منظوری حقیقی ، ۶۹۵
- منتخب دیوان حافظ : سلطان علی مشہدی ، ۳۷۹
- منتخب دیوان فرخی : محمد گلپایگانی - میرزا ، ۱۲۲۲
- منتخب السلطان (اشعاری از حافظ و سعدی کہ ناصرالدین شاہ انتخاب کردہ است) : محمد رضا کلہر - میرزا ، ۱۰۵۰
- منتخب شاہنامہ فردوسی : محمود حکیم ، ۱۳۰۴
- منتخب شش دفتر مولانا : محمود سیاوشانی ، ۱۳۱۳
- منتخب مثنوی مولانا : شاہ قاسم کاتب ، ۴۰۷
- منتخب نثر اللہالی : صدرالدین محمد لواسانی ، ۴۴۹
- منتخبی از سبحة الابرار جامی : مالک دیلمی ، ۸۲۰
- منتخبی از کلمات حضرت علی بن ابی طالب : ہدایت اللہ زرین قلم ، ۱۴۹۲
- منشآت امیر نظام : حسین خوبی : ۲۵۱
- منطق الطیر شیخ عطار : اسد اللہ شیرازی ، ۹۷
- منطق الطیر شیخ عطار : محمد ابریشمی ، ۸۵۵
- منطق الطیر شیخ عطار : محمد رضا خوبی ، ۱۰۴۵
- منظومہ دستور مجالس نزاری قہستانی : محمد رحیم اردبیلی ، ۱۰۲۶
- منظومہ قواعد خطوط : سلطان علی مشہدی ، ۳۷۹
- سہاج العباد : ابوالبقا ، ۴۱
- سہر و سہتری عطار : ابراہیم خلیل ، ۲۹
- سہر و سہتری عطار : مرشد الدین شیرازی - شیخ ، ۱۳۴۸

ن

- ناسخ التواریخ (جلداول) : محسن گلپایگانی - سید ، ۸۳۵
- نامہ احمدی : زین العابدین قزوینی ، ۳۵۹
- نامہ دانشوران (جلد ششم) ابوالفضل ساوجی ، ۵۵
- نامہ دانشوران : طاہر ہمدانی - میرزا ، ۴۵۹
- نامہ دانشوران (جلداول) : محمد رضا شیرازی صفا - حاج ، ۱۰۴۹

- نای نی جاسی : علی ہروی - میر ، ۷۰۳
- نثر اللثالی : ابوالمعالی حسینی ، ۶۱
- نثر اللثالی : غلام حسین میرزا ، ۷۳۳
- نثر اللثالی محمد اسماعیل افشار ، ۸۶۳
- نزہۃ الارواح اسیر حسینی : عارف ہروی ، ۴۶۷
- نزہۃ العاشقین : احمد مشہدی - سید ، ۸۴
- نزہۃ العاشقین : علی ہروی - میر ، ۷۰۳
- نزہۃ القلوب (دونسخہ) : محمد تقی خاتون آبادی ، ۹۳۷
- نصاب الصبیان : شمس الكتاب ، ۴۲۶
- نصاب الصبیان : علی محمد لواسانی صفا ، ۶۸۹
- نصایح (رسالہ) : عماد حسنی سیفی - میر ، ۷۰۹
- نصایح ارسطو : نویسی ، ۱۴۷۴
- نصایح انوشیروان : غلام حسین میرزا ، ۷۳۳
- نصایح بزرگمہر وخواجہ عبداللہ انصاری و مناجات او : شاہ محمود نیشابوری ، ۴۱۰
- نصایح جاسی : محمد باقر قاجار ، ۹۱۲
- نصایح سعدی : علی محمد لواسانی صفا ، ۶۸۹
- نصایح السلاطین : تولک باقی ، ۱۷۸
- نصایح لقمان : علی ہروی - میر ، ۷۰۳
- نصایح الملوک : باباشاہ اصفہانی ، ۱۳۸
- نصیحة الملوک سعدی : آقا - میرزا ، ۷
- نصیحة الملوک در چہل باب : محمد حسن فارسی ، ۹۶۳
- نصیحت نامہ جاسی : علی نقی بن محمد تقی ، ۷۰۱
- نصیحت نامہ خواجہ عبداللہ انصاری : محمد حسن ہروی ، ۱۲۳۴
- نفایس الفنون : محمد مہدی گلپایگانی ، ۱۲۶۱
- نقحات الانس جاسی : محمود سیاوشانی ، ۱۳۱۳
- نقد الحواشی محمد ہادی شیرازی : محمد جعفر شیرازی ، ۹۵۲
- نگارستان قاضی احمد غفاری : محمد صالح خاتون آبادی ، ۱۱۱۴
- نگارستان قاضی احمد غفاری ، محمد لاہیجانی - نورالدین ، ۱۲۲۴
- نورس : خلیل اللہ شاہ - میر ، ۲۹۷
- نہایۃ الايضاح : محمد علی قاینی بیرجندی - میرزا سید ، ۱۱۷۰
- نہ سپہر اسیر خسرو دہلوی : علی ادایی ، ۶۱۰

و

وجیزه حاج سیرزا آقاسی : علی محمد لواسانی صفا ، ۶۸۹
وصایای خواجه نظام الملک : داود - شیرازی : میرزا ، ۳۱۱

ه

هدایة السبیل : علی رضا شیرازی ، سید ، ۶۵۶
هدایة الطالبین حاج ملاهادی سبزواری : عبدالصمد شکوری ، ۵۴۵
هدیة الملوک و هدایة السلوک : محمد قوام شیرازی ، ۱۲۰۷
هزارستان : محمد ابراهیم نواب ، ۸۵۲
هشت بهشت : مظفر علی شیروانی ، ۱۳۷۶
هفت اورنگ جاسی (دو نسخه) : شاه محمود نیشابوری ، ۴۱۰
هفت اورنگ جاسی : علی هروی - سیر ، ۷۰۳
هفت اورنگ جاسی : محمد اماسی هروی - شیخ ، ۸۸۱
هفت اورنگ جاسی : محمد رزهی ، ۱۰۳۴
هفت اورنگ جاسی : محمد قوام شیرازی ، ۱۲۰۷
هفت بند حسن کاشانی : عید الجبار اصفهانی ، ۵۱۵
هفت بند حسن کاشانی : عماد حسنی سیفی - سیر ، ۷۰۹
هفت پیکر نظامی : اظهر تبریزی ، ۱۱۱
هفت منظر هاتفی ، شاه محمود نیشابوری ، ۴۱۰

ی

یوسف وزلیخای جاسی : بابای حصاری ، ۱۳۵
یوسف وزلیخای جاسی : حسین سیر کلنگی ، ۲۷۲
یوسف وزلیخای جاسی : سلطان علی مشهدی ، ۳۷۹
یوسف وزلیخای جاسی ، (دو نسخه) : سلطان محمد خندان ، ۳۸۴
یوسف وزلیخای جاسی : علی جاسی - فخرالدین ، ۶۳۷
یوسف وزلیخای جاسی : علی هروی - سیر ، ۷۰۳
یوسف وزلیخای جاسی : محسن ، ۸۳۱
یوسف وزلیخای جاسی : محمد امین هروی ، ۸۹۸
یوسف وزلیخای جاسی : محمد بن خواجه حاجی ، ۱۰۱۸
یوسف وزلیخای جاسی : محمد رزهی ، ۱۰۳۴
یوسف وزلیخای جاسی (دو نسخه) : محمد قوام شیرازی ، ۱۲۰۷
یوسف وزلیخای منسوب به فردوسی : محمود شیرازی - میرزا ، ۱۳۱۶

فلاط نامه

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۵۹۸	۱۹	۹۰۹	*۹۶۹
۶۳۳	۱۲	عجایت	عجایب
۶۷۱	۶	اسقاد	استاد
۶۷۲	۱۴	فروع	فروع
۶۸۴	۵	محمد حسن	محمد حسین*
۶۹۹	۵	دانشوزان	دانشوران
۷۲۴	۶	پادشان	پادشاه
۷۲۴	۹	رابر	وابر
۷۳۲	۸	۱۳۱۰	*۱۳۱۱
۷۳۳	۷	قدرت	قدرت
۷۳۷	۱۱	حسنعلی	حسینعلی
۷۹۶	۲۲	حاسبها	حاسبیهما*
۸۵۷	۱۲	ابنته	انبته
۸۷۲	۵	المخدوسی	لمخدوسی
۸۹۱	۱۲	ععیف	ضعیف
۹۵۲	۳	تبریزق	تبریزی

* این تصحیحات به قرینه مطلب صورت گرفته است.

افتاده‌ها

در متن کتاب چندجا سنواتی است که مرحوم بیانی فرصت تکمیل آن را نیافته‌اند. اکنون بطور کلی بذکر آنها مبادرت میشود :

تاریخ	موضوع	صفحه
متوفی ۱۱۱۹	شاهزاده محمد کام بخش هندی	۸۵۳
*۱۱۰۸-۱۰۹۳	تاریخ تألیف کلمات الشعراء	۸۵۹
*حدود ۱۰۰۰	» » مجمع الخواص	۹۰۲
۸۳۸-۸۱۷	حکومت سلطان ابراهیم میرزا تیموری در فارس	۹۱۱
۹۷۴-۹۲۶	زمان سلطان سلیمان خان عثمانی	۹۳۰

* به لطف آقای دانش پژوه و با مراجعه به فهرست استوری.

۴



- ۱۳۳۷- دستگاہ لایبرنت : پرفسور اعلم - دکتر جواہری
- » ۲۰۰ ۱۳۳۸- فرهنگ اصطلاحات کشاورزی : ابوالحسن گونیلی
- ۱۳۳۹- اقتصاد عمومی (جلد دوم و چاپ دوم) : علی محمد اقتداری
- » ۱۵۰ ۱۳۴۰- سنگ شناسی عمومی رسوبی : سیروس زرعیان
- » ۱۳۰ ۱۳۴۱- هیدرولیک (جلد دوم) : فیروتیریت
- » ۶۰ ۱۳۴۲- نشانه شناسی بیماریهای گوش گلو و بینی : دکتر عبدالحسین طباطبائی
- » ۸۷ ۱۳۴۳- کلیات مفردات پزشکی : دکتر محسن مجتبائی
- » ۷۵ ۱۳۴۴- اعتبار قضیه محکوم بها در امور مدنی (چاپ دوم) : ناصر کاتوزیان
- » ۸۵ ۱۳۴۵- بیماریهای گیاه - قارچهای انگلی (جلد ششم) عزت الله خبیری
- » ۱۲۰ ۱۳۴۶- زندگی شاه عباس اول (جلد دوم ، چاپ چهارم) : نصرالله فلسفی
- » ۱۵۰ ۱۳۴۷- اصول مقدماتی پروتز : دکتر حسین نواب ، دکتر جعفر دادمنش
- » ۱۴۰ ۱۳۴۸- اصول رادیوگرافی داسپزشکی : سیدی برکشلی ، دکتر جهانگیر بهارست
- » ۱۶۰ ۱۳۴۹- الکترونیک (جلد اول ، چاپ دوم) : ناصر قلی قاجار رحیمی
- » ۱۲۰ ۱۳۵۰- فرهنگ اساطیر یونان و روم (چاپ دوم ، اثر پیر کریمال ، ترجمه احمد بهمنش
- » ۱۴۰ ۱۳۵۱- جنین شناسی (جلد دوم) : دکتر احمد شفاقی
- » ۱۲۰ ۱۳۵۲- تاریخ آل مظفر (جلد دوم) : حسن قلی ستوده
- » ۱۸۵ ۱۳۵۳- تاریخ فرهنگ ایران (چاپ چهارم) : عیسی صدیق
- » ۱۰۵ ۱۳۵۴- اقتصاد اجتماعی (جلد اول ، چاپ سوم) : شمس الدین جزایری
- » ۸۰ ۱۳۵۵- اتم درزیست شناسی (جلد اول ، چاپ دوم) : زین العابدین سلکی
- » ۱۳۵ ۱۳۵۶- درسهای آزمایشگاهی پزشکی (جلد اول) : دکتر خرسندی دکتر رفوآه ، دکتر روان شناس
- » ۱۲۰ ۱۳۵۷- تاریخ عمومی ، تفوق و برتری فرانسه (جلد دوم) : خابا با بیانی
- » ۲۴۰ ۱۳۵۸- جانور شناسی عمومی (جلد دوم) : خانم طاهرت حبیبی
- » ۱۵۰ ۱۳۵۹- اساطیر یونان و روم یا افسانه خدایان (جلد اول) : مسعود فاطمی
- » ۱۱۰ ۱۳۶۰- تاریخ جهانی (جلد دوم) : اثر دولاندلن ، ترجمه احمد بهمنش
- » ۹۵ ۱۳۶۱- فیزیک زیستی (جلد اول) : دکتر ذبیح الله عزیززی ، دکتر ابوالفضل رسوبی
- » ۱۴۰ ۱۳۶۲- مجموعه اسناد و مدارک فرخ خان امین الدوله (جلد دوم) : بکوشش کریم اصفهانیان
- » ۷۰ ۱۳۶۳- کتابداری (دفتر دوم) : زیر نظر ایرج افشار
- » ۵۰ ۱۳۶۴- زراعت (جلد سوم) : منصور عطایی
- » ۱۳۰ ۱۳۶۵- استخراج معادن (جلد پنجم) نصرالله محمودی

فہرست آخرین انتشارات دانشگاه تهران

- ۱۳۱۰ - اصول گداز و استخراج فلزات (جلد سوم، چاپ دوم): ہادی یگانہ حائری ۱۱۰ ریال
- » ۷۰ - قصہ حمزہ (حمزہ نامہ) جلد دوم: بکوشش جعفر شعار
- » ۱۹۰ - رادیوالکتریسیتہ (چاپ دوم): ناصر قلی قاجار رحیمی
- » ۱۶۰ - اصول پرورش طیور: د کتر مراد علی زہری
- » ۱۶۰ - باغبانی (جلد چہارم): حسن شیبانی
- » ۱۶۵ - حقوق بین ملل عمومی (جلد اول): تالیف روسو، ترجمہ محمد علی حکمت
- » ۸۰ - قضا د اسلام (چاپ دوم): محمد سنگلجی
- » ۱۱۰ - شرح مثنوی شریف (جلد اول): بدیع الزمان فروزانفر
- » ۱۷۰ - شیمی صنعتی آلی: محمد علی رحمتی
- » ۱۵۰ - ترجمہ فارسی شرایع الاسلام (جلد دوم): از محقق حلی بکوشش دانش پڑوہ
- » ۱۶۵ - حل المسائل آنالیز (جلد دوم): حسن عطاری نژاد
- » ۷۰ - جنایت و مکافات (جلد دوم): تالیف داستایفسکی، ترجمہ مہری آہی
- ۱۳۲۲ - اقتصاد عمومی (جلد اول، چاپ دوم): علی محمد اقتداری
- » ۱۸۰ - ریاضیات در شیمی (جلد سوم): تقی ہورفر
- » ۱۰۰ - حقوق کار و بیمہ ہای اجتماعی (چاپ دوم): شمس الدین جزایری
- » ۱۰۵ - حقوق بین ملل عمومی (جلد دوم): تالیف رھسو، ترجمہ محمد علی حکمت
- » ۸۰ - یادداشتہای قزوینی (جلد نہم): بکوشش ایرج افشار
- » ۱۳۰ - فرہنگ لغات و تعبیرات مثنوی (جلد پنجم): بکوشش سید صادق گوہرین
- » ۸۰ - فشار خون کلیوی: د کتر عبدالصمد رفعت
- » ۱۵۰ - دولپہ ہای دارویی پیوستہ گلبرگ: د کتر نامدار - د کتر مجتہائی - د کتر مسار
- » ۱۲۰ - زہر شناسی (جلد اول - چاپ دوم): د کتر جواد عطا بخش
- ۱۳۳۱ - مدیریت اسناد و فن بایگانی: جعفر بوشہری
- » ۱۲۰ - کلیات و قوانین علم شیمی (جلد سوم): محمد رضا مصطفوی رجالی
- » ۱۳۳۳ - سندرمہای بالینی گوش و گلووینی و حنجرہ: پروفیسور اعلم - د کتر مقصودی
د کتر معین زادہ
- » ۱۴۰ - مکانیک استدلالی (چاپ سوم): تقی فاطمی
- » ۱۴۰ - ۱۳۳۵ سفرنامہ (ہرات، مرو، مشہد): بکوشش قدرت اللہ روشنی زعفرانلو
- » ۶۰ - ۱۳۳۶ - بیماریہای پلیومیہلیت و درمان آن: د کتر مرتضی مشایخی